

**انتظار دفتر اقتصادی مرکز
از قانون جدید تجارت**

فهرست

شماره صفحه	
۱	انتظار دفتر اقتصادی مرکز از قانون جدید تجارت
۳	کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن
۳۷	کتاب دوم - اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری
۳۹۵	کتاب سوم - اسناد تجاری
۴۴۱	کتاب چهارم - ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

انتظار دفتر اقتصادی مرکز از قانون جدید تجارت

(۱) ثبت سهل و آنی:

قانون جدید تجارت باید بتواند تولد رسمی بنگاه‌ها و هویت حقوقی واحدهای تولیدی خدماتی و ثبت رسمی آنها را بسیار سهل، با حداقل شرایط و زمینه و حتی‌المقدور آنی و برخط نماید.

(۲) همه فعالیت‌ها رسمی و شفاف:

بر اساس قانون جدید تجارت باید همه فعالیت‌های اقتصادی مشروع، به راحتی ثبت و رسمی شوند و فعالیت کسب و کار شرعی هر شخص حقیقی یا حقوقی را که کسب و کاری مباح یا مستحب یا واجب انجام می‌دهد را به صورت رسمی و ثبت شده درآورد. از اثر بنگاه‌های چندملیتی گرفته تا فعالیت‌های خویش فرمایی، دوره گردی، دلالی‌های مجاز و... پیله‌وری‌های مرزی. به این ترتیب به جز فعالیت‌های حرام نظیر تولید و توزیع کالای قاچاق، مسکرات، آلات قمار، گوشت خوک و امثالهم، هر فعالیت اقتصادی دیگری، ثبت شده و برای حکومت و ترجیحاً دیگران شفاف باشد.

(۳) تضمین حداکثری حقوق مالکیت:

قانون جدید تجارت باید زمینه‌ای فراهم کند تا هر نوع تجاوز به حقوق مالکیت فکری و فیزیکی به شکل بازدارنده‌ای قویاً توسط حکومت سرکوب و تجاوز به مالباخته، جبران شود. از کلاهبرداری و چک برگشتی گرفته تا تحویل کالای فروخته شده برخلاف مسطوره و بی‌تعهدی در خدمات پس از فروش.

(۴) کاهش هزینه مبادله:

هزینه مبادله در اقتصاد مانند اصطکاک در فیزیک عمل می‌کند و طبعاً بهتر است هرچه کمتر شود. رویکرد قانون جدید تجارت، باید کاهش هزینه مبادله باشد یعنی هزینه‌های تجارت را سهل و مبادله کالا و پول و خدمات را سریع و راحت و ارزان کند.

(۵) تسهیل خروج از بازار:

بر اساس قانون جدید تجارت آن دسته از واحدهای تولیدی که به هر دلیلی امکان ادامه فعالیت ندارند یا ادامه کارشان، به نفع خودشان و کشور نیست، باید بتوانند به راحتی از نظر حقوقی به پایان برسند و از بازار خارج شوند. شخص حقیقی که قبلاً در ورشکستگی واحدی تولیدی یا

تجاری مؤثر بوده، باید اطلاعات عملکردی اش شفاف در اختیار همه باشد. ضمناً ویژگی‌های خاص نهادهای مالی به‌ویژه بانک‌ها در بحث خروج و ورشکستگی در قانون جدید باید لحاظ شود.

۶) تداوم هویت بین نسلی بنگاه:

قانون جدید تجارت باید بتواند هویت حقوقی بنگاه را طوری پوشش دهد و زمینه‌سازی کند تا هویت حقوقی بنگاه‌ها بتواند بلندمدت و نسل در نسل ادامه پیدا کنند.

۷) انعطاف به فناوری‌های جدید:

قانون جدید تجارت باید بتواند شکل‌های جدید واحدهای تولیدی را مطابق فناوری‌های امروز و فردا را به رسمیت شناخته و طوری منعطف باشد که با پیشرفت فناوری‌ها در آینده، بتواند شخصیت و روابط حقوقی واحد تولیدی را پوشش دهد. واحدهایی نظیر شرکت‌های نرم‌افزاری با کارکنانی در شهرها یا کشورهای مختلف، تولیدکننده‌های مجازی و صرفاً تشکیل‌دهنده زنجیره ارزش و...

۸) حاکمیت شرکتهای:

قانون جدید تجارت باید بتواند روابط هیأت مدیره و هیأت عامل و سایر ارکان که منجر به حفظ و تأمین حقوق ذی‌نفعان می‌شود را تعریف کند و از تونل‌زنی (Tunneling) و انواع منفعت‌جویی هیأت مدیره به ضرر سهامداران به نحو مؤثری پیشگیری کند.

۹) پیشگیری از تقلب، فرار مالیاتی، پول‌شویی، احتکار و انواع ناهنجاری‌های مالی - تجاری
قانون جدید تجارت باید از تقلب‌های اشخاص در تجارت به‌ویژه بحث اعسار و ورشکستگی صورتی علیه اشخاص دیگر، تغییرات صورتهای مالی جهت کاهش یا فرار مالیاتی و بیمه‌ای و... به نحو مؤثری پیشگیری کند.

توجه بسیار مهم: برای پیشگیری از تقلب و دیگر ناهنجاری‌های مالی اقتصادی، احکام قانون تجارت نباید شروع یا ادامه کسب‌وکار را مشکل کند. بلکه باید با استفاده از فناوری‌های نوین و پردازش داده‌ها و بانک‌های اطلاعاتی، متخلف را شناسایی و ضربه را دقیق و مؤثر وارد کند، نه اینکه بخواهد همه را مجازات کند یا اینکه برای پیشگیری از گناهان چشم، چشم‌ها را کور کند.

۱۰) حداقل تغییر در فرم و حتی شماره مواد نسبت به قانون موجود

برای سهولت در کار و پیشگیری از مخالفت‌ها به این دلیل.

کتاب اول

تجارت و مقررات حاکم بر آن

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
باب اول - تجار و معاملات تجاری	باب اول - تاجر و قائم مقام تجاری
ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد. ماده ۲ - معاملات تجاری از قرار ذیل است: (۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد. (۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد. (۳) هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره. (۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد. (۵) تصدی به عملیات حراجی. (۶) تصدی بهر قسم نمایشگاه های عمومی. (۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی. (۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد. (۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری (۱۰) کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.	ماده ۱ - تاجر شخصی است که برای خود به هریک از اعمال زیر اشتغال دارد: (۱) تحصیل هر نوع مال منقول اعم از مادی و غیرمادی چه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد به قصد فروش، اجاره و یا هر معامله معاوضی معاوضه ای دیگر. (۲) استیجار هر نوع مال منقول چه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد به قصد اجاره و یا هر معامله دیگر با اثر نقل منفعت یا برقراری حق انتفاع. (۳) دلالی، حق العمل کاری و نمایندگی تجاری. (۴) هر نوع فعالیت مالی و اعتباری از قبیل عملیات بانکی و صرافی. (۵) هر نوع عملیات بیمه ای به جز بیمه های اجتماعی (۶) هر نوع معامله مربوط به اوراق بهادار (۷) صدور، ظهرنویسی و تضمین چک، سفته و برات و قبول آن. (۸) تصدی هر نوع فعالیت خدماتی از قبیل: ۱ - حمل و نقل کالا و یا مسافر از طریق خشکی، آب و یا هوا. ۲ - امور مربوط به کاریابی و تأمین نیروی کار ۳ - عملیات حراجی. ۴ - اداره نمایشگاه عمومی. ۵ - اداره انبار عمومی. ۶ - عملیات بارگیری، تخلیه و یا ترخیص کالا. ۷ - اداره تأسیسات مربوط به امور رفاهی، تفریحی و یا ورزشی. ۸ - اداره سالن های برگزاری مراسم، کنفرانس و یا نمایش.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
	۸ - ۹ - اداره چاپخانه، بنگاه نشر، تایپ و یا ترجمه. ۸ - ۱۰ - اداره خبرگزاری ها و یا بنگاه های خبررسانی. ۸ - ۱۱ - ارائه خدمات پستی. ۸ - ۱۲ - ارائه خدمات تبلیغی یا فنی. ۸ - ۱۳ - اداره تأسیسات مربوط به آبرسانی، گازرسانی و یا برقرسانی ۸ - ۱۴ - امور مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل ارائه نام دامنه ملی و یا عمومی، ارائه خدمات دسترسی به شبکه های ارتباطات مخابراتی و یا رایانه ای، ارائه خدمات میزبانی و یا مراکز داده و امور مربوط به تأمین محتوای الکترونیک و یا تأمین نرم افزارهای رایانه ای ۸ - ۱۵ - عملیات ساخت در امور عمرانی از قبیل احداث ساختمان، راه و یا شبکه های آبرسانی. ۹ - هر نوع فعالیت معدنی ۱۰ - تأسیس کارخانه یا کارگاه و یا بهره برداری از آنها، برای غیر از رفع حوائج شخصی ۱۱ - تأسیس کشتارگاه، سردخانه، مجتمع کشاورزی، مجتمع پرورش حشرات و یا حیوانات از قبیل دام، طیور، آبزیان و یا بهره برداری از آنها برای غیر از رفع حوائج شخصی. ۱۲ - کشتی سازی، خرید و فروش کشتی، کشتیرانی داخلی و یا خارجی و معاملات مربوط به آنها
ماده ۲ - لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.	ماده ۲ - شرکت تجارتي تاجر محسوب می شود، هر چند موضوع فعالیت آن از اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون نباشد.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

لایحه تجارت	قانون کنونی
ماده ۳ - قائم مقام تجارتی شخصی است که تاجر او را برای انجام امور تجارتی نائب خود قرار می دهد و امضای او برای تاجر الزام آور است. قائم مقام تجارتی وکیل تاجر محسوب می شود.	ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجارتی کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً.
ماده ۴ - سمت قائم مقامی باید در دفتر ثبت تجارتی قید گردد در غیر این صورت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.	ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجارتی کسی است که ... سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً.
ماده ۵ - قائم مقام تجارتی برای انجام نیابت، کلیه اختیارات لازم را دارد. تحدید اختیارات قائم مقام تجارتی باید در دفتر ثبت تجارتی قید و در روزنامه رسمی آگهی شود در غیر این صورت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست	ماده ۳۹۶ - تحدید اختیارات قائم مقام تجارتی در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست.
ماده ۶ - تاجر می تواند دو یا چند شخص را به افراد یا به اجتماع به سمت قائم مقام تجارتی تعیین کند. هرگاه دو یا چند شخص به عنوان قائم مقام تجارتی تعیین شوند، هیچ یک از آنان نمی تواند بدون دخالت دیگری یا دیگران اقدامی انجام دهد، مشروط بر اینکه مراتب مطابق مقررات، ثبت و در روزنامه رسمی آگهی شود، در غیر این صورت قید اجتماع در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.	ماده ۳۹۷ - قائم مقام تجارتی ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته اند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.
ماده ۷ - قائم مقام تجارتی بدون اذن تاجر نمی تواند شخص دیگری را در امور مربوط به آن تجارتخانه، نائب خود قرار دهد.	ماده ۳۹۸ - قائم مقام تجارتی بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارتخانه نایب خود قرار دهد.
ماده ۸ - عزل قائم مقامی که قائم مقامی او به ثبت رسیده است باید مطابق مفاد ماده (۵) این قانون ثبت و آگهی	ماده ۳۹۹ - عزل قائم مقام تجارتی که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود	شود در غیر این صورت در مقابل شخص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
ماده ۴۰۰ - با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتی منعزل نیست با انحلال شرکت قائم مقام تجارتی منعزل است.	ماده ۹ - با فوت یا حجر تاجر یا انحلال شرکت سمت قائم مقام تجارتی پایان می یابد لکن با فوت یا حجر تاجر تا تعیین جانشین، قائم مقام تجارتی، مسؤولیت اداره و نگهداری اموال را بر عهده دارد.
	ماده ۱۰ - امین اموال غائب یا نماینده قانونی محجور که برای آنان به هریک از اعمال موضوع ماده (۱) این قانون اشتغال دارند، فقط از حیث شمول تکالیف قانونی، تاجر محسوب می شوند. این حکم درباره شخصی که برای خود به معاملات غیرمنقول اشتغال دارد نیز مجری است.
	ماده ۱۱ - دولت و سایر اشخاص حقوقی عمومی که به اعمال حاکمیتی اشتغال دارند، تاجر محسوب نمی شوند.
	ماده ۱۲ - ثبت نام تجارتی، اخذ کارت بازرگانی، اتخاذ عنوان تاجر یا تبلیغ به عنوان تاجر، اماره تاجر بودن شخص است.
ماده ۳ - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می شود: (۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک ها. (۲) کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می نماید. (۳) کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می نماید. (۴) کلیه معاملات شرکت های تجارتی.	ماده ۱۳ - کلیه معاملات بین تاجر، تجارتی محسوب می شود، مگر اینکه معامله به حوائج شخصی یکی از طرفین مربوط باشد.
ماده ۵ - کلیه معاملات تاجر تجارتی محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست.	
ماده ۴ - معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتی محسوب نمی شود.	ماده ۱۴ - معاملات غیرمنقول، تجارتی محسوب نمی شوند.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.	فصل اول - دلالی ماده ۱۵ - دلالی، واسطه‌گری در انجام معاملات در برابر اجرت است.
ماده ۳۳۶ - دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.	مبحث اول - حقوق و تکالیف دلال ماده ۱۶ - دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی کند و شخصاً نیز به سایر اعمال تجارتي بپردازد.
ماده ۳۴۱ - دلال می‌تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.	ماده ۱۷ - دلال می‌تواند در یک زمان برای چند شخص دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسائلی که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.
ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند. دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد. ماده ۶۷ قانون بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری: مؤسسات بیمه و نمایندگان و دلالان رسمی بیمه مسئول جبران خساراتی می‌باشند که در اجرای وظائفشان به سبب تقصیر و یا مسامحه آنها یا کارکنانشان به دیگران وارد آید.	ماده ۱۸ - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول خسارات ناشی از تقصیر خود است.
ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد.	ماده ۱۹ - دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد. دلال مکلف به حفظ اسراری است که به واسطه دلالی به دست می‌آورد.
ماده ۳۳۸ - دلال نمی‌تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را به‌موقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه‌نامه مخصوصی داشته باشد.	ماده ۲۰ - دلال نمی‌تواند به جای یکی از طرفین معامله وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجرا کند، مگر اینکه اجازه‌نامه مخصوص داشته باشد.
ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید	ماده ۲۱ - دلال مسئول حفظ و نگهداری کلیه اشیاء و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است.	اینکه ثابت کند تلف اشیاء یا اسناد مذکور به وی مستند نیست.
ماده ۳۴۲ - هر گاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاها و نوشتجات و اسناد مزبور است.	ماده ۲۲ - هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضاء و یا به وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن صحت و اعتبار امضاءهای مندرج در اسناد مذکور است
ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست.	ماده ۲۳ - دلال ضامن اجرای معاملاتی که به وساطت او منعقد می شود نیست
ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست.	ماده ۲۴ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به امر خود معرفی می کند، مگر اینکه در قرارداد امر و دلال، او از این مسئولیت معاف شده باشد. با این حال دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار امر خود نیست.
ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجارة دکه مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.	ماده ۲۵ - دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله مسئول است، مگر اینکه در قرارداد بین طرفین، خلاف آن مقرر گردد یا ثابت شود که دلال در این باره تقصیر ندارد.
ماده ۳۴۵ - هر گاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.	ماده ۲۶ - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدله مسئول اجرای معامله است.
ماده ۳۴۶ - در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهمیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۳۴۷ - در صورتی که دلال در معامله سهمیم باشد با امر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.	ماده ۲۷ - چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالی، ذی نفع یا سهمیم باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند در غیر این صورت مسئول خسارات وارد شده است و به جزای نقدی از یک دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می شود.
ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام	ماده ۲۸ - دلال نمی تواند برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.	یا برخلاف عرف تجارتي محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف شده نیست و به حبس تعزیری درجه شش و یک سال محرومیت از دلالی محکوم می‌شود.
ماده ۳۵۵ - حق الزحمه دلال به واسطه قرارداد مخصوصی باید معین شده باشد و الا محکمه با رجوع به اهل خبره و رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و نوع معامله حق الزحمه را معین خواهد کرد. (این ماده به موجب ماده ۱۳ قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷ نسخ شده است). ماده ۱۲ قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷ - طرز تنظیم تقاضانامه و پروانه دلالی و دفتری که دلال برای ثبت عملیات خود باید نگهداری نماید و قرارداد حق الزحمه دلال که باید بین او و کسی که به او مأموریت داده قبل از انجام مأموریت تنظیم و مبادله شود و میزان حق الزحمه دلال که نباید زائد بر میزان معین در تعرفه رسمی باشد و سایر مقررات لازم برای اجرای این قانون مطابق آئین نامه‌هایی که از طرف مقام مذکور در ماده ۱۱ تنظیم می‌شود خواهد بود.	مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های دلال ماده ۲۹ - میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود و در صورت سکوت قرارداد، تابع عرف و عادت محل اجرای دلالی است.
ماده ۳۴۸ - دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.	ماده ۳۰ - دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.
ماده ۳۵۰ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.	ماده ۳۱ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.
ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می‌کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.	ماده ۳۲ - مخارجی که دلال برای انجام دلالی و متناسب با موضوع آن متحمل می‌شود، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد دلالی ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
ماده ۳۵۴ - حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.	ماده ۳۳ - اجرت و مخارج دلال بر عهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه در قرارداد دلالی ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۳۵۲ - در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از خيارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.	ماده ۳۴ - در صورتی که معامله اقاله یا فسخ گردد، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی شود، مشروط بر اینکه اقاله یا فسخ معامله به دلال مستند نباشد.
ماده ۳۵۳ - دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.	ماده ۳۵ - دلالی معاملات ممنوع، اجرت ندارد.
ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.	فصل دوم - حق العمل کاری ماده ۳۶ - حق العمل کاری، انجام معامله به نام خود و به حساب دیگری در مقابل دریافت حق العمل است.
ماده ۳۵۹ - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.	مبحث اول - حقوق و تکالیف حق العمل کار ماده ۳۷ - حق العمل کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام مأموریت این موضوع را به فوریت به او اطلاع دهد.
ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.	ماده ۳۸ - حق العمل کار مکلف نیست اموال موضوع معامله را بیمه کند، مگر اینکه در قرارداد حق العمل کار و آمر و یا قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.	ماده ۳۹ - حق العمل کار مسئول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر او ناشی می شود.
ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) به وسایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه به عمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و إلا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود	ماده ۴۰ - اگر کالایی که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال می شود معیوب باشد، حق العمل کار باید برای حفظ حق رجوع به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت با اقدامات لازم کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند در غیر این صورت مسئول خسارت ناشی از این تفریط است.
ماده ۳۶۲ - اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف	ماده ۴۱ - چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال شده است، حق العمل کار می تواند و در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

لایحه تجارت	قانون کنونی
کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.	است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او بفروش برساند.
ماده ۴۲ - اگر فروش کالایی که برای حق العمل کار ارسال می گردد ممکن نشود و یا آمر از اجازه فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، وی می تواند آن را با نظارت دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او از طریق مزایده بفروشد. اموال سریع الفساد مشمول این حکم نیست. در هر صورت، حق العمل کار باید با اظهارنامه رسمی آمر را از این امر مطلع کند.	ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او به طریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید به او اخطاریه رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.
ماده ۴۳ - در صورتی که حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسبه بفروشد یا برای خرید، پیش پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن برعهده وی است. با وجود این، اگر فروش به نسبه یا خرید سلف در عرف و عادت تجاری محل اجرای حق العمل کاری داخل باشد، حق العمل کار به انجام آن مجاز است، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.	ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسبه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالک اگر فروش به نسبه داخل در عرف تجاری محل باشد حق العمل کار مأذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.
ماده ۴۴ - چنانچه حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است بخرد، در برابر آمر مسئول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العمل کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به آمر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.	ماده ۳۶۳ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمت یکه آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحویل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.
ماده ۴۵ - اگر حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب آمر منظور کند.	ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده بفروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.
ماده ۴۶ - در صورتی که حق العمل کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجاری و یا سایر اوراق بهاداری باشد که قیمت بازاری دارد، می تواند چیزی را که مأمور به	ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مأمور بخريد یا فروش مال التجاره یا اسناد تجاری و یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می تواند چیزی را که مأمور

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
بخرید آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خریدار نگاهدارد، مگر اینکه آمر دستور دیگری داده باشد.	خرید آن است خود به عنوان فروشنده تسلیم کند یا چیزی را که مأمور به فروش آن است خود به عنوان خریدار نگه دارد، مگر اینکه آمر دستور دیگری داده باشد.
ماده ۳۷۵ - در هر موردی که حق العمل کار شخصاً می تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.	ماده ۴۷ - در مواردی که حق العمل کار خود می تواند خریدار یا فروشنده باشد، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد خود، طرف معامله محسوب می شود.
ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.	ماده ۴۸ - اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.
ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتي بلد او را مسئول قرار دهد.	ماده ۴۹ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه در انجام معامله به اعتبار مجاز نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کند یا در قرارداد آمر و حق العمل کار مسؤولیت او مقرر شود
ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد. نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.	مبحث دوم - اجرت و هزینه های حق العمل کار ماده ۵۰ - مفاد ماده (۲۹) این قانون درباره میزان حق العمل نیز مجری است. حق العمل کار در صورتی مستحق حق العمل است که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن به آمر مستند باشد. اگر معامله به علل دیگری اجرا نشود، حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف و عادت تجارتي محل اجرای حق العمل کاری معین می کند.
ماده ۳۶۸ - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعدۀ که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً حق العمل کار مسترد شود. حق العمل کار می تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد.	ماده ۵۱ - مخارجی که حق العمل کار برای انجام حق العمل کاری و متناسب با موضوع آن هزینه می کند، حتی در صورت عدم استحقاق حق العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مأمور بخريد يا فروش مال التجاره يا اسناد تجارتي و يا ساير اوراق بهاداري باشد كه مظنه بورسي يا بازاری دارد می تواند چیزی را كه مأمور بخريد آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسليم بكند و يا چیزی را كه مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خريدار نگاه دارد مگر اينكه آمر دستور مخالفی داده باشد. ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حق العمل كار بايد قيمت را بر طبق مظنه بورسي يا نرخ بازار در روزی كه وكالت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت كه هم حق العمل و هم مخارج عاديّه حق العمل كار را برداشت كند.	ماده ۵۲ - در مورد ماده (۴۶) این قانون حق العمل کار مستحق حق العمل و مخارج عادی حق العمل کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق العمل کاری منظور کند.
ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی كه به حساب آمر قيمتی علاوه بر قيمت خريد و يا کمتر از قيمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود - بعلاوه در دو صورت اخير آمر می تواند حق العمل كار را خريدار يا فروشنده محسوب كند. تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی كه برای خيانت در امانت مقرر است نيست.	ماده ۵۳ - در صورت تقلب حق العمل کار و به خصوص در موردی كه حق العمل كار به حساب آمر قيمتی بيشتر از قيمت خريد يا کمتر از قيمت فروش محسوب كند، مستحق حق العمل نيست و به حبس تعزیری درجه شش محكوم می شود. علاوه بر اين در دو صورت اخير آمر می تواند حق العمل كار را خريدار يا فروشنده محسوب كند.
ماده ۳۷۱ - حق العمل كار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی كه موضوع معامله بوده و يا نسبت به قيمتی كه اخذ کرده - حق حبس خواهد داشت.	ماده ۵۴ - حق العمل كار برای وصول مطالبات خود از آمر می تواند اموال موضوع معامله يا قيمتی را كه اخذ کرده است حبس كند.
	فصل سوم - نمایندگی تجاری ماده ۵۵ - نمایندگی تجاری عبارت است از انجام مذاكرات مقدماتی، انعقاد قرارداد و يا ارائه خدمات پس از اجرای قرارداد به نام و به حساب دیگری در مقابل دریافت اجرت، بدون اينكه نماینده، مستخدم يا اجير طرف ديگر باشد.
	ماده ۵۶ - نمایندگی تجاری تابع مقررات این فصل است، مگر اينكه قانون ترتیب دیگری را مقرر كند.
	مبحث اول - حقوق و تكالیف طرفین نمایندگی تجاری

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
	ماده ۵۷ - نماینده تجارتي می تواند نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد، به صراحت از قبول نمایندگی دیگری منع شود.
	ماده ۵۸ - اعطاکننده نمایندگی می تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجارتي اعطاء و یا خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر اینکه با نماینده تجارتي به نحو دیگری توافق کرده باشد.
	ماده ۵۹ - نماینده تجارتي و اعطاکننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند. اطلاعات مربوط به اسرار حرفه ای از شمول این حکم مستثنی است.
	ماده ۶۰ - نماینده مسئول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاکننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او نبوده است.
	ماده ۶۱ - در صورت عدم ایفای تعهدات قراردادی از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجارتي، متخلف مسئول جبران زیان های وارد شده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود زیان دیده باید ظرف یک سال از تاریخ قطع رابطه، برای مطالبه خسارات وارد شده به طرف مقابل مراجعه کند.
	ماده ۶۲ - قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده تجارتي به آنها مربوط می شود، محدود باشد. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.
	ماده ۶۳ - مفاد مواد (۴) الی (۹) این قانون در مورد نمایندگی تجارتي نیز مجری است.

قانون کنونی	لایحه تجارت
	مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های نماینده تجاری ماده ۶۴ - مفاد مواد (۲۹) و (۳۲) این قانون در مورد اجرت و هزینه‌های نماینده تجاری نیز مجری است. نماینده تجاری حسب اینکه موضوع نمایندگی انجام مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد یا ارائه خدمات پس از اجرای قرارداد باشد، به ترتیب به محض انعقاد قرارداد به وسیله اعطاکننده نمایندگی، اجرای قرارداد یا ارائه خدمت به وسیله نماینده، مستحق اجرت می‌شود. چنانچه عدم انعقاد یا اجرای قرارداد مستند به اعطاکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می‌شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجرا می‌گردید مستحق اجرت می‌شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجرا نشود، نماینده تجاری برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف و عادت محل اجرای نمایندگی معین می‌کند.
	ماده ۶۵ - اگر اعطاکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از رد، عدم انعقاد یا عدم اجرای قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.
	ماده ۶۶ - پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجاری حسب مورد، بابت انعقاد یا اجرای قراردادهایی که در مدت متعارفی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی و در نتیجه فعالیت‌های نماینده منعقد یا اجرا می‌شوند مستحق اجرت است.
	ماده ۶۷ - چنانچه طبق ماده (۶۶) این قانون نماینده تجاری سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاکننده نمایندگی استحقاق اجرت را ایجاب کند.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
	ماده ۶۸ - اعطاکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرت‌های پرداخت‌نشده را به نماینده تجاری تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه می‌شود. نماینده تجاری می‌تواند به‌منظور بررسی مبلغ اجرت‌های پرداخت‌نشده از اعطاکننده نمایندگی همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط را مطالبه کند.
	ماده ۶۹ - اگر قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شود و طرفین پس از انقضای مدت قرارداد، آن را ادامه دهند، نماینده مستحق اجرتی است که در زمان نمایندگی بین او و اعطاکننده نمایندگی مقرر بوده است، مگر اینکه بر اساس عرف و عادت محل اجرای نمایندگی، مستحق میزان اجرت دیگری باشد.
ماده ۳۷۷ - متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را به عهده می‌گیرد.	فصل چهارم - تصدی حمل و نقل ماده ۷۰ - تصدی حمل و نقل عبارت از تصدی حمل مسافر و یا کالا از محلی به محل دیگر در مقابل اجرت است
ماده ۳۹۴ - حمل و نقل به‌وسیله پست تابع مقررات این باب نیست.	ماده ۷۱ - حمل و نقل به‌وسیله پست تابع مقررات این فصل نیست.
	ماده ۷۲ - معاهدات بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته است به‌موجب مواد این فصل نسخ نمی‌گردد.
ماده ۳۸۸ - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد - بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.	مبحث اول - حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل ماده ۷۳ - متصدی حمل و نقل مطابق این قانون مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل رخ می‌دهد، اعم از اینکه خود مباشر حمل و نقل باشد یا دیگری را مأمور کند. متصدی حمل و نقل طبق قوانین و مقررات حق رجوع به حمل کننده و یا متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور می‌شود را دارد.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

لایحه تجارت	قانون کنونی
ماده ۷۴ - اگر بسته‌بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل و نقل نیز کالا را بدون قید عدم مسئولیت قبول کند، مسئول خسارت است.	ماده ۳۸۱ - اگر عدل‌بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.
ماده ۷۵ - اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول بدل آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن کالا به جنس آن و یا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از تعلیمات یکی از آنها می‌باشد و یا به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل دفع، مستند است. طرفین می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی کمتر یا بیشتر از قیمت کامل کالا را معین کنند.	ماده ۳۸۶ - اگر مال‌التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال‌التجاره یا مستند به تقصیر ارسال‌کننده و یا مرسل‌البه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال‌التجاره معین نماید.
ماده ۷۶ - متصدی حمل و نقل در سایر خسارات وارد شده از جمله خسارات ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص کالا، در حدود ماده (۷۵) این قانون مسئول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، خلاف این ترتیب مقرر شده باشد.	ماده ۳۸۷ - در مورد خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال‌التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود. خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال‌التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.
ماده ۷۷ - چنانچه کالا بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوایی علیه متصدی حمل و نقل جز در مورد تدلیس و یا تقصیر عمده پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی حمل و نقل مسئول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را به‌فوریت پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا هفت روز بعد از تحویل گرفتن کالا ارسال شود.	ماده ۳۹۱ - اگر مال‌التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل‌البه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی به مال‌التجاره ممکن بود به‌عمل آید و یا بایستی به‌عمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال‌التجاره داده شود.
ماده ۷۸ - متصدی حمل و نقل باید به‌محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند	ماده ۳۸۹ - متصدی حمل و نقل باید به‌محض وصول مال‌التجاره مرسل‌البه را مستحضر نماید.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۳۸۴ - اگر مرسل‌الیه مال‌التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال‌التجاره تأدیه نشود و یا به مرسل‌الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال‌کننده رسانیده و مال‌التجاره را موقتاً نزد خود به‌طور امانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عین به عهده ارسال‌کننده خواهد بود. اگر ارسال‌کننده و یا مرسل‌الیه در مدت مناسبی تکلیف مال‌التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را به فروش برساند.	ماده ۷۹ - اگر گیرنده، کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل‌ونقل بابت کالا تأدیه نشود، متصدی حمل‌ونقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به‌طور موقت نزد خود به‌عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه‌ها و خسارات ناشی از هر نقص و عیب بر عهده فرستنده است.
ماده ۳۸۴ - اگر مرسل‌الیه مال‌التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال‌التجاره تأدیه نشود و یا به مرسل‌الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال‌کننده رسانیده و مال‌التجاره را موقتاً نزد خود به‌طور امانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عین به عهده ارسال‌کننده خواهد بود. اگر ارسال‌کننده و یا مرسل‌الیه در مدت مناسبی تکلیف مال‌التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را به فروش برساند. ماده ۳۸۵ - اگر مال‌التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی‌العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند.	ماده ۸۰ - اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (۷۹) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا قیمتی که برای کالا می‌توان فرض کرد مخارجی را که برای آن شده است تکافو نکند، متصدی حمل‌ونقل باید به‌فوری مراتب را به دادستان محل وقوع کالا اطلاع دهد و با نظارت او آن را بفروشد. متصدی حمل‌ونقل در صورت امکان باید فرستنده و گیرنده را از موضوع فروش کالا مطلع کند.
ماده ۳۸۵ - اگر مال‌التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی‌العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند.	ماده ۸۱ - اگر کالا در معرض ضایع شدن سریع باشد، متصدی حمل‌ونقل باید به‌فوری مراتب را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۳۹۳ - نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است - مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل‌الیه تسلیم شده.	ماده ۸۲ - دعاوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل حداکثر باید ظرف یک سال اقامه شود. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم شدن کالا یا تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می‌گردید و در مورد خسارات ناشی از نقص کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم شده است.
	ماده ۸۳ - متصدی حمل و نقل مسئول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر و یا حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل دفع مستند است. در مورد خسارات وارده بر کالاهای مسافران رعایت مواد (۷۴) تا (۷۷) و ماده (۸۲) این قانون الزامی است.
ماده ۳۷۹ - ارسال‌کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند: آدرس صحیح مرسل‌الیه - محل تسلیم مال - عده عدل یا بسته و طرز عدل‌بندی - وزن و محتوی عدل‌ها - مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود - راهی که حمل باید از آن راه به عمل آید - قیمت اشیائی که گرانبها است. خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها به غلط متوجه ارسال‌کننده خواهد بود.	مبحث دوم - حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا ماده ۸۴ - فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد: ۱ - هویت و نشانی دقیق گیرنده ۲ - محل تسلیم کالا ۳ - تعداد بسته‌ها و روش بسته‌بندی ۴ - وزن و محتوای بسته‌ها ۵ - زمان مقرر برای تسلیم کالا به گیرنده ۶ - مسیر حمل کالا ۷ - فهرست اشیای گرانبها و قیمت آنها ۸ - خطرات احتمالی ناشی از حمل کالاهای خطرناک و دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها تبصره - خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور و یا اطلاع‌رسانی نادرست بر عهده فرستنده است.
ماده ۳۸۰ - ارسال‌کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره به طرز مناسبی عدل‌بندی شود - خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل‌بندی به عهده ارسال‌کننده است.	ماده ۸۵ - مسؤولیت بسته‌بندی مناسب کالا و خسارات ناشی از عیوب بسته‌بندی بر عهده فرستنده است.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۳۸۲ - ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد.	ماده ۸۶ - فرستنده می تواند تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت اجرت المسمی و مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده است، مسترد کند.
ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند: ۱ - در صورتی که بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد. ۲ - در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد. ۳ - در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد. ۴ - در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد.	ماده ۸۷ - در موارد زیر فرستنده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده (۸۶) این قانون استفاده کند: ۱ - فرستنده بارنامه ای تهیه و متصدی حمل و نقل آن را به گیرنده تسلیم کرده باشد. ۲ - متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند . ۳ - متصدی حمل و نقل پس از رسیدن کالا به مقصد به گیرنده اعلام کند که کالا به مقصد رسیده است و باید آن را تحویل گیرد. ۴ - گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کند. ۵ - در بارنامه شرط شود که حق استرداد کالا به گیرنده منتقل شده است.
ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند: ۱ - در صورتی که ... در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد	ماده ۸۸ - متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (۸۷) این قانون باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. با این حال در بند (۲) ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل و نقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، تا اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شود.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

لایحه تجارت	قانون کنونی
	نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد.
ماده ۸۹ - اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت کالا مطالبه می کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند.	ماده ۳۹۰ - اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.
ماده ۹۰ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا در صورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از وضع کالا انجام گیرد.	ماده ۳۹۲ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیت دار محل می تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی الاقتضاء فروخته شود در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده به عمل آید. به وسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعا می شود و یا سپردن آن به صندوق عدلیه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.
باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر فصل اول - تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری ماده ۹۱ - تاجر مکلف به داشتن دفاتر زیر است و باید آنها را مطابق مقررات این قانون و براساس استانداردهای حسابداری تنظیم و از پایان هر سال تا ده سال تمام نگهداری کند: ۱ - دفتر روزنامه ۲ - دفتر کل ۳ - دفتر دارایی ۴ - دفتر ثبت مکاتبات	
	ماده ۶ - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد: (۱) دفتر روزنامه. (۲) دفتر کل. (۳) دفتر دارایی. (۴) دفتر کپی. همچنین در خصوص تکلیف به نگهداری دفاتر روزنامه و دفتر کل به منظور تشخیص درآمد مشمول مالیات به مواد ۹۵ و ۹۶ قانون مالیات های مستقیم رجوع شود.
ماده ۹۲ - دفتر روزنامه دفتری است که کلیه معاملات تاجر، عملیات مربوط به اوراق تجاری شامل صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت و هویت و نشانی دقیق اشخاصی که	ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
به طور کلی جميع واردات و صادرات تجارتي خود را بهر اسم و رسمي که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.	اسناد مذکور به نفع آنها صادر، قبول، ظهرونیسی یا ضمانت می شود و وجوهی که تاجر برای مخارج شخصی خود برداشت می کند، همه روزه و با تمام جزئیات در آن ثبت می شود. ثبت معاملات مربوط به حوائج شخصی تاجر در دفتر روزنامه الزامی نیست.
ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.	ماده ۹۳ - دفتر کل دفتری است که مندرجات دفتر روزنامه به طور خلاصه و به تفکیک موضوع در آن ثبت می شود. این امر باید حداقل هر ماه یکبار انجام شود.
ماده ۹ - دفتر دارائی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را بریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.	ماده ۹۴ - دفتر دارایی دفتری است که صورت جامعی از کلیه دارایی های منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته تاجر با تمام جزئیات در آن ثبت و به وسیله تاجر امضاء می شود. تنظیم دفتر دارایی برای هر سال الزامی است و این امر باید حداکثر تا پایان فروردین سال بعد انجام شود.
ماده ۱۰ - دفتر کپیہ دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.	ماده ۹۵ - دفتر ثبت مکاتبات دفتری است که کلیه مراسلات، مخابرات و صورتحسابهای صادر و وارد شده تاجر به ترتیب تاریخ در آن ثبت می شود.
ماده ۱۰ - دفتر کپیہ دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید. تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.	ماده ۹۶ - تاجر باید کلیه مراسلات، مخابرات و صورتحسابهای خود را، حسب مورد، به ترتیب تاریخ صدور یا ورود در لفاف مخصوصی ضبط و از پایان هر سال تا ده سال تمام نگهداری کند.
ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیہ قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیہ امضاء مزبور لازم نیست ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت	ماده ۹۷ - دفاتر مذکور در ماده (۹۱) این قانون به استثنای دفتر ثبت مکاتبات قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود، به وسیله نماینده اداره ثبت امضاء می شود. برای دفتر ثبت مکاتبات امضای مذکور لازم نیست، ولی اوراق آن باید شماره ترتیبی داشته باشند. در موقع تجدید سالانه هر دفتر رعایت حکم این ماده الزامی است.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.	
ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می‌شود باید دارای شماره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء باید صفحات دفتر را بشمارد و در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به هویت صاحب دفتر بنویسد و با قید تاریخ، امضاء کند و دو طرف قیطان را با مهر سربی که به وسیله وزارت دادگستری تهیه می‌شود منگنه نماید. کلیه اعداد حتی تاریخ باید با حروف نوشته شود.	ماده ۹۸ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می‌شود باید دارای شماره ترتیبی و قیطان کشیده باشد. متصدی امضاء باید صفحات دفتر را بشمارد و در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به هویت صاحب دفتر بنویسد و با قید تاریخ، امضاء کند و دو طرف قیطان را با مهر سربی که به وسیله وزارت دادگستری تهیه می‌شود منگنه نماید. کلیه اعداد حتی تاریخ باید با حروف نوشته شود.
ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاهدارد.	ماده ۹۹ - کلیه معاملات تاجر و عملیات مربوط به اوراق تجارتي باید به ترتیب تاریخ در صفحات دفاتر مذکور نوشته شود. جای خالی گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است یا هرگونه جعل از قبیل تراشیدن، حک کردن، پاک کردن و نوشتن در حاشیه و یا بین سطور ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.
	ماده ۱۰۰ - تاجر برای هر یک از معاملات خود که ثبت آن در دفتر روزنامه الزامی است، باید صورتحسابی صادر و با قید تاریخ امضاء کند. اگر طرفین معامله تاجر باشند، صدور صورتحساب به وسیله یکی از طرفین کافی است. دفاتر تاجری که برای معاملات موضوع این ماده صورتحساب ارائه نمی‌کند، نامرتب محسوب می‌شود.
ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می‌تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.	ماده ۱۰۱ - متخلف از مفاد مواد (۹۱)، (۹۶)، (۹۷) و (۹۸) این قانون متناسب با میزان گردش مالی به جزای نقدی از درجه هفت تا درجه سه محکوم می‌شود. علاوه بر این، شخصی که مطابق ماده (۹۹) هر یک از عملیات مربوط به اوراق تجارتي و معاملات خود را در دفاتر تجارتي درج نکند و یا مطابق ماده (۱۰۰) برای هریک از معاملات خود صورتحساب صادر ننماید، به جزای نقدی از یک‌هشتم تا

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
	یک چهارم ارزش معامله‌ای که باید در دفتر درج یا برای آن صورت حساب صادر می‌شد، محکوم می‌گردد. دادگاه می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد. مفاد این ماده مانع اعمال مقررات مربوط به تاجری که دفتر مرتب ندارد، نمی‌شود.
	ماده ۱۰۲ - نحوه تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری و صورت حساب معاملات به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به وسیله وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در مواردی که به موجب این مقررات دفاتر تجاری باید به صورت الکترونیکی تنظیم شوند، تنظیم آنها به صورت غیر الکترونیکی یا به نحوی که مطابق مقررات مذکور صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها مورد خدشه باشد در حکم عدم تنظیم است. رعایت مفاد ماده (۹۸) این قانون در مورد دفاتر الکترونیکی الزامی نیست. تبصره - کلیه شرکت‌های تجاری باید دفاتر موضوع ماده (۹۱) این قانون را مطابق مقررات مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کنند. شرکت‌های تعاونی غیر سهامی روستایی مشمول این ماده نیستند.
قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات بعدی در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: ماده ۹۴ - درآمد مشمول مالیات مؤدیان موضوع این فصل که دارای دفاتر قانونی هستند عبارت است از کل فروش کالا و خدمات به اضافه سایر درآمدهای آنان که مشمول مالیات فصول دیگر شناخته نشده پس از کسر هزینه‌ها و استهلاکات مربوط طبق مقررات فصل هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات. ماده ۹۵ - صاحبان مشاغل موضوع این فصل مکلفند اسناد و مدارک مثبت کافی برای تشخیص درآمد مشمول مالیات خود نگهداری کنند. صاحبان مشاغل از لحاظ	ماده ۱۰۳ - درآمد مشمول مالیات تاجر مشروط بر آنکه دفاتر تجاری مطابق مقررات این قانون مرتب شود فقط بر اساس مندرجات آن دفاتر تشخیص می‌شود. مأموران مالیاتی باید هر گونه تخلف از مقررات مواد (۹۱)، (۹۶)، (۹۷)، (۹۸)، (۹۹) و (۱۰۰) این قانون را به دادستان محل اقامت تاجر گزارش کنند در غیر این صورت به انفصال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می‌شوند. فهرست مشاغلی که به موجب این قانون باید دفاتر تجاری تنظیم کنند ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
تشخیص درآمد مشمول مالیات به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند: الف - صاحبان مشاغلی که به موجب این قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر روزنامه و کل موضوع قانون تجارت هستند و باید دفاتر و اسناد و مدارک مربوط را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری نگاهداری کنند. ب - صاحبان مشاغلی که بر حسب این قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر درآمد و هزینه می‌باشند. نمونه‌های دفاتر مذکور توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌گردد و در دسترس قرار می‌گیرد. ج - صاحبان مشاغلی که مشمول مقررات بندهای (الف) و (ب) فوق نیستند مکلفند صورت خلاصه وضعیت درآمد و هزینه خود را طبق ضوابط و نمونه‌های تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور نگاهداری کنند. تبصره ۱ - سازمان امور مالیاتی کشور در صورت تشخیص ضرورت تا پایان دی ماه هر سال فهرست مشاغل افزوده شده به بندهای (الف) و (ب) ماده (۹۶) و مشمول از آغاز سال بعد را تهیه و از طریق تشکلهای صنفی و درج آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به مؤدیان اعلام می‌دارد. تبصره ۲ - آیین‌نامه مربوط به روش‌های نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک و نحوه ثبت وقایع مالی و چگونگی تنظیم صورت‌های مالی نهایی بر اساس نوع فعالیت و همچنین رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده	صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

قانون کنونی	لایحه تجارت
حسابداری توسط سازمان امور مالیاتی کشور با کسب نظر از جامعه حسابداران رسمی تهیه و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید. ماده ۴۰ - ماده (۹۶) و تبصره‌های (۱) و (۳) آن به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۹۶ - الف - صاحبان مشاغل موضوع بند (الف) ماده (۹۵) این قانون عبارتند از: ۱ - دارندگان کارت بازرگانی و کلیه واردکنندگان و صادرکنندگان. ۲ - صاحبان کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی که برای آنها جواز تأسیس و پروانه بهره‌برداری از وزارتخانه ذی‌ربط صادر شده یا می‌شود. ۳ - بهره‌برداران معادن. ۴ - صاحبان مؤسسات حسابرسی، حسابداری و دفترداری، خدمات مالی و ارائه‌دهندگان خدمات مدیریتی، مشاوره‌ای، انفورماتیک، رایانه‌ای اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و طراحی سیستم. ۵ - صاحبان مراکز آموزشی و پرورشی، آموزشگاه‌های آزاد، مدارس غیرانتفاعی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. ۶ - صاحبان بیمارستان‌ها، زایشگاه‌ها، آسایشگاه‌ها، درمانگاه‌ها و خانه‌های سالمندان. ۷ - صاحبان هتل‌ها و هتل‌های سه ستاره و بالاتر. ۸ - بنکداران، عمده فروش‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، واسطه‌های مالی، نمایندگان توزیع کالاهای داخلی و وارداتی و صاحبان انبارها. ۹ - نمایندگان مؤسسه‌های تجاری و صنعتی، اعم از داخلی و خارجی.	

قانون کنونی	لایحه تجارت
۱۰ - صاحبان مؤسسات حمل و نقل موتوری، زمینی، دریایی و هوایی اعم از مسافری یا باربری. ۱۱ - صاحبان مؤسسات مهندسی و مهندسی مشاور. ۱۲ - صاحبان مؤسسات تبلیغاتی و بازاریابی. ب - صاحبان مشاغل موضوع بند (ب) ماده (۹۵) این قانون عبارتند از: ۱ - صاحبان کارگاه‌های صنعتی. ۲ - صاحبان مشاغل ساختمانی، تأسیسات فنی و صنعتی، نقشه‌کشی، نقشه‌برداری، محاسبات فنی و نظارت. ۳ - چاپخانه‌داران، لیتوگراف‌ها، صحاف‌ها، ارائه دهندگان خدمات چاپ و گرافیک‌ها. ۴ - صاحبان مراکز ارتباطات رایانه‌ای. ۵ - وکلا، کارشناسان، مترجمان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی، حسابداران رسمی و اعضای سازمان‌های نظام مهندسی. ۶ - محققان، پژوهشگران و کارشناسان آزاد که به تهیه و ارائه طرح‌های تحقیقاتی اشتغال دارند. ۷ - دلالان، حق‌العمل کاران و کارگزاران. ۸ - صاحبان مراکز فرهنگی - هنری، فرهنگ سرای‌ها، کانون‌های حرفه‌ای و انجمن‌های صنفی و تخصصی. ۹ - صاحبان سینماها، تماشاخانه‌ها و مکان‌های تفریحی و ورزشی. ۱۰ - صاحبان مشاغل فیلم‌برداری، دوبلاژ، مونتاژ و سایر خدمات سینمایی. ۱۱ - پزشکان و دندانپزشکان که دارای مطب هستند و دامپزشکان که به حرفه دامپزشکی اشتغال دارند. ۱۲ - صاحبان آزمایشگاه‌ها، رادیولوژی‌ها، فیزیوتراپی‌ها، سونوگرافی‌ها، الکترو انسفالوگرافی‌ها، سی تی	

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
اسکن‌ها، سالن‌های زیبایی و دیگر ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی طبی و غیر طبی. ۱۳ - صاحبان میهمان سراها، میهمان‌پذیرها و مسافرخانه‌ها. ۱۴ - صاحبان تالارهای پذیرایی، رستوران‌ها، تهیه کنندگان غذاهای آماده، ارائه دهندگان خدمات پذیرایی و کرایه‌دهندگان ظروف. ۱۵ - صاحبان دفاتر اسناد رسمی. ۱۶ - صاحبان تعمیرگاه‌های مجاز و اتوسرویس‌ها. ۱۷ - صاحبان نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های اتومبیل و بنگاه‌های معاملات املاک و آژانس‌های کرایه اتومبیل. ۱۸ - سازندگان و فروشندگان طلا و جواهر. ۱۹ - عاملان فروش و فروشندگان آهن‌آلات. تبصره ۱ - سازمان امور مالیاتی کشور در صورت تشخیص ضرورت می‌تواند هریک از مشمولان بند (ب) این ماده را به رعایت مقررات موضوع بند(الف) این ماده ملزم نماید مشروط بر آنکه مراتب کتباً تا پایان دی ماه هر سال به مؤدیان فوق ابلاغ گردد. مؤدیان اخیرالذکر از اول سال بعد مکلف به اجرای آن می‌باشند. تبصره ۳ - مشمولان این ماده که در محل شغل خود دارای فعالیت‌های شغلی دیگر موضوع این فصل می‌باشند مکلفند برای کلیه فعالیت‌های شغلی خود طبق مقررات این قانون عمل کنند.	
ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود بکار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار - در امور تجاری - سندیت خواهد داشت و غیر این‌صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود. قانون مدنی:	ماده ۱۰۴ - دفاتر تجاری مذکور در ماده (۹۱) این قانون، در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشند، بین تجار در دعاوی مربوط به معاملات تجاری قابل استناد است و در غیر این صورت فقط علیه صاحب آن معتبرند.

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۱۲۸۱ - قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است. ماده ۱۲۹۷ - دفاتر تجاری در موارد دعوای تاجری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب می شود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند. ماده ۱۲۹۸ - دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند. ماده ۱۲۹۹ - دفتر تجاری در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی شود: ۱ - در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد ۲ - وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد ۳ - وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد ماده ۱۳۰۰ - در مواردی که دفتر تجاری بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد. قانون آیین دادرسی مدنی: ماده ۲۱۰ - چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود. در صورتی که ابراز دفاتر در دادگاه ممکن نباشد، دادگاه شخصی را مأمور می نماید که با حضور طرفین دفاتر را معاینه و آنچه لازم است خارج نویسی نماید. هیچ بازرگانی نمی تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفاتر خود امتناع کند، مگر این که ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد. هرگاه بازرگانی که به دفتر او استناد شده است از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می تواند آن را از قرائن مثبت اظهار طرف قرار دهد.	

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتی را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد. (ر.ک. آیین نامه دفتر ثبت تجارتی مصوب ۱۳۲۵)	فصل دوم - ثبت نام تجارتی ماده ۱۰۵ - هر شخص حقیقی تاجر اعم از ایرانی و خارجی باید نام خود را نزد مرجع ثبت شرکتها به ثبت برساند. مرجع ثبت شرکتها مکلف است به هر تاجر که نام خود را نزد این مرجع ثبت می کند شماره انحصاری اختصاص دهد. مقررات مربوط به دفتر ثبت نام تجارتی و موضوعاتی که باید در دفتر مذکور به ثبت برسد به موجب آیین نامه ای است که ظرف سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به وسیله وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.
ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند و <u>الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.</u>	ماده ۱۰۶ - تاجر متخلف از تکلیف مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون به جزای نقدی درجه چهار محکوم می شود. اتحادیه های صنفی و کمیسیون نظارت مربوط و وزارت صنعت، معدن و تجارت باید تخلف از حکم این ماده را به دادستان محل اقامت تاجر گزارش کنند. دادگاه می تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم کند.
مواد ۸ و ۹ آیین نامه دفتر ثبت تجارتی مصوب ۱۳۲۵.	ماده ۱۰۷ - تاجر برای ثبت تجارتی باید اطلاعات واقعی و کامل را ارائه و در صورت تغییر اطلاعات مذکور ظرف پانزده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند. متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می شود
ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجارتی هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم می شود. - ماده ۱۰ آیین نامه دفتر ثبت تجارتی مصوب ۱۳۲۵.	ماده ۱۰۸ - هر تاجر باید در همه اسناد، صورتحسابها، آگهی ها، تابلوها و سایر مکتوبات خود، اعم از دست نویس، چاپی یا الکترونیک، شماره انحصاری خود را درج کند در غیر این صورت به جزای نقدی درجه شش محکوم می شود. دادگاه می تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد.
	ماده ۱۰۹ - مرجع ثبت شرکتها باید هر ماه یکبار مشخصات تاجرانی را که ثبت نام می کنند، برای آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، به آن روزنامه ارسال کند.

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
	ماده ۱۱۰ - اطلاعات مندرج در دفتر ثبت نام تجاری جز در موارد مصرح، غیر محرمانه محسوب می شود و تمام اشخاص می توانند با مراجعه به دفتر مذکور اطلاعات تاجر را مطالعه و به هزینه خود از آن رونوشت و یا تصویر بگیرند.
ماده ۹ - آیین نامه دفتر ثبت تجاری مصوب ۱۳۲۵.	ماده ۱۱۱ - مراجع قضائی باید نسخه ای از آراء قطعی مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارت با تاجر ثبت نام شده مانند منع معامله، توقف، ورشکستگی و حجر را برای درج در دفتر ثبت نام تجاری به مرجع ثبت شرکت ها ارسال کنند. در صورت فوت تاجر ثبت نام شده، سازمان ثبت احوال کشور باید حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت مراتب را برای درج در دفتر ثبت نام تجاری به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند. در صورت رفع حجر یا منع معامله یا اعاده اعتبار تاجر ورشکسته، کلیه اطلاعات مذکور، محرمانه محسوب و افشاء کننده آن به حبس درجه هفت محکوم می گردد.
ماده ۵۷۶ - ثبت اسم تجاری اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند. ماده ۴۷ قانون ثبت اختراعات طرح های صنعتی و علائم تجاری با رعایت قوانین و مقررات ثبت اجباری نام های تجاری، این قبیل نام ها حتی بدون ثبت، در برابر عمل خلاف قانون اشخاص ثالث حمایت می شوند. هرگونه استفاده از نام تجاری توسط اشخاص ثالث، به صورت نام تجاری یا علامت یا علامت جمعی، یا هرگونه استفاده از آنها که عرفاً باعث فریب عموم شود، غیرقانونی تلقی می شود.	ماده ۱۱۲ - ثبت اسم تجاری، موضوع قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری، اختیاری است، مگر در مواردی که به موجب مقررات خاص ثبت آن الزامی باشد. آیین نامه نحوه ثبت اسم تجاری ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون به وسیله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. در مواردی که ثبت اسم تجاری الزامی است، چنانچه ثبت در موعد مقرر انجام نشود از متقاضی ثبت سه برابر حق الثبت اخذ می شود.
ماده ۴۰۲ - ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.	باب سوم - مقررات متفرقه ماده ۱۱۳ - در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به طور مستقل مسئول ایفای دین واحدی باشند، بستانکار می تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسئولان رجوع کند، مگر اینکه مطابق قانون

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

لایحه تجارت	قانون کنونی
یا قرارداد مکلف شده باشد در ابتدا به یکی از مسئولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند.	ماده ۴۰۳ - در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع بیکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید. ماده ۴۰۴ - حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامناً مسئول انجام تعهدی باشند.
ماده ۱۱۴ - ضامن قبل از رسیدن اجل دین اصلی ملزم به تأدیه نیست، حتی اگر به سبب فوت یا انحلال مدیون اصلی، دین، حال شود. ضمان حال از این قاعده مستثنی است.	ماده ۴۰۵ - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد. ماده ۴۰۶ - ضمان حال از قاعده فوق مستثنی است.
ماده ۱۱۵ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به شرطی مانند اخطار قبلی باشد، رعایت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامی است.	ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز باید به عمل آید
ماده ۱۱۶ - ایفای تمام یا بخشی از تعهد از جانب ضامن یا مضمون‌عنه سبب برائت‌دمه هر دو نسبت به قسمت ایفای‌شده در مقابل مضمون‌له است. دین اصلی به هر نحو که ساقط گردد، ضامن نیز بری‌الذمه می‌شود.	ماده ۴۰۸ - همین‌که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شده ضامن نیز بری می‌شود.
ماده ۱۱۷ - پس از آنکه ضامن، دین اصلی را پرداخت، مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفید است به او بدهد و اگر دین اصلی وثیقه داشته باشد، آن را به ضامن تسلیم کند. اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته باشد، وثیقه‌دهنده مکلف است تشریفات را که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است، انجام دهد.	ماده ۴۱۱ - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفید است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید - اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته مضمون‌عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.
ماده ۱۱۸ - ضامنی که بدون اذن مضمون‌عنه یا تبرعاً ضمانت کند، حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد. ضامن	ماده ۷۲۰ قانون مدنی - ضامنی که به قصد تبرع ضمانت کرده باشد حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
	مأذون از طرف مضمون عنه محسوب می شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.
	ماده ۱۱۹ - مواد مربوط به تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری در مورد مؤسسات غیر تجاری، موقوفات و شرکت های تجاری اعم از اینکه شرکا و یا سهامداران آنها دولت، مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و اشخاص خصوصی باشند، نیز مجری است.
ماده ۶ - هر تاجری به استثنای <u>کسبه جزء</u> مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد: (۱) دفتر روزنامه. (۲) دفتر کل. (۳) دفتر دارائی. (۴) دفتر کپیه. ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی <u>به استثنای کسبه جزء</u> باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دوپست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۹ - <u>کسبه جزء</u> مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند. نظامنامه جدید ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۹ رئیس قوه قضاییه	ماده ۱۲۰ - مواد مربوط به تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری در مورد کسبه جزء اعمال نمی شود. تاجری کاسب جزء محسوب می شود که کالا و یا خدمات را به مصرف کننده نهائی عرضه می کند و مجموع گردش مالی سالانه او از میزان مقرر در آیین نامه تشخیص کسبه جزء بیشتر نیست. این آیین نامه ظرف شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به وسیله وزیران امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت تصویب و ابلاغ می شود. هیچ تاجری کاسب جزء محسوب نمی شود مگر اینکه ثابت کند مجموع گردش مالی سال گذشته او کمتر از میزان مقرر در آیین نامه مذکور بوده است.
	ماده ۱۲۱ - موارد سکوت قراردادهای بین تجار، به ترتیب بر عرف و عادت تجارتی، عرف عام و قواعد تکمیلی مقرر در قوانین مربوط محمول است.
	ماده ۱۲۲ - مجازات های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به

کتاب اول – تجارت و مقررات حاکم بر آن

قانون کنونی	لایحه تجارت
	ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می شود. مجازات های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.
	ماده ۱۲۳ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه های اجرائی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب دوم

اشخاص حقوقی و شرکتهای تجاری

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	کتاب دوم - اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری باب اول - اشخاص حقوقی ماده ۱۲۴ - اشخاص حقوقی داخلی شامل دولت، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات غیر تجاری، شرکت‌های تجاری و موقوفات است. تبصره - دولت از شمول مقررات این باب مستثنی است.
ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکت‌ها است. ماده ۵۸۳ - کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند. ماده ۵۸۴ - تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به‌موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق‌الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به‌علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.	ماده ۱۲۵ - اشخاص حقوقی باید نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت برسند و شخصیت حقوقی آنها پس از ثبت در مرجع مذکور و آگهی مراتب در روزنامه رسمی کشور به هزینه شخص حقوقی علیه ثالث قابل استناد است. حق‌الثبت اشخاص حقوقی بر اساس قانون اخذ می‌شود.
ماده ۵۸۷ - مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به‌محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.	ماده ۱۲۶ - مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی که به‌موجب قانون خاص، با ذکر نام و ارکان، تشکیل می‌شوند از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون تشکیل، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و نیاز به ثبت ندارند.
ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به‌موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.	ماده ۱۲۷ - نحوه تشکیل و شرایط ثبت مؤسسات غیرتجاری مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارت دادگستری، با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تهیه می‌شود و به‌تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

لایحه تجارت	قانون تجارت
	حق‌الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به‌علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.
ماده ۱۲۸ - ثبت اشخاص حقوقی که موضوع فعالیت آنها نامشروع یا مخالف نظم عمومی باشد، ممنوع است	ماده ۵۸۶ - مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد.
ماده ۱۲۹ - اشخاص حقوقی کلیه حقوق و تکالیفی را که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، دارند، مگر حقوق و تکالیفی مانند حقوق و تکالیف ناشی از ابوت و بنوت که انسان حسب طبیعت خویش می‌تواند داشته باشد.	ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - نبوت و امثال ذالک.
ماده ۱۳۰ - اقامتگاه شخص حقوقی، مرکز اصلی آن است. اقامتگاه مقرر در اساسنامه شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجارتی مرکز اصلی آنها محسوب می‌گردد، مگر خلاف آن ثابت شود.	ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است. ماده (۱۰۰۲) قانون مدنی - اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. <u>اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.</u>
ماده ۱۳۱ - شخص حقوقی ثبت شده در ایران، ایرانی محسوب می‌شود.	ماده اول قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.
ماده ۱۳۲ - هیچ یک از ارکان شخص حقوقی نمی‌تواند تابعیت آن را تغییر دهد.	ماده ۱۱۰ - شرکا نمی‌توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء. ماده ۹۴ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت - هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.
ماده ۱۳۳ - اشخاص حقوقی ایرانی نمی‌توانند اقامتگاه خود را در خارج از قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود.	ماده ۱۳۴ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که، حسب مورد، به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت دارند اتخاذ می شود.
ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است. ماده اول قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است. بند ج ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور - هر بانکی که بیش از چهل درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد از نظر این قانون بانک خارجی محسوب می شود و باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت برسد. از نظر این ماده هر شخص حقوقی که هفتاد و پنج درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی اتباع ایران نباشد خارجی تلقی می شود.	ماده ۱۳۵ - تشکیل، اداره، انحلال و یا ورشکستگی اشخاص حقوقی خصوصی غیر ایرانی تابع قانون دولت محل اقامتگاه آنها است.
	ماده ۱۳۶ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید برای کلیه اشخاص حقوقی که ثبت آنها الزامی است شناسه انحصاری اختصاص دهد.
ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیآورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو	ماده ۱۳۷ - کلیه اشخاص حقوقی باید در همه اسناد، صورت حساب‌ها، آگهی‌ها، تابلوها و سایر مکتوبات خود، اعم از دست‌نویس، چاپی یا الکترونیک نام و شناسه انحصاری خود را درج کنند. اشخاص حقوقی متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می شوند. دادگاه می تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
هزار ریال خواهد شد - این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده.	
از قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶: ماده ۳۰ بند ج - نام تجاری یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد. ماده ۴۶ - اسم یا عنوانی که ماهیت یا طریقه استفاده از آن برخلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد و یا موجبات فریب مراکز تجاری یا عمومی را نسبت به ماهیت مؤسسه‌ای فراهم کند که اسم یا عنوان معرف آن است، نمی‌تواند به عنوان یک نام تجاری به کار رود. - تبصره ۵ ماده واحده ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه	ماده ۱۳۸ - استفاده از نام‌های بیگانه، مبتذل، مستهجن و نام‌هایی که موهم انتساب شخص حقوقی به نهادهای عمومی یا دولتی است از قبیل واژه‌های ایران و کشور برای شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجاری ممنوع است. اشخاص حقوقی خارجی و شعب و نمایندگی‌های آنها از نام‌های بیگانه می‌توانند استفاده کنند.
	ماده ۱۳۹ - اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی که نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسد جز در موارد مصرح، غیر محرمانه محسوب می‌شود و تمام اشخاص می‌توانند با مراجعه به مرجع مذکور اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی را مطالعه و به هزینه خود از آن رونوشت و یا تصویر بگیرند.
	ماده ۱۴۰ - مراجع قضائی باید نسخه‌ای از آراء قطعی مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارت با اشخاص حقوقی مانند توقف، ورشکستگی، انحلال و منع معامله را برای درج در دفتر ثبت شرکت‌ها به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کنند. در صورت رفع موارد مذکور یا اعاده اعتبار ورشکسته کلیه اطلاعات راجع به امور مذکور محرمانه محسوب و افشاء کننده آن به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.
	ماده ۱۴۱ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است کلیه مراحل و فرآیندهای ثبت اشخاص حقوقی و تغییرات مربوط به آنها را به صورت الکترونیکی و روزآمد نگهداری کند به نحوی که امکان دسترسی آنی، برخط و الکترونیک

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	به اطلاعات قابل دسترسی شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجارتی فراهم شود. آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به‌تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
	ماده ۱۴۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آنها مطابق این قانون الزامی است در سامانه الکترونیک خود که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها را تأمین می‌کند قرار دهد و حداقل تا سی سال نگهداری کند.
ماده ۲۰ - شرکت‌های تجارتی بر هفت قسم است: (۱) شرکت سهامی. (۲) شرکت با مسئولیت محدود. (۳) شرکت تضامنی. (۴) شرکت مختلط غیر سهامی. (۵) شرکت مختلط سهامی. (۶) شرکت نسبی. (۷) شرکت تعاونی تولید و مصرف.	باب دوم - شرکت‌های تجارتی ماده ۱۴۳ - شرکت تجارتی یازده نوع است: ۱ - سهامی عام ۲ - سهامی خاص ۳ - با مسئولیت محدود ۴ - تضامنی ۵ - نسبی ۶ - مختلط سهامی عام ۷ - مختلط سهامی خاص ۸ - مختلط غیرسهامی ۹ - تعاونی سهامی عام ۱۰ - تعاونی سهامی خاص ۱۱ - تعاونی غیر سهامی
	ماده ۱۴۴ - علاوه بر انواع شرکت‌های مذکور در ماده (۱۴۳) این قانون شرکت تجارتی می‌تواند طبق مقررات خاصی که با تراضی شرکا و یا سهامداران معین می‌شود با هر میزان سرمایه تشکیل شود ولی در هر حال رعایت احکام مندرج در فصل‌های اول و سوم این باب الزامی است.
ماده ۱۹۶ ق.ت. - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه	فصل اول - کلیات مبحث اول - تشکیل شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
معین می‌شود. (ر.ک. نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵ وزارت دادگستری) ماده ۱۰۶.ق.ت - برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسین باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسین به‌صورت غیرنقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به‌ضمیمه اظهارنامه و ضامم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.	ماده ۱۴۵ - برای تشکیل شرکت تجاری، مؤسسان آن باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها، اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد تمام سرمایه شرکت را به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع مذکور تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - مدارک مصدق هویت مؤسسان ۲ - گواهینامه بانکی حاکی از تأدیه سرمایه نقدی در حسابی به‌نام شرکت در شرف تأسیس و تودیع اسناد مالکیت سرمایه غیرنقدی به‌نام شرکت مذکور، به‌ترتیب مقرر در این قانون ۳ - صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس ۴ - اساسنامه شرکت ۵ - اعلامیه قبولی سمت به‌وسیله مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت و تصویر مصدق مدارک هویت آنان ۶ - در صورت الزام قانونی برای جلب موافقت مرجع خاص به‌منظور تشکیل شرکت، تصویر مصدق موافقت‌نامه آن مرجع
ماده ۱۰۷.ق.ت - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - هویت کامل و اقامتگاه مؤسسین ۳ - موضوع شرکت ۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۵ - تعداد سهام با نام و بی‌نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام ۶ - میزان تعهد هر یک از مؤسسین و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه	ماده ۱۴۶ - اظهارنامه مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود: ۱ - هویت مؤسسان و نشانی دقیق اقامتگاه آنان ۲ - نام شرکت ۳ - موضوع شرکت ۴ - مدت شرکت ۵ - اقامتگاه شرکت ۶ - میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۷ - تعیین مالک آورده‌های غیرنقد و اوصاف و ارزش هریک از آنها، طبق نظریه کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
پرداختی در آن واریز شده است. درمورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود. ۷ - مرکز اصلی شرکت. ۸ - مدت شرکت.	۸ - میزان تعهد هریک از مؤسسان و مقدار تأدیه و یا تسلیم شده از تعهدات هریک از آنان ۹ - تصریح به نوع مسئولیت هریک از مؤسسان ۱۰ - شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت تقاضای مؤسسان برای اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به ایشان ۱۱ - نام مدیر یا مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت ۱۲ - نام روزنامه اصلی و علی‌البدل شرکت، در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به‌موجب قانون یا اساسنامه
	ماده ۱۴۷ - مراد از هویت در این قانون نام، نام خانوادگی و شماره ملی شخص حقیقی و نام، نوع و شناسه انحصاری شخص حقوقی است.
	ماده ۱۴۸ - روزنامه شرکت روزنامه کثیرالانتشار سراسری است که آگهی‌هایی که به‌موجب قانون یا اساسنامه نشر آن ضروری است در آن منتشر می‌شود.
	ماده ۱۴۹ - علاوه بر موارد مذکور در ماده (۱۴۶) این قانون ذکر تعداد سهام شرکت، مبلغ اسمی هر سهم، تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن که در هر حال نباید از پنج سال بیشتر باشد در اظهارنامه ثبتی شرکت سهامی خاص، مختلط سهامی خاص و تعاونی سهامی خاص الزامی است. در مورد شرکت‌های موضوع ماده (۱۴۴) میزان سرمایه تأدیه و یا تسلیم شده و نحوه مطالبه بقیه سرمایه شرکت در صورتی که تمام آن تأدیه و یا تسلیم نشده باشد و مهلت تأدیه آن که در هر حال نباید از پنج سال بیشتر باشد باید در اظهارنامه ثبتی شرکت درج شود.
	ماده ۱۵۰ - گواهی‌نامه مذکور در بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که سرمایه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	نقدی در آن تأدیه شده است و نیز تعداد اسناد مالکیت تودیع شده و مندرجات اصلی آنها باشد.
ماده ۸ ل.ا.ق.ت. - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت به‌طور صریح و منجز ۳ - مدت شرکت ۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد. ۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک. ۶ - تعداد سهام بی‌نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام. ۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود. ۸ - نحوه انتقال سهام بانام. ۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام و بالعکس. ۱۰ - در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب [ترتیب] آن. ۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت. ۱۲ - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی. ۱۳ - مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها. ۱۴ - طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی. ۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا	ماده ۱۵۱ - اساسنامه مذکور در بند (۴) ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضای مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - مدت شرکت ۴ - اقامتگاه شرکت ۵ - میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۶ - در صورت تقاضای اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به‌وسیله مؤسسان، شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازهای سهم ممتاز و نحوه تغییر آنها و ایجاد امتیازهای جدید ۷ - نحوه واگذاری سهم‌الشرکه و یا سهام ۸ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت ۹ - مواقع تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه ۱۰ - ترتیب دعوت هر یک از مجامع عمومی ۱۱ - تعیین نحوه دسترسی شرکا و یا سهامداران به صورتهای مالی شرکت و گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه ۱۲ - حدنصاب تشکیل هر یک از مجامع عمومی در صورت اقتضاء و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیم‌های آنها ۱۳ - ترتیب اداره و نحوه شور و اخذ رأی در هر یک از مجامع عمومی و تنظیم صورتجلسه آنها ۱۴ - تعداد مدیران شرکت و نحوه انتخاب و مدت مأموریت و پیش‌بینی امکان یا عدم امکان انتخاب مجدد آنان ۱۵ - مواقع و ترتیب دعوت مدیران

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
استعفاء می‌کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می‌گردند. ۱۶ - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران. ۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند. ۱۸ - قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس. ۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه. ۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن. ۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه.	۱۶ - حد نصاب تشکیل جلسه مدیران و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیمات در جلسه مذکور، در صورت اقتضاء ۱۷ - نحوه اداره جلسه مدیران و تنظیم صورتجلسه آن ۱۸ - نحوه تعیین جانشین برای مدیر یا مدیران در صورت فوت، انحلال، استعفاء، عزل یا منع از تصدی سمت ۱۹ - نحوه انتخاب و مدت مأموریت مدیرعامل شرکت و تعداد قائم‌مقام‌های وی ۲۰ - تعداد بازرسان شرکت و نحوه انتخاب آنها ۲۱ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم صورتهای مالی و تسلیم آن به بازرس یا بازرسان شرکت و مجمع عمومی عادی سالانه ۲۲ - نحوه تغییر اساسنامه ۲۳ - نحوه انحلال اختیاری شرکت ۲۴ - قید موارد مذکور در ماده (۱۴۹) این قانون در باره شرکت‌های موضوع ماده مذکور تبصره - متغیر یا ثابت بودن سرمایه و قابلیت و نحوه نقل و انتقال سهم‌الشرکه و یا سهام شرکت‌های موضوع ماده (۱۴۴) این قانون از طریق صدور و ابطال و یا خرید و فروش باید در اساسنامه این شرکت‌ها قید شود.
ماده ۱۰ ل.ق.ت - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر خواهد نمود. ماده ۲۵ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، برای ثبت شرکت‌های سهامی عام یا افزایش سرمایه آنها، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها، پس از موافقت سازمان (اوراق بهادار) صادر می‌شود.	ماده ۱۵۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۱۴۵) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی شرکت را ثبت نماید و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت، به درخواست متقاضی ثبت، مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد.
	ماده ۱۵۳ - سند مالکیت آورده غیرنقد در دفاتر اسناد رسمی و سایر مراجع ذی‌ربط با اخذ گواهی‌نامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون و اصل سند مالکیت آورده

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	غیرنقد و بدون نیاز به امضای مالک سابق به نام شرکت ثبت شده تنظیم می‌شود
ماده ۲۲ ل.ا.ق.ت. - استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.	ماده ۱۵۴ - تصرف در آورده غیرنقد و وجوه تأدیه شده به نام شرکت در شرف تأسیس، پیش از ثبت شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.
ماده ۱۹ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیره‌نویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.	ماده ۱۵۵ - هرگاه شرکت تا سه ماه از تاریخ تسلیم مدارک مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون به مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد، مرجع مذکور به درخواست هریک از مؤسسان، گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر می‌نماید و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که وجوه و اسناد آورده‌های غیرنقد در آن تأدیه و تسلیم شده است ارسال می‌کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از مؤسسان وجوه پرداختی و اسناد مالکیت تودیع شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهی‌نامه مذکور اقدامات ثبتی انجام شده بی‌اثر می‌شود.
	ماده ۱۵۶ - پس از سپری شدن مهلت مذکور در ماده (۱۵۵) این قانون مرجع ثبت شرکت‌ها باید به درخواست هر شخص، نام تعیین شده برای شرکت در شرف تأسیس را به وی اختصاص دهد.
ماده ۲۳ - مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند	ماده ۱۵۷ - هر یک از مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقداماتی که قبل از ثبت، به نام شرکت در شرف تأسیس انجام شده است منفرداً مسئولیت دارند.
	ماده ۱۵۸ - هزینه‌های متعارفی که مؤسسان برای ثبت شرکت متحمل می‌گردند پس از ثبت به حساب شرکت محسوب می‌شود
	ماده ۱۵۹ - مقررات این مبحث درباره تشکیل شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجری نیست مگر در مواردی که در این قانون برخلاف آن تصریح شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مبحث دوم - اداره شرکت گفتار اول - ارکان شرکت ماده ۱۶۰ - ارکان شرکت تجاری عبارت است از: ۱ - مجمع عمومی ۲ - مدیر یا مدیران ۳ - مدیرعامل ۴ - بازرس یا بازرسان
ماده ۷۲ ل.ق.ت. - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.	بند اول - مجمع عمومی ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی از اجتماع شرکا و یا سهامداران شرکت تشکیل می‌گردد. نصاب لازم برای تشکیل هر یک از مجامع و یا تصمیم‌گیری در آنها به موجب اساسنامه معین می‌شود، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.
ماده ۷۳ - مجامع عمومی به ترتیب عبارتند از: ۱ - مجمع عمومی مؤسس. ۲ - مجمع عمومی عادی. ۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده.	ماده ۱۶۲ - انواع مجمع عمومی عبارت است از: ۱ - مجمع عمومی مؤسس ۲ - مجمع عمومی عادی ۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده
ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است: ۱ - رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم. ۲ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن. ۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت. ۴ - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.	ماده ۱۶۳ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به شرح زیر است: ۱ - تصویب اساسنامه شرکت ۲ - اتخاذ تصمیم درباره گزارش کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری در مورد ارزش آورده غیرنقد ۳ - انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت ۴ - تعیین روزنامه اصلی و علی‌البدل شرکت و پایگاه الکترونیک آن، در صورت تکلیف شرکت به داشتن آنها به موجب قانون یا اساسنامه
	ماده ۱۶۴ - تصمیم‌گیری در مجمع عمومی مؤسس با موافقت همه اعضاء انجام می‌گیرد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.	ماده ۱۶۵ - مجمع عمومی مؤسس نمی‌تواند آورده غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.
ماده ۸۶ - مجمع عمومی عادی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است تصمیم بگیرد	ماده ۱۶۶ - مجمع عمومی عادی می‌تواند درباره کلیه امور شرکت تصمیم بگیرد، به جز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است.
ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یک‌بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی بگزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.	ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی عادی باید سالی یک‌بار و در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است، برای رسیدگی به صورتهای مالی شرکت، گزارش مدیر یا مدیران و گزارش بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت تشکیل شود. مجمع عمومی عادی می‌تواند مطابق این قانون به‌طور فوق‌العاده نیز تشکیل گردد.
ماده ۱۳۹ - هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به‌صورت حساب‌ها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.	ماده ۱۶۸ - صورتهای مالی و گزارش‌های مذکور در ماده (۱۶۷) این قانون باید حداقل پانزده روز پیش از تاریخ تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه در اقامتگاه شرکت و نیز به‌نحوی که اساسنامه معین می‌کند، برای ملاحظه شرکا و یا سهامداران در دسترس باشد. هر شریک و یا سهامدار می‌تواند طی این مدت به شرکت مراجعه کند و به هزینه خود از صورتهای مالی و گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان، رونوشت یا تصویر بگیرد. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نسخه‌ای از گزارش‌های مذکور باید ظرف مهلت مقرر در این ماده به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال شود.
ماده ۹۰ - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.	ماده ۱۶۹ - تقسیم سود بین شرکا و یا سهامداران فقط پس از تصویب مجمع عمومی عادی مجاز است. در هر حال، حداقل ده درصد (۱۰٪) از سود قابل تقسیم سالانه باید بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یک‌بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی بگزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود. تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود. ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به‌عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به‌هیچ‌وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.	ماده ۱۷۰ - بدون ارائه و قرائت گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی عادی، تصمیم‌گیری در مورد صورتهای مالی و تقسیم سود اعتبار ندارد.
	ماده ۱۷۱ - سود به‌ترتیب مقرر در اساسنامه تقسیم می‌شود. اگر در اساسنامه ترتیبی مقرر نشود، سود به نسبت سرمایه شرکا و یا سهامداران تقسیم می‌گردد.
	ماده ۱۷۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارد شده سرمایه ثبت شده شرکت کاهش یابد، مادام که این کمبود جبران نشود تأدیه هر نوع سود به شرکا و یا سهامداران ممنوع است و مبلغ تأدیه شده باید مسترد گردد.
ماده ۹۱ - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند.	ماده ۱۷۳ - چنانچه مدیر یا مدیران، مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکنند، بازرس یا بازرسان شرکت باید خود، مجمع مذکور را دعوت کنند.
ماده ۹۲ - هیئت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به‌طور فوق‌العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.	ماده ۱۷۴ - مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به‌طور فوق‌العاده دعوت کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۸۳ - هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.	ماده ۱۷۵ - هرگونه تغییر در مقررات اساسنامه، تصمیم‌گیری در مورد انتشار اوراق بهادار در مواردی که قانون انتشار آن را تجویز می‌کند، تجزیه، ادغام، تبدیل و انحلال شرکت فقط در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است، لکن تغییر نشانی شرکت در محدوده شهر محل اقامت شرکت به‌وسیله مدیر یا مدیران مجاز است. تبصره - ایجاد هر نوع امتیاز برای شرکا و یا سهامداران تنها با تغییر اساسنامه امکان‌پذیر است.
ماده ۹۵ - سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت‌مدیره خواستار شوند و هیئت‌مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست‌کنندگان می‌توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آن‌گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت‌مدیره و بازرسان تصریح نمایند. ماده ۹۶ - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصراً موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیئت‌رئیس مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.	ماده ۱۷۶ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک پنجم سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد همواره می‌توانند دعوت شرکا و یا سهامداران را برای تشکیل مجمع عمومی به‌صورت مکتوب و با قید دستور جلسه از مدیر یا مدیران شرکت تقاضا کنند و مدیر یا مدیران باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت نمایند. در صورت عدم اجابت این درخواست ظرف مهلت مذکور، درخواست‌کننده می‌تواند از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند. اگر بازرس یا بازرسان شرکت نیز ظرف این مهلت مجمع مورد درخواست را دعوت نکنند، درخواست‌کننده می‌تواند به‌طور مستقیم به دعوت مجمع اقدام کند، مشروط بر اینکه کلیه تشریفات مربوط به دعوت مجمع عمومی را رعایت و در مفاد دعوت به عدم اجابت درخواست خود از جانب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت تصریح کند. در مورد این ماده دستور مجمع فقط موضوعی است که در تقاضانامه ذکر شده است.
ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به‌عمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم	ماده ۱۷۷ - شریک و یا سهامدار برای شرکت در مجمع عمومی به‌ترتیب مقرر در اساسنامه دعوت می‌شود. در مواردی که به‌موجب این قانون ترتیب دیگری برای دعوت پیش‌بینی شده باشد، رعایت ترتیب مذکور نیز الزامی است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت‌نامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد. تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست. ماده ۱۰۰ - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.	
ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به عمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت‌نامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد. تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.	ماده ۱۷۸ - در شرکت‌هایی که مطابق مقررات این قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند، در کلیه موارد برای تشکیل مجمع عمومی، شرکا و یا سهامداران باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت دعوت شوند. مجمع عمومی عادی سالانه باید در هر سال حداقل یک روزنامه اصلی و یک روزنامه علی‌البدل برای شرکت تعیین کند. این تصمیم باید در روزنامه قبلی شرکت منتشر گردد. در صورتی که انتشار روزنامه شرکت به هر علت متوقف گردد، روزنامه علی‌البدل جانشین روزنامه اصلی می‌شود.
ماده ۹۸ - فاصله بین نشر دعوت‌نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهار روز خواهد بود.	ماده ۱۷۹ - بین نشر آگهی دعوت مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن باید حداقل ده روز و حداکثر چهار روز فاصله باشد.
تبصره ماده ۹۷ ل.ا.ق.ت. - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.	ماده ۱۸۰ - در صورتی که کلیه شرکا و یا سهامداران در جلسه مجمع عمومی حاضر باشند و نیز در مواقعی که صورتجلسه مجمع مذکور به امضای کلیه شرکا و یا سهامداران برسد و تصمیمات به اتفاق آراء اتخاذ شود، رعایت ترتیبات دعوت الزامی نیست.
	ماده ۱۸۱ - مکان تشکیل مجمع عمومی باید در محدوده شهر اقامتگاه شرکت باشد، مگر اینکه کلیه شرکا و یا

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	سهامداران بر تشکیل مجمع عمومی در مکان دیگر توافق کنند.
ماده ۱۰۲ - در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است.	ماده ۱۸۲ - در مجمع عمومی حضور نماینده شریک و یا سهامدار و نیز نماینده شخص حقوقی با ارائه مدرکی دال بر نمایندگی به منزله حضور شریک و یا سهامدار است. ارتباط شریک و یا سهامدار یا نماینده آنان با محل برگزاری مجمع عمومی از طریق ویدئوکنفرانس با رعایت مقررات مربوط در حکم حضور در مجمع است، مشروط بر اینکه امکان این نوع ارتباط در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.
	ماده ۱۸۳ - ترتیب اداره مجمع عمومی و تنظیم صورتجلسه آن به موجب اساسنامه معین می‌شود، مگر در مواردی که قانون ترتیب دیگری مقرر نماید.
ماده ۱۰۷ ق.ت. - هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.	ماده ۱۸۴ - هر یک از شرکا به نسبت سرمایه و هر سهامدار به تعداد سهام خود در شرکت رأی دارد مگر اینکه قانون یا اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نماید.
	ماده ۱۸۵ - در مجمع عمومی باید درباره کلیه مواردی که به عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده است، اتخاذ تصمیم شود و هر یک از موارد مذکور فقط با تصویب اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه این مجمع از دستور کار مجمع عمومی خارج می‌شود.
ماده ۱۰۴ - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می‌تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند. تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.	ماده ۱۸۶ - هرگاه در مجمع عمومی در مورد تمام یا برخی از موضوعات مندرج در دستور جلسه اتخاذ تصمیم نشود، رئیس جلسه باید تنفس اعلام و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین و به حاضران اعلام کند. تشکیل جلسه بعد به دعوت مجدد نیاز ندارد.
	ماده ۱۸۷ - اتخاذ هر تصمیم خارج از آنچه که به عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده فاقد اعتبار است،

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مگر آنکه کلیه شرکا و یا سهامداران در جلسه حضور داشته و با طرح مورد یا موارد پیشنهادی موافق باشند.
	ماده ۱۸۸ - در مجامع عمومی برای انتخاب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و تصویب صورتهای مالی و موارد دیگری که اساسنامه معین می‌کند رأی‌گیری به صورت مخفی انجام می‌گیرد.
ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه‌ای توسط منشی ترتیب داده می‌شود که به امضاء هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.	ماده ۱۸۹ - برای جلسه مجمع عمومی صورت جلسه‌ای تنظیم و نسخه‌ای از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری می‌شود. در صورتی که در اساسنامه ترتیب دیگری پیش‌بینی نشود، صورت جلسه مجمع عمومی باید حداقل به امضای اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در آن مجمع عمومی برسد.
	ماده ۱۹۰ - در صورت جلسه مجمع عمومی نام شرکا و یا سهامداران حاضر و غائب و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات اتخاذ شده در جلسه با قید زمان و تاریخ ذکر می‌گردد. نظر هر یک از شرکا و یا سهامدارانی که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالفند، باید در صورت جلسه قید شود. مسئولیت صحت مندرجات صورت جلسه بر عهده امضاء کنندگان است.
	ماده ۱۹۱ - هر شریک و یا سهامدار می‌تواند به هزینه خود از صورت جلسه مجمع عمومی رونوشت یا تصویر بگیرد.
ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی بگزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.	ماده ۱۹۲ - در مواردی که تصمیم‌گیری در مجمع عمومی به ارائه پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان شرکت منوط است، این پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه باید مکتوب باشد و به صورت جلسه مجمع عمومی ضمیمه شود. بدون ارائه و قرائت موارد مذکور تصمیمات مجمع عمومی اعتبار ندارد.
تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۹۳ - مقررات مواد (۱۶۳)، (۱۶۴)، (۱۸۹) و (۱۹۰) این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام اجرا نمی‌شود.
ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد. ماده ۱۰۴ ق.ت. - شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیرموظف که از بین شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می‌گردد. ماده ۱۲۰ ق.ت. - در شرکت تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند. ماده ۱۴۴ ق.ت. - اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت تضامنی مقرر است. ماده ۱۶۴ ق.ت. - مدیریت شرکت مختلف سهامی مخصوص به شریک یا شرکا ضامن است.	بند دوم - مدیر یا مدیران ماده ۱۹۴ - شرکت به وسیله شخص یا اشخاصی که از میان شرکا و یا سهامداران و یا غیر آنان به عنوان مدیر شرکت انتخاب می‌شوند، اداره می‌گردد. مدیر یا مدیران، در هر حال، قابل عزلند.
ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.	ماده ۱۹۵ - تعداد مدیران شرکت به موجب اساسنامه معین می‌شود. در صورتی که تعداد مدیران بیش از دو شخص باشد به اجتماع مدیران، هیأت مدیره اطلاق می‌شود. تبصره - تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نباید از پنج عضو و در شرکت‌های سهامی خاص، مختلط سهامی خاص، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیر سهامی نباید از سه عضو کمتر باشد.
ماده ۱۰۸ ل.ا.ق.ت. - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند.	ماده ۱۹۶ - انتخاب یا عزل مدیر یا مدیران شرکت با مجمع عمومی عادی است، مگر اولین مدیر یا مدیران شرکت که در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۰۹ - مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است.	ماده ۱۹۷ - مدت مدیریت مدیر در اساسنامه معین می‌شود، لکن این مدت نباید از دو سال بیشتر باشد. در اساسنامه می‌توان انتخاب متوالی مدیر یا مدیران را منع کرد.
	ماده ۱۹۸ - سمت مدیریت، قائم به شخص است.
ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت. - اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیت‌های مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و جزائی عضو هیئت مدیره بوده و از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت. شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می‌تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتباً به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می‌شود.	ماده ۱۹۹ - اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی مدیر، به‌طور مستقل کلیه مسئولیت‌های مدنی و جزائی شخص حقیقی مدیر را دارد و باید به‌طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی مدیریت شرکت است، به‌عنوان نماینده تام‌الاختیار خود برای انجام وظایف مدیریت معرفی کند. نماینده مذکور نیز به‌طور مستقل کلیه وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و جزائی مدیر را دارد. اگر شخص حقوقی مدیر ظرف یک‌ماه نماینده تام‌الاختیار خود را برای انجام وظایف مدیریت معرفی نکند یا پس از فوت یا عزل یا معذوریت وی جانشین او را ظرف مهلت مذکور تعیین ننماید، از سمت مدیریت، مستعفی محسوب می‌شود. در این صورت، اگر تعداد مدیران از حداقل مقرر کمتر شود، رعایت مفاد مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون الزامی است.
ماده ۲۹ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۸۴ - صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت مدیره و مدیران، حد اقل سرمایه، موضوع فعالیت در اساسنامه، نحوه گزارش‌دهی و نوع گزارش‌های ویژه حسابرسی نهادهای مالی موضوع این قانون، باید به تأیید سازمان برسد. ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۱۳۸۸ - مدیران نهادهای مالی، ناشران اوراق بهادار و تشکلهای خود انتظام شامل اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر بوده و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبردگان، مرجع	ماده ۲۰۰ - مدیران شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبردگان، مرجع انتخاب‌کننده باید، حسب مورد، از انتخاب آنان به سمت یادشده خودداری یا شخص منتخب را از آن سمت برکنار کند. معیارهای صلاحیت حرفه‌ای فقط از حیث تحصیلات، سوابق تجربی مرتبط و مرجع و نحوه سلب صلاحیت به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که با پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت ظرف شش ماه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
انتخاب‌کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت‌های یادشده خودداری نموده و یا مدیران انتخاب شده را از آن سمت برکنار نماید. شرایط و معیارهای صلاحیت حرفه‌ای مدیران مذکور صرفاً از حیث تحصیلات و سوابق تجربی مرتبط و همچنین نحوه سلب صلاحیت آنها توسط سازمان، به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار به‌تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	
ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: ۱ - محجورین و کسانیکه حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. ۲ - کسانیکه بعثت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به‌موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - جنحه‌هایی که به‌موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است - اختلاس - تدلیس - تصرف غیر قانونی در اموال عمومی. تبصره - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.	ماده ۲۰۱ - اشخاص زیر نمی‌توانند به‌عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند: ۱ - محجوران ۲ - تاجر ورشکسته و مدیر یا مدیران و مدیرعامل شخص حقوقی ورشکسته تا پیش از اعاده اعتبار ۳ - اشخاصی که به‌موجب حکم قطعی کلاً یا بعضاً از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند، در مدت محرومیت ۴ - محکومان به‌موجب حکم قطعی به ارتکاب جرائم خیانت در امانت، کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، جعل، استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی، جرائم موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ و جرائم در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری تا پنج سال پس از اجرای حکم
	ماده ۲۰۲ - اشخاص زیر نمی‌توانند به‌عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت‌ها ابقاء شوند: ۱ - رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان ۲ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۳ - وزیران و سرپرستان وزارتخانه‌ها و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان ۴ - نمایندگان مجلس خبرگان رهبری

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۵ - اعضای شورای نگهبان ۶ - اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونان وی ۷ - اعضای شوراهای عالی ۸ - رئیس دفتر مقام رهبری و معاونان وی و مدیران کل حوزه دفتر مقام رهبری ۹ - نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها، شهرستان‌ها و دستگاه‌های اجرائی و ائمه جمعه سراسر کشور و رؤسای دفاتر آنها ۱۰ - رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، معاونان و مشاوران وی ۱۱ - اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا در محدوده حوزه انتخابیه مربوط و شهرداران و رؤسای نهادها و دستگاه‌های عمومی غیردولتی و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان ۱۲ - رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ۱۳ - اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و تابع و وابسته دولت ۱۴ - اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ۱۵ - کارمندان دستگاه‌های اجرائی و اعضای نیروهای مسلح و سازمان‌های تابع آنها ۱۶ - دارندگان پایه قضائی تبصره - عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های تعاونی سازمان‌های متبوع از شمول این ماده مستثنی است.
ماده ۱۱۱ ل.ا.ق.ت. - اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: ۱ - مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. ۲ - کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت:	ماده ۲۰۳ - مدیر یا مدیران باید ضمن اعلامیه قبولی سمت، عدم شمول مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون را اعلام کنند. هرکس برخلاف مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) به عنوان مدیر شرکت انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ممنوعیت‌های مذکور گردد، حسب مورد، باید از قبول سمت امتناع یا استعفاء کند. دادگاه صالح به تقاضای دادستان محل اقامت شرکت و یا هر ذی‌نفع،

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - جنجههائی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است - اختلاس - تدلیس - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی. تبصره - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.	حکم عزل متخلف و ضبط وجوه دریافتی بابت تصدی مدیریت در مدت ممنوعیت را صادر می کند.
	ماده ۲۰۴ - مدیری که برخلاف مفاد مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون انتخاب می شود تکالیف و مسئولیت های سمت مدیر را برعهده دارد.
ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت. - در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکت ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.	ماده ۲۰۵ - مدیر یا مدیران در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت های مدیر را بر عهده دارند. هرگاه مقامات موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذی نفع می تواند دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیر یا مدیران از مرجع ثبت شرکت ها تقاضا کند.
ماده ۱۱۲ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفاء یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیئت مدیره دعوت نمایند.	ماده ۲۰۶ - اگر به علت فوت، انحلال، استعفاء یا عزل هریک از مدیران شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هریک از آنان از تصدی سمت مدیریت، تعداد مدیران از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کمتر شود، اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و در غیر این صورت به ترتیب مقرر به وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان می شوند. اگر عضو علی البدل، تعیین نشده یا به هر علت ناتوان و یا ممنوع از تصدی مدیریت شرکت باشد یا تعداد اعضای علی البدل برای تصدی محلهای خالی کافی نباشد، شخص یا اشخاص باقیمانده باید به فوریت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند.
ماده ۱۱۳ ل.ا.ق.ت. - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب	ماده ۲۰۷ - هرگاه شخص یا اشخاص باقیمانده از دعوت مجمع عمومی مذکور در ماده (۲۰۶) این قانون خودداری

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف بانجام چنین درخواستی می‌باشند.	کنند یا دعوت به وسیله آنان ممکن نباشد یا سمت مدیریت بلامتصدی شود، بازرس یا بازرسان شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع با رعایت تشریفات لازم، مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند. در صورت عدم امکان دعوت به وسیله بازرس یا بازرسان شرکت به هر علت یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور چنانچه حداقل یک‌ماه از بلا متصدی بودن سمت مدیریت گذشته باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه عدم دعوت مجمع مذکور به وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند.
ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. - جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان‌لم‌یکن است. ماده ۱۰۵ ق.ت. - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان‌لم‌یکن است. ماده ۱۲۱ ق.ت. - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده. ماده ۵۱ ق.ت. - مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.	ماده ۲۰۸ - مدیر یا مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره شرکت را دارند جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. محدود کردن اختیارات مذکور به موجب اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی تنها در روابط بین مدیر یا مدیران و شرکت معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۴۴ ق.ت. - اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت تضامنی مقرر است.	
ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.	ماده ۲۰۹ - عدم رعایت تشریفات مربوط به نحوه انتخاب مدیر یا مدیران یا ممنوع بودن آنان از تصدی سمت مذکور سبب عدم اعتبار تصمیمات آنان در مقابل اشخاص ثالث نیست.
ماده ۱۲۱ ل.ا.ق.ت. - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.	ماده ۲۱۰ - در صورت تعدد مدیران شرکت، در جلسه مدیران با اکثریت عددی بیش از نصف آنان اتخاذ تصمیم می‌شود، مگر آنکه اساسنامه در مورد نصاب تصمیم‌گیری در این جلسه اکثریت بیشتری را معین کند. رسمیت جلسات مدیران را می‌توان در اساسنامه به حضور تعداد خاصی از آنان منوط کرد. تبصره - برای تشکیل جلسه هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی حضور بیش از نصف اعضاء لازم است. تصمیمات با رأی بیش از نصف حاضران گرفته می‌شود، مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شود.
	ماده ۲۱۱ - تصمیمات مدیر یا مدیران باید مکتوب و نسخه‌ای از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری شود.
ماده ۱۲۳ - برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورتجلسه‌ای تنظیم و لااقل به امضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می‌باشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذ در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می‌گردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود. ماده ۵۸۱ - در مواردی که ثبت اسم تجاری الزامی شده در موعد مقرر ثبت به عمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق‌الثبت مأخوذ خواهد داشت.	ماده ۲۱۲ - در صورت تعدد مدیران، برای هر یک از جلسات آنان باید صورتجلسه‌ای تنظیم شود و حداقل به امضای اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه مدیران برسد. در صورتجلسه مذکور نام مدیران حاضر و غائب و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات با قید تاریخ مکتوب می‌شود. نظر هر یک از مدیران نیز که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشند باید در صورتجلسه قید شود. مسئولیت صحت مندرجات صورتجلسه بر عهده امضاکنندگان است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۳۷ - هیئت مدیره باید حداقل هر شش ماه یکبار خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.	ماده ۲۱۳ - مدیر یا مدیران باید حداقل هر شش ماه یکبار خلاصه‌ای از صورت اموال، مطالبات و دیون شرکت را تنظیم و به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه کنند.
ماده ۱۳۸ ل.ا.ق.ت. - هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید. ماده ۲۳۲ ل.ا.ق.ت. - هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به‌ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقل‌بیش روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود. ماده ۲۴۲ - در شرکت‌های سهامی عام هیأت مدیره مکلف است که به‌حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حساب‌های شرکت گواهی نمایند که کلیه دفاتر و اسناد و صورت حساب‌های شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حساب‌های سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیأت مدیره وضع مالی شرکت را به نحو صحیح و روشن نشان می‌دهد. تبصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می‌باشد و در صورتی که به‌موجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.	ماده ۲۱۴ - مدیر یا مدیران شرکت باید پس از انقضای سال مالی، ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است، صورتهای مالی شرکت را به‌ضمیمه گزارشی درباره وضع شرکت طی آن سال مالی تنظیم و مجمع عمومی عادی سالانه را برای رسیدگی به صورتهای مالی و گزارش خود و بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت دعوت کنند. اسناد مذکور در این ماده باید حداقل سی روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرس یا بازرسان شرکت گذاشته شود. گزارش مدیر یا مدیران شرکت باید شامل خلاصه‌ای از صورتهای مالی شرکت باشد. تبصره ۱ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و شرکت‌های تابع و وابسته آنها گزارش حسابدار رسمی نیز باید به صورتهای مالی شرکت ضمیمه شود. حسابدار رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره صحت صورتهای مالی و انطباق آنها با استانداردهای حسابداری گواهی کند که کلیه دفاتر و صورتحساب‌ها و توضیحات لازم را در اختیار داشته است. حسابدار رسمی موضوع این تبصره باید از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب شود. تبصره ۲ - استانداردهای حسابداری به پیشنهاد سازمان حسابرسی کشور ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت. - هیئت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به‌عنوان اندوخته	ماده ۲۱۵ - مدیر یا مدیران باید هر سال یک‌دهم از سود خالص شرکت را به‌عنوان اندوخته قانونی ذخیره کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی بیک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی بیک دهم سرمایه بالغ گردد.	به محض اینکه اندوخته قانونی به یک پنجم سرمایه شرکت رسید ذخیره کردن آن اختیاری است. چنانچه سرمایه شرکت افزایش پیدا کند تا زمانی که اندوخته قانونی به یک پنجم سرمایه بالغ گردد، کسر یک دهم مذکور ادامه می‌یابد.
ماده ۱۴۱ - اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.	ماده ۲۱۶ - اگر بر اثر زیان‌های وارد شده اموال شرکت بر اساس صورتهای مالی از نصف سرمایه ثبت شده شرکت کمتر شود، مدیر یا مدیران باید به فوریت مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقای شرکت تصمیم‌گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیان‌های وارد شده یا کاهش سرمایه شرکت تا مبلغ اموال موجود تصمیم بگیرد. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در این قانون گردد. چنانچه مدیر یا مدیران برخلاف این ماده مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی، منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذ شده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود.
ماده ۵ ل. ۱۰ ق. ت. - در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.	ماده ۲۱۷ - اگر بر اثر زیان‌های وارد شده اموال شرکت بر اساس صورتهای مالی از نصاب مقرر در این قانون کمتر شود، مدیر یا مدیران باید به فوریت مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقای شرکت تصمیم‌گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیان‌های وارد شده تصمیم بگیرد. چنانچه مدیر یا مدیران برخلاف این ماده مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذ شده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی‌نفع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.	می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود
ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت. - مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.	ماده ۲۱۸ - هر یک از مدیران در باره تصمیماتی که بر خلاف قانون، مقررات، اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی اتخاذ می‌کند، حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسئول است. حدود مسئولیت هریک از مدیران را دادگاه تعیین می‌کند.
ماده ۱۱۶ - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به‌منزله مفصلاً حساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه این‌گونه مدیران خود به خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.	ماده ۲۱۹ - تصویب صورتهای مالی شرکت در هر دوره مالی به‌منزله مفصلاً حساب مدیر یا مدیران برای همان دوره است، مگر اینکه ثابت شود صورتهای مالی شرکت با اعمال تقلب به تصویب مجمع عمومی رسیده است.
ماده ۱۱۹ - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت‌های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان‌لم‌یکن خواهد بود.	ماده ۲۲۰ - در شرکت‌هایی که هیأت مدیره دارند، مدیران باید در اولین جلسه خود از بین اعضای هیأت یک رئیس و یک نایب‌رئیس برای هیأت مدیره تعیین کنند. رئیس و نایب‌رئیس هیأت مدیره باید شخص حقیقی باشند. لکن فردی که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی مدیر معرفی شده است می‌تواند به اعتبار شخصیت حقیقی خویش به‌عنوان رئیس یا نایب‌رئیس هیأت مدیره انتخاب شود.
تبصره ۱ - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد.	
تبصره ۲ - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره ۲ ماده ۱۱۹ ل.ا.ق.ت. - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.	ماده ۲۲۱ - در غیاب رئیس هیأت مدیره و یا در مواردی که وی به طور موقت نتواند وظایف خود را انجام دهد نائب رئیس هیأت مدیره وظایف او را بر عهده می گیرد.
ماده ۱۱۹ - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود.	ماده ۲۲۲ - مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیأت مدیره نباید از مدت عضویت آنها در هیأت مدیره بیشتر باشد. هیأت مدیره، همواره، می تواند رئیس و نائب رئیس هیأت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. اتخاذ هر ترتیبی برخلاف مقررات این ماده و مواد (۲۲۰) و (۲۲۱) این قانون اعتبار ندارد.
ماده ۱۲۰ - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مکلف به دعوت آنها می باشد دعوت نماید.	ماده ۲۲۳ - رئیس هیأت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیأت مدیره باید مجمع عمومی را در مواردی که مدیر یا مدیران به دعوت آن مکلفند بر اساس مصوبه هیأت مدیره دعوت کند. چنانچه هیأت مدیره در مواردی که مکلف به دعوت مجمع عمومی است، حسب مورد، ظرف مهلت مقرر در اساسنامه یا قانون، تصمیمی در این باره اتخاذ نکند، رئیس هیأت مدیره رأساً مجمع عمومی را دعوت می کند.
ماده ۱۲۲ - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که اقلایک سوم اعضاء هیئت مدیره را تشکیل دهند می توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیئت مدیره را دعوت نمایند.	ماده ۲۲۴ - ترتیب دعوت جلسات هیأت مدیره را اساسنامه معین می کند. ولی در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیأت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد، عده ای از مدیران که حداقل یک سوم اعضای هیأت مدیره را تشکیل می دهند می توانند با ذکر دستور جلسه، هیأت مدیره را برای تشکیل جلسه دعوت کنند. مدیرعامل شرکت نیز می تواند با ذکر دستور جلسه دعوت هیأت مدیره را از رئیس هیأت مدیره تقاضا کند. در این صورت، رئیس هیأت مدیره باید با رعایت تشریفات مقرر مدیران را دعوت کند.
ماده ۱۲۹ - اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکتهایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا	ماده ۲۲۵ - هریک از مدیران شرکت، شرکت مادر و شرکتهای تابع یا وابسته شرکت و نیز اشخاص حقوقی که هر یک از اشخاص مذکور مدیر، مدیرعامل و یا شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مدیر عامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای بهمان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت.	مادر، تابع یا وابسته آنها است نمی‌توانند در معامله‌ای که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌شود، بدون اجازه هیأت مدیره به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، طرف معامله واقع و یا در آن سهم شوند. در صورت اجازه نیز هیأت مدیره باید بازرس یا بازرسان شرکت را از مفاد معامله‌ای که اجازه آن را داده است مطلع کند و مراتب را به اولین مجمع عمومی عادی گزارش دهد. بازرس یا بازرسان نیز باید ضمن گزارشی خاص مشتمل بر جزئیات معامله مذکور، نظر خود را درباره انجام این معاملات در شرایط منصفانه و رعایت حقوق کلیه شرکا و یا سهامداران و قوانین و مقررات مربوط، به‌طور کتبی ظرف ده روز به هیأت مدیره اعلام و به مجمع مذکور نیز تقدیم کنند. در شرکت‌های فاقد هیأت مدیره، اجازه حسب مورد از مدیر یا مدیران اخذ می‌شود. چنانچه خود مدیر یا مدیران، طرف معاملات مذکور در این ماده باشند باید ضمن گزارش مراتب به اولین مجمع عمومی عادی در غیر شرکت‌های تک عضو، بازرس یا بازرسان را از وقوع چنین معامله‌ای مطلع کنند. هرگاه ذی‌نفع در معامله، مدیر شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در جلسه هیأت مدیره حق رأی ندارد.
	ماده ۲۲۶ - شرکت تجاری که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت دیگری تعلق دارد، همچنین شرکت تجاری که به طرق پیش‌بینی شده در اساسنامه و یا به هر نحو از قبیل کسب اکثریت مدیران، تحت کنترل شرکت دیگر باشد شرکت تابع یا فرعی نامیده می‌شود، اگرچه کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن به شرکت کنترل‌کننده تعلق داشته باشد. به شرکتی که از طرق مذکور کنترل شرکت دیگر را در دست دارد، شرکت مادر اطلاق می‌شود. شرکتی که به هر نحو از قبیل داشتن حداقل یک مدیر در شرکت و یا سهامداری عمده تحت نفوذ قابل ملاحظه شرکت دیگر باشد، شرکت وابسته نامیده می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.	ماده ۲۲۷ - هرگاه معامله مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون بدون رعایت تشریفات مقرر در آن ماده انجام شود و یا بازرس یا بازرسان شرکت انجام این معامله در شرایط مقرر در ماده مذکور را تأیید نکنند، مجمع عمومی عادی می‌تواند، پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، در باره درخواست اعلام بطلان معامله از دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ کند. اگر ذی‌نفع در معامله مذکور از شرکا و یا سهامداران شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در مجمع عمومی عادی حق رأی ندارد.
ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند.	ماده ۲۲۸ - معاملات مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون، در هر حال، حتی اگر به وسیله مجمع عمومی عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است، مگر اینکه شخص ثالث با ذی‌نفع در معامله مذکور تبانی کرده باشد
ماده ۱۳۰ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله	ماده ۲۲۹ - در صورتی که بر اثر انجام معاملات موضوع ماده (۲۲۵) این قانون به شرکت خسارتی وارد شود، ذی‌نفع در معامله، مدیرعامل، مدیران شرکت که انجام معامله را اجازه داده‌اند و بازرس یا بازرسان شرکت که بر خلاف واقع رعایت شرایط مقرر در ماده (۲۲۵) را تأیید کرده‌اند، منفرداً، مسئول جبران کلیه خسارات وارد شده می‌باشند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند.	
ماده ۱۳۲ - مدیر عامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره به‌استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ‌گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این‌گونه عملیات به‌خودی‌خود باطل است. در مورد بانک‌ها و شرکت‌های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به‌شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاداولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.	ماده ۲۳۰ - اشخاص مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون نمی‌توانند وام یا اعتباری از شرکت دریافت کنند و شرکت نیز نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این‌گونه معاملات باطل‌اند. این ممنوعیت شامل همسر و بستگان نسبی و سببی مدیر یا مدیران تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه می‌شود. در مورد بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری معاملات مذکور به‌شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر است، لکن جزئیات این معاملات باید به همراه اظهارنظر بازرس یا بازرسان به مجمع عمومی عادی گزارش شود.
ماده ۱۳۳ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود، منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت با تقویت منفعت.	ماده ۲۳۱ - مدیر یا مدیران شرکت نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند مسئول جبران خسارت وارد شده است. تبصره - منظور از ضرر در این قانون اعم از ورود خسارت یا تقویت منفعت است.
ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به‌طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به‌عنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیرموظف هیئت مدیره حق ندارند به‌جز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت	ماده ۲۳۲ - مجمع عمومی عادی می‌تواند بابت ساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیأت مذکور پرداخت مبلغی مقطوع را به آنها تصویب کند. اعضاء غیرموظف هیئت مدیره حق ندارند به‌جز آنچه در این ماده و ماده (۲۳۳) این قانون پیش‌بینی می‌شود وجهی را در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر از شرکت دریافت کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند. ماده ۲۴۱ - با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلااثر است	
ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به‌طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به‌عنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیرموظف هیئت مدیره حق ندارند به‌جز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند	ماده ۲۳۳ - مجمع عمومی عادی می‌تواند در صورت پیش‌بینی اساسنامه تخصیص مبلغ معینی را به‌عنوان پاداش سالانه مدیر یا مدیران تصویب کند. حداکثر مبلغ پرداختی به هریک از مدیران به‌عنوان پاداش سالانه تحت هر عنوان نباید برای عضو غیرموظف از پنج برابر دریافتی وی و برای عضو موظف از دو برابر دریافتی وی در طول سال مالی مورد رسیدگی بیشتر باشد.
	ماده ۲۳۴ - در صورت عضویت شخص حقوقی در هیأت مدیره حق‌الزحمه و پاداش سالانه مدیر به شخص حقوقی مدیر تعلق می‌گیرد.
ماده ۲۷۶ - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا	ماده ۲۳۵ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک‌دهم مجموع سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد می‌توانند در صورت تقصیر مدیر یا مدیران به‌نام شرکت و به هزینه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مدیر عامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضاء هیأت مدیره یا مدیر عامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوی پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است.	خود علیه اشخاص مذکور اقامه دعوی و جبران کلیه خسارات واردشده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. چنانچه از تقصیر اشخاص ثالث نیز زبانی به شرکت برسد همین حکم مجری است. در صورت محکومیت مدیر یا مدیران، مدیرعامل، بازرس یا بازرسان و یا اشخاص ثالث به جبران خسارات و پرداخت هزینه دادرسی، حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده است، از محل محکوم به به وی مسترد می‌شود. در صورت محکومیت اقامه‌کننده دعوی هزینه‌ها و خسارات برعهده او است
ماده ۲۷۷ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوای مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.	ماده ۲۳۶ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی به هیچ وجه نمی‌تواند حق شرکا و یا سهامداران را در مورد اقامه دعوای مدنی یا کیفری علیه مدیر یا مدیران شرکت محدود کند.
ماده ۱۴۳ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیت‌دار می‌تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.	ماده ۲۳۷ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد اموال شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هریک از مدیران را که مطابق ماده (۲۱۹) این قانون مفاد حساب نگرفته‌اند یا با اعمال تقلب، مفاد حساب اخذ کرده‌اند به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از اموال شرکت ممکن نشده است محکوم کند، مگر اینکه ثابت شود ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن اموال آن ناشی از جرائم و یا تخلف صریح آن مدیر از مفاد قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت نبوده است. در صورتی که ثابت شود مجمع عمومی عادی علی‌رغم تخلفات مدیر یا مدیران صورتهای مالی را تصویب کرده است، شخصی که به هنگام تصمیم‌گیری بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه شرکت، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، متعلق به وی بوده یا به هر نحو کنترل مجمع را در اختیار داشته است مسئول جبران خسارت واردشده به اشخاص ذی‌نفع است، مگر اینکه ثابت کند تصمیم مجمع به وی مستند نبوده است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۲۴ - هیئت مدیره باید اقلاً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند در صورتی که مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی. تبصره - هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیر عامل را عزل نماید.	بند سوم - مدیر عامل ماده ۲۳۸ - در صورت تعدد مدیران شرکت، آنان باید یک شخص حقیقی را از بین خود یا خارج به‌عنوان مدیر عامل شرکت برگزینند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کنند. مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد. چنانچه شرکت تنها یک مدیر داشته باشد، مدیر مذکور سمت مدیر عامل را نیز تصدی می‌کند.
تبصره ماده ۱۲۴ ل.ق.ت. - هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیر عامل را عزل نماید.	ماده ۲۳۹ - عزل و پذیرش استعفای مدیر عامل همواره با مدیران است.
	ماده ۲۴۰ - مدیر عامل می‌تواند با تصویب هیأت مدیره یک یا چند شخص حقیقی را به‌عنوان قائم‌مقام خود انتخاب و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه آنان را تعیین کند. حداکثر تعداد قائم‌مقام‌های مدیر عامل در اساسنامه معین می‌شود
ماده ۱۲۵ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.	ماده ۲۴۱ - مدیر عامل در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب می‌شود و انجام کلیه امور شرکت و اقامه دعوی و دفاع از دعاوی اقامه شده علیه شرکت را بر عهده دارد. درج امضاء او تحت اسناد تعهدآور شرکت، موجب تعهد شرکت می‌گردد و تحدید اختیارات او به‌موجب اساسنامه، تصمیمات مجمع عمومی و یا مدیران تنها در روابط بین مدیر عامل و شرکت، معتبر و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه به حدود اختیارات مدیر عامل بی‌اثر است. قائم‌مقام مدیر عامل در حدود موضوع اختیارات تفویض‌شده، اختیارات مدیر عامل را دارد.
	ماده ۲۴۲ - مدیر عامل باید کلیه تصمیمات هیأت مدیره را اجرا کند. در صورت استنکاف مدیر عامل از اجرای تصمیمات هیأت مدیره، مجامع عمومی، اساسنامه، مقررات و قوانین، رئیس هیأت مدیره می‌تواند هیأت مدیره را برای استماع توضیحات مدیر عامل در این‌باره دعوت کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	چنانچه رئیس هیأت‌مدیره از انجام دعوت خودداری کند، عده‌ای از مدیران که لااقل یک‌سوم اعضای هیأت‌مدیره را تشکیل می‌دهند می‌توانند هیأت‌مدیره را برای استماع توضیحات مدیرعامل دعوت کنند. مدیرعامل باید با حضور در جلسه مذکور توضیح مقتضی را ارائه کند. در هر حال، فاصله دعوت از مدیرعامل تا تشکیل جلسه نباید از یک هفته کمتر باشد. در صورت عدم حضور مدیرعامل یا پس از استماع توضیحات وی، هیأت‌مدیره درباره عزل نامبرده با رعایت قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. اساسنامه شرکت نمی‌تواند ترتیبی برخلاف مقررات این ماده مقرر کند. عزل مدیرعامل در سایر موارد تابع تشریفات مقرر در این ماده نیست.
ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.	ماده ۲۴۳ - تصمیمات، اعمال و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل یا علی‌رغم ممنوعیت وی از تصدی سمت مدیریت عامل انتخاب گردد در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.
ماده ۱۴۲ - مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.	ماده ۲۴۴ - مدیرعامل و قائم‌مقام‌های وی در برابر تصمیماتی که برخلاف قوانین و مقررات، مفاد اساسنامه، مصوبات مجمع عمومی و یا مدیران اتخاذ کرده‌اند مسئولیت دارند.
	ماده ۲۴۵ - مدیرعامل در مورد اقدامات و تصمیمات قائم‌مقام‌های خود در برابر مدیران مسئول است.
ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ‌کس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت‌های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.	ماده ۲۴۶ - هیچ شخصی نمی‌تواند هم‌زمان در بیش از یک شرکت به سمت مدیرعامل یا عضو موظف هیأت‌مدیره انتخاب شود. همچنین عضویت غیرموظف در هیأت‌مدیره بیش از دو شرکت ممنوع است. شرکت‌های مادر و تابع آن و یا شرکت‌های تابع یک شرکت مادر در صورتی که هیچ‌کدام از آنها جزء شرکت‌های دولتی نباشند مشمول

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	حکم این ماده نیستند. متخلف از این ماده مشمول مقررات مواد (۲۰۳) و (۲۰۴) این قانون است
ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند...	ماده ۲۴۷ - مقررات مواد (۲۰۰)، (۲۰۱)، (۲۰۲)، (۲۰۳)، (۲۰۴)، (۲۱۹)، (۲۲۵)، (۲۲۷)، (۲۲۸)، (۲۲۹)، (۲۳۰)، (۲۳۱)، (۲۳۵)، (۲۳۶) و (۲۳۷) این قانون در مورد مدیرعامل و قائم‌مقام وی نیز مجری است.
ماده ۱۴۴ ل.ق.ت. - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظائف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.	بند چهارم - بازرس یا بازرسان ماده ۲۴۸ - مجمع عمومی عادی در هر سال از میان اشخاص واجد صلاحیت، یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا طبق مقررات این قانون انجام وظیفه کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان تا چهار دوره متوالی بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر حال می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند، به شرط آنکه در همان زمان جانشین وی را نیز انتخاب کند. تبصره - تعداد بازرسان در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام و همچنین شرکت‌های تابع و وابسته آنها نباید از سه شخص کمتر باشد
ماده ۱۰۹ ق.ت. - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکا آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و هیئت مزبور لااقل سالی یک‌مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد. هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است. هیئت نظار می‌تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده دعوت نماید مقررات مواد ۱۶۵ - ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.	ماده ۲۴۹ - اولین بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند.
ماده ۱۴۵ - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت‌های سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت‌های سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون به عمل خواهد آمد.	
ماده ۱۴۶ - مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظائف بازرسی دعوت شوند.	ماده ۲۵۰ - مجمع عمومی عادی باید حداقل یک بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت فوت، انحلال، معذوریت، استعفاء، سلب شرایط، استنکاف یا عدم قبول

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	سمت به‌وسیله بازرس یا بازرسان اصلی برای انجام وظایف بازرسی دعوت شود.
	ماده ۲۵۱ - اگر به علت فوت، انحلال یا استعفای هریک از بازرسان شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هریک از آنان از تصدی این سمت، تعداد بازرسان از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کمتر شود، اعضای علی‌البدل به‌ترتیب مقرر در اساسنامه و در غیر این صورت به‌ترتیب مقرر به‌وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان می‌شوند. اگر عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد یا به هر علت از تصدی بازرسی شرکت ناتوان و یا ممنوع گردد یا تعداد اعضای علی‌البدل برای تصدی محلهای خالی کافی نباشد، مدیر یا مدیران باید به‌فوریت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند.
	ماده ۲۵۲ - هرگاه مدیر یا مدیران از دعوت مجمع عمومی در مورد مذکور در ماده (۲۵۱) این قانون خودداری کنند یا دعوت به‌وسیله آنان ممکن نباشد، بازرس یا بازرسان باقیمانده شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع با رعایت تشریفات لازم مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند. در صورت عدم امکان دعوت به‌وسیله بازرس یا بازرسان باقیمانده شرکت، به هر علت، یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور و نیز در صورتی که شرکت بازرس دیگری نداشته باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه، عدم دعوت مجمع مذکور به‌وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند.
	ماده ۲۵۳ - اشخاص حقوقی را می‌توان به‌عنوان بازرس شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی به‌طور مستقل کلیه مسئولیت‌های مدنی شخص حقیقی بازرس را دارد و باید به‌طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی بازرسی شرکت است به نمایندگی تام‌الاختیار خود

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	برای انجام وظایف بازرسی معرفی کند. نماینده مذکور کلیه وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و جزائی بازرس را مستقلاً بر عهده دارد. در صورت انتخاب شخص حقوقی به‌عنوان بازرس، حق‌الزحمه بازرس به شخص حقوقی تعلق می‌گیرد.
ماده ۱۴۷ - اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند: ۱ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون. ۲ - مدیران و مدیر عامل شرکت. ۳ - اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم. ۴ - هرکس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می‌دارد.	ماده ۲۵۴ - اشخاص زیر نمی‌توانند به‌عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند: ۱ - اشخاصی که در مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون ذکر شده‌اند. ۲ - هریک از اشخاصی که سمت مدیریت و مدیریت عامل شرکت و قائم‌مقامی وی را بر عهده دارند. ۳ - کسانی که با مدیر و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه نسبت سببی و نسبی دارند. ۴ - هر شخصی که خود و یا همسرش از اشخاص مذکور در بند (۲) موظفاً حقوق دریافت می‌کند. ۵ - هر شخصی که خود و یا همسرش از شرکتی که مدیر یا مدیرعامل شرکت در آنها مدیر و یا مدیرعامل است، موظفاً حقوق دریافت می‌کند. ۶ - شخص حقوقی‌ای که مدیر و یا مدیرعامل شرکت در آن، سمت مدیر و یا مدیرعامل دارد. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی، علاوه بر اشخاص مذکور در این ماده، اشخاص زیر نیز نمی‌توانند به‌عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند: ۱ - شریک و یا سهامداری که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه شرکت را دارد. ۲ - شخص حقوقی‌ای که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه آن به مدیر و یا مدیرعامل شرکت تعلق دارد؛ ۳ - شخص حقوقی‌ای که مدیر، مدیرعامل، شرکا و یا سهامداران آن در مجموع بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه شرکت را دارند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظائفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به‌طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند. ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به‌عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به‌هیچ‌وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود	ماده ۲۵۵ - علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای بازرس یا بازرسان شرکت مقرر شده است، آنان باید در هر سال گزارش جامعی در مورد وضع شرکت تهیه و به مجمع عمومی عادی سالانه تقدیم کنند.
ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظائفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است	ماده ۲۵۶ - گزارش مذکور در ماده (۲۵۵) این قانون باید حداقل مشتمل بر اظهارنظر درباره موارد زیر باشد: ۱ - صحت صورتهای مالی و اطلاعات ارائه شده به‌وسیله مدیر یا مدیران ۲ - انطباق صورتهای مذکور با استانداردهای حسابداری ۳ - رعایت قوانین، مقررات و مفاد اساسنامه به‌وسیله مدیر یا مدیران و مدیرعامل ۴ - رعایت حقوق شرکا و یا سهامداران به‌طور یکسان در حدود مقرر در قوانین، مقررات و اساسنامه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
به‌طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند. ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.	
تبصره ماده ۱۵۰ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر یک از آنان می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد، لکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید می‌شود.	
ماده ۱۵۱ ل.ا.ق.ت. - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری [که] در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیت‌دار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.	ماده ۲۵۸ - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف و یا تقصیر مدیر یا مدیران و مدیرعامل در انجام وظایف مربوط به شرکت را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند.
ماده ۱۵۱ ل.ا.ق.ت. - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری [که] در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیت‌دار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.	ماده ۲۵۹ - اگر بازرس یا بازرسان ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی در شرکت از جمله نداشتن دفاتر موضوع ماده (۹۱) این قانون یا نامرتب بودن آنها، ارائه صورتهای مالی خلاف واقع و یا عدم پرداخت حقوق دولتی مطلع شوند، باید مراتب را به‌وسیله اظهارنامه رسمی به دادستان محل اقامت شرکت اعلام و موقوف را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند. در صورتی که انتظار تا تشکیل جلسه مذکور موجب ورود زیان به شرکت شود،

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	بازرس یا بازرسان باید با قید فوریت مجمع یادشده را با رعایت تشریفات مربوط دعوت کنند.
ماده ۱۴۹ - بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آنکه آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.	ماده ۲۶۰ - بازرس یا بازرسان، در هر حال، می‌توانند به صلاحدید خود در امور شرکت تحقیق و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کنند و مورد رسیدگی قرار دهند. همچنین بازرس یا بازرسان می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت کنند.
ماده ۱۴۹ - بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آنکه آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.	ماده ۲۶۱ - بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند، به شرط آنکه آنها را از قبل به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس یا بازرسان تعیین می‌کنند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را دارند و حق الزحمه آنان باید در حد متعارف به وسیله شرکت پرداخت شود.
ماده ۱۵۳ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به‌عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس به‌وسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است.	ماده ۲۶۲ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس یا بازرسان را معین نکرده باشد یا بازرس یا بازرسان به‌عللی نتوانند گزارش دهند یا از ارائه گزارش امتناع کنند، مجمع عمومی باید در مورد انتخاب بازرس یا بازرسان برای سال مالی مربوط اقدام مقتضی به عمل آورد و در صورت خودداری از انتخاب بازرس یا بازرسان، دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را با تعیین حق الزحمه به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب می‌کند. بازرس یا بازرسان منتخب دادگاه تا انتخاب بازرس یا بازرسان جدید به‌وسیله مجمع عمومی باید وظایف مربوط را انجام دهند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام هرگاه مجمع عمومی از انتخاب بازرس یا بازرسان خودداری کند سازمان بورس و اوراق بهادار به تقاضای هر ذی‌نفع به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت بازرس یا بازرسان را با تعیین حق‌الزحمه انتخاب می‌کند.
	ماده ۲۶۳ - بازرس یا بازرسان در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت‌های بازرس را بر عهده دارند.
ماده ۱۵۵ - تعیین حق‌الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است	ماده ۲۶۴ - تعیین حق‌الزحمه بازرس یا بازرسان جز در مورد مذکور در ماده (۲۶۲) این قانون و تبصره آن با مجمع عمومی عادی است.
ماده ۱۵۴ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود.	ماده ۲۶۵ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت، شرکا و یا سهامداران و اشخاص ثالث در مورد تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند، از جمله در باره تصدیق خلاف واقع موارد مذکور در ماده (۲۵۶) این قانون، طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی در مقابل شرکت، شرکا، و یا سهامداران و اشخاص ثالث برای جبران خسارت وارد شده مسئولیت دارند.
	ماده ۲۶۶ - بازرس یا بازرسان در هر حال ملزم به رعایت ضوابط و موازین حرفه‌ای مربوط از جمله بی‌طرفی، رازداری، عدم افشای اسرار تجاری و عدم مداخله در امر اداره شرکت می‌باشند.
ماده ۱۵۶ - بازرس نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع شود.	ماده ۲۶۷ - بازرس یا بازرسان و همسر و فرزندان و اقربای سببی و نسبی آنان تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه نمی‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد، طرف معامله و یا سهامی شوند.
	ماده ۲۶۸ - چنانچه بازرس شخص حقوقی باشد، شرکت‌های مادر، تابع و وابسته آن نیز مشمول ممنوعیت مذکور در ماده (۲۶۷) این قانون می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۲۶۹ - در مورد بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های مالی و اعتباری هرگاه اشخاص مذکور در مواد (۲۶۷) و (۲۶۸) این قانون تحت قیود و شرایط عادی و جاری و بدون دخالت بازرس از بانک یا مؤسسه یا شرکت مالی و اعتباری ذی‌ربط وام یا اعتبار تحصیل کنند، معامله منعقدشده معتبر است لکن این معاملات باید با جزئیات آنها به مجمع عمومی عادی گزارش شود.
	ماده ۲۷۰ - مفاد مواد (۲۳۵) و (۲۳۶) این قانون در مورد بازرس یا بازرسان نیز مجری است.
	ماده ۲۷۱ - رعایت کلیه تکالیف و مسئولیت‌هایی که در این گفتار برای بازرس یا بازرسان مقرر شده است برای حسابدار رسمی موضوع تبصره (۱) ماده (۲۱۴) این قانون نیز الزامی است.
	گفتار دوم - حسابهای شرکت ماده ۲۷۲ - صورتهای مالی عبارت است از گزارش وضع مالی شرکت مشتمل بر صورت دارایی، ترازنامه، حساب عملکرد، حساب سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد که بر اساس استانداردهای حسابداری و به‌گونه‌ای که بیانگر محتوای اقتصادی معاملات و کلیه اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیریهای اقتصادی باشد تهیه می‌شود.
ماده ۲۳۳ - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روش‌های ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکاررفته است رعایت شود. با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه بگزارش هیأت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.	ماده ۲۷۳ - در تنظیم صورتهای مالی هر سال باید همان شکل و روش‌های ارزیابی که در سال مالی قبل به‌کار رفته است رعایت شود. هرگاه تغییری در شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل مورد نظر باشد، باید صورتهای مالی به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردند تا مجمع عمومی باملاحظه آنها و با توجه به گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان در مورد صورتهای مذکور تصمیم بگیرد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. پائین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیان‌ها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.	ماده ۲۷۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود حتی اگر پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. کاهش ارزش اموال ثابت، خواه در نتیجه استعمال، خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر، باید در استهلاک منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اموال و زیان‌ها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.
ماده ۲۳۵ - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.	ماده ۲۷۵ - دیونی که شرکت تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شوند.
ماده ۲۳۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلک شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که این گونه هزینه‌ها به عمل آمده مستهلک شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می‌شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل این اضافه ارزش مستهلک نمود.	ماده ۲۷۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود و هزینه‌های افزایش سرمایه حداکثر تا پنج سال از تاریخ هزینه‌کرد مستهلک شوند. چنانچه در نتیجه افزایش سرمایه، سهام جدید صادر شده به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شود، هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل اضافه ارزش مستهلک کرد.
ماده ۲۳۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.	ماده ۲۷۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی حاصل کسر کلیه هزینه‌ها و استهلاکات از درآمد همان سال مالی است.
ماده ۲۳۸ - از سود خالص شرکت پس از وضع زیان‌های وارده در سال‌های قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.	ماده ۲۷۸ - پس از وضع زیان‌های وارد در سال‌های قبل باید معادل یک‌دهم سود خالص شرکت طبق ماده (۲۱۵) این قانون به‌عنوان اندوخته قانونی ذخیره شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.
	ماده ۲۷۹ - مجمع عمومی عادی می‌تواند درصدی از سود قابل تقسیم شرکت را به‌عنوان اندوخته اختیاری منظور کند.
ماده ۲۳۹ - سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های	ماده ۲۸۰ - سود قابل تقسیم، حاصل کسر زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده (۲۷۸) این قانون و اندوخته اختیاری مصوب مجمع عمومی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اختیاری به‌علاوه سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است	عادی از سود خالص سال مالی شرکت است که به آن سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است، اضافه می‌شود
ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبلغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.	ماده ۲۸۱ - مجمع عمومی عادی پس از تصویب صورتهای مالی و احراز وجود سود قابل تقسیم، مبلغی از آن را که باید با رعایت مفاد مواد (۱۶۹)، (۱۷۰)، (۱۷۱) و (۱۷۲) این قانون بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود تعیین می‌کند. تقسیم سود و یا اندوخته‌های اختیاری منوط به پیشنهاد سقف سود قابل تقسیم به‌وسیله مدیر یا مدیران همراه با اظهارنظر بازرس یا بازرسان شرکت مبنی بر وجود نقدینگی لازم برای پرداخت آن در مهلت‌های مقرر و فقدان شرط درآمدی و یا هزینه‌ای در صورتهای مالی است. هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص تقسیم سود بر خلاف مفاد این ماده ممنوع و باطل است
	ماده ۲۸۲ - در شرکت‌هایی که تهیه صورتهای مالی تلفیقی برای آنها الزامی است، سود تلفیقی مبنای تقسیم سود است مگر آنکه سود مندرج در صورتهای مالی شرکت اصلی کمتر باشد که در این صورت سود شرکت اصلی ملاک تقسیم سود می‌باشد
	ماده ۲۸۳ - مجمع عمومی عادی می‌تواند مقرر کند مبالغی از اندوخته‌های اختیاری شرکت بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود. در این صورت، در تصمیم مجمع مذکور به‌طور صریح قید می‌شود که مبالغ مورد نظر باید از کدام یک از اندوخته‌ها برداشت و تقسیم گردند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.	ماده ۲۸۴ - نحوه پرداخت سود قابل تقسیم به وسیله مجمع عمومی عادی تعیین می‌شود. اگر این مجمع در مورد نحوه پرداخت تصمیمی نگیرد، مدیر یا مدیران نحوه پرداخت را تعیین می‌کنند. در هر حال، پرداخت سود به شرکا و یا سهامداران باید حداکثر ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی عادی در مورد تقسیم سود انجام شود.
ماده ۱۵۹ ل.ا.ق.ت. - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند. ماده ۱۱۲ ق.ت. - در هیچ مورد اکثریت شرکا نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم‌الشرکه خود کند.	گفتار سوم - تغییرات در سرمایه شرکت ماده ۲۸۵ - هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند بدون موافقت کلیه شرکا و یا سهامداران بر تعهدات آنان بیفزاید.
ماده ۱۶۴ - اساسنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد.	ماده ۲۸۶ - در اساسنامه شرکت نمی‌توان به مدیر یا مدیران شرکت اختیار تغییر سرمایه را داد.
	ماده ۲۸۷ - تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد افزایش سرمایه باید مشتمل بر موارد زیر باشد: ۱ - مبلغ افزایش سرمایه ۲ - طریق افزایش سرمایه و شیوه تأمین مبلغ لازم برای آن ۳ - زمان آغاز و مهلت افزایش سرمایه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۴ - در صورت مجاز کردن افزایش سرمایه به غیرنقد نام بانک و شماره حسابی که وجوه مربوط در آن واریز و اسناد مالکیت اموال غیرنقد در آن تودیع می‌شود. ۵ - در صورت مدنظر بودن ایجاد امتیاز جدید شرح امتیازات سهم‌الشرکه و یا سهام جدید و موجبات آن ۶ - نحوه تخصیص اضافه ارزش سهام در شرکت‌های سهامی تبصره - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند اختیار تعیین موارد مذکور در بندهای (۳) و (۴) این ماده را به مدیر یا مدیران واگذار کند.
	ماده ۲۸۸ - هرگاه قسمتی از افزایش سرمایه به‌صورت غیرنقد باشد باید تمام آن قسمت، با جلب نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری، تقویم و تسلیم شود و با رعایت ماده (۱۶۵) این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد و مراتب در صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که آن را تصویب کرده است درج گردد. اگر افزایش سرمایه از طریق وارد کردن شریک و یا سهامدار جدید مورد نظر باشد، مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور شرکا و یا سهامداران شرکت و تعهدکنندگان جدید تشکیل می‌شود.
ماده ۱۵۸ - تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید یکی از طرق زیر امکان‌پذیر است: ۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم به‌نقد. ۲ - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید. ۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت. ۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام.	ماده ۲۸۹ - افزایش سرمایه به غیرنقد جز در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز است. در شرکت‌های مذکور نیز چنانچه افزایش سرمایه مطابق مقررات این قانون از طریق واگذاری سهام جدید به اشخاص معین، مورد نظر باشد، افزایش سرمایه به غیرنقد مجاز است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۸۱ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است و در صورت تمدید مهلت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع خواهد داد. هر گاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره‌نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.	ماده ۲۹۰ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ افزایش سرمایه معین شده است و در صورت تمدید مهلت پس از انقضای آن، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک‌ماه به تعهدات شرکا و یا سهامداران رسیدگی می‌نمایند و در صورت تأمین کل مبلغ لازم برای افزایش سرمایه ضمن اصلاح اساسنامه، میزان سهم‌الشرکه و یا تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و برای ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کنند. تبصره ۱ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در صورتی که مقدار سهام پذیره‌نویسی شده حداقل سه‌چهارم مبلغ مقرر برای افزایش سرمایه باشد، ثبت افزایش سرمایه مجاز است، مگر آنکه مجمع عمومی فوق‌العاده برای تحقق افزایش سرمایه میزان بیشتری را مقرر کند. تبصره ۲ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان در ابتدا به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌شود و پس از تأیید سازمان مذکور مراتب برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت شرکت‌ها می‌رسد. سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مربوط نظر خود را اعلام کند.
ماده ۱۸۳ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) برای ثبت افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود: ۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیئت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است. ۲ - یک نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است.	ماده ۲۹۱ - برای ثبت افزایش سرمایه کلیه شرکت‌های تجاری مدیر یا مدیران باید اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مشتمل بر تصویب افزایش سرمایه شرکت ۲ - در صورت اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده برای تعیین موضوع بندهای (۳) و (۴) ماده (۲۸۷) این قانون به‌وسیله مدیر یا مدیران مصوبه آنان در این مورد ۳ - گواهی‌نامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون ۴ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مذکور در ماده (۲۸۸)، در صورت اقتضاء

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۳ - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود. ۴ - در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیرنقد باشد باید تمام قسمت غیرنقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیرهنویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیرنقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود. تبصره - اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضاء کلیه هیئت مدیره رسیده باشد.	
ماده ۱۸۵ - در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیرهنویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد.	ماده ۲۹۲ - اگر مجمع عمومی فوق‌العاده تأمین سرمایه لازم برای افزایش سرمایه را با رعایت مقررات این قانون از طریق تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل تصویب کند، باید مدارک حاکی از موافقت دارندگان این نوع اوراق که بازرس یا بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده‌اند، به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود.
	ماده ۲۹۳ - اظهارنامه مذکور در ماده (۲۹۱) این قانون باید با قید تاریخ به امضای مدیر یا مدیران برسد و مشتمل بر موارد زیر باشد: ۱ - تصریح بر تعهد مبلغ لازم برای افزایش سرمایه و تأدیه و یا تسلیم تمام آن ۲ - میزان سهم‌الشرکه و یا سهام هر یک از تعهدکنندگان
ماده ۱۸۴ - وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود.	ماده ۲۹۴ - هر نوع تصرف در آورده‌های غیرنقد و وجوهی که به‌عنوان افزایش سرمایه تسلیم می‌گردد پیش از ثبت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حساب‌های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.	افزایش سرمایه شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. همچنین تأمین و توقیف آورده‌های مذکور در مقابل دیون شرکت پیش از ثبت افزایش سرمایه شرکت مجاز نیست.
ماده ۱۸۲ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیرهنویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیرهنویسی به آن تسلیم شده است گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به‌عمل آمده است ارسال می‌دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیرهنویسی کرده‌اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می‌گیرد.	ماده ۲۹۵ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا سه ماه از تاریخ آغاز مهلت افزایش سرمایه به ثبت نرسد، مفاد ماده (۱۵۵) این قانون در باره استرداد مبالغ دریافتی از تعهدکنندگان قابل اجرا است. تبصره - مهلت مذکور در این ماده برای شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام شش ماه است.
ماده ۱۸۹ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به‌طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد. تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد.	ماده ۲۹۶ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه موضوع ماده (۲۱۶) این قانون، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به پیشنهاد مدیر یا مدیران در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت تصمیم بگیرد، مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق شرکا و یا سهامداران لطمه‌ای وارد نگردد و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در این قانون برای آن نوع شرکت کمتر نشود. تبصره - کاهش سرمایه در شرکت‌های سهامی از طریق کاهش تعداد سهام به نسبت مساوی و یا کاهش بهای اسمی سهم به نسبت مساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۹۰ - پیشنهاد هیأت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان باشد و در صورت عدم تصمیم‌گیری مجمع عمومی در خصوص حسابهای مالی سال قبل این گزارش باید حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.	ماده ۲۹۷ - پیشنهاد مدیر یا مدیران برای کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و شامل گزارشی درباره امور شرکت و صورتهای مالی از بدو سال مالی در جریان باشد و در صورت عدم تصمیم‌گیری مجمع عمومی در خصوص حسابهای مالی سال قبل این گزارش باید حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل نیز باشد.
ماده ۱۹۱ - بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق‌العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.	ماده ۲۹۸ - بازرس یا بازرسان شرکت به پیشنهاد مدیر یا مدیران رسیدگی و نظر خود را طی گزارشی با رعایت ماده (۱۶۸) این قانون به مجمع عمومی فوق‌العاده تسلیم می‌کنند. تصمیم‌گیری در مجمع مذکور پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان انجام می‌گیرد.
ماده ۱۹۲ - هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند	ماده ۲۹۹ - مدیر یا مدیران قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی در این باره را حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد، در روزنامه شرکت، آگهی کنند.
ماده ۱۹۳ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند.	ماده ۳۰۰ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۲۹۹) این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود به کاهش سرمایه شرکت را به دادگاه تقدیم کنند.
ماده ۱۹۴ - در صورتی که به نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد، کاهش سرمایه شرکت ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در مورد رد اعتراض موضوع ماده (۳۰۰) صادر شده باشد ماده ۱۹۵ - در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه	ماده ۳۰۱ - در مهلت مذکور در ماده (۳۰۰) این قانون و نیز چنانچه اعتراضی شده و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد، کاهش سرمایه شرکت ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در مورد رد اعتراض موضوع ماده (۳۰۰) صادر شده باشد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است.	
	ماده ۳۰۲ - کاهش سرمایه با ثبت آن محقق می‌شود و پیش از آن، پرداخت هر وجهی به شرکا تحت این عنوان ممنوع است.
ماده ۱۹۶ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه‌ای به اطلاع کلیه صاحبان سهم برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد.	ماده ۳۰۳ - پس از کاهش سرمایه برای رد مبلغ کاهش یافته به شرکا و یا سهامداران، مدیر یا مدیران باید مراتب را به‌نحوی که برای دعوت مجامع مقرر است به اطلاع کلیه شرکا و یا سهامداران برسانند. آگهی مذکور باید برای شرکا و سهامداران بانام به‌وسیله پست سفارشی ارسال گردد.
ماده ۱۹۷ - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت. ۲ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه. ۳ - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش. ۴ - نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می‌گیرد	ماده ۳۰۴ - آگهی مذکور در ماده قبل باید مشتمل بر موارد زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - اقامتگاه شرکت ۳ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه ۳ - میزان کاهش سرمایه و نحوه تخصیص مبلغ کاهش‌یافته به شرکا و یا سهامداران ۴ - نحوه پرداخت، مهلت و محل بازپرداخت مبلغ کاهش یافته
	ماده ۳۰۵ - خروج یا اخراج شریک با رعایت مقررات کاهش سرمایه صورت می‌گیرد و باید مبلغ پرداختی به عضو خارج یا اخراج شده به تأیید کارشناس رسمی دادگستری برسد. خروج شریک از شرکت با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود. اخراج شریک از شرکت زمانی قابل انجام است که در این قانون پیش‌بینی شده باشد.
تبصره ۲ ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت. - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.	ماده ۳۰۶ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه، ممنوع و در صورت انجام باطل است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۹۸ - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.	ماده ۳۰۷ - شرکت تجاری نمی‌تواند به‌طور مستقیم یا به‌وسیله شرکت‌های تابع یا وابسته به خود سهام یا سهم‌الشرکه خود را تملک کند، لکن شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام می‌توانند به‌طور غیرمستقیم و از طریق شرکت‌های تابع و وابسته مجموعاً پنج درصد (۵٪) از سهام خود را در اختیار بگیرند. این سهام باید بانام و تمام وجه آن تأدیه شده باشد. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی‌شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهامداران تقسیم می‌گردد. تبصره - شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که سهام آنها به‌صورت بلوک یا عمده در بازار بورس یا خارج از بورس عرضه می‌شود نمی‌توانند از طریق شرکت‌های تابع و وابسته خود با سایرین در خرید سهام مورد عرضه رقابت کنند. منظور از سهام عمده در شرکت‌هایی که سرمایه ثبت شده آنها کمتر از بیست میلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد حداقل پنج درصد (۵٪) سهام آن شرکت و در شرکت‌هایی که سرمایه ثبت شده آنها بیش از مبلغ مذکور باشد حداقل یک درصد (۱٪) سرمایه شرکت است.
	ماده ۳۰۸ - هرگاه شرکت تجاری برخلاف ماده (۳۰۷) این قانون و تبصره آن مستقیم یا غیرمستقیم سهام یا سهم‌الشرکه خود را تملک کند، باید مقدار مازاد را ظرف سه‌ماه به طریق مقتضی واگذار نماید. در غیر این صورت، هر ذی‌نفع می‌تواند الزام شرکت را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه درخواست کند. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی‌شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهامداران تقسیم می‌گردد.
ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:	مبحث سوم - انحلال و تصفیه شرکت ماده ۳۰۹ - شرکت تجاری در موارد زیر منحل می‌شود:

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۱ - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد. ۲ - در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد. ۳ - در صورت ورشکستگی ۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد ۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه. ماده ۱۱۴ ق.ت. - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تصمیم عدّه از شرکا که سهم‌الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. د) در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد. ماده ۱۳۶ ق.ت. - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تراضی تمام شرکا: ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد. د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷. ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸.	۱ - شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد. ۲ - شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر اینکه مدت مذکور، قبل از انقضاء تمدید شود. ۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده به هر علتی به انحلال شرکت رأی دهد. ۴ - ادغام یا تجزیه در صورتی که منجر به محو شخصیت حقوقی شرکت شود. ۵ - صدور حکم قطعی دادگاه مبنی بر انحلال در مواردی که در قانون مقرر شده است.

قانون تجارت	لایحه تجارت
(و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰. تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلایل انحلال منحصراً مربوط به شریک یا شرکا معینی باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد. ماده ۹۳ ق.ت. - شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱ - وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد. ۲ - وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد. ۳ - در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴ - در صورت تصمیم مجمع عمومی. ماده ۱۳۷ ق.ت. - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید. ماده ۱۳۸ ق.ت. - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد. ماده ۱۳۹ ق.ت. - در صورت فوت یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است. ماده ۱۴۰ ق.ت. - در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد. ماده ۱۶۱ ق.ت. - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز جاری است. ماده ۱۸۱ ق.ت. - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد. ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکا ضامن. د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد. در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.	
ماده ۲۰۱ - در موارد زیر هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد ۱ - در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد. ۲ - در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.	ماده ۳۱۰ - در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه درخواست کند: ۱ - تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی برای انجام موضوع آن صورت نگرفته یا فعالیت‌های شرکت به مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد. ۲ - مجمع عمومی عادی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد. ۳ - سمت تمام یا برخی از مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مدتی زائد بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۳ - در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زائد بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد. ۴ - در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد.	۴ - تحقق مفاد بندهای (۱) و (۲) ماده (۳۰۹) این قانون در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده برای اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود یا به انحلال شرکت رأی ندهد یا تصمیم انحلال به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نشود. ۵ - بیش از شش ماه تعداد شرکا و یا سهامداران شرکت از حداقل مقرر در این قانون کمتر باشد. ۶ - موارد مذکور در مواد (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۳۱۲) و (۳۱۳) این قانون
ماده ۲۰۲ - در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.	ماده ۳۱۱ - در مورد بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۵) ماده (۳۱۰) این قانون دادگاه به‌فوریت بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که نباید از شش ماه تجاوز کند می‌دهد تا موجبات انحلال را رفع کنند. چنانچه ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود، دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.
ماده ۱۲۹ ق.ت. - طلبکاران شخصی شرکا حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به‌عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را به‌وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکا می‌توانند مادام که حکم نهائی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دائنین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با	ماده ۳۱۲ - بستانکار شخصی هر یک از شرکا در صورتی که نتوانسته باشد در اجرای حکم قطعی دادگاه یا مفاد اسناد لازم‌الاجرا طلب خود را از اموال شخصی شریک وصول کند و سهم شریک از منافع شرکت نیز برای تأدیه طلب وی کافی نباشد می‌تواند توقیف سهم‌الشرکه وی را از دادگاه بخواهد. در این صورت هرگاه واگذاری سهم‌الشرکه با رعایت مقررات مربوط ظرف شش ماه پس از توقیف محقق نشود یا سایر شرکا و یا سهامداران نتوانند با رعایت این قانون بستانکار را از تقاضای انحلال منصرف کنند، دادگاه حکم انحلال شرکت را صادر می‌کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.	
ماده ۳۸۱.ق.ت. - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.	ماده ۳۱۳ - در صورت ورشکستگی شریک مدیر تصفیه او می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح تقاضا کند، مشروط بر آنکه شش ماه قبل از تقدیم دادخواست انحلال، مراتب را به وسیله اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد و شرکا نیز نتوانند با رعایت مقررات این قانون مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف کنند.
ماده ۲۰۳.ل.ق.ت. - تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد. ماده ۲۰۲.ق.ت. - تصفیه امور شرکت‌ها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.	ماده ۳۱۴ - تصفیه امور شرکت‌های تجاری با رعایت مقررات این مبحث انجام می‌گیرد، مگر در صورت ورشکستگی شرکت و انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه که تابع مقررات ورشکستگی است. انحلال و تصفیه بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با رعایت مقررات مربوط انجام می‌گیرد.
ماده ۲۰۹.ل.ق.ت. - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است. ماده ۲۰۵.ق.ت. - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.	ماده ۳۱۵ - تصمیم یا حکم انحلال، نام مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنان و نام بازرس یا بازرسان تصفیه با رعایت این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام شود تا پس از ثبت در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی گردد. اگر شرکت روزنامه نداشته باشد، تصمیم یا حکم، علاوه بر روزنامه رسمی در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری آگهی می‌شود. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مدیران تصفیه باید نسخه‌ای از صورتجلسه انحلال شرکت را ظرف مهلت مقرر برای اعلام تصمیم به مرجع ثبت شرکت‌ها به سازمان بورس و اوراق بهادار نیز ارسال کنند.
ماده ۲۱۰.ل.ق.ت. - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.	ماده ۳۱۶ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۱۱ ل.ا.ق.ت. - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می‌شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند.	ماده ۳۱۷ - از تاریخ ثبت تصمیم انحلال اختیارات مدیر یا مدیران شرکت خاتمه می‌یابد و تصفیه شرکت شروع می‌شود.
ماده ۲۰۴ ل.ا.ق.ت. - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که رأی به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۲۰۵ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظائف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود. ماده ۲۰۳ ق.ت. - در شرکت‌های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکا ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. ماده ۲۰۴ ق.ت. - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکا ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد. ماده ۲۰۶ ق.ت. - در شرکت‌های مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکا غیر ضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امر تصفیه معین نمایند.	گفتار اول - اداره‌کنندگان امور شرکت منحل شده ماده ۳۱۸ - امر تصفیه با مدیر یا مدیران تصفیه است. مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله مجمع عمومی فوق‌العاده تصویب‌کننده انحلال و با رعایت مقررات ماده (۳۱۹) این قانون انتخاب می‌شوند، لکن در مورد انتخاب آنان رعایت نصاب مقرر برای انتخاب مدیر یا مدیران شرکت در مجمع عمومی عادی کافی است. اگر مجمع مذکور مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب نکند، دادگاه به تقاضای بازرس یا بازرسان شرکت یا هر ذی‌نفع، مدیر یا مدیران تصفیه را با رعایت شرایط مقرر برای تصدی مدیریت تصفیه انتخاب می‌کند.
	ماده ۳۱۹ - نحوه انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه همان است که برای مدیر یا مدیران شرکت مقرر شده است. شرایط تصدی مدیریت تصفیه و نحوه تعیین حق‌الزحمه و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تعداد مدیران تصفیه همان است که برای مدیران تصفیه ورشکستگی مقرر شده است.
ماده ۲۰۵ - در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظائف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد. در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود. ماده ۲۳۱ ل.ا.ق.ت. - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصراً به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.	ماده ۳۲۰ - در مواردی که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه است، دادگاه در حکم انحلال، مدیر یا مدیران تصفیه را منصوب و مراتب را به اداره تصفیه امور ورشکستگی برای تعیین قاضی ناظر اعلام و تصویر یا رونوشتی از حکم را به فوریت برای دادستان محل ارسال می‌کند. ماده ۳۲۱ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شوند، در صورت فوت، انحلال یا معذورت مدیر تصفیه یا منع وی از تصدی این سمت، دادگاه دوباره به تعیین مدیر تصفیه اقدام می‌کند.
ماده ۲۱۴ - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه	ماده ۳۲۲ - مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر برای دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند. ماده ۲۱۵ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمديد مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.	
	ماده ۳۲۳ - ترتیب تشکیل، اداره جلسات و تصمیم‌گیری مدیران تصفیه در صورت تعدد آنان تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد است.
ماده ۲۰۷ ل.ا.ق.ت - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.	ماده ۳۲۴ - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی دقیق شرکت است، مگر آن که حسب مورد به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شود.
ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان‌لم‌یکن است. ماده ۲۰۸ ق.ت - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد. ماده ۲۰۹ ق.ت - متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا به‌توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند. ماده ۲۱۰ ق.ت - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکا ضامن به او اجازه داده باشند - مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است. ماده ۲۱۴ ق.ت - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود و تعاونی	ماده ۳۲۵ - مدیر یا مدیران تصفیه، نماینده شرکت در حال تصفیه‌اند و کلیه اختیارات لازم برای تصفیه را حتی از طریق ارجاع به داوری، طرح دعوی یا سازش دارند و می‌توانند برای طرح دعوی و دفاع از آن وکیل تعیین کنند. محدود کردن اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

لایحه تجارت	قانون تجارت
	به‌ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکت‌ها (به‌استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.
ماده ۳۲۶ - مجمع عمومی عادی می‌تواند مدیر یا مدیران تصفیه را عزل کند، مگر آنکه مدیر یا مدیران به‌وسیله دادگاه انتخاب شوند که در این صورت عزل آنها با دادگاه است.	ماده ۲۱۶ ل.ا.ق.ت. - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می‌باشند.
ماده ۳۲۷ - مدیر تصفیه مطابق مقررات مسئولیت مدنی، مسئول کلیه خسارت‌های ناشی از اعمال خود است.	
ماده ۳۲۸ - کلیه اعمال جاری مدیر یا مدیران تصفیه از جانب هر ذی‌نفع نزد دادگاه قابل شکایت است.	
ماده ۳۲۹ - اگر مدیر یا مدیران تصفیه قصد استعفاء داشته باشند باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت کنند. در صورتی که مجمع مذکور تشکیل نشود یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه جدید را انتخاب کند و نیز چنانچه مدیر یا مدیران تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه باید استعفای خود را به دادگاه اعلام کنند و تعیین مدیر یا مدیران تصفیه جدید را از دادگاه درخواست کنند. در هر حال، استعفای مدیر یا مدیران تصفیه تا زمانی که جانشین آنان به‌ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشود و مراتب مطابق مقررات این قانون ثبت و آگهی نگردد بی‌اثر است.	ماده ۲۳۰ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفاء از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به‌ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان‌لم‌یکن است.
ماده ۳۳۰ - در صورت فوت، انحلال، معذوریت، حجر یا ورشکستگی هریک از مدیران تصفیه متعدد، چنانچه مدیر به‌وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین دعوت کنند. هرگاه مجمع دعوت شده تشکیل نشود یا نتواند جانشین را انتخاب کند یا در	ماده ۲۳۱ ل.ا.ق.ت. - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.	صورتی که مدیر تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده و در غیراین‌صورت بازرس یا بازرسان تصفیه باید تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کنند. در صورت عدم تقاضای اشخاص مذکور، هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه درخواست نماید.
ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده	ماده ۲۳۱ - در مورد ماده (۳۳۰) این قانون اگر مدیر تصفیه واحد بوده و به‌وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین مدیر دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی شرکت را برای تعیین جانشین او از مرجع ثبت شرکت‌ها درخواست کند. هرگاه مجمع دعوت شده تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شده باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
باشد هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.	
ماده ۲۱۸ - در صورتی که به موجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.	ماده ۳۳۲ - مجمع یا دادگاهی که مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می‌کند باید هم‌زمان بازررس یا بازرسان اصلی و علی‌البدل تصفیه را نیز انتخاب کند. شرایط، اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های بازررس یا بازرسان تصفیه همان است که برای بازررس یا بازرسان شرکت مقرر شده است. مفاد ماده (۳۲۶) این قانون در مورد عزل بازرسان تصفیه نیز مجری است.
	ماده ۳۳۳ - در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تعیین بازررس تصفیه الزامی نیست. لکن پس از اعلام مراتب به اداره تصفیه امور ورشکستگی و قطعیت حکم انحلال، رئیس اداره یک نفر از قضات ناظر را با موافقت دادگاه صادرکننده حکم به عنوان قاضی ناظر تصفیه تعیین می‌کند. قاضی ناظر تحت نظارت دادگاه صادرکننده رأی فعالیت می‌کند. قاضی ناظر، علاوه بر اختیارات و وظایفی که به موجب مواد قانونی دیگر دارد، نظارت بر جریان تصفیه و سرعت آن و سایر امور اجرایی را بر عهده دارد.
ماده ۲۰۶ - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت "در حال تصفیه" ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد.	گفتار دوم - اداره امور شرکت منحل شده ماده ۳۳۴ - شرکت به محض انحلال، در حال تصفیه محسوب می‌شود و همواره پس از نام شرکت باید عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود. نام مدیر یا مدیران تصفیه نیز باید در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد.
ماده ۲۰۹ - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون	ماده ۳۳۵ - مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف پنج روز پس از تصمیم انحلال، مراتب را برای اجرای مقررات ماده (۳۱۵)

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.	به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند. در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تاریخ قطعیت حکم، مبدأ مهلت مذکور است.
ماده ۲۱۱ ل.ا.ق.ت. - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می‌شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند. ماده ۲۰۷ ق.ت. - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ و ۲۱۲. ماده ۲۱۴ ق.ت. - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود و تعاونی به‌ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکت‌ها (به‌استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.	ماده ۳۳۶ - پس از شروع تصفیه شرکت، مدیر یا مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل و به‌فوریت امر تصفیه شرکت را برعهده بگیرند. مدیر یا مدیران تصفیه پس از تحویل گرفتن دفاتر، باید ذیل آنها را ببندند و مراتب را با ذکر کیفیت دفاتر به‌طور خلاصه در صورت‌مجلس قید کنند
	ماده ۳۳۷ - هرگاه شرکت قبل از انحلال در حالت توقف باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باید رسیدگی به امر ورشکستگی شرکت را از دادگاه صالح تقاضا کنند، در غیر این صورت به مجازات مقرر برای ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند.
	ماده ۳۳۸ - مدیر یا مدیران تصفیه باید پس از انتشار آگهی انحلال شرکت، سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه با نشر آگهی در روزنامه شرکت و حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری دیگر از کلیه بستانکاران و بدهکاران

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	شرکت منحل شده و اشخاصی که به هر عنوان اموال شرکت مذکور را در تصرف دارند دعوت کنند. آگهی دعوت باید شامل موارد زیر باشد: ۱ - هویت شرکت منحل شده و نشانی کامل آن ۲ - دعوت از بستانکاران شرکت منحل شده و اشخاصی که ادعائی نسبت به آن دارند برای تقدیم تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود به مدیر یا مدیران تصفیه ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون و دریافت رسید آن ۳ - دعوت از بدهکاران تاجر متوقف برای معرفی خود ظرف مدت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن ۴ - دعوت از اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر متوقف را در تصرف دارند برای استرداد آن اموال به مدیر یا مدیران تصفیه با رعایت مقررات این قانون ظرف مهلت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
	ماده ۳۳۹ - کلیه بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعائی نسبت به او دارند باید ظرف حداکثر یک‌ماه پس از انتشار آخرین آگهی موضوع ماده (۳۳۸) این قانون تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود را به مدیر یا مدیران تصفیه تقدیم و رسید دریافت و یا از طریق پست سفارشی دوقبضه برای آنان ارسال کنند.
	ماده ۳۴۰ - بدهکاران شرکت منحل شده و نیز اشخاصی که مالی از اموال آن را به‌نحوی در تصرف دارند باید ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون خود را معرفی و با رعایت ماده (۳۴۱) اموال مذکور را به مدیر یا مدیران تصفیه تسلیم کنند.
	ماده ۳۴۱ - اگر اموال مذکور در ماده (۳۴۰) این قانون در اجرای عقد لازمی به متصرف تسلیم شده باشد، تسلیم آن به مدیر یا مدیران تصفیه لازم نیست. در غیر این صورت، عمل مستنکف از تسلیم، خیانت در امانت محسوب می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۳۴۲ - مدیر یا مدیران تصفیه به مطالبات رسیدگی و با موافقت بازرس یا بازرسان تصفیه آنها را تصدیق یا رد می‌کنند. در صورتی که اصل طلب یا مقدار آن و یا تضمین‌های مربوط به آن تصدیق نشود، مراتب به‌فوریت به بستانکار اخطار و از او توضیح خواسته می‌شود. بستانکار مذکور باید حداکثر ظرف پنج روز پس از دریافت اخطار در این‌باره توضیح دهد. عملیات تشخیص، شامل متفرعات طلب نیز می‌شود.
	ماده ۳۴۳ - در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تصدیق یا رد مطالبات بستانکاران مطابق مقررات تشخیص مطالبات ورشکستگی انجام می‌گیرد.
	ماده ۳۴۴ - مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر تا شش‌ماه پس از انحلال باید صورت دارایی شرکت را تنظیم و به‌طور مرتب آن را روزآمد کنند و به‌ضمیمه آخرین صورتهای مالی شرکت که به‌تصویب مجمع عمومی عادی رسیده است در اقامتگاه شرکت در دسترس عموم قرار دهند. در دسترس بودن صورت دارایی باید در روزنامه شرکت و در صورتی که شرکت روزنامه نداشته باشد، در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری آگهی شود. صورت مذکور باید متضمن موارد زیر باشد: ۱ - تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول به‌طور مشروح و میزان وجوه نقدی که شرکت منحل شده نزد بانک‌ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی به هر عنوان دارد به نحوی که متضمن مشخصات حسابهای مذکور به‌طور دقیق باشد. ۲ - کلیه مطالبات، دیون و تضمین‌های آنها که اسامی کلیه بدهکاران و بستانکاران ضمیمه آن است. ۳ - کلیه اموال اشخاص ثالث که به هر عنوان در تصرف شرکت است و نیز صورت کلیه اموالی که شرکت به هر عنوان نزد دیگران دارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۴ - کلیه دعاوی اقامه شده له و علیه شرکت که در جریان رسیدگی است یا حکم صادر شده در مورد آن نهائی و یا اجرا نشده است.
	ماده ۳۴۵ - اسامی بستانکارانی که طلب آنها رد شده است، با ذکر دلایل رد، در صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون درج می‌شوند.
	ماده ۳۴۶ - هریک از شرکا، سهامداران و یا بستانکاران شرکت که در مورد صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون اعتراضی دارند، می‌توانند در دادگاه اقامه دعوی کنند. اگر طلب یا وثیقه عینی یا حق رجحان شخصی که طلب یا ادعای او قبول شده است مورد اعتراض باشد، علیه بستانکار مذکور اقامه دعوی می‌شود. رسیدگی به دعاوی موضوع این ماده فوری و خارج از نوبت انجام می‌گیرد.
ماده ۲۱۷ ل.ا.ق.ت - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به‌ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند.	ماده ۳۴۷ - تا زمانی که تصفیه خاتمه نیافته است، مدیر یا مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی سالانه شرکت را با رعایت تشریفات مربوط، دعوت و صورتهای مالی شرکت را به‌ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. نسخه‌ای از صورتهای مالی و گزارش مذکور سی روز پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه باید برای اظهارنظر به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه شود.
ماده ۲۱۹ ل.ا.ق.ت - در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش‌بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.	ماده ۳۴۸ - نحوه دعوت، تشکیل و اداره مجامع عمومی و تصمیم‌گیری در آنها در مدت تصفیه مانند زمان قبل از انحلال است. هرگاه مجمع عمومی مطابق مقررات این قانون دعوت نشود، بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی را دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی را از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند.
ماده ۲۲۱ ل.ا.ق.ت - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوت‌نامه و اطلاعیه‌ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می‌کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد منتشر شود.	
ماده ۲۲۰ ل.ا.ق.ت. - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حساب‌ها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.	ماده ۳۴۹ - شرکا و یا سهامداران در مدت تصفیه می‌توانند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از صورتهای مالی شرکت کسب اطلاع کنند.
ماده ۲۲۲ ل.ا.ق.ت. - در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حساب‌های مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.	ماده ۳۵۰ - در مواردی که به موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجمع عمومی و تسلیم گزارش باشند، هرگاه مجمع عمومی دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت گردد ولی تشکیل نشود یا نتواند تصمیم بگیرد، مدیر یا مدیران تصفیه باید گزارش خود و خلاصه صورتهای مالی مقرر در ماده (۳۴۷) این قانون را در صورتی که شرکت، روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت و در غیر این صورت در روزنامه رسمی منتشر کنند.
	ماده ۳۵۱ - چنانچه شرکت سهامی منحل شود و سهامداران تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند، مدیر یا مدیران تصفیه آنچه را که بر عهده سهامداران باقی است وصول می‌کنند، مگر آنکه به علت کفایت اموال شرکت، حقوق طلبکاران و یا سهامداران تضییع نشود.
	ماده ۳۵۲ - مواد قانونی مربوط به دعوی استرداد مذکور در کتاب ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در مورد انحلال نیز مجری است.
ماده ۲۱۴ ل.ا.ق.ت. - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن	گفتار سوم - تصفیه امور شرکت منحل شده ماده ۳۵۳ - تصفیه باید ظرف مدتی که مجمع عمومی فوق‌العاده معین می‌کند انجام شود. مدت مذکور نباید بیش از دو سال باشد. چنانچه تصفیه ظرف این مدت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند.	خاتمه نیابد، مدیر یا مدیران تصفیه باید به‌طور کتبی و مستدل جهات خاتمه نیافتن تصفیه، مهلتی را که برای خاتمه دادن به تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که برای پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی عادی برسانند. مجمع عمومی مذکور پس از استماع نظریه بازرس یا بازرسان در مورد گزارش مدیر یا مدیران تصفیه به تمدید دوره تصفیه حداکثر برای دو سال دیگر اقدام می‌کند.
ماده ۲۱۵ ل.ا.ق.ت. - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.	ماده ۳۵۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شوند، تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده (۳۵۳) این قانون با دادگاه است.
	ماده ۳۵۵ - مدیر یا مدیران تصفیه باید اموال شرکت منحل شده را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و شرکا و یا سهامداران بفروشند. در صورتی که مال منقول در بورس و یا بازار قیمت معینی داشته باشد، فروش به کمتر از آن قیمت مجاز نیست. همچنین اشیای ساخته شده از فلزات گرانبها مانند طلا و نقره نباید به بهایی کمتر از بهای فلزی آنها فروخته شود. ماده ۳۵۶ - پس از وضع مخارج تصفیه و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد، مجموع حاصل فروش اموال شرکت بین بستانکاران به نسبت طلب آنها که از قبل تشخیص شده است تقسیم می‌شود. برای مطالبات معلق و نیز مطالباتی که بابت آنها علیه شرکت طرح دعوی شده ولی هنوز در باره آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی متناسب با این مطالبات در حسابهای شرکت منظور گردد. در صورت عدم تصدیق مطالباتی که وجوهی برای آنها منظور گردیده است، وجوه مذکور مطابق مقررات این قانون تقسیم می‌شود. مدیر یا مدیران تصفیه باید هر ماه یک مرتبه گزارش تصفیه شرکت مشتمل بر وجوه تقسیم شده و وجوه موجود را به بازرس یا بازرسان تصفیه ارائه کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۳۵۷ - مدیر یا مدیران تصفیه هیچ طلبی را نمی‌پردازند، مگر آنکه مدارک و اسناد آن را از قبل ملاحظه کرده باشند. مدیر یا مدیران تصفیه مبلغی را که می‌پردازند در روی سند قید می‌کنند. در هر حال بستانکاران باید رسید دریافت وجه را ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.
ماده ۲۲۳ ل.ا.ق.ت. - آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می‌شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعده تأدیه آن نرسیده است موضوع شده باشد. ماده ۲۱۱ ق.ت. - آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست به طور موقت بین شرکا تقسیم می‌شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعده تأدیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکا مورد اختلاف است موضوع نمایند.	ماده ۳۵۸ - آن قسمت از وجوه نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست، بین شرکا و یا سهامداران به نسبت سرمایه آنان در شرکت تقسیم می‌شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعده تأدیه آنها نرسیده است کنار گذاشته شود.
	ماده ۳۵۹ - در پایان امر تصفیه از کلیه شرکا و یا سهامداران برای رسیدگی به حساب نهایی و تسویه حساب با مدیر یا مدیران تصفیه و خاتمه دادن به نمایندگی آنان و احراز ختم تصفیه دعوت می‌شود. در صورت عدم دعوت، تا یک ماه پس از ختم تصفیه هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی را از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند. در صورتی که مجمع عمومی دعوت شده تشکیل نشود یا نتواند در باره صورتهای مالی ارائه شده به وسیله مدیر یا مدیران تصفیه تصمیم بگیرد یا از تصویب صورتهای مالی ارائه شده خودداری ورزد، دادگاه به تقاضای مدیر یا مدیران تصفیه و یا هر ذی‌نفع دیگر درباره ختم تصفیه تصمیم می‌گیرد.
ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت. - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت	ماده ۳۶۰ - تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت برای انجام امور مربوط به تصفیه باقی است و مدیر یا مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای قراردادهای وصول مطالبات و در صورت اقتضاء

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.	فروش اموال منقول و غیرمنقول شرکت و تقسیم اموال آن می‌باشند و چنانچه برای اجرای قراردادهای شرکت معاملات جدیدی لازم شود، این معاملات را انجام می‌دهند.
	ماده ۳۶۱ - هرگاه پس از خاتمه تصفیه اموالی متعلق به شرکت منحل شده کشف گردد، مطابق این قانون تقسیم می‌شود.
ماده ۲۲۴ ل.ق.ت. - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارایی شرکت بدواً به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سرمایه شرکا و یا سهامداران بین آنان تقسیم می‌شود.	ماده ۳۶۲ - پس از ختم تصفیه و اجرای قراردادها و ایفای کلیه دیون مطابق مقررات این مبحث، مابقی اموال شرکت به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سرمایه شرکا و یا سهامداران بین آنان تقسیم می‌شود.
ماده ۲۱۲ ق.ت. - متصدیان تصفیه حساب شرکا را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکا را از نفع و ضرر معین می‌کنند - رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می‌شود.	تبصره - در شرکت‌های سهامی، پس از ختم تصفیه، اموال شرکت ابتدا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران می‌رسد و مازاد به ترتیب مقرر در این ماده تقسیم می‌شود.
	ماده ۳۶۳ - مدیر یا مدیران تصفیه باید قبل از تقسیم، نحوه تقسیم اموال بین شرکا و یا سهامداران را در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت منتشر کنند در غیر این صورت به طریق مقتضی به اطلاع آنان برسانند.
ماده ۲۲۵ ل.ق.ت. - تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.	ماده ۳۶۴ - تقسیم اموال شرکت بین شرکا و یا سهامداران، خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست، مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران از قبل سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه شرکت آگهی شده و حداقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد. در صورتی که شرکت روزنامه نداشته باشد، آگهی مذکور در روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر می‌شود.
ماده ۲۱۵ ق.ت. - تقسیم دارایی شرکت‌های مذکور در ماده فوق بین شرکا خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یک سال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد	
ماده ۲۲۶ ل.ا.ق.ت. - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند. ماده ۲۱۶ ق.ت. - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که بطلب خود نرسیده‌اند.	ماده ۳۶۵ - مدیر یا مدیران تصفیه در صورت تخلف از مواد (۳۶۲) و (۳۶۴) این قانون مسئول جبران خسارت بستانکارانی می‌باشند که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.
	ماده ۳۶۶ - هرگاه شرکت تجاری منحل شود تا زمانی که دیون شرکت از اموال آن پرداخت نشده است، هیچ‌یک از بستانکاران شخصی شرکا و یا سهامداران حقی در اموال شرکت ندارند.
ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری حذف گردد.	ماده ۳۶۷ - مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را برای ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند تا در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها حذف گردد.
ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد. - ر.ک. قانون تأسیس سازمان جمع آوری اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴	ماده ۳۶۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیر یا مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است با رعایت غبطه بستانکاران، شرکا و یا سهامدارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند در حساب مخصوصی نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی آنان را به آن بانک تسلیم کنند و مراتب را طی آگهی مذکور در ماده قبل به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای استیفاء طلب خود به بانک مراجعه کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۲۹ ل.ا.ق.ت. - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکت‌ها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد. ماده ۲۱۷ ق.ت. - دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.	ماده ۳۶۹ - مدیر یا مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها نسخه‌ای الکترونیک از دفاتر و اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده تهیه نمایند و آن را به مرجع ثبت شرکت‌ها تحویل دهند تا نگهداری شود و برای مراجعه اشخاص ذی‌نفع در دسترس باشد. دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال تمام پس از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند.
	ماده ۳۷۰ - تا زمانی که شرکت منحل نشده است، دیون آن باید از خود شرکت مطالبه شود. پس از انحلال و تصفیه شرکت نیز اگر اموال آن برای پرداخت دیون کافی نباشد، تنها بستانکاران شرکت‌های تضامنی، نسبی و مختلط می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکای ضامن یا به تمام آنان رجوع کنند. در این مورد، بستانکاران شرکت بر بستانکاران شخصی شرکا تقدم ندارند. در این مورد هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند به استناد اینکه میزان دیون شرکت از میزان آورده او در شرکت تجاوز می‌کند از تأدیه دیون شرکت امتناع ورزد. در روابط بین شرکا مسئولیت هریک از آنها در تأدیه دیون شرکت به نسبت سرمایه‌ای است که به شرکت آورده است، مشروط بر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نشده باشد.
ماده ۲۱۳ ل.ا.ق.ت. - انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا مدیران تصفیه و یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.	ماده ۳۷۱ - واگذاری تمام یا بخشی از اموال شرکت در حال تصفیه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به اشخاص زیر ممنوع است: ۱ - مدیر یا مدیران تصفیه و کسانی که با آنان رابطه سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه دارند. ۲ - شرکتی که مدیر یا مدیران تصفیه در آن سمت مدیریت یا مدیرعاملی دارند. ۳ - شرکتی که بیش از بیست درصد (۲۰٪) سرمایه آن به اشخاص مذکور در بند (۱) تعلق دارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۴ - شرکتی که مادر، تابع و یا وابسته به شرکت در حال تصفیه است. ۵ - مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکتی که مادر، تابع و یا وابسته به شرکت در حال تصفیه است. ۶ - مدیر و مدیرعامل مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه، چنانچه مدیر تصفیه شخص حقوقی باشد. ۷ - شخص حقوقی که شریک، مدیر و یا مدیرعامل آن مدیر تصفیه شرکت در حال تصفیه باشد.
ماده ۱۰۱.ق.ت. - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. ماده ۱۰۴.ق.ت. - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام ب مردم تأمین می‌کنند. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند. نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند.	فصل دوم - اقسام شرکت‌های تجاری و احکام آنها مبحث اول - شرکت سهامی عام ماده ۳۷۲ - شرکت سهامی عام شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن از طریق مراجعه به عموم تأمین می‌شود. سهامدار شرکت سهامی عام، به جز آنچه که به‌عنوان آورده تعهد می‌کند، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.
ماده ۳ - در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد. ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.	ماده ۳۷۳ - تعداد سهامداران شرکت سهامی عام نباید از هفت شخص کمتر باشد.
ماده ۵ - در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال	ماده ۳۷۴ - سرمایه شرکت سهامی عام در موقع تأسیس نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.	
ماده ۶ - برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسين باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين به‌صورت غیرنقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به‌ضمیمه اظهارنامه و ضامم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.	گفتار اول - تشکیل شرکت ماده ۳۷۵ - برای تأسیس شرکت سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد حداقل بیست درصد (۲۰٪) سرمایه شرکت را به همراه مدارک زیر به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - گواهی‌نامه تأیید نام شرکت در شرف تأسیس ۲ - مدارک مصدق هویت مؤسسان ۳ - گواهی‌نامه بانکی حاکی از سپردن حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) مبلغ تعهد شده در حسابی به‌نام شرکت در شرف تأسیس به‌عنوان بخش نقدی سرمایه و تودیع مدارک مالکیت بخش غیرنقدی سرمایه به‌نام شرکت مذکور، با رعایت مفاد ماده (۱۵۰) این قانون ۴ - طرح اساسنامه شرکت ۵ - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام ۶ - گزارش تحلیلی مشتمل بر طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و خطرهای (ریسک‌های) مرتبط با آن ۷ - تصویر مستندات مربوط به هر حق انحصاری تسلیم شده به‌عنوان آورده ۸ - برآورد هزینه‌ها و مخارج نقدی و غیرنقدی مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با تأسیس شرکت ۹ - برآورد خالص وجوه دریافتی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۱۰ - نسخه‌ای از هر نوع موافقت‌نامه یا قرارداد منعقدشده مرتبط با تأسیس شرکت ۱۱ - نسخه‌ای از قرارداد تعهد پذیرهنویسی مشتمل بر تعهد حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه شرکت، در صورت عدم تکمیل کل سرمایه در جریان پذیرهنویسی ۱۲ - تصویر مصدق موافقت‌نامه مرجع خاص مشروط به جلب موافقت آن مرجع
ماده ۷ - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين ۳ - موضوع شرکت ۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۵ - تعداد سهام بانام و بی‌نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام ۶ - میزان تعهد هر یک از مؤسسين و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود. ۷ - مرکز اصلی شرکت. ۸ - مدت شرکت.	ماده ۳۷۶ - اظهارنامه موضوع ماده (۳۷۵) باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسان برسد و موارد مذکور در ماده (۱۴۶) و صدر ماده (۱۴۹) این قانون به‌جز موارد مذکور در بندهای (۱۱) و (۱۲) ماده (۱۴۶) در آن ذکر شود.
ماده ۸ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت به‌طور صریح و منجز	ماده ۳۷۷ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضای مؤسسان برسد و مشتمل بر موارد مذکور در صدر ماده (۱۴۹) و ماده (۱۵۱) این قانون باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۳ - مدت شرکت ۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد. ۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک. ۶ - تعداد سهام بی‌نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام. ۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود. ۸ - نحوه انتقال سهام بانام. ۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام و بالعکس. ۱۰ - در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب [ترتیب] آن. ۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت. ۱۲ - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی. ۱۳ - مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها. ۱۴ - طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی. ۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می‌کنند یا محجور یا معزول یا بجهات قانونی ممنوع می‌گردند. ۱۶ - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران. ۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند. ۱۸ - قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه. ۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن. ۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه.	
ماده ۹ - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌هایی که شرکت به‌منظور آن تشکیل می‌شود. ۳ - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه مورد نظر باشد. ۴ - مدت شرکت. ۵ - هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسين ، در صورتی که تمام یا بعضی از مؤسسين در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاری داشته باشند ذکر آن به‌اختصار. ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیرنقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیرنقد اطلاع حاصل نمود. ۷ - در صورتی که مؤسسين مزایایی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل. ۸ - تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسين تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند.	ماده ۳۷۸ - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت ۴ - مدت شرکت ۵ - هویت، اقامتگاه و شغل مؤسسان و در صورتی که تمام یا بعضی از آنان در امور مربوط به موضوع شرکت و یا امور مشابه با آن با ذکر مختصری از سوابق، اطلاعات و یا تجاری که داشته باشند. ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۷ - تعیین مشخصات و اوصاف و ارزش آورده غیرنقد طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری ۸ - ذکر مقداری از سرمایه که مؤسسان تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند ۹ - تعداد سهام بانام و بی‌نام شرکت ۱۰ - در صورتی که مؤسسان برای خود امتیازاتی در نظر گرفته باشند، ذکر دقیق این گونه امتیازات ۱۱ - ذکر هزینه‌هایی که مؤسسان تا آن موقع برای تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعات انجام‌شده، پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت ۱۲ - در صورتی که انجام موضوع شرکت به‌طور قانونی مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد، ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۹ - ذکر هزینه‌هایی که مؤسسين تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت. ۱۰ - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع. ۱۱ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید توسط پذیرهنویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیرهنویسی نقداً پرداخت گردد. ۱۲ - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی‌علاقه می‌توانند برای پذیرهنویسی و پرداخت مبلغ نقدی به بانک مراجعه کنند. ۱۳ - تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسين بانضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقه‌مندان به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شده است. ۱۴ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس منحصرأ در آن منتشر خواهد شد. ۱۵ - چگونگی تخصیص سهام به پذیرهنویسان.	۱۳ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید به‌وسیله پذیرهنویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیرهنویسی به‌صورت نقدی پرداخت گردد و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن ۱۴ - تعیین مهلتی که طی آن اشخاص می‌توانند برای پذیرهنویسی و پرداخت مبلغ نقدی به محلی که پذیرهنویسی در آن انجام می‌شود مراجعه کنند. ۱۵ - ذکر شماره و نوع حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام پذیرهنویسی شده به آن حساب پرداخت می‌شود. ۱۶ - ذکر نام، اقامتگاه و میزان تعهدات متعهد پذیرهنویسی که شخصی حقوقی است غیر از مؤسسان و پذیرهنویسان که پذیرهنویسی سرمایه پذیرهنویسی‌نشده را ظرف مهلت مقرر تعهد می‌کند. ۱۷ - تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسان به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه اشخاص به مرجع ثبت شرکت‌ها و سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردیده و در پایگاه الکترونیک آنها قرار داده شده است. ۱۸ - تصریح به اینکه سهام چگونه به پذیرهنویسان تخصیص می‌یابد. ۱۹ - تصریح به مفاد مقررات قانونی در صورتی که سرمایه شرکت در جریان پذیرهنویسی تکمیل نشود. ۲۰ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار اصلی و علی‌البدلی که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس به‌طور انحصاری در آن منتشر می‌شود
	ماده ۳۷۹ - سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون در مورد توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت اظهارنظر کند. در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی، این سازمان ظرف مهلت مذکور مراتب را به‌طور

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	کتبی و مستدل به متقاضی تأسیس اعلام و در غیراین صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه مدارک تسلیم شده به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال می‌کند
ماده ۱۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از مطالعه اظهارنامه و ضامائم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر خواهد نمود.	ماده ۳۸۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۳۷۹) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت موارد نقص را به‌طور کتبی و مستدل به سازمان مذکور ارسال کند
ماده ۱۱ - اعلامیه پذیرهنویسی باید توسط مؤسسین در جراید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود.	ماده ۳۸۱ - سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی باید آن را ظرف پانزده روز، به هزینه مؤسسان در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار سراسری منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محلی که پذیرهنویسی در آن صورت می‌گیرد در معرض دید اشخاص قرار داده شود.
ماده ۱۲ - ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است علاقه‌مندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.	ماده ۳۸۲ - ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است، متقاضیان به محلی که پذیرهنویسی در آن انجام می‌گیرد مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که باید به‌صورت نقدی پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می‌کنند
ماده ۱۳ - ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و مدت شرکت ۲ - سرمایه شرکت. ۳ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی و مرجع صدور آن. ۴ - تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقداً در موقع پذیرهنویسی باید پرداخت شود. ۵ - نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیرهنویسان باید به آن حساب پرداخت شود.	ماده ۳۸۳ - ورقه تعهد سهم علاوه بر امضاء باید دربرگیرنده موارد زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت ۴ - مدت شرکت ۵ - سرمایه شرکت ۶ - مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیرهنویسی شامل شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام و مرجع صدور آن

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۶ - هویت و نشانی کامل پذیرهنویس. ۷ - قید اینکه پذیرهنویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید	۷ - تعداد سهام پذیرهنویسی شده و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغ لازم برای پرداخت نقدی در زمان پذیرهنویسی ۸ - نام بانک، شماره و نوع حساب برای واریز مبلغ لازم ۹ - هویت و نشانی دقیق پذیرهنویس ۱۰ - تصریح به متعهد بودن پذیرهنویس برای پرداخت مبلغ پرداخت نشده سهام پذیرهنویسی شده طبق اساسنامه شرکت
ماده ۱۴ - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیرهنویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به پذیرهنویس تسلیم می‌شود. تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد	ماده ۳۸۴ - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم می‌شود و با قید تاریخ به امضای پذیرهنویس یا قائم مقام قانونی او می‌رسد و نسخه اول را شخصی که پذیرهنویسی نزد او انجام می‌شود نگهداری می‌کند و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء به پذیرهنویس تسلیم می‌شود. چنانچه ورقه تعهد سهم را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل و امضاء کند، هویت، نشانی دقیق و سمت وی در ورقه تعهد سهم قید و مدرک نمایندگی او اخذ می‌شود.
ماده ۱۵ - امضاء ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد	ماده ۳۸۵ - صرف امضای ورقه تعهد سهم به وسیله پذیرهنویس حاکی از قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی سهامداران است
ماده ۱۶ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدید شده مؤسسان حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلأ سی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند نمود.	ماده ۳۸۶ - پس از پایان مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و یا در صورتی که مهلت تمدید شده باشد پس از انقضای مهلت تمدید شده، مؤسسان حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی می‌کنند و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت به طور صحیح تعهد گردیده و حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن پرداخت شده است، تعداد سهام هریک از پذیرهنویسان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت می‌کنند. برای رسمیت جلسه مجمع عمومی مؤسس، دعوت از نماینده سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۳۸۷ - مؤسسان باید هم‌زمان با دعوت مجمع عمومی مؤسس مدارک و مستندات زیر را به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال کنند: ۱ - گواهی نامه بانک در مورد مانده حساب در پایان پذیرهنویسی ۲ - فهرست پذیرهنویسان شامل هویت و نشانی دقیق اشخاص مذکور و میزان تعهد هر یک از آنان
	ماده ۳۸۸ - هرگاه پس از پایان مهلت پذیرهنویسی یا مهلت تمدیدشده سرمایه مذکور در اعلامیه پذیرهنویسی تأمین نشود، کسری سرمایه باید ظرف ده روز به‌وسیله متعهد پذیرهنویسی تأمین گردد. چنانچه تمام سرمایه شرکت از طریق مذکور تأمین نگردد، شرکت تشکیل نمی‌شود و مؤسسان باید ظرف ده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند. در صورت عدم تشکیل شرکت، متعهد پذیرهنویسی مسئول جبران خسارات وارده است
ماده ۱۷ - (اصلاحی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازررس با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.	ماده ۳۸۹ - مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز تعهد کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره طرح اساسنامه شرکت و در صورت ضرورت، اصلاح و سپس تصویب آن، اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت باید به‌طور کتبی قبول سمت کنند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیران و بازررس یا بازرسان با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود، آن را بر عهده گرفته‌اند
تبصره ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت. - (الحاقی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به‌وسیله مجمع عمومی مؤسس تعیین روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می‌شود	ماده ۳۹۰ - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر شود. یکی از این دو روزنامه به‌وسیله مجمع عمومی مؤسس تعیین و روزنامه دیگر همان است که اعلامیه پذیرهنویسی در آن منتشر می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۸ - اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به‌ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد.	ماده ۳۹۱ - اساسنامه‌ای که به‌وسیله مجمع عمومی مؤسس به تصویب می‌رسد، به‌ضمیمه صورت جلسه مجمع مذکور، اعلامیه قبولی سمت مدیران و بازرسان یا بازرسان و تصویر مصدق مدارک هویت آنان به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم می‌شود. در صورت رعایت مواد (۳۸۶)، (۳۸۷)، (۳۸۸) و (۳۸۹) این قانون، سازمان باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مذکور، برای ثبت شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها، تأیید نامه صادر کند.
	ماده ۳۹۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از دریافت تأییدنامه موضوع ماده (۳۹۱) این قانون و ضmann آن شرکت را ثبت می‌کند.
ماده ۲۲ - استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.	ماده ۳۹۳ - مفاد مواد (۱۵۳) و (۱۵۴) این قانون درباره شرکت‌های سهامی عام نیز مجری است.
ماده ۱۹ - در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیرهنویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به‌عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذیرهنویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.	ماده ۳۹۴ - هرگاه شرکت تا شش ماه از تاریخی که مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون را دریافت می‌کند به ثبت نرسد، مرجع ثبت شرکت‌ها به درخواست هریک از مؤسسان و پذیرهنویسان گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که تأدیه وجوه و تسلیم مدارک آورده‌های غیرنقدی در آن به‌عمل آمده است، ارسال می‌کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از مؤسسان و پذیرهنویسان تعهدنامه، وجوه پرداختی و یا مدارک مالکیت تودیع شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهینامه مذکور اقدامات ثبتی انجام شده بی‌اثر می‌شود.
ماده ۲۳ - مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به‌منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام میدهند مسئولیت تضامنی دارند.	ماده ۳۹۵ - کلیه اعمال و اقداماتی که مؤسسان در حدود مقرر در اعلامیه پذیرهنویسی به‌نام شرکت انجام داده‌اند پس از ثبت، به حساب شرکت محسوب می‌شود. هرگونه هزینه خارج از حدود مقرر در اعلامیه پذیرهنویسی باید به تصویب مجمع عمومی مؤسس برسد. اگر مجمع عمومی مؤسس این‌گونه هزینه‌ها را تصویب نکند، هر یک از

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقدامات مذکور منفرداً مسئولیت دارند.
ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ایست که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد. تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.	گفتار دوم - سهام ماده ۳۹۶ - سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که بیانگر میزان مشارکت، حقوق و تعهدات صاحب آن در شرکت سهامی است.
ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ایست که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد. تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.	ماده ۳۹۷ - ورقه سهم سندی قابل معامله و نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. ورقه سهم می‌تواند بانام یا بی‌نام باشد، لکن پذیره‌نویسی سهام بی‌نام بیش از سی درصد (۳۰٪) کل سهام شرکت باطل است.
ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ایست که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد. تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.	ماده ۳۹۸ - در صورتی که برای بخشی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی مقرر شود، این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود. اعطای هر نوع امتیاز به سهامداران در شرکت‌های سهامی جز در قالب سهام ممتاز مجاز نیست. سهام ممتاز باید بانام باشد.
ماده ۲۵ - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب باشد و به امضای حداقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می‌شوند برسد.	ماده ۳۹۹ - اوراق سهام باید متحدالشکل، چاپی و دارای شماره ترتیب باشد و به امضای حداقل دو نفر، که به موجب اساسنامه تعیین می‌شوند، برسد. همچنین سهام شرکت‌ها

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	را می‌توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد.
ماده ۲۶ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود: ۱ - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکت‌ها. ۲ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن. ۳ - تعیین نوع سهم. ۴ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد. ۵ - تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.	ماده ۴۰۰ - قید نکات زیر در ورقه سهم الزامی است: ۱ - هویت و اقامتگاه شرکت ۲ - هویت سهامدار ۳ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن ۴ - نوع سهم ۵ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و عدد ۶ - تعداد سهام در هر ورقه سهم ۷ - سمت اشخاص مکلف به امضاء ورقه سهم طبق اساسنامه تبصره - مقررات بند (۲) در مورد سهام بی‌نام اعمال نمی‌شود.
ماده ۲۹ - در شرکت‌های سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد. ماده ۳۲ - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.	ماده ۴۰۱ - مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال بیشتر باشد. مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید مساوی باشد.
ماده ۲۷ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به سهامداران گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد، نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن است. این گواهینامه در حکم سهم است. در هر حال، ظرف یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهی موقت سهم مسترد و ابطال گردد. ماده ۳۱ - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود	ماده ۴۰۲ - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است، شرکت باید به سهامداران گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد، نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن است. این گواهینامه در حکم سهم است. در هر حال، ظرف یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم، باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد. در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد (۳۹۹) و (۴۰۰) این قانون باید رعایت شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۸ - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاکنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.	ماده ۴۰۳ - تا زمانی که شرکت به ثبت نرسد، صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف، هریک از امضاء کنندگان ورقه منفرداً مسئول جبران کلیه خسارات وارد شده بر اشخاص ثالث می‌باشد.
	ماده ۴۰۴ - برای تبدیل گواهینامه موقت به ورقه سهم مراتب یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به سهامداران داده می‌شود تا برای تبدیل سهم خود به اقامتگاه شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد گواهینامه‌هایی که تبدیل نشده است، سهم بانام صادر و در اقامتگاه شرکت نگهداری می‌شود تا هر موقع که دارندگان گواهینامه‌های مذکور به شرکت مراجعه کردند گواهینامه آنان اخذ و ابطال گردد و ورقه سهم به آنان داده شود.
	ماده ۴۰۵ - در صورت صدور ورقه سهم تا زمانی که سهامدار گواهینامه موقت سهم را تعویض نکرده است، حق حضور و رأی در مجامع عمومی را ندارد.
ماده ۳۹ - سهم بی‌نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهم به قبض و اقباض به عمل می‌آید. گواهی نامه موقت سهم بی‌نام در حکم سهم بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهم بی‌نام می‌باشد.	ماده ۴۰۶ - گواهینامه موقت سهم بی‌نام در حکم سهم بی‌نام و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات این گونه سهم است.
ماده ۳۰ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام ممنوع است. به تعهد کننده این گونه سهم گواهینامه موقت بانام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهم بانام است.	ماده ۴۰۷ - تا زمانی که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشود، صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام ممنوع است. به تعهدکننده این گونه سهم گواهینامه موقت بانام داده می‌شود که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهم بانام است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۳۳ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.	ماده ۴۰۸ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه یا تبدیل شرکت دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی‌نفع حق دارد که برای درخواست تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در قانون شود.
تبصره ماده ۳۳ ل.۱.ق.ت. - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.	ماده ۴۰۹ - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه سهامداران و بدون تبعیض به عمل آید.
ماده ۳۴ - کسی که تعهد ابتیاع سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می‌باشد و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.	ماده ۴۱۰ - کسی که خرید سهمی را تعهد می‌کند، مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن است و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد، انتقال گیرنده مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن است.
ماده ۳۵ - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود بصاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیر کرد از قرار نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال به مبلغ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت بصاحب سهم و گذشتن یکماه اگر مبلغ مورد مطالبه به طور کامل پرداخت نشود، شرکت این گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده یا مورد معامله باشد از آن طریق و گرنه از طریق مزایده می‌فروشد. از حاصل فروش سهم، ابتداء کلیه هزینه‌های مترتب برداشت و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم بابت اصل و خسارات بیشتر باشد، مازاد به وی پرداخت می‌شود.	ماده ۴۱۱ - چنانچه شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را طبق مقررات اساسنامه مطالبه کند، باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت مناسبی بین ده روز تا دو ماه برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه تعیین کند. با انقضای مهلت مذکور و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه، اگر مبلغ مورد مطالبه به طور کامل پرداخت نشود، شرکت این گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده یا مورد معامله باشد از آن طریق و گرنه از طریق مزایده می‌فروشد. از حاصل فروش سهم، ابتداء کلیه هزینه‌های مترتب برداشت و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم بابت اصل و خسارات بیشتر باشد، مازاد به وی پرداخت می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه‌ها و خسارت دیر کرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می‌شود.	تا زمانی که سهم موضوع این ماده فروخته نشود، دارنده آن می‌تواند بدهی خود را به همراه هزینه‌های مترتب به شرکت پرداخت و از فروش آن جلوگیری کند.
ماده ۳۶ - در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یکنوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر و یک نسخه از آگهی [به] وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام با قید کلمه «المثنی» به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد	ماده ۴۱۲ - در مورد ماده (۴۱۱) این قانون آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام با قید کلمه «المثنی» به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد
ماده ۳۷ - دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. به علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به اینگونه سهام معلق خواهد ماند.	ماده ۴۱۳ - دارندگان سهام مذکور در ماده (۴۱۱) این قانون حق حضور و رأی در مجامع عمومی سهامداران شرکت را ندارند و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر می‌شود و حق دریافت سود قابل تقسیم و حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید شرکت موضوع ماده (۴۵۶) و حق دریافت اندوخته قابل تقسیم برای اینگونه سهام معلق می‌ماند.
ماده ۳۸ - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.	ماده ۴۱۴ - در مورد ماده (۴۱۳) این قانون، چنانچه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند، دوباره حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی معوق وابسته به سهام خود را مطالبه کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۳۹ - سهم بی‌نام سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهام بقبض و اقباض بعمل می‌آید. گواهی نامه موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد.	ماده ۴۱۵ - سهم بی‌نام سند در وجه حامل محسوب و دارنده، مالک آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. این گونه سهام با قبض و اقباض واگذار می‌شود.
ماده ۴۰ - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند. در موردیکه تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و بامضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهام معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید بهمان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.	ماده ۴۱۶ - واگذاری سهام بانام باید در دفتر الکترونیک ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده و انتقال گیرنده یا نمایندگان آنها باید مراتب انتقال را در دفتر مذکور امضاء کنند. هویت و نشانی دقیق انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید می‌شود و از نظر اجرای تعهدات ناشی از واگذاری سهام، معتبر است. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت برسد و امضاء شود. هرگونه انتقال سهام بدون رعایت شرایط مذکور از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است. تبصره - در صورتی که واگذاری سهم در بورس یا بازار خارج از بورس انجام شود، حضور انتقال دهنده و انتقال گیرنده برای امضاء در شرکت ضروری نیست و در این مورد دفاتر بازار بورس یا بازار خارج از بورس در حکم دفتر ثبت سهام شرکت است لکن مراتب واگذاری باید ظرف ده روز از جانب مرجع ذی ربط در بازار مربوط به شرکت اطلاع داده شود.
ماده ۴۱ - در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط بموافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.	ماده ۴۱۷ - در اساسنامه نمی‌توان واگذاری سهام را محدود کرد.
ماده ۴۲ - هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به‌طور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته بسهم ممتاز باید به تصویب مجمع	ماده ۴۱۸ - هر شرکت سهامی تنها به موجب اساسنامه می‌تواند سهام ممتاز اعطاء کند. امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به وضوح تعیین شود. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز مستلزم اصلاح اساسنامه است. در این صورت سهامدارانی که امتیازاتی به نفع آنان ایجاد می‌شود یا تغییر می‌کند، در این مورد در

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
عمومی فوق‌العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف به‌علاوه یک این‌گونه سهام انجام گیرد.	حد نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که اساسنامه را اصلاح می‌کند لحاظ نمی‌شوند. تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد تغییر امتیازات سهام ممتاز قطعی نیست، مگر آنکه دارندگان بیش از نصف این‌گونه سهام در جلسه حاضر شوند و با دوسوم آراء با تغییر امتیازات موافقت کنند. اگر در دعوت اول این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان بیش از یک‌سوم این‌گونه سهام کافی است.
ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بخواهد به‌موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران خود سهام بی‌نام شرکت را به سهام بانام و یا آنکه سهام بانام را به سهام بی‌نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.	گفتار سوم - تبدیل سهام ماده ۴۱۹ - سهام بی‌نام با رعایت مفاد این قانون و مطابق اساسنامه یا براساس تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده به سهام با نام تبدیل می‌شود. تبدیل سهام بانام به بی‌نام مجاز نیست.
ماده ۴۴ - در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد سه نوبت هر یک بفاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد بصاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود بمرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطل شده تلقی می‌گردد.	ماده ۴۲۰ - در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هریک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به سهامداران داده شود تا برای تبدیل سهام خود به اقامتگاه شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح می‌شود که پس از انقضای این مهلت کلیه اوراق سهام مذکور باطل می‌گردد.
ماده ۴۵ - سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام بانام بمرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابرتعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یکماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا	ماده ۴۲۱ - سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده (۴۲۰) این قانون برای تبدیل به سهام بانام به اقامتگاه شرکت تسلیم نشده باشد، باطل می‌شود. شرکت باید برابر تعداد سهام باطل شده، سهام بانام صادر کند و در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد آن را از طریق بورس و گرنه از طریق بازار خارج از بورس بفروشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
قسمتی از سهام بفروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.	
ماده ۴۶ - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می‌شود بدواً هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده می‌شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مستردشود مبلغ سپرده و بهره مربوطه بدستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال باقیمانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان بخزانة دولت منتقل گردد.	ماده ۴۲۲ - از حاصل فروش سهامی که طبق ماده (۴۲۱) این قانون فروخته می‌شود، در ابتدا هزینه‌های مترتب از قبیل کارمزد بورس و کارگزار آن و نیز مالیات نقل و انتقال سهام کسر و مازاد آن به‌وسیله شرکت به صندوق دادگستری واریز می‌گردد و رسید آن به دادستان شهرستان محل اقامت شرکت تسلیم می‌شود تا در صورت مراجعه سهامداران باطل شده به آنها پرداخت شود. پس از انقضای ده سال، باقیمانده وجوه در حکم مال بلاصاحب است.
تبصره ماده ۴۶ ل.ق.ت. - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام بفروش نرسد صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به‌ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی‌نام که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام بانام تحصیل کنند. این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد، رعایت می‌شود.	ماده ۴۲۳ - در مورد مواد (۴۲۱) و (۴۲۲) این قانون سهامداران بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به‌ترتیب مراجعه اختیار دارند از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده است به نسبت سهام بی‌نامی که در دست دارند، وجه نقد دریافت و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام بانام تحصیل کنند. این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده، هر دو در اختیار شرکت قرار دارد، رعایت می‌شود.
ماده ۴۸ - پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام بانام و یا تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت‌های مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکت‌ها را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود	ماده ۴۲۴ - پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام بانام یا پس از پایان مهلت مذکور در ماده (۴۲۳) این قانون شرکت باید مرجع ثبت شرکت‌ها را از تبدیل سهام خود به‌طور کتبی مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسد و برای اطلاع عموم آگهی شود.
ماده ۴۹ - دارندگان سهامیکه بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت بآن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت.	ماده ۴۲۵ - دارندگان سهامی که بر طبق مقررات این گفتار سهام خود را تبدیل نکرده باشند، مشمول حکم مندرج در ماده (۴۱۳) این قانون می‌شوند.
ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی مؤسس بقرار زیر است:	گفتار چهارم - مقررات خاص مجامع عمومی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۱ - رسیدگی بگزارش مؤسسين و تصويب آن و همچنين احراز پذيره‌نويسی کلیه سهام شرکت و تأديه مبالغ لازم. ۲ - تصويب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن. ۳ - انتخاب اولين مديران و بازرس يا بازرسان شرکت. ۴ - تعيين روزنامه کثيرانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولين مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهدشد.	ماده ۴۲۶ - وظايف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است: ۱ - رسیدگی به گزارش مؤسسان و تصويب آن ۲ - احراز پذيره‌نويسی کلیه سهام شرکت و تأديه مبالغ لازم ۳ - تصويب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن ۴ - انتخاب اولين مديران و بازرس يا بازرسان شرکت ۵ - تعيين روزنامه شرکت
تبصره ماده ۷۴ ل.ا.ق.ت. - گزارش مؤسسين بايد حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعيين می‌شود، برای ارائه به پذيره‌نویسان آماده باشد.	ماده ۴۲۷ - گزارش مؤسسان بايد حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع مذکور تعيين می‌شود، برای ارائه به پذيره‌نویسان آماده باشد.
ماده ۷۵ - در مجمع عمومی مؤسس حضور عده‌ای از پذيره‌نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولين دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسين دعوت می‌شوند مشروط بر اینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثيرانتشاری که در اعلامیه پذيره‌نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی [یک] سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام میدارند.	ماده ۴۲۸ - در مجمع عمومی مؤسس حضور اشخاصی که بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند ضروری است. اگر در اولين دعوت اکثریت مذکور حاصل نشود، مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت دیگر به‌وسیله مؤسسان دعوت می‌شود، مشروط بر اینکه حداقل بیست روز قبل از انعقاد مجمع، آگهی دعوت با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثيرانتشاری که در اعلامیه پذيره‌نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید زمانی قانونی است که صاحبان بیش از یک‌سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در مجمع عمومی مؤسس کلیه تصمیمات باید با اکثریت حداقل دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی اتخاذ شود، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی است. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشوند، مؤسسان عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت. - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیره‌نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.	ماده ۴۲۹ - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسان و پذیره‌نویسان حق حضور دارند.
ماده ۷۶ - هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غیرنقد داشته باشند مؤسسين باید قبل از اقدام بدعوت مجمع عمومی مؤسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده‌های غیرنقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسين برای خود مزایائی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن بضمیمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.	ماده ۴۳۰ - هرگاه برخی از مؤسسان آورده غیرنقدی داشته باشند، باید نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری در مورد تقویم آورده‌های غیرنقد را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس قرار دهند. چنانچه مؤسسان برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند، باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مذکور به مجمع عمومی مؤسس تقدیم شود.
ماده ۷۷ - گزارش مربوط با ارزیابی آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی که تعهد کرده‌اند یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند و آن قسمت از سرمایه غیرنقد که موضوع مذاکره و رأی است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.	ماده ۴۳۱ - گزارش مربوط به تقویم آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مطالبه مزایا باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و اشخاصی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی یا مزایای مورد مطالبه آنها موضوع رأی‌گیری است، حق رأی ندارند. آن قسمت از سرمایه غیرنقد نیز که موضوع مذاکره است از حیث حد نصاب، جزء سرمایه شرکت محسوب نمی‌شود.
ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.	ماده ۴۳۲ - امتیازاتی که در مجمع عمومی مؤسس تصویب می‌شود نمی‌تواند با مفاد آگهی پذیره‌نویسی مغایر باشد. همچنین مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.
ماده ۷۹ - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایائی که مطالبه شده است تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه دو جلسه اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را بتعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تأدیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در	ماده ۴۳۳ - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایای مطالبه شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتیکه صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه‌کنندگان مزایا بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می‌گردد و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند بجای آنها سهام شرکت را تعهد [و] مبالغ لازم را تأدیه کنند.	شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل می‌شود و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند به جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ آن را تأدیه کنند.
ماده ۸۰ - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که بر طبق ماده قبل بمنظور رسیدگی بوضع آورده‌های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می‌گردد باید بیش از نصف پذیره‌نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.	ماده ۴۳۴ - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که طبق ماده (۴۳۳) این قانون به منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می‌گردد باید اشخاصی که حداقل بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند حاضر شوند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.
ماده ۸۱ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و باین ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهی‌نامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند.	ماده ۴۳۵ - هرگاه در جلسه دوم در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان، قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نگردد، مطابق مفاد ماده (۳۸۸) این قانون عمل می‌شود
ماده ۸۴ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.	ماده ۴۳۶ - در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر شوند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.
ماده ۸۵ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره باکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.	ماده ۴۳۷ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۸۷ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلای بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.	ماده ۴۳۸ - مجمع عمومی عادی با حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند تشکیل می‌شود. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر تعداد از سهامدارانی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.
ماده ۸۸ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره باکثرت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را بیک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.	ماده ۴۳۹ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان که اکثریت نسبی کافی است. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور است. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر تقسیم کند. رعایت این ترتیب در مورد انتخاب بازرس یا بازرسان نیز الزامی است.
	ماده ۴۴۰ - در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مفاد مواد (۴۳۶)، (۴۳۷)، (۴۳۸) و (۴۳۹) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.
ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل بحضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.	ماده ۴۴۱ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر سهامداری که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند.
ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل بحضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه	ماده ۴۴۲ - فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و بامضاء آنان خواهد رسید.	
ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل بحضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود بمجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.	ماده ۴۴۳ - از حاضران در مجمع فهرستی تنظیم می‌شود و در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از آنان قید می‌شود و صحت اطلاعات فهرست مذکور حسب مورد به تأیید مدیر یا مدیران یا مقام دعوت‌کننده می‌رسد.
ماده ۱۰۱ - مجامع عمومی توسط هیئت‌رئیس‌ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزودستور جلسه مجمع باشد که در اینصورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه باکثرت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.	ماده ۴۴۴ - مجامع عمومی به‌وسیله هیأت‌رئیس‌ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شوند. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد، ریاست مجمع با رئیس هیأت‌مدیره است، مگر در موارد مذکور در مواد (۱۷۶) و (۲۰۵) این قانون یا در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزء دستور جلسه مجمع عمومی عادی باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه انتخاب می‌شود. ناظران از بین سهامداران انتخاب می‌شوند لکن منشی جلسه می‌تواند سهامدار نباشد. در انتخاب رئیس، ناظران و منشی مجامع عمومی، رأی اکثریت نسبی سهامداران حاضر دارای حق رأی کافی است.
	ماده ۴۴۵ - مقام دعوت‌کننده مجمع می‌تواند از دادگاه درخواست کند شخص یا اشخاصی را برای تکمیل اعضای هیأت‌رئیس‌ه معین کند. دادگاه به‌فوریت در این باره در جلسه اداری و غیرقابل اعتراض تصمیم می‌گیرد. در

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	صورت انتخاب اعضای هیأت‌رئیس مطابقت مقرر ماده (۴۴۴) این قانون سمت عضو منتخب دادگاه زایل می‌شود در هر حال حق الزحمه عضو منتخب بر عهده شرکت است.
ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه‌ای توسط منشی ترتیب داده می‌شود که بامضاء هیئت رئیس مجمع رسیده و یک‌نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.	ماده ۴۴۶ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه‌ای به وسیله منشی تنظیم می‌شود که به امضای هیأت‌رئیس مجمع می‌رسد و یک نسخه از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری می‌شود. صورت جلسه باید برای امضاء به کلیه اعضای هیأت‌رئیس ارائه شود و در صورت امتناع هر یک از اعضاء از امضای آن به گواهی سایر اعضاء صورت جلسه مذکور با امضای اکثریت هیأت رئیس معتبر است. مسئولیت صحت مندرجات صورت جلسه با امضاء کنندگان آن است.
	ماده ۴۴۷ - برای رسمیت کلیه جلسات مجامع عمومی شرکت‌های سهامی عام، دعوت از سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.
ماده ۱۵۷ - سرمایه شرکت را میتوان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.	گفتار پنجم - افزایش سرمایه شرکت ماده ۴۴۸ - سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد. افزایش سرمایه از طریق صدور سهام بی‌نام باطل است.
ماده ۱۵۹ - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.	ماده ۴۴۹ - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای سهامداران ایجاد تعهد کند ممکن نیست، مگر آنکه کلیه سهامداران با آن موافق باشند.
ماده ۱۸۸ - در موردیکه افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید هنگام پذیره‌نویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاتر شود.	ماده ۴۵۰ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد، تمام مبلغ افزایش سرمایه باید به‌طور نقدی پرداخت شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۵۸ - تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید بیکی از طرق زیر امکان‌پذیر است: ۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم بنقد. ۲ - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت بسهم جدید. ۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید بسلامت شرکت. ۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام.	ماده ۴۵۱ - مبلغ لازم برای افزایش سرمایه فقط به شیوه‌های زیر تأمین می‌شود: ۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم به‌طور نقدی ۲ - انتقال سود تقسیم‌نشده و یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت ۳ - تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم، در موارد تجویز قانونی انتشار این‌گونه اوراق بهادار به‌وسیله شرکت
ماده ۱۶۵ - مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است، افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.	ماده ۴۵۲ - تا زمانی که سرمایه اولیه شرکت به‌طور کامل تأدیه نشده است، افزایش سرمایه مجاز نیست.
ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می‌کند.	ماده ۴۵۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیئت‌مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان در مورد افزایش سرمایه تصمیم می‌گیرد. گزارش مذکور باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت‌مدیره باشد.
تبصره ۲ ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت. - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن‌موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارشی بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد	ماده ۴۵۴ - پیشنهاد هیئت‌مدیره راجع به افزایش سرمایه باید دربرگیرنده توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی در مورد امور شرکت از شروع سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی در باره حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.
ماده ۱۶۲ - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیئت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی بیکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.	ماده ۴۵۵ - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیئت‌مدیره اجازه دهد تا ظرف مدت معینی که نباید از دو سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معین به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.
ماده ۱۶۹ - در شرکت‌های سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع با افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد یا اطلاع [به اطلاع] صاحبان سهام برسد در این آگهی باید	ماده ۴۵۶ - پس از تصویب افزایش سرمایه در مجمع عمومی فوق‌العاده، در صورتی که افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به سهامداران به نسبت سرمایه آنان تصویب شود، هیئت‌مدیره شرکت باید ضمن صدور گواهینامه حق خرید سهم برای هر یک از سهامداران

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیرهنویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد. ماده ۱۷۰ - در شرکت‌های سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع با افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی‌نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.	مراتب را با تصریح به موارد زیر به نحوی که برای دعوت از مجامع مقرر شده است به اطلاع سهامداران شرکت برساند: ۱ - مبلغ افزایش سرمایه ۲ - شیوه افزایش سرمایه ۳ - مهلت تأمین مبلغ افزایش سرمایه و زمان آغاز آن ۴ - نام بانک و شماره حساب برای تأدیه وجوه مربوط به افزایش سرمایه
ماده ۱۷۰ - در شرکت‌های سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع با افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی‌نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.	ماده ۴۵۷ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون برای سهامداران بانام باید به وسیله پست سفارشی دو قبضه ارسال گردد. اگر بخشی از سهام شرکت بی‌نام باشد، در اطلاعیه موضوع ماده (۴۵۶) باید قید شود که سهامداران بی‌نام برای دریافت گواهینامه، ظرف مهلت معینی که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید می‌شود مراجعه کنند.
ماده ۱۷۱ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت. ۲ - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت.	ماده ۴۵۸ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - اقامتگاه شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۳ - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن. ۴ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود. ۵ - مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند. ۶ - هرگونه شرایط دیگر برای پذیره‌نویسی مقرر شده باشد.	۳ - مبلغ سرمایه فعلی و هم چنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت ۴ - تعداد و نوع سهام قابل خرید برای دارنده گواهینامه با ذکر مبلغ اسمی هر سهم ۵ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم ۶ - مهلت استفاده از حق خرید ۷ - هرگونه شرط مقرر دیگر برای پذیره‌نویسی
تبصره ماده ۱۷۱ ل.ا.ق.ت. - گواهینامه حق خرید سهم باید بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.	ماده ۴۵۹ - گواهینامه حق خرید سهم باید به همان ترتیب که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.
	ماده ۴۶۰ - سهامداران، ظرف مهلت مقرر، با مراجعه به بانک و ارائه گواهینامه حق خرید سهم و واریز مبلغ مربوط به شماره حساب اعلام‌شده، ورقه تعهد سهم دریافت می‌کنند.
	ماده ۴۶۱ - ورقه تعهد سهم مذکور در ماده (۴۶۰) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت ۴ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه ۵ - مبلغ افزایش سرمایه ۶ - تعداد و نوع سهام پذیره‌نویسی شده و مبلغ اسمی آن ۷ - نام بانک و مشخصات حساب برای واریز بهای سهم ۸ - هویت و نشانی دقیق پذیره‌نویس
	ماده ۴۶۲ - هرگاه سهام جدید مطابق ماده (۲۹۲) واگذار شود، درج مورد مذکور در بند (۷) ماده (۴۶۱) ضروری نیست.
تبصره ماده ۱۷۱ ل.ا.ق.ت. - گواهینامه حق خرید سهم باید بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.	ماده ۴۶۳ - رعایت مفاد ماده (۳۸۴) این قانون در مورد ورقه تعهد سهم جدید نیز الزامی است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۷۲ - در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و بمتقاضیان فروخته خواهد شد.	ماده ۴۶۴ - اگر سهامداران ظرف مهلت مقرر سهام جدید را تعهد نکنند، سهام باقیمانده با رعایت مفاد این قانون از طریق عرضه عمومی واگذار می‌شود.
ماده ۱۶۸ - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام بنفع بعضی [بعضی] دیگر انجام می‌گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص بآنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است بحساب نخواهد آمد.	ماده ۴۶۵ - اگر تصویب افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به برخی از سهامداران موجود مدنظر باشد، این سهامداران در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که در این مورد تصمیم می‌گیرد حق رأی ندارند. در این مورد و نیز چنانچه افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به اشخاص خاصی مورد نظر باشد، هرگاه سهام شرکت در بازار بورس یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده باشد ارزش سهام برای واگذاری نمی‌تواند از قیمت موجود در بازار در روز انجام معامله و در مورد سایر شرکت‌ها از مبلغی که به وسیله کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌شود کمتر باشد.
ماده ۱۷۳ - شرکت‌های سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره‌نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند	ماده ۴۶۶ - در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده افزایش سرمایه را از طریق عرضه عمومی تمام یا بخشی از سهام جدید تصویب کند، مدیران باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره‌نویسی عمومی ابتداء طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.
ماده ۱۷۴ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید بامضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و شماره ثبت شرکت. ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن. ۳ - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن. ۴ - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن. ۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.	ماده ۴۶۷ - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده (۴۶۶) این قانون باید به امضای مدیران شرکت برسد و حداقل مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت ۴ - تاریخ انقضای مدت شرکت در صورت تشکیل آن برای مدت محدود ۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۶ - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.	۶ - تعداد و امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار آن
۷ - هویت کامل اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت.	۷ - هویت اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت
۸ - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.	۸ - شرایط حضور و حق رأی سهامداران در مجامع عمومی
۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم اموال بعد از تصفیه.	۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم اموال بعد از تصفیه
۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل بسهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه بسهم.	۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم منتشر شده به وسیله شرکت و مهلت و شرایط تبدیل این گونه اوراق به سهم
۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط بآن.	۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق بهادار منتشر شده به وسیله شرکت و تضمینهای مربوط به آن
۱۲ - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.	۱۲ - مبلغ دیون شرکت و هم چنین مبلغ دیون اشخاص ثالث تضمین شده به وسیله شرکت
۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه.	۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه
۱۴ - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند.	۱۴ - برآورد هزینه‌های افزایش سرمایه و نحوه استهلاك آن
۱۵ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی.	۱۵ - تعداد و نوع سهام جدید تعهد شده سهامداران با استفاده از حق تقدم موضوع ماده (۴۵۶) این قانون
۱۶ - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.	۱۶ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی
۱۷ - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود.	۱۷ - مبلغ اسمی و نوع سهام عرضه شده
۱۸ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.	۱۸ - مبلغ اضافه ارزش سهم و نحوه تخصیص آن به شرکت، سهامداران فعلی یا سهامداران فعلی و جدید حسب تصویب مجمع عمومی فوق العاده
۱۹ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن نشر می‌شود	تصویب کننده افزایش سرمایه
	۱۹ - حداقل سهام قابل تعهد به هنگام پذیرهنویسی
	۲۰ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم در آن
	۲۱ - نام روزنامه شرکت
ماده ۱۷۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه	ماده ۴۶۸ - آخرین صورتهای مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی می‌رسد و توجیه اقتصادی افزایش سرمایه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آنموقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود.	باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردد، مگر آنکه هنوز موعد تنظیم اولین صورتهای مالی شرکت نرسیده باشد که در صورت اخیر این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود.
	ماده ۴۶۹ - سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در مواد (۴۶۶) و (۴۶۸) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای افزایش سرمایه شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقتنامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند
ماده ۱۷۶ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول طرح اعلامیه پذیرهنویسی و ضmann آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.	ماده ۴۷۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۴۶۹) و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به‌طور کتبی به شرکت متقاضی افزایش سرمایه و سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کند. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را به‌طور کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.
ماده ۱۷۷ - اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاریکه آگهی‌های شرکت در آن نشر می‌گردد اقلا در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل می‌آید در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده است.	ماده ۴۷۱ - سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی باید این اعلامیه را ظرف پانزده روز در روزنامه شرکت منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محل پذیرهنویسی در معرض دید اشخاص قرار گیرد. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین صورتهای مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است، نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در اقامتگاه شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان در دسترس است.
ماده ۱۷۸ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء	ماده ۴۷۲ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین می‌شود و نباید از سی روز بیشتر باشد به محل پذیرهنویسی مراجعه و ورقه تعهد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۷۹ - پذیرهنویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد: ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت. ۲ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه. ۳ - مبلغ افزایش سرمایه. ۴ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید و مرجع صدور آن. ۵ - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن. ۶ - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می‌شود. ۷ - هویت و نشانی کامل پذیرهنویس. ماده ۱۸۰ - مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است	سهام را امضاء و مبلغی را که باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می‌کنند. این مهلت تنها یک‌بار و حداکثر به مدت سی روز قابل تمدید است. در ورقه تعهد سهام موضوع این ماده، علاوه بر موارد مندرج در ماده (۴۶۱) این قانون باید مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیرهنویسی موضوع ماده (۴۷۰) نیز درج گردد. رعایت مفاد مواد (۳۸۴) و (۳۸۵) این قانون در مورد ورقه تعهد سهام موضوع این ماده نیز الزامی است
ماده ۱۶۰ - شرکت می‌تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را باندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید بصاحبان سهام سابق بدهد.	ماده ۴۷۳ - اضافه ارزش حاصل از واگذاری سهام جدید در افزایش سرمایه براساس تصمیم مجمع عمومی فوق العاده‌ای که افزایش سرمایه را تصویب کرده است به عنوان اندوخته اختیاری به شرکت منتقل می‌شود یا به صورت سهام جایزه به سهامداران فعلی یا سهامداران فعلی و جدید تعلق می‌گیرد
ماده ۱ - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن بسهم تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. ماده ۴ - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام ب مردم تأمین می‌کنند. اینگونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده میشوند.	مبحث دوم - شرکت سهامی خاص ماده ۴۷۴ - شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در موقع تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تعهد می‌شود. سهامدار شرکت سهامی خاص، به جز آنچه به عنوان آورده تعهد می‌کند، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد. تعداد سهامداران در شرکت سهامی خاص نباید از سه عضو کمتر باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. اینگونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند.	
ماده ۵ - در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد.	ماده ۴۷۵ - سرمایه شرکت سهامی خاص در موقع تأسیس نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
ماده ۲۰ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) برای تأسیس و ثبت شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود: ۱ - اساسنامه شرکت که باید بامضاء کلیه سهامداران رسیده باشد. ۲ - اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید بامضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه بصورت غیرنقد باشد باید تمام آن تأدیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتاز وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد. ۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. ۴ - قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷. ۵ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.	ماده ۴۷۶ - برای ثبت شرکت سهامی خاص مؤسسان باید کل سرمایه شرکت را تعهد کنند و حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) بخش نقدی سرمایه را در حساب شرکت در شرف تأسیس بسپارند و کل سرمایه غیرنقدی را تسلیم کنند
	ماده ۴۷۷ - احکام مربوط به سهام که در مورد شرکت سهامی عام پیش‌بینی شده است و نیز رعایت مفاد مواد (۴۳۶) تا (۴۴۳) این قانون در مورد مجامع عمومی این شرکت در شرکت سهامی خاص نیز الزامی است، لکن

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	سهام شرکت سهامی خاص نمی‌تواند بی‌نام باشد. شرکت‌های سهامی خاصی که پیش از تصویب این قانون سهام بی‌نام منتشر کرده‌اند باید ظرف دو سال کلیه سهام بی‌نام شرکت را با رعایت مقررات مربوط، به سهام بانام تبدیل کنند.
	ماده ۴۷۸ - رعایت مفاد مواد مربوط به افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام به‌جز مواد (۴۶۴) و (۴۶۶) تا (۴۷۲) این قانون در مورد شرکت سهامی خاص نیز الزامی است.
ماده ۹۴ ق.ت. - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکا بدون اینکه سرمایه سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است. ماده ۱۰۲ ق.ت. - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند بشکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از بالسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل بغیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.	مبحث سوم - شرکت بامسئولیت محدود ماده ۴۷۹ - شرکت بامسئولیت محدود شرکتی است که به‌وسیله یک یا چند شخص تشکیل می‌شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست و هر یک از شرکا آن، به جز آنچه که به‌عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است، هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد.
	ماده ۴۸۰ - در صورتی که شرکت به‌وسیله یک شخص تشکیل شود، آن شخص وظایف و تعهدات مؤسسان را برعهده دارد و صورتجلسه موضوع بند (۳) ماده (۱۴۵) این قانون فقط باید شامل تقویم آورده‌های غیرنقد بر اساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری و انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت باشد.
	ماده ۴۸۱ - شرکت بامسئولیت محدود با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.
ماده ۹۶ - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد	ماده ۴۸۲ - برای ثبت شرکت بامسئولیت محدود باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۹۸ ق.ت. - شرکا نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.	ماده ۴۸۳ - هر یک از شرکا در مورد کل قیمتی که به هنگام ثبت شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین می‌شود در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارد.
ماده ۹۹ - مرور زمان دعوای ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.	ماده ۴۸۴ - دعوای ناشی از مفاد ماده (۴۸۳) این قانون حداکثر باید ظرف ده سال تمام از تاریخ ثبت شرکت اقامه شود
ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجعه به شرکت باید با اکثریت لاقل نصف سرمایه اتخاذ شود - اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند در اینصورت تصمیمات با اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد	ماده ۴۸۵ - مجمع عمومی عادی با رأی اکثریت عددی شرکایی که بیش از نصف سرمایه به آنها تعلق دارد تصمیم می‌گیرد. اگر این اکثریت در جلسه اول حاضر نشوند، باید تمام شرکا دوباره دعوت شوند. در این صورت تصمیمات با رأی دارندگان بیش از نصف سرمایه شرکت اتخاذ می‌شود.
ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکا که لاقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.	ماده ۴۸۶ - در شرکت با مسئولیت محدود مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب اکثریت عددی شرکایی که بیش از دو سوم سرمایه را دارند تصمیم می‌گیرد مگر در مورد تغییر در سرمایه که اتفاق آراء لازم است.
	ماده ۴۸۷ - در مورد مواد (۴۸۵) و (۴۸۶) این قانون در اساسنامه می‌توان اکثریت بیشتری را مقرر کرد
	ماده ۴۸۸ - هرگاه شرکت به وسیله یک شخص تأسیس شود یا پس از تشکیل به هر علت تعداد شرکای آن به یک شخص تقلیل یابد، شخص مذکور کلیه وظایف و اختیارات مجامع عمومی را برعهده دارد. در این صورت، رعایت مقررات مربوط به دعوت، تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری در مجامع عمومی الزامی نیست
	ماده ۴۸۹ - کلیه صورتهای مالی شرکت تک‌عضو باید به صورت سالانه به تأیید حسابدار رسمی برسد. تأییدیه مذکور برای مدیر یا مدیران این گونه شرکت‌ها در حکم مفاد حساب دوره مدیریت است. حسابدار مذکور در این ماده، کلیه مسئولیتهای بازرس شرکت را نیز دارد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۰۲ - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند بشکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل بغير نمود مگر با رضایت عده از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند	ماده ۴۹۰ - سهم‌الشرکه، قابل واگذاری به غیر نیست مگر اینکه مجمع عمومی عادی شرکت موافقت کند.
ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تصمیم عده‌ای از شرکا که سهم‌الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. د) در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.	ماده ۴۹۱ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت فوت یا مجبور شدن هریک از شرکا، مشروط بر پیش‌بینی در اساسنامه ۲ - حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکا مطابق ماده (۴۹۲) این قانون
	ماده ۴۹۲ - هر یک از شرکا می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش‌ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام نماید. سایر شرکا می‌توانند ظرف مهلت مذکور با رعایت مفاد این قانون از طریق انتقال گرفتن سهم‌الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک از شرکت، مانع انحلال شوند. در غیر این صورت، اگر دادگاه جهات تقاضا را موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. جهات تقاضا در صورتی موجه است که به عللی از قبیل عدم انجام تعهدات شرکا در قبال شرکت، عدم همکاری یا هماهنگی بین شرکا و یا متعسر شدن انجام موضوع شرکت مستند باشد که موجب اختلال در اداره شرکت است.
ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر با	مبحث چهارم - شرکت تضامنی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که بخواهند و یا بتمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچیک از شرکا نمی‌تواند باستناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز مینماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شرکا مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنهم در صورتی که در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.	ماده ۴۹۳ - شرکت تضامنی شرکتی است که به وسیله دو یا چند شخص تشکیل می‌شود و هریک از شرکا آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه، منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت است. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکا مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.
ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکائی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکا) یا (وبرادران) قید شود.	ماده ۴۹۴ - در نام شرکت تضامنی باید حداقل نام یکی از شرکا به فوریت بعد از نام شرکت ذکر شود. در صورتی که نام شرکت بر نام تمام شرکا مشتمل نباشد باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.
	ماده ۴۹۵ - شرکا ضامن می‌توانند سقف معینی از دیون شرکت را به نحوی که در اساسنامه مشخص می‌شود تضمین کنند. در این صورت لازم است در نام شرکت به نام شریک یا حداقل یکی از شرکای ضامن و میزان ضمانت آنها اشاره شود. در این مورد درج میزان مسئولیت شرکای ضامن در اظهارنامه ثبتی موضوع ماده (۱۴۵) این قانون الزامی است.
	ماده ۴۹۶ - شرکت تضامنی با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.	ماده ۴۹۷ - برای ثبت شرکت تضامنی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.
	ماده ۴۹۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده در شرکت تضامنی به اتفاق آراء اتخاذ می‌شود. در اساسنامه نمی‌توان ترتیبی بر خلاف مقررات این ماده مقرر کرد.
ماده ۱۲۵ - هر کس به‌عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکا مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد.	ماده ۴۹۹ - هر کس به‌عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، منفرداً، مسؤول کلیه دیونی است که شرکت قبل از ورود او داشته است، اعم از اینکه در نام شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر توافقی بر خلاف این ترتیب در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.
ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکا و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکا به‌موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرده سایر شرکا می‌توانند سهمی آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.	ماده ۵۰۰ - در صورت خروج ارادی هریک از شرکا از شرکت تضامنی، شریک مذکور کما کان ملتزم به تأدیه دیونی است که قبل از خروج او برای شرکت ایجاد شده است، مشروط بر اینکه ظرف یک‌سال از خروج وی شرکت منحل یا ورشکستگی آن تقاضا شود.
ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند سهم خود را به‌دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکا.	ماده ۵۰۱ - سهم‌الشرکه شریک شرکت تضامنی قابل واگذاری به سایر شرکا و یا غیر نیست جز در صورتی که تمام شرکا موافقت کنند.
ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تراضی تمام شرکا: ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد. د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷. ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸. و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.	ماده ۵۰۲ - شرکت تضامنی در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - فوت یا محجور شدن یکی از شرکا، مطابق مواد (۵۰۳) و (۵۰۴) این قانون ۲ - حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکا مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلایل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکا معینی باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.	
ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است	ماده ۵۰۳ - در صورت فوت یکی از شرکا بقای شرکت به رضایت سایر شرکا و ورثه متوفی موقوف است. اگر سایر شرکا با بقای شرکت موافق باشند، ورثه متوفی باید در مدت سه ماه از تاریخ فوت از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت اعلام کنند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می‌شوند و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نیستند. در صورت عدم موافقت سایر شرکا با جانشینی ورثه یا عدم اعلام رضایت از سوی آنان ظرف مهلت مقرر، سایر شرکا می‌توانند پس از گذشت شش ماه از تاریخ فوت شریک، با رعایت مفاد این قانون، از طریق انتقال گرفتن سهم‌الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا تأدیه سهم شریک متوفی مانع انحلال شوند.
ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد	ماده ۵۰۴ - در صورت محجور شدن یکی از شرکا مطابق مدلول ماده (۵۰۳) این قانون عمل می‌شود
ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید.	ماده ۵۰۵ - هر یک از شرکا می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال، مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) این قانون موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. در این مورد، هرگاه علل مذکور فقط مربوط به شریک یا شرکای معین باشد، دادگاه می‌تواند با تقاضای سایر شرکا به اخراج شریک یا شرکای مذکور حکم کند.
ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر	مبحث پنجم - شرکت نسبی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه‌ایست که در شرکت گذاشته. ماده ۱۸۶ - اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکا به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.	ماده ۵۰۶ - شرکت نسبی شرکتی است که به‌وسیله دو یا چند شخص تشکیل می‌شود و هریک از شرکای آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه به نسبت سرمایه خود در شرکت ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده آن می‌باشد. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکا مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.
ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لاقلاً اسم یک نفر از شرکا باید ذکر شود - در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکا) (و برادران) ضروری است. ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعايه است. ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت‌های نسبی نیز جاری است.	ماده ۵۰۷ - کلیه مقررات شرکت تضامنی در شرکت نسبی نیز جاری است، به‌جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه است
	مبحث ششم - شرکت مختلط سهامی عام ماده ۵۰۸ - شرکت مختلط سهامی عام شرکتی است که بخشی از سرمایه آن به سهام تقسیم و از طریق واگذاری به عموم تأمین می‌شود و مابقی به‌وسیله مؤسسان شرکت که هریک از آنان پس از ختم تصفیه و عدم کفایت اموال شرکت منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت می‌باشد تأمین می‌گردد. مسئولیت شرکا ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است
	ماده ۵۰۹ - در نام شرکت مختلط سهامی عام باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر می‌شود عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۱۰ - تعداد شرکای ضامن از یک شخص و تعداد سهامداران نباید از هفت شخص کمتر باشد.
	ماده ۵۱۱ - سرمایه شرکت مختلط سهامی عام در زمان تأسیس نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
	ماده ۵۱۲ - برای تأسیس شرکت مختلط سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه‌ای به همراه مدارک موضوع بندهای (۱)، (۲)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۲) ماده (۳۷۵) این قانون به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.
	ماده ۵۱۳ - اگر مؤسسان، بخشی از سرمایه شرکت را تعهد کنند، اظهارنامه باید حاکی از تعهد سرمایه مذکور و تأدیه و تسلیم تمام آن باشد. در این صورت باید گواهینامه بانکی حاکی از سپردن بخش نقدی سرمایه به‌وسیله مؤسسان در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس و تودیع مدارک مالکیت بخش غیرنقدی سرمایه به نام شرکت مذکور نیز به اظهارنامه موضوع ماده (۵۱۲) این قانون ضمیمه شود. گواهینامه مذکور باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که تأدیه سرمایه نقدی در آن به‌عمل آمده است و نیز تعداد و مندرجات اصلی اسناد مالکیت تودیع شده باشد.
	ماده ۵۱۴ - رعایت مقررات تشکیل شرکت سهامی عام جز ماده (۳۷۵) این قانون و نیز مقررات مربوط به سهام این شرکت در مورد سهام شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است. لکن سهام شرکت مختلط سهامی عام نمی‌تواند بی‌نام باشد.
	ماده ۵۱۵ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در شرکت مختلط سهامی عام نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است
	ماده ۵۱۶ - هرگاه در مجمع عمومی مؤسس شرکت مختلط سهامی عام آورده غیرنقد، سهام ممتاز و یا مزایای مطالبه شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که سهام ممتاز و یا مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان سهام ممتاز به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنان حسب مورد نسبت به سهام یا سهم‌الشرکه خود باطل می‌شود. در این صورت هرگاه شرکت به‌جز شریکی که آورده غیرنقد یا سهام ممتاز او مورد قبول واقع نشده است شریک ضامن دیگری داشته باشد یا شخص دیگری با موافقت مجمع عمومی مؤسس به‌عنوان شریک ضامن در شرکت داخل شود سایر شرکا و یا پذیره‌نویسان می‌توانند به‌جای آنان سرمایه باقیمانده شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه کنند. در این مورد نیز مفاد مواد (۴۳۴) و (۴۳۵) این قانون مجری است.
	ماده ۵۱۷ - مدیران فقط به‌وسیله شرکای ضامن و به‌اتفاق آراء آنان و بازرسان فقط به‌وسیله سهامداران و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب یا عزل می‌شوند. در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد
	ماده ۵۱۸ - رعایت مقررات افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام در مورد شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۱۹ - سهم شرکای ضامن در افزایش سرمایه نمی‌تواند بیش از نسبت آورده آنها از کل سرمایه شرکت باشد
	ماده ۵۲۰ - واگذاری سهم‌الشرکه شرکای ضامن منوط به موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت است، لکن واگذاری سهام را به هیچ‌وجه نمی‌توان محدود کرد.
	ماده ۵۲۱ - شرکت مختلط سهامی عام در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۲) این قانون ۲ - در صورت فوت یا محجور شدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون
	ماده ۵۲۲ - هر یک از شرکای ضامن می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند ظرف مهلت مذکور با رعایت مقررات این قانون از طریق واگذاری سهم‌الشرکه شریک متقاضی انحلال یا اخراج وی از شرکت مانع انحلال شود
	ماده ۵۲۳ - در صورت فوت همه شرکای ضامن، مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت باید ظرف سه ماه تشکیل شود و در باره انحلال شرکت، تبدیل آن یا وارد کردن شریک ضامن جدید تصمیم مقتضی بگیرد. در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. در صورت محجور شدن همه شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است
	ماده ۵۲۴ - در صورت فوت یکی از شرکا، ورثه وی می‌توانند با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت، جانشین شریک متوفی گردند. در صورت موافقت مجمع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مذکور، ورثه متوفی باید ظرف سه ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت به‌وسیله اظهارنامه رسمی اعلام کنند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می‌شوند و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نیستند. در صورت عدم موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت یا عدم اعلام رضایت به‌ترتیب مذکور، باید ظرف شش‌ماه از تاریخ فوت شریک، سهم وی از اموال شرکت به ورثه تأدیه گردد، مگر اینکه مجمع عمومی فوق‌العاده با واگذاری سهم‌الشرکه شریک متوفی موافقت کند. رعایت مفاد این ماده مانع تصویب انحلال شرکت به‌وسیله مجمع عمومی فوق‌العاده نیست. در صورت محجور شدن یکی از شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است
ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکا سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود. شرکا سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به‌صورت سهام یا قطعات سهام متساوی‌القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند. شریک ضامن کسی است که سرمایه‌ها و به‌صورت سهام درنیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود	مبحث هفتم - شرکت مختلط سهامی خاص ماده ۵۲۵ - شرکت مختلط سهامی خاص شرکتی است که به‌وسیله دو یا چند سهامدار و یک یا چند شریک ضامن تشکیل می‌شود. سهامدار شخصی است که سرمایه وی به‌صورت اوراق سهام باقیمت‌های مساوی درآمده است و جز آنچه به‌عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد و شریک ضامن شخصی است که سرمایه او به‌صورت اوراق سهام در نیامده و پس از ختم تصفیه و احراز عدم کفایت اموال، منفرداً، ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول‌نشده شرکت است. مسئولیت شرکای ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.
ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود.	ماده ۵۲۶ - در نام شرکت مختلط سهامی خاص باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۲۷ - سرمایه شرکت مختلط سهامی خاص در زمان ثبت نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می‌تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاضر کند.	ماده ۵۲۸ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص در شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع، موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است.
	ماده ۵۲۹ - مفاد مواد (۴۷۶) تا (۴۷۸) و مواد (۵۱۷)، (۵۱۹)، (۵۲۰) و (۵۲۴) این قانون در مورد شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است.
ماده ۱۸۱ ق.ت. - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد. ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکا ضامن. د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد. در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.	ماده ۵۳۰ - شرکت مختلط سهامی خاص در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت فوت یا محجور شدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون ۲ - در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون
ماده ۱۸۲ ق.ت. - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکا ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلایل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکا ضامن به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلایل را موجه ببیند	
	ماده ۵۳۱ - شرکت‌های مختلط سهامی موجود، شرکت مختلط سهامی خاص محسوب می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود - شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقلاً اسم یکی از شرکا ضامن قید شود. ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکا با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت‌نامه خواهد بود.	مبحث هشتم - شرکت مختلط غیر سهامی ماده ۵۳۲ - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که به وسیله یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند شریک با مسئولیت محدود تشکیل می‌شود و سرمایه آن قابل تقسیم به سهام یا هر نوع اوراق بهادار دیگر نیست. مسئولیت شرکای ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است
ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود - شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقلاً اسم یکی از شرکا ضامن قید شود.	ماده ۵۳۳ - در نام شرکت مختلط غیر سهامی باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود
ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکا با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی‌اثر است.	ماده ۵۳۴ - هر یک از شرکا با مسئولیت محدود که نامش جزء نام شرکت باشد، در مقابل بستانکاران شرکت، شریک ضامن محسوب می‌شود. هر توافقی که برخلاف این ترتیب بین شرکا مقرر شود در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.
	ماده ۵۳۵ - سرمایه شرکت مختلط غیر سهامی در موقع ثبت نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۳۶ - برای ثبت شرکت مختلط غیرسهامی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود
	ماده ۵۳۷ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است.
ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت تضامنی مقرر است. ماده ۱۴۵ - شریک با مسئولیت محدود نه به‌عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.	ماده ۵۳۸ - مدیران فقط به‌وسیله شرکای ضامن و به‌اتفاق آراء آنان و بازرسان فقط به‌وسیله شرکا با مسئولیت محدود و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب می‌شوند. در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد
ماده ۱۴۸ - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود به او داخل در شرکت کند	ماده ۵۳۹ - واگذاری سهم‌الشرکه شرکای ضامن به سایر شرکا و یا غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده و واگذاری سهم‌الشرکه شرکا با مسئولیت محدود به غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی عادی شرکت انجام می‌شود.
ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز جاری است. مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکا با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود. ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تراضی تمام شرکا: ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد. د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷. ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸.	ماده ۵۴۰ - شرکت مختلط غیر سهامی در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت فوت یا محجورشدن هر یک از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۴۱) این قانون ۲ - در صورت فوت یا محجورشدن هریک از شرکا با مسئولیت محدود، مشروط به پیش‌بینی در اساسنامه ۳ - حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکا با مسئولیت محدود، مطابق ماده (۴۹۲) این قانون ۴ - حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
(و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰. تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلایل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکا معینی باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد. ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید. ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد. ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است. ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.	
	ماده ۵۴۱ - در صورت فوت یکی از شرکای ضامن مفاد ماده (۵۰۳) این قانون مجری است. اگر برخی از شرکای با

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مسئولیت محدود با بقای شرکت مخالف باشند، سایر شرکا می‌توانند با رعایت مقررات این قانون از طریق انتقال گرفتن سهم‌الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک مذکور، مانع انحلال شوند. در صورت محجور شدن یکی از شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است
ماده ۱۲ ق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ - وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به‌منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرا آن نظارت نماید: ۱ - حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند ۲ - اشخاص حقوقی سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪) سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد (۵٪) از سهام را دارند ۳ - هر یک از اشخاص حقوقی دولتی و مجموع آنها با رعایت مفاد این قانون در مناطق کمتر توسعه یافته تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) و در سایر مناطق تا بیست درصد (۲۰٪) فعالیت‌های مجاز در این قانون مجاز به مشارکت با تعاونی از منابع داخلی خود هستند. مؤسسات عمومی غیردولتی نیز هر یک تا بیست درصد (۲۰٪) و جمعاً تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) مجاز به مشارکت هستند در هر حال سهم مجموع بنگاه‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی مستقیم و غیرمستقیم چه در میزان سهام و چه در کرسی‌های هیأت مدیره نباید از چهل‌ونه درصد (۴۹٪) بیشتر گردد. ۴ - در زمان افزایش سرمایه، در صورتی که تمام یا برخی سهامداران از حق تقدم خود استفاده نکردند کارکنان غیر سهامدار شرکت در خرید این سهام تقدم دارند	مبحث نهم - شرکت تعاونی سهامی عام ماده ۵۴۲ - شرکت تعاونی سهامی عام شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن به‌وسیله عموم تأمین می‌شود و تعداد سهام هر یک از سهامداران از میزان مشخصی که به‌موجب این قانون تعیین می‌شود تجاوز نمی‌کند. سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام جز آنچه که به‌عنوان آورده تعهد کرده است، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۵ - مجامع عمومی در تعاونی سهامی عام که تعداد سهامداران آن از پانصد نفر بیشتر باشد با بلوک بندی برگزار خواهد شد. هر یک از سهامداران مخیرند از طریق بلوک، نماینده انتخاب کنند و یا مستقیماً در مجمع عمومی حضور یابند. برای رعایت حقوق سهامداران خرد نحوه بلوک بندی در آئین نامه‌ای تعیین می‌شود که مشترکاً توسط وزارت تعاون و وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد ۶ - کلیه سهام، بانام بوده و تملک یا نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیأت مدیره است که نباید از سقف مقرر در این ماده تجاوز کند. هر توافقی بر خلاف حکم این بند باطل و بلااثر خواهد بود ۷ - شرکت‌های تعاونی سهامی عام می‌توانند به عضویت اتاق‌های تعاون درآیند	
	ماده ۵۴۳ - تعداد سهامداران شرکت تعاونی سهامی عام نباید از بیست عضو کمتر باشد.
ماده ۱۲ ق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ - وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرا آن نظارت نماید: ۱ - حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند ۲ - اشخاص حقوقی سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪) سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد (۵٪) از سهام را دارند ۳ - هر یک از اشخاص حقوقی دولتی و مجموع آنها با رعایت مفاد این قانون در مناطق کمتر توسعه یافته تا چهل و نه درصد (۴۹٪) و در سایر مناطق تا بیست	ماده ۵۴۴ - در شرکت تعاونی سهامی عام هیچ شخصی نمی‌تواند بیش از پنج درصد (۵٪) از سهام شرکت را دارا باشد. هرگاه، به هر علت، تعداد سهام هریک از سهامداران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زائد فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی‌گیرد. سهامدار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زائد را با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت‌مدیره شرکت، سازمان بورس و اوراق بهادار و هر یک از سهامداران می‌توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
درصد (۲۰٪) فعالیت‌های مجاز در این قانون مجاز به مشارکت با تعاونی از منابع داخلی خود هستند. مؤسسات عمومی غیردولتی نیز هر یک تا بیست درصد (۲۰٪) و جمعاً تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) مجاز به مشارکت هستند در هر حال سهم مجموع بنگاه‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی مستقیم و غیرمستقیم چه در میزان سهام و چه در کرسی‌های هیأت مدیره نباید از چهل‌ونه درصد (۴۹٪) بیشتر گردد	
	ماده ۵۴۵ - سرمایه شرکت تعاونی سهامی عام در موقع ثبت نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
ماده ۱۲ ق. اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ - وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به‌منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرا آن نظارت نماید: ۱ - ... ۶ - کلیه سهام، بانام بوده و تملک یا نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیأت مدیره است که نباید از سقف مقرر در این ماده تجاوز کند. هر توافقی بر خلاف حکم این بند باطل و بلااثر خواهد بود	ماده ۵۴۶ - در شرکت تعاونی سهامی عام صدور سهام بی‌نام و صدور یا ایجاد سهام ممتاز ممکن نیست.
	ماده ۵۴۷ - کلیه احکام شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی عام نیز مجری است.
	مبحث دهم - شرکت تعاونی سهامی خاص ماده ۵۴۸ - شرکت تعاونی سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در زمان تأسیس فقط به‌وسیله مؤسسان تعهد می‌شود و تعداد سهام هریک از سهامداران از میزان مشخصی که به‌موجب این قانون تعیین شده است تجاوز نمی‌کند. سهامدار شرکت تعاونی سهامی خاص به‌جز آنچه که به‌عنوان آورده تعهد می‌کند مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۴۹ - تعداد سهامداران شرکت تعاونی سهامی خاص نباید از ده عضو کمتر باشد
	ماده ۵۵۰ - در شرکت تعاونی سهامی خاص هیچ شخصی نمی‌تواند بیش از ده درصد (۱۰٪) از سهام شرکت را دارا باشد. هرگاه به هر علت، تعداد سهام هر یک از سهامداران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زائد فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی‌گیرد. سهامدار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زائد را با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت مدیره شرکت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و هر یک از سهامداران می‌توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.
	ماده ۵۵۱ - شرکت تعاونی سهامی خاص با هر میزان سرمایه قابل ثبت است
	ماده ۵۵۲ - برای ثبت شرکت تعاونی سهامی خاص باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود
	ماده ۵۵۳ - در اساسنامه می‌توان شرایط عضویت در تعاونی را تعیین و یا واگذاری سهام شرکت را محدود کرد. در صورتی که هر یک از اعضاء، شرایط عضویت خود را از دست بدهد، هیأت مدیره باید با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت، آن عضو را اخراج و سهام او را مطابق مقررات مربوط واگذار کند
	ماده ۵۵۴ - انتقال سهام شرکت تعاونی سهامی خاص به غیر در صورتی مجاز است که منتقل‌الیه مطابق اساسنامه شرایط عضویت در تعاونی را داشته باشد.
	ماده ۵۵۵ - اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی سهامی خاص باید از میان اعضای تعاونی انتخاب شوند، مگر آنکه در اساسنامه خلاف آن مقرر شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۵۶ - احکام شرکت سهامی خاص با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی خاص نیز مجری است.
	ماده ۵۵۷ - عضویت شرکت تعاونی سهامی خاص در شرکت‌ها و اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون و میزان سهام و یا حق عضویت سالانه پرداختی منوط به موافقت مجمع عمومی عادی شرکت است.
	ماده ۵۵۸ - کلیه امتیازات و اموالی که از منابع عمومی در اختیار شرکت تعاونی سهامی خاص قرار می‌گیرد باید با انحلال آن مسترد شود و هریک از مدیران شرکت تعاونی در قبال استرداد امتیازات و اموال مذکور به‌طور مستقل مسئولیت دارد
	ماده ۵۵۹ - برای ثبت شرکت‌های تعاونی سهامی خاص اخذ مجوز از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، الزامی است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر رعایت مفاد این قانون و اساسنامه در شرکت‌های تعاونی سهامی خاص نظارت می‌کند و اصلاح اساسنامه این شرکت‌ها منوط به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. شرایط اعطای مجوز به شرکت‌های تعاونی سهامی خاص، نحوه نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر این شرکت‌ها به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که به‌وسیله وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری تدوین می‌شود و ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پیگیری جرائم و تخلفات مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی خاص در حکم ذی‌نفع و از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف است
ماده ۱۹۰ ق.ت. - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده‌ای از ارباب حرف تشکیل می‌شود و شرکا مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس بکار می‌برند.	مبحث یازدهم - شرکت تعاونی غیرسهامی
ماده ۱۹۲ ق.ت. - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می‌شود:	ماده ۵۶۰ - شرکت تعاونی غیرسهامی شرکتی است که به‌وسیله چند شخص تشکیل و سرمایه آن در موقع تأسیس فقط به‌وسیله مؤسسان تأمین می‌شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۱ - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبور را شرکا ایجاد کرده یا خریده باشند. ۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکا به نسبت خرید هر یک از آنها. ماده ۱۹۳ ق.ت. - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکا ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۲ - ۳۳ لازم‌الرعایه است. ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی - شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به‌منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خود یاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود. ماده ۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد - شرکت‌هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند	و میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا از سقف مشخصی که به‌موجب این قانون تعیین می‌شود تجاوز نمی‌کند. شریک شرکت تعاونی غیرسهامی، به‌جز آنچه که به‌عنوان آورده در شرکت گذاشته است هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد. به هریک از شرکای شرکت تعاونی غیرسهامی عضو اطلاق می‌شود.
	ماده ۵۶۱ - شرکت تعاونی غیرسهامی فقط به اعضای تعاونی خدمات ارائه می‌کند.
تبصره ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی - تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ عضو کمتر باشد	ماده ۵۶۲ - تعداد اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی نباید از هفت شخص کمتر باشد.
	ماده ۵۶۳ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سهم‌الشرکه هیچ‌یک از شرکا نباید بیش از یک‌هفتم سرمایه شرکت باشد. هرگاه به هر علت میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند سهم‌الشرکه زائد باید ظرف سه‌ماه با رعایت مقررات مربوط واگذار شود در غیر این صورت به سهم‌الشرکه زائد سود تعلق نمی‌گیرد
ماده ۳ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ اصلاحی ۱۳۵۲ - عضویت شرکت تعاونی برای تمام اشخاصی که	ماده ۵۶۴ - در اساسنامه می‌توان شرایط عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی را تعیین کرد. هر شخصی که

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
محل فعالیت یا سکونت آنها در حوزه عمل شرکت باشد و به تمام یا قسمتی از خدمات شرکت احتیاج داشته باشند آزاد است. ماده ۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - شرط عضویت در شرکت تعاونی خرید و پرداخت تمام بهای لاقل یک سهم می‌باشد. ماده ۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - هیچ‌گونه تبعیض یا محدودیتی برای عضویت در شرکت نباید وجود داشته باشد مگر به سبب عدم کفایت ظرفیت فنی تأسیسات و وسائل و امکانات شرکت مشروط بر اینکه در اساسنامه تصریح شده باشد. تبصره - می‌توان در اساسنامه شرکت شرط قبول اعضای جدید را علاوه بر خرید سهام پرداخت مبلغی به‌عنوان حق عضویت متناسب با هزینه توسعه وسائل و یا امکانات شرکت برای انجام خدمات اضافی موکول کرد. ماده ۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - خروج هر عضو از شرکت اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد و بهای سهم یا سهام او حداکثر به ارزش اسمی باید ظرف یک سال از تاریخ خروج عضو از شرکت نقداً پرداخت گردد. برای پذیرش مجدد عضو در تعاونی می‌توان شرایطی پیش‌بینی نمود	مطابق اساسنامه شرایط عضویت در شرکت را داشته باشد می‌تواند عضو تعاونی باشد. برای عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران و عدم عضویت در تعاونی مشابه شرط است
ماده ۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی عالی‌ترین مرجع اتخاذ تصمیم و ابراز اراده جمعی اعضاء برای اداره امور شرکت است که در آن تمام اعضاء حق دارند حضور بهم‌رسانند و رأی خود را درباره موضوع دستور جلسه مجمع بدهند. در مجمع عمومی هر عضو قطع نظر از تعداد سهام فقط دارای یک رأی است	ماده ۵۶۵ - در شرکت تعاونی غیرسهامی هر یک از اعضاء فارغ از میزان سهم‌الشرکه خود، فقط یک رأی دارد.
ماده ۸ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی می‌تواند استفاده از حق خود را برای حضور و دادن رأی در مجمع عمومی بیک عضو دیگر	ماده ۵۶۶ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی می‌تواند به‌موجب سند رسمی استفاده از حق خود برای حضور و دادن رأی در مجمع عمومی را به‌یک عضو دیگر واگذار

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
با وکالت واگذار کند، لکن هیچ عضوی نمی‌تواند علاوه بر رأی خود بیش از سه رأی با وکالت داشته باشد	کند، لکن هیچ عضوی نمی‌تواند علاوه بر رأی خود بیش از سه رأی با وکالت داشته باشد.
ماده ۳۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی عادی با حضور نصف به علاوه یک اعضاء یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند و در صورت به دست نیامدن حد نصاب مذکور، آگهی دعوت مجدد مجمع عمومی باید حداکثر ظرف پانزده روز با رعایت مفاد ماده ۲۷ این قانون با همان دستور جلسه قبلی منتشر شود. جلسه دوم با حضور عده حاضر که نباید از ۷ نفر، بدون در نظر گرفتن وکالت موضوع ماده ۸ این قانون (به استثنای نمایندگی موضوع ماده ۹ این قانون) کمتر باشد، رسمیت خواهد یافت. در صورت عدم تشکیل جلسه دوم هر ذی‌حقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع یا درخواست انحلال شرکت به وزارت تعاون و امور روستاها یا وزارت کار و امور اجتماعی (در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) مراجعه نماید. وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) پس از رسیدگی‌های لازم هرگاه تشکیل مجدد مجمع عمومی را ضرور بداند به طریقی مقتضی اقدام خواهند نمود و در صورتی که پس از رسیدگی‌های لازم انحلال شرکت یا اتحادیه را لازم تشخیص دهد بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده را جهت اتخاذ تصمیم در مورد انحلال دعوت خواهد نمود و اگر مجمع عمومی فوق‌العاده مزبور هم به حد نصاب قانونی نرسد وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی کارگری) به جانشینی مجمع عمومی فوق‌العاده حکم به انحلال شرکت یا اتحادیه می‌دهد و نسبت به تعیین هیأت تصفیه از بین اعضاء یا اشخاص صاحب صلاحیت دیگر اقدام خواهد کرد.	ماده ۵۶۷ - در مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی غیرسهامی بیش از نصف اعضاء باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر تعداد از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد، به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.
ماده ۳۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت اعضاء حاضر در مجمع اتخاذ می‌شود «مگر در مورد انتخاب هیئت مدیره و	ماده ۵۶۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب اعضای

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
بازرسان که تصمیمات مجمع به اکثریت نسبی خواهد بود».	هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است
ماده ۳۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت و یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم حصول این حد نصاب با رعایت ماده ۳۴ آگهی دعوت مجمع با ذکر دستور و تاریخ تشکیل جلسه و نتیجه جلسه قبل منتشر می‌شود. این جلسه با حضور حداقل نصف به‌علاوه یک اعضا یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند و در صورت عدم حصول حد نصاب، مجمع برای بار سوم با همان ترتیب دعوت می‌شود. جلسه سوم مجمع با حضور اعضای حاضر که نباید از هفت نفر کمتر باشد رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم تشکیل جلسه سوم هر ذی‌حقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع و انحلال شرکت به وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) مراجعه نماید. در این صورت طبق ماده ۳۴ عمل خواهد شد. تبصره - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد	ماده ۵۶۹ - مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تعاونی غیرسهامی با حضور بیش از نصف اعضا تشکیل می‌شود. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور یک‌سوم اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد، به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.
ماده ۳۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت و یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم حصول این حد نصاب با رعایت ماده ۳۴ آگهی دعوت مجمع با ذکر دستور و تاریخ تشکیل جلسه و نتیجه جلسه قبل منتشر می‌شود. این جلسه با حضور حداقل نصف به‌علاوه یک اعضا یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند و در صورت عدم حصول حد نصاب، مجمع برای بار سوم با همان ترتیب دعوت می‌شود. جلسه سوم مجمع با حضور اعضای حاضر که نباید از هفت نفر کمتر باشد رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم تشکیل جلسه سوم هر ذی‌حقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع و انحلال شرکت به وزارت تعاون و	ماده ۵۷۰ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت بیش از دوسوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) مراجعه نماید. در این صورت طبق ماده ۳۴ عمل خواهد شد. تبصره - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد	
	ماده ۵۷۱ در اساسنامه نمی‌توان برخلاف مواد (۵۶۴)، (۵۶۵) و (۵۶۷) تا (۵۷۰) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.
ماده ۱۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - از محل درآمد ویژه سالانه شرکت‌های تعاونی مبالغ زیر کسر و به حسابهای مربوط منظور می‌شود: ۱ - حداقل ۱۲ درصد به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم. احتساب مبالغ مربوط از محل درآمد حاصل از معاملات با اعضاء در حساب ذخیره مندرج در این بند تا زمانی که مبلغ کل ذخیره حاصل از درآمدهای مذکور به میزان معدل سرمایه سه سال اخیر شرکت نرسیده باشد الزامی خواهد بود، ولی مبالغ حاصل از معاملات با غیر اعضاء و سایر درآمدهای مجاز شرکت که خارج از حدود عملیات جاری آن باشد بدون رعایت معدل مذکور همه ساله به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ۲ - سه درصد از درآمد ویژه سالانه برای توسعه تعلیمات و آموزش تعاون در منطقه تعاونی مربوط و در سراسر کشور در اختیار وزارت تعاون و امور روستاها گذاشته می‌شود تا به موجب آئین نامه‌ای که به وسیله آن وزارت تنظیم می‌شود و به تصویب شورای عالی هم آهنگی تعاونی‌های کشور می‌رسد به مصرف برسد. در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری سه درصد مزبور را وزارت کار و امور اجتماعی دریافت و به مصرف آموزش و تعلیمات تعاونی کارگران خواهد رسانید	ماده ۵۷۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی، مجمع عمومی می‌تواند درصدی از سود خالص شرکت را برای آموزش اعضاء اختصاص دهد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
بند ۵ ماده (۱) قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مازاد برگشتی: مبلغی از درآمد ویژه شرکت یا اتحادیه تعاونی است که برای تقسیم بین اعضاء به تناسب میزان معاملات آنها با شرکت با اتحادیه تعاونی در حدود مقررات این قانون اختصاص داده می‌شود	ماده ۵۷۳ - در پایان هر سال مالی مابه‌التفاوت قیمت پرداختی بابت کالاها و یا خدمات ارائه شده به هریک از اعضاء و قیمت تمام شده آن کالاها و یا خدمات به عنوان مازاد برگشتی به نسبت معاملات هریک از اعضاء با شرکت به آنها پرداخت می‌شود.
ماده ۱۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - درآمد ویژه شرکت در صورتی که موافق اساسنامه قابل تقسیم باشد به ترتیب پس از وضع ذخیره‌ها و سود سهام مطابق مقررات این قانون به صورت مازاد برگشتی به تناسب میزان معاملات هر عضو یا شرکت قابل تقسیم است. مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیر اعضاء در صورتی که موافق اساسنامه این نوع معاملات آزاد باشد قابل تقسیم به اعضاء نیست و به حساب ذخیره قانونی غیر قابل تقسیم شرکت منتقل می‌شود.	ماده ۵۷۴ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سود قابل تقسیم با لحاظ مقادیر مندرج در مواد (۵۷۲) و (۵۷۳) این قانون محاسبه و با رعایت مفاد این قانون و اساسنامه شرکت بین اعضاء تقسیم می‌شود.
ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - مجمع عمومی که بر اساس این قانون بالاترین مجمع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد، از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار به صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است. تبصره ۱ - در شرکت‌های تعاونی هر یک از دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، شوراهای اسلامی کشوری و سازمان‌های عمومی که در تعاونی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در تعاونی و شرکت در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به عنوان ناظر داشته باشند. تبصره ۲ - انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه تعاونی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین‌کننده اعتبار و کمک مالی و امکانات مختلف و	ماده ۵۷۵ - تصمیم درباره انحلال و ادغام و تجزیه و تبدیل شرکت تعاونی غیرسهامی پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر است. انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه شرکت تعاونی غیرسهامی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین‌کننده اعتبار، کمک مالی، امکانات مختلف، سرمایه‌گذاری و مشارکت است ممنوع می‌باشد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
سرمایه‌گذاری و مشارکت باشد موکول به موافقت مراجع مذکور خواهد بود.	
ماده ۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - هیچ‌گونه تبعیض یا محدودیتی برای عضویت در شرکت نباید وجود داشته باشد مگر به سبب عدم کفایت ظرفیت فنی تأسیسات و وسائل و امکانات شرکت مشروط بر اینکه در اساسنامه تصریح شده باشد. تبصره - می‌توان در اساسنامه شرکت شرط قبول اعضای جدید را علاوه بر خرید سهام پرداخت مبلغی به‌عنوان حق عضویت متناسب با هزینه توسعه وسائل و یا امکانات شرکت برای انجام خدمات اضافی موکول کرد	ماده ۵۷۶ - پس از تشکیل شرکت تعاونی غیرسهامی، در صورت وجود شرایط زیر اشخاص دیگر نیز می‌توانند به عضویت تعاونی درآیند: ۱ - دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی مطابق اساسنامه ۲ - وجود ظرفیت در تعاونی ۳ - پرداخت حق عضویت ۴ - پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید پس از عضویت تبصره ۱ - پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید براساس صورتهای مالی و متناسب با توسعه اموال و امکانات شرکت در ابتدای هر سال به‌وسیله مجمع عمومی تعیین و به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌رسد. تبصره ۲ - حق عضویت، حداقل مبلغی است که به‌موجب اساسنامه هریک از اعضاء برای تشکیل شرکت می‌پردازند. تبصره ۳ - تشخیص موارد مذکور در این ماده با هیأت مدیره شرکت است. شخصی که تقاضای عضویت او به‌وسیله هیأت مدیره رد می‌شود، می‌تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم کند. بازرس یا بازرسان باید شکایت مذکور را با اظهار نظر خود به اولین مجمع عمومی عادی گزارش کنند. در این صورت، تصمیم‌گیری در مورد عضویت متقاضی بر عهده مجمع عمومی است.
ماده ۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - خروج هر عضو از شرکت اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد و بهای سهم یا سهام او حداکثر به ارزش اسمی باید ظرف یک سال از تاریخ خروج عضو از شرکت نقداً پرداخت گردد. ماده ۱۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - خروج عضو از تعاونی اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد.	ماده ۵۷۷ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی می‌تواند با ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت از آن خارج شود، مشروط بر اینکه تعداد اعضای تعاونی از حداقل مقرر در این قانون کمتر نشود. در صورت خروج عضو از تعاونی، سهم او از اموال شرکت که مطابق مقررات اساسنامه و بر اساس صورتهای مالی سال قبل محاسبه می‌شود، پس از تأیید کارشناس رسمی دادگستری و کسر بدهی عضو خارج‌شده، به‌صورت علی‌الحساب به وی پرداخت می‌گردد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره ۱ - اعضاء متخصص تعاونی‌های تولید حداقل شش ماه قبل از استعفاء باید مراتب را کتباً به اطلاع تعاونی برسانند. تبصره ۲ - در صورتی که خروج عضو موجب ضرری برای تعاونی باشد، وی ملزم به جبران است	مابه‌التفاوت قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو و مبلغ پرداخت شده براساس صورتهای مالی سال خروج عضو از تعاونی محاسبه می‌شود.
	ماده ۵۷۸ رعایت مقررات مربوط به تغییرات سرمایه در ورود اعضای جدید یا خروج یا اخراج اعضای تعاونی الزامی نیست.
ماده ۳۳ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر است: ۸ - اتخاذ تصمیم درباره شکایت عضوی که اخراج شده و یا کسی که درخواست عضویت او از طرف هیئت مدیره پذیرفته نشده است یا ارجاع امر به هیئتی مرکب از پنج نفر از اعضاء مجمع عمومی، تصمیم متخذه از طرف مجمع عمومی یا هیئت پنج نفری قطعی است. تبصره - عضو اخراج شده حق دارد اعتراض خود را کتباً به‌وسیله بازرس یا بازرسان و یا در غیاب آنها از طریق نماینده وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) اعلام دارد تا در نخستین مجمع عمومی مطرح گردد و در این صورت می‌تواند برای دادن توضیحات لازم بدون داشتن حق رأی در مجمع شرکت نماید. ماده ۱۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود: ۱ - از دست دادن هر یک از شرایط عضویت مقرر در این قانون. ۲ - عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی توسط هیأت مدیره به فاصله ۱۵ روز و گذشتن ۱۵ روز از تاریخ اخطار دوم با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده.	ماده ۵۷۹ - در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود: ۱ - از دست دادن هر یک از شرایط عضویت ۲ - عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی به‌وسیله هیأت مدیره، به فاصله پانزده روز، و گذشتن پانزده روز از تاریخ ابلاغ اخطار دوم ۳ - ارتکاب اعمال موجب ورود زیان به تعاونی و عدم جبران آن ظرف یک سال تبصره - تشخیص موارد مذکور، بر اساس تقاضای هیأت‌مدیره یا بازرسان با مجمع عمومی عادی است

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۳ - ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و وی نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالی که به حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم بنماید. تبصره - تشخیص موارد فوق بنا به پیشنهاد هر یک از مدیران و تصویب مجمع عمومی خواهد بود	
ماده ۲۲ قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰ - اساسنامه شرکت تعاونی با توجه به مقررات این قانون باید شامل نکات زیر باشد: ۱ - نام (با قید کلمه تعاونی) مرکز اصلی و نشانی شرکت، مدت و حوزه عملیات شرکت. ۲ - موضوع و حدود عملیات شرکت. ۳ - شرایط عضویت، مقررات مربوط به قبول یا عدم قبول عضویت، خروج از عضویت (اخراج - استعفاء - فوت و یا ترک عضویت) حقوق و تعهدات اعضاء مسئولیت اعضاء. ماده ۱۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - در صورت فوت عضو ورثه وی که واجد شرایط و ملتزم به رعایت مقررات تعاونی باشند، عضو تعاونی شناخته شده و در صورت تعدد بایستی مابه‌التفاوت افزایش سهم ناشی از تعدد خود را به تعاونی بپردازند. اما اگر کتباً اعلام نمایند که مایل به ادامه عضویت در تعاونی نیستند و یا هیچ‌کدام واجد شرایط نباشند، عضویت لغو می‌گردد. تبصره - اگر تعداد ورثه بیش از ظرفیت تعاونی باشد، یک یا چند نفر به تعداد مورد نیاز تعاونی با توافق سایر ورثه عضو تعاونی شناخته می‌شوند	ماده ۵۸۰ - در صورت فوت هر یک از اعضای تعاونی غیرسهامی، یکی از وراث وی در صورت دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی، می‌تواند با موافقت سایر وراث به جانشینی متوفی، به عضویت تعاونی درآید. عضویت سایر ورثه منوط به رعایت شرایط مقرر در ماده (۵۷۶) این قانون است. در صورت عدم تمایل وراث یا عدم توافق آنها، عضویت لغو می‌گردد
ماده ۱۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - در صورت لغو عضویت به سبب فوت، استعفاء، انحلال، اخراج، طبق اساسنامه و قرارداد منعقد شده سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو به قیمت روز تقویم و به دیون	ماده ۵۸۱ - در صورت لغو عضویت به سبب فوت، انحلال و اخراج، سهم آن عضو از اموال شرکت مطابق ماده (۵۷۷) این قانون محاسبه و به وی پرداخت می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تعاونی تبدیل می‌شود که پس از کسر دیون وی به تعاونی، به او یا ورثه‌اش پرداخت خواهد شد.	
ماده ۳۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - اداره امور تعاونی طبق اساسنامه بر عهده هیأت مدیره‌ای مرکب از حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضاء اصلی، اعضاء علی‌البدل می‌باشند ولی برای تعاونی‌های بزرگ در مقابل افزایش هر چهارصد نفر یک نفر می‌تواند به اعضاء اصلی هیأت مدیره و یک نفر به اعضاء علی‌البدل بیفزاید مشروط بر آنکه تعداد از پانزده نفر بیشتر نشود که برای مدت دو سال و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. اخذ رأی برای انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل در یک نوبت به عمل می‌آید و حائزین اکثریت بعد از اعضاء اصلی به ترتیب اعضاء علی‌البدل شناخته می‌شوند و انتخاب مجدد هر یک از اعضاء اصلی و علی‌البدل بلامانع است. ماده ۴۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - اعضاء هیأت مدیره برای یک سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان تا سه دوره بلامانع است. سایر وظایف و اختیارات و مقررات مربوط به هیأت مدیره مذکور در فصل ششم در مورد هیأت مدیره اتحادیه نیز مجری خواهد بود. ماده ۴۹ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - مدیر عامل با تصویب اکثریت دو سوم اعضاء هیأت مدیره برای مدت یک سال انتخاب می‌گردد و انتخاب مجدد وی بلامانع است. مدیر عامل کلیه اختیارات اجرایی اتحادیه را طبق اساسنامه در اجرای قوانین و مقررات مربوط و مصوبات مجمع عمومی و هیأت مدیره و اداره امور اتحادیه تعاونی و سایر وظایف و اختیاراتی که به عهده ارکان اتحادیه تعاونی نباشد، دارا است	ماده ۵۸۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی انتخاب مجدد هر یک از اعضاء اصلی هیأت مدیره حداکثر برای دو نوبت متوالی مجاز است. افرادی که موفق به کسب دوسوم آراء کل اعضاء شرکت تعاونی مذکور شوند، از مقررات ممنوعیت بیش از دو نوبت مندرج در ماده مستثنی می‌باشند
ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی - مجمع عمومی که بر اساس این قانون بالاترین مجمع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد، از اجتماع اعضاء تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار به صورت	ماده ۵۸۳ - هر یک از دستگاه‌های اجرائی که در شرکت تعاونی غیر سهامی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در شرکت و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است. تبصره ۱ - در شرکت‌های تعاونی هر یک از دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، شوراهای اسلامی کشوری و سازمان‌های عمومی که در تعاونی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در تعاونی و شرکت در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به‌عنوان ناظر داشته باشند. تبصره ۲ - انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه تعاونی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین‌کننده اعتبار و کمک مالی و امکانات مختلف و سرمایه‌گذاری و مشارکت باشد موکول به موافقت مراجع مذکور خواهد بود.	حضور در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به‌عنوان ناظر داشته باشند
ماده ۶۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - هیأت بازرسی متشکل از سه عضو می‌باشد که دو نفر آنها به‌وسیله مجمع عمومی نمایندگان و یک نفر دیگر به‌وسیله وزارت تعاون تعیین می‌گردند و وظایف آنها عبارت است از: الف - نظارت و بازرسی مستمر از نظر رعایت اساسنامه و آیین‌نامه‌های اتاق تعاون و قوانین و مقررات مربوط. ب - رسیدگی به حساب‌ها، دفاتر، اسناد، صورتهای مالی از قبیل ترازنامه و عملکرد مالی و گزارش به مجمع نمایندگان و وزارت تعاون. ج - بررسی شکایات و تخلفات مربوط به اتاق تعاون و گزارش به مراجع ذی‌ربط. د - ارائه گزارش‌های سالانه و نوبتی به مجمع نمایندگان و وزارت تعاون از نظر وضعیت فعالیت‌های اتاق تعاون و رعایت قوانین و مقررات و اظهارنظر در مورد گزارش‌های هیأت مدیره. تبصره - هیأت مدیره مکلف است اسناد و مدارک مورد درخواست هیأت بازرسی را در اختیار آنان قرار دهد.	ماده ۵۸۴ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی که از خدمات شرکت یا هر نوع عملکرد هیأت مدیره یا مدیرعامل شرکت شکایتی دارد می‌تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت اعلام کند. بازرس یا بازرسان باید مراتب را به همراه اظهار نظر خود به مجمع عمومی عادی گزارش کنند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰- درآمد ویژه شرکت در صورتی که موافق اساسنامه قابل تقسیم باشد به ترتیب پس از وضع ذخیره‌ها و سود سهام مطابق مقررات این قانون به صورت مازاد برگشتی به تناسب میزان معاملات هر عضو یا شرکت قابل تقسیم است. مازاد درآمد حاصل از معاملات با غیر اعضاء در صورتی که موافق اساسنامه این نوع معاملات آزاد باشد قابل تقسیم به اعضاء نیست و به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می‌شود. ماده ۱۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - از محل درآمد ویژه سالانه شرکت‌های تعاونی مبالغ زیر کسر و به حسابهای مربوط منظور می‌شود: ۱ - حداقل ۱۲ درصد به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم. احتساب مبالغ مربوط از محل درآمد حاصل از معاملات با اعضاء در حساب ذخیره مندرج در این بند تا زمانی که مبلغ کل ذخیره حاصل از درآمدهای مذکور به میزان معدل سرمایه سه سال اخیر شرکت نرسیده باشد الزامی خواهد بود، ولی مبالغ حاصل از معاملات با غیر اعضاء و سایر درآمدهای مجاز شرکت که خارج از حدود عملیات جاری آن باشد بدون رعایت معدل مذکور همه ساله به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ۲ - سه درصد از درآمد ویژه سالانه برای توسعه تعلیمات و آموزش تعاون در منطقه تعاونی مربوط و در سراسر کشور در اختیار وزارت تعاون و امور روستاها گذاشته می‌شود تا به موجب آئین نامه‌ای که به وسیله آن وزارت تنظیم می‌شود و به تصویب شورای عالی هم آهنگی تعاونی‌های کشور می‌رسد به مصرف برسد. در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری سه درصد مزبور را وزارت کار و امور اجتماعی دریافت و به مصرف آموزش و تعلیمات تعاونی کارگران خواهد رسانید. ۳ - ذخایر دیگری که در اساسنامه مقرر شده باشد.	ماده ۵۸۵ - قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن در مورد ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت‌های تعاونی موجود و نحوه مصرف آن پس از انحلال شرکت، کماکان مجری است لکن رعایت قانون مذکور در مورد درآمدهای بعدی آن دسته از شرکت‌های تعاونی که اساسنامه خود را با این قانون تطبیق داده‌اند الزامی نیست

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - با انحلال شرکت تعاونی مانده حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت پس از تصفیه به پیشنهاد وزارت تعاون و امور روستاها و به موجب آئین نامه‌ای که به وسیله آن وزارت تهیه و به تصویب شورای عالی هم آهنگی تعاونی‌های کشور می‌رسد یا به وجوه ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت یا اتحادیه تعاونی که با همان مقاصد در حوزه مربوط فعالیت می‌کنند انتقال داده می‌شود و یا به مصرف امور اجتماعی و عام‌المنفعه همان حوزه خواهد رسید مگر در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری موضوع تبصره ماده ۱۸ که مصارف مربوط بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی هم آهنگی تعاونی‌های کشور معین خواهد شد. ماده ۲۲ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - اساسنامه شرکت تعاونی با توجه به مقررات این قانون باید شامل نکات زیر باشد: ۱ - نام (با قید کلمه تعاونی) مرکز اصلی و نشانی شرکت، مدت و حوزه عملیات شرکت. ۲ - موضوع و حدود عملیات شرکت. ۳ - شرایط عضویت، مقررات مربوط به قبول یا عدم قبول عضویت، خروج از عضویت (اخراج - استعفاء - فوت و یا ترک عضویت) حقوق و تعهدات اعضاء مسئولیت اعضاء. ۴ - سرمایه و تعداد سهام اولیه، ارزش هر سهم، حداکثر تعداد و میزان سهامی که یک عضو ممکن است داشته باشد، بازپرداخت یا انتقال سهام مقررات مربوط به وکالت یا نمایندگی از طرف عضو. ۵ - مقررات مربوط به مجامع عمومی و ضرب‌الاجل مربوط به دعوت مجامع مقررات راجع به دستور جلسات مجامع عمومی و حد نصاب برای تشکیل آن و فاصله بین دو جلسه. ۶ - اعضای هیئت مدیره و بازرسان (تعداد - نحوه انتخاب وظایف عزل و استعفاء - فوت) و مقررات مربوط به جلسات آنان و تعیین صاحبان امضای مجاز و حدود اختیارات و	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مسئولیت‌های آنان همچنین مقررات مربوط به انتصاب و استخدام. ۷ - مقررات مربوط به نگاهداری وجوه نقدی و افتتاح حساب بانکی استقراض - سرمایه‌گذاری و نحوه بکار انداختن وجوه زائد بر احتیاج شرکت. ۸ - سال مالی - مقررات تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش‌های هیئت مدیره و بازرسان و طرح‌ها و برنامه‌ها بودجه مخارج و عملیات شرکت - حسابرسی شرکت. ۹ - طرز عمل شرکت درباره ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم و سایر ذخایر. ۱۰ - سود سالانه سهام و مزاد برگشتی. ۱۱ - طرز عمل شرکت درباره زیان احتمالی. ۱۲ - چگونگی اعلام و آگهی تصمیمات شرکت به اعضا. ۱۳ - مقررات راجع به عضویت شرکت در سایر شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی. ۱۴ - مقررات مربوط به تغییر اساسنامه. ۱۵ - موارد انحلال و طرز تصفیه شرکت. ۱۶ - امکان ادغام با شرکت تعاونی دیگر و ضوابط آن. ماده ۶۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - اتحادیه تعاونی به‌منظور زیر تشکیل می‌شود: سوم - اتحادیه تعاونی اعتباری که به تدریج برای انجام خدمات اعتباری مورد نیاز واحدهای عضو با تأیید وزارت تعاون و امور روستاها و موافقت شورای پول و اعتبار به‌صورت منطقه‌ای و بر اساس مقررات فصل هشتم این قانون تشکیل می‌شود. تبصره - در اتحادیه‌های تعاونی اعتباری مزاد درآمد سالانه (موضوع ماده ۱۴) عیناً به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ماده ۷۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در شرکت‌های تعاونی کشاورزی و یا روستایی که مجاز به انجام عملیات اعتباری باشند مزاد درآمد حاصل از	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
معاملات اعتباری عیناً به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می‌شود. ماده ۸۰ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در اساسنامه شرکت می‌توان پیش بینی کرد که معادل نصف مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیر عضو در صورت تقاضای او برای خرید سهام شرکت با داشتن شرایط عضویت برای این منظور اختصاص یابد که در این صورت بقیه مازاد برگشتی طبق مقررات این قانون به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ماده ۸۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در شرکت تعاونی اعتبار مازاد برگشتی عیناً به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می‌گردد. ماده ۱۱۹ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - شرکت یا اتحادیه تعاونی می‌تواند زیان سالانه را با تصویب مجمع عمومی از حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم تأمین نماید و نمی‌تواند قبل از انتقال مبالغ برداشتی مذکور به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم، درآمد سال‌های بعدی شرکت یا اتحادیه را تقسیم کند. ماده ۱۲۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در تصفیه شرکت یا اتحادیه پرداخت تعهدات از محل دارایی آنها با رعایت تقدم به شرح زیر است: ۱ - پرداخت بدهی‌های شرکت یا اتحادیه. ۲ - پرداخت سهام اعضاء حداکثر به میزان مبلغ اسمی هر سهم و سود سهام در صورتی که مازاد تصفیه از حساب ذخیره غیرقابل تقسیم شرکت بیشتر باشد. ۳ - انتقال مازاد تصفیه به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم برای اقدامات مقرر طبق این قانون	
	ماده ۵۸۶ - کلیه شرکت‌های تعاونی موجود که بر اساس قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ یا قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها تشکیل شده‌اند شرکت تعاونی غیرسهامی محسوب می‌شوند، مگر اینکه اساسنامه خود را با رعایت مقررات تبدیل شرکت‌ها

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	بر اساس شرکت تعاونی سهامی خاص یا شرکت تعاونی سهامی عام اصلاح کنند.
ماده ۹ قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰ - در مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی با حوزه عمل وسیع و یا تعداد زیاد عضو ممکن است اعمال حق رأی به‌وسیله نماینده یا نمایندگان منتخب اعضاء در حوزه‌های مختلف فعالیت شرکت به نسبت تعداد عضو در هر حوزه و یا ترکیبی از تعداد اعضاء و مجموع معاملات همان حوزه به نحوی که در اساسنامه مقرر خواهد شد انجام شود.	ماده ۵۸۷ - مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی غیرسهامی که تعداد اعضای آنها افزون بر پانصد عضو است و در مناطق مختلف کشور پراکنده‌اند می‌تواند به‌صورت دو مرحله‌ای برگزار گردد. در مرحله اول نماینده یا نمایندگان اعضاء در حوزه‌های مختلف فعالیت شرکت تعیین و در مرحله دوم، مجمع عمومی با حضور نمایندگان منتخب اعضاء تشکیل می‌شود. چگونگی انتخاب نماینده یا نمایندگان در مرحله اول و حدود اختیارات و نحوه اعمال رأی آنها در مرحله دوم مجمع عمومی مطابق اساسنامه تعیین می‌گردد.
ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در موارد زیر منحل می‌شوند: ۱ - تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده. ۲ - کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضاء به نصاب مقرر نرسیده باشد. ۳ - انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد. ۴ - توقف فعالیت بیش از یک سال بدون عذر موجه. ۵ - عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به‌وسیله وزارت تعاون بر طبق آیین‌نامه مربوط. ۶ - ورشکستگی طبق قوانین مربوط	ماده ۵۸۸ - در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرکت تعاونی غیرسهامی پس از سه بار اخطار کتبی ظرف یک سال به‌وسیله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که فاصله هر اخطار حداقل یک‌ماه باشد این وزارتخانه انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا می‌کند.
	ماده ۵۸۹ - مفاد مواد (۵۵۱)، (۵۵۲)، (۵۵۴)، (۵۵۵)، (۵۵۷)، (۵۵۸) و (۵۵۹) این قانون در مورد شرکت تعاونی غیرسهامی نیز مجری است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۰ - قانون برنامه چهارم دولت موظف است در جهت ارتقای سطح و جذب فناوری‌های برتر در بخش‌های مختلف اقتصادی، اقدام‌های ذیل را در برنامه چهارم به‌عمل آورد : الف - برای ادغام شرکت‌ها، بنگاه‌ها و شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ، اقدام‌های ذیل مجاز است : ادغام شرکت‌های تجاری موضوع باب سوم «قانون تجارت»، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقای یکی از شرکت‌ها - شرکت پذیرنده و ادغام و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید)، با تصویب چهارپنجم صاحبان سهام در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های سهامی یا چهارپنجم صاحبان سرمایه در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز خواهد بود. کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت و پس از ادغام، شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید با توجه به نوع آن مطابق مقررات «قانون تجارت» اداره خواهد شد. کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، شرکت مزبور مکلف به بازخرید آنان مطابق مقررات قانون کار مصوب ۱۳۶۹.۸.۲۹ می‌باشد. چنانچه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید در موارد خاص با نیروی کار مازاد مواجه باشد، مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲.۵.۲۶ عمل خواهد شد. سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام	فصل سوم - مقررات تکمیلی مبحث اول - ادغام، تجزیه و تبدیل شرکت‌ها گفتار اول - ادغام و تجزیه ماده ۵۹۰ - ادغام شرکت‌ها به دو قسم ساده و مرکب انجام می‌گیرد. به جذب یک یا چند شرکت در شرکت دیگر، ادغام ساده و به تشکیل شرکت جدید از طریق ادغام حداقل دو شرکت در یکدیگر، ادغام مرکب اطلاق می‌شود. در ادغام ساده شرکت جذب شده و در ادغام مرکب شرکت‌های طرف ادغام، شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهند

قانون تجارت	لایحه تجارت
شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶.۱۲.۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است. دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت، انحصار، دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را تدوین و در تدوین لایحه تسهیل رقابت و کنترل انحصار پیش‌بینی نماید. ماده ۱۰۵- قانون برنامه پنجم توسعه الف — ادغام شرکت‌های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقاء یکی از شرکت‌ها — شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید — شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز است. امور موضوع این بند شامل مواردی که شرعاً قابل انتقال نمی‌باشد نمی‌گردد. کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود. کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال می‌یابند. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یادشده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل می‌شود. سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است. ب — دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت و انحصار و همچنین دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را مطابق فصل (۹) قانون « اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی » پیش‌بینی نماید	
ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم - ... دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت، انحصار، دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را تدوین و در تدوین لایحه تسهیل رقابت و کنترل انحصار پیش‌بینی نماید.	ماده ۵۹۱ - ادغام شرکت‌ها با رعایت مقررات قانونی تسهیل رقابت و منع انحصار انجام می‌شود و در مواردی که به موجب آیین‌نامه اجرائی این ماده مشخص می‌گردد. اخذ مجوز از شورای رقابت الزامی است. این آیین‌نامه به پیشنهاد شورای رقابت شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد
	ماده ۵۹۲ - تجزیه شرکت‌ها به دو قسم کلی و جزئی انجام می‌شود. به واگذاری بخشی از اموال و دیون شرکت به یک یا چند شرکت جدید، تجزیه جزئی و به واگذاری کلیه اموال و دیون شرکت به حداقل دو شرکت جدید، تجزیه کلی اطلاق می‌شود. در تجزیه کلی شرکت تجزیه شده شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد.
	ماده ۵۹۳ - ادغام ساده یا مرکب هر یک از شرکت‌ها در یکدیگر یا تجزیه کلی یا جزئی هر یک از شرکت‌ها به شرکت‌های دیگر با رعایت مواد این مبحث مجاز است.
	ماده ۵۹۴ - مسئولیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی‌رود و شرکای مذکور کماکان ضامن دیون شرکت تا پیش از ادغام یا تجزیه می‌باشند
	ماده ۵۹۵ - تشکیل شرکت جدیدی که در آن شریک ضامن وجود دارد از طریق ادغام یا تجزیه به رضایت تمام شرکا و یا سهامدارانی منوط است که قرار است شریک ضامن شرکت جدید شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۹۶ - هرگاه در اثر ادغام یا تجزیه، شریک و یا سهامدار یک شرکت به شریک ضامن شرکت دیگر تبدیل شود یا سهامدار یک شرکت به شریک شرکت دیگر تبدیل شود یا سهامدار شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام یا تعاونی سهامی عام به سهامدار شرکت سهامی خاص، مختلط سهامی خاص یا تعاونی سهامی خاص تبدیل شود رضایت شریک و یا سهامدار مذکور شرط است
	ماده ۵۹۷ - شرکت‌های تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی فقط می‌توانند با رعایت مقررات این قانون با شرکت‌های هم‌نوع خود به هروش ساده یا مرکب ادغام یا به شرکت‌های هم‌نوع خود به‌طور کلی یا جزئی تجزیه شوند، لکن سایر شرکت‌ها می‌توانند با رعایت این قانون در این شرکت‌ها یا شرکت تعاونی سهامی عام ادغام شوند مشروط بر اینکه شرکا و یا سهامدارانی که پس از ادغام با شرکت تعاونی مجبور به انتقال بخشی از سهام خود می‌باشند با این ادغام موافقت کنند. همچنین تشکیل هریک از این شرکت‌ها از طریق ادغام شرکت‌های هم‌نوع آن شرکت با سایر شرکت‌ها با رعایت این قانون مجاز است
	ماده ۵۹۸ - طرح مشترک ادغام به‌وسیله مدیران شرکت‌های طرف ادغام و طرح تجزیه به‌وسیله مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه تهیه می‌شود و به تصویب می‌رسد. در اساسنامه شرکت می‌توان تصمیم‌گیری در مورد تهیه و تصویب طرح مزبور را به موافقت اولیه مجمع عمومی فوق‌العاده موکول کرد
	ماده ۵۹۹ - طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه باید متضمن موارد زیر باشد: ۱ - گزارش توجیهی دلایل ادغام یا تجزیه ۲ - نام شرکت‌های طرف ادغام، میزان سرمایه و موضوع آنها در ادغام و نام شرکت موضوع تجزیه در تجزیه ۳ - نوع ادغام یا تجزیه؛ ۴ - تعیین نام شرکت یا شرکت‌های ادغام شده و بازمانده در ادغام ساده و تعیین نام شرکت‌های منحل شده و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	شرکت جدید در ادغام مرکب و تعیین نام شرکت بازمانده و یا جدید در تجزیه ۵ - صورتهای مالی مشتمل بر توصیف و ارزیابی اموال و دیون هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه تبصره - این صورتهای مالی حداکثر دو ماه قبل از تاریخ انتشار طرح موضوع ماده (۵۹۸) این قانون با تأیید بازرس یا بازرسان شرکت تهیه می‌شود و در صورتی که بازرس یا بازرسان شرکت حسابدار رسمی نباشند به تأیید حسابدار رسمی می‌رسد. ۶ - ذکر میزان اوراق بهادار و نوع آن و تعیین عوض اوراق مذکور در شرکت جدید یا بازمانده ۷ - طرح اساسنامه شرکت بازمانده و یا جدید و اسامی مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و اعلام قبولی آنها ۸ - تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم‌الشرکه، سهامداران و یا شرکای شرکت جدید یا بازمانده ۹ - تبیین شیوه‌های تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم‌الشرکه مذکور همراه با نظریه کارشناس رسمی دادگستری ۱۰ - نحوه تعویض سهام غیرقابل تبدیل در اثر ادغام ۱۱ - تعیین تکلیف در مورد مسئولیت تأدیه دیون و ایفای تعهدات شرکت موضوع تجزیه با قید میزان دیون مذکور در طرح تجزیه ۱۲ - نحوه تقسیم اموال و مطالبات بین شرکت‌های جدید و یا بازمانده در تجزیه ۱۳ - تعیین تکلیف در مورد حقوق خاص شرکا و یا سهامداران شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه ۱۴ - تعیین وضع کارکنان شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه با رعایت مقررات مربوط ۱۵ - ذکر دعاوی له و علیه شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه در مراجع قانونی ۱۶ - تعیین روزنامه شرکت جدید

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۱۷ - تعیین نحوه انتقال اموال به روش ارزش روز یا دفتری ۱۸ - برآورد هزینه‌های ادغام یا تجزیه
	ماده ۶۰۰ - خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه شامل خلاصه گزارش موضوع بند (۱) و بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۶)، (۸)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۵) و (۱۷) ماده (۵۹۹) این قانون به‌وسیله مدیر یا مدیران هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا تجزیه ظرف پانزده روز از تاریخ تصویب آن در هیأت‌مدیره در روزنامه هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه آگهی می‌شود و کل آن در پایگاه الکترونیک شرکت قرار می‌گیرد. در صورتی که شرکت فاقد روزنامه و یا پایگاه الکترونیک باشد، خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار سراسری و کل آن در پایگاه الکترونیک مرجع ثبت شرکت‌ها منتشر می‌شود
	ماده ۶۰۱ - در مورد ادغام یا تجزیه، هریک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۶۰۰) این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را در مورد ادغام یا تجزیه به دادگاه تقدیم کنند.
	ماده ۶۰۲ - در مهلت مذکور در ماده (۶۰۱) این قانون و همچنین در صورتی که اعتراضی شده و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد ادغام یا تجزیه ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در باره رد اعتراض موضوع ماده (۶۰۱) از سوی دادگاه صادر شده باشد.
	ماده ۶۰۳ - اتخاذ تصمیم در مورد ادغام یا تجزیه پس از ارائه طرح مربوط و گزارش مدیر یا مدیران در مورد پایان یافتن اعتراضات موضوع ماده (۶۰۱) این قانون و گزارش بازرس یا بازرسان در باره جزئیات طرح در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده هر یک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه انجام می‌گیرد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۰۴ - دعوت از مجمع عمومی فوق‌العاده باید ظرف یک‌ماه پس از انقضای مهلت اعتراض اشخاص ذی‌نفع موضوع ماده (۶۰۳) این قانون انجام گیرد.
	ماده ۶۰۵ - در صورتی که ادغام یا تجزیه بدون رعایت تشریفات مربوط انجام شود، هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال ادغام یا تجزیه را از دادگاه تقاضا کند. در هر حال، تا تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوی به‌وسیله دادگاه رسیدگی‌کننده، شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه کماکان با حفظ شخصیت حقوقی خود فعالیت می‌نمایند
	ماده ۶۰۶ - انحلال شرکت یا تشکیل شرکت جدید در روند ادغام یا تجزیه مطابق این قانون مستلزم رعایت احکام مربوط به تصفیه یا تشکیل شرکت تجاری نیست.
	ماده ۶۰۷ - برای ثبت ادغام و تجزیه، مدیران شرکت‌های طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه باید حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تصویب ادغام یا تجزیه، اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - آگهی طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه ۲ - فهرست کامل پستانکاران شرکت و مبلغ طلب آنها و وضع هریک از طلب‌ها پس از انتشار آگهی طرح مشترک ۳ - اساسنامه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه ۴ - صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده دائر بر تصویب ادغام یا تجزیه
	ماده ۶۰۸ - اظهارنامه موضوع ماده (۶۰۷) این قانون باید به امضای مدیران شرکت‌های طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه برسد و متضمن موارد زیر باشد: ۱ - نام و موضوع و مدت و اقامتگاه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۲ - سرمایه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه و مبلغ پرداخت شده آن ۳ - تعداد و امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار آن سهام ۴ - هویت مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت ۵ - ذکر نام روزنامه شرکت و پایگاه الکترونیک آن
	ماده ۶۰۹ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۰۷) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی به ثبت ادغام یا تجزیه و شرکت جدید حاصل از آن اقدام نماید و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد
ماده ۱۰۵ - قانون برنامه پنجم توسعه الف — ادغام شرکت‌های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقاء یکی از شرکت‌ها — شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید — شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز است. امور موضوع این بند شامل مواردی که شرعاً قابل انتقال نمی‌باشد نمی‌گردد. کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود. کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال می‌یابند. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یادشده پرداخت می‌شود. در	ماده ۶۱۰ - شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم‌مقام شرکت یا شرکت‌های منحل شده‌اند. شرکت جدید در ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده می‌توانند به قائم‌مقامی شرکت‌های منحل شده دعاوی آنها علیه اشخاص ثالث را پیگیری یا علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. اشخاص ثالث نیز می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت‌های منحل شده را علیه شرکت جدید یا بازمانده پیگیری یا مطرح کنند. در تجزیه کلی یا جزئی، اشخاص ثالث می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت تجزیه شده را حسب مورد علیه هریک از شرکت‌های جدید و یا بازمانده مطرح کنند. هریک از شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و هریک از شرکت‌های بازمانده و جدید در تجزیه جزئی نیز به‌نحوی که مطالبات را در طرح مصوب تجزیه، بین خود تقسیم کرده‌اند می‌توانند علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. مسئولیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی‌رود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل می‌شود. سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است. ب — دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت و انحصار و همچنین دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را مطابق فصل (۹) قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» پیش‌بینی نماید	
	ماده ۶۱۱ - شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه می‌تواند از نام شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه استفاده کند مشروط بر اینکه منجر به استفاده مشترک از یک نام نشود.
	ماده ۶۱۲ - در صورت ثبت ادغام یا تجزیه، مراجع ذی‌ربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید با تقاضای شرکت جدید یا بازمانده مبنی بر اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام شرکت بازمانده یا جدید مطابق طرح تجزیه یا ادغام اقدام کنند. در این مورد، واگذاری اموال به شرکت بازمانده یا جدید از دریافت حق‌الثبت و مالیات انتقال و هرگونه حقوق و عوارض انتقالی معاف است.
	ماده ۶۱۳ - پس از تجزیه اگر شرکتی که تأدیه دیون و ایفای تعهدات را بر عهده گرفته است از ایفای به‌موقع آنها خودداری ورزد، هر یک از شرکت‌های ایجادشده در اثر تجزیه به‌طور مستقل مسئول ایفای کلیه دیون و تعهدات مذکور می‌باشند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۱۴ - شرکت متوقف و شرکت مشمول مواد (۲۱۶) و یا (۲۱۷) این قانون نمی‌تواند ادغام یا تجزیه شود.
	ماده ۶۱۵ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌های موضوع ادغام یا تجزیه از پرداخت مالیات معاف است.
	ماده ۶۱۶ - ادغام یا تجزیه از تاریخ ثبت محقق می‌شود.
	گفتار دوم - تبدیل
ماده ۲۷۸ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) شرکت سهامی خاص در صورتی می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت‌های سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.	ماده ۶۱۷ - تبدیل هر شرکت به انواع شرکت‌های دیگر با رعایت مفاد این قانون مجاز است و این امر بر دیون و تعهدات سابق شرکت و شرکا تأثیری ندارد.
ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکا به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.	
ماده ۲۷۹ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند: ۱ - اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده است. ۲ - دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد. ۳ - صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها که متضمن تقویم کلیه اموال منقول	ماده ۶۱۸ - شرایط تبدیل شرکت به قرار زیر است: ۱ - موضوع تبدیل به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت برسد. ۲ - اساسنامه شرکت با رعایت این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد. ۳ - حداقل دو سال از تاریخ ثبت شرکت بگذرد و دو صورت مالی آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ۴ - سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت جدید مقرر شده است یا شرکت سرمایه خود را بر اساس مقررات این قانون به میزان مذکور افزایش دهد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
و غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد. ۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: الف - نام و شماره ثبت شرکت. ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن. و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن. ز - هویت کامل رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت. ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی. ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته. ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است. ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد.	۵ - مجوزهای لازم برای تحقق موضوع شرکت جدید اخذ شود. ۶ - تعداد اعضاء آن از حداقل مقرر برای شرکت جدید کمتر نباشد. تبصره ۱ - شرکت‌های تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی قابل تبدیل به سایر شرکت‌ها نیستند ولی سایر شرکت‌ها می‌توانند با رعایت مقررات این قانون به این دو نوع شرکت تبدیل شوند مشروط بر اینکه تعداد سهام هیچ‌یک از سهامداران آنها از میزان مشخصی که به موجب این قانون معین شده است بیشتر نشود. تبصره ۲ - برای تبدیل هریک از انواع شرکت‌ها به شرکت تضامنی یا نسبی اتفاق آراء کلیه شرکا و یا سهامداران و برای تبدیل هریک از انواع شرکت‌ها به شرکت مختلط سهامی عام یا مختلط سهامی خاص یا مختلط غیرسهامی علاوه بر تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده، رضایت کلیه شرکا و یا سهامدارانی که قرار است شریک ضامن شرکت جدید باشند لازم است. تبصره ۳ - برای تبدیل شرکت‌های سهامی عام و مختلط سهامی عام به سایر شرکت‌ها و نیز برای تبدیل شرکت‌های سهامی خاص و مختلط سهامی خاص به شرکت با مسئولیت محدود یا مختلط غیرسهامی رضایت همه سهامداران الزامی است
	ماده ۶۱۹ - رعایت مفاد مواد (۶۰۱)، (۶۰۲)، (۶۰۳) و (۶۱۵) این قانون در مورد تبدیل شرکت‌ها نیز الزامی است. شرکت جدید پس از تبدیل از هر جهت قائم مقام شرکت تبدیل شده محسوب می‌شود
ماده ۲۷۸ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) شرکت سهامی خاص در صورتی می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت‌های سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش	ماده ۶۲۰ - تبدیل شرکت‌های سهامی عام، سهامی خاص، مختلط سهامی عام و مختلط سهامی خاص به انواع شرکت‌های دیگر در موارد زیر مجاز نیست: ۱ - سرمایه تعهد شده به وسیله سهامداران به‌طور کامل تأدیه نشده باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.	۲ - تا زمانی که اوراق بهادار صادر شده از جانب شرکت تسویه نشده باشد.
	ماده ۶۲۱ - برای ثبت تبدیل هریک از شرکت‌ها به شرکتی غیر از شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده تبدیل شرکت را تصویب می‌کند اظهارنامه‌ای به همراه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که تبدیل شرکت را تصویب کرده است. ۲ - اساسنامه جدید که با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح شده و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده باشد. ۳ - صورتهای مالی شرکت که مطابق بند (۵) ماده (۵۹۹) این قانون و تبصره آن تنظیم شده است. ۴ - گواهینامه حاکی از میزان سرمایه ثبت شده شرکت و میزانی از آن که پرداخت شده است. ۵ - تصویر مصدق موافقت‌نامه مرجع خاص در صورتی که انجام موضوع شرکت جدید به موجب قانون مستلزم موافقت آن مرجع باشد. ۶ - مدارک هویت مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که تصدیق شده باشد.
	ماده ۶۲۲ - اظهارنامه تبدیل مذکور در ماده (۶۲۱) باید به امضاء مدیر یا مدیران شرکت برسد و مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت جدید ۲ - موضوع شرکت جدید ۳ - مدت شرکت جدید ۴ - اقامتگاه شرکت جدید و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد، نشانی دقیق شعب آن

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۵ - میزان سرمایه ثبت شده شرکت جدید و مبلغ پرداخت شده آن ۶ - شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت ایجاد مزایا و یا سهم ممتاز ۷ - هویت مدیر یا مدیران، مدیرعامل و بازرس یا بازرسان شرکت جدید ۸ - ذکر نام روزنامه شرکت جدید در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به موجب قانون یا اساسنامه تبصره - در موارد تبدیل شرکت به شرکت سهامی خاص یا مختلط سهامی خاص علاوه بر موارد مذکور در این ماده ذکر موارد مندرج در صدر ماده (۱۴۹) این قانون نیز الزامی است.
	ماده ۶۲۳ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده (۶۲۱) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت می‌کند. در صورت نقص مدارک و یا مغایرت آنها با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز موارد مغایرت را به‌طور کتبی به متقاضی اعلام کند
ماده ۲۸۱ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارایی شرکت و اموال منقول و غیرمنقول آن در مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده می‌باشد آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد اقلاً در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود	ماده ۶۲۴ - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اظهارنامه تبدیل شرکت ذکر و قید شود که اساسنامه شرکت و صورتهای مالی مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم در مورد تبدیل شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها و در اقامتگاه شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان، موجود است.
	ماده ۶۲۵ - برای تبدیل هریک از شرکت‌ها به شرکت سهامی عام یا مختلط سهامی عام یا تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید اظهارنامه تبدیل شرکت را به

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	همراه مدارک موضوع ماده (۶۲۱) این قانون و طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و گزارش‌های تحلیلی خطرپذیری (ریسک) مرتبط با آن به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند. این اظهارنامه باید مشتمل بر موارد مندرج در ماده (۶۲۲) و تبصره آن باشد. همچنین هرگاه تأمین سرمایه لازم از طریق مراجعه به عموم مدنظر باشد باید طرح اعلامیه پذیرهنویسی که با رعایت ماده (۴۶۷) تدوین می‌شود به همراه مدارک مذکور به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم شود
	ماده ۶۲۶ - سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده (۶۲۵) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای تبدیل شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند. تبصره - صدور موافقت‌نامه به‌منزله تضمین توجیه اقتصادی و سودآوری نیست و فقط بیانگر رعایت قوانین و مقررات و شفافیت اطلاعات ارائه شده است.
	ماده ۶۲۷ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۶) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون حسب مورد تبدیل شرکت را ثبت یا اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به‌طور کتبی به شرکت متقاضی تبدیل و سازمان بورس اوراق بهادار اعلام کند، در این صورت رعایت مفاد مواد (۴۷۱) و (۴۷۲) الزامی است. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را به‌طور کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.
	ماده ۶۲۸ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ سرمایه لازم، معین شده است و در صورت تمدید پس از انقضای مدت تمدیدشده، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک‌ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی و در صورت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تأمین کل سرمایه لازم ضمن اصلاح اساسنامه، تعداد سهام و میزان تعهد هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌کنند و پس از تأیید سازمان مذکور، مراتب را برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت شرکت‌ها می‌رسانند.
	ماده ۶۲۹ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۸) این قانون در باره مطابقت یا مغایرت مندرجات آنها با قانون اعلام نظر و به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. در صورت اعلام مغایرت مندرجات مدارک با قانون، نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد مغایرت باشد.
	ماده ۶۳۰ - در صورتی که سهام جدیدی که به‌ترتیب مذکور در ماده (۶۲۹) این قانون عرضه می‌شود به‌طور کامل تعهد نشود، شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.
به نظر می‌رسد با ماده ۶۴۱ تعارض دارد چرا که به‌موجب مواد ۶۴۰ و ۶۴۱ عدم ثبت تبدیل، ادغام یا تجزیه یا انحلال و... موجب بطلان آنها نیست ولی در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.	ماده ۶۳۱ - تبدیل شرکت از تاریخ ثبت محقق می‌شود.
ماده ۱۹۵ ق.ت. - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکت‌ها است.	مبحث دوم - مقررات ثبتی ماده ۶۳۲ - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (مرجع ثبت شرکت‌ها) الزامی است.
ماده ۱۹۷ قانون تجارت - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.	ماده ۶۳۳ - حداکثر یک ماه پس از ثبت هر شرکت تجاری، خلاصه اساسنامه آن طبق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزیر دادگستری که حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، منتشر می‌گردد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۹۹ قانون تجارت - هر گاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ باید به قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.	ماده ۶۳۴ - هرگاه شرکت تجاری در چندین حوزه شعبه یا نمایندگی داشته باشد، شعب یا نمایندگی‌های مذکور نیز باید مطابق مقررات این قانون به ثبت برسند.
ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به‌صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیآورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت‌حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و إلا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد - این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده. ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچ‌یک از شرکا نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند.	ماده ۶۳۵ - هر یک از شرکا شرکت‌هایی که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند و خود را با رعایت احکام این قانون ثبت نکرده‌اند به نسبت سرمایه خود در شرکت، مسئول کلیه دیون شرکت محسوب می‌شوند. در صورتی که این اشخاص در اسناد، صورتحساب‌ها و آگهی‌های خود از عنوان شرکت استفاده کنند به مجازات حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند.
ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به‌صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیآورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت‌حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به	ماده ۶۳۶ - مؤسسات غیرتجاری که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند در مورد دیون خود در مقابل طلبکاران و اشخاص ثالث، حکم شرکت تضامنی را دارند. هر یک از اعضای مؤسسات مذکور در صورت عدم کفایت اموال مؤسسه پس از انحلال و تصفیه، مسئول کلیه دیون شرکت محسوب می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ثبت رسیده و إلا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد - این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده.	
	ماده ۶۳۷ - ثبت کلیه اشخاص حقوقی خصوصی به‌استثناء موقوفات با موضوع هر یک از اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون ممنوع است و این اشخاص فقط در قالب انواع شرکت‌های تجاری مذکور در مواد (۱۴۳) و (۱۴۴) قابل ثبت می‌باشند.
ماده چهارم قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - هر شرکت خارجی که در تاریخ اجرا این قانون در ایران به‌وسیله شعبه یا نماینده مشغول به امور تجاری یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف ۴ ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید در صورتی که این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به اداره ثبت کافی نباشد رئیس محکمه ابتدایی تهران به تقاضای نماینده شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد. ماده پنجم قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - اشخاصی که به‌عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت‌های خارجی در ایران اقدام به امور تجاری یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضاء موعده مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی‌العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدائی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و به‌علاوه محکمه برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم متخلف را به تأدیه پنج الی ۵۰ تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه (هرگاه) حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود. ماده ششم قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - در مورد شرکت‌های خارجی که شرایط عملیات آنها به‌موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعده قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد	ماده ۶۳۸ - شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، با رعایت مفاد این قانون می‌توانند به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اقدام کنند. هر شرکت خارجی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در ایران شعبه یا نمایندگی دارد که به ثبت نرسیده است با رعایت مقررات این ماده باید حداکثر ظرف چهار ماه از تاریخ مذکور تقاضای ثبت کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
شد ولی جزای نقدی برای هر روز تأخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است. قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶: ماده واحده — شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند. تبصره - آئین‌نامه اجرائی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی سایر مراجع ذی‌ربط به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید	
ماده ۱۰۳ - انتقال سهم‌الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی	ماده ۶۳۹ - سهم‌الشرکه فقط به موجب سند رسمی واگذار می‌شود. در غیر این صورت، واگذاری در مقابل شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست. دفتر اسناد رسمی ثبت‌کننده معامله باید نسخه‌ای از سند رسمی واگذاری سهم‌الشرکه را ظرف ده روز به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند.
ماده ۱۰۶ ل.ا.ق.ت. - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع شرکت‌ها ارسال گردد: ۱ - انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان. ۲ - تصویب ترازنامه. ۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه. ۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن. ماده ۱۲۸ ل.ا.ق.ت. - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.	ماده ۶۴۰ - موارد زیر باید برای ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال گردد و پس از ثبت، به هزینه شرکت در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت آگهی شود. تسلیم رونوشت یا تصویر مصدق صورت جلسه‌ای که متضمن موارد مذکور است به همراه ضامم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها الزامی است: ۱ - هویت مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان و مدیر یا مدیران تصفیه و هویت مدیر یا مدیران جایگزین شده مطابق مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون و هویت بازرس یا بازرسان جایگزین شده مطابق مواد (۲۵۱) و (۲۵۲) ۲ - تصویب صورتهای مالی ۳ - تعیین روزنامه شرکت ۴ - هر نوع تغییر در اساسنامه و سرمایه ۵ - تصویب ادغام، تجزیه یا تبدیل و تحقق هر یک از آنها

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۶۳ ل.ا.ق.ت. - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. ماده ۲۰۹ ل.ا.ق.ت. - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است. ماده ۲۱۰ ل.ا.ق.ت. - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است. ماده ۲۲۷ ل.ا.ق.ت. - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری حذف گردد. ماده ۲۳۰ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفاء از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر	۶ - انحلال و نحوه تصفیه و انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه ۷ - انتشار اوراق بهادار در صورت مجاز بودن شرکت به انتشار این اوراق به موجب قانون ۸ - هویت مدیرعامل و قائم مقام یا قائم مقامان وی ۹ - هویت نماینده معرفی شده به وسیله شخص حقوقی به عنوان مدیر یا برای شرکت در جلسات مدیران ۱۰ - هویت مدیران شعب و نمایندگی‌های شرکت ۱۱ - حدود اختیارات مدیرعامل و قائم مقام وی ۱۲ - نشانی دقیق شرکت و شعب و نمایندگی‌های آن و تغییرات بعدی در نشانی آنها ۱۳ - تغییر در شرکا و یا میزان سهم‌الشرکه آنها

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است. ماده ۲۸۰ ل.ا.ق.ت. - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. ماده ۱۵۳ ق.ت. - اگر در نتیجه قرارداد با شرکا ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت شریک با مسئولیت محدود از سهم‌الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکت‌ها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می‌توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تأدیه همان سرمایه اولیه شریک با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند. ماده ۲۰۰ ق.ت. - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم‌الرعایه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ می‌شود رعایت خواهد شد. ماده ۲۰۵ ق.ت. - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.	
ماده ۱۸ ل.ا.ق.ت. - اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به ضمیمه صورتجلسه مجمع و	ماده ۶۴۱ - در کلیه مواردی که مصوبات مجمع عمومی یا مدیر یا مدیران باید به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه شود این امر باید ظرف یک ماه از تاریخ مصوبه انجام پذیرد. اگر در

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد. ماده ۲۱۰ ل.ا.ق.ت. - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است. قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰: ماده هفتم - تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق بنام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند.	متن مصوبه نماینده‌ای برای مراجعه به این مرجع معین نشود، مدیر یا مدیران شرکت ظرف مهلت مذکور موظف به مراجعه می‌باشند. عدم ثبت تصمیمات مذکور و آگهی آن به موجب این قانون باعث بطلان آنها نیست، ولی شرکت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه نمی‌تواند به این تصمیمات استناد کند.
	ماده ۶۴۲ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون نشر آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، روزنامه شرکت، روزنامه دیگر و یا پایگاه الکترونیک مقرر شود، از نظر اجرای این قانون، مفاد و تاریخ آگهی مندرج در روزنامه رسمی منوط اعتبار است. هرگاه مطابق مقررات این قانون نشر آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار پیش‌بینی شود، از نظر اجرای مقررات این قانون، مفاد و تاریخ مندرج در آخرین آگهی معتبر است.
	ماده ۶۴۳ - مراجع مذکور در این قانون نمی‌توانند برای ثبت شرکت یا شعبه یا نمایندگی یا صدور هرگونه اجازه در این مورد یا ثبت امور دیگر مدرکی جز مدارک مصرح در این قانون مطالبه کنند.
	ماده ۶۴۴ - به کلیه اشتباهات ثبتی ناظر به ثبت شرکت‌ها و نیز اعتراض اشخاص به اقدامات و نظریات مرجع ثبت شرکت‌ها در مورد اشخاص حقوقی در شرف تأسیس و نیز عدم ثبت تغییرات آنها در هیأت نظارت ثبت استان مربوط، رسیدگی می‌شود. متقاضی می‌تواند ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی هیأت مذکور، در شورای عالی ثبت تجدید نظر خواهی کند. رأی شورای عالی ثبت در این

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مورد لازم‌الاجرا و در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است.
	مبحث سوم - مقررات جزائی ماده ۶۴۵ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می‌شود. مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.
ماده ۲۰۱ ق.ت. - در هرگونه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات و غیره که به‌طور خطی یا چاپی از طرف شرکت‌های مذکور در این قانون به‌استثنای شرکت‌های تعاونی صادر می‌شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود - شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره - شرکت‌های خارجی نیز که به‌وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.	ماده ۶۴۶ - کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون باید در تمامی اسناد، صورتحساب‌ها، آگهی‌ها و نشریات خود اعم از اینکه دست‌نویس، چاپی یا الکترونیک باشد آخرین سرمایه ثبت شده خود را درج کنند. اگر تمام سرمایه پرداخت نشده باشد قسمتی که پرداخت شده نیز باید معین شود. شرکت‌های متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شوند. شعبه یا نماینده شرکت خارجی نیز که در ایران به تجارت اشتغال دارد در مورد اسناد و صورتحساب‌ها و آگهی‌ها و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده است.
ماده ۲۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۴۷ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هرکس که عالماً و بر خلاف واقع پذیره‌نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره‌نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیرنقد تقلب اعمال کند.	گفتار اول - جرائم مربوط به تشکیل شرکت ماده ۶۴۷ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود: ۱ - تصدیق پذیره‌نویسی سهام شرکت برخلاف واقع ۲ - اعمال تقلب به‌منظور تعیین ارزش آورده غیرنقد به بیش از قیمت واقعی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند. ۳ - هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد. ۴ - هرکس سهم یا قطعات سهم را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند. ۵ - هرکس سهم یا قطعات سهم را بدون پذیره‌نویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن و تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند. ۶ - هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام صادر کند	۳ - درج مبلغ پرداخت شده در ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم به بیش از آنچه به‌واقع پرداخت شده ۴ - صدور سهم و یا قطعات سهم قبل از ثبت شرکت بر اساس این قانون ۵ - صدور سهم و یا قطعات سهم بدون پذیره‌نویسی کلیه سرمایه شرکت و تأدیه حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن و تسلیم کلیه سرمایه غیرنقد
ماده ۲۴۴ لایحه اصلاحی ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هرکس عالمأً سهم یا گواهینامه موقت سهم بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد. ۲ - هرکس سهم بی‌نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد. ۳ - هرکس سهم بانام را قبل از آنکه اقلأً سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد. ماده ۲۴۵ لایحه اصلاحی ق.ت. - هرکس عالمأً در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید بر حسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد	ماده ۶۴۸ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود: ۱ - صدور، فروش یا عرضه عمومی سهم یا گواهینامه موقت سهم بدون ذکر مبلغ اسمی ۲ - صدور، فروش یا عرضه عمومی سهم بی‌نام جدید برخلاف مقررات این قانون یا صدور، فروش یا عرضه عمومی سهم بی‌نام، قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی آن ۳ - صدور، فروش یا عرضه عمومی سهم بانام، قبل از پرداخت حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) مبلغ اسمی آن

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت. - شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیرهنویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند. ماده ۲۴۸ ل.ا.ق.ت. - هرکس اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۹ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار - اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی را به سازمان و یا بورس ارائه نمایند یا تصدیق کنند و یا اطلاعات، اسناد و یا مدارک جعلی را در تهیه گزارش‌های موضوع این قانون مورد استفاده قرار دهند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهند شد.	ماده ۶۴۹ - هرگاه شخصی بدون رعایت مقررات این قانون با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیرهنویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد یا بدون رعایت قوانین مربوط به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل یک‌چهارم تا نصف وجهی که به‌ترتیب مذکور در این ماده دریافت کرده‌اند یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. هرگاه شخصی به‌منظور انتشار آگهی پذیرهنویسی از اعلام تمام یا برخی از مطالبی که به‌موجب این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها یا سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام شود خودداری ورزد یا اطلاعات نادرستی را به مراجع مذکور ارائه کند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. مطالبات طلبکاران شرکت مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می‌گردد.
	ماده ۶۵۰ - مدیر مسئول هر نشریه اعم از کاغذی و الکترونیک که بدون دریافت مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار و مرجع ثبت شرکت‌ها به انتشار آگهی پذیرهنویسی اقدام کند به مجازات مذکور در ماده (۶۴۹) این قانون محکوم می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۵۳ لایحه اصلاحی ق.ت. - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هرکس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهام بشود. ۲ - هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و یا به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.	ماده ۶۵۱ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود: ۱ - مانع حضور شریک و یا سهامدار شرکت در جلسه مجمع عمومی سهامداران شود ۲ - با توسل به وسایل متقلبانه خود را شریک یا سهامدار معرفی و به این طریق در مجمع عمومی شرکت کند و خود یا به‌وسیله دیگری رأی بدهد
ماده ۱۱۵ ق.ت. - اشخاص ذیل کلاه بردار (کلاهبردار) محسوب می‌شوند: الف) مؤسّسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند. ب) کسانی که به‌وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند. ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند	ماده ۶۵۲ - اشخاص زیر کلاهبردار محسوب می‌شوند: ۱ - مؤسّسان و مدیر یا مدیرانی که پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت یا ثبت افزایش سرمایه بدهند برخلاف واقع اظهار کنند. ۲ - اشخاصی که به‌وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کنند.
ماده ۲۴۶ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق‌العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده حداکثر تا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور در این قانون	گفتار دوم - جرائم مربوط به مدیر و مدیرعامل شرکت ماده ۶۵۳ - هرگاه مدیر یا مدیران شرکت سهامی مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود: ۱ - عدم مطالبه قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت ظرف مهلت مقرر در این قانون ۲ - عدم دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده برای تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده حداکثر تا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور در این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.	
ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم ننمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۵۴ - هرگاه در شرکت‌های دارای هیأت‌مدیره رئیس هیأت‌مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا شش ماه پس از پایان هر سال مالی، مجمع عمومی عادی را دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می‌شوند
ماده ۲۵۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم ننمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۵۵ - مدیری که مدارک مقرر در ماده (۲۱۴) این قانون را بموقع تنظیم و تسلیم نکند به مجازات مقرر در ماده (۶۵۴) محکوم می‌شود.
ماده ۲۵۵ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.	ماده ۶۵۶ - هر یک از مدیران شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که صورت حاضران در مجمع را مطابق ماده (۴۴۳) این قانون تنظیم نکند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود
ماده ۲۵۶ لایحه اصلاحی ق.ت. - هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند، به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد. ماده ۲۵۷ لایحه اصلاحی ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) رئیس و اعضاء هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.	ماده ۶۵۷ - هرگاه صورتجلسه مجمع عمومی مطابق مقررات قانونی یا اساسنامه تنظیم نشود و یا مقررات مربوط به حق رأی شرکا و یا سهامداران رعایت نگردد، هر یک از مسئولان مربوط به مجازات مذکور در ماده (۶۵۶) این قانون محکوم می‌شود.
ماده ۱۱۵ ق.ت. - اشخاص ذیل کلاه بردار (کلاهبردار) محسوب می‌شوند:	ماده ۶۵۸ - مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
الف) مؤسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند. ب) کسانی که به‌وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند. ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند. ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت. - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند. ۲ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیرواقع به‌منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند. ۳ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند. ۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند استفاده کنند.	شش یا جزای نقدی درجه پنج و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند: ۱ - تقسیم منافع موهوم بین شرکا و یا سهامداران بدون داشتن صورتهای مالی یا به استناد صورتهای مالی خلاف واقع ۲ - ارائه یا انتشار صورتهای مالی خلاف واقع به شرکا و یا سهامداران به‌منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت ۳ - استفاده از اختیارات خود یا اموال یا اعتبارات شرکت، برخلاف منافع شرکت ۴ - تقسیم سود برخلاف مقررات این قانون تبصره - عدم امضای صورتهای مالی به‌وسیله مدیرعامل یا هریک از مدیران رافع مسئولیت‌های مدنی و کیفری وی در مورد صورتهای مالی نیست. سلب مسئولیت از مدیرعامل یا مدیران مذکور منوط به آن است که نامبردگان نظر مخالف خود را به‌صورت مستدل در ذیل صورتهای مالی درج کنند. در صورتی که به هر علت این امر ممکن نگردد اشخاص مذکور باید ظرف ده روز از اطلاع از تصویب صورتهای مالی به‌وسیله مدیران، مخالفت خود را به‌طور کتبی به اطلاع شرکت برسانند.
	ماده ۶۵۹ - هرگاه در نتیجه ارتکاب جرائم موضوع این مبحث خسارتی به شرکت وارد شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور در این مبحث به جبران خسارت واردشده و جزای نقدی معادل زیانی که به شرکت وارد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	کرده است محکوم می‌شود. دادگاه رسیدگی کننده به جرم، به جبران خسارت هم حکم می‌دهد. صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه در خصوص خسارات وارد شده رسیدگی و حکم صادر کند. مطالبات شرکت از مرتکب جرم مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می‌شود.
ماده ۲۵۹ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضای هیأت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت ننمایند و یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۰ - هرگاه در شرکت‌های دارای هیأت مدیره رئیس هیأت مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت، از دعوت مجمع عمومی در هر موقع که انتخاب بازرس یا بازرسان شرکت باید انجام شود خودداری کنند و یا بازرس یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.
ماده ۲۶۰ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل که عمداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۱ - هریک از مدیران شرکت و مدیرعامل که مانع یا مخل انجام وظایف بازرس یا بازرسان شرکت بشود یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف بازرس یا بازرسان لازم است در اختیار آنان قرار ندهد به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود.
ماده ۲۶۱ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۲ - مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه بر خلاف واقع یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گیرد و یا قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام یا قطعات سهام جدید کنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۶۲ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیرهنویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند. ۲ - در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییری بدهند. ماده ۲۶۳ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که عالملاً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیرهنویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۳ - هرگاه مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت در موقع افزایش سرمایه مطابق ماده (۴۵۶) این قانون، حق تقدم سهامداران را رعایت نکنند یا مهلتی را که برای اعمال حق تقدم در نظر گرفته می‌شود را به سهامداران ندهند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.
ماده ۲۶۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالملاً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.	ماده ۶۶۴ - هرگاه مدیر یا مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مورد کاهش سرمایه مفاد مواد (۲۹۶)، (۲۹۸)، (۳۰۰) و (۳۰۱) این قانون را رعایت نکنند به جزای نقدی درجه شش یا محرومیت درجه هفت از مدیریت هر شرکت تجاری و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - در صورتیکه [در صورتی که] پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد. ۳ - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی نشده باشد.	
ماده ۲۶۵ لایحه اصلاحی ق.ت. مصوب ۱۳۴۷ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۵ - هرگاه در شرکت‌های دارای هیأت مدیره رئیس هیأت مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده، موضوع ماده (۲۰۶) این قانون را دعوت نکنند یا حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننمایند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.
	ماده ۶۶۶ - هر یک از مدیران یا مدیرعامل شرکت‌های تعاونی سهامی عام، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی که امتیازات، اموال و تسهیلاتی را که از منابع عمومی برای صرف در موارد خاص در اختیار آنها قرار می‌گیرد در غیر مورد مصرف آنها صرف کند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.
	ماده ۶۶۷ - در صورتی که مدیر یا مدیران در طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه، هرگونه اطلاعات نادرست درج یا به مجمع عمومی شرکا و یا سهامداران مدارک خلاف واقع ارائه کنند، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به اشخاص ذی‌نفع به پرداخت جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۴۷ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیأت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره منوط به این است که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره کافی است.	ماده ۶۶۸ - در مواردی که برای مدیر یا مدیران به دلیل نقض تکالیف مقرر در این قانون مجازات معین شده باشد، هرگاه هر یک از مدیران قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه مدیران به صراحت اعلام کند که باید برای سلب مسئولیت جزائی به تکلیف قانونی عمل شود، اما سایر مدیران به این اعلام توجه نکنند و جرم تحقق یابد مدیری که تکلیف قانونی را اعلام کرده است، مجرم شناخته نمی‌شود. سلب مسئولیت جزائی از مدیر منوط به این است که وی علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه مدیران مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی نیز به هریک از مدیران اعلام کند. در صورتی که جلسه مدیران به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهار نامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از مدیر کافی است.
	ماده ۶۶۹ - هرگاه شخصی به استناد مقررات این مبحث به محرومیت از سمت مدیریت محکوم شود از سمت مدیریت عاملی شرکت تجاری نیز محروم می‌شود.
قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰- ماده پنجم- اشخاصی که به‌عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت‌های خارجی در ایران اقدام به امور تجاری یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضای مهلت مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی‌العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدائی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و به‌علاوه محکمه برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم متخلف را به تأدیه پنج الی ۵۰ تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه (هرگاه) حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود. قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰- ماده ششم - در مورد شرکت‌های خارجی که شرایط عملیات آن‌ها به‌موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را	ماده ۶۷۰ - هرگاه مدیران شعب یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی در ایران قبل از انقضای مهلت مقرر در ماده (۶۳۸) این قانون تقاضای ثبت نکنند، به تقاضای دادستان شهرستان محل و به حکم دادگاه عمومی مرکز کشور، به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند. به‌علاوه دادگاه برای هر روز تأخیر در ثبت پس از صدور، حکم متخلف را به جزای نقدی درجه هشت محکوم می‌کند و هرگاه حکم فوق قطعی شود و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ تخلف ادامه یابد دولت از عملیات شعبه یا نمایندگی شرکت متخلف جلوگیری می‌کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
در موعده قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تأخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است.	
ماده ۲۶۶ لایحه اصلاحی ق.ت. - هرکس با وجود منع قانونی عالماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.	گفتار سوم - جرائم مربوط به بازرسی شرکت ماده ۶۷۱ - هر شخصی که با وجود منع قانونی، سمت مدیریت، مدیریت عامل یا بازرسی را در شرکت تجارتی بپذیرد، به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شود.
ماده ۲۶۷ - هرکس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش‌های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این‌گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.	ماده ۶۷۲ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتی یا حسابدار رسمی در مورد اوضاع شرکت، به مجمع عمومی گزارش خلاف واقع بدهد یا گزارش خلاف واقع را تصدیق کند یا اسرار تجارتی شرکت را افشاء کند یا به تکلیف مقرر در ماده (۲۵۹) این قانون عمل نکند، به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی و حسابرسی شرکت محکوم می‌شود.
	ماده ۶۷۳ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتی بدون عذر موجه از ارائه گزارش به مجمع عمومی خودداری کند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.
ماده ۲۶۸ ل.ا.ق.ت. - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند. ۲ - در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه	گفتار چهارم - جرائم مربوط به مدیر تصفیه شرکت ماده ۶۷۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجارتی مرتکب یکی از اعمال زیر بشوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند: ۱ - ظرف یک ماه پس از انتخاب، تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مراجع مذکور در ماده (۳۱۵) این قانون و تبصره آن اعلام نکنند. ۲ - تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه، مجمع عمومی عادی شرکت را دعوت نکنند یا وضعیت اموال و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌داند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند. ۳ - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکرده صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به‌ضمیمه گزارش‌های حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند. ۴ - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند. ۵ - ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نمایند. ۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌های ایرانی تودیع نمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.	مطالبات و دیون شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که برای پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند را به اطلاع مجمع عمومی نرسانند. ۳ - قبل از خاتمه امر تصفیه، همه ساله مجمع عمومی عادی سهامداران شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکنند یا صورتهای مالی خود را به‌ضمیمه گزارش‌های حاکی از آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نمایند. ۴ - در خاتمه دوره تصدی خود، بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند، به فعالیت خود ادامه دهند. ۵ - ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند. ۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه، وجوه باقیمانده را در حساب سپرده مخصوص با رعایت غبطه ذی‌نفع در یکی از بانک‌های ایرانی تودیع نکنند و صورت اسامی بستانکاران و شرکا و یا سهامدارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نمایند و مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.
ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند. ۲ - در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.	ماده ۶۷۵ - مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجاری که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند: ۱ - اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع هستند مورد استفاده قرار دهند. ۲ - اموال شرکت را برخلاف ماده (۳۷۱) این قانون واگذار کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۳ - بدون رعایت حقوق بستانکاران و لحاظ کردن دیونی که هنوز موعد تأدیه آنها نرسیده است، اموال شرکت را بین شرکا و یا سهامداران تقسیم کنند.
ماده ۹۵ ق.ت. - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و إلا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ‌یک از شرکا باشد و إلا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.	مبحث چهارم - مقررات متفرقه ماده ۶۷۶ - نام شرکت نباید متضمن نام شریک با مسئولیت محدود و یا سهامدار شرکت باشد در غیر این صورت شخصی که نام او در نام شرکت قید شده است در مقابل اشخاص ثالث، حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را دارد.
ماده ۴ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام ب مردم تأمین می‌کنند. این گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند. نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این گونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام عبارت "شرکت سهامی عام" و در شرکت‌های سهامی خاص عبارت "شرکت سهامی خاص" باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اسناد و اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌ها [آگهی‌های] شرکت به‌طور روشن و خوانا قید شود. ماده ۹۵ ق.ت. - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و إلا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ‌یک از شرکا باشد و إلا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.	ماده ۶۷۷ - در کلیه شرکت‌ها باید نام شرکت، حسب مورد، مشتمل بر عبارت حاکی از نوع شرکت یا عبارت شرکت نامعین باشد و این نام در کلیه اسناد و اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت به‌طور روشن و خوانا قید شود در غیر این صورت متخلف با شرکت مذکور در مقابل شخص ثالث متضرر از این اقدام مسئولیت تضامنی دارد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۱۷ ق.ت. - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقل اسم یک نفر شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکا) یا (و برادران) قید شود. ماده ۱۴۱ ق.ت. - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود - شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود. ماده ۱۴۳ ق.ت. - هر یک از شرکا با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی‌اثر است. ماده ۱۶۳ ق.ت. - در اسم شرکت (مختلط سهامی) باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود.	
ماده ۱۰۲ ق.ت. - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکا که لاقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند	ماده ۶۷۸ - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق بهادار از جمله ورقه سهم درآید.
	ماده ۶۷۹ - انواع، ترتیب انتشار و احکام اوراق بهادار و نیز اشخاصی که مجاز به انتشار این اوراق می‌باشند به موجب قانون معین می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۳۴ ق.ت. - هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا (به حساب شخصی خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.	ماده ۶۸۰ - هیچ شریک و یا سهامداری نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا و یا سهامداران به حساب شخصی خود یا شخص ثالث، وارد تجارتي از نوع تجارت شرکت شود و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک و یا سهامدار با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود. تبصره - سهامدار شرکت سهامی عام، شرکت مختلط سهامی عام و شرکت تعاونی سهامی عام از شمول این ماده مستثنی است.
ماده ۱۲۹ ق.ت. - طلبکاران شخصی شرکا حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکا می‌توانند مادام که حکم نهائی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دائنین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.	ماده ۶۸۱ - بستانکاران شخصی شرکا و یا سهامداران نمی‌توانند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهم مدیون خود از منافع شرکت یا سهم الشرکه یا سهام او در شرکت هر اقدام قانونی را به عمل آورند.
ماده ۱۳۰ ق.ت. - نه مدیون شرکت می‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکا داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می‌تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید معذالک کسی که طلبکار شرکت و مدیون یکی از شرکا بوده و پس از انحلال شرکت طلب او	ماده ۶۸۲ - مدیون شرکت نمی‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکا داشته باشد به تهاتر استناد کند. همچنین شریک شرکت نیز نمی‌تواند در مقابل دینی که ممکن است بستانکار او به شرکت داشته باشند به تهاتر استناد نماید.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
لاوصول مانده در مقابل آن شرکت حق استناد به تهاتر خواهد داشت.	
ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.	ماده ۶۸۳ - هرگاه مفاد این قانون در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که به وسیله هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود، حسب مورد به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام می‌شود در این صورت مؤسس یا مؤسسان، مدیر یا مدیران، بازرس یا بازرسان و شریک و یا سهامدار شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند.
ماده ۲۷۱ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد. ماده ۲۷۲ ل.ا.ق.ت. - دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است می‌تواند بنا به درخواست خوانده مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد	ماده ۶۸۴ - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان رفع شود، دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر می‌کند. دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه می‌شود می‌تواند به درخواست خوانده مهلتی را که از شش ماه بیشتر نیست برای رفع موجبات بطلان تعیین کند. ابتدای مهلت مذکور تاریخ ثبت دادخواست بطلان است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشود، دادگاه حکم مقتضی صادر می‌کند.
ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظائف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. تبصره - در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظائف بازرسی شرکت‌ها را در شرکت‌های سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی	ماده ۶۸۵ - شرایط لازم برای تصدی سمت بازرسی در شرکت‌های تجاری فقط از جهت سوابق علمی، تخصصی و تجربی به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
بازرسان شرکت‌ها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکت‌های سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیت‌دار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئین‌نامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیون‌های اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود. - آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۱	
ماده ۲۷۴ ل.ا.ق.ت. - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌نماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به‌عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند. ماده ۲۷۵ ل.ا.ق.ت. - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین شده‌اند حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می‌نماید. تبصره - تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین می‌شود به عهده دادگاه است.	ماده ۶۸۷ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌کند باید در رأی خود یک یا چند شخص را به‌عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا به‌موجب این قانون عمل کنند. تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که به‌وسیله دادگاه تعیین می‌شود بر عهده دادگاه است.
ماده ۲۸۴ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون به‌صورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند و الا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود.	ماده ۶۸۸ - شرکت‌های تجاری موجود باید حداکثر ظرف دو سال وضع خود را با این قانون تطبیق دهند. پس از انقضای این مهلت، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. دادگاهی که تقاضای انحلال نزد آن مطرح می‌شود، می‌تواند به درخواست خوانده مهلتی که نباید از سه ماه بیشتر باشد برای تطبیق وضع شرکت با قانون جدید تعیین کند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال برطرف نشده باشد، دادگاه حکم انحلال صادر می‌کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تا هنگامی که شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف سه سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده‌اند تابع مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود. تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق می‌شود که مرجع ثبت شرکت‌ها پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به‌استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچ‌گونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می‌شود. ماده ۲۸۵ ل.ا.ق.ت. - تغییر اساسنامه هر یک از شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به‌منظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائاً ممکن است به‌موجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حد نصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق‌العاده به‌منظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکت‌های سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکت‌های موجود در تاریخ تصویب این قانون می‌باشد	
	ماده ۶۸۹ - پس از انقضای مهلت مذکور در ماده (۶۸۸) این قانون، ثبت صورتجلسات شرکت‌های موضوع ماده مذکور در مرجع ثبت شرکت‌ها منوط به تطبیق وضع با این قانون است. انجام هرگونه معامله با شرکت‌های تجاری از سوی کلیه دستگاه‌های اجرائی پیش از تطبیق وضع ممنوع است.
	ماده ۶۹۰ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌هایی که به‌منظور تطبیق وضع با مقررات این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	به افزایش سرمایه مبادرت می‌کنند از پرداخت مالیات معاف است.
ماده ۳۰۰ ل.ا.ق.ت. - شرکت‌های دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند. - ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری - ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱	ماده ۶۹۱ - شرکت‌های دولتی که به موجب قانون خاص تشکیل می‌شوند، تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و تنها در باره موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها به صراحت تعیین تکلیف نشده است، تابع این قانون محسوب می‌شوند. این حکم مانع شمول قوانین و مقررات مالی و محاسباتی در مورد این شرکت‌ها نیست.
ماده ۲۱۹ ق.ت. - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکا یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکا یا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنج سال است. مبدأ مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد. در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می‌شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده. تبصره - دعوائی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه‌تری بوده یا به موجب این قانون مرور زمان طولانی‌تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.	ماده ۶۹۲ - دعاوی اشخاص ثالث علیه شرکا یا وراث آنها که مربوط به معاملات شرکت است، در مواردی که قانون شرکا یا وراث آنها را مسئول می‌داند، باید تا پنج سال تمام از تاریخی که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسد و در روزنامه رسمی آگهی می‌گردد اقامه شود. در صورتی که طلب پس از ثبت و آگهی قابل مطالبه باشد، مدت مذکور از روزی شروع می‌شود که بستانکار حق مطالبه پیدا می‌کند. تبصره - دعوائی که به موجب این قانون مدت زمان کوتاه‌تر یا طولانی‌تری برای اقامه آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.
	ماده ۶۹۳ - شرکت‌هایی که بیش از ده عضو دارند و شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند. اساسنامه نیز می‌تواند شرکت را به داشتن روزنامه مکلف کند. تبصره - شرکت‌های تعاونی غیرسهامی و شرکت‌های تعاونی سهامی خاص مشروط بر اینکه کل اعضاء آنها در یک منطقه محدود فعالیت کنند و کمتر از پنجاه شخص باشند از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. در این نوع شرکت‌ها آگهی‌های شرکت علاوه بر طریقی که در

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	اساسنامه پیش‌بینی شده‌است از طریق نصب در معابر حوزه عمل تعاونی به اطلاع شرکا و یا سهامداران می‌رسد
	ماده ۶۹۴ - سازمان بورس و اوراق بهادار برای پیگیری کلیه تخلفات و جرائم موضوع این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در حکم ذی‌نفع است.
ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت. - شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند. ماده ۲۴۸ ل.ا.ق.ت. - هرکس اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۹ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار - اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی را به سازمان و یا بورس ارائه نمایند یا تصدیق کنند و یا اطلاعات، اسناد و یا مدارک جعلی را در تهیه گزارش‌های موضوع این قانون مورد استفاده قرار دهند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر	ماده ۶۹۵ - هیچ شرکتی جز شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نمی‌تواند سهام یا سهم‌الشرکه خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بازار بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس عرضه کند یا با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیره‌نویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد، مگر اینکه سهام یا سهم‌الشرکه طبق مقررات مربوط در بازار خارج از بورس ارائه شود. همچنین هیچ شرکتی نمی‌تواند بدون رعایت مقررات مربوط با انتشار آگهی، اطلاعیه یا به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهند شد	
	ماده ۶۹۶ - کلیه شرکت‌های تجاری که به موجب قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند باید پایگاه الکترونیک اختصاصی دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (IR) ایجاد نمایند و تمامی آگهی‌هایی را که به موجب قانون مکلف به انتشار آن در روزنامه شرکت می‌باشند در پایگاه الکترونیک مذکور نیز درج و نسخه‌ای از آن را برای درج در پایگاه الکترونیک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سازمان ارسال کنند. شرکت‌های موضوع این ماده مکلفند کلیه سوابق الکترونیک مربوط به آگهی‌های مذکور را حداقل تا بیست سال پس از درج در پایگاه الکترونیک خود، در سامانه‌ای که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها را تأمین می‌کند نگهداری کنند. همچنین شرکت‌های موضوع این ماده باید آخرین اساسنامه، خلاصه آخرین صورتهای مالی و کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آن الزامی است پس از ثبت در پایگاه الکترونیک خود قرار دهند.
	ماده ۶۹۷ - در مواردی که سهامدار و یا شریک شرکت تجاری نشانی پست الکترونیک یا شماره تلفن همراه خود را برای اطلاع‌رسانی به شرکت ارائه کند، مدیر یا مدیران شرکت باید خلاصه‌ای از مواردی را که اطلاع‌رسانی آنها لازم است به نشانی پست الکترونیک و شماره تلفن همراه ارائه شده نیز ارسال کنند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۹۸ - هرگاه شرکت یا مؤسسه غیرتجارتی بدون داشتن مجوز یا پس از لغو مجوز یا از دست دادن شرایط اخذ مجوز به فعالیتی که به موجب قانون داشتن مجوز برای آن الزامی است اقدام کند، دستگاه مربوط باید ضمن اعمال مقررات انضباطی مطابق مقررات مربوط و ابطال مجوز، توقف فعالیت شرکت را در آن موضوع از دادگاه درخواست نماید و در هر حال مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند. در این صورت مرجع ثبت شرکت‌ها از شرکت مربوط می‌خواهد که به تغییر موضوع فعالیت شرکت در اساسنامه اقدام کند
	ماده ۶۹۹ - در صورتی که اشخاص حقوقی موضوع این قانون مرتکب جرائمی غیر از جرائم مندرج در این قانون گردند مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی اعمال می‌شود.
	ماده ۷۰۰ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین‌نامه‌های اجرائی این قانون نیز به تناسب نرخ مذکور حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.
	کتاب دوم - اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری باب اول - اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۲۴ - اشخاص حقوقی داخلی شامل دولت، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات غیرتجارتی، شرکت‌های تجارتی و موقوفات است. تبصره - دولت از شمول مقررات این باب مستثنی است.
ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکت‌ها است. ماده ۵۸۳ - کلیه شرکت‌های تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند. ماده ۵۸۴ - تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتی تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به‌موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق‌الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به‌علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.	ماده ۱۲۵ - اشخاص حقوقی باید نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت برسند و شخصیت حقوقی آنها پس از ثبت در مرجع مذکور و آگهی مراتب در روزنامه رسمی کشور به هزینه شخص حقوقی علیه ثالث قابل استناد است. حق‌الثبت اشخاص حقوقی بر اساس قانون اخذ می‌شود.
ماده ۵۸۷ - مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به‌محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.	ماده ۱۲۶ - مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی که به‌موجب قانون خاص، با ذکر نام و ارکان، تشکیل می‌شوند از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون تشکیل، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و نیاز به ثبت ندارند.
ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به‌موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق‌الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به‌علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.	ماده ۱۲۷ - نحوه تشکیل و شرایط ثبت مؤسسات غیرتجارتی مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارت دادگستری، با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تهیه می‌شود و به‌تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.
ماده ۵۸۶ - مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد.	ماده ۱۲۸ - ثبت اشخاص حقوقی که موضوع فعالیت آنها نامشروع یا مخالف نظم عمومی باشد، ممنوع است

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف اَبوت - نبوت و امثال ذالک.	ماده ۱۲۹ - اشخاص حقوقی کلیه حقوق و تکالیفی را که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، دارند، مگر حقوق و تکالیفی مانند حقوق و تکالیف ناشی از ابوت و نبوت که انسان حسب طبیعت خویش می‌تواند داشته باشد.
ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است. ماده (۱۰۰۲) قانون مدنی - اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. <u>اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.</u>	ماده ۱۳۰ - اقامتگاه شخص حقوقی، مرکز اصلی آن است. اقامتگاه مقرر در اساسنامه شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجارتی مرکز اصلی آنها محسوب می‌گردد، مگر خلاف آن ثابت شود.
ماده اول قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.	ماده ۱۳۱ - شخص حقوقی ثبت شده در ایران، ایرانی محسوب می‌شود.
ماده ۱۱۰ - شرکا نمی‌توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء. ماده ۹۴ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت - هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.	ماده ۱۳۲ - هیچ یک از ارکان شخص حقوقی نمی‌تواند تابعیت آن را تغییر دهد.
	ماده ۱۳۳ - اشخاص حقوقی ایرانی نمی‌توانند اقامتگاه خود را در خارج از قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.
ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.	ماده ۱۳۴ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که، حسب مورد، به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت دارند اتخاذ می‌شود.
ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.	ماده ۱۳۵ - تشکیل، اداره، انحلال و یا ورشکستگی اشخاص حقوقی خصوصی غیر ایرانی تابع قانون دولت محل اقامتگاه آنها است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده اول قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰- هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است. بند ج ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور - هر بانکی که بیش از چهل درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد از نظر این قانون بانک خارجی محسوب می‌شود و باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت برسد. از نظر این ماده هر شخص حقوقی که هفتاد و پنج درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی اتباع ایران نباشد خارجی تلقی می‌شود.	
	ماده ۱۳۶ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید برای کلیه اشخاص حقوقی که ثبت آنها الزامی است شناسه انحصاری اختصاص دهد.
ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به‌صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیابورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد - این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده.	ماده ۱۳۷ - کلیه اشخاص حقوقی باید در همه اسناد، صورتحساب‌ها، آگهی‌ها، تابلوها و سایر مکاتبات خود، اعم از دست‌نویس، چاپی یا الکترونیک نام و شناسه انحصاری خود را درج کنند. اشخاص حقوقی متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شوند. دادگاه می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد.
از قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶: ماده ۳۰ بند ج - نام تجاری یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد.	ماده ۱۳۸ - استفاده از نام‌های بیگانه، مبتذل، مستهجن و نام‌هایی که موهم انتساب شخص حقوقی به نهادهای عمومی یا دولتی است از قبیل واژه‌های ایران و کشور برای شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجاری ممنوع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۶ - اسم یا عنوانی که ماهیت یا طریقه استفاده از آن برخلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد و یا موجبات فریب مراکز تجاری یا عمومی را نسبت به ماهیت مؤسسه‌ای فراهم کند که اسم یا عنوان معرف آن است، نمی‌تواند به‌عنوان یک نام تجاری به کار رود. تبصره ۵ ماده واحده ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه	است. اشخاص حقوقی خارجی و شعب و نمایندگی‌های آنها از نام‌های بیگانه می‌توانند استفاده کنند.
	ماده ۱۳۹ - اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی که نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسد جز در موارد مصرح، غیرمحرمانه محسوب می‌شود و تمام اشخاص می‌توانند با مراجعه به مرجع مذکور اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی را مطالعه و به هزینه خود از آن رونوشت و یا تصویر بگیرند.
	ماده ۱۴۰ - مراجع قضائی باید نسخه‌ای از آراء قطعی مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارت با اشخاص حقوقی مانند توقف، ورشکستگی، انحلال و منع معامله را برای درج در دفتر ثبت شرکت‌ها به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کنند. در صورت رفع موارد مذکور یا اعاده اعتبار ورشکسته کلیه اطلاعات راجع به امور مذکور محرمانه محسوب و افشاءکننده آن به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.
	ماده ۱۴۱ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است کلیه مراحل و فرآیندهای ثبت اشخاص حقوقی و تغییرات مربوط به آنها را به‌صورت الکترونیکی و روزآمد نگهداری کند به‌نحوی که امکان دسترسی آنی، برخط و الکترونیک به اطلاعات قابل دسترسی شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری فراهم شود. آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۴۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آنها مطابق این قانون الزامی است در سامانه الکترونیک خود که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها را تأمین می‌کند قرار دهد و حداقل تا سی سال نگهداری کند.
ماده ۲۰ - شرکت‌های تجاری بر هفت قسم است: (۱) شرکت سهامی. (۲) شرکت با مسئولیت محدود. (۳) شرکت تضامنی. (۴) شرکت مختلط غیرسهامی. (۵) شرکت مختلط سهامی. (۶) شرکت نسبی. (۷) شرکت تعاونی تولید و مصرف.	باب دوم - شرکت‌های تجاری ماده ۱۴۳ - شرکت تجاری یازده نوع است: ۱ - سهامی عام ۲ - سهامی خاص ۳ - با مسئولیت محدود ۴ - تضامنی ۵ - نسبی ۶ - مختلط سهامی عام ۷ - مختلط سهامی خاص ۸ - مختلط غیرسهامی ۹. تعاونی سهامی عام ۱۰ - تعاونی سهامی خاص ۱۱ - تعاونی غیرسهامی
	ماده ۱۴۴ - علاوه بر انواع شرکت‌های مذکور در ماده (۱۴۳) این قانون شرکت تجاری می‌تواند طبق مقررات خاصی که با تراضی شرکا و یا سهامداران معین می‌شود با هر میزان سرمایه تشکیل شود ولی در هر حال رعایت احکام مندرج در فصل‌های اول و سوم این باب الزامی است.
ماده ۱۹۶ ق.ت. - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود. (ر.ک. نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵ وزارت دادگستری) ماده ۶ ل.ا.ق.ت - برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسين باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از	فصل اول - کلیات مبحث اول - تشکیل شرکت ماده ۱۴۵ - برای تشکیل شرکت تجاری، مؤسسان آن باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها، اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد تمام سرمایه شرکت را به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع مذکور تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - مدارک مصدق هویت مؤسسان

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.	۲ - گواهینامه بانکی حاکی از تأدیه سرمایه نقدی در حسابی به‌نام شرکت در شرف تأسیس و تودیع اسناد مالکیت سرمایه غیرنقدی به‌نام شرکت مذکور، به‌ترتیب مقرر در این قانون ۳ - صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس ۴ - اساسنامه شرکت ۵ - اعلامیه قبولی سمت به‌وسیله مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت و تصویر مصدق مدارک هویت آنان ۶ - در صورت الزام قانونی برای جلب موافقت مرجع خاص به‌منظور تشکیل شرکت، تصویر مصدق موافقت‌نامه آن مرجع
ماده ۷ ل.ا.ق.ت - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين ۳ - موضوع شرکت ۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۵ - تعداد سهام بانام و بی‌نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام ۶ - میزان تعهد هر یک از مؤسسين و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود. ۷ - مرکز اصلی شرکت. ۸ - مدت شرکت.	ماده ۱۴۶ - اظهارنامه مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود: ۱ - هویت مؤسسان و نشانی دقیق اقامتگاه آنان ۲ - نام شرکت ۳ - موضوع شرکت ۴ - مدت شرکت ۵ - اقامتگاه شرکت ۶ - میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۷ - تعیین مالک آورده‌های غیرنقد و اوصاف و ارزش هریک از آنها، طبق نظریه کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری ۸ - میزان تعهد هریک از مؤسسان و مقدار تأدیه و یا تسلیم شده از تعهدات هریک از آنان ۹ - تصریح به نوع مسئولیت هریک از مؤسسان ۱۰ - شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت تقاضای مؤسسان برای اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به ایشان ۱۱ - نام مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۱۲ - نام روزنامه اصلی و علی‌البدل شرکت، در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به موجب قانون یا اساسنامه
	ماده ۱۴۷ - مراد از هویت در این قانون نام، نام خانوادگی و شماره ملی شخص حقیقی و نام، نوع و شناسه انحصاری شخص حقوقی است.
	ماده ۱۴۸ - روزنامه شرکت روزنامه کثیرالانتشار سراسری است که آگهی‌هایی که به موجب قانون یا اساسنامه نشر آن ضروری است در آن منتشر می‌شود.
	ماده ۱۴۹ - علاوه بر موارد مذکور در ماده (۱۴۶) این قانون ذکر تعداد سهام شرکت، مبلغ اسمی هر سهم، تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن که در هر حال نباید از پنج سال بیشتر باشد در اظهارنامه ثبتی شرکت سهامی خاص، مختلط سهامی خاص و تعاونی سهامی خاص الزامی است. در مورد شرکت‌های موضوع ماده (۱۴۴) میزان سرمایه تأدیه و یا تسلیم شده و نحوه مطالبه بقیه سرمایه شرکت در صورتی که تمام آن تأدیه و یا تسلیم نشده باشد و مهلت تأدیه آن که در هر حال نباید از پنج سال بیشتر باشد باید در اظهارنامه ثبتی شرکت درج شود.
	ماده ۱۵۰ - گواهینامه مذکور در بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که سرمایه نقدی در آن تأدیه شده است و نیز تعداد اسناد مالکیت تودیع شده و مندرجات اصلی آنها باشد.
ماده ۸ ل.ا.ق.ت. - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت به طور صریح و منجز ۳ - مدت شرکت	ماده ۱۵۱ - اساسنامه مذکور در بند (۴) ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضای مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد.	۳ - مدت شرکت
۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک.	۴ - اقامتگاه شرکت
۶ - تعداد سهام بی‌نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام.	۵ - میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک
۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود.	۶ - در صورت تقاضای اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به وسیله مؤسسان، شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازهای سهم ممتاز و نحوه تغییر آنها و ایجاد امتیازهای جدید
۸ - نحوه انتقال سهام بانام.	۷ - نحوه واگذاری سهم‌الشرکه و یا سهام
۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام و بالعکس.	۸ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت
۱۰ - در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب [ترتیب] آن.	۹ - مواقع تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه
۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.	۱۰ - ترتیب دعوت هر یک از مجامع عمومی
۱۲ - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.	۱۱ - تعیین نحوه دسترسی شرکا و یا سهامداران به صورتهای مالی شرکت و گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه
۱۳ - مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.	۱۲ - حدنصاب تشکیل هر یک از مجامع عمومی در صورت اقتضاء و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیم‌های آنها
۱۴ - طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.	۱۳ - ترتیب اداره و نحوه شور و اخذ رأی در هر یک از مجامع عمومی و تنظیم صورتجلسه آنها
۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می‌کنند یا محجور یا معزول یا بجهات قانونی ممنوع می‌گردند.	۱۴ - تعداد مدیران شرکت و نحوه انتخاب و مدت مأموریت و پیش‌بینی امکان یا عدم امکان انتخاب مجدد آنان
۱۶ - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.	۱۵ - مواقع و ترتیب دعوت مدیران
۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.	۱۶ - حد نصاب تشکیل جلسه مدیران و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیمات در جلسه مذکور، در صورت اقتضاء
۱۸ - قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس.	۱۷ - نحوه اداره جلسه مدیران و تنظیم صورتجلسه آن
۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.	۱۸ - نحوه تعیین جانشین برای مدیر یا مدیران در صورت فوت، انحلال، استعفاء، عزل یا منع از تصدی سمت
۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.	۱۹ - نحوه انتخاب و مدت مأموریت مدیرعامل شرکت و تعداد قائم‌مقام‌های وی
	۲۰ - تعداد بازرسان شرکت و نحوه انتخاب آنها
	۲۱ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم صورتهای مالی و تسلیم آن به بازرس یا بازرسان شرکت و مجمع عمومی عادی سالانه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه.	۲۲ - نحوه تغییر اساسنامه ۲۳ - نحوه انحلال اختیاری شرکت ۲۴ - قید موارد مذکور در ماده (۱۴۹) این قانون در باره شرکت‌های موضوع ماده مذکور تبصره - متغیر یا ثابت بودن سرمایه و قابلیت و نحوه نقل و انتقال سهم‌الشرکه و یا سهام شرکت‌های موضوع ماده (۱۴۴) این قانون از طریق صدور و ابطال و یا خرید و فروش باید در اساسنامه این شرکت‌ها قید شود.
ماده ۱۰ ل.ا.ق.ت. - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر خواهد نمود. ماده ۲۵ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، برای ثبت شرکت‌های سهامی عام یا افزایش سرمایه آنها، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها، پس از موافقت سازمان (اوراق بهادار) صادر می‌شود.	ماده ۱۵۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۱۴۵) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی شرکت را ثبت نماید و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت، به درخواست متقاضی ثبت، مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد.
	ماده ۱۵۳ - سند مالکیت آورده غیرنقد در دفاتر اسناد رسمی و سایر مراجع ذی‌ربط با اخذ گواهی‌نامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون و اصل سند مالکیت آورده غیرنقد و بدون نیاز به امضای مالک سابق به‌نام شرکت ثبت شده تنظیم می‌شود
ماده ۲۲ ل.ا.ق.ت. - استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.	ماده ۱۵۴ - تصرف در آورده غیرنقد و وجوه تأدیه شده به‌نام شرکت در شرف تأسیس، پیش از ثبت شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.
ماده ۱۹ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که شرکت تا شش‌ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسان یا پذیرهنویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به‌عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسان و	ماده ۱۵۵ - هرگاه شرکت تا سه ماه از تاریخ تسلیم مدارک مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون به مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد، مرجع مذکور به درخواست هریک از مؤسسان، گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر می‌نماید و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که وجوه و اسناد آورده‌های غیرنقد در آن تأدیه و تسلیم شده است ارسال می‌کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.	مؤسسان وجوه پرداختی و اسناد مالکیت تودیع شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهینامه مذکور اقدامات ثبتی انجام شده بی‌اثر می‌شود.
	ماده ۱۵۶ - پس از سپری شدن مهلت مذکور در ماده (۱۵۵) این قانون مرجع ثبت شرکت‌ها باید به درخواست هر شخص، نام تعیین شده برای شرکت در شرف تأسیس را به وی اختصاص دهد.
ماده ۲۳ - مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به‌منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند	ماده ۱۵۷ - هر یک از مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقداماتی که قبل از ثبت، به‌نام شرکت در شرف تأسیس انجام شده است منفرداً مسئولیت دارند.
	ماده ۱۵۸ - هزینه‌های متعارفی که مؤسسان برای ثبت شرکت متحمل می‌گردند پس از ثبت به‌حساب شرکت محسوب می‌شود
	ماده ۱۵۹ - مقررات این مبحث درباره تشکیل شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجری نیست مگر در مواردی که در این قانون برخلاف آن تصریح شود.
	مبحث دوم - اداره شرکت گفتار اول - ارکان شرکت ماده ۱۶۰ - ارکان شرکت تجاری عبارت است از: ۱ - مجمع عمومی ۲ - مدیر یا مدیران ۳ - مدیرعامل ۴ - بازرس یا بازرسان
ماده ۷۲ ل.ا.ق.ت. - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به‌موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.	بند اول - مجمع عمومی ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی از اجتماع شرکا و یا سهامداران شرکت تشکیل می‌گردد. نصاب لازم برای تشکیل هر یک از مجامع و یا تصمیم‌گیری در آنها به‌موجب اساسنامه معین می‌شود، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۷۳ - مجمع عمومی به ترتیب عبارتند از: ۱ - مجمع عمومی مؤسس. ۲ - مجمع عمومی عادی. ۳ - مجمع عمومی فوق العاده.	ماده ۱۶۲ - انواع مجمع عمومی عبارت است از: ۱ - مجمع عمومی مؤسس ۲ - مجمع عمومی عادی ۳ - مجمع عمومی فوق العاده
ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است: ۱ - رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم. ۲ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن. ۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت. ۴ - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.	ماده ۱۶۳ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به شرح زیر است: ۱ - تصویب اساسنامه شرکت ۲ - اتخاذ تصمیم درباره گزارش کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری در مورد ارزش آورده غیرنقد ۳ - انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت ۴ - تعیین روزنامه اصلی و علی‌البدل شرکت و پایگاه الکترونیک آن، در صورت تکلیف شرکت به داشتن آنها به موجب قانون یا اساسنامه
	ماده ۱۶۴ - تصمیم‌گیری در مجمع عمومی مؤسس با موافقت همه اعضاء انجام می‌گیرد.
ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.	ماده ۱۶۵ - مجمع عمومی مؤسس نمی‌تواند آورده غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.
ماده ۸۶ - مجمع عمومی عادی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد	ماده ۱۶۶ - مجمع عمومی عادی می‌تواند درباره کلیه امور شرکت تصمیم بگیرد، به جز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق العاده است.
ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی بگزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.	ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار و در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است، برای رسیدگی به صورتهای مالی شرکت، گزارش مدیر یا مدیران و گزارش بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت تشکیل شود. مجمع عمومی عادی می‌تواند مطابق این قانون به طور فوق العاده نیز تشکیل گردد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۳۹ - هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به‌صورت حساب‌ها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.	ماده ۱۶۸ - صورتهای مالی و گزارش‌های مذکور در ماده (۱۶۷) این قانون باید حداقل پانزده روز پیش از تاریخ تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه در اقامتگاه شرکت و نیز به‌نحوی که اساسنامه معین می‌کند، برای ملاحظه شرکا و یا سهامداران در دسترس باشد. هر شریک و یا سهامدار می‌تواند طی این مدت به شرکت مراجعه کند و به هزینه خود از صورتهای مالی و گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان، رونوشت یا تصویر بگیرد. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نسخه‌ای از گزارش‌های مذکور باید ظرف مهلت مقرر در این ماده به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال شود.
ماده ۹۰ - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائر خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.	ماده ۱۶۹ - تقسیم سود بین شرکا و یا سهامداران فقط پس از تصویب مجمع عمومی عادی مجاز است. در هر حال، حداقل ده درصد (۱۰٪) از سود قابل تقسیم سالانه باید بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود.
ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یک‌بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت‌دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی بگزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود. تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود. ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به‌عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت‌دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد	ماده ۱۷۰ - بدون ارائه و قرائت گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی عادی، تصمیم‌گیری در مورد صورتهای مالی و تقسیم سود اعتبار ندارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.	
	ماده ۱۷۱ - سود به ترتیب مقرر در اساسنامه تقسیم می‌شود. اگر در اساسنامه ترتیبی مقرر نشود، سود به نسبت سرمایه شرکا و یا سهامداران تقسیم می‌گردد.
	ماده ۱۷۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارد شده سرمایه ثبت شده شرکت کاهش یابد، مادام که این کمبود جبران نشود تأدیه هر نوع سود به شرکا و یا سهامداران ممنوع است و مبلغ تأدیه شده باید مسترد گردد.
ماده ۹۱ - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند.	ماده ۱۷۳ - چنانچه مدیر یا مدیران، مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکنند، بازرس یا بازرسان شرکت باید خود، مجمع مذکور را دعوت کنند.
ماده ۹۲ - هیئت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.	ماده ۱۷۴ - مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت کنند.
ماده ۸۳ - هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می‌باشد.	ماده ۱۷۵ - هرگونه تغییر در مقررات اساسنامه، تصمیم‌گیری در مورد انتشار اوراق بهادار در مواردی که قانون انتشار آن را تجویز می‌کند، تجزیه، ادغام، تبدیل و انحلال شرکت فقط در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است، لکن تغییر نشانی شرکت در محدوده شهر محل اقامت شرکت به وسیله مدیر یا مدیران مجاز است. تبصره - ایجاد هر نوع امتیاز برای شرکا و یا سهامداران تنها با تغییر اساسنامه امکان پذیر است.
ماده ۹۵ - سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می‌توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا	ماده ۱۷۶ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک پنجم سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد همواره می‌توانند دعوت شرکا و یا سهامداران را برای تشکیل مجمع عمومی به صورت مکتوب و با قید دستور جلسه از مدیر یا مدیران شرکت تقاضا کنند و مدیر یا مدیران باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت نمایند. در صورت عدم اجابت این درخواست ظرف

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر جمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آن‌گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند. ماده ۹۶ - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصراً موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیئت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.	مهلت مذکور، درخواست‌کننده می‌تواند از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند. اگر بازرس یا بازرسان شرکت نیز ظرف این مهلت مجمع مورد درخواست را دعوت نکنند، درخواست‌کننده می‌تواند به‌طور مستقیم به دعوت مجمع اقدام کند، مشروط بر اینکه کلیه تشریفات مربوط به دعوت مجمع عمومی را رعایت و در مفاد دعوت به عدم اجابت درخواست خود از جانب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت تصریح کند. در مورد این ماده دستور مجمع فقط موضوعی است که در تقاضانامه ذکر شده است.
ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به عمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت‌نامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد. تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست. ماده ۱۰۰ - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.	ماده ۱۷۷ - شریک و یا سهامدار برای شرکت در مجمع عمومی به ترتیب مقرر در اساسنامه دعوت می‌شود. در مواردی که به موجب این قانون ترتیب دیگری برای دعوت پیش‌بینی شده باشد، رعایت ترتیب مذکور نیز الزامی است.
ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به عمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم	ماده ۱۷۸ - در شرکت‌هایی که مطابق مقررات این قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند، در کلیه موارد برای تشکیل مجمع عمومی، شرکا و یا سهامداران باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت دعوت شوند. مجمع عمومی عادی سالانه باید در هر سال حداقل یک روزنامه اصلی و یک روزنامه علی‌البدل برای شرکت تعیین کند. این تصمیم باید در روزنامه قبلی شرکت منتشر

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت‌نامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد. تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.	گردد. در صورتی که انتشار روزنامه شرکت به هر علت متوقف گردد، روزنامه علی‌البدل جانشین روزنامه اصلی می‌شود.
ماده ۹۸ - فاصله بین نشر دعوت‌نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهار روز خواهد بود.	ماده ۱۷۹ - بین نشر آگهی دعوت مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن باید حداقل ده روز و حداکثر چهار روز فاصله باشد.
تبصره ماده ۹۷ ل.ا.ق.ت. - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.	ماده ۱۸۰ - در صورتی که کلیه شرکا و یا سهامداران در جلسه مجمع عمومی حاضر باشند و نیز در مواقعی که صورتجلسه مجمع مذکور به امضای کلیه شرکا و یا سهامداران برسد و تصمیمات به اتفاق آراء اتخاذ شود، رعایت ترتیبات دعوت الزامی نیست.
	ماده ۱۸۱ - مکان تشکیل مجمع عمومی باید در محدوده شهر اقامتگاه شرکت باشد، مگر اینکه کلیه شرکا و یا سهامداران بر تشکیل مجمع عمومی در مکان دیگر توافق کنند.
ماده ۱۰۲ - در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم‌مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به‌منزله حضور خود صاحب سهم است.	ماده ۱۸۲ - در مجمع عمومی حضور نماینده شریک و یا سهامدار و نیز نماینده شخص حقوقی با ارائه مدرکی دال بر نمایندگی به‌منزله حضور شریک و یا سهامدار است. ارتباط شریک و یا سهامدار یا نماینده آنان با محل برگزاری مجمع عمومی از طریق ویدئوکنفرانس با رعایت مقررات مربوط در حکم حضور در مجمع است، مشروط بر اینکه امکان این نوع ارتباط در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.
	ماده ۱۸۳ - ترتیب اداره مجمع عمومی و تنظیم صورتجلسه آن به‌موجب اساسنامه معین می‌شود، مگر در مواردی که قانون ترتیب دیگری مقرر نماید.
ماده ۱۰۷ ق.ت. - هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.	ماده ۱۸۴ - هر یک از شرکا به نسبت سرمایه و هر سهامدار به تعداد سهام خود در شرکت رأی دارد مگر اینکه قانون یا اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نماید.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۸۵ - در مجمع عمومی باید درباره کلیه مواردی که به‌عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده است، اتخاذ تصمیم شود و هریک از موارد مذکور فقط با تصویب اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه این مجمع از دستور کار مجمع عمومی خارج می‌شود.
ماده ۱۰۴ - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می‌تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند. تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.	ماده ۱۸۶ - هرگاه در مجمع عمومی در مورد تمام یا برخی از موضوعات مندرج در دستور جلسه اتخاذ تصمیم نشود، رئیس جلسه باید تنفس اعلام و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین و به حاضران اعلام کند. تشکیل جلسه بعد به دعوت مجدد نیاز ندارد.
	ماده ۱۸۷ - اتخاذ هر تصمیم خارج از آنچه که به‌عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده فاقد اعتبار است، مگر آنکه کلیه شرکا و یا سهامداران در جلسه حضور داشته و با طرح مورد یا موارد پیشنهادی موافق باشند.
	ماده ۱۸۸ - در مجامع عمومی برای انتخاب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و تصویب صورتهای مالی و موارد دیگری که اساسنامه معین می‌کند رأی‌گیری به‌صورت مخفی انجام می‌گیرد.
ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه‌ای توسط منشی ترتیب داده می‌شود که به امضاء هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک‌نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.	ماده ۱۸۹ - برای جلسه مجمع عمومی صورتجلسه‌ای تنظیم و نسخه‌ای از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری می‌شود. در صورتی که در اساسنامه ترتیب دیگری پیش‌بینی نشود، صورتجلسه مجمع عمومی باید حداقل به امضای اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در آن مجمع عمومی برسد.
	ماده ۱۹۰ - در صورتجلسه مجمع عمومی نام شرکا و یا سهامداران حاضر و غائب و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات اتخاذشده در جلسه با قید زمان و تاریخ ذکر می‌گردد. نظر هر یک از شرکا و یا سهامدارانی که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مخالفند ، باید در صورتجلسه قید شود. مسئولیت صحت مندرجات صورتجلسه برعهده امضاء کنندگان است.
	ماده ۱۹۱ - هر شریک و یا سهامدار می‌تواند به هزینه خود از صورتجلسه مجمع عمومی رونوشت یا تصویر بگیرد.
ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یک‌بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی بگزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.	ماده ۱۹۲ - در مواردی که تصمیم‌گیری در مجمع عمومی به ارائه پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان شرکت منوط است، این پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه باید مکتوب باشد و به صورتجلسه مجمع عمومی ضمیمه شود. بدون ارائه و قرائت موارد مذکور تصمیمات مجمع عمومی اعتبار ندارد.
تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.	
	ماده ۱۹۳ - مقررات مواد (۱۶۳)، (۱۶۴)، (۱۸۹) و (۱۹۰) این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام اجرا نمی‌شود.
ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی به‌وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.	بند دوم - مدیر یا مدیران
ماده ۱۰۴ ق.ت. - شرکت با مسئولیت محدود به‌وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیرموظف که از بین شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می‌گردد.	ماده ۱۹۴ - شرکت به‌وسیله شخص یا اشخاصی که از میان شرکا و یا سهامداران و یا غیر آنان به‌عنوان مدیر شرکت انتخاب می‌شوند، اداره می‌گردد. مدیر یا مدیران، در هر حال، قابل عزلند.
ماده ۱۲۰ ق.ت. - در شرکت تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۴۴ ق.ت. - اداره شرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت تضامنی مقرر است. ماده ۱۶۴ ق.ت. - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکا ضامن است.	
ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.	ماده ۱۹۵ - تعداد مدیران شرکت به موجب اساسنامه معین می‌شود. در صورتی که تعداد مدیران بیش از دو شخص باشد به اجتماع مدیران، هیأت مدیره اطلاق می‌شود. تبصره - تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نباید از پنج عضو و در شرکت‌های سهامی خاص، مختلط سهامی خاص، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی نباید از سه عضو کمتر باشد.
ماده ۱۰۸ ل.ا.ق.ت. - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند.	ماده ۱۹۶ - انتخاب یا عزل مدیر یا مدیران شرکت با مجمع عمومی عادی است، مگر اولین مدیر یا مدیران شرکت که در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند.
ماده ۱۰۹ - مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است.	ماده ۱۹۷ - مدت مدیریت مدیر در اساسنامه معین می‌شود، لکن این مدت نباید از دو سال بیشتر باشد. در اساسنامه می‌توان انتخاب متوالی مدیر یا مدیران را منع کرد.
	ماده ۱۹۸ - سمت مدیریت، قائم به شخص است.
ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت. - اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیت‌های مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و جزائی عضو هیئت مدیره بوده و از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت.	ماده ۱۹۹ - اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی مدیر، به طور مستقل کلیه مسئولیت‌های مدنی و جزائی شخص حقیقی مدیر را دارد و باید به طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی مدیریت شرکت است، به عنوان نماینده تام‌الاختیار خود برای انجام وظایف مدیریت معرفی کند. نماینده مذکور نیز به طور مستقل کلیه وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و جزائی مدیر را دارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می‌تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتباً به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می‌شود.	اگر شخص حقوقی مدیر ظرف یک‌ماه نماینده تام‌الاختیار خود را برای انجام وظایف مدیریت معرفی نکند یا پس از فوت یا عزل یا معذوریت وی جانشین او را ظرف مهلت مذکور تعیین ننماید، از سمت مدیریت، مستعفی محسوب می‌شود. در این صورت، اگر تعداد مدیران از حداقل مقرر کمتر شود، رعایت مفاد مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون الزامی است.
ماده ۲۹ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۸۴ - صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت مدیره و مدیران، حد اقل سرمایه، موضوع فعالیت در اساسنامه، نحوه گزارش‌دهی و نوع گزارش‌های ویژه حسابرسی نهادهای مالی موضوع این قانون، باید به تأیید سازمان برسد. ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۱۳۸۸ - مدیران نهادهای مالی، ناشران اوراق بهادار و تشکلهای خود انتظام شامل اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر بوده و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبرداران، مرجع انتخاب‌کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت‌های یادشده خودداری نموده و یا مدیران انتخاب شده را از آن سمت برکنار نماید. شرایط و معیارهای صلاحیت حرفه‌ای مدیران مذکور صرفاً از حیث تحصیلات و سوابق تجربی مرتبط و نحوه سلب صلاحیت به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که با پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت ظرف شش ماه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	ماده ۲۰۰ - مدیران شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبرداران، مرجع انتخاب‌کننده باید، حسب مورد، از انتخاب آنان به سمت یادشده خودداری یا شخص منتخب را از آن سمت برکنار کند. معیارهای صلاحیت حرفه‌ای فقط از حیث تحصیلات، سوابق تجربی مرتبط و مرجع و نحوه سلب صلاحیت به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که با پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت ظرف شش ماه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: ۱ - مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. ۲ - کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنبه‌های ذیل به‌موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت:	ماده ۲۰۱ - اشخاص زیر نمی‌توانند به‌عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند: ۱ - مجبوران ۲ - تاجر ورشکسته و مدیر یا مدیران و مدیرعامل شخص حقوقی ورشکسته تا پیش از اعاده اعتبار

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - جنجهائی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است - اختلاس - تدلیس - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی. تبصره - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.	۳ - اشخاصی که به موجب حکم قطعی کلاً یا بعضاً از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند، در مدت محرومیت ۴ - محکومان به موجب حکم قطعی به ارتکاب جرائم خیانت در امانت، کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، جعل، استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی، جرائم موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ و جرائم در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری تا پنج سال پس از اجرای حکم
	ماده ۲۰۲ - اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت‌ها ابقاء شوند: ۱ - رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان ۲ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۳ - وزیران و سرپرستان وزارتخانه‌ها و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان ۴ - نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ۵ - اعضای شورای نگهبان ۶ - اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونان وی ۷ - اعضای شوراهای عالی ۸ - رئیس دفتر مقام رهبری و معاونان وی و مدیران کل حوزه دفتر مقام رهبری ۹ - نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها، شهرستان‌ها و دستگاه‌های اجرائی و ائمه جمعه سراسر کشور و رؤسای دفاتر آنها ۱۰ - رئیس سازمان صدا و سیما و سیمای جمهوری اسلامی ایران، معاونان و مشاوران وی ۱۱ - اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا در محدوده حوزه انتخابیه مربوط و شهرداران و رؤسای نهادها و دستگاه‌های عمومی غیردولتی و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۱۲ - رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ۱۳ - اعضای هیأت‌مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و تابع و وابسته دولت ۱۴ - اعضای هیأت‌مدیره و مدیران عامل بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ۱۵ - کارمندان دستگاه‌های اجرایی و اعضای نیروهای مسلح و سازمان‌های تابع آنها ۱۶ - دارندگان پایه قضائی تبصره - عضویت در هیأت‌مدیره شرکت‌های تعاونی سازمان‌های متبوع از شمول این ماده مستثنی است.
ماده ۱۱۱ ل.ا.ق.ت. - اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: ۱ - محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. ۲ - کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است - اختلاس - تدلیس - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی. تبصره - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.	ماده ۲۰۳ - مدیر یا مدیران باید ضمن اعلامیه قبولی سمت، عدم شمول مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون را اعلام کنند. هرکس برخلاف مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) به عنوان مدیر شرکت انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ممنوعیت‌های مذکور گردد، حسب مورد، باید از قبول سمت امتناع یا استعفاء کند. دادگاه صالح به تقاضای دادستان محل اقامت شرکت و یا هر ذی‌نفع، حکم عزل متخلف و ضبط وجوه دریافتی بابت تصدی مدیریت در مدت ممنوعیت را صادر می‌کند.
	ماده ۲۰۴ - مدیری که برخلاف مفاد مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون انتخاب می‌شود تکالیف و مسئولیت‌های سمت مدیر را بر عهده دارد.
ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت. - در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه	ماده ۲۰۵ - مدیر یا مدیران در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت‌های مدیر را بر عهده دارند. هرگاه مقامات موظف به دعوت مجمع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.	عمومی به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیر یا مدیران از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند.
ماده ۱۱۲ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفاء یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی‌البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیئت مدیره دعوت نمایند.	ماده ۲۰۶ - اگر به علت فوت، انحلال، استعفاء یا عزل هر یک از مدیران شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هر یک از آنان از تصدی سمت مدیریت، تعداد مدیران از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کمتر شود، اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و در غیر این صورت به ترتیب مقرر به وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان می‌شوند. اگر عضو علی‌البدل، تعیین نشده یا به هر علت ناتوان و یا ممنوع از تصدی مدیریت شرکت باشد یا تعداد اعضاء علی‌البدل برای تصدی محلهای خالی کافی نباشد، شخص یا اشخاص باقیمانده باید به فوریت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند.
ماده ۱۱۳ ل.ا.ق.ت. - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می‌باشند.	ماده ۲۰۷ - هرگاه شخص یا اشخاص باقیمانده از دعوت مجمع عمومی مذکور در ماده (۲۰۶) این قانون خودداری کنند یا دعوت به وسیله آنان ممکن نباشد یا سمت مدیریت بلامتصدی شود، بازرس یا بازرسان شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع با رعایت تشریفات لازم، مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند. در صورت عدم امکان دعوت به وسیله بازرس یا بازرسان شرکت به هر علت یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور چنانچه حداقل یک‌ماه از بلامتصدی بودن سمت مدیریت گذشته باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه عدم دعوت مجمع مذکور به وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند.
ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. - جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در	ماده ۲۰۸ - مدیر یا مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره شرکت را دارند جز درباره

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان‌لم‌یکن است. ماده ۱۰۵ ق.ت. - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان‌لم‌یکن است. ماده ۱۲۱ ق.ت. - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده. ماده ۵۱ ق.ت. - مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد. ماده ۱۴۴ ق.ت. - اداره شرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت تضامنی مقرر است.	موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. محدود کردن اختیارات مذکور به موجب اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی تنها در روابط بین مدیر یا مدیران و شرکت معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.	ماده ۲۰۹ - عدم رعایت تشریفات مربوط به نحوه انتخاب مدیر یا مدیران یا ممنوع بودن آنان از تصدی سمت مذکور سبب عدم اعتبار تصمیمات آنان در مقابل اشخاص ثالث نیست.
ماده ۱۲۱ ل.ا.ق.ت. - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.	ماده ۲۱۰ - در صورت تعدد مدیران شرکت، در جلسه مدیران با اکثریت عددی بیش از نصف آنان اتخاذ تصمیم می‌شود، مگر آنکه اساسنامه در مورد نصاب تصمیم‌گیری در این جلسه اکثریت بیشتری را معین کند. رسمیت جلسات مدیران را می‌توان در اساسنامه به حضور تعداد خاصی از آنان منوط کرد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تبصره - برای تشکیل جلسه هیأت‌مدیره در شرکت‌های سهامی حضور بیش از نصف اعضاء لازم است. تصمیمات با رأی بیش از نصف حاضران گرفته می‌شود، مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شود.
	ماده ۲۱۱ - تصمیمات مدیر یا مدیران باید مکتوب و نسخه‌ای از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری شود.
ماده ۱۲۳ - برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورتجلسه‌ای تنظیم و لااقل به امضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می‌باشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات اتخاذ در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می‌گردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود.	ماده ۲۱۲ - در صورت تعدد مدیران، برای هر یک از جلسات آنان باید صورتجلسه‌ای تنظیم شود و حداقل به امضای اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه مدیران برسد. در صورتجلسه مذکور نام مدیران حاضر و غائب و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات با قید تاریخ مکتوب می‌شود. نظر هر یک از مدیران نیز که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشند باید در صورتجلسه قید شود. مسئولیت صحت مندرجات صورتجلسه بر عهده امضاکنندگان است.
ماده ۵۸۱ - در مواردی که ثبت اسم تجاری الزامی شده در موعد مقرر ثبت به عمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق‌الثبت مأخوذ خواهد داشت.	
ماده ۱۳۷ - هیئت مدیره باید لااقل هر شش ماه یکبار خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.	ماده ۲۱۳ - مدیر یا مدیران باید حداقل هر شش ماه یکبار خلاصه‌ای از صورت اموال، مطالبات و دیون شرکت را تنظیم و به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه کنند.
ماده ۱۳۸ ل.ا.ق.ت. - هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.	ماده ۲۱۴ - مدیر یا مدیران شرکت باید پس از انقضای سال مالی، ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است، صورتهای مالی شرکت را به‌ضمیمه گزارشی درباره وضع شرکت طی آن سال مالی تنظیم و مجمع عمومی عادی سالانه را برای رسیدگی به صورتهای مالی و گزارش خود و بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت دعوت کنند. اسناد مذکور در این ماده باید حداقل سی روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرس یا بازرسان شرکت گذاشته شود. گزارش مدیر یا مدیران
ماده ۲۳۲ ل.ا.ق.ت. - هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به‌ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اسناد مذکور در این ماده باید اقلأً بیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود. ماده ۲۴۲ - در شرکت‌های سهامی عام هیأت مدیره مکلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره صحت صورتهای مالی و انطباق آنها با استانداردهای حسابداری گواهی کند که کلیه دفاتر و صورت‌حساب‌ها و توضیحات لازم را در اختیار داشته است. حسابدار رسمی موضوع این تبصره باید از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب شود. تبصره ۲ - استانداردهای حسابداری به پیشنهاد سازمان حسابرسی کشور ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	شرکت باید شامل خلاصه‌ای از صورتهای مالی شرکت باشد. تبصره ۱ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و شرکت‌های تابع و وابسته آنها گزارش حسابدار رسمی نیز باید به صورتهای مالی شرکت ضمیمه شود. حسابدار رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره صحت صورتهای مالی و انطباق آنها با استانداردهای حسابداری گواهی کند که کلیه دفاتر و صورت‌حساب‌ها و توضیحات لازم را در اختیار داشته است. حسابدار رسمی موضوع این تبصره باید از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب شود. تبصره ۲ - استانداردهای حسابداری به پیشنهاد سازمان حسابرسی کشور ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت. - هیئت مدیره مکلف است هر سال یک سیستم از سود خالص شرکت را به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی بیک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک سیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی بیک دهم سرمایه بالغ گردد.	ماده ۲۱۵ - مدیر یا مدیران باید هر سال یک‌دهم از سود خالص شرکت را به‌عنوان اندوخته قانونی ذخیره کنند. به‌محض اینکه اندوخته قانونی به یک‌پنجم سرمایه شرکت رسید ذخیره کردن آن اختیاری است. چنانچه سرمایه شرکت افزایش پیدا کند تا زمانی که اندوخته قانونی به یک‌پنجم سرمایه بالغ گردد، کسر یک‌دهم مذکور ادامه می‌یابد.
ماده ۱۴۱ - اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به‌مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که	ماده ۲۱۶ - اگر بر اثر زیان‌های واردشده اموال شرکت بر اساس صورتهای مالی از نصف سرمایه ثبت شده شرکت کمتر شود، مدیر یا مدیران باید به‌فوریت مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقای شرکت تصمیم‌گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیان‌های واردشده یا کاهش سرمایه شرکت تا مبلغ اموال موجود تصمیم بگیرد. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.	گردد. چنانچه مدیر یا مدیران بر خلاف این ماده مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی، منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذشده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود.
ماده ۵ ل.ا.ق.ت. - در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.	ماده ۲۱۷ - اگر بر اثر زیان‌های واردشده اموال شرکت بر اساس صورتهای مالی از نصاب مقرر در این قانون کمتر شود، مدیر یا مدیران باید به‌فوریت مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقای شرکت تصمیم‌گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیان‌های واردشده تصمیم بگیرد. چنانچه مدیر یا مدیران بر خلاف این ماده مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذشده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود
ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت. - مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.	ماده ۲۱۸ - هر یک از مدیران در باره تصمیماتی که بر خلاف قانون، مقررات، اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی اتخاذ می‌کند، حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسئول است. حدود مسئولیت هریک از مدیران را دادگاه تعیین می‌کند.
ماده ۱۱۶ - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به‌منزله مفاسد حساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و	ماده ۲۱۹ - تصویب صورتهای مالی شرکت در هر دوره مالی به‌منزله مفاسدحساب مدیر یا مدیران برای همان

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه این گونه مدیران خود به خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.	دوره است، مگر اینکه ثابت شود صورتهای مالی شرکت با اعمال تقلب به تصویب مجمع عمومی رسیده است.
ماده ۱۱۹ - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت‌های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان‌لم‌یکن خواهد بود. تبصره ۱ - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد. تبصره ۲ - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.	ماده ۲۲۰ - در شرکت‌هایی که هیأت‌مدیره دارند، مدیران باید در اولین جلسه خود از بین اعضای هیأت یک رئیس و یک نایبرئیس برای هیأت‌مدیره تعیین کنند. رئیس و نایبرئیس هیأت‌مدیره باید شخص حقیقی باشند. لکن فردی که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی مدیر معرفی شده است می‌تواند به اعتبار شخصیت حقیقی خویش به‌عنوان رئیس یا نایبرئیس هیأت‌مدیره انتخاب شود.
تبصره ۲ ماده ۱۱۹ ل.ا.ق.ت. - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.	ماده ۲۲۱ - در غیاب رئیس هیأت‌مدیره و یا در مواردی که وی به‌طور موقت نتواند وظایف خود را انجام دهد نایبرئیس هیأت‌مدیره وظایف او را بر عهده می‌گیرد.
ماده ۱۱۹ - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت‌های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان‌لم‌یکن خواهد بود.	ماده ۲۲۲ - مدت ریاست رئیس و نیابت نایبرئیس هیأت‌مدیره نباید از مدت عضویت آنها در هیأت‌مدیره بیشتر باشد. هیأت‌مدیره، همواره، می‌تواند رئیس و نائب رئیس هیأت‌مدیره را از سمت‌های مذکور عزل کند. اتخاذ هر ترتیبی برخلاف مقررات این ماده و مواد (۲۲۰) و (۲۲۱) این قانون اعتبار ندارد.
ماده ۱۲۰ - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره موظف است که مجامع عمومی	ماده ۲۲۳ - رئیس هیأت‌مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیأت‌مدیره باید مجمع عمومی را در مواردی که مدیر یا مدیران به دعوت آن مکلفند بر اساس مصوبه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
صاحبان سهام را در مواردی که هیئت‌مدیره مکلف به دعوت آنها می‌باشد دعوت نماید.	هیأت‌مدیره دعوت کند. چنانچه هیأت‌مدیره در مواردی که مکلف به دعوت مجمع عمومی است، حسب مورد، ظرف مهلت مقرر در اساسنامه یا قانون، تصمیمی در این باره اتخاذ نکند، رئیس هیأت‌مدیره رأساً مجمع عمومی را دعوت می‌کند.
ماده ۱۲۲ - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده‌ای از مدیران که اقل یک سوم اعضاء هیئت مدیره را تشکیل دهند می‌توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیئت‌مدیره را دعوت نمایند.	ماده ۲۲۴ - ترتیب دعوت جلسات هیأت‌مدیره را اساسنامه معین می‌کند. ولی در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیأت‌مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد، عده‌ای از مدیران که حداقل یک‌سوم اعضای هیأت‌مدیره را تشکیل می‌دهند می‌توانند با ذکر دستور جلسه، هیأت‌مدیره را برای تشکیل جلسه دعوت کنند. مدیرعامل شرکت نیز می‌تواند با ذکر دستور جلسه دعوت هیأت‌مدیره را از رئیس هیأت‌مدیره تقاضا کند. در این صورت، رئیس هیأت‌مدیره باید با رعایت تشریفات مقرر مدیران را دعوت کند.
ماده ۱۲۹ - اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت.	ماده ۲۲۵ - هریک از مدیران شرکت، شرکت مادر و شرکت‌های تابع یا وابسته شرکت و نیز اشخاص حقوقی که هر یک از اشخاص مذکور مدیر، مدیرعامل و یا شرکت مادر، تابع یا وابسته آنها است نمی‌توانند در معامله‌ای که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌شود، بدون اجازه هیأت‌مدیره به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، طرف معامله واقع و یا در آن سهام شوند. در صورت اجازه نیز هیأت‌مدیره باید بازرس یا بازرسان شرکت را از مفاد معامله‌ای که اجازه آن را داده است مطلع کند و مراتب را به اولین مجمع عمومی عادی گزارش دهد. بازرس یا بازرسان نیز باید ضمن گزارشی خاص مشتمل بر جزئیات معامله مذکور، نظر خود را درباره انجام این معاملات در شرایط منصفانه و رعایت حقوق کلیه شرکا و یا سهامداران و قوانین و مقررات مربوط، به‌طور کتبی ظرف ده روز به هیأت‌مدیره اعلام و به مجمع مذکور نیز تقدیم کنند. در شرکت‌های فاقد هیأت‌مدیره، اجازه حسب مورد از مدیر یا مدیران اخذ می‌شود. چنانچه خود مدیر یا مدیران، طرف معاملات مذکور در این ماده باشند باید ضمن گزارش

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مراتب به اولین مجمع عمومی عادی در غیر شرکت‌های تک عضو، بازرس یا بازرسان را از وقوع چنین معامله‌ای مطلع کنند. هرگاه ذی‌نفع در معامله، مدیر شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در جلسه هیأت‌مدیره حق رأی ندارد.
	ماده ۲۲۶ - شرکت تجاری که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت دیگری تعلق دارد، همچنین شرکت تجاری که به طرق پیش‌بینی شده در اساسنامه و یا به هر نحو از قبیل کسب اکثریت مدیران، تحت کنترل شرکت دیگر باشد شرکت تابع یا فرعی نامیده می‌شود، اگرچه کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن به شرکت کنترل‌کننده تعلق داشته باشد. به شرکتهای که از طرق مذکور کنترل شرکت دیگر را در دست دارد، شرکت مادر اطلاق می‌شود. شرکتی که به هر نحو از قبیل داشتن حداقل یک مدیر در شرکت و یا سهامداری عمده تحت نفوذ قابل ملاحظه شرکت دیگر باشد، شرکت وابسته نامیده می‌شود.
ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذی‌نفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.	ماده ۲۲۷ - هرگاه معامله مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون بدون رعایت تشریفات مقرر در آن ماده انجام شود و یا بازرس یا بازرسان شرکت انجام این معامله در شرایط مقرر در ماده مذکور را تأیید نکنند، مجمع عمومی عادی می‌تواند، پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، در باره درخواست اعلام بطلان معامله از دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ کند. اگر ذی‌نفع در معامله مذکور از شرکا و یا سهامداران شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در مجمع عمومی عادی حق رأی ندارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند.	ماده ۲۲۸ - معاملات مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون، در هر حال، حتی اگر به وسیله مجمع عمومی عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است، مگر اینکه شخص ثالث با ذی‌نفع در معامله مذکور تبانی کرده باشد
ماده ۱۳۰ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند.	ماده ۲۲۹ - در صورتی که بر اثر انجام معاملات موضوع ماده (۲۲۵) این قانون به شرکت خسارتی وارد شود، ذی‌نفع در معامله، مدیرعامل، مدیران شرکت که انجام معامله را اجازه داده‌اند و بازرس یا بازرسان شرکت که بر خلاف واقع رعایت شرایط مقرر در ماده (۲۲۵) را تأیید کرده‌اند، منفرداً، مسئول جبران کلیه خسارات وارد شده می‌باشند.
ماده ۱۳۲ - مدیر عامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه عملیات به خودی خود باطل است. در مورد بانک‌ها و شرکت‌های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.	ماده ۲۳۰ - اشخاص مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون نمی‌توانند وام یا اعتباری از شرکت دریافت کنند و شرکت نیز نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه معاملات باطل‌اند. این ممنوعیت شامل همسر و بستگان نسبی و سببی مدیر یا مدیران تا درجه سوم از طبقات سه گانه می‌شود. در مورد بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری معاملات مذکور به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر است، لکن جزئیات این معاملات باید به همراه اظهار نظر بازرس یا بازرسان به مجمع عمومی عادی گزارش شود.
ماده ۱۳۳ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که	ماده ۲۳۱ - مدیر یا مدیران شرکت نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود، منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت با تقویت منفعت.	باشد انجام دهند. مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند مسئول جبران خسارت وارد شده است. تبصره - منظور از ضرر در این قانون اعم از ورود خسارت یا تقویت منفعت است.
ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به‌طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به‌عنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیرموظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند. ماده ۲۴۱ - با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیئت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلااثر است	ماده ۲۳۲ - مجمع عمومی عادی می‌تواند بابت ساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیأت مذکور پرداخت مبلغی مقطوع را به آنها تصویب کند. اعضاء غیرموظف هیئت مدیره حق ندارند به‌جز آنچه در این ماده و ماده (۲۳۳) این قانون پیش‌بینی می‌شود وجهی را در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر از شرکت دریافت کنند.
ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به‌طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و	ماده ۲۳۳ - مجمع عمومی عادی می‌تواند در صورت پیش‌بینی اساسنامه تخصیص مبلغ معینی را به‌عنوان پاداش سالانه مدیر یا مدیران تصویب کند. حداکثر مبلغ پرداختی به هریک از مدیران به‌عنوان پاداش سالانه تحت هر عنوان نباید برای عضو غیرموظف از پنج برابر دریافتی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به‌عنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیرموظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند	وی و برای عضو موظف از دو برابر دریافتی وی در طول سال مالی مورد رسیدگی بیشتر باشد.
	ماده ۲۳۴ - در صورت عضویت شخص حقوقی در هیأت مدیره حق‌الزحمه و پاداش سالانه مدیر به شخص حقوقی مدیر تعلق می‌گیرد.
ماده ۲۷۶ - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیر عامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضاء هیأت مدیره یا مدیر عامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوی پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است.	ماده ۲۳۵ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک‌دهم مجموع سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد می‌توانند در صورت تقصیر مدیر یا مدیران به‌نام شرکت و به هزینه خود علیه اشخاص مذکور اقامه دعوی و جبران کلیه خسارات وارده شده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. چنانچه از تقصیر اشخاص ثالث نیز زبانی به شرکت برسد همین حکم مجری است. در صورت محکومیت مدیر یا مدیران، مدیرعامل، بازرس یا بازرسان و یا اشخاص ثالث به جبران خسارات و پرداخت هزینه دادرسی، حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده است، از محل محکوم‌به به وی مسترد می‌شود. در صورت محکومیت اقامه‌کننده دعوی هزینه‌ها و خسارات برعهده او است
ماده ۲۷۷ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.	ماده ۲۳۶ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی به هیچ وجه نمی‌تواند حق شرکا و یا سهامداران را در مورد اقامه دعوی مدنی یا کیفری علیه مدیر یا مدیران شرکت محدود کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۴۳ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد اموال شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.	ماده ۲۳۷ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد اموال شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران را که مطابق ماده (۲۱۹) این قانون مفاصا حساب نگرفته‌اند یا با اعمال تقلب، مفاصا حساب اخذ کرده‌اند به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از اموال شرکت ممکن نشده است محکوم کند، مگر اینکه ثابت شود ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن اموال آن ناشی از جرائم و یا تخلف صریح آن مدیر از مفاد قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت نبوده است. در صورتی که ثابت شود مجمع عمومی عادی علی‌رغم تخلفات مدیر یا مدیران صورتهای مالی را تصویب کرده است، شخصی که به هنگام تصمیم‌گیری بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه شرکت، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، متعلق به وی بوده یا به هر نحو کنترل مجمع را در اختیار داشته است مسئول جبران خسارت وارد شده به اشخاص ذینفع است، مگر اینکه ثابت کند تصمیم مجمع به وی مستند نبوده است.
ماده ۱۲۴ - هیئت مدیره باید اقلأً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کند در صورتی که مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی. تبصره - هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیر عامل را عزل نماید.	بند سوم - مدیرعامل ماده ۲۳۸ - در صورت تعدد مدیران شرکت، آنان باید یک شخص حقیقی را از بین خود یا خارج به‌عنوان مدیرعامل شرکت برگزینند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کنند. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیئت‌مدیره همان شرکت باشد. چنانچه شرکت تنها یک مدیر داشته باشد، مدیر مذکور سمت مدیرعامل را نیز تصدی می‌کند.
تبصره ماده ۱۲۴ ل.ا.ق.ت. - هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیر عامل را عزل نماید.	ماده ۲۳۹ - عزل و پذیرش استعفای مدیرعامل همواره با مدیران است.
	ماده ۲۴۰ - مدیرعامل می‌تواند با تصویب هیئت‌مدیره یک یا چند شخص حقیقی را به‌عنوان قائم‌مقام خود انتخاب و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه آنان را تعیین کند. حداکثر تعداد قائم مقام‌های مدیرعامل در اساسنامه معین می‌شود
ماده ۱۲۵ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.	ماده ۲۴۱ - مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب می‌شود و انجام کلیه امور شرکت و اقامه دعوی و دفاع از دعاوی اقامه شده علیه شرکت را بر عهده دارد. درج امضاء او تحت اسناد تعهدآور شرکت، موجب تعهد شرکت می‌گردد و تحدید اختیارات او به موجب اساسنامه، تصمیمات مجمع عمومی و یا مدیران تنها در روابط بین مدیرعامل و شرکت، معتبر و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه به حدود اختیارات مدیرعامل بی‌اثر است. قائم مقام مدیرعامل در حدود موضوع اختیارات تفویض شده، اختیارات مدیرعامل را دارد.
	ماده ۲۴۲ - مدیرعامل باید کلیه تصمیمات هیأت مدیره را اجرا کند. در صورت استنکاف مدیرعامل از اجرای تصمیمات هیأت مدیره، مجمع عمومی، اساسنامه، مقررات و قوانین، رئیس هیأت مدیره می‌تواند هیأت مدیره را برای استماع توضیحات مدیرعامل در این باره دعوت کند. چنانچه رئیس هیأت مدیره از انجام دعوت خودداری کند، عده‌ای از مدیران که لااقل یک سوم اعضای هیأت مدیره را تشکیل می‌دهند می‌توانند هیأت مدیره را برای استماع توضیحات مدیرعامل دعوت کنند. مدیرعامل باید با حضور در جلسه مذکور توضیح مقتضی را ارائه کند. در هر حال، فاصله دعوت از مدیرعامل تا تشکیل جلسه نباید از یک هفته کمتر باشد. در صورت عدم حضور مدیرعامل یا پس از استماع توضیحات وی، هیأت مدیره درباره عزل نامبرده با رعایت قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. اساسنامه شرکت نمی‌تواند ترتیبی برخلاف مقررات این ماده مقرر کند. عزل مدیرعامل در سایر موارد تابع تشریفات مقرر در این ماده نیست.
ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر	ماده ۲۴۳ - تصمیمات، اعمال و اقدامات مدیرعاملی که بر خلاف تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل یا

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.	علی‌رغم ممنوعیت وی از تصدی سمت مدیریت عامل انتخاب گردد در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.
ماده ۱۴۲ - مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.	ماده ۲۴۴ - مدیرعامل و قائم‌مقام‌های وی در برابر تصمیماتی که بر خلاف قوانین و مقررات، مفاد اساسنامه، مصوبات مجمع عمومی و یا مدیران اتخاذ کرده‌اند مسئولیت دارند.
	ماده ۲۴۵ - مدیرعامل در مورد اقدامات و تصمیمات قائم‌مقام‌های خود در برابر مدیران مسئول است.
ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ‌کس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت‌های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.	ماده ۲۴۶ - هیچ شخصی نمی‌تواند هم زمان در بیش از یک شرکت به سمت مدیر عامل یا عضو موظف هیأت‌مدیره انتخاب شود. همچنین عضویت غیرموظف در هیأت‌مدیره بیش از دو شرکت ممنوع است. شرکت‌های مادر و تابع آن و یا شرکت‌های تابع یک شرکت مادر در صورتی که هیچ‌کدام از آنها جزء شرکت‌های دولتی نباشند مشمول حکم این ماده نیستند. متخلف از این ماده مشمول مقررات مواد (۲۰۳) و (۲۰۴) این قانون است
ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند...	ماده ۲۴۷ - مقررات مواد (۲۰۰)، (۲۰۱)، (۲۰۲)، (۲۰۳)، (۲۰۴)، (۲۱۹)، (۲۲۵)، (۲۲۷)، (۲۲۸)، (۲۲۹)، (۲۳۰)، (۲۳۱)، (۲۳۵)، (۲۳۶) و (۲۳۷) این قانون در مورد مدیرعامل و قائم‌مقام وی نیز مجری است.
ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظائف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.	بند چهارم - بازرس یا بازرسان
ماده ۱۰۹ ق.ت. - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکا آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار	ماده ۲۴۸ - مجمع عمومی عادی در هر سال از میان اشخاص واجد صلاحیت، یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا طبق مقررات این قانون انجام وظیفه کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان تا چهار دوره متوالی بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر حال می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند، به شرط آنکه در همان زمان جانشین وی را نیز انتخاب کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
بوده و هیئت مزبور لااقل سالی یکمرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد. هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است. هیئت نظار می‌تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده دعوت نماید مقررات مواد ۱۶۵ - ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.	تبصره - تعداد بازرسان در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام و همچنین شرکت‌های تابع و وابسته آنها نباید از سه شخص کمتر باشد
ماده ۱۴۵ - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت‌های سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت‌های سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون به‌عمل خواهد آمد.	ماده ۲۴۹ - اولین بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند.
ماده ۱۴۶ - مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظائف بازرسی دعوت شوند.	ماده ۲۵۰ - مجمع عمومی عادی باید حداقل یک بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت فوت، انحلال، معذوریت، استعفاء، سلب شرایط، استنکاف یا عدم قبول سمت به‌وسیله بازرس یا بازرسان اصلی برای انجام وظایف بازرسی دعوت شود.
	ماده ۲۵۱ - اگر به علت فوت، انحلال یا استعفاء هر یک از بازرسان شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هر یک از آنان از تصدی این سمت، تعداد بازرسان از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کمتر شود، اعضای علی‌البدل به‌ترتیب مقرر در اساسنامه و در غیراین‌صورت به‌ترتیب مقرر به‌وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان می‌شوند. اگر عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد یا به هر علت از تصدی بازرسی شرکت ناتوان و یا ممنوع گردد یا تعداد اعضای علی‌البدل برای تصدی محلهای خالی کافی نباشد، مدیر یا مدیران باید به‌فوریت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند.
	ماده ۲۵۲ - هرگاه مدیر یا مدیران از دعوت مجمع عمومی در مورد مذکور در ماده (۲۵۱) این قانون خودداری کنند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	یا دعوت به‌وسیله آنان ممکن نباشد، بازرس یا بازرسان باقیمانده شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع با رعایت تشریفات لازم مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند. در صورت عدم امکان دعوت به‌وسیله بازرس یا بازرسان باقیمانده شرکت، به هر علت، یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور و نیز در صورتی که شرکت بازرس دیگری نداشته باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه، عدم دعوت مجمع مذکور به‌وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند.
	ماده ۲۵۳ - اشخاص حقوقی را می‌توان به‌عنوان بازرس شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی به‌طور مستقل کلیه مسئولیت‌های مدنی شخص حقیقی بازرس را دارد و باید به‌طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی بازرسی شرکت است به نمایندگی تام‌الاختیار خود برای انجام وظایف بازرسی معرفی کند. نماینده مذکور کلیه وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و جزائی بازرس را مستقلاً بر عهده دارد. در صورت انتخاب شخص حقوقی به‌عنوان بازرس، حق‌الزحمه بازرس به شخص حقوقی تعلق می‌گیرد.
ماده ۱۴۷ - اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند: ۱ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون. ۲ - مدیران و مدیر عامل شرکت. ۳ - اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم. ۴ - هرکس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می‌دارد.	ماده ۲۵۴ - اشخاص زیر نمی‌توانند به‌عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند: ۱ - اشخاصی که در مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون ذکر شده‌اند. ۲ - هر یک از اشخاصی که سمت مدیریت و مدیریت عامل شرکت و قائم‌مقامی وی را برعهده دارند. ۳ - کسانی که با مدیر و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه نسبت سببی و نسبی دارند. ۴ - هر شخصی که خود و یا همسرش از اشخاص مذکور در بند (۲) موظفاً حقوق دریافت می‌کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۵ - هر شخصی که خود و یا همسرش از شرکتی که مدیر یا مدیرعامل شرکت در آنها مدیر و یا مدیرعامل است، موظفاً حقوق دریافت می‌کند. ۶ - شخص حقوقی‌ای که مدیر و یا مدیرعامل شرکت در آن، سمت مدیر و یا مدیرعامل دارد. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی، علاوه بر اشخاص مذکور در این ماده، اشخاص زیر نیز نمی‌توانند به‌عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند: ۱ - شریک و یا سهامداری که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه شرکت را دارد. ۲ - شخص حقوقی‌ای که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه آن به مدیر و یا مدیرعامل شرکت تعلق دارد؛ ۳ - شخص حقوقی‌ای که مدیر، مدیرعامل، شرکا و یا سهامداران آن در مجموع بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه شرکت را دارند.
ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظائفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به‌طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند. ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید	ماده ۲۵۵ - علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای بازرس یا بازرسان شرکت مقرر شده است، آنان باید در هر سال گزارش جامعی در مورد وضع شرکت تهیه و به مجمع عمومی عادی سالانه تقدیم کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود	
ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظائفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند. ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.	ماده ۲۵۶ - گزارش مذکور در ماده (۲۵۵) این قانون باید حداقل مشتمل بر اظهار نظر درباره موارد زیر باشد: ۱ - صحت صورتهای مالی و اطلاعات ارائه شده به وسیله مدیر یا مدیران ۲ - انطباق صورتهای مذکور با استانداردهای حسابداری ۳ - رعایت قوانین، مقررات و مفاد اساسنامه به وسیله مدیر یا مدیران و مدیرعامل ۴ - رعایت حقوق شرکا و یا سهامداران به طور یکسان در حدود مقرر در قوانین، مقررات و اساسنامه
تبصره ماده ۱۵۰ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر یک می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد، لکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد	ماده ۲۵۷ - چنانچه شرکت بازرسان متعدد داشته باشد، هر یک از آنان می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد، لکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۵۱ ل.ا.ق.ت. - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری [که] در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیت‌دار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.	ماده ۲۵۸ - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف و یا تقصیر مدیر یا مدیران و مدیرعامل در انجام وظایف مربوط به شرکت را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند.
ماده ۱۵۱ ل.ا.ق.ت. - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری [که] در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیت‌دار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.	ماده ۲۵۹ - اگر بازرس یا بازرسان ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی در شرکت از جمله نداشتن دفاتر موضوع ماده (۹۱) این قانون یا نامرتب بودن آنها، ارائه صورتهای مالی خلاف واقع و یا عدم پرداخت حقوق دولتی مطلع شوند، باید مراتب را به‌وسیله اظهارنامه رسمی به دادستان محل اقامت شرکت اعلام و موقوف را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند. در صورتی که انتظار تا تشکیل جلسه مذکور موجب ورود زیان به شرکت شود، بازرس یا بازرسان باید با قید فوریت مجمع یادشده را با رعایت تشریفات مربوط دعوت کنند.
ماده ۱۴۹ - بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظائفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به‌شرط آنکه آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت	ماده ۲۶۰ - بازرس یا بازرسان، در هر حال، می‌توانند به صلاحدید خود در امور شرکت تحقیق و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کنند و مورد رسیدگی قرار دهند. همچنین بازرس یا بازرسان می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت‌مدیره شرکت کنند.
ماده ۱۴۹ - بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظائفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به‌شرط آنکه آنها را قبلاً	ماده ۲۶۱ - بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند، به‌شرط آنکه آنها را از قبل به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس یا بازرسان تعیین می‌کنند مانند خود بازرس حق هرگونه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت	تحقیق و رسیدگی را دارند و حق الزحمه آنان باید در حد متعارف به‌وسیله شرکت پرداخت شود.
ماده ۱۵۳ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به‌عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس به‌وسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است.	ماده ۲۶۲ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس یا بازرسان را معین نکرده باشد یا بازرس یا بازرسان به‌عللی نتوانند گزارش دهند یا از ارائه گزارش امتناع کنند، مجمع عمومی باید در مورد انتخاب بازرس یا بازرسان برای سال مالی مربوط اقدام مقتضی به‌عمل آورد و در صورت خودداری از انتخاب بازرس یا بازرسان، دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را با تعیین حق الزحمه به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب می‌کند. بازرس یا بازرسان منتخب دادگاه تا انتخاب بازرس یا بازرسان جدید به‌وسیله مجمع عمومی باید وظایف مربوط را انجام دهند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام هرگاه مجمع عمومی از انتخاب بازرس یا بازرسان خودداری کند سازمان بورس و اوراق بهادار به تقاضای هر ذی‌نفع به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت بازرس یا بازرسان را با تعیین حق الزحمه انتخاب می‌کند.
	ماده ۲۶۳ - بازرس یا بازرسان در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت‌های بازرس را برعهده دارند.
ماده ۱۵۵ - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است	ماده ۲۶۴ - تعیین حق الزحمه بازرس یا بازرسان جز در مورد مذکور در ماده (۲۶۲) این قانون و تبصره آن با مجمع عمومی عادی است.
ماده ۱۵۴ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود.	ماده ۲۶۵ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت، شرکا و یا سهامداران و اشخاص ثالث در مورد تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند، از جمله در باره تصدیق خلاف واقع موارد مذکور در ماده (۲۵۶) این قانون، طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی در مقابل شرکت، شرکا، و یا سهامداران و اشخاص ثالث برای جبران خسارت وارد شده مسئولیت دارند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۲۶۶ - بازرس یا بازرسان در هر حال ملزم به رعایت ضوابط و موازین حرفه‌ای مربوط از جمله بی‌طرفی، رازداری، عدم افشای اسرار تجاری و عدم مداخله در امر اداره شرکت می‌باشند.
ماده ۱۵۶ - بازرس نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع شود.	ماده ۲۶۷ - بازرس یا بازرسان و همسر و فرزندان و اقربای سببی و نسبی آنان تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه نمی‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد، طرف معامله و یا سهام شوند.
	ماده ۲۶۸ - چنانچه بازرس شخص حقوقی باشد، شرکت‌های مادر، تابع و وابسته آن نیز مشمول ممنوعیت مذکور در ماده (۲۶۷) این قانون می‌شوند.
	ماده ۲۶۹ - در مورد بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های مالی و اعتباری هرگاه اشخاص مذکور در مواد (۲۶۷) و (۲۶۸) این قانون تحت قیود و شرایط عادی و جاری و بدون دخالت بازرس از بانک یا مؤسسه یا شرکت مالی و اعتباری ذی‌ربط وام یا اعتبار تحصیل کنند، معامله منعقدشده معتبر است لکن این معاملات باید با جزئیات آنها به مجمع عمومی عادی گزارش شود.
	ماده ۲۷۰ - مفاد مواد (۲۳۵) و (۲۳۶) این قانون در مورد بازرس یا بازرسان نیز مجری است.
	ماده ۲۷۱ - رعایت کلیه تکالیف و مسئولیت‌هایی که در این گفتار برای بازرس یا بازرسان مقرر شده است برای حسابدار رسمی موضوع تبصره (۱) ماده (۲۱۴) این قانون نیز الزامی است.
	گفتار دوم - حسابهای شرکت ماده ۲۷۲ - صورتهای مالی عبارت است از گزارش وضع مالی شرکت مشتمل بر صورت دارایی، ترازنامه، حساب عملکرد، حساب سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد که بر اساس استانداردهای حسابداری و به گونه‌ای که بیانگر

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	محتوای اقتصادی معاملات و کلیه اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باشد تهیه می‌شود.
ماده ۲۳۳ - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روش‌های ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکاررفته است رعایت شود. با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردند تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش مدیر یا مدیران و بازررس یا بازرسان در مورد صورتهای مذکور تصمیم بگیرد.	ماده ۲۳۳ - در تنظیم صورتهای مالی هر سال باید همان شکل و روش‌های ارزیابی که در سال مالی قبل به کار رفته است رعایت شود. هرگاه تغییری در شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل مورد نظر باشد، باید صورتهای مالی به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردند تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش مدیر یا مدیران و بازررس یا بازرسان در مورد صورتهای مذکور تصمیم بگیرد.
ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. پائین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیان‌ها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.	ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود حتی اگر پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. کاهش ارزش اموال ثابت، خواه در نتیجه استعمال، خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر، باید در استهلاک منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اموال و زیان‌ها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.
ماده ۲۳۵ - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.	ماده ۲۳۵ - دیونی که شرکت تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شوند.
ماده ۲۳۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلک شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که این گونه هزینه‌ها به عمل آمده مستهلک شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می‌شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل این اضافه ارزش مستهلک نمود.	ماده ۲۳۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود و هزینه‌های افزایش سرمایه حداکثر تا پنج سال از تاریخ هزینه‌کرد مستهلک شوند. چنانچه در نتیجه افزایش سرمایه، سهام جدید صادر شده به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شود، هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل اضافه ارزش مستهلک کرد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۳۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.	ماده ۲۷۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی حاصل کسر کلیه هزینه‌ها و استهلاکات از درآمد همان سال مالی است.
ماده ۲۳۸ - از سود خالص شرکت پس از وضع زیان‌های وارده در سال‌های قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است	ماده ۲۷۸ - پس از وضع زیان‌های وارد در سال‌های قبل باید معادل یک‌دهم سود خالص شرکت طبق ماده (۲۱۵) این قانون به‌عنوان اندوخته قانونی ذخیره شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.
	ماده ۲۷۹ - مجمع عمومی عادی می‌تواند درصدی از سود قابل تقسیم شرکت را به‌عنوان اندوخته اختیاری منظور کند.
ماده ۲۳۹ - سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری به‌علاوه سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است	ماده ۲۸۰ - سود قابل تقسیم، حاصل کسر زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده (۲۷۸) این قانون و اندوخته اختیاری مصوب مجمع عمومی عادی از سود خالص سال مالی شرکت است که به آن سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است، اضافه می‌شود
ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.	ماده ۲۸۱ - مجمع عمومی عادی پس از تصویب صورتهای مالی و احراز وجود سود قابل تقسیم، مبلغی از آن را که باید با رعایت مفاد مواد (۱۶۹)، (۱۷۰)، (۱۷۱) و (۱۷۲) این قانون بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود تعیین می‌کند. تقسیم سود و یا اندوخته‌های اختیاری منوط به پیشنهاد سقف سود قابل تقسیم به‌وسیله مدیر یا مدیران همراه با اظهارنظر بازرس یا بازرسان شرکت مبنی بر وجود نقدینگی لازم برای پرداخت آن در مهلت‌های مقرر و فقدان شرط درآمدی و یا هزینه‌ای در صورتهای مالی است. هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص تقسیم سود برخلاف مفاد این ماده ممنوع و باطل است

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۲۸۲ - در شرکت‌هایی که تهیه صورتهای مالی تلفیقی برای آنها الزامی است، سود تلفیقی مبنای تقسیم سود است مگر آنکه سود مندرج در صورتهای مالی شرکت اصلی کمتر باشد که در این صورت سود شرکت اصلی ملاک تقسیم سود می‌باشد
	ماده ۲۸۳ - مجمع عمومی عادی می‌تواند مقرر کند مبالغی از اندوخته‌های اختیاری شرکت بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود. در این صورت، در تصمیم مجمع مذکور به‌طور صریح قید می‌شود که مبالغ مورد نظر باید از کدام یک از اندوخته‌ها برداشت و تقسیم گردند
ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.	ماده ۲۸۴ - نحوه پرداخت سود قابل تقسیم به‌وسیله مجمع عمومی عادی تعیین می‌شود. اگر این مجمع در مورد نحوه پرداخت تصمیمی نگیرد، مدیر یا مدیران نحوه پرداخت را تعیین می‌کنند. در هر حال، پرداخت سود به شرکا و یا سهامداران باید حداکثر ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی عادی در مورد تقسیم سود انجام شود.
ماده ۱۵۹ ل.ا.ق.ت. - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.	گفتار سوم - تغییرات در سرمایه شرکت ماده ۲۸۵ - هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند بدون موافقت کلیه شرکا و یا سهامداران بر تعهدات آنان بیفزاید.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۱۲ ق.ت. - در هیچ مورد اکثریت شرکا نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم‌الشرکه خود کند.	
ماده ۱۶۴ - اساسنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد.	ماده ۲۸۶ - در اساسنامه شرکت نمی‌توان به مدیر یا مدیران شرکت اختیار تغییر سرمایه را داد.
	ماده ۲۸۷ - تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد افزایش سرمایه باید مشتمل بر موارد زیر باشد: ۱ - مبلغ افزایش سرمایه ۲ - طریق افزایش سرمایه و شیوه تأمین مبلغ لازم برای آن ۳ - زمان آغاز و مهلت افزایش سرمایه ۴ - در صورت مجاز کردن افزایش سرمایه به غیرنقد نام بانک و شماره حسابی که وجوه مربوط در آن واریز و اسناد مالکیت اموال غیرنقد در آن تودیع می‌شود. ۵ - در صورت مدنظر بودن ایجاد امتیاز جدید شرح امتیازات سهم‌الشرکه و یا سهام جدید و موجبات آن ۶ - نحوه تخصیص اضافه ارزش سهام در شرکت‌های سهامی تبصره - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند اختیار تعیین موارد مذکور در بندهای (۳) و (۴) این ماده را به مدیر یا مدیران واگذار کند.
	ماده ۲۸۸ - هرگاه قسمتی از افزایش سرمایه به‌صورت غیرنقد باشد باید تمام آن قسمت، با جلب نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری، تقویم و تسلیم شود و با رعایت ماده (۱۶۵) این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد و مراتب در صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که آن را تصویب کرده است درج گردد. اگر افزایش سرمایه از طریق وارد کردن شریک و یا سهامدار جدید مورد نظر باشد، مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور شرکا و یا سهامداران شرکت و تعهدکنندگان جدید تشکیل می‌شود.
ماده ۱۵۸ - تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید بیکی از طرق زیر امکان‌پذیر است:	ماده ۲۸۹ - افزایش سرمایه به غیرنقد جز در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم به‌نقد. ۲ - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید. ۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت. ۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام.	سهامی عام مجاز است. در شرکت‌های مذکور نیز چنانچه افزایش سرمایه مطابق مقررات این قانون از طریق واگذاری سهام جدید به اشخاص معین، مورد نظر باشد، افزایش سرمایه به غیرنقد مجاز است.
ماده ۱۸۱ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و در صورت تمدید مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع خواهد داد. هر گاه پس از رسیدگی به اوراق پذیرهنویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.	ماده ۲۹۰ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ افزایش سرمایه معین شده است و در صورت تمدید مهلت پس از انقضای آن، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک ماه به تعهدات شرکا و یا سهامداران رسیدگی می‌نمایند و در صورت تأمین کل مبلغ لازم برای افزایش سرمایه ضمن اصلاح اساسنامه، میزان سهم‌الشرکه و یا تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و برای ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کنند. تبصره ۱ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در صورتی که مقدار سهام پذیرهنویسی شده حداقل سه‌چهارم مبلغ مقرر برای افزایش سرمایه باشد، ثبت افزایش سرمایه مجاز است، مگر آنکه مجمع عمومی فوق‌العاده برای تحقق افزایش سرمایه میزان بیشتری را مقرر کند. تبصره ۲ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان در ابتدا به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌شود و پس از تأیید سازمان مذکور مراتب برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت شرکت‌ها می‌رسد. سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مربوط نظر خود را اعلام کند.
ماده ۱۸۳ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) برای ثبت افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود: ۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیئت مدیره	ماده ۲۹۱ - برای ثبت افزایش سرمایه کلیه شرکت‌های تجاری مدیر یا مدیران باید اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مشتمل بر تصویب افزایش سرمایه شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است. ۲ - یک نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است. ۳ - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود. ۴ - در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیرنقد باشد باید تمام قسمت غیرنقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیرهنویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیرنقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود. تبصره - اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضاء کلیه هیئت مدیره رسیده باشد.	۲ - در صورت اجازه مجمع عمومی فوق العاده برای تعیین موضوع بندهای (۳) و (۴) ماده (۲۸۷) این قانون به وسیله مدیر یا مدیران مصوبه آنان در این مورد ۳ - گواهینامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون ۴ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده مذکور در ماده (۲۸۸)، در صورت اقتضاء
ماده ۱۸۵ - در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیرهنویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد.	ماده ۲۹۲ - اگر مجمع عمومی فوق العاده تأمین سرمایه لازم برای افزایش سرمایه را با رعایت مقررات این قانون از طریق تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل تصویب کند، باید مدارک حاکی از موافقت دارندگان این نوع اوراق که بازرس یا بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده‌اند، به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود.
	ماده ۲۹۳ - اظهارنامه مذکور در ماده (۲۹۱) این قانون باید با قید تاریخ به امضای مدیر یا مدیران برسد و مشتمل بر موارد زیر باشد: ۱ - تصریح بر تعهد مبلغ لازم برای افزایش سرمایه و تأدیه و یا تسلیم تمام آن ۲ - میزان سهم‌الشرکه و یا سهام هر یک از تعهدکنندگان

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۸۴ - وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حساب‌های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.	ماده ۲۹۴ - هر نوع تصرف در آورده‌های غیر نقد و وجوهی که به عنوان افزایش سرمایه تسلیم می‌گردد پیش از ثبت افزایش سرمایه شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. همچنین تأمین و توقیف آورده‌های مذکور در مقابل دیون شرکت پیش از ثبت افزایش سرمایه شرکت مجاز نیست.
ماده ۱۸۲ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیره‌نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیره‌نویسی به آن تسلیم شده است گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره‌نویسی کرده‌اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می‌گیرد.	ماده ۲۹۵ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا سه ماه از تاریخ آغاز مهلت افزایش سرمایه به ثبت نرسد، مفاد ماده (۱۵۵) این قانون در باره استرداد مبالغ دریافتی از تعهدکنندگان قابل اجرا است. تبصره - مهلت مذکور در این ماده برای شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام شش ماه است.
ماده ۱۸۹ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد. تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد.	ماده ۲۹۶ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه موضوع ماده (۲۱۶) این قانون، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به پیشنهاد مدیر یا مدیران در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت تصمیم بگیرد، مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق شرکا و یا سهامداران لطمه‌ای وارد نگردد و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در این قانون برای آن نوع شرکت کمتر نشود. تبصره - کاهش سرمایه در شرکت‌های سهامی از طریق کاهش تعداد سهام به نسبت مساوی و یا کاهش بهای اسمی سهم به نسبت مساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۹۰ - پیشنهاد هیأت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و گزارشی درباره امور شرکت و صورتهای مالی از بدو سال مالی در جریان باشد و در صورت عدم تصمیم‌گیری مجمع عمومی در خصوص حسابهای مالی سال قبل این گزارش باید حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل نیز باشد.	ماده ۲۹۷ - پیشنهاد مدیر یا مدیران برای کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و شامل گزارشی درباره امور شرکت و صورتهای مالی از بدو سال مالی در جریان باشد و در صورت عدم تصمیم‌گیری مجمع عمومی در خصوص حسابهای مالی سال قبل این گزارش باید حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل نیز باشد.
ماده ۱۹۱ - بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق‌العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.	ماده ۲۹۸ - بازرس یا بازرسان شرکت به پیشنهاد مدیر یا مدیران رسیدگی و نظر خود را طی گزارشی با رعایت ماده (۱۶۸) این قانون به مجمع عمومی فوق‌العاده تسلیم می‌کنند. تصمیم‌گیری در مجمع مذکور پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان انجام می‌گیرد.
ماده ۱۹۲ - هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداقل ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند	ماده ۲۹۹ - مدیر یا مدیران قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی در این باره را حداقل ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد، در روزنامه شرکت، آگهی کنند.
ماده ۱۹۳ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند.	ماده ۳۰۰ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۲۹۹) این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود به کاهش سرمایه شرکت را به دادگاه تقدیم کنند.
ماده ۱۹۴ - در صورتی که به نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ای که به نظر دادگاه کافی باشد نسپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد. ماده ۱۹۵ - در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه	ماده ۳۰۱ - در مهلت مذکور در ماده (۳۰۰) این قانون و نیز چنانچه اعتراضی شده و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد، کاهش سرمایه شرکت ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در مورد رد اعتراض موضوع ماده (۳۰۰) صادر شده باشد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است.	
	ماده ۳۰۲ - کاهش سرمایه با ثبت آن محقق می‌شود و پیش از آن، پرداخت هر وجهی به شرکا تحت این عنوان ممنوع است.
ماده ۱۹۶ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه‌ای به اطلاع کلیه صاحبان سهم برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد.	ماده ۳۰۳ - پس از کاهش سرمایه برای رد مبلغ کاهش یافته به شرکا و یا سهامداران، مدیر یا مدیران باید مراتب را به‌نحوی که برای دعوت مجامع مقرر است به اطلاع کلیه شرکا و یا سهامداران برسانند. آگهی مذکور باید برای شرکا و سهامداران بانام به‌وسیله پست سفارشی ارسال گردد.
ماده ۱۹۷ - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت. ۲ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه. ۳ - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش. ۴ - نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می‌گیرد	ماده ۳۰۴ - آگهی مذکور در ماده قبل باید مشتمل بر موارد زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - اقامتگاه شرکت ۳ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه ۳ - میزان کاهش سرمایه و نحوه تخصیص مبلغ کاهش‌یافته به شرکا و یا سهامداران ۴ - نحوه پرداخت، مهلت و محل بازپرداخت مبلغ کاهش یافته
	ماده ۳۰۵ - خروج یا اخراج شریک با رعایت مقررات کاهش سرمایه صورت می‌گیرد و باید مبلغ پرداختی به عضو خارج یا اخراج شده به تأیید کارشناس رسمی دادگستری برسد. خروج شریک از شرکت با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود. اخراج شریک از شرکت زمانی قابل انجام است که در این قانون پیش‌بینی شده باشد.
تبصره ۲ ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت. - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.	ماده ۳۰۶ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه، ممنوع و در صورت انجام باطل است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۹۸ - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.	ماده ۳۰۷ - شرکت تجاری نمی‌تواند به‌طور مستقیم یا به‌وسیله شرکت‌های تابع یا وابسته به خود سهام یا سهم‌الشرکه خود را تملک کند، لکن شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام می‌توانند به‌طور غیرمستقیم و از طریق شرکت‌های تابع و وابسته مجموعاً پنج درصد (۵٪) از سهام خود را در اختیار بگیرند. این سهام باید بانام و تمام وجه آن تأدیه شده باشد. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی‌شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهامداران تقسیم می‌گردد. تبصره - شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که سهام آنها به‌صورت بلوک یا عمده در بازار بورس یا خارج از بورس عرضه می‌شود نمی‌توانند از طریق شرکت‌های تابع و وابسته خود با سایرین در خرید سهام مورد عرضه رقابت کنند. منظور از سهام عمده در شرکت‌هایی که سرمایه ثبت شده آنها کمتر از بیست میلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد حداقل پنج درصد (۵٪) سهام آن شرکت و در شرکت‌هایی که سرمایه ثبت شده آنها بیش از مبلغ مذکور باشد حداقل یک درصد (۱٪) سرمایه شرکت است.
	ماده ۳۰۸ - هرگاه شرکت تجاری برخلاف ماده (۳۰۷) این قانون و تبصره آن مستقیم یا غیرمستقیم سهام یا سهم‌الشرکه خود را تملک کند، باید مقدار مازاد را ظرف سه‌ماه به طریق مقتضی واگذار نماید. در غیر این صورت، هر ذی‌نفع می‌تواند الزام شرکت را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه درخواست کند. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی‌شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهامداران تقسیم می‌گردد.
ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود: ۱ - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.	مبحث سوم - انحلال و تصفیه شرکت ماده ۳۰۹ - شرکت تجاری در موارد زیر منحل می‌شود: ۱ - شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر اینکه مدت مذکور، قبل از انقضاء تمدید شود. ۳ - در صورت ورشکستگی ۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد ۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه. ماده ۱۱۴ ق.ت. - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تصمیم عدّه از شرکا که سهم‌الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. د) در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد. ماده ۱۳۶ ق.ت. - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تراضی تمام شرکا: ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد. د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷. ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸. و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.	۲ - شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر اینکه مدت مذکور، قبل از انقضاء تمدید شود. ۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده به هر علتی به انحلال شرکت رأی دهد. ۴ - ادغام یا تجزیه در صورتی که منجر به محو شخصیت حقوقی شرکت شود. ۵ - صدور حکم قطعی دادگاه مبنی بر انحلال در مواردی که در قانون مقرر شده است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلایل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکا معینی باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد. ماده ۹۳ ق.ت. - شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱ - وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد. ۲ - وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد. ۳ - در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴ - در صورت تصمیم مجمع عمومی. ماده ۱۳۷ ق.ت. - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید. ماده ۱۳۸ ق.ت. - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد. ماده ۱۳۹ ق.ت. - در صورت فوت یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است. ماده ۱۴۰ ق.ت. - در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد. ماده ۱۶۱ ق.ت. - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیرسهامی نیز جاری است. ماده ۱۸۱ ق.ت. - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد. ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکا ضامن. د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد. در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.	
ماده ۲۰۱ - در موارد زیر هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد ۱ - در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد. ۲ - در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد. ۳ - در صورتی که سمت تمام یا برخی از مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مدتی زائد بر شش ماه بلا متصدی مانده باشد. ۴ - تحقق مفاد بندهای (۱) و (۲) ماده (۳۰۹) این قانون در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده برای اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود یا به انحلال شرکت رأی ندهد یا تصمیم انحلال به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نشود. ۵ - بیش از شش ماه تعداد شرکا و یا سهامداران شرکت از حداقل مقرر در این قانون کمتر باشد.	ماده ۳۱۰ - در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه درخواست کند: ۱ - تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی برای انجام موضوع آن صورت نگرفته یا فعالیت‌های شرکت به مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد. ۲ - مجمع عمومی عادی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد. ۳ - سمت تمام یا برخی از مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مدتی زائد بر شش ماه بلا متصدی مانده باشد. ۴ - تحقق مفاد بندهای (۱) و (۲) ماده (۳۰۹) این قانون در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده برای اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود یا به انحلال شرکت رأی ندهد یا تصمیم انحلال به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نشود. ۵ - بیش از شش ماه تعداد شرکا و یا سهامداران شرکت از حداقل مقرر در این قانون کمتر باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۶ - موارد مذکور در مواد (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۳۱۲) و (۳۱۳) این قانون
ماده ۲۰۲ - در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.	ماده ۳۱۱ - در مورد بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۵) ماده (۳۱۰) این قانون دادگاه به‌فوریت بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که نباید از شش ماه تجاوز کند می‌دهد تا موجبات انحلال را رفع کنند. چنانچه ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود، دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.
ماده ۱۲۹ ق.ت. - طلبکاران شخصی شرکا حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به‌عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را به‌وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکا می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دائنین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.	ماده ۳۱۲ - بستانکار شخصی هر یک از شرکا در صورتی که نتوانسته باشد در اجرای حکم قطعی دادگاه یا مفاد اسناد لازم‌الاجرا طلب خود را از اموال شخصی شریک وصول کند و سهم شریک از منافع شرکت نیز برای تأدیه طلب وی کافی نباشد می‌تواند توقیف سهم‌الشرکه وی را از دادگاه بخواهد. در این صورت هرگاه واگذاری سهم‌الشرکه با رعایت مقررات مربوط ظرف شش ماه پس از توقیف محقق نشود یا سایر شرکا و یا سهامداران نتوانند با رعایت این قانون بستانکار را از تقاضای انحلال منصرف کنند، دادگاه حکم انحلال شرکت را صادر می‌کند.
ماده ۱۳۸ ق.ت. - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه	ماده ۳۱۳ - در صورت ورشکستگی شریک مدیر تصفیه او می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح تقاضا کند، مشروط بر آنکه شش ماه قبل از تقدیم دادخواست انحلال، مراتب را به‌وسیله اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد	باشد و شرکا نیز نتوانند با رعایت مقررات این قانون مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف کنند.
ماده ۲۰۳ ل.ا.ق. - تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد. ماده ۲۰۲ ق.ت. - تصفیه امور شرکت‌ها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.	ماده ۳۱۴ - تصفیه امور شرکت‌های تجاری با رعایت مقررات این مبحث انجام می‌گیرد، مگر در صورت ورشکستگی شرکت و انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه که تابع مقررات ورشکستگی است. انحلال و تصفیه بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با رعایت مقررات مربوط انجام می‌گیرد.
ماده ۲۰۹ ل.ا.ق.ت. - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعی‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است. ماده ۲۰۵ ق.ت. - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.	ماده ۳۱۵ - تصمیم یا حکم انحلال، نام مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنان و نام بازرس یا بازرسان تصفیه با رعایت این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام شود تا پس از ثبت در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی گردد. اگر شرکت روزنامه نداشته باشد، تصمیم یا حکم، علاوه بر روزنامه رسمی در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری آگهی می‌شود. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مدیران تصفیه باید نسخه‌ای از صورتجلسه انحلال شرکت را ظرف مهلت مقرر برای اعلام تصمیم به مرجع ثبت شرکت‌ها به سازمان بورس و اوراق بهادار نیز ارسال کنند.
ماده ۲۱۰ ل.ا.ق.ت. - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.	ماده ۳۱۶ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
ماده ۲۱۱ ل.ا.ق.ت. - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می‌شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند.	ماده ۳۱۷ - از تاریخ ثبت تصمیم انحلال اختیارات مدیر یا مدیران شرکت خاتمه می‌یابد و تصفیه شرکت شروع می‌شود.
ماده ۲۰۴ ل.ا.ق.ت. - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای	گفتار اول - اداره‌کنندگان امور شرکت منحل شده

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
که رأی به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۲۰۵ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظائف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود. ماده ۲۰۳ ق.ت. - در شرکت‌های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکا ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. ماده ۲۰۴ ق.ت. - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکا ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد. ماده ۲۰۶ ق.ت. - در شرکت‌های مختلط (سهامی و غیرسهامی) شرکا غیر ضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امر تصفیه معین نمایند.	ماده ۳۱۸ - امر تصفیه با مدیر یا مدیران تصفیه است. مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله مجمع عمومی فوق العاده تصویب کننده انحلال و با رعایت مقررات ماده (۳۱۹) این قانون انتخاب می‌شوند، لکن در مورد انتخاب آنان رعایت نصاب مقرر برای انتخاب مدیر یا مدیران شرکت در مجمع عمومی عادی کافی است. اگر مجمع مذکور مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب نکند، دادگاه به تقاضای بازرس یا بازرسان شرکت یا هر ذی‌نفع، مدیر یا مدیران تصفیه را با رعایت شرایط مقرر برای تصدی مدیریت تصفیه انتخاب می‌کند.
	ماده ۳۱۹ - نحوه انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه همان است که برای مدیر یا مدیران شرکت مقرر شده است. شرایط تصدی مدیریت تصفیه و نحوه تعیین حق الزحمه و تعداد مدیران تصفیه همان است که برای مدیران تصفیه ورشکستگی مقرر شده است.
ماده ۲۰۵ - در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظائف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد. در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود. ماده ۲۳۱ ل.ا.ق.ت. - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند	ماده ۳۲۰ - در مواردی که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه است، دادگاه در حکم انحلال، مدیر یا مدیران تصفیه را منصوب و مراتب را به اداره تصفیه امور ورشکستگی برای تعیین قاضی ناظر اعلام و تصویر یا رونوشتی از حکم را به فوریت برای دادستان محل ارسال می‌کند. ماده ۳۲۱ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شوند، در

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصراً به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.	صورت فوت، انحلال یا معذوریت مدیر تصفیه یا منع وی از تصدی این سمت، دادگاه دوباره به تعیین مدیر تصفیه اقدام می‌کند.
ماده ۲۱۴ - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند. ماده ۲۱۵ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمديد مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.	ماده ۳۲۲ - مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر برای دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۳۲۳ - ترتیب تشکیل، اداره جلسات و تصمیم‌گیری مدیران تصفیه در صورت تعدد آنان تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد است.
ماده ۲۰۷ ل.ا.ق.ت - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.	ماده ۳۲۴ - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی دقیق شرکت است، مگر آن که حسب مورد به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شود.
ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان‌لم‌یکن است. ماده ۲۰۸ ق.ت - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد. ماده ۲۰۹ ق.ت - متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا به‌توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند. ماده ۲۱۰ ق.ت - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکا ضامن به او اجازه داده باشند - مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است. ماده ۲۱۴ ق.ت - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکت‌ها (به‌استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.	ماده ۳۲۵ - مدیر یا مدیران تصفیه، نماینده شرکت در حال تصفیه‌اند و کلیه اختیارات لازم برای تصفیه را حتی از طریق ارجاع به داوری، طرح دعوی یا سازش دارند و می‌توانند برای طرح دعوی و دفاع از آن وکیل تعیین کنند. محدود کردن اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
ماده ۲۱۶ ل.ا.ق.ت - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می‌باشند.	ماده ۳۲۶ - مجمع عمومی عادی می‌تواند مدیر یا مدیران تصفیه را عزل کند، مگر آنکه مدیر یا مدیران به‌وسیله دادگاه انتخاب شوند که در این صورت عزل آنها با دادگاه است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۳۲۷ - مدیر تصفیه مطابق مقررات مسئولیت مدنی، مسئول کلیه خسارت‌های ناشی از اعمال خود است.
	ماده ۳۲۸ - کلیه اعمال جاری مدیر یا مدیران تصفیه از جانب هر ذی‌نفع نزد دادگاه قابل شکایت است.
ماده ۲۳۰ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفاء از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به‌ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان‌لم‌یکن است.	ماده ۳۲۹ - اگر مدیر یا مدیران تصفیه قصد استعفاء داشته باشند باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت کنند. در صورتی که مجمع مذکور تشکیل نشود یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه جدید را انتخاب کند و نیز چنانچه مدیر یا مدیران تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه باید استعفای خود را به دادگاه اعلام کنند و تعیین مدیر یا مدیران تصفیه جدید را از دادگاه درخواست کنند. در هر حال، استعفای مدیر یا مدیران تصفیه تا زمانی که جانشین آنان به‌ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشود و مراتب مطابق مقررات این قانون ثبت و آگهی نگردد بی‌اثر است.
ماده ۲۳۱ ل.ا.ق.ت. - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرأً به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد	ماده ۳۳۰ - در صورت فوت، انحلال، معذوریت، حجر یا ورشکستگی هریک از مدیران تصفیه متعدد، چنانچه مدیر به‌وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین دعوت کنند. هرگاه مجمع دعوت شده تشکیل نشود یا نتواند جانشین را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده و در غیر این‌صورت بازرس یا بازرسان تصفیه باید تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کنند. در صورت عدم تقاضای اشخاص مذکور، هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه درخواست نماید.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.	
ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصراً به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.	ماده ۳۳۱ - در مورد ماده (۳۳۰) این قانون اگر مدیر تصفیه واحد بوده و به‌وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین مدیر دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی شرکت را برای تعیین جانشین او از مرجع ثبت شرکت‌ها درخواست کند. هرگاه مجمع دعوت شده تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شده باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کند.
ماده ۲۱۸ - در صورتی که به‌موجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه	ماده ۳۳۲ - مجمع یا دادگاهی که مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می‌کند باید هم‌زمان بازرس یا بازرسان اصلی و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
یک یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.	علی‌البدل تصفیه را نیز انتخاب کند. شرایط، اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های بازرس یا بازرسان تصفیه همان است که برای بازرس یا بازرسان شرکت مقرر شده است. مفاد ماده (۳۲۶) این قانون در مورد عزل بازرسان تصفیه نیز مجری است.
	ماده ۳۳۳ - در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تعیین بازرس تصفیه الزامی نیست. لکن پس از اعلام مراتب به اداره تصفیه امور ورشکستگی و قطعیت حکم انحلال، رئیس اداره یک نفر از قضات ناظر را با موافقت دادگاه صادرکننده حکم به عنوان قاضی ناظر تصفیه تعیین می‌کند. قاضی ناظر تحت نظارت دادگاه صادرکننده رأی فعالیت می‌کند. قاضی ناظر، علاوه بر اختیارات و وظایفی که به موجب مواد قانونی دیگر دارد، نظارت بر جریان تصفیه و سرعت آن و سایر امور اجرایی را بر عهده دارد.
ماده ۲۰۶ - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت "در حال تصفیه" ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد.	گفتار دوم - اداره امور شرکت منحل شده ماده ۳۳۴ - شرکت به محض انحلال، در حال تصفیه محسوب می‌شود و همواره پس از نام شرکت باید عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود. نام مدیر یا مدیران تصفیه نیز باید در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد.
ماده ۲۰۹ - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.	ماده ۳۳۵ - مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف پنج روز پس از تصمیم انحلال، مراتب را برای اجرای مقررات ماده (۳۱۵) به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند. در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تاریخ قطعیت حکم، مبدأ مهلت مذکور است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۱۱ ل.ا.ق.ت. - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می‌شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند. ماده ۲۰۷ ق.ت. - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ و ۲۱۲. ماده ۲۱۴ ق.ت. - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکت‌ها (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.	ماده ۳۳۶ - پس از شروع تصفیه شرکت، مدیر یا مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل و به‌فوریّت امر تصفیه شرکت را بر عهده بگیرند. مدیر یا مدیران تصفیه پس از تحویل گرفتن دفاتر، باید ذیل آنها را ببندند و مراتب را با ذکر کیفیت دفاتر به‌طور خلاصه در صورت‌مجلس قید کنند
	ماده ۳۳۷ - هرگاه شرکت قبل از انحلال در حالت توقف باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باید رسیدگی به امر ورشکستگی شرکت را از دادگاه صالح تقاضا کنند، در غیر این صورت به مجازات مقرر برای ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند.
	ماده ۳۳۸ - مدیر یا مدیران تصفیه باید پس از انتشار آگهی انحلال شرکت، سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه با نشر آگهی در روزنامه شرکت و حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری دیگر از کلیه بستانکاران و بدهکاران شرکت منحل شده و اشخاصی که به هر عنوان اموال شرکت مذکور را در تصرف دارند دعوت کنند. آگهی دعوت باید شامل موارد زیر باشد: ۱ - هویت شرکت منحل شده و نشانی کامل آن ۲ - دعوت از بستانکاران شرکت منحل شده و اشخاصی که ادعائی نسبت به آن دارند برای تقدیم تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود به مدیر یا مدیران تصفیه ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون و دریافت رسید آن.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۳ - دعوت از بدهکاران تاجر متوقف برای معرفی خود ظرف مدت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن ۴ - دعوت از اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر متوقف را در تصرف دارند برای استرداد آن اموال به مدیر یا مدیران تصفیه با رعایت مقررات این قانون ظرف مهلت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
	ماده ۳۳۹ - کلیه بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعائی نسبت به او دارند باید ظرف حداکثر یک ماه پس از انتشار آخرین آگهی موضوع ماده (۳۳۸) این قانون تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود را به مدیر یا مدیران تصفیه تقدیم و رسید دریافت و یا از طریق پست سفارشی دوقبضه برای آنان ارسال کنند.
	ماده ۳۴۰ - بدهکاران شرکت منحل شده و نیز اشخاصی که مالی از اموال آن را به نحوی در تصرف دارند باید ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون خود را معرفی و با رعایت ماده (۳۴۱) اموال مذکور را به مدیر یا مدیران تصفیه تسلیم کنند.
	ماده ۳۴۱ - اگر اموال مذکور در ماده (۳۴۰) این قانون در اجرای عقد لازمی به متصرف تسلیم شده باشد، تسلیم آن به مدیر یا مدیران تصفیه لازم نیست. در غیر این صورت، عمل مستنکف از تسلیم، خیانت در امانت محسوب می‌شود.
	ماده ۳۴۲ - مدیر یا مدیران تصفیه به مطالبات رسیدگی و با موافقت بازرس یا بازرسان تصفیه آنها را تصدیق یا رد می‌کنند. در صورتی که اصل طلب یا مقدار آن و یا تضمین‌های مربوط به آن تصدیق نشود، مراتب به فوریت به بستانکار اخطار و از او توضیح خواسته می‌شود. بستانکار مذکور باید حداکثر ظرف پنج روز پس از دریافت اخطار در این باره توضیح دهد. عملیات تشخیص، شامل متفرعات طلب نیز می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۳۴۳ - در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تصدیق یا رد مطالبات بستانکاران مطابق مقررات تشخیص مطالبات ورشکستگی انجام می‌گیرد.
	ماده ۳۴۴ - مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر تا شش ماه پس از انحلال باید صورت دارایی شرکت را تنظیم و به طور مرتب آن را روزآمد کنند و به ضمیمه آخرین صورتهای مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده است در اقامتگاه شرکت در دسترس عموم قرار دهند. در دسترس بودن صورت دارایی باید در روزنامه شرکت و در صورتی که شرکت روزنامه نداشته باشد، در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری آگهی شود. صورت مذکور باید متضمن موارد زیر باشد: ۱ - تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول به طور مشروح و میزان وجوه نقدی که شرکت منحل شده نزد بانک‌ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی به هر عنوان دارد به نحوی که متضمن مشخصات حسابهای مذکور به طور دقیق باشد. ۲ - کلیه مطالبات، دیون و تضمین‌های آنها که اسامی کلیه بدهکاران و بستانکاران ضمیمه آن است. ۳ - کلیه اموال اشخاص ثالث که به هر عنوان در تصرف شرکت است و نیز صورت کلیه اموالی که شرکت به هر عنوان نزد دیگران دارد. ۴ - کلیه دعاوی اقامه شده له و علیه شرکت که در جریان رسیدگی است یا حکم صادر شده در مورد آن نهایی و یا اجرا نشده است.
	ماده ۳۴۵ - اسامی بستانکارانی که طلب آنها رد شده است، با ذکر دلایل رد، در صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون درج می‌شوند.
	ماده ۳۴۶ - هریک از شرکا، سهامداران و یا بستانکاران شرکت که در مورد صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون اعتراضی دارند، می‌توانند در دادگاه اقامه دعوی کنند. اگر طلب یا وثیقه عینی یا حق رجحان شخصی که طلب یا

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ادعای او قبول شده است مورد اعتراض باشد، علیه بستانکار مذکور اقامه دعوی می‌شود. رسیدگی به دعاوی موضوع این ماده فوری و خارج از نوبت انجام می‌گیرد.
ماده ۲۱۷ ل.ا.ق.ت. - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به‌ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. نسخه‌ای از صورتهای مالی و گزارش مذکور سی روز پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه باید برای اظهارنظر به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه شود.	ماده ۳۴۷ - تا زمانی که تصفیه خاتمه نیافته است، مدیر یا مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی سالانه شرکت را با رعایت تشریفات مربوط، دعوت و صورتهای مالی شرکت را به‌ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. نسخه‌ای از صورتهای مالی و گزارش مذکور سی روز پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه باید برای اظهارنظر به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه شود.
ماده ۲۱۹ ل.ا.ق.ت. - در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش‌بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.	ماده ۳۴۸ - نحوه دعوت، تشکیل و اداره مجامع عمومی و تصمیم‌گیری در آنها در مدت تصفیه مانند زمان قبل از انحلال است. هرگاه مجمع عمومی مطابق مقررات این قانون دعوت نشود، بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی را دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی را از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند.
ماده ۲۲۱ ل.ا.ق.ت. - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوت‌نامه و اطلاعیه‌ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می‌کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد منتشر شود.	
ماده ۲۲۰ ل.ا.ق.ت. - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حساب‌ها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.	ماده ۳۴۹ - شرکا و یا سهامداران در مدت تصفیه می‌توانند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از صورتهای مالی شرکت کسب اطلاع کنند.
ماده ۲۲۲ ل.ا.ق.ت. - در مواردی که به‌موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجمع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در	ماده ۳۵۰ - در مواردی که به‌موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجمع عمومی و تسلیم گزارش باشند، هرگاه مجمع عمومی دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت گردد ولی تشکیل

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و خلاصه صورتهای مالی مقرر در ماده (۳۴۷) این قانون را در صورتی که شرکت، روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت و در غیر این صورت در روزنامه رسمی منتشر کنند.	نشود یا نتواند تصمیم بگیرد، مدیر یا مدیران تصفیه باید گزارش خود و خلاصه صورتهای مالی مقرر در ماده (۳۴۷) این قانون را در صورتی که شرکت، روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت و در غیر این صورت در روزنامه رسمی منتشر کنند.
	ماده ۳۵۱ - چنانچه شرکت سهامی منحل شود و سهامداران تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند، مدیر یا مدیران تصفیه آنچه را که بر عهده سهامداران باقی است وصول می‌کنند، مگر آنکه به علت کفایت اموال شرکت، حقوق طلبکاران و یا سهامداران تضییع نشود.
	ماده ۳۵۲ - مواد قانونی مربوط به دعوای استرداد مذکور در کتاب ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در مورد انحلال نیز مجری است.
ماده ۲۱۴ ل.ا.ق.ت. - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند.	گفتار سوم - تصفیه امور شرکت منحل شده ماده ۳۵۳ - تصفیه باید ظرف مدتی که مجمع عمومی فوق‌العاده معین می‌کند انجام شود. مدت مذکور نباید بیش از دو سال باشد. چنانچه تصفیه ظرف این مدت خاتمه نیابد، مدیر یا مدیران تصفیه باید به‌طور کتبی و مستدل جهات خاتمه نیافتن تصفیه، مهلتی را که برای خاتمه دادن به تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که برای پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی عادی برسانند. مجمع عمومی مذکور پس از استماع نظریه بازرس یا بازرسان در مورد گزارش مدیر یا مدیران تصفیه به تمدید دوره تصفیه حداکثر برای دو سال دیگر اقدام می‌کند.
ماده ۲۱۵ ل.ا.ق.ت. - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.	ماده ۳۵۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه به‌وسیله دادگاه تعیین شوند، تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده (۳۵۳) این قانون با دادگاه است.
	ماده ۳۵۵ - مدیر یا مدیران تصفیه باید اموال شرکت منحل شده را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	شرکا و یا سهامداران بفروشند. در صورتی که مال منقول در بورس و یا بازار قیمت معینی داشته باشد، فروش به کمتر از آن قیمت مجاز نیست. همچنین اشیای ساخته شده از فلزات گرانبها مانند طلا و نقره نباید به بهایی کمتر از بهای فلزی آنها فروخته شود. ماده ۳۵۶ - پس از وضع مخارج تصفیه و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد، مجموع حاصل فروش اموال شرکت بین بستانکاران به نسبت طلب آنها که از قبل تشخیص شده است تقسیم می‌شود. برای مطالبات معلق و نیز مطالباتی که بابت آنها علیه شرکت طرح دعوی شده ولی هنوز در باره آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی متناسب با این مطالبات در حسابهای شرکت منظور گردد. در صورت عدم تصدیق مطالباتی که وجوهی برای آنها منظور گردیده است، وجوه مذکور مطابق مقررات این قانون تقسیم می‌شود. مدیر یا مدیران تصفیه باید هر ماه یک مرتبه گزارش تصفیه شرکت مشتمل بر وجوه تقسیم شده و وجوه موجود را به بازرس یا بازرسان تصفیه ارائه کنند.
	ماده ۳۵۷ - مدیر یا مدیران تصفیه هیچ طلبی را نمی‌پردازند، مگر آنکه مدارک و اسناد آن را از قبل ملاحظه کرده باشند. مدیر یا مدیران تصفیه مبلغی را که می‌پردازند در روی سند قید می‌کنند. در هر حال بستانکاران باید رسید دریافت وجه را ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.
ماده ۲۲۳ ل.ا.ق.ت. - آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می‌شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعده تأدیه آن نرسیده است موضوع شده باشد. ماده ۲۱۱ ق.ت. - آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست به طور موقت بین شرکا تقسیم می‌شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعده تأدیه آن نرسیده است و همچنین معادل	ماده ۳۵۸ - آن قسمت از وجوه نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست، بین شرکا و یا سهامداران به نسبت سرمایه آنان در شرکت تقسیم می‌شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعده تأدیه آنها نرسیده است کنار گذاشته شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مبلغی که در حساب بین شرکا مورد اختلاف است موضوع نمایند.	
	ماده ۳۵۹ - در پایان امر تصفیه از کلیه شرکا و یا سهامداران برای رسیدگی به حساب نهایی و تسویه حساب با مدیر یا مدیران تصفیه و خاتمه دادن به نمایندگی آنان و احراز ختم تصفیه دعوت می‌شود. در صورت عدم دعوت، تا یک ماه پس از ختم تصفیه هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی را از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند. در صورتی که مجمع عمومی دعوت شده تشکیل نشود یا نتواند در باره صورتهای مالی ارائه شده به‌وسیله مدیر یا مدیران تصفیه تصمیم بگیرد یا از تصویب صورتهای مالی ارائه شده خودداری ورزد، دادگاه به تقاضای مدیر یا مدیران تصفیه و یا هر ذی‌نفع دیگر درباره ختم تصفیه تصمیم می‌گیرد.
ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.	ماده ۳۶۰ - تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت برای انجام امور مربوط به تصفیه باقی است و مدیر یا مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای قراردادهای وصول مطالبات و در صورت اقتضاء فروش اموال منقول و غیرمنقول شرکت و تقسیم اموال آن می‌باشند و چنانچه برای اجرای قراردادهای شرکت معاملات جدیدی لازم شود، این معاملات را انجام می‌دهند.
	ماده ۳۶۱ - هرگاه پس از خاتمه تصفیه اموالی متعلق به شرکت منحل شده کشف گردد، مطابق این قانون تقسیم می‌شود.
ماده ۲۲۴ ل.ا.ق.ت. - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارایی شرکت بدواً به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به‌ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.	ماده ۳۶۲ - پس از ختم تصفیه و اجرای قراردادهای ایفای کلیه دیون مطابق مقررات این مبحث، مابقی اموال شرکت به‌ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه، ساکت باشد به نسبت سرمایه شرکا و یا سهامداران بین آنان تقسیم می‌شود. تبصره - در شرکت‌های سهامی، پس از ختم تصفیه، اموال شرکت ابتدا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۱۲ ق.ت. - متصدیان تصفیه حساب شرکا را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکا را از نفع و ضرر معین می‌کنند - رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می‌شود.	سهامداران می‌رسد و مازاد به ترتیب مقرر در این ماده تقسیم می‌شود.
	ماده ۳۶۳ - مدیر یا مدیران تصفیه باید قبل از تقسیم، نحوه تقسیم اموال بین شرکا و یا سهامداران را در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت منتشر کنند در غیر این صورت به طریق مقتضی به اطلاع آنان برسانند.
ماده ۲۲۵ ل.ا.ق.ت. - تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.	ماده ۳۶۴ - تقسیم اموال شرکت بین شرکا و یا سهامداران، خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست، مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران از قبل سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه شرکت آگهی شده و حداقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد. در صورتی که شرکت روزنامه نداشته باشد، آگهی مذکور در روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر می‌شود.
ماده ۲۱۵ ق.ت. - تقسیم دارایی شرکت‌های مذکور در ماده فوق بین شرکا خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یک سال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد	
ماده ۲۲۶ ل.ا.ق.ت. - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.	ماده ۳۶۵ - مدیر یا مدیران تصفیه در صورت تخلف از مواد (۳۶۲) و (۳۶۴) این قانون مسئول جبران خسارت بستانکارانی می‌باشند که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.
ماده ۲۱۶ ق.ت. - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که بطلب خود نرسیده‌اند.	
	ماده ۳۶۶ - هرگاه شرکت تجاری منحل شود تا زمانی که دیون شرکت از اموال آن پرداخت نشده است، هیچ‌یک از

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	بستانکاران شخصی شرکا و یا سهامداران حقی در اموال شرکت ندارند.
ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها حذف گردد.	ماده ۳۶۷ - مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را برای ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند تا در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها حذف گردد.
ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد. - ر.ک. قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴	ماده ۳۶۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیر یا مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است با رعایت غبطه بستانکاران، شرکا و یا سهامدارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند در حساب مخصوصی نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی آنان را به آن بانک تسلیم کنند و مراتب را طی آگهی مذکور در ماده قبل به اطلاع اشخاص ذی‌نفع برسانند تا برای استیفاء طلب خود به بانک مراجعه کنند.
ماده ۲۲۹ ل.ا.ق.ت. - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکت‌ها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.	ماده ۳۶۹ - مدیر یا مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها نسخه‌ای الکترونیک از دفاتر و اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده تهیه نمایند و آن را به مرجع ثبت شرکت‌ها تحویل دهند تا نگهداری شود و برای مراجعه اشخاص ذی‌نفع در دسترس باشد. دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال تمام پس از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند.
ماده ۲۱۷ ق.ت. - دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.	
	ماده ۳۷۰ - تا زمانی که شرکت منحل نشده است، دیون آن باید از خود شرکت مطالبه شود. پس از انحلال و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تصفیه شرکت نیز اگر اموال آن برای پرداخت دیون کافی نباشد، تنها بستانکاران شرکت‌های تضامنی، نسبی و مختلط می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکای ضامن یا به تمام آنان رجوع کنند. در این مورد، بستانکاران شرکت بر بستانکاران شخصی شرکا تقدم ندارند. در این مورد هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند به استناد اینکه میزان دیون شرکت از میزان آورده او در شرکت تجاوز می‌کند از تأدیه دیون شرکت امتناع ورزد. در روابط بین شرکا مسئولیت هریک از آنها در تأدیه دیون شرکت به نسبت سرمایه‌ای است که به شرکت آورده است، مشروط بر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نشده باشد.
ماده ۲۱۳ ل.ا.ق.ت - انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا مدیران تصفیه و یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.	ماده ۳۷۱ - واگذاری تمام یا بخشی از اموال شرکت در حال تصفیه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به اشخاص زیر ممنوع است: ۱ - مدیر یا مدیران تصفیه و کسانی که با آنان رابطه سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه دارند. ۲ - شرکتی که مدیر یا مدیران تصفیه در آن سمت مدیریت یا مدیرعاملی دارند. ۳ - شرکتی که بیش از بیست درصد (۲۰٪) سرمایه آن به اشخاص مذکور در بند (۱) تعلق دارد. ۴ - شرکتی که مادر، تابع و یا وابسته به شرکت در حال تصفیه است. ۵ - مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکتی که مادر، تابع و یا وابسته به شرکت در حال تصفیه است. ۶ - مدیر و مدیرعامل مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه، چنانچه مدیر تصفیه شخص حقوقی باشد. ۷ - شخص حقوقی که شریک، مدیر و یا مدیرعامل آن مدیر تصفیه شرکت در حال تصفیه باشد.
ماده ۱ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.	فصل دوم - اقسام شرکت‌های تجاری و احکام آنها مبحث اول - شرکت سهامی عام

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام بمردم تأمین می‌کنند. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند. نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند.	ماده ۳۷۲ - شرکت سهامی عام شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن از طریق مراجعه به عموم تأمین می‌شود. سهامدار شرکت سهامی عام، به‌جز آنچه که به‌عنوان آورده تعهد می‌کند، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.
ماده ۳ - در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد. ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی به‌وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.	ماده ۳۷۳ - تعداد سهامداران شرکت سهامی عام نباید از هفت شخص کمتر باشد.
ماده ۵ - در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.	ماده ۳۷۴ - سرمایه شرکت سهامی عام در موقع تأسیس نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
ماده ۶ - برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسين باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين	گفتار اول - تشکیل شرکت ماده ۳۷۵ - برای تأسیس شرکت سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد حداقل بیست درصد (۲۰٪) سرمایه شرکت را به همراه مدارک زیر به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند:

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.	۱ - گواهینامه تأیید نام شرکت در شرف تأسیس ۲ - مدارک مصدق هویت مؤسسان ۳ - گواهینامه بانکی حاکی از سپردن حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) مبلغ تعهد شده در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس به عنوان بخش نقدی سرمایه و تودیع مدارک مالکیت بخش غیر نقدی سرمایه به نام شرکت مذکور، با رعایت مفاد ماده (۱۵۰) این قانون ۴ - طرح اساسنامه شرکت ۵ - طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام ۶ - گزارش تحلیلی مشتمل بر طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و خطرهای (ریسک‌های) مرتبط با آن ۷ - تصویر مستندات مربوط به هر حق انحصاری تسلیم شده به عنوان آورده ۸ - برآورد هزینه‌ها و مخارج نقدی و غیر نقدی مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با تأسیس شرکت ۹ - برآورد خالص وجوه دریافتی ۱۰ - نسخه‌ای از هر نوع موافقت‌نامه یا قرارداد منعقد شده مرتبط با تأسیس شرکت ۱۱ - نسخه‌ای از قرارداد تعهد پذیره نویسی مشتمل بر تعهد حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه شرکت، در صورت عدم تکمیل کل سرمایه در جریان پذیره نویسی ۱۲ - تصویر مصدق موافقت‌نامه مرجع خاص مشروط به جلب موافقت آن مرجع
ماده ۷ - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين ۳ - موضوع شرکت ۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک	ماده ۳۷۶ - اظهارنامه موضوع ماده (۳۷۵) باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسان برسد و موارد مذکور در ماده (۱۴۶) و صدر ماده (۱۴۹) این قانون به جز موارد مذکور در بندهای (۱۱) و (۱۲) ماده (۱۴۶) در آن ذکر شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۵ - تعداد سهام بانام و بی‌نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام ۶ - میزان تعهد هر یک از مؤسسين و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود. ۷ - مرکز اصلی شرکت. ۸ - مدت شرکت.	
ماده ۸ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت به‌طور صریح و منجز ۳ - مدت شرکت ۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد. ۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک. ۶ - تعداد سهام بی‌نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام. ۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سالم تجاوز نخواهد بود. ۸ - نحوه انتقال سهام بانام. ۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام و بالعکس. ۱۰ - در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب [ترتیب] آن. ۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت. ۱۲ - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی. ۱۳ - مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.	ماده ۳۷۷ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضای مؤسسان برسد و مشتمل بر موارد مذکور در صدر ماده (۱۴۹) و ماده (۱۵۱) این قانون باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۱۴ - طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی. ۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می‌کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می‌گردند. ۱۶ - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران. ۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند. ۱۸ - قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس. ۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه. ۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن. ۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه.	
ماده ۹ - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌هایی که شرکت به‌منظور آن تشکیل می‌شود. ۳ - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه مورد نظر باشد. ۴ - مدت شرکت. ۵ - هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسين ، در صورتی که تمام یا بعضی از مؤسسين در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاری داشته باشند ذکر آن به‌اختصار. ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیرنقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن به	ماده ۳۷۸ - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت ۴ - مدت شرکت ۵ - هویت، اقامتگاه و شغل مؤسسان و در صورتی که تمام یا بعضی از آنان در امور مربوط به موضوع شرکت و یا امور مشابه با آن با ذکر مختصری از سوابق، اطلاعات و یا تجاری که داشته باشند. ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۷ - تعیین مشخصات و اوصاف و ارزش آورده غیرنقد طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری ۸ - ذکر مقداری از سرمایه که مؤسسان تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
نحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیرنقد اطلاع حاصل نمود. ۷ - در صورتی که مؤسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل. ۸ - تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند. ۹ - ذکر هزینه‌هایی که مؤسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت. ۱۰ - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع. ۱۱ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید توسط پذیره‌نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی به صورت نقدی پرداخت گردد. ۱۲ - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی‌علاقه می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به بانک مراجعه کنند. ۱۳ - تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسین بانضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقه‌مندان به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شده است. ۱۴ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس منحصرأ در آن منتشر خواهد شد. ۱۵ - چگونگی تخصیص سهام به پذیره‌نویسان.	۹ - تعداد سهام بانام و بی‌نام شرکت ۱۰ - در صورتی که مؤسسان برای خود امتیازاتی در نظر گرفته باشند، ذکر دقیق این گونه امتیازات ۱۱ - ذکر هزینه‌هایی که مؤسسان تا آن موقع برای تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعات انجام‌شده، پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت ۱۲ - در صورتی که انجام موضوع شرکت به‌طور قانونی مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد، ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع ۱۳ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید به‌وسیله پذیره‌نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی به صورت نقدی پرداخت گردد و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن ۱۴ - تعیین مهلتی که طی آن اشخاص می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به محلی که پذیره‌نویسی در آن انجام می‌شود مراجعه کنند. ۱۵ - ذکر شماره و نوع حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام پذیره‌نویسی شده به آن حساب پرداخت می‌شود. ۱۶ - ذکر نام، اقامتگاه و میزان تعهدات متعهد پذیره‌نویسی که شخصی حقوقی است غیر از مؤسسان و پذیره‌نویسان که پذیره‌نویسی سرمایه پذیره‌نویسی نشده را ظرف مهلت مقرر تعهد می‌کند. ۱۷ - تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسان به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه اشخاص به مرجع ثبت شرکت‌ها و سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردیده و در پایگاه الکترونیک آنها قرار داده شده است. ۱۸ - تصریح به اینکه سهام چگونه به پذیره‌نویسان تخصیص می‌یابد. ۱۹ - تصریح به مفاد مقررات قانونی در صورتی که سرمایه شرکت در جریان پذیره‌نویسی تکمیل نشود. ۲۰ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار اصلی و علی‌البدلی که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس به‌طور انحصاری در آن منتشر می‌شود

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۳۷۹ - سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون در مورد توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت اظهار نظر کند. در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی، این سازمان ظرف مهلت مذکور مراتب را به‌طور کتبی و مستدل به متقاضی تأسیس اعلام و در غیر این‌صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه مدارک تسلیم شده به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال می‌کند
ماده ۱۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمائ آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر خواهد نمود.	ماده ۳۸۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۳۷۹) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت موارد نقص را به‌طور کتبی و مستدل به سازمان مذکور ارسال کند
ماده ۱۱ - اعلامیه پذیرهنویسی باید توسط مؤسسين در جراید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود.	ماده ۳۸۱ - سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی باید آن را ظرف پانزده روز، به هزینه مؤسسان در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار سراسری منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محلی که پذیرهنویسی در آن صورت می‌گیرد در معرض دید اشخاص قرار داده شود.
ماده ۱۲ - ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است علاقه‌مندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.	ماده ۳۸۲ - ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است، متقاضیان به محلی که پذیرهنویسی در آن انجام می‌گیرد مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که باید به‌صورت نقدی پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می‌کنند
ماده ۱۳ - ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و مدت شرکت ۲ - سرمایه شرکت. ۳ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی و مرجع صدور آن.	ماده ۳۸۳ - ورقه تعهد سهم علاوه بر امضاء باید دربرگیرنده موارد زیر باشد: ۱ - نام شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت ۴ - مدت شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۴ - تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقداً در موقع پذیره‌نویسی باید پرداخت شود. ۵ - نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره‌نویسان باید به آن حساب پرداخت شود. ۶ - هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس. ۷ - قید اینکه پذیره‌نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید	۵ - سرمایه شرکت ۶ - مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیره‌نویسی شامل شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام و مرجع صدور آن ۷ - تعداد سهام پذیره‌نویسی شده و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغ لازم برای پرداخت نقدی در زمان پذیره‌نویسی ۸ - نام بانک، شماره و نوع حساب برای واریز مبلغ لازم ۹ - هویت و نشانی دقیق پذیره‌نویس ۱۰ - تصریح به متعهد بودن پذیره‌نویس برای پرداخت مبلغ پرداخت نشده سهام پذیره‌نویسی شده طبق اساسنامه شرکت
ماده ۱۴ - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره‌نویس یا قائم‌مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به پذیره‌نویس تسلیم می‌شود. تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد	ماده ۲۸۴ - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم می‌شود و با قید تاریخ به امضای پذیره‌نویس یا قائم‌مقام قانونی او می‌رسد و نسخه اول را شخصی که پذیره‌نویسی نزد او انجام می‌شود نگهداری می‌کند و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء به پذیره‌نویس تسلیم می‌شود. چنانچه ورقه تعهد سهام را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل و امضاء کند، هویت، نشانی دقیق و سمت وی در ورقه تعهد سهم قید و مدرک نمایندگی او اخذ می‌شود.
ماده ۱۵ - امضاء ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد	ماده ۲۸۵ - صرف امضای ورقه تعهد سهم به وسیله پذیره‌نویس حاکی از قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی سهامداران است
ماده ۱۶ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدید شده مؤسسان حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلاً سی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند نمود.	ماده ۲۸۶ - پس از پایان مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است یا در صورتی که مهلت تمدید شده باشد پس از انقضای مهلت تمدید شده، مؤسسان حداکثر تا یک‌ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی می‌کنند و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت به‌طور صحیح تعهد گردیده و حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن پرداخت شده است، تعداد سهام هریک از پذیره‌نویسان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت می‌کنند. برای رسمیت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	جلسه مجمع عمومی مؤسس، دعوت از نماینده سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.
	ماده ۳۸۷ - مؤسسان باید همزمان با دعوت مجمع عمومی مؤسس مدارک و مستندات زیر را به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال کنند: ۱ - گواهی نامه بانک در مورد مانده حساب در پایان پذیرهنویسی ۲ - فهرست پذیرهنویسان شامل هویت و نشانی دقیق اشخاص مذکور و میزان تعهد هر یک از آنان
	ماده ۳۸۸ - هرگاه پس از پایان مهلت پذیرهنویسی یا مهلت تمدیدشده سرمایه مذکور در اعلامیه پذیرهنویسی تأمین نشود، کسری سرمایه باید ظرف ده روز به وسیله متعهد پذیرهنویسی تأمین گردد. چنانچه تمام سرمایه شرکت از طریق مذکور تأمین نگردد، شرکت تشکیل نمی‌شود و مؤسسان باید ظرف ده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند. در صورت عدم تشکیل شرکت، متعهد پذیرهنویسی مسئول جبران خسارات وارده است
ماده ۱۷ - (اصلاحی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازررس با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.	ماده ۳۸۹ - مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز تعهد کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره طرح اساسنامه شرکت و در صورت ضرورت، اصلاح و سپس تصویب آن، اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت باید به‌طور کتبی قبول سمت کنند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیران و بازررس یا بازرسان با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود، آن را برعهده گرفته‌اند
تبصره ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت. - (الحاقی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) هرگونه دعوت و اطلاعیه برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه	ماده ۳۹۰ - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر شود. یکی از این دو روزنامه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مؤسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می‌شود	به‌وسیله مجمع عمومی مؤسس تعیین و روزنامه دیگر همان است که اعلامیه پذیرهنویسی در آن منتشر می‌شود.
ماده ۱۸ - اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به‌ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد.	ماده ۳۹۱ - اساسنامه‌ای که به‌وسیله مجمع عمومی مؤسس به تصویب می‌رسد، به‌ضمیمه صورت جلسه مجمع مذکور، اعلامیه قبولی سمت مدیران و بازرسان یا بازرسان و تصویر مصدق مدارک هویت آنان به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم می‌شود. در صورت رعایت مواد (۳۸۶)، (۳۸۷)، (۳۸۸) و (۳۸۹) این قانون، سازمان باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مذکور، برای ثبت شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها، تأیید نامه صادر کند.
	ماده ۳۹۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از دریافت تأییدنامه موضوع ماده (۳۹۱) این قانون و ضمائم آن شرکت را ثبت می‌کند.
ماده ۲۲ - استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.	ماده ۳۹۳ - مفاد مواد (۱۵۳) و (۱۵۴) این قانون درباره شرکت‌های سهامی عام نیز مجری است.
ماده ۱۹ - در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیرهنویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به‌عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذیرهنویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.	ماده ۳۹۴ - هرگاه شرکت تا شش ماه از تاریخی که مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون را دریافت می‌کند به ثبت نرسد، مرجع ثبت شرکت‌ها به درخواست هریک از مؤسسان و پذیرهنویسان گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که تأدیه وجوه و تسلیم مدارک آورده‌های غیرنقدی در آن به‌عمل آمده است، ارسال می‌کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از مؤسسان و پذیرهنویسان تعهدنامه، وجوه پرداختی و یا مدارک مالکیت تودیع شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهینامه مذکور اقدامات ثبتی انجام شده بی‌اثر می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۳ - مؤسّسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند.	ماده ۳۹۵ - کلیه اعمال و اقداماتی که مؤسّسان در حدود مقرر در اعلامیه پذیرهنویسی به نام شرکت انجام داده‌اند پس از ثبت، به حساب شرکت محسوب می‌شود. هرگونه هزینه خارج از حدود مقرر در اعلامیه پذیرهنویسی باید به تصویب مجمع عمومی مؤسس برسد. اگر مجمع عمومی مؤسس این گونه هزینه‌ها را تصویب نکند، هر یک از مؤسّسان در مورد کلیه اعمال و اقدامات مذکور منفرداً مسئولیت دارند.
ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد. تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.	گفتار دوم - سهام ماده ۳۹۶ - سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که بیانگر میزان مشارکت، حقوق و تعهدات صاحب آن در شرکت سهامی است.
ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد. تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.	ماده ۳۹۷ - ورقه سهم سندی قابل معامله و نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. ورقه سهم می‌تواند بانام یا بی‌نام باشد، لکن پذیرهنویسی سهام بی‌نام بیش از سی درصد (۳۰٪) کل سهام شرکت باطل است.
ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد.	ماده ۳۹۸ - در صورتی که برای بخشی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی مقرر شود، این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود. اعطای هر نوع امتیاز به سهامداران در شرکت‌های سهامی جز در قالب سهام ممتاز مجاز نیست. سهام ممتاز باید بانام باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.	
ماده ۲۵ - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب باشد و به امضای حداقل دو نفر، که به موجب اساسنامه تعیین می‌شوند، برسد. همچنین سهام شرکت‌ها را می‌توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد.	ماده ۳۹۹ - اوراق سهام باید متحدالشکل، چاپی و دارای شماره ترتیب باشد و به امضای حداقل دو نفر، که به موجب اساسنامه تعیین می‌شوند، برسد. همچنین سهام شرکت‌ها را می‌توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد.
ماده ۲۶ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود: ۱ - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکت‌ها. ۲ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن. ۳ - تعیین نوع سهم. ۴ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد. ۵ - تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.	ماده ۴۰۰ - قید نکات زیر در ورقه سهم الزامی است: ۱ - هویت و اقامتگاه شرکت ۲ - هویت سهامدار ۳ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن ۴ - نوع سهم ۵ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و عدد ۶ - تعداد سهام در هر ورقه سهم ۷ - سمت اشخاص مکلف به امضاء ورقه سهم طبق اساسنامه تبصره - مقررات بند (۲) در مورد سهام بی‌نام اعمال نمی‌شود.
ماده ۲۹ - در شرکت‌های سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد. ماده ۳۲ - مبلغ اسمی سهم و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.	ماده ۴۰۱ - مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال بیشتر باشد. مبلغ اسمی سهم و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید مساوی باشد.
ماده ۲۷ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به سهامداران گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد، نوع سهم و مبلغ پرداخت شده آن است. این گواهینامه در حکم سهم است. در هر حال، ظرف یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم	ماده ۴۰۲ - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است، شرکت باید به سهامداران گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد، نوع سهم و مبلغ پرداخت شده آن است. این گواهینامه در حکم سهم است. در هر حال، ظرف یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم، باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۳۱ - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود	مسترد و ابطال گردد. در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد (۳۹۹) و (۴۰۰) این قانون باید رعایت شود.
ماده ۲۸ - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاکنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.	ماده ۴۰۳ - تا زمانی که شرکت به ثبت نرسد، صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف، هریک از امضاء کنندگان ورقه منفرداً مسئول جبران کلیه خسارات وارد شده بر اشخاص ثالث می‌باشد.
	ماده ۴۰۴ - برای تبدیل گواهینامه موقت به ورقه سهم مراتب یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به سهامداران داده می‌شود تا برای تبدیل سهم خود به اقامتگاه شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد گواهینامه‌هایی که تبدیل نشده است، سهم بانام صادر و در اقامتگاه شرکت نگهداری می‌شود تا هر موقع که دارندگان گواهینامه‌های مذکور به شرکت مراجعه کردند گواهینامه آنان اخذ و ابطال گردد و ورقه سهم به آنان داده شود.
	ماده ۴۰۵ - در صورت صدور ورقه سهم تا زمانی که سهامدار گواهینامه موقت سهم را تعویض نکرده است، حق حضور و رأی در مجامع عمومی را ندارد.
ماده ۳۹ - سهم بی‌نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهم به قبض و اقباض به عمل می‌آید. گواهی نامه موقت سهم بی‌نام در حکم سهم بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهم بی‌نام می‌باشد.	ماده ۴۰۶ - گواهینامه موقت سهم بی‌نام در حکم سهم بی‌نام و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات این گونه سهم است.
ماده ۳۰ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام ممنوع است. به تعهد کننده این گونه سهم گواهینامه موقت بانام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهم بانام است.	ماده ۴۰۷ - تا زمانی که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشود، صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام ممنوع است. به تعهدکننده این گونه سهم گواهینامه موقت بانام داده می‌شود که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهم بانام است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۳۳ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی‌نفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.	ماده ۴۰۸ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده سهامداران را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه یا تبدیل شرکت دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی‌نفع حق دارد که برای درخواست تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در قانون شود.
تبصره ماده ۳۳ ل.ا.ق.ت. - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.	ماده ۴۰۹ - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه سهامداران و بدون تبعیض به عمل آید.
ماده ۳۴ - کسی که تعهد ابتیاع سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می‌باشد و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.	ماده ۴۱۰ - کسی که خرید سهمی را تعهد می‌کند، مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن است و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد، انتقال گیرنده مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن است.
ماده ۳۵ - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیر کرد از قرار نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال به مبلغ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر آن تماماً پرداخت نشود شرکت این گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده یا مورد معامله باشد از آن طریق و گرنه از طریق مزایده می‌فروشد. از حاصل فروش سهم، ابتدا کلیه هزینه‌های مترتب برداشت و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم بابت اصل و خسارات بیشتر باشد، مازاد به وی پرداخت می‌شود.	ماده ۴۱۱ - چنانچه شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را طبق مقررات اساسنامه مطالبه کند، باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت مناسبی بین ده روز تا دو ماه برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه تعیین کند. با انقضای مهلت مذکور و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه، اگر مبلغ مورد مطالبه به طور کامل پرداخت نشود، شرکت این گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده یا مورد معامله باشد از آن طریق و گرنه از طریق مزایده می‌فروشد. از حاصل فروش سهم، ابتدا کلیه هزینه‌های مترتب برداشت و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم بابت اصل و خسارات بیشتر باشد، مازاد به وی پرداخت می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه‌ها و خسارت دیر کرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می‌شود.	تا زمانی که سهم موضوع این ماده فروخته نشود، دارنده آن می‌تواند بدهی خود را به همراه هزینه‌های مترتب به شرکت پرداخت و از فروش آن جلوگیری کند.
ماده ۳۶ - در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر و یک نسخه از آگهی [به] وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام با قید کلمه «المثنی» به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد	ماده ۴۱۲ - در مورد ماده (۴۱۱) این قانون آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام با قید کلمه «المثنی» به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد
ماده ۳۷ - دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. به علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند.	ماده ۴۱۳ - دارندگان سهام مذکور در ماده (۴۱۱) این قانون حق حضور و رأی در مجامع عمومی سهامداران شرکت را ندارند و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر می‌شود و حق دریافت سود قابل تقسیم و حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید شرکت موضوع ماده (۴۵۶) و حق دریافت اندوخته قابل تقسیم برای این گونه سهام معلق می‌ماند.
ماده ۳۸ - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.	ماده ۴۱۴ - در مورد ماده (۴۱۳) این قانون، چنانچه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند، دوباره حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی معوق وابسته به سهام خود را مطالبه کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۳۹ - سهم بی‌نام سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید. گواهی نامه موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد.	ماده ۴۱۵ - سهم بی‌نام سند در وجه حامل محسوب و دارنده، مالک آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. این گونه سهام با قبض و اقباض واگذار می‌شود.
ماده ۴۰ - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند. در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید بهمان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.	ماده ۴۱۶ - واگذاری سهام بانام باید در دفتر الکترونیک ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده و انتقال گیرنده یا نمایندگان آنها باید مراتب انتقال را در دفتر مذکور امضاء کنند. هویت و نشانی دقیق انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید می‌شود و از نظر اجرای تعهدات ناشی از واگذاری سهم، معتبر است. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت برسد و امضاء شود. هرگونه انتقال سهم بدون رعایت شرایط مذکور از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است. تبصره - در صورتی که واگذاری سهم در بورس یا بازار خارج از بورس انجام شود، حضور انتقال دهنده و انتقال گیرنده برای امضاء در شرکت ضروری نیست و در این مورد دفاتر بازار بورس یا بازار خارج از بورس در حکم دفتر ثبت سهام شرکت است لکن مراتب واگذاری باید ظرف ده روز از جانب مرجع ذی‌ربط در بازار مربوط به شرکت اطلاع داده شود.
ماده ۴۱ - در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.	ماده ۴۱۷ - در اساسنامه نمی‌توان واگذاری سهام را محدود کرد.
ماده ۴۲ - هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به‌طور وضوح تعیین گردد. هرگونه	ماده ۴۱۸ - هر شرکت سهامی تنها به موجب اساسنامه می‌تواند سهام ممتاز اعطاء کند. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به‌وضوح تعیین شود. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز مستلزم اصلاح اساسنامه است. در این صورت سهامدارانی که امتیازاتی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف به‌علاوه یک این‌گونه سهام انجام گیرد.	به‌نفع آنان ایجاد می‌شود یا تغییر می‌کند، در این مورد در حد نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که اساسنامه را اصلاح می‌کند لحاظ نمی‌شوند. تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد تغییر امتیازات سهام ممتاز قطعی نیست، مگر آنکه دارندگان بیش از نصف این‌گونه سهام در جلسه حاضر شوند و با دوسوم آراء با تغییر امتیازات موافقت کنند. اگر در دعوت اول این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان بیش از یک‌سوم این‌گونه سهام کافی است.
ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بخواهد به‌موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران خود سهام بی‌نام شرکت را به سهام بانام و یا آنکه سهام بانام را به سهام بی‌نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.	گفتار سوم - تبدیل سهام ماده ۴۱۹ - سهام بی‌نام با رعایت مفاد این قانون و مطابق اساسنامه یا براساس تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده به سهام بانام تبدیل می‌شود. تبدیل سهام بانام به بی‌نام مجاز نیست.
ماده ۴۴ - در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به سهامداران داده شود تا برای تبدیل سهام خود به اقامتگاه شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح می‌شود که پس از انقضای این مهلت کلیه اوراق سهام مذکور باطل می‌گردد.	ماده ۴۲۰ - در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هریک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به سهامداران داده شود تا برای تبدیل سهام خود به اقامتگاه شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح می‌شود که پس از انقضای این مهلت کلیه اوراق سهام مذکور باطل می‌گردد.
ماده ۴۵ - سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام بانام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر خواهد شد. فاصله	ماده ۴۲۱ - سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده (۴۲۰) این قانون برای تبدیل به سهام بانام به اقامتگاه شرکت تسلیم نشده باشد، باطل می‌شود. شرکت باید برابر تعداد سهام باطل‌شده، سهام بانام صادر کند و در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد آن را از طریق بورس و گرنه از طریق بازار خارج از بورس بفروشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام بفروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.	
ماده ۴۶ - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می‌شود بدو آ هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق‌الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده می‌شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال باقیمانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان به خزانه دولت منتقل گردد.	ماده ۴۲۲ - از حاصل فروش سهامی که طبق ماده (۴۲۱) این قانون فروخته می‌شود، در ابتدا هزینه‌های مترتب از قبیل کارمزد بورس و کارگزار آن و نیز مالیات نقل و انتقال سهام کسر و مازاد آن به‌وسیله شرکت به صندوق دادگستری واریز می‌گردد و رسید آن به دادستان شهرستان محل اقامت شرکت تسلیم می‌شود تا در صورت مراجعه سهامداران باطل شده به آنها پرداخت شود. پس از انقضای ده سال، باقیمانده وجوه در حکم مال بلاصاحب است.
تبصره ماده ۴۶ ل.ا.ق.ت. - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام بفروش نرسد صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به‌ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی‌نام که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام بانام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد، رعایت می‌شود.	ماده ۴۲۳ - در مورد مواد (۴۲۱) و (۴۲۲) این قانون سهامداران بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به‌ترتیب مراجعه اختیار دارند از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده است به نسبت سهام بی‌نامی که در دست دارند، وجه نقد دریافت و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام بانام تحصیل کنند. این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده، هر دو در اختیار شرکت قرار دارد، رعایت می‌شود.
ماده ۴۸ - پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام بانام و یا تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت‌های مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکت‌ها را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود	ماده ۴۲۴ - پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام بانام یا پس از پایان مهلت مذکور در ماده (۴۲۳) این قانون شرکت باید مرجع ثبت شرکت‌ها را از تبدیل سهام خود به‌طور کتبی مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسد و برای اطلاع عموم آگهی شود.
ماده ۴۹ - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق مندرج در ماده (۴۱۳) این قانون می‌شوند.	ماده ۴۲۵ - دارندگان سهامی که بر طبق مقررات این گفتار سهام خود را تبدیل نکرده باشند، مشمول حکم مندرج در ماده (۴۱۳) این قانون می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت.	گفتار چهارم - مقررات خاص مجامع عمومی ماده ۴۲۶ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به‌قرار زیر است: ۱ - رسیدگی به گزارش مؤسسان و تصویب آن ۲ - احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم ۳ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن ۴ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت ۵ - تعیین روزنامه شرکت
ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به‌قرار زیر است: ۱ - رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم. ۲ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن. ۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت. ۴ - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.	ماده ۴۲۷ - گزارش مؤسسان باید حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع مذکور تعیین می‌شود، برای ارائه به پذیرهنویسان آماده باشد.
ماده ۷۵ - در مجمع عمومی مؤسس حضور عده‌ای از پذیرهنویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسين دعوت می‌شوند مشروط بر اینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی [یک] سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام می‌دارند.	ماده ۴۲۸ - در مجمع عمومی مؤسس حضور اشخاصی که بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشود، مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت دیگر به‌وسیله مؤسسان دعوت می‌شود، مشروط بر اینکه حداقل بیست روز قبل از انعقاد مجمع، آگهی دعوت با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید زمانی قانونی است که صاحبان بیش از یک‌سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در مجمع عمومی مؤسس کلیه تصمیمات باید با اکثریت حداقل دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی اتخاذ شود، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی است. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشوند، مؤسسان عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کنند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت. - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیره‌نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.	ماده ۴۲۹ - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسان و پذیره‌نویسان حق حضور دارند.
ماده ۷۶ - هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غیرنقد داشته باشند مؤسسين باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده‌های غیرنقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسين برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به‌ضمیمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.	ماده ۴۳۰ - هرگاه برخی از مؤسسان آورده غیر نقدی داشته باشند، باید نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری در مورد تقویم آورده‌های غیرنقد را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس قرار دهند. چنانچه مؤسسان برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند، باید توجیه آن به‌ضمیمه گزارش مذکور به مجمع عمومی مؤسس تقدیم شود.
ماده ۷۷ - گزارش مربوط به ارزیابی آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی که تعهد کرده‌اند یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند و آن قسمت از سرمایه غیرنقد که موضوع مذاکره و رأی است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد. ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.	ماده ۴۳۱ - گزارش مربوط به تقویم آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مطالبه مزایا باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و اشخاصی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی یا مزایای مورد مطالبه آنها موضوع رأی‌گیری است، حق رأی ندارند. آن قسمت از سرمایه غیرنقد نیز که موضوع مذاکره است از حیث حد نصاب، جزء سرمایه شرکت محسوب نمی‌شود. ماده ۴۳۲ - امتیازاتی که در مجمع عمومی مؤسس تصویب می‌شود نمی‌تواند با مفاد آگهی پذیرهنویسی مغایر باشد. همچنین مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.
ماده ۷۹ - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایایی که مطالبه شده است تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که از یک ماه تجاوز نکند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که	ماده ۴۳۳ - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایای مطالبه شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل می‌شود و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند به جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ آن را تأدیه کنند.	و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل می‌شود و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند به جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ آن را تأدیه کنند.
ماده ۸۰ - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که بر طبق ماده قبل به منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیرنقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می‌گردد باید بیش از نصف پذیره‌نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.	ماده ۴۳۴ - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که طبق ماده (۴۳۳) این قانون به منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیرنقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می‌گردد باید اشخاصی که حداقل بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند حاضر شوند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.
ماده ۸۱ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیرنقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد مؤسسين باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهی‌نامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند.	ماده ۴۳۵ - هرگاه در جلسه دوم در اثر خروج دارندگان آورده غیرنقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان، قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نگردد، مطابق مفاد ماده (۳۸۸) این قانون عمل می‌شود
ماده ۸۴ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.	ماده ۴۳۶ - در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر شوند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.
ماده ۸۵ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.	ماده ۴۳۷ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۸۷ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلأ بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.	ماده ۴۳۸ - مجمع عمومی عادی با حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند تشکیل می‌شود. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر تعداد از سهامدارانی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.
ماده ۸۸ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را بیک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.	ماده ۴۳۹ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان یا بازرسان که اکثریت نسبی کافی است. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور است. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر تقسیم کند. رعایت این ترتیب در مورد انتخاب بازرسان یا بازرسان نیز الزامی است.
	ماده ۴۴۰ - در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مفاد مواد (۴۳۶)، (۴۳۷)، (۴۳۸) و (۴۳۹) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.
ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.	ماده ۴۴۱ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر سهامداری که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند.
ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با	ماده ۴۴۲ - فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.	
ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.	ماده ۴۴۳ - از حاضران در مجمع فهرستی تنظیم می‌شود و در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از آنان قید می‌شود و صحت اطلاعات فهرست مذکور حسب مورد به تأیید مدیر یا مدیران یا مقام دعوت‌کننده می‌رسد.
ماده ۱۰۱ - مجامع عمومی توسط هیئت‌رئیس‌های مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه با اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.	ماده ۴۴۴ - مجامع عمومی به وسیله هیأت‌رئیس‌های مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شوند. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد، ریاست مجمع با رئیس هیأت‌مدیره است، مگر در موارد مذکور در مواد (۱۷۶) و (۲۰۵) این قانون یا در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزء دستور جلسه مجمع عمومی عادی باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه انتخاب می‌شود. ناظران از بین سهامداران انتخاب می‌شوند لکن منشی جلسه می‌تواند سهامدار نباشد. در انتخاب رئیس، ناظران و منشی مجامع عمومی، رأی اکثریت نسبی سهامداران حاضر دارای حق رأی کافی است.
	ماده ۴۴۵ - مقام دعوت‌کننده مجمع می‌تواند از دادگاه درخواست کند شخص یا اشخاصی را برای تکمیل اعضای

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	هیأت‌رئیس‌ه معین کند. دادگاه به‌فوریت در این باره در جلسه اداری و غیرقابل اعتراض تصمیم می‌گیرد. در صورت انتخاب اعضای هیأت‌رئیس‌ه مطابق مقررات ماده (۴۴۴) این قانون سمت عضو منتخب دادگاه زایل می‌شود در هر حال حق الزحمه عضو منتخب بر عهده شرکت است.
ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه‌ای توسط منشی ترتیب داده می‌شود که به امضاء هیئت رئیس‌ه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.	ماده ۴۴۶ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه‌ای به وسیله منشی تنظیم می‌شود که به امضای هیأت‌رئیس‌ه مجمع می‌رسد و یک نسخه از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری می‌شود. صورت جلسه باید برای امضاء به کلیه اعضای هیأت‌رئیس‌ه ارائه شود و در صورت امتناع هریک از اعضاء از امضای آن به گواهی سایر اعضاء صورت جلسه مذکور با امضای اکثریت هیأت رئیس‌ه معتبر است. مسئولیت صحت مندرجات صورت جلسه با امضاء کنندگان آن است.
	ماده ۴۴۷ - برای رسمیت کلیه جلسات مجامع عمومی شرکت‌های سهامی عام، دعوت از سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.
ماده ۱۵۷ - سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.	گفتار پنجم - افزایش سرمایه شرکت ماده ۴۴۸ - سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد. افزایش سرمایه از طریق صدور سهام بی‌نام باطل است.
ماده ۱۵۹ - افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نیست، مگر آنکه کلیه سهامداران با آن موافق باشند.	ماده ۴۴۹ - افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای سهامداران ایجاد تعهد کند ممکن نیست، مگر آنکه کلیه سهامداران با آن موافق باشند.
ماده ۱۸۸ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید هنگام پذیره‌نویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاتر شود.	ماده ۴۵۰ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد، تمام مبلغ افزایش سرمایه باید به‌طور نقدی پرداخت شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۵۸ - تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید بیکی از طرق زیر امکان‌پذیر است: ۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد. ۲ - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید. ۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت. ۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام.	ماده ۴۵۱ - مبلغ لازم برای افزایش سرمایه فقط به شیوه‌های زیر تأمین می‌شود: ۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم به‌طور نقدی ۲ - انتقال سود تقسیم‌نشده و یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت ۳ - تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم، در موارد تجویز قانونی انتشار این‌گونه اوراق بهادار به‌وسیله شرکت
ماده ۱۶۵ - مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.	ماده ۴۵۲ - تا زمانی که سرمایه اولیه شرکت به‌طور کامل تأدیه نشده است، افزایش سرمایه مجاز نیست.
ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می‌کند.	ماده ۴۵۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت‌مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان در مورد افزایش سرمایه تصمیم می‌گیرد. گزارش مذکور باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت‌مدیره باشد.
تبصره ۲ ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت. - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از به دو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارشی بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد	ماده ۴۵۴ - پیشنهاد هیأت‌مدیره راجع به افزایش سرمایه باید دربرگیرنده توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی در مورد امور شرکت از شروع سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی در باره حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.
ماده ۱۶۲ - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیئت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی بیکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.	ماده ۴۵۵ - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت‌مدیره اجازه دهد تا ظرف مدت معینی که نباید از دو سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معین به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.
ماده ۱۶۹ - در شرکت‌های سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد یا اطلاع [به اطلاع] صاحبان سهام برسد در این	ماده ۴۵۶ - پس از تصویب افزایش سرمایه در مجمع عمومی فوق‌العاده، در صورتی که افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به سهامداران به نسبت سرمایه آنان تصویب شود، هیأت‌مدیره شرکت باید ضمن صدور گواهینامه حق خرید سهم برای هر یک از سهامداران

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره‌نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد. ماده ۱۷۰ - در شرکت‌های سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی‌نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.	مراتب را با تصریح به موارد زیر به‌نحوی که برای دعوت از مجامع مقرر شده است به اطلاع سهامداران شرکت برساند: ۱ - مبلغ افزایش سرمایه ۲ - شیوه افزایش سرمایه ۳ - مهلت تأمین مبلغ افزایش سرمایه و زمان آغاز آن ۴ - نام بانک و شماره حساب برای تأدیه وجوه مربوط به افزایش سرمایه
ماده ۱۷۰ - در شرکت‌های سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی‌نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.	ماده ۴۵۷ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون برای سهامداران بانام باید به‌وسیله پست سفارشی دو قبضه ارسال گردد. اگر بخشی از سهام شرکت بی‌نام باشد، در اطلاعیه موضوع ماده (۴۵۶) باید قید شود که سهامداران بی‌نام برای دریافت گواهینامه، ظرف مهلت معینی که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید می‌شود مراجعه کنند.
ماده ۱۷۱ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت. ۲ - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت.	ماده ۴۵۸ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - اقامتگاه شرکت ۳ - مبلغ سرمایه فعلی و هم چنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۳ - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن. ۴ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود. ۵ - مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند. ۶ - هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره‌نویسی مقرر شده باشد.	۴ - تعداد و نوع سهام قابل خرید برای دارنده گواهینامه با ذکر مبلغ اسمی هر سهم ۵ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم ۶ - مهلت استفاده از حق خرید ۷ - هرگونه شرط مقرر دیگر برای پذیره‌نویسی
تبصره ماده ۱۷۱ ل.ا.ق.ت. - گواهینامه حق خرید سهم باید بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.	ماده ۴۵۹ - گواهینامه حق خرید سهم باید به همان ترتیب که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.
	ماده ۴۶۰ - سهامداران، ظرف مهلت مقرر، با مراجعه به بانک و ارائه گواهینامه حق خرید سهم و واریز مبلغ مربوط به شماره حساب اعلام‌شده، ورقه تعهد سهم دریافت می‌کنند.
	ماده ۴۶۱ - ورقه تعهد سهم مذکور در ماده (۴۶۰) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت ۴ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه ۵ - مبلغ افزایش سرمایه ۶ - تعداد و نوع سهام پذیره‌نویسی شده و مبلغ اسمی آن ۷ - نام بانک و مشخصات حساب برای واریز بهای سهم ۸ - هویت و نشانی دقیق پذیره‌نویس
	ماده ۴۶۲ - هرگاه سهام جدید مطابق ماده (۲۹۲) واگذار شود، درج مورد مذکور در بند (۷) ماده (۴۶۱) ضروری نیست.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره ماده ۱۷۱ ل.ا.ق.ت. - گواهینامه حق خرید سهم باید بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهم شرکت مقرر است به امضاء برسد.	ماده ۴۶۳ - رعایت مفاد ماده (۳۸۴) این قانون در مورد ورقه تعهد سهم جدید نیز الزامی است.
ماده ۱۷۲ - در صورتی که حق تقدم در پذیرهنویسی سهم جدید از صاحبان سهم سلب شده باشد یا صاحبان سهم از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهم جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.	ماده ۴۶۴ - اگر سهامداران ظرف مهلت مقرر سهم جدید را تعهد نکنند، سهم باقیمانده با رعایت مفاد این قانون از طریق عرضه عمومی واگذار می‌شود.
ماده ۱۶۸ - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیرهنویسی سهم جدید از بعضی از صاحبان سهم به نفع بعضی [بعضی] دیگر انجام می‌گیرد سهامدارانی که سهم جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت بودن تصمیمات مجمع عمومی سهم سهامدارانی که سهم جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.	ماده ۴۶۵ - اگر تصویب افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهم جدید به برخی از سهامداران موجود مدنظر باشد، این سهامداران در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که در این مورد تصمیم می‌گیرد حق رأی ندارند. در این مورد و نیز چنانچه افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهم جدید به اشخاص خاصی مورد نظر باشد، هرگاه سهم شرکت در بازار بورس یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده باشد ارزش سهم برای واگذاری نمی‌تواند از قیمت موجود در بازار در روز انجام معامله و در مورد سایر شرکت‌ها از مبلغی که به وسیله کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌شود کمتر باشد.
ماده ۱۷۳ - شرکت‌های سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهم جدید برای پذیرهنویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهم جدید را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند	ماده ۴۶۶ - در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده افزایش سرمایه را از طریق عرضه عمومی تمام یا بخشی از سهم جدید تصویب کند، مدیران باید قبل از عرضه کردن سهم جدید برای پذیرهنویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهم جدید را به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.
ماده ۱۷۴ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و شماره ثبت شرکت. ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن. ۳ - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.	ماده ۴۶۷ - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده (۴۶۶) این قانون باید به امضای مدیران شرکت برسد و حداقل مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - اقامتگاه شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۴ - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن. ۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه. ۶ - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن. ۷ - هویت کامل اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت. ۸ - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی. ۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم اموال بعد از تصفیه. ۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم منتشر شده به وسیله شرکت و مهلت و شرایط تبدیل این گونه اوراق به سهم. ۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق بهادار منتشر شده به وسیله شرکت و تضمین های مربوط به آن. ۱۲ - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است. ۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه. ۱۴ - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده اند. ۱۵ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی. ۱۶ - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم. ۱۷ - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود. ۱۸ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود. ۱۹ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن نشر می شود	۴ - تاریخ انقضای مدت شرکت در صورت تشکیل آن برای مدت محدود ۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه ۶ - تعداد و امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار آن ۷ - هویت اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ۸ - شرایط حضور و حق رأی سهامداران در مجامع عمومی ۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم اموال بعد از تصفیه ۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم منتشر شده به وسیله شرکت و مهلت و شرایط تبدیل این گونه اوراق به سهم ۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق بهادار منتشر شده به وسیله شرکت و تضمین های مربوط به آن ۱۲ - مبلغ دیون شرکت و هم چنین مبلغ دیون اشخاص ثالث تضمین شده به وسیله شرکت ۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه ۱۴ - برآورد هزینه های افزایش سرمایه و نحوه استهلاك آن ۱۵ - تعداد و نوع سهام جدید تعهد شده سهامداران با استفاده از حق تقدم موضوع ماده (۴۵۶) این قانون ۱۶ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی ۱۷ - مبلغ اسمی و نوع سهام عرضه شده ۱۸ - مبلغ اضافه ارزش سهم و نحوه تخصیص آن به شرکت، سهامداران فعلی یا سهامداران فعلی و جدید حسب تصویب مجمع عمومی فوق العاده تصویب کننده افزایش سرمایه ۱۹ - حداقل سهام قابل تعهد به هنگام پذیرهنویسی ۲۰ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم در آن ۲۱ - نام روزنامه شرکت
ماده ۱۷۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه	ماده ۴۶۸ - آخرین صورتهای مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی می رسد و توجیه اقتصادی افزایش سرمایه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود.	باید به‌ضمیمه طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردد، مگر آنکه هنوز موعد تنظیم اولین صورتهای مالی شرکت نرسیده باشد که در صورت اخیر این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود
	ماده ۴۶۹ - سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در مواد (۴۶۶) و (۴۶۸) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای افزایش سرمایه شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند
ماده ۱۷۶ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول طرح اعلامیه پذیرهنویسی و ضامین آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.	ماده ۴۷۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۴۶۹) و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به‌طور کتبی به شرکت متقاضی افزایش سرمایه و سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کند. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را به‌طور کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.
ماده ۱۷۷ - اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن نشر می‌گردد اقلأ در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن به‌عمل می‌آید در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به‌تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده است.	ماده ۴۷۱ - سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی باید این اعلامیه را ظرف پانزده روز در روزنامه شرکت منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محل پذیرهنویسی در معرض دید اشخاص قرار گیرد. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین صورتهای مالی شرکت که به‌تصویب مجمع عمومی رسیده است، نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در اقامتگاه شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان در دسترس است.
ماده ۱۷۸ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء	ماده ۴۷۲ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین می‌شود و نباید از سی روز بیشتر باشد به محل پذیرهنویسی مراجعه و ورقه تعهد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۷۹ - پذیرهنویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد به عمل خواهد آمد: ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت. ۲ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه. ۳ - مبلغ افزایش سرمایه. ۴ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید و مرجع صدور آن. ۵ - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن. ۶ - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می‌شود. ۷ - هویت و نشانی کامل پذیرهنویس. ماده ۱۸۰ - مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است	سهام را امضاء و مبلغی را که باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می‌کنند. این مهلت تنها یکبار و حداکثر به مدت سی روز قابل تمدید است. در ورقه تعهد سهام موضوع این ماده، علاوه بر موارد مندرج در ماده (۴۶۱) این قانون باید مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیرهنویسی موضوع ماده (۴۷۰) نیز درج گردد. رعایت مفاد مواد (۳۸۴) و (۳۸۵) این قانون در مورد ورقه تعهد سهام موضوع این ماده نیز الزامی است
ماده ۱۶۰ - شرکت می‌تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.	ماده ۴۷۳ - اضافه ارزش حاصل از واگذاری سهام جدید در افزایش سرمایه براساس تصمیم مجمع عمومی فوق العاده‌ای که افزایش سرمایه را تصویب کرده است به عنوان اندوخته اختیاری به شرکت منتقل می‌شود یا به صورت سهام جایزه به سهامداران فعلی یا سهامداران فعلی و جدید تعلق می‌گیرد
ماده ۱ - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. ماده ۴ - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام ب مردم تأمین می‌کنند. این گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند.	مبحث دوم - شرکت سهامی خاص ماده ۴۷۴ - شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در موقع تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تعهد می‌شود. سهامدار شرکت سهامی خاص، به جز آنچه به عنوان آورده تعهد می‌کند، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد. تعداد سهامداران در شرکت سهامی خاص نباید از سه عضو کمتر باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند.	
ماده ۵ - در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد.	ماده ۴۷۵ - سرمایه شرکت سهامی خاص در موقع تأسیس نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
ماده ۲۰ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) برای تأسیس و ثبت شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود: ۱ - اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد. ۲ - اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به‌صورت غیرنقد باشد باید تمام آن تأدیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتازه وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد. ۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. ۴ - قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷. ۵ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.	ماده ۴۷۶ - برای ثبت شرکت سهامی خاص مؤسسان باید کل سرمایه شرکت را تعهد کنند و حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) بخش نقدی سرمایه را در حساب شرکت در شرف تأسیس بسپارند و کل سرمایه غیرنقدی را تسلیم کنند
	ماده ۴۷۷ - احکام مربوط به سهام که در مورد شرکت سهامی عام پیش‌بینی شده است و نیز رعایت مفاد مواد (۴۳۶) تا (۴۴۳) این قانون در مورد مجامع عمومی این شرکت در شرکت سهامی خاص نیز الزامی است، لکن

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	سهام شرکت سهامی خاص نمی‌تواند بی‌نام باشد. شرکت‌های سهامی خاصی که پیش از تصویب این قانون سهام بی‌نام منتشر کرده‌اند باید ظرف دو سال کلیه سهام بی‌نام شرکت را با رعایت مقررات مربوط، به سهام بانام تبدیل کنند.
	ماده ۴۷۸ - رعایت مفاد مواد مربوط به افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام به جز مواد (۴۶۴) و (۴۶۶) تا (۴۷۲) این قانون در مورد شرکت سهامی خاص نیز الزامی است.
ماده ۹۴ ق.ت. - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکا بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.	مبحث سوم - شرکت با مسئولیت محدود ماده ۴۷۹ - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که به وسیله یک یا چند شخص تشکیل می‌شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست و هر یک از شرکا آن، به جز آنچه که به عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است، هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد.
ماده ۱۰۲ ق.ت. - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از بالاسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.	ماده ۴۸۰ - در صورتی که شرکت به وسیله یک شخص تشکیل شود، آن شخص وظایف و تعهدات مؤسسان را برعهده دارد و صورتجلسه موضوع بند (۳) ماده (۱۴۵) این قانون فقط باید شامل تقویم آورده‌های غیرنقد بر اساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری و انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت باشد.
	ماده ۴۸۱ - شرکت با مسئولیت محدود با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.
ماده ۹۶ - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد	ماده ۴۸۲ - برای ثبت شرکت با مسئولیت محدود باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.
ماده ۹۸ ق.ت. - شرکا نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.	ماده ۴۸۳ - هر یک از شرکا در مورد کل قیمتی که به هنگام ثبت شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین می‌شود در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۹۹ - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.	ماده ۴۸۴ - دعاوی ناشی از مفاد ماده (۴۸۳) این قانون حداکثر باید ظرف ده سال تمام از تاریخ ثبت شرکت اقامه شود
ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجعه به شرکت باید به اکثریت لاقل نصف سرمایه اتخاذ شود - اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد	ماده ۴۸۵ - مجمع عمومی عادی با رأی اکثریت عددی شرکایی که بیش از نصف سرمایه به آنها تعلق دارد تصمیم می‌گیرد. اگر این اکثریت در جلسه اول حاضر نشوند، باید تمام شرکا دوباره دعوت شوند. در این صورت تصمیمات با رأی دارندگان بیش از نصف سرمایه شرکت اتخاذ می‌شود.
ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکا که لاقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.	ماده ۴۸۶ - در شرکت با مسئولیت محدود مجمع عمومی فوق العاده با تصویب اکثریت عددی شرکایی که بیش از دو سوم سرمایه را دارند تصمیم می‌گیرد مگر در مورد تغییر در سرمایه که اتفاق آراء لازم است.
	ماده ۴۸۷ - در مورد مواد (۴۸۵) و (۴۸۶) این قانون در اساسنامه می‌توان اکثریت بیشتری را مقرر کرد
	ماده ۴۸۸ - هرگاه شرکت به وسیله یک شخص تأسیس شود یا پس از تشکیل به هر علت تعداد شرکای آن به یک شخص تقلیل یابد، شخص مذکور کلیه وظایف و اختیارات مجامع عمومی را برعهده دارد. در این صورت، رعایت مقررات مربوط به دعوت، تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری در مجامع عمومی الزامی نیست
	ماده ۴۸۹ - کلیه صورتهای مالی شرکت تک عضو باید به صورت سالانه به تأیید حسابدار رسمی برسد. تأییدیه مذکور برای مدیر یا مدیران این گونه شرکت‌ها در حکم مفاسد حساب دوره مدیریت است. حسابدار مذکور در این ماده، کلیه مسئولیتهای بازرس شرکت را نیز دارد
ماده ۱۰۲ - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت	ماده ۴۹۰ - سهم‌الشرکه، قابل واگذاری به غیر نیست مگر اینکه مجمع عمومی عادی شرکت موافقت کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
عده از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند	
ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تصمیم عده‌ای از شرکا که سهم‌الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. د) در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.	ماده ۴۹۱ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت فوت یا محجور شدن هریک از شرکا، مشروط بر پیش‌بینی در اساسنامه ۲ - حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکا مطابق ماده (۴۹۲) این قانون
	ماده ۴۹۲ - هر یک از شرکا می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام نماید. سایر شرکا می‌توانند ظرف مهلت مذکور با رعایت مفاد این قانون از طریق انتقال گرفتن سهم‌الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک از شرکت، مانع انحلال شوند. در غیر این صورت، اگر دادگاه جهات تقاضا را موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. جهات تقاضا در صورتی موجه است که به‌عللی از قبیل عدم انجام تعهدات شرکا در قبال شرکت، عدم همکاری یا هماهنگی بین شرکا و یا متعسر شدن انجام موضوع شرکت مستند باشد که موجب اختلال در اداره شرکت است.
ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت	مبحث چهارم - شرکت تضامنی ماده ۴۹۳ - شرکت تضامنی شرکتی است که به‌وسیله دو یا چند شخص تشکیل می‌شود و هریک از شرکا آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه،

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان‌لم‌یکن خواهد بود. ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به‌عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شرکا مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن‌هم در صورتی که در شرکت‌نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.	منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت است. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکا مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.
ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقلاً اسم یک نفر شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکا) یا (و برادران) قید شود.	ماده ۴۹۴ - در نام شرکت تضامنی باید حداقل نام یکی از شرکا به‌فوریت بعد از نام شرکت ذکر شود. در صورتی که نام شرکت بر نام تمام شرکا مشتمل نباشد باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.
	ماده ۴۹۵ - شرکا ضامن می‌توانند سقف معینی از دیون شرکت را به‌نحوی که در اساسنامه مشخص می‌شود تضمین کنند. در این صورت لازم است در نام شرکت به‌نام شریک یا حداقل یکی از شرکای ضامن و میزان ضمانت آنها اشاره شود. در این مورد درج میزان مسئولیت شرکای ضامن در اظهارنامه ثبتی موضوع ماده (۱۴۵) این قانون الزامی است.
	ماده ۴۹۶ - شرکت تضامنی با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.	ماده ۴۹۷ - برای ثبت شرکت تضامنی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.
	ماده ۴۹۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده در شرکت تضامنی به اتفاق آراء اتخاذ می‌شود. در اساسنامه نمی‌توان ترتیبی بر خلاف مقررات این ماده مقرر کرد.
ماده ۱۲۵ - هر کس به‌عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکا مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد.	ماده ۴۹۹ - هر کس به‌عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، منفرداً مسئول کلیه دیونی است که شرکت قبل از ورود او داشته است، اعم از اینکه در نام شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر توافقی بر خلاف این ترتیب در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.
ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکا و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکا به‌موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرده سایر شرکا می‌توانند سهمی آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.	ماده ۵۰۰ - در صورت خروج ارادی هریک از شرکا از شرکت تضامنی، شریک مذکور کماکان ملتزم به تأدیه دیونی است که قبل از خروج او برای شرکت ایجاد شده است، مشروط بر اینکه ظرف یک سال از خروج وی شرکت منحل یا ورشکستگی آن تقاضا شود.
ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکا.	ماده ۵۰۱ - سهم‌الشرکه شریک شرکت تضامنی قابل واگذاری به سایر شرکا و یا غیر نیست جز در صورتی که تمام شرکا موافقت کنند.
ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تراضی تمام شرکا: ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد. د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷. ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸. و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.	ماده ۵۰۲ - شرکت تضامنی در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - فوت یا محجور شدن یکی از شرکا، مطابق مواد (۵۰۳) و (۵۰۴) این قانون ۲ - حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکا مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلایل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکا معینی باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.	
ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است	ماده ۵۰۳ - در صورت فوت یکی از شرکا بقای شرکت به رضایت سایر شرکا و ورثه متوفی موقوف است. اگر سایر شرکا با بقای شرکت موافق باشند، ورثه متوفی باید در مدت سه ماه از تاریخ فوت از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت اعلام کنند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می‌شوند و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نیستند. در صورت عدم موافقت سایر شرکا با جانشینی ورثه یا عدم اعلام رضایت از سوی آنان ظرف مهلت مقرر، سایر شرکا می‌توانند پس از گذشت شش ماه از تاریخ فوت شریک، با رعایت مفاد این قانون، از طریق انتقال گرفتن سهم‌الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا تأدیه سهم شریک متوفی مانع انحلال شوند.
ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد	ماده ۵۰۴ - در صورت محجور شدن یکی از شرکا مطابق مدلول ماده (۵۰۳) این قانون عمل می‌شود
ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید.	ماده ۵۰۵ - هر یک از شرکا می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال، مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) این قانون موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. در این مورد، هرگاه علل مذکور فقط مربوط به شریک یا شرکای معین باشد، دادگاه می‌تواند با تقاضای سایر شرکا به اخراج شریک یا شرکای مذکور حکم کند.
ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر	مبحث پنجم - شرکت نسبی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته. ماده ۱۸۶ - اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکا به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.	ماده ۵۰۶ - شرکت نسبی شرکتی است که به‌وسیله دو یا چند شخص تشکیل می‌شود و هریک از شرکای آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه به نسبت سرمایه خود در شرکت ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده آن می‌باشد. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکا مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.
ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لاقلاً اسم یک نفر از شرکا باید ذکر شود - در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکا) (و برادران) ضروری است. ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعايه است. ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت‌های نسبی نیز جاری است.	ماده ۵۰۷ - کلیه مقررات شرکت تضامنی در شرکت نسبی نیز جاری است، به‌جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه است
	مبحث ششم - شرکت مختلط سهامی عام ماده ۵۰۸ - شرکت مختلط سهامی عام شرکتی است که بخشی از سرمایه آن به سهام تقسیم و از طریق واگذاری به عموم تأمین می‌شود و مابقی به‌وسیله مؤسسان شرکت که هریک از آنان پس از ختم تصفیه و عدم کفایت اموال شرکت منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت می‌باشد تأمین می‌گردد. مسئولیت شرکا ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است
	ماده ۵۰۹ - در نام شرکت مختلط سهامی عام باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر می‌شود عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۱۰ - تعداد شرکای ضامن از یک شخص و تعداد سهامداران نباید از هفت شخص کمتر باشد.
	ماده ۵۱۱ - سرمایه شرکت مختلط سهامی عام در زمان تأسیس نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
	ماده ۵۱۲ - برای تأسیس شرکت مختلط سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه‌ای به همراه مدارک موضوع بندهای (۱)، (۲)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۲) ماده (۳۷۵) این قانون به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.
	ماده ۵۱۳ - اگر مؤسسان، بخشی از سرمایه شرکت را تعهد کنند، اظهارنامه باید حاکی از تعهد سرمایه مذکور و تأدیه و تسلیم تمام آن باشد. در این صورت باید گواهینامه بانکی حاکی از سپردن بخش نقدی سرمایه به‌وسیله مؤسسان در حسابی به‌نام شرکت در شرف تأسیس و تودیع مدارک مالکیت بخش غیرنقدی سرمایه به‌نام شرکت مذکور نیز به اظهارنامه موضوع ماده (۵۱۲) این قانون ضمیمه شود. گواهینامه مذکور باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که تأدیه سرمایه نقدی در آن به‌عمل آمده است و نیز تعداد و مندرجات اصلی اسناد مالکیت تودیع شده باشد.
	ماده ۵۱۴ - رعایت مقررات تشکیل شرکت سهامی عام جز ماده (۳۷۵) این قانون و نیز مقررات مربوط به سهام این شرکت در مورد سهام شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است. لکن سهام شرکت مختلط سهامی عام نمی‌تواند بی‌نام باشد.
	ماده ۵۱۵ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در شرکت مختلط سهامی عام نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است
	ماده ۵۱۶ - هرگاه در مجمع عمومی مؤسس شرکت مختلط سهامی عام آورده غیرنقد، سهام ممتاز و یا مزایای مطالبه شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که سهام ممتاز و یا مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان سهام ممتاز به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنان حسب مورد نسبت به سهام یا سهم‌الشرکه خود باطل می‌شود. در این صورت هرگاه شرکت به‌جز شریکی که آورده غیرنقد یا سهام ممتاز او مورد قبول واقع نشده است شریک ضامن دیگری داشته باشد یا شخص دیگری با موافقت مجمع عمومی مؤسس به‌عنوان شریک ضامن در شرکت داخل شود سایر شرکا و یا پذیره‌نویسان می‌توانند به‌جای آنان سرمایه باقیمانده شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه کنند. در این مورد نیز مفاد مواد (۴۳۴) و (۴۳۵) این قانون مجری است.
	ماده ۵۱۷ - مدیران فقط به‌وسیله شرکای ضامن و به‌اتفاق آراء آنان و بازرسان فقط به‌وسیله سهامداران و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب یا عزل می‌شوند. در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد
	ماده ۵۱۸ - رعایت مقررات افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام در مورد شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۱۹ - سهم شرکای ضامن در افزایش سرمایه نمی‌تواند بیش از نسبت آورده آنها از کل سرمایه شرکت باشد
	ماده ۵۲۰ - واگذاری سهم‌الشرکه شرکای ضامن منوط به موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت است، لکن واگذاری سهام را به هیچ‌وجه نمی‌توان محدود کرد.
	ماده ۵۲۱ - شرکت مختلط سهامی عام در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۲) این قانون ۲ - در صورت فوت یا محجورشدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون
	ماده ۵۲۲ - هر یک از شرکای ضامن می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند ظرف مهلت مذکور با رعایت مقررات این قانون از طریق واگذاری سهم‌الشرکه شریک متقاضی انحلال یا اخراج وی از شرکت مانع انحلال شود
	ماده ۵۲۳ - در صورت فوت همه شرکای ضامن، مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت باید ظرف سه ماه تشکیل شود و در باره انحلال شرکت، تبدیل آن یا واردکردن شریک ضامن جدید تصمیم مقتضی بگیرد. در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. در صورت محجورشدن همه شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است
	ماده ۵۲۴ - در صورت فوت یکی از شرکا، ورثه وی می‌توانند با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت، جانشین شریک متوفی گردند. در صورت موافقت مجمع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مذکور، ورثه متوفی باید ظرف سه ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت به‌وسیله اظهارنامه رسمی اعلام کنند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می‌شوند و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نیستند. در صورت عدم موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت یا عدم اعلام رضایت به‌ترتیب مذکور، باید ظرف شش ماه از تاریخ فوت شریک، سهم وی از اموال شرکت به ورثه تأدیه گردد، مگر اینکه مجمع عمومی فوق‌العاده با واگذاری سهم‌الشرکه شریک متوفی موافقت کند. رعایت مفاد این ماده مانع تصویب انحلال شرکت به‌وسیله مجمع عمومی فوق‌العاده نیست. در صورت محجور شدن یکی از شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است
ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکا سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود. شرکا سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به‌صورت سهام یا قطعات سهام متساوی‌القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند. شریک ضامن کسی است که سرمایه او به‌صورت سهام درنیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود	مبحث هفتم - شرکت مختلط سهامی خاص ماده ۵۲۵ - شرکت مختلط سهامی خاص شرکتی است که به‌وسیله دو یا چند سهامدار و یک یا چند شریک ضامن تشکیل می‌شود. سهامدار شخصی است که سرمایه وی به‌صورت اوراق سهام با قیمت‌های مساوی درآمده است و جز آنچه به‌عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد و شریک ضامن شخصی است که سرمایه او به‌صورت اوراق سهام در نیامده و پس از ختم تصفیه و احراز عدم کفایت اموال، منفرداً، ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت است. مسئولیت شرکای ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.
ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود.	ماده ۵۲۶ - در نام شرکت مختلط سهامی خاص باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۲۷ - سرمایه شرکت مختلط سهامی خاص در زمان ثبت نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می‌تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاضر کند.	ماده ۵۲۸ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص در شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع، موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است.
	ماده ۵۲۹ - مفاد مواد (۴۷۶) تا (۴۷۸) و مواد (۵۱۷)، (۵۱۹)، (۵۲۰) و (۵۲۴) این قانون در مورد شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است.
ماده ۱۸۱ ق.ت. - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد. ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکا ضامن. د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد. در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است. ماده ۱۸۲ ق.ت. - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکا ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلایل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکا ضامن به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلایل را موجه ببیند	ماده ۵۳۰ - شرکت مختلط سهامی خاص در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت فوت یا محجورشدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون ۲ - در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به‌وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۳۱ - شرکت‌های مختلط سهامی موجود، شرکت مختلط سهامی خاص محسوب می‌شوند.
ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود - شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود. ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکا با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت‌نامه خواهد بود.	مبحث هشتم - شرکت مختلط غیرسهامی ماده ۵۳۲ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که به وسیله یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند شریک با مسئولیت محدود تشکیل می‌شود و سرمایه آن قابل تقسیم به سهام یا هر نوع اوراق بهادار دیگر نیست. مسئولیت شرکای ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است
ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود - شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود.	ماده ۵۳۳ - در نام شرکت مختلط غیرسهامی باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود
ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکا با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.	ماده ۵۳۴ - هر یک از شرکا با مسئولیت محدود که نامش جزء نام شرکت باشد، در مقابل بستانکاران شرکت، شریک ضامن محسوب می‌شود. هر توافقی که برخلاف این ترتیب بین شرکا مقرر شود در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۳۵ - سرمایه شرکت مختلط غیرسهامی در موقع ثبت نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد
	ماده ۵۳۶ - برای ثبت شرکت مختلط غیرسهامی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود
	ماده ۵۳۷ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است.
ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت تضامنی مقرر است. ماده ۱۴۵ - شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.	ماده ۵۳۸ - مدیران فقط به وسیله شرکای ضامن و به اتفاق آراء آنان و بازرسان فقط به وسیله شرکا با مسئولیت محدود و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب می‌شوند. در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد
ماده ۱۴۸ - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود به او، داخل در شرکت کند.	ماده ۵۳۹ - واگذاری سهم‌الشرکه شرکای ضامن به سایر شرکا و یا غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده و واگذاری سهم‌الشرکه شرکا با مسئولیت محدود به غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی عادی شرکت انجام می‌شود.
ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیرسهامی نیز جاری است. مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکا با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود. ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود: الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳. ب) در صورت تراضی تمام شرکا:	ماده ۵۴۰ - شرکت مختلط غیرسهامی در موارد زیر نیز منحل می‌شود: ۱ - در صورت فوت یا محجور شدن هر یک از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۴۱) این قانون ۲ - در صورت فوت یا محجور شدن هر یک از شرکا با مسئولیت محدود، مشروط به پیش‌بینی در اساسنامه ۳ - حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکا با مسئولیت محدود، مطابق ماده (۴۹۲) این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
(ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد. (د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷. (ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸. (و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰. تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلایل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکا معینی باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد. ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید. ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد. ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.	۴ - حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است. ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.	
	ماده ۵۴۱ - در صورت فوت یکی از شرکای ضامن مفاد ماده (۵۰۳) این قانون مجری است. اگر برخی از شرکای با مسئولیت محدود با بقای شرکت مخالف باشند، سایر شرکا می‌توانند با رعایت مقررات این قانون از طریق انتقال گرفتن سهم‌الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک مذکور، مانع انحلال شوند. در صورت محجور شدن یکی از شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است
ماده ۱۲ ق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ - وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرا آن نظارت نماید: ۱ - حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند ۲ - اشخاص حقوقی سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪) سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد (۵٪) از سهام را دارند ۳ - هر یک از اشخاص حقوقی دولتی و مجموع آنها با رعایت مفاد این قانون در مناطق کمتر توسعه یافته تا چهل و نه درصد (۴۹٪) و در سایر مناطق تا بیست درصد (۲۰٪) فعالیت‌های مجاز در این قانون مجاز به مشارکت با تعاونی از منابع داخلی خود هستند. مؤسسات عمومی غیردولتی نیز هر یک تا بیست	مبحث نهم - شرکت تعاونی سهامی عام ماده ۵۴۲ - شرکت تعاونی سهامی عام شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن به وسیله عموم تأمین می‌شود و تعداد سهام هر یک از سهامداران از میزان مشخصی که به موجب این قانون تعیین می‌شود تجاوز نمی‌کند. سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام جز آنچه که به عنوان آورده تعهد کرده است، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
درصد (۲۰٪) و جمعاً تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) مجاز به مشارکت هستند در هر حال سهم مجموع بنگاه‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی مستقیم و غیرمستقیم چه در میزان سهام و چه در کرسی‌های هیأت مدیره نباید از چهل‌ونه درصد (۴۹٪) بیشتر گردد. ۴ - در زمان افزایش سرمایه، در صورتی که تمام یا برخی سهامداران از حق تقدم خود استفاده نکردند کارکنان غیرسهامدار شرکت در خرید این سهام تقدم دارند ۵ - مجامع عمومی در تعاونی سهامی عام که تعداد سهامداران آن از پانصد نفر بیشتر باشد با بلوک بندی برگزار خواهد شد. هر یک از سهامداران مخیرند از طریق بلوک، نماینده انتخاب کنند و یا مستقیماً در مجمع عمومی حضور یابند. برای رعایت حقوق سهامداران خرد نحوه بلوک بندی در آئین نامه‌ای تعیین می‌شود که مشترکاً توسط وزارت تعاون و وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد ۶ - کلیه سهام، بانام بوده و تملک یا نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیأت مدیره است که نباید از سقف مقرر در این ماده تجاوز کند. هر توافقی بر خلاف حکم این بند باطل و بلااثر خواهد بود ۷ - شرکت‌های تعاونی سهامی عام می‌توانند به عضویت اطاق‌های تعاون درآیند	
	ماده ۵۴۳ - تعداد سهامداران شرکت تعاونی سهامی عام نباید از بیست عضو کمتر باشد.
ماده ۱۲ ق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ - وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به‌منظور تشکیل و توسعه	ماده ۵۴۴ - در شرکت تعاونی سهامی عام هیچ شخصی نمی‌تواند بیش از پنج درصد (۵٪) از سهام شرکت را دارا

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرا آن نظارت نماید: ۱ - حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند ۲ - اشخاص حقوقی سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪) سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد (۵٪) از سهام را دارند. ۳ - هر یک از اشخاص حقوقی دولتی و مجموع آنها با رعایت مفاد این قانون در مناطق کمتر توسعه یافته تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) و در سایر مناطق تا بیست درصد (۲۰٪) فعالیت‌های مجاز در این قانون مجاز به مشارکت با تعاونی از منابع داخلی خود هستند. مؤسسات عمومی غیردولتی نیز هر یک تا بیست درصد (۲۰٪) و جمعاً تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) مجاز به مشارکت هستند در هر حال سهم مجموع بنگاه‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی مستقیم و غیرمستقیم چه در میزان سهام و چه در کرسی‌های هیأت مدیره نباید از چهل‌ونه درصد (۴۹٪) بیشتر گردد	باشد. هرگاه، به هر علت، تعداد سهام هریک از سهامداران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زائد فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی‌گیرد. سهامدار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زائد را با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت‌مدیره شرکت، سازمان بورس و اوراق بهادار و هر یک از سهامداران می‌توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.
	ماده ۵۴۵ - سرمایه شرکت تعاونی سهامی عام در موقع ثبت نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.
ماده ۱۲ ق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ - وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به‌منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرا آن نظارت نماید: ۱ - ... ۶ - کلیه سهام، بانام بوده و تملک یا نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیأت مدیره	ماده ۵۴۶ - در شرکت تعاونی سهامی عام صدور سهام بی‌نام و صدور یا ایجاد سهام ممتاز ممکن نیست.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
است که نباید از سقف مقرر در این ماده تجاوز کند. هر توافقی بر خلاف حکم این بند باطل و بلااثر خواهد بود	
	ماده ۵۴۷ - کلیه احکام شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی عام نیز مجری است.
	مبحث دهم - شرکت تعاونی سهامی خاص ماده ۵۴۸ - شرکت تعاونی سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در زمان تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تعهد می‌شود و تعداد سهام هریک از سهامداران از میزان مشخصی که به موجب این قانون تعیین شده است تجاوز نمی‌کند. سهامدار شرکت تعاونی سهامی خاص به جز آنچه که به عنوان آورده تعهد می‌کند مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.
	ماده ۵۴۹ - تعداد سهامداران شرکت تعاونی سهامی خاص نباید از ده عضو کمتر باشد
	ماده ۵۵۰ - در شرکت تعاونی سهامی خاص هیچ شخصی نمی‌تواند بیش از ده درصد (۱۰٪) از سهام شرکت را دارا باشد. هرگاه به هر علت، تعداد سهام هر یک از سهامداران به طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زائد فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی‌گیرد. سهامدار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زائد را با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت‌مدیره شرکت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و هر یک از سهامداران می‌توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.
	ماده ۵۵۱ - شرکت تعاونی سهامی خاص با هر میزان سرمایه قابل ثبت است
	ماده ۵۵۲ - برای ثبت شرکت تعاونی سهامی خاص باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۵۳ - در اساسنامه می‌توان شرایط عضویت در تعاونی را تعیین و یا واگذاری سهام شرکت را محدود کرد. در صورتی که هر یک از اعضاء، شرایط عضویت خود را از دست بدهد، هیأت‌مدیره باید با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت، آن عضو را اخراج و سهام او را مطابق مقررات مربوط واگذار کند
	ماده ۵۵۴ - انتقال سهام شرکت تعاونی سهامی خاص به غیر در صورتی مجاز است که منتقل‌آلیه مطابق اساسنامه شرایط عضویت در تعاونی را داشته باشد.
	ماده ۵۵۵ - اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی سهامی خاص باید از میان اعضای تعاونی انتخاب شوند، مگر آنکه در اساسنامه خلاف آن مقرر شود.
	ماده ۵۵۶ - احکام شرکت سهامی خاص با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی خاص نیز مجری است.
	ماده ۵۵۷ - عضویت شرکت تعاونی سهامی خاص در شرکت‌ها و اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون و میزان سهام و یا حق عضویت سالانه پرداختی منوط به موافقت مجمع عمومی عادی شرکت است.
	ماده ۵۵۸ - کلیه امتیازات و اموالی که از منابع عمومی در اختیار شرکت تعاونی سهامی خاص قرار می‌گیرد باید با انحلال آن مسترد شود و هریک از مدیران شرکت تعاونی در قبال استرداد امتیازات و اموال مذکور به‌طور مستقل مسئولیت دارد
	ماده ۵۵۹ - برای ثبت شرکت‌های تعاونی سهامی خاص اخذ مجوز از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، الزامی است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر رعایت مفاد این قانون و اساسنامه در شرکت‌های تعاونی سهامی خاص نظارت می‌کند و اصلاح اساسنامه این شرکت‌ها منوط به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. شرایط اعطای مجوز به شرکت‌های تعاونی سهامی خاص، نحوه

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر این شرکت‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای است که به وسیله وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری تدوین می‌شود و ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پیگیری جرائم و تخلفات مربوط به شرکت‌های تعاونی سهمی خاص در حکم ذی‌نفع و از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف است
ماده ۱۹۰ ق.ت. - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده‌ای از ارباب حرف تشکیل می‌شود و شرکا مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس بکار می‌برند. ماده ۱۹۲ ق.ت. - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می‌شود: ۱ - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکا ایجاد کرده یا خریده باشند. ۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکا به نسبت خرید هر یک از آنها. ماده ۱۹۳ ق.ت. - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکا ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۲ - ۳۳ لازم‌الرعايه است. ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی - شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خود یاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود. ماده ۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد - شرکت‌هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند	مبحث یازدهم - شرکت تعاونی غیرسهامی ماده ۵۶۰ - شرکت تعاونی غیرسهامی شرکتی است که به وسیله چند شخص تشکیل و سرمایه آن در موقع تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تأمین می‌شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست و میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا از سقف مشخصی که به موجب این قانون تعیین می‌شود تجاوز نمی‌کند. شریک شرکت تعاونی غیرسهامی، به جز آنچه که به عنوان آورده در شرکت گذاشته است هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد. به هریک از شرکای شرکت تعاونی غیرسهامی عضو اطلاق می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۶۱ - شرکت تعاونی غیرسهامی فقط به اعضای تعاونی خدمات ارائه می‌کند.
تبصره ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی - تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ عضو کمتر باشد	ماده ۵۶۲ - تعداد اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی نباید از هفت شخص کمتر باشد.
	ماده ۵۶۳ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سهم‌الشرکه هیچ‌یک از شرکا نباید بیش از یک‌هفتم سرمایه شرکت باشد. هرگاه به هر علت میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند سهم‌الشرکه زائد باید ظرف سه ماه با رعایت مقررات مربوط واگذار شود در غیر این صورت به سهم‌الشرکه زائد سود تعلق نمی‌گیرد
ماده ۳ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ اصلاحی ۱۳۵۲ - عضویت شرکت تعاونی برای تمام اشخاصی که محل فعالیت یا سکونت آنها در حوزه عمل شرکت باشد و به تمام یا قسمتی از خدمات شرکت احتیاج داشته باشند آزاد است. ماده ۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - شرط عضویت در شرکت تعاونی خرید و پرداخت تمام بهای لاقل یک سهم می‌باشد. ماده ۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - هیچ‌گونه تبعیض یا محدودیتی برای عضویت در شرکت نباید وجود داشته باشد مگر به سبب عدم کفایت ظرفیت فنی تأسیسات و وسائل و امکانات شرکت مشروط بر اینکه در اساسنامه تصریح شده باشد. تبصره - می‌توان در اساسنامه شرکت شرط قبول اعضای جدید را علاوه بر خرید سهام پرداخت مبلغی به‌عنوان حق عضویت متناسب با هزینه توسعه وسائل و یا امکانات شرکت برای انجام خدمات اضافی موقوف کرد. ماده ۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - خروج هر عضو از شرکت اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد و بهای سهم یا سهام او حداکثر به ارزش اسمی باید ظرف یک سال از تاریخ خروج عضو از شرکت نقداً پرداخت	ماده ۵۶۴ - در اساسنامه می‌توان شرایط عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی را تعیین کرد. هر شخصی که مطابق اساسنامه شرایط عضویت در شرکت را داشته باشد می‌تواند عضو تعاونی باشد. برای عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران و عدم عضویت در تعاونی مشابه شرط است

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
گردد. برای پذیرش مجدد عضو در تعاونی می‌توان شرایطی پیش‌بینی نمود	
ماده ۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی عالی‌ترین مرجع اتخاذ تصمیم و ابراز اراده جمعی اعضاء برای اداره امور شرکت است که در آن تمام اعضاء حق دارند حضور بهم‌رسانند و رأی خود را درباره موضوع دستور جلسه مجمع بدهند. در مجمع عمومی هر عضو قطع نظر از تعداد سهام فقط دارای یک رأی است	ماده ۵۶۵ - در شرکت تعاونی غیرسهامی هر یک از اعضاء فارغ از میزان سهم‌الشرکه خود، فقط یک رأی دارد.
ماده ۸ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - هر یک از اعضاء شرکت تعاونی می‌تواند استفاده از حق خود را برای حضور و دادن رأی در مجمع عمومی بیک عضو دیگر با وکالت واگذار کند، لکن هیچ عضوی نمی‌تواند علاوه بر رأی خود بیش از سه رأی با وکالت داشته باشد	ماده ۵۶۶ - هر یک از اعضاء شرکت تعاونی می‌تواند به‌موجب سند رسمی استفاده از حق خود برای حضور و دادن رأی در مجمع عمومی را به یک عضو دیگر واگذار کند، لکن هیچ عضوی نمی‌تواند علاوه بر رأی خود بیش از سه رأی با وکالت داشته باشد.
ماده ۳۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی عادی با حضور نصف به‌علاوه یک اعضاء یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند و در صورت به دست نیامدن حد نصاب مذکور، آگهی دعوت مجدد مجمع عمومی باید حداکثر ظرف پانزده روز با رعایت مفاد ماده ۲۷ این قانون با همان دستور جلسه قبلی منتشر شود. جلسه دوم با حضور عده حاضر که نباید از ۷ نفر، بدون در نظر گرفتن وکالت موضوع ماده ۸ این قانون (به‌استثنای نمایندگی موضوع ماده ۹ این قانون) کمتر باشد، رسمیت خواهد یافت. در صورت عدم تشکیل جلسه دوم هر ذی‌حقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع یا درخواست انحلال شرکت به وزارت تعاون و امور روستاها یا وزارت کار و امور اجتماعی (در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) مراجعه نماید. وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) پس از رسیدگی‌های لازم هرگاه تشکیل مجدد مجمع عمومی را ضرور بداند به طریقی مقتضی اقدام خواهند نمود و در صورتی که پس از رسیدگی‌های لازم انحلال شرکت یا اتحادیه را لازم تشخیص دهد بلافاصله مجمع عمومی	ماده ۵۶۷ - در مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی غیرسهامی بیش از نصف اعضاء باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر تعداد از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد، به‌شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
فوق‌العاده را جهت اتخاذ تصمیم در مورد انحلال دعوت خواهد نمود و اگر مجمع عمومی فوق‌العاده مزبور هم به حد نصاب قانونی نرسد وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی کارگری) به جانشینی مجمع عمومی فوق‌العاده حکم به انحلال شرکت یا اتحادیه می‌دهد و نسبت به تعیین هیأت تصفیه از بین اعضاء یا اشخاص صاحب صلاحیت دیگر اقدام خواهد کرد.	
ماده ۳۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت اعضاء حاضر در مجمع اتخاذ می‌شود «مگر در مورد انتخاب هیئت مدیره و بازرسان که تصمیمات مجمع به اکثریت نسبی خواهد بود».	ماده ۵۶۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است
ماده ۳۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت و یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم حصول این حد نصاب با رعایت ماده ۳۴ آگهی دعوت مجمع با ذکر دستور و تاریخ تشکیل جلسه و نتیجه جلسه قبل منتشر می‌شود. این جلسه با حضور حداقل نصف به علاوه یک اعضا یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند و در صورت عدم حصول حد نصاب، مجمع برای بار سوم با همان ترتیب دعوت می‌شود. جلسه سوم مجمع با حضور اعضای حاضر که نباید از هفت نفر کمتر باشد رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم تشکیل جلسه سوم هر ذی‌حقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع و انحلال شرکت به وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) مراجعه نماید. در این صورت طبق ماده ۳۴ عمل خواهد شد. تبصره - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد	ماده ۵۶۹ - مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تعاونی غیرسهامی با حضور بیش از نصف اعضا تشکیل می‌شود. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور یک‌سوم اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد، به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۳۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت و یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم حصول این حد نصاب با رعایت ماده ۳۴ آگهی دعوت مجمع با ذکر دستور و تاریخ تشکیل جلسه و نتیجه جلسه قبل منتشر می‌شود. این جلسه با حضور حداقل نصف به‌علاوه یک اعضا یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند و در صورت عدم حصول حد نصاب، مجمع برای بار سوم با همان ترتیب دعوت می‌شود. جلسه سوم مجمع با حضور اعضای حاضر که نباید از هفت نفر کمتر باشد رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم تشکیل جلسه سوم هر ذی‌حقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع و انحلال شرکت به وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) مراجعه نماید. در این صورت طبق ماده ۳۴ عمل خواهد شد. تبصره - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد	ماده ۵۷۰ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت بیش از دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.
	ماده ۵۷۱ در اساسنامه نمی‌توان برخلاف مواد (۵۶۴)، (۵۶۵) و (۵۶۷) تا (۵۷۰) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.
ماده ۱۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - از محل درآمد ویژه سالانه شرکت‌های تعاونی مبالغ زیر کسر و به حسابهای مربوط منظور می‌شود: ۱ - حداقل ۱۲ درصد به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم. احتساب مبالغ مربوط از محل درآمد حاصل از معاملات با اعضاء در حساب ذخیره مندرج در این بند تا زمانی که مبلغ کل ذخیره حاصل از درآمدهای مذکور به میزان معدل سرمایه سه سال اخیر شرکت نرسیده باشد الزامی خواهد بود، ولی مبالغ حاصل از معاملات با غیر اعضاء و سایر درآمدهای مجاز شرکت که خارج از حدود عملیات	ماده ۵۷۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی، مجمع عمومی می‌تواند درصدی از سود خالص شرکت را برای آموزش اعضاء اختصاص دهد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
جاری آن باشد بدون رعایت معدل مذکور همه ساله به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ۲ - سه درصد از درآمد ویژه سالانه برای توسعه تعلیمات و آموزش تعاون در منطقه تعاونی مربوط و در سراسر کشور در اختیار وزارت تعاون و امور روستاها گذاشته می‌شود تا به موجب آئین نامه‌ای که به وسیله آن وزارت تنظیم می‌شود و به تصویب شورای عالی هم آهنگی تعاونی‌های کشور می‌رسد به مصرف برسد. در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری سه درصد مزبور را وزارت کار و امور اجتماعی دریافت و به مصرف آموزش و تعلیمات تعاونی کارگران خواهد رسانید	
بند ۵ ماده (۱) قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مازاد برگشتی: مبلغی از درآمد ویژه شرکت یا اتحادیه تعاونی است که برای تقسیم بین اعضاء به تناسب میزان معاملات آنها با شرکت با اتحادیه تعاونی در حدود مقررات این قانون اختصاص داده می‌شود	ماده ۵۷۳ - در پایان هر سال مالی مابه‌التفاوت قیمت پرداختی بابت کالاها و یا خدمات ارائه شده به هریک از اعضاء و قیمت تمام شده آن کالاها و یا خدمات به عنوان مازاد برگشتی به نسبت معاملات هریک از اعضاء با شرکت به آنها پرداخت می‌شود.
ماده ۱۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - درآمد ویژه شرکت در صورتی که موافق اساسنامه قابل تقسیم باشد به ترتیب پس از وضع ذخیره‌ها و سود سهام مطابق مقررات این قانون به صورت مازاد برگشتی به تناسب میزان معاملات هر عضو یا شرکت قابل تقسیم است. مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیر اعضاء در صورتی که موافق اساسنامه این نوع معاملات آزاد باشد قابل تقسیم به اعضاء نیست و به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می‌شود.	ماده ۵۷۴ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سود قابل تقسیم با لحاظ مقادیر مندرج در مواد (۵۷۲) و (۵۷۳) این قانون محاسبه و با رعایت مفاد این قانون و اساسنامه شرکت بین اعضاء تقسیم می‌شود.
ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - مجمع عمومی که بر اساس این قانون بالاترین مجمع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد، از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار به صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است.	ماده ۵۷۵ - تصمیم درباره انحلال و ادغام و تجزیه و تبدیل شرکت تعاونی غیرسهامی پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر است. انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه شرکت تعاونی غیرسهامی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین‌کننده اعتبار، کمک مالی، امکانات مختلف، سرمایه‌گذاری و مشارکت است ممنوع می‌باشد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره ۱ - در شرکت‌های تعاونی هر یک از دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، شوراهای اسلامی کشوری و سازمان‌های عمومی که در تعاونی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در تعاونی و شرکت در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به‌عنوان ناظر داشته باشند. تبصره ۲ - انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه تعاونی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین‌کننده اعتبار و کمک مالی و امکانات مختلف و سرمایه‌گذاری و مشارکت باشد موکول به موافقت مراجع مذکور خواهد بود.	
ماده ۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - هیچ‌گونه تبعیض یا محدودیتی برای عضویت در شرکت نباید وجود داشته باشد مگر به سبب عدم کفایت ظرفیت فنی تأسیسات و وسائل و امکانات شرکت مشروط بر اینکه در اساسنامه تصریح شده باشد. تبصره - می‌توان در اساسنامه شرکت شرط قبول اعضای جدید را علاوه بر خرید سهام پرداخت مبلغی به‌عنوان حق عضویت متناسب با هزینه توسعه وسائل و یا امکانات شرکت برای انجام خدمات اضافی موکول کرد	ماده ۵۷۶ - پس از تشکیل شرکت تعاونی غیرسهامی، در صورت وجود شرایط زیر اشخاص دیگر نیز می‌توانند به عضویت تعاونی درآیند: ۱ - دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی مطابق اساسنامه ۲ - وجود ظرفیت در تعاونی ۳ - پرداخت حق عضویت ۴ - پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید پس از عضویت تبصره ۱ - پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید براساس صورتهای مالی و متناسب با توسعه اموال و امکانات شرکت در ابتدای هر سال به‌وسیله مجمع عمومی تعیین و به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌رسد. تبصره ۲ - حق عضویت، حداقل مبلغی است که به‌موجب اساسنامه هریک از اعضاء برای تشکیل شرکت می‌پردازند. تبصره ۳ - تشخیص موارد مذکور در این ماده با هیأت مدیره شرکت است. شخصی که تقاضای عضویت او به‌وسیله هیأت مدیره رد می‌شود، می‌تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم کند. بازرس یا بازرسان باید شکایت مذکور را با اظهار نظر خود به اولین مجمع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	عمومی عادی گزارش کنند. در این صورت، تصمیم‌گیری در مورد عضویت متقاضی برعهده مجمع عمومی است.
ماده ۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - خروج هر عضو از شرکت اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد و بهای سهم یا سهام او حداکثر به ارزش اسمی باید ظرف یک سال از تاریخ خروج عضو از شرکت نقداً پرداخت گردد. ماده ۱۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - خروج عضو از تعاونی اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد. تبصره ۱ - اعضاء متخصص تعاونی‌های تولید حداقل شش ماه قبل از استعفاء باید مراتب را کتباً به اطلاع تعاونی برسانند. تبصره ۲ - در صورتی که خروج عضو موجب ضرری برای تعاونی باشد، وی ملزم به جبران است	ماده ۵۷۷ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی می‌تواند با ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت از آن خارج شود، مشروط بر اینکه تعداد اعضای تعاونی از حداقل مقرر در این قانون کمتر نشود. در صورت خروج عضو از تعاونی، سهم او از اموال شرکت که مطابق مقررات اساسنامه و بر اساس صورتهای مالی سال قبل محاسبه می‌شود، پس از تأیید کارشناس رسمی دادگستری و کسر بدهی عضو خارج‌شده، به‌صورت علی‌الحساب به وی پرداخت می‌گردد. مابه‌التفاوت قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو و مبلغ پرداخت شده براساس صورتهای مالی سال خروج عضو از تعاونی محاسبه می‌شود.
	ماده ۵۷۸ رعایت مقررات مربوط به تغییرات سرمایه در ورود اعضای جدید یا خروج یا اخراج اعضای تعاونی الزامی نیست.
ماده ۳۳ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر است: ۸ - اتخاذ تصمیم درباره شکایت عضوی که اخراج شده و یا کسی که درخواست عضویت او از طرف هیئت مدیره پذیرفته نشده است یا ارجاع امر به هیئتی مرکب از پنج نفر از اعضاء مجمع عمومی، تصمیم متخذه از طرف مجمع عمومی یا هیئت پنج نفری قطعی است. تبصره - عضو اخراج شده حق دارد اعتراض خود را کتباً به‌وسیله بازرس یا بازرسان و یا در غیاب آنها از طریق نماینده وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) اعلام دارد تا در نخستین مجمع عمومی مطرح گردد و در این صورت	ماده ۵۷۹ - در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود: ۱ - از دست دادن هر یک از شرایط عضویت ۲ - عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی به‌وسیله هیأت‌مدیره، به فاصله پانزده روز، و گذشتن پانزده روز از تاریخ ابلاغ اخطار دوم ۳ - ارتکاب اعمال موجب ورود زیان به تعاونی و عدم جبران آن ظرف یک سال تبصره - تشخیص موارد مذکور، بر اساس تقاضای هیأت‌مدیره یا بازرسان با مجمع عمومی عادی است

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
می‌تواند برای دادن توضیحات لازم بدون داشتن حق رأی در مجمع شرکت نماید. ماده ۱۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود: ۱ - از دست دادن هر یک از شرایط عضویت مقرر در این قانون. ۲ - عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی توسط هیأت مدیره به فاصله ۱۵ روز و گذشتن ۱۵ روز از تاریخ اخطار دوم با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده. ۳ - ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و وی نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالی که به حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم بنماید. تبصره - تشخیص موارد فوق بنا به پیشنهاد هر یک از مدیران و تصویب مجمع عمومی خواهد بود	
ماده ۲۲ قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰ - اساسنامه شرکت تعاونی با توجه به مقررات این قانون باید شامل نکات زیر باشد: ۱ - نام (با قید کلمه تعاونی) مرکز اصلی و نشانی شرکت، مدت و حوزه عملیات شرکت. ۲ - موضوع و حدود عملیات شرکت. ۳ - شرایط عضویت، مقررات مربوط به قبول یا عدم قبول عضویت، خروج از عضویت (اخراج - استعفاء - فوت و یا ترک عضویت) حقوق و تعهدات اعضاء مسئولیت اعضاء. ماده ۱۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - در صورت فوت عضو ورثه وی که واجد شرایط و ملتزم به رعایت مقررات تعاونی باشند، عضو تعاونی شناخته شده و در صورت تعدد بایستی مابه‌التفاوت افزایش سهم ناشی از تعدد خود را به تعاونی بپردازند. اما اگر کتباً اعلام نمایند که مایل به ادامه عضویت در تعاونی	ماده ۵۸۰ - در صورت فوت هر یک از اعضای تعاونی غیرسهامی، یکی از وراث وی در صورت دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی، می‌تواند با موافقت سایر وراث به جانشینی متوفی، به عضویت تعاونی درآید. عضویت سایر ورثه منوط به رعایت شرایط مقرر در ماده (۵۷۶) این قانون است. در صورت عدم تمایل وراث یا عدم توافق آنها، عضویت لغو می‌گردد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
نیستند و یا هیچ‌کدام واجد شرایط نباشند، عضویت لغو می‌گردد. تبصره - اگر تعداد ورثه بیش از ظرفیت تعاونی باشد، یک یا چند نفر به تعداد مورد نیاز تعاونی با توافق سایر ورثه عضو تعاونی شناخته می‌شوند	
ماده ۱۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - در صورت لغو عضویت به سبب فوت، استعفاء، انحلال، اخراج، طبق اساسنامه و قرارداد منعقد شده سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو به قیمت روز تقویم و به دیون تعاونی تبدیل می‌شود که پس از کسر دیون وی به تعاونی، به او یا ورثه‌اش پرداخت خواهد شد.	ماده ۵۸۱ - در صورت لغو عضویت به سبب فوت، انحلال و اخراج، سهم آن عضو از اموال شرکت مطابق ماده (۵۷۷) این قانون محاسبه و به وی پرداخت می‌شود.
ماده ۳۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - اداره امور تعاونی طبق اساسنامه بر عهده هیأت مدیره‌ای مرکب از حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضاء اصلی، اعضاء علی‌البدل می‌باشند ولی برای تعاونی‌های بزرگ در مقابل افزایش هر چهارصد نفر یک نفر می‌تواند به اعضاء اصلی هیأت مدیره و یک نفر به اعضاء علی‌البدل بیفزاید مشروط بر آنکه تعداد از پانزده نفر بیشتر نشود که برای مدت دو سال و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. اخذ رأی برای انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل در یک نوبت به عمل می‌آید و حائزین اکثریت بعد از اعضاء اصلی به ترتیب اعضاء علی‌البدل شناخته می‌شوند و انتخاب مجدد هر یک از اعضاء اصلی و علی‌البدل بلامانع است. ماده ۴۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - اعضاء هیأت مدیره برای یک سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان تا سه دوره بلامانع است. سایر وظایف و اختیارات و مقررات مربوط به هیأت مدیره مذکور در فصل ششم در مورد هیأت مدیره اتحادیه نیز مجری خواهد بود. ماده ۴۹ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - مدیر عامل با تصویب اکثریت دو سوم اعضاء هیأت مدیره برای مدت یک سال انتخاب می‌گردد و	ماده ۵۸۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی انتخاب مجدد هر یک از اعضاء اصلی هیأت مدیره حداکثر برای دو نوبت متوالی مجاز است. افرادی که موفق به کسب دو سوم آراء کل اعضاء شرکت تعاونی مذکور شوند، از مقررات ممنوعیت بیش از دو نوبت مندرج در ماده مستثنی می‌باشند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
انتخاب مجدد وی بلامانع است. مدیرعامل کلیه اختیارات اجرایی اتحادیه را طبق اساسنامه در اجرای قوانین و مقررات مربوط و مصوبات مجمع عمومی و هیأت مدیره و اداره امور اتحادیه تعاونی و سایر وظایف و اختیاراتی که به عهده ارکان اتحادیه تعاونی نباشد، دارا است	
ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی - مجمع عمومی که بر اساس این قانون بالاترین مجمع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد، از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار به صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است. تبصره ۱ - در شرکت‌های تعاونی هر یک از دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، شوراهای اسلامی کشوری و سازمان‌های عمومی که در تعاونی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در تعاونی و شرکت در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به‌عنوان ناظر داشته باشند. تبصره ۲ - انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه تعاونی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین‌کننده اعتبار و کمک مالی و امکانات مختلف و سرمایه‌گذاری و مشارکت باشد موکول به موافقت مراجع مذکور خواهد بود.	ماده ۵۸۳ - هر یک از دستگاه‌های اجرائی که در شرکت تعاونی غیرسهامی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در شرکت و حضور در جلسات مجمع عمومی و هیأت‌مدیره به‌عنوان ناظر داشته باشند
ماده ۶۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - هیأت بازرسی متشکل از سه عضو می‌باشد که دو نفر آنها به‌وسیله مجمع عمومی نمایندگان و یک نفر دیگر به‌وسیله وزارت تعاون تعیین می‌گردند و وظایف آنها عبارت است از: الف - نظارت و بازرسی مستمر از نظر رعایت اساسنامه و آیین‌نامه‌های اطلاق تعاون و قوانین و مقررات مربوط. ب - رسیدگی به حساب‌ها، دفاتر، اسناد، صورتهای مالی از قبیل ترازنامه و عملکرد مالی و گزارش به مجمع نمایندگان و وزارت تعاون.	ماده ۵۸۴ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی که از خدمات شرکت یا هر نوع عملکرد هیأت‌مدیره یا مدیرعامل شرکت شکایتی دارد می‌تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت اعلام کند. بازرس یا بازرسان باید مراتب را به همراه اظهار نظر خود به مجمع عمومی عادی گزارش کنند

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ج - بررسی شکایات و تخلفات مربوط به اطاق تعاون و گزارش به مراجع ذی‌ربط. د - ارائه گزارش‌های سالانه و نوبتی به مجمع نمایندگان و وزارت تعاون از نظر وضعیت فعالیت‌های اطاق تعاون و رعایت قوانین و مقررات و اظهارنظر در مورد گزارش‌های هیأت مدیره. تبصره - هیأت مدیره مکلف است اسناد و مدارک مورد درخواست هیأت بازرسی را در اختیار آنان قرار دهد.	
ماده ۱۴ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - درآمد ویژه شرکت در صورتی که موافق اساسنامه قابل تقسیم باشد به ترتیب پس از وضع ذخیره‌ها و سود سهام مطابق مقررات این قانون به صورت مازاد برگشتی به تناسب میزان معاملات هر عضو یا شرکت قابل تقسیم است. مازاد درآمد حاصل از معاملات با غیر اعضاء در صورتی که موافق اساسنامه این نوع معاملات آزاد باشد قابل تقسیم به اعضاء نیست و به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می‌شود. ماده ۱۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - از محل درآمد ویژه سالانه شرکت‌های تعاونی مبالغ زیر کسر و به حسابهای مربوط منظور می‌شود: ۱ - حداقل ۱۲ درصد به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم. احتساب مبالغ مربوط از محل درآمد حاصل از معاملات با اعضاء در حساب ذخیره مندرج در این بند تا زمانی که مبلغ کل ذخیره حاصل از درآمدهای مذکور به میزان معدل سرمایه سه سال اخیر شرکت نرسیده باشد الزامی خواهد بود، ولی مبالغ حاصل از معاملات با غیر اعضاء و سایر درآمدهای مجاز شرکت که خارج از حدود عملیات جاری آن باشد بدون رعایت معدل مذکور همه ساله به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ۲ - سه درصد از درآمد ویژه سالانه برای توسعه تعلیمات و آموزش تعاون در منطقه تعاونی مربوط و در سراسر	ماده ۵۸۵ - قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن در مورد ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت‌های تعاونی موجود و نحوه مصرف آن پس از انحلال شرکت، کماکان مجری است لکن رعایت قانون مذکور در مورد درآمدهای بعدی آن دسته از شرکت‌های تعاونی که اساسنامه خود را با این قانون تطبیق داده‌اند الزامی نیست

قانون تجارت	لایحه تجارت
کشور در اختیار وزارت تعاون و امور روستاها گذاشته می‌شود تا به موجب آئین نامه‌ای که به وسیله آن وزارت تنظیم می‌شود و به تصویب شورای عالی هم آهنگی تعاونی‌های کشور می‌رسد به مصرف برسد. در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری سه درصد مزبور را وزارت کار و امور اجتماعی دریافت و به مصرف آموزش و تعلیمات تعاونی کارگران خواهد رسانید. ۳ - ذخایر دیگری که در اساسنامه مقرر شده باشد. ماده ۱۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - با انحلال شرکت تعاونی مانده حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت پس از تصفیه به پیشنهاد وزارت تعاون و امور روستاها و به موجب آئین نامه‌ای که به وسیله آن وزارت تهیه و به تصویب شورای عالی هماهنگی تعاونی‌های کشور می‌رسد یا به وجوه ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت یا اتحادیه تعاونی که با همان مقاصد در حوزه مربوط فعالیت می‌کنند انتقال داده می‌شود و یا به مصرف امور اجتماعی و عام‌المنفعه همان حوزه خواهد رسید مگر در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری موضوع تبصره ماده ۱۸ که مصارف مربوط بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی هم آهنگی تعاونی‌های کشور معین خواهد شد. ماده ۲۲ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - اساسنامه شرکت تعاونی با توجه به مقررات این قانون باید شامل نکات زیر باشد: ۱ - نام (با قید کلمه تعاونی) مرکز اصلی و نشانی شرکت، مدت و حوزه عملیات شرکت. ۲ - موضوع و حدود عملیات شرکت. ۳ - شرایط عضویت، مقررات مربوط به قبول یا عدم قبول عضویت، خروج از عضویت (اخراج - استعفاء - فوت و یا ترک عضویت) حقوق و تعهدات اعضاء مسئولیت اعضاء. ۴ - سرمایه و تعداد سهام اولیه، ارزش هر سهم، حداکثر تعداد و میزان سهامی که یک عضو ممکن است داشته باشد، بازپرداخت یا انتقال سهام مقررات مربوط به وکالت یا نمایندگی از طرف عضو.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۵ - مقررات مربوط به مجامع عمومی و ضرب‌الاجل مربوط به دعوت مجامع مقررات راجع به دستور جلسات مجامع عمومی و حد نصاب برای تشکیل آن و فاصله بین دو جلسه. ۶ - اعضای هیئت مدیره و بازرسان (تعداد - نحوه انتخاب وظایف عزل و استعفاء - فوت) و مقررات مربوط به جلسات آنان و تعیین صاحبان امضای مجاز و حدود اختیارات و مسئولیت‌های آنان همچنین مقررات مربوط به انتصاب و استخدام. ۷ - مقررات مربوط به نگاهداری وجوه نقدی و افتتاح حساب بانکی استقراض - سرمایه‌گذاری و نحوه بکار انداختن وجوه زائد بر احتیاج شرکت. ۸ - سال مالی - مقررات تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش‌های هیئت مدیره و بازرسان و طرح‌ها و برنامه‌ها بودجه مخارج و عملیات شرکت - حسابرسی شرکت. ۹ - طرز عمل شرکت درباره ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم و سایر ذخایر. ۱۰ - سود سالانه سهام و مازاد برگشتی. ۱۱ - طرز عمل شرکت درباره زیان احتمالی. ۱۲ - چگونگی اعلام و آگهی تصمیمات شرکت به اعضا. ۱۳ - مقررات راجع به عضویت شرکت در سایر شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی. ۱۴ - مقررات مربوط به تغییر اساسنامه. ۱۵ - موارد انحلال و طرز تصفیه شرکت. ۱۶ - امکان ادغام با شرکت تعاونی دیگر و ضوابط آن. ماده ۶۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - اتحادیه تعاونی به‌منظور زیر تشکیل می‌شود: سوم - اتحادیه تعاونی اعتباری که به‌تدریج برای انجام خدمات اعتباری مورد نیاز واحدهای عضو با تأیید وزارت تعاون و امور روستاها و موافقت شورای پول و اعتبار به‌صورت منطقه‌ای و بر اساس مقررات فصل هشتم این قانون تشکیل می‌شود.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره - در اتحادیه‌های تعاونی اعتباری مازاد درآمد سالانه (موضوع ماده ۱۴) عیناً به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ماده ۷۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در شرکت‌های تعاونی کشاورزی و یا روستایی که مجاز به انجام عملیات اعتباری باشند مازاد درآمد حاصل از معاملات اعتباری عیناً به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می‌شود. ماده ۸۰ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در اساسنامه شرکت می‌توان پیش‌بینی کرد که معادل نصف مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیر عضو در صورت تقاضای او برای خرید سهام شرکت با داشتن شرایط عضویت برای این منظور اختصاص یابد که در این صورت بقیه مازاد برگشتی طبق مقررات این قانون به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم منتقل می‌شود. ماده ۸۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در شرکت تعاونی اعتبار مازاد برگشتی عیناً به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می‌گردد. ماده ۱۱۹ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - شرکت یا اتحادیه تعاونی می‌تواند زیان سالانه را با تصویب مجمع عمومی از حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم تأمین نماید و نمی‌تواند قبل از انتقال مبالغ برداشتی مذکور به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم، درآمد سال‌های بعدی شرکت یا اتحادیه را تقسیم کند. ماده ۱۲۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - در تصفیه شرکت یا اتحادیه پرداخت تعهدات از محل دارایی آنها با رعایت تقدم به شرح زیر است: ۱ - پرداخت بدهی‌های شرکت یا اتحادیه. ۲ - پرداخت سهام اعضاء حداکثر به میزان مبلغ اسمی هر سهم و سود سهام در صورتی که مازاد تصفیه از حساب ذخیره غیرقابل تقسیم شرکت بیشتر باشد. ۳ - انتقال مازاد تصفیه به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم برای اقدامات مقرر طبق این قانون	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۸۶ - کلیه شرکت‌های تعاونی موجود که بر اساس قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ یا قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها تشکیل شده‌اند شرکت تعاونی غیرسهامی محسوب می‌شوند، مگر اینکه اساسنامه خود را با رعایت مقررات تبدیل شرکت‌ها بر اساس شرکت تعاونی سهامی خاص یا شرکت تعاونی سهامی عام اصلاح کنند.
ماده ۹ قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰ - در مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی با حوزه عمل وسیع و یا تعداد زیاد عضو ممکن است اعمال حق رأی به‌وسیله نماینده یا نمایندگان منتخب اعضاء در حوزه‌های مختلف فعالیت شرکت به نسبت تعداد عضو در هر حوزه و یا ترکیبی از تعداد اعضاء و مجموع معاملات همان حوزه به نحوی که در اساسنامه مقرر خواهد شد انجام شود.	ماده ۵۸۷ - مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی غیرسهامی که تعداد اعضای آنها افزون بر پانصد عضو است و در مناطق مختلف کشور پراکنده‌اند می‌تواند به‌صورت دو مرحله‌ای برگزار گردد. در مرحله اول نماینده یا نمایندگان اعضاء در حوزه‌های مختلف فعالیت شرکت تعیین و در مرحله دوم، مجمع عمومی با حضور نمایندگان منتخب اعضاء تشکیل می‌شود. چگونگی انتخاب نماینده یا نمایندگان در مرحله اول و حدود اختیارات و نحوه اعمال رأی آنها در مرحله دوم مجمع عمومی مطابق اساسنامه تعیین می‌گردد.
ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در موارد زیر منحل می‌شوند: ۱ - تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده. ۲ - کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضاء به نصاب مقرر نرسیده باشد. ۳ - انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد. ۴ - توقف فعالیت بیش از یک سال بدون عذر موجه. ۵ - عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به‌وسیله وزارت تعاون بر طبق آیین‌نامه مربوط. ۶ - ورشکستگی طبق قوانین مربوط	ماده ۵۸۸ - در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرکت تعاونی غیرسهامی پس از سه بار اخطار کتبی ظرف یک سال به‌وسیله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که فاصله هر اخطار حداقل یک‌ماه باشد این وزارتخانه انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا می‌کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۸۹ - مفاد مواد (۵۵۱)، (۵۵۲)، (۵۵۴)، (۵۵۵)، (۵۵۷)، (۵۵۸) و (۵۵۹) این قانون در مورد شرکت تعاونی غیرسهامی نیز مجری است.
ماده ۴۰ - قانون برنامه چهارم دولت موظف است در جهت ارتقای سطح و جذب فناوری‌های برتر در بخش‌های مختلف اقتصادی، اقدام‌های ذیل را در برنامه چهارم به‌عمل آورد: الف - برای ادغام شرکت‌ها، بنگاه‌ها و شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ، اقدام‌های ذیل مجاز است: ادغام شرکت‌های تجاری موضوع باب سوم «قانون تجارت»، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقای یکی از شرکت‌ها - شرکت پذیرنده و ادغام و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید)، با تصویب چهارپنجم صاحبان سهام در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های سهامی یا چهار پنجم صاحبان سرمایه در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز خواهد بود. کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت و پس از ادغام، شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید با توجه به نوع آن مطابق مقررات «قانون تجارت» اداره خواهد شد. کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، شرکت مزبور مکلف به بازخرید آنان مطابق مقررات قانون کار مصوب ۱۳۶۹.۸.۲۹ می‌باشد. چنانچه شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید در موارد خاص با نیروی کار مازاد مواجه باشد، مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲.۵.۲۶ عمل خواهد شد.	فصل سوم - مقررات تکمیلی مبحث اول - ادغام، تجزیه و تبدیل شرکت‌ها گفتار اول - ادغام و تجزیه ماده ۵۹۰ - ادغام شرکت‌ها به دو قسم ساده و مرکب انجام می‌گیرد. به جذب یک یا چند شرکت در شرکت دیگر، ادغام ساده و به تشکیل شرکت جدید از طریق ادغام حداقل دو شرکت در یکدیگر، ادغام مرکب اطلاق می‌شود. در ادغام ساده شرکت جذب شده و در ادغام مرکب شرکت‌های طرف ادغام، شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهند

قانون تجارت	لایحه تجارت
سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶.۱۲.۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است. دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت، انحصار، دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را تدوین و در تدوین لایحه تسهیل رقابت و کنترل انحصار پیش‌بینی نماید. ماده ۱۰۵- قانون برنامه پنجم توسعه الف — ادغام شرکت‌های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقاء یکی از شرکت‌ها — شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید — شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز است. امور موضوع این بند شامل مواردی که شرعاً قابل انتقال نمی‌باشد نمی‌گردد. کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود. کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال می‌یابند. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یادشده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل می‌شود. سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است. ب — دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت و انحصار و همچنین دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را مطابق فصل (۹) قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» پیش‌بینی نماید	
ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم - ... دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت، انحصار، دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را تدوین و در تدوین لایحه تسهیل رقابت و کنترل انحصار پیش‌بینی نماید.	ماده ۵۹۱ - ادغام شرکت‌ها با رعایت مقررات قانونی تسهیل رقابت و منع انحصار انجام می‌شود و در مواردی که به موجب آیین‌نامه اجرائی این ماده مشخص می‌گردد، اخذ مجوز از شورای رقابت الزامی است. این آیین‌نامه به پیشنهاد شورای رقابت شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد
	ماده ۵۹۲ - تجزیه شرکت‌ها به دو قسم کلی و جزئی انجام می‌شود. به واگذاری بخشی از اموال و دیون شرکت به یک یا چند شرکت جدید، تجزیه جزئی و به واگذاری کلیه اموال و دیون شرکت به حداقل دو شرکت جدید، تجزیه کلی اطلاق می‌شود. در تجزیه کلی شرکت تجزیه شده شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد.
	ماده ۵۹۳ - ادغام ساده یا مرکب هر یک از شرکت‌ها در یکدیگر یا تجزیه کلی یا جزئی هر یک از شرکت‌ها به شرکت‌های دیگر با رعایت مواد این مبحث مجاز است.
	ماده ۵۹۴ - مسئولیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی‌رود و شرکای مذکور کماکان ضامن دیون شرکت تا پیش از ادغام یا تجزیه می‌باشند
	ماده ۵۹۵ - تشکیل شرکت جدیدی که در آن شریک ضامن وجود دارد از طریق ادغام یا تجزیه به رضایت تمام شرکا و یا سهامدارانی منوط است که قرار است شریک ضامن شرکت جدید شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۵۹۶ - هرگاه در اثر ادغام یا تجزیه، شریک و یا سهامدار یک شرکت به شریک ضامن شرکت دیگر تبدیل شود یا سهامدار یک شرکت به شریک شرکت دیگر تبدیل شود یا سهامدار شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام یا تعاونی سهامی عام به سهامدار شرکت سهامی خاص، مختلط سهامی خاص یا تعاونی سهامی خاص تبدیل شود رضایت شریک و یا سهامدار مذکور شرط است
	ماده ۵۹۷ - شرکت‌های تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی فقط می‌توانند با رعایت مقررات این قانون با شرکت‌های هم‌نوع خود به روش ساده یا مرکب ادغام یا به شرکت‌های هم‌نوع خود به‌طور کلی یا جزئی تجزیه شوند، لکن سایر شرکت‌ها می‌توانند با رعایت این قانون در این شرکت‌ها یا شرکت تعاونی سهامی عام ادغام شوند مشروط بر اینکه شرکا و یا سهامدارانی که پس از ادغام با شرکت تعاونی مجبور به انتقال بخشی از سهام خود می‌باشند با این ادغام موافقت کنند. همچنین تشکیل هریک از این شرکت‌ها از طریق ادغام شرکت‌های هم‌نوع آن شرکت با سایر شرکت‌ها با رعایت این قانون مجاز است
	ماده ۵۹۸ - طرح مشترک ادغام به‌وسیله مدیران شرکت‌های طرف ادغام و طرح تجزیه به‌وسیله مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه تهیه می‌شود و به تصویب می‌رسد. در اساسنامه شرکت می‌توان تصمیم‌گیری در مورد تهیه و تصویب طرح مزبور را به موافقت اولیه مجمع عمومی فوق‌العاده موکول کرد
	ماده ۵۹۹ - طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه باید متضمن موارد زیر باشد: ۱ - گزارش توجیهی دلایل ادغام یا تجزیه ۲ - نام شرکت‌های طرف ادغام، میزان سرمایه و موضوع آنها در ادغام و نام شرکت موضوع تجزیه در تجزیه ۳ - نوع ادغام یا تجزیه؛ ۴ - تعیین نام شرکت یا شرکت‌های ادغام شده و بازمانده در ادغام ساده و تعیین نام شرکت‌های منحل شده و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	شرکت جدید در ادغام مرکب و تعیین نام شرکت بازمانده و یا جدید در تجزیه ۵ - صورتهای مالی مشتمل بر توصیف و ارزیابی اموال و دیون هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه تبصره - این صورتهای مالی حداکثر دو ماه قبل از تاریخ انتشار طرح موضوع ماده (۵۹۸) این قانون با تأیید بازرس یا بازرسان شرکت تهیه می‌شود و در صورتی که بازرس یا بازرسان شرکت حسابدار رسمی نباشند به تأیید حسابدار رسمی می‌رسد. ۶ - ذکر میزان اوراق بهادار و نوع آن و تعیین عوض اوراق مذکور در شرکت جدید یا بازمانده ۷ - طرح اساسنامه شرکت بازمانده و یا جدید و اسامی مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و اعلام قبولی آنها ۸ - تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم‌الشرکه، سهامداران و یا شرکای شرکت جدید یا بازمانده ۹ - تبیین شیوه‌های تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم‌الشرکه مذکور همراه با نظریه کارشناس رسمی دادگستری ۱۰ - نحوه تعویض سهام غیرقابل تبدیل در اثر ادغام ۱۱ - تعیین تکلیف در مورد مسئولیت تأدیه دیون و ایفای تعهدات شرکت موضوع تجزیه با قید میزان دیون مذکور در طرح تجزیه ۱۲ - نحوه تقسیم اموال و مطالبات بین شرکت‌های جدید و یا بازمانده در تجزیه ۱۳ - تعیین تکلیف در مورد حقوق خاص شرکا و یا سهامداران شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه ۱۴ - تعیین وضع کارکنان شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه با رعایت مقررات مربوط ۱۵ - ذکر دعاوی له و علیه شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه در مراجع قانونی ۱۶ - تعیین روزنامه شرکت جدید

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۱۷ - تعیین نحوه انتقال اموال به روش ارزش روز یا دفتری ۱۸ - برآورد هزینه‌های ادغام یا تجزیه
	ماده ۶۰۰ - خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه شامل خلاصه گزارش موضوع بند (۱) و بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۶)، (۸)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۵) و (۱۷) ماده (۵۹۹) این قانون به وسیله مدیر یا مدیران هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا تجزیه ظرف پانزده روز از تاریخ تصویب آن در هیأت مدیره در روزنامه هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه آگهی می‌شود و کل آن در پایگاه الکترونیک شرکت قرار می‌گیرد. در صورتی که شرکت فاقد روزنامه و یا پایگاه الکترونیک باشد، خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار سراسری و کل آن در پایگاه الکترونیک مرجع ثبت شرکت‌ها منتشر می‌شود
	ماده ۶۰۱ - در مورد ادغام یا تجزیه، هریک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۶۰۰) این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را در مورد ادغام یا تجزیه به دادگاه تقدیم کنند.
	ماده ۶۰۲ - در مهلت مذکور در ماده (۶۰۱) این قانون و همچنین در صورتی که اعتراضی شده و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد ادغام یا تجزیه ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در باره رد اعتراض موضوع ماده (۶۰۱) از سوی دادگاه صادر شده باشد.
	ماده ۶۰۳ - اتخاذ تصمیم در مورد ادغام یا تجزیه پس از ارائه طرح مربوط و گزارش مدیر یا مدیران در مورد پایان یافتن اعتراضات موضوع ماده (۶۰۱) این قانون و گزارش بازرس یا بازرسان در باره جزئیات طرح در جلسه مجمع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	عمومی فوق‌العاده هر یک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه انجام می‌گیرد.
	ماده ۶۰۴ - دعوت از مجمع عمومی فوق‌العاده باید ظرف یک ماه پس از انقضای مهلت اعتراض اشخاص ذی‌نفع موضوع ماده (۶۰۳) این قانون انجام گیرد.
	ماده ۶۰۵ - در صورتی که ادغام یا تجزیه بدون رعایت تشریفات مربوط انجام شود، هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال ادغام یا تجزیه را از دادگاه تقاضا کند. در هر حال، تا تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوی به‌وسیله دادگاه رسیدگی‌کننده، شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه کماکان با حفظ شخصیت حقوقی خود فعالیت می‌نمایند
	ماده ۶۰۶ - انحلال شرکت یا تشکیل شرکت جدید در روند ادغام یا تجزیه مطابق این قانون مستلزم رعایت احکام مربوط به تصفیه یا تشکیل شرکت تجاری نیست.
	ماده ۶۰۷ - برای ثبت ادغام و تجزیه، مدیران شرکت‌های طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه باید حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تصویب ادغام یا تجزیه، اظهارنامه‌ای به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - آگهی طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه ۲ - فهرست کامل بستانکاران شرکت و مبلغ طلب آنها و وضع هریک از طلب‌ها پس از انتشار آگهی طرح مشترک ۳ - اساسنامه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه ۴ - صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده دائر بر تصویب ادغام یا تجزیه
	ماده ۶۰۸ - اظهارنامه موضوع ماده (۶۰۷) این قانون باید به امضای مدیران شرکت‌های طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه برسد و متضمن موارد زیر باشد:

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۱ - نام و موضوع و مدت و اقامتگاه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه ۲ - سرمایه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه و مبلغ پرداخت شده آن ۳ - تعداد و امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار آن سهام ۴ - هویت مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت ۵ - ذکر نام روزنامه شرکت و پایگاه الکترونیک آن
	ماده ۶۰۹ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۰۷) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی به ثبت ادغام یا تجزیه و شرکت جدید حاصل از آن اقدام نماید و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد
ماده ۱۰۵ - قانون برنامه پنجم توسعه الف — ادغام شرکت‌های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقاء یکی از شرکت‌ها — شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید — شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز است. امور موضوع این بند شامل مواردی که شرعاً قابل انتقال نمی‌باشد نمی‌گردد. کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود. کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال می‌یابند. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت	ماده ۶۱۰ - شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم‌مقام شرکت یا شرکت‌های منحل شده‌اند. شرکت جدید در ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده می‌توانند به قائم‌مقامی شرکت‌های منحل شده دعاوی آنها علیه اشخاص ثالث را پیگیری یا علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. اشخاص ثالث نیز می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت‌های منحل شده را علیه شرکت جدید یا بازمانده پیگیری یا مطرح کنند. در تجزیه کلی یا جزئی، اشخاص ثالث می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت تجزیه شده را حسب مورد علیه هریک از شرکت‌های جدید و یا بازمانده مطرح کنند. هریک از شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و هریک از شرکت‌های بازمانده و جدید در تجزیه جزئی نیز به‌نحوی که مطالبات را در طرح مصوب تجزیه، بین خود تقسیم کرده‌اند می‌توانند علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. مسئولیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی‌رود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یادشده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل می‌شود. سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است. ب — دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت و انحصار و همچنین دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را مطابق فصل (۹) قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» پیش‌بینی نماید	
	ماده ۶۱۱ - شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه می‌تواند از نام شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه استفاده کند مشروط بر اینکه منجر به استفاده مشترک از یک نام نشود.
	ماده ۶۱۲ - در صورت ثبت ادغام یا تجزیه، مراجع ذی‌ربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید با تقاضای شرکت جدید یا بازمانده مبنی بر اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام شرکت بازمانده یا جدید مطابق طرح تجزیه یا ادغام اقدام کنند. در این مورد، واگذاری اموال به شرکت بازمانده یا جدید از دریافت حق‌الثبت و مالیات انتقال و هرگونه حقوق و عوارض انتقالی معاف است.
	ماده ۶۱۳ - پس از تجزیه اگر شرکتی که تأدیه دیون و ایفای تعهدات را بر عهده گرفته است از ایفای به‌موقع آنها خودداری ورزد، هر یک از شرکت‌های ایجادشده در اثر

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تجزیه به‌طور مستقل مسئول ایفای کلیه دیون و تعهدات مذکور می‌باشند
	ماده ۶۱۴ - شرکت متوقف و شرکت مشمول مواد (۲۱۶) و یا (۲۱۷) این قانون نمی‌تواند ادغام یا تجزیه شود.
	ماده ۶۱۵ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌های موضوع ادغام یا تجزیه از پرداخت مالیات معاف است.
	ماده ۶۱۶ - ادغام یا تجزیه از تاریخ ثبت محقق می‌شود.
ماده ۲۷۸ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) شرکت سهامی خاص در صورتی می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت‌های سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.	گفتار دوم - تبدیل ماده ۶۱۷ - تبدیل هر شرکت به انواع شرکت‌های دیگر با رعایت مفاد این قانون مجاز است و این امر بر دیون و تعهدات سابق شرکت و شرکا تأثیری ندارد.
ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکا به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.	
ماده ۲۷۹ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده را به‌ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند: ۱ - اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده است.	ماده ۶۱۸ - شرایط تبدیل شرکت به‌قرار زیر است: ۱ - موضوع تبدیل به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت برسد. ۲ - اساسنامه شرکت با رعایت این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد. ۳ - حداقل دو سال از تاریخ ثبت شرکت بگذرد و دو صورت مالی آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد. ۳ - صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد. ۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: الف - نام و شماره ثبت شرکت. ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن. و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن. ز - هویت کامل رئیس و امضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت. ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی. ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته. ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است. ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد.	۴ - سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت جدید مقرر شده است یا شرکت سرمایه خود را بر اساس مقررات این قانون به میزان مذکور افزایش دهد. ۵ - مجوزهای لازم برای تحقق موضوع شرکت جدید اخذ شود. ۶ - تعداد اعضاء آن از حداقل مقرر برای شرکت جدید کمتر نباشد. تبصره ۱ - شرکت‌های تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی قابل تبدیل به سایر شرکت‌ها نیستند ولی سایر شرکت‌ها می‌توانند با رعایت مقررات این قانون به این دو نوع شرکت تبدیل شوند مشروط بر اینکه تعداد سهام هیچ‌یک از سهامداران آنها از میزان مشخصی که به موجب این قانون معین شده است بیشتر نشود. تبصره ۲ - برای تبدیل هر یک از انواع شرکت‌ها به شرکت تضامنی یا نسبی اتفاق آراء کلیه شرکا و یا سهامداران و برای تبدیل هر یک از انواع شرکت‌ها به شرکت مختلط سهامی عام یا مختلط سهامی خاص یا مختلط غیرسهامی علاوه بر تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده، رضایت کلیه شرکا و یا سهامدارانی که قرار است شریک ضامن شرکت جدید باشند لازم است. تبصره ۳ - برای تبدیل شرکت‌های سهامی عام و مختلط سهامی عام به سایر شرکت‌ها و نیز برای تبدیل شرکت‌های سهامی خاص و مختلط سهامی خاص به شرکت با مسئولیت محدود یا مختلط غیرسهامی رضایت همه سهامداران الزامی است
	ماده ۶۱۹ - رعایت مفاد مواد (۶۰۱)، (۶۰۲)، (۶۰۳) و (۶۱۵) این قانون در مورد تبدیل شرکت‌ها نیز الزامی است. شرکت جدید پس از تبدیل از هر جهت قائم مقام شرکت تبدیل شده محسوب می‌شود
ماده ۲۷۸ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) شرکت سهامی خاص در صورتی می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت	ماده ۶۲۰ - تبدیل شرکت‌های سهامی عام، سهامی خاص، مختلط سهامی عام و مختلط سهامی خاص به انواع شرکت‌های دیگر در موارد زیر مجاز نیست:

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت‌های سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.	۱ - سرمایه تعهد شده به وسیله سهامداران به طور کامل تأدیه نشده باشد. ۲ - تا زمانی که اوراق بهادار صادر شده از جانب شرکت تسویه نشده باشد.
	ماده ۶۲۱ - برای ثبت تبدیل هریک از شرکت‌ها به شرکتی غیر از شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده تبدیل شرکت را تصویب می‌کند اظهارنامه‌ای به همراه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند: ۱ - صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که تبدیل شرکت را تصویب کرده است. ۲ - اساسنامه جدید که با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد. ۳ - صورتهای مالی شرکت که مطابق بند (۵) ماده (۵۹۹) این قانون و تبصره آن تنظیم شده است. ۴ - گواهینامه حاکی از میزان سرمایه ثبت شده شرکت و میزانی از آن که پرداخت شده است. ۵ - تصویر مصدق موافقتنامه مرجع خاص در صورتی که انجام موضوع شرکت جدید به موجب قانون مستلزم موافقت آن مرجع باشد. ۶ - مدارک هویت مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که تصدیق شده باشد.
	ماده ۶۲۲ - اظهارنامه تبدیل مذکور در ماده (۶۲۱) باید به امضاء مدیر یا مدیران شرکت برسد و مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - هویت شرکت جدید ۲ - موضوع شرکت جدید

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۳ - مدت شرکت جدید ۴ - اقامتگاه شرکت جدید و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد، نشانی دقیق شعب آن ۵ - میزان سرمایه ثبت شده شرکت جدید و مبلغ پرداخت شده آن ۶ - شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت ایجاد مزایا و یا سهم ممتاز ۷ - هویت مدیر یا مدیران، مدیرعامل و بازرس یا بازرسان شرکت جدید ۸ - ذکر نام روزنامه شرکت جدید در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به موجب قانون یا اساسنامه تبصره - در موارد تبدیل شرکت به شرکت سهامی خاص یا مختلط سهامی خاص علاوه بر موارد مذکور در این ماده ذکر موارد مندرج در صدر ماده (۱۴۹) این قانون نیز الزامی است.
	ماده ۶۲۳ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده (۶۲۱) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت می‌کند. در صورت نقص مدارک و یا مغایرت آنها با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز موارد مغایرت را به‌طور کتبی به متقاضی اعلام کند
ماده ۲۸۱ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط بدو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارایی شرکت و اموال منقول و غیرمنقول آن در مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده می‌باشد آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد اقلاً در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود	ماده ۶۲۴ - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اظهارنامه تبدیل شرکت ذکر و قید شود که اساسنامه شرکت و صورتهای مالی مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم در مورد تبدیل شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها و در اقامتگاه شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان، موجود است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۲۵ - برای تبدیل هریک از شرکت‌ها به شرکت سهامی عام یا مختلط سهامی عام یا تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید اظهارنامه تبدیل شرکت را به همراه مدارک موضوع ماده (۶۲۱) این قانون و طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و گزارش‌های تحلیلی خطرپذیری (ریسک) مرتبط با آن به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند. این اظهارنامه باید مشتمل بر موارد مندرج در ماده (۶۲۲) و تبصره آن باشد. همچنین هرگاه تأمین سرمایه لازم از طریق مراجعه به عموم مدنظر باشد باید طرح اعلامیه پذیرهنویسی که با رعایت ماده (۴۶۷) تدوین می‌شود به همراه مدارک مذکور به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم شود
	ماده ۶۲۶ - سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده (۶۲۵) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای تبدیل شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند. تبصره - صدور موافقت‌نامه به منزله تضمین توجیه اقتصادی و سودآوری نیست و فقط بیانگر رعایت قوانین و مقررات و شفافیت اطلاعات ارائه شده است.
	ماده ۶۲۷ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۶) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون حسب مورد تبدیل شرکت را ثبت یا اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به‌طور کتبی به شرکت متقاضی تبدیل و سازمان بورس اوراق بهادار اعلام کند، در این صورت رعایت مفاد مواد (۴۷۱) و (۴۷۲) الزامی است. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را به‌طور کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۲۸ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ سرمایه لازم، معین شده است و در صورت تمدید پس از انقضای مدت تمدیدشده، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی و در صورت تأمین کل سرمایه لازم ضمن اصلاح اساسنامه، تعداد سهام و میزان تعهد هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌کنند و پس از تأیید سازمان مذکور، مراتب را برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت شرکت‌ها می‌رسانند.
	ماده ۶۲۹ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۸) این قانون در باره مطابقت یا مغایرت مندرجات آنها با قانون اعلام نظر و به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. در صورت اعلام مغایرت مندرجات مدارک با قانون، نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد مغایرت باشد.
	ماده ۶۳۰ - در صورتی که سهام جدیدی که به‌ترتیب مذکور در ماده (۶۲۹) این قانون عرضه می‌شود به‌طور کامل تعهد نشود، شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.
به نظر می‌رسد با ماده ۶۴۱ تعارض دارد چرا که به‌موجب مواد ۶۴۰ و ۶۴۱ عدم ثبت تبدیل، ادغام یا تجزیه یا انحلال و... موجب بطلان آنها نیست ولی در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.	ماده ۶۳۱ - تبدیل شرکت از تاریخ ثبت محقق می‌شود.
ماده ۱۹۵ ق.ت. - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکت‌ها است.	مبحث دوم - مقررات ثبتی ماده ۶۳۲ - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (مرجع ثبت شرکت‌ها) الزامی است.
ماده ۱۹۷ قانون تجارت - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.	ماده ۶۳۳ - حداکثر یک ماه پس از ثبت هر شرکت تجاری، خلاصه اساسنامه آن طبق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزیر دادگستری که حداکثر شش ماه پس از

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، منتشر می‌گردد.
ماده ۱۹۹ قانون تجارت - هر گاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ باید به قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.	ماده ۶۳۴ - هرگاه شرکت تجاری در چندین حوزه شعبه یا نمایندگی داشته باشد، شعب یا نمایندگی‌های مذکور نیز باید مطابق مقررات این قانون به ثبت برسند.
ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد - این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده. ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچ یک از شرکا نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند.	ماده ۶۳۵ - هر یک از شرکا شرکت‌هایی که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند و خود را با رعایت احکام این قانون ثبت نکرده‌اند به نسبت سرمایه خود در شرکت، مسئول کلیه دیون شرکت محسوب می‌شوند. در صورتی که این اشخاص در اسناد، صورتحساب‌ها و آگهی‌های خود از عنوان شرکت استفاده کنند به مجازات حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند.
ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و	ماده ۶۳۶ - مؤسسات غیر تجاری که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند در مورد دیون خود در مقابل طلبکاران و اشخاص ثالث، حکم شرکت تضامنی را دارند. هر یک از اعضای مؤسسات مذکور در صورت عدم کفایت اموال مؤسسه پس از انحلال و تصفیه، مسئول کلیه دیون شرکت محسوب می‌شود.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد - این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده.	
	ماده ۶۳۷ - ثبت کلیه اشخاص حقوقی خصوصی به استثناء موقوفات با موضوع هر یک از اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون ممنوع است و این اشخاص فقط در قالب انواع شرکت‌های تجاری مذکور در مواد (۱۴۳) و (۱۴۴) قابل ثبت می‌باشند.
ماده چهارم قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - هر شرکت خارجی که در تاریخ اجرا این قانون در ایران به وسیله شعبه یا نماینده مشغول به امور تجاری یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف ۴ ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید در صورتی که این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به اداره ثبت کافی نباشد رئیس محکمه ابتدایی تهران به تقاضای نماینده شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد ماده پنجم قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت‌های خارجی در ایران اقدام به امور تجاری یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضاء موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدائی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و به علاوه محکمه برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم متخلف را به تأدیه پنج الی ۵۰ تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه (هرگاه) حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود. ماده ششم قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - در مورد شرکت‌های خارجی که شرایط عملیات آن‌ها به موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت	ماده ۶۳۸ - شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، با رعایت مفاد این قانون می‌توانند به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اقدام کنند. هر شرکت خارجی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در ایران شعبه یا نمایندگی دارد که به ثبت نرسیده است با رعایت مقررات این ماده باید حداکثر ظرف چهار ماه از تاریخ مذکور تقاضای ثبت کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تأخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است. قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶: ماده واحده — شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند. تبصره - آئین‌نامه اجرائی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی سایر مراجع ذی‌ربط به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید	
ماده ۱۰۳ - انتقال سهم‌الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی	ماده ۶۳۹ - سهم‌الشرکه فقط به موجب سند رسمی واگذار می‌شود. در غیر این صورت، واگذاری در مقابل شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست. دفتر اسناد رسمی ثبت‌کننده معامله باید نسخه‌ای از سند رسمی واگذاری سهم‌الشرکه را ظرف ده روز به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند.
ماده ۱۰۶ ل.ا.ق.ت. - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع شرکت‌ها ارسال گردد: ۱ - انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان. ۲ - تصویب ترازنامه. ۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه. ۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن. ماده ۱۲۸ ل.ا.ق.ت. - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت جلسه هیئت	ماده ۶۴۰ - موارد زیر باید برای ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال گردد و پس از ثبت، به هزینه شرکت در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت آگهی شود. تسلیم رونوشت یا تصویر مصدق صورت جلسه‌ای که متضمن موارد مذکور است به همراه ضائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها الزامی است: ۱ - هویت مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان و مدیر یا مدیران تصفیه و هویت مدیر یا مدیران جایگزین شده مطابق مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون و هویت بازرس یا بازرسان جایگزین شده مطابق مواد (۲۵۱) و (۲۵۲) ۲ - تصویب صورتهای مالی ۳ - تعیین روزنامه شرکت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. ماده ۱۶۳ ل.ا.ق.ت. - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. ماده ۲۰۹ ل.ا.ق.ت. - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است. ماده ۲۱۰ ل.ا.ق.ت. - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است. ماده ۲۲۷ ل.ا.ق.ت. - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری حذف گردد. ماده ۲۳۰ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفاء از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط	۴ - هر نوع تغییر در اساسنامه و سرمایه ۵ - تصویب ادغام، تجزیه یا تبدیل و تحقق هر یک از آنها ۶ - انحلال و نحوه تصفیه و انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه ۷ - انتشار اوراق بهادار در صورت مجاز بودن شرکت به انتشار این اوراق به موجب قانون ۸ - هویت مدیرعامل و قائم مقام یا قائم مقامان وی ۹ - هویت نماینده معرفی شده به وسیله شخص حقوقی به عنوان مدیر یا برای شرکت در جلسات مدیران ۱۰ - هویت مدیران شعب و نمایندگی‌های شرکت ۱۱ - حدود اختیارات مدیرعامل و قائم مقام وی ۱۲ - نشانی دقیق شرکت و شعب و نمایندگی‌های آن و تغییرات بعدی در نشانی آنها ۱۳ - تغییر در شرکا و یا میزان سهم‌الشرکه آنها

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است. ماده ۲۸۰ ل.ا.ق.ت. - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. ماده ۱۵۳ ق.ت. - اگر در نتیجه قرارداد با شرکا ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت شریک با مسئولیت محدود از سهم‌الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکت‌ها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می‌توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تأدیه همان سرمایه اولیه شریک با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند. ماده ۲۰۰ ق.ت. - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم‌الرعايه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ می‌شود رعایت خواهد شد. ماده ۲۰۵ ق.ت. - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۸ ل.ا.ق.ت. - اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به‌ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد. ماده ۲۱۰ ل.ا.ق.ت. - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است. قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰: ماده هفتم - تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق بنام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند.	ماده ۶۴۱ - در کلیه مواردی که مصوبات مجمع عمومی یا مدیر یا مدیران باید به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه شود این امر باید ظرف یک ماه از تاریخ مصوبه انجام پذیرد. اگر در متن مصوبه نماینده‌ای برای مراجعه به این مرجع معین نشود، مدیر یا مدیران شرکت ظرف مهلت مذکور موظف به مراجعه می‌باشند. عدم ثبت تصمیمات مذکور و آگهی آن به موجب این قانون باعث بطلان آنها نیست، ولی شرکت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه نمی‌تواند به این تصمیمات استناد کند.
	ماده ۶۴۲ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون نشر آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، روزنامه شرکت، روزنامه دیگر و یا پایگاه الکترونیک مقرر شود، از نظر اجرای این قانون، مفاد و تاریخ آگهی مندرج در روزنامه رسمی منوط اعتبار است. هرگاه مطابق مقررات این قانون نشر آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار پیش‌بینی شود، از نظر اجرای مقررات این قانون، مفاد و تاریخ مندرج در آخرین آگهی معتبر است.
	ماده ۶۴۳ - مراجع مذکور در این قانون نمی‌توانند برای ثبت شرکت یا شعبه یا نمایندگی یا صدور هرگونه اجازه در این مورد یا ثبت امور دیگر مدرکی جز مدارک مصرح در این قانون مطالبه کنند.
	ماده ۶۴۴ - به کلیه اشتباهات ثبتی ناظر به ثبت شرکت‌ها و نیز اعتراض اشخاص به اقدامات و نظریات مرجع ثبت شرکت‌ها در مورد اشخاص حقوقی در شرف تأسیس و نیز عدم ثبت تغییرات آنها در هیأت نظارت ثبت استان مربوط، رسیدگی می‌شود. متقاضی می‌تواند ظرف مهلت بیست

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	روز از تاریخ ابلاغ رأی هیأت مذکور، در شورای عالی ثبت تجدید نظر خواهی کند. رأی شورای عالی ثبت در این مورد لازم‌الاجرا و در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است.
	مبحث سوم - مقررات جزائی ماده ۶۴۵ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می‌شود. مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.
ماده ۲۰۱ ق.ت. - در هرگونه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات و غیره که به‌طور خطی یا چاپی از طرف شرکت‌های مذکور در این قانون به‌استثنای شرکت‌های تعاونی صادر می‌شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود - شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره - شرکت‌های خارجی نیز که به‌وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.	ماده ۶۴۶ - کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون باید در تمامی اسناد، صورتحساب‌ها، آگهی‌ها و نشریات خود اعم از اینکه دست‌نویس، چاپی یا الکترونیک باشد آخرین سرمایه ثبت شده خود را درج کنند. اگر تمام سرمایه پرداخت نشده باشد قسمتی که پرداخت شده نیز باید معین شود. شرکت‌های متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شوند. شعبه یا نماینده شرکت خارجی نیز که در ایران به تجارت اشتغال دارد در مورد اسناد و صورتحساب‌ها و آگهی‌ها و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده است.
ماده ۲۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۴۷ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هرکس که عالماً و بر خلاف واقع پذیرهنویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیرهنویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از	گفتار اول - جرائم مربوط به تشکیل شرکت ماده ۶۴۷ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود: ۱ - تصدیق پذیرهنویسی سهام شرکت برخلاف واقع ۲ - اعمال تقلب به‌منظور تعیین ارزش آورده غیرنقد به بیش از قیمت واقعی

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیرنقد ثقلب اعمال کند. ۲ - هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند. ۳ - هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد. ۴ - هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند. ۵ - هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیرهنویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند. ۶ - هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام صادر کند	۳ - درج مبلغ پرداخت شده در ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم به بیش از آنچه به‌واقع پرداخت شده ۴ - صدور سهام و یا قطعات سهام قبل از ثبت شرکت بر اساس این قانون ۵ - صدور سهام و یا قطعات سهام بدون پذیرهنویسی کلیه سرمایه شرکت و تأدیه حداقل پنجاهدرصد (۵۰٪) آن و تسلیم کلیه سرمایه غیرنقد
ماده ۲۴۴ لایحه اصلاحی ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) اشخاص زیر به حبس تأدییی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هرکس عالماً سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد. ۲ - هرکس سهام بی‌نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد. ۳ - هرکس سهام بانام را قبل از آنکه اقلاً سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد. ماده ۲۴۵ لایحه اصلاحی ق.ت. - هرکس عالماً در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند یا انجام آن	ماده ۶۴۸ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود: ۱ - صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی ۲ - صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بی‌نام جدید برخلاف مقررات این قانون یا صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بی‌نام، قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی آن ۳ - صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بانام، قبل از پرداخت حداقل پنجاهدرصد (۵۰٪) مبلغ اسمی آن

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
عملیات را تسهیل نماید بر حسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد	
ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت. - شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیرهنویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند. ماده ۲۴۸ ل.ا.ق.ت. - هرکس اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۹ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار - اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی را به سازمان و یا بورس ارائه نمایند یا تصدیق کنند و یا اطلاعات، اسناد و یا مدارک جعلی را در تهیه گزارش‌های موضوع این قانون مورد استفاده قرار دهند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهند شد.	ماده ۶۴۹ - هرگاه شخصی بدون رعایت مقررات این قانون با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیرهنویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد یا بدون رعایت قوانین مربوط به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل یک‌چهارم تا نصف وجهی که به‌ترتیب مذکور در این ماده دریافت کرده‌اند یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. هرگاه شخصی به‌منظور انتشار آگهی پذیرهنویسی از اعلام تمام یا برخی از مطالبی که به‌موجب این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها یا سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام شود خودداری ورزد یا اطلاعات نادرستی را به مراجع مذکور ارائه کند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. مطالبات طلبکاران شرکت مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می‌گردد.
	ماده ۶۵۰ - مدیر مسئول هر نشریه اعم از کاغذی و الکترونیک که بدون دریافت مجوز از سازمان بورس و

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	اوراق بهادار و مرجع ثبت شرکت‌ها به انتشار آگهی پذیره‌نویسی اقدام کند به مجازات مذکور در ماده (۶۴۹) این قانون محکوم می‌شود.
ماده ۲۵۳ لایحه اصلاحی ق.ت. - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هرکس عمداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهام بشود. ۲ - هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و یا به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.	ماده ۶۵۱ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود: ۱ - مانع حضور شریک و یا سهامدار شرکت در جلسه مجمع عمومی سهامداران شود ۲ - با توسل به وسایل متقلبانه خود را شریک یا سهامدار معرفی و به این طریق در مجمع عمومی شرکت کند و خود یا به‌وسیله دیگری رأی بدهد
ماده ۱۱۵ ق.ت. - اشخاص ذیل کلاه بردار (کلاهبردار) محسوب می‌شوند: الف) مؤسّسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند. ب) کسانی که به‌وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند. ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند	ماده ۶۵۲ - اشخاص زیر کلاهبردار محسوب می‌شوند: ۱ - مؤسّسان و مدیر یا مدیرانی که پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت یا ثبت افزایش سرمایه بدهند برخلاف واقع اظهار کنند. ۲ - اشخاصی که به‌وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کنند.
ماده ۲۴۶ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی	گفتار دوم - جرائم مربوط به مدیر و مدیرعامل شرکت ماده ۶۵۳ - هرگاه مدیر یا مدیران شرکت سهامی مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود: ۱ - عدم مطالبه قسمت پرداخت‌نشده مبلغ اسمی سهام شرکت ظرف مهلت مقرر در این قانون

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
فوق‌العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت نمایند.	۲ - عدم دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده برای تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده حداکثر تا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور در این قانون
۲ - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.	
ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم نمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۵۴ - هرگاه در شرکت‌های دارای هیأت‌مدیره رئیس هیأت‌مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا شش ماه پس از پایان هر سال مالی، مجمع عمومی عادی را دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می‌شوند
ماده ۲۵۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم نمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۵۵ - مدیری که مدارک مقرر در ماده (۲۱۴) این قانون را بموقع تنظیم و تسلیم نکند به مجازات مقرر در ماده (۶۵۴) محکوم می‌شود.
ماده ۲۵۵ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.	ماده ۶۵۶ - هر یک از مدیران شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که صورت حاضران در مجمع را مطابق ماده (۴۴۳) این قانون تنظیم نکند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود
ماده ۲۵۶ لایحه اصلاحی ق.ت. - هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند. به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.	ماده ۶۵۷ - هرگاه صورتجلسه مجمع عمومی مطابق مقررات قانونی یا اساسنامه تنظیم نشود و یا مقررات مربوط به حق رأی شرکا و یا سهامداران رعایت نگردد، هر یک از مسئولان مربوط به مجازات مذکور در ماده (۶۵۶) این قانون محکوم می‌شود.
ماده ۲۵۷ لایحه اصلاحی ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) رئیس و اعضاء هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.	

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۱۱۵ ق.ت. - اشخاص ذیل کلاه بردار (کلاهبردار) محسوب می‌شوند: الف) مؤسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند. ب) کسانی که به‌وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند. ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند.	ماده ۶۵۸ - مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند: ۱ - تقسیم منافع موهوم بین شرکا و یا سهامداران بدون داشتن صورتهای مالی یا به استناد صورتهای مالی خلاف واقع. ۲ - ارائه یا انتشار صورتهای مالی خلاف واقع به شرکا و یا سهامداران به‌منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت ۳ - استفاده از اختیارات خود یا اموال یا اعتبارات شرکت، برخلاف منافع شرکت ۴ - تقسیم سود برخلاف مقررات این قانون
ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت. - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند. ۲ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به‌منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند. ۳ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند. ۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند استفاده کنند.	تبصره - عدم امضای صورتهای مالی به‌وسیله مدیرعامل یا هریک از مدیران رافع مسئولیت‌های مدنی و کیفری وی در مورد صورتهای مالی نیست. سلب مسئولیت از مدیرعامل یا مدیران مذکور منوط به آن است که نامبردگان نظر مخالف خود را به‌صورت مستدل در ذیل صورتهای مالی درج کنند. در صورتی که به هر علت این امر ممکن نگردد اشخاص مذکور باید ظرف ده روز از اطلاع از تصویب صورتهای مالی به‌وسیله مدیران، مخالفت خود را به‌طور کتبی به اطلاع شرکت برسانند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۵۹ - هرگاه در نتیجه ارتکاب جرائم موضوع این مبحث خسارتی به شرکت وارد شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور در این مبحث به جبران خسارت واردشده و جزای نقدی معادل زیانی که به شرکت وارد کرده است محکوم می‌شود. دادگاه رسیدگی کننده به جرم، به جبران خسارت هم حکم می‌دهد. صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه در خصوص خسارات وارد شده رسیدگی و حکم صادر کند. مطالبات شرکت از مرتکب جرم مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می‌شود.
ماده ۲۵۹ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضای هیأت مدیره شرکت که متعماً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۰ - هرگاه در شرکت‌های دارای هیأت‌مدیره رئیس هیأت‌مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت، از دعوت مجمع عمومی در هر موقع که انتخاب بازرس یا بازرسان شرکت باید انجام شود خودداری کنند و یا بازرس یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.
ماده ۲۶۰ لایحه اصلاحی ق.ت. - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۱ - هریک از مدیران شرکت و مدیرعامل که مانع یا مخل انجام وظایف بازرس یا بازرسان شرکت بشود یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف بازرس یا بازرسان لازم است در اختیار آنان قرار ندهد به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود.
ماده ۲۶۱ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام	ماده ۶۶۲ - مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه بر خلاف واقع یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گیرد و یا قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام یا قطعات سهام جدید کنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.	نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.
ماده ۲۶۲ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به‌استثنای مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیرهنویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند. ۲ - در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند. ماده ۲۶۳ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که عالملاً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیرهنویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک‌میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۳ - هرگاه مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت در موقع افزایش سرمایه مطابق ماده (۴۵۶) این قانون، حق تقدم سهامداران را رعایت نکنند یا مهلتی را که برای اعمال حق تقدم در نظر گرفته می‌شود را به سهامداران ندهند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۲۶۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالمأ مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام. ۲ - در صورتیکه [در صورتی که] پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد. ۳ - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی نشده باشد.	ماده ۶۶۴ - هرگاه مدیر یا مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مورد کاهش سرمایه مفاد مواد (۲۹۶)، (۲۹۸)، (۳۰۰) و (۳۰۱) این قانون را رعایت نکنند به جزای نقدی درجه شش یا محرومیت درجه هفت از مدیریت هر شرکت تجاری و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.
ماده ۲۶۵ لایحه اصلاحی ق.ت. مصوب ۱۳۴۷ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.	ماده ۶۶۵ - هرگاه در شرکت‌های دارای هیأت مدیره رئیس هیأت مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده، موضوع ماده (۲۰۶) این قانون را دعوت نکنند یا حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننمایند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.
	ماده ۶۶۶ - هر یک از مدیران یا مدیرعامل شرکت‌های تعاونی سهامی عام، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی که امتیازات، اموال و تسهیلاتی را که از منابع عمومی برای صرف در موارد خاص در اختیار آنها قرار می‌گیرد در غیر مورد مصرف آنها صرف کند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.
	ماده ۶۶۷ - در صورتی که مدیر یا مدیران در طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه، هرگونه اطلاعات نادرست درج یا به مجمع عمومی شرکا و یا سهامداران مدارک

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	خلاف واقع ارائه کنند، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به اشخاص ذی‌نفع به پرداخت جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند.
ماده ۲۴۷ - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیأت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره منوط به این است که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره کافی است.	ماده ۶۶۸ - در مواردی که برای مدیر یا مدیران به دلیل نقض تکالیف مقرر در این قانون مجازات معین شده باشد، هرگاه هر یک از مدیران قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه مدیران به صراحت اعلام کند که باید برای سلب مسئولیت جزائی به تکلیف قانونی عمل شود، اما سایر مدیران به این اعلام توجه نکنند و جرم تحقق یابد مدیری که تکلیف قانونی را اعلام کرده است، مجرم شناخته نمی‌شود. سلب مسئولیت جزائی از مدیر منوط به این است که وی علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه مدیران مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی نیز به هریک از مدیران اعلام کند. در صورتی که جلسه مدیران به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از مدیر کافی است.
	ماده ۶۶۹ - هرگاه شخصی به استناد مقررات این مبحث به محرومیت از سمت مدیریت محکوم شود از سمت مدیریت عاملی شرکت تجاری نیز محروم می‌شود.
قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - ماده پنجم - اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت‌های خارجی در ایران اقدام به امور تجاری یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضای موعده مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی‌العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدائی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و به علاوه محکمه برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم متخلف را به تأدیه پنج الی ۵۰ تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه (هرگاه) حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نمایندگی یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود.	ماده ۶۷۰ - هرگاه مدیران شعب یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی در ایران قبل از انقضای موعده مقرر در ماده (۶۳۸) این قانون تقاضای ثبت نکنند، به تقاضای دادستان شهرستان محل و به حکم دادگاه عمومی مرکز کشور، به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند. به علاوه دادگاه برای هر روز تأخیر در ثبت پس از صدور، حکم متخلف را به جزای نقدی درجه هشت محکوم می‌کند و هرگاه حکم فوق قطعی شود و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ تخلف ادامه یابد دولت از عملیات شعبه یا نمایندگی شرکت متخلف جلوگیری می‌کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ - ماده ششم - در مورد شرکت‌های خارجی که شرایط عملیات آن‌ها به موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تأخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است.	
ماده ۲۶۶ لایحه اصلاحی ق.ت. - هرکس با وجود منع قانونی عالماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.	گفتار سوم - جرائم مربوط به بازرسی شرکت ماده ۶۷۱ - هر شخصی که با وجود منع قانونی، سمت مدیریت، مدیریت عامل یا بازرسی را در شرکت تجارتی بپذیرد، به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شود.
ماده ۲۶۷ - هرکس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش‌های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این‌گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.	ماده ۶۷۲ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتی یا حسابدار رسمی در مورد اوضاع شرکت، به مجمع عمومی گزارش خلاف واقع بدهد یا گزارش خلاف واقع را تصدیق کند یا اسرار تجارتی شرکت را افشاء کند یا به تکلیف مقرر در ماده (۲۵۹) این قانون عمل نکند، به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی و حسابرسی شرکت محکوم می‌شود.
	ماده ۶۷۳ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتی بدون عذر موجه از ارائه گزارش به مجمع عمومی خودداری کند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.
ماده ۲۶۸ ل.ا.ق.ت. - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند.	گفتار چهارم - جرائم مربوط به مدیر تصفیه شرکت ماده ۶۷۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجارتی مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند:

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌داند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند. ۳ - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکرده صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به‌ضمیمه گزارش‌های حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند. ۴ - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند. ۵ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نمایند. ۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌های ایرانی تودیع ننمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.	۱ - ظرف یک ماه پس از انتخاب، تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مراجع مذکور در ماده (۳۱۵) این قانون و تبصره آن اعلام نکنند. ۲ - تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه، مجمع عمومی عادی شرکت را دعوت نکنند یا وضعیت اموال و مطالبات و دیون شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که برای پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند را به اطلاع مجمع عمومی نرسانند. ۳ - قبل از خاتمه امر تصفیه، همه ساله مجمع عمومی عادی سهامداران شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکنند یا صورتهای مالی خود را به‌ضمیمه گزارش اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم ننمایند. ۴ - در خاتمه دوره تصدی خود، بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند، به فعالیت خود ادامه دهند. ۵ - ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند. ۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه، وجوه باقیمانده را در حساب سپرده مخصوص با رعایت غبطه ذی‌نفع در یکی از بانک‌های ایرانی تودیع نکنند و صورت اسامی بستانکاران و شرکا و یا سهامدارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم ننمایند و مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.
ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱ - در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند.	ماده ۶۷۵ - مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجاری که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند: ۱ - اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.	مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع هستند مورد استفاده قرار دهند. ۲ - اموال شرکت را برخلاف ماده (۳۷۱) این قانون واگذار کنند. ۳ - بدون رعایت حقوق بستانکاران و لحاظ کردن دیونی که هنوز موعد تأدیه آنها نرسیده است، اموال شرکت را بین شرکا و یا سهامداران تقسیم کنند.
ماده ۹۵ ق.ت. - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و إلا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ‌یک از شرکا باشد و إلا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.	مبحث چهارم - مقررات متفرقه ماده ۶۷۶ - نام شرکت نباید متضمن نام شریک با مسئولیت محدود و یا سهامدار شرکت باشد در غیر این صورت شخصی که نام او در نام شرکت قید شده است در مقابل اشخاص ثالث، حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را دارد.
ماده ۴ ل.ا.ق.ت. - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام ب مردم تأمین می‌کنند. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند. نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند. تبصره - در شرکت‌های سهامی عام عبارت "شرکت سهامی عام" و در شرکت‌های سهامی خاص عبارت "شرکت سهامی خاص" باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله بانام شرکت در کلیه اسناد و اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌ها [آگهی‌های] شرکت به‌طور روشن و خوانا قید شود. ماده ۹۵ ق.ت. - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و إلا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.	ماده ۶۷۷ - در کلیه شرکت‌ها باید نام شرکت، حسب مورد، مشتمل بر عبارت حاکی از نوع شرکت یا عبارت شرکت نامعین باشد و این نام در کلیه اسناد و اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت به‌طور روشن و خوانا قید شود در غیر این صورت متخلف با شرکت مذکور در مقابل شخص ثالث متضرر از این اقدام مسئولیت تضامنی دارد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ‌یک از شرکا باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت. ماده ۱۱۷ ق.ت. - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقل اسم یک نفر شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکا) یا (و برادران) قید شود. ماده ۱۴۱ ق.ت. - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود - شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود. ماده ۱۴۳ ق.ت. - هر یک از شرکا با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی‌اثر است. ماده ۱۶۳ ق.ت. - در اسم شرکت (مختلط سهامی) باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود.	
ماده ۱۰۲ ق.ت. - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکا که لاقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند	ماده ۶۷۸ - سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق بهادار از جمله ورقه سهم درآید.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۷۹ - انواع، ترتیب انتشار و احکام اوراق بهادار و نیز اشخاصی که مجاز به انتشار این اوراق می‌باشند به موجب قانون معین می‌شود.
ماده ۱۳۴ ق.ت. - هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا (به حساب شخصی خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.	ماده ۶۸۰ - هیچ شریک و یا سهامداری نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا و یا سهامداران به حساب شخصی خود یا شخص ثالث، وارد تجارتي از نوع تجارت شرکت شود و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک و یا سهامدار با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود. تبصره - سهامدار شرکت سهامی عام، شرکت مختلط سهامی عام و شرکت تعاونی سهامی عام از شمول این ماده مستثنی است.
ماده ۱۲۹ ق.ت. - طلبکاران شخصی شرکا حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکا می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دائین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.	ماده ۶۸۱ - بستانکاران شخصی شرکا و یا سهامداران نمی‌توانند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهم مدیون خود از منافع شرکت یا سهم الشرکه یا سهام او در شرکت هر اقدام قانونی را به عمل آورند.
ماده ۱۳۰ ق.ت. - نه مدیون شرکت می‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکا داشته باشد استناد به	ماده ۶۸۲ - مدیون شرکت نمی‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکا داشته باشد به تهاتر استناد

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تهاتر کند نه خود شریک می‌تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید معذالک کسی که طلبکار شرکت و مدیون یکی از شرکا بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شرکت حق استناد به تهاتر خواهد داشت.	کند. همچنین شریک شرکت نیز نمی‌تواند در مقابل دینی که ممکن است بستانکار او به شرکت داشته باشند به تهاتر استناد نماید.
ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.	ماده ۶۸۳ - هرگاه مفاد این قانون در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که به‌وسیله هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود، حسب مورد به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام می‌شود در این صورت مؤسس یا مؤسسان، مدیر یا مدیران، بازرس یا بازرسان و شریک و یا سهامدار شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند.
ماده ۲۷۱ ل.ا.ق.ت. - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد. ماده ۲۷۲ ل.ا.ق.ت. - دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است می‌تواند بنا به درخواست خواننده مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد	ماده ۶۸۴ - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان رفع شود، دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر می‌کند. دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه می‌شود می‌تواند به درخواست خواننده مهلتی را که از شش ماه بیشتر نیست برای رفع موجبات بطلان تعیین کند. ابتدای مهلت مذکور تاریخ ثبت دادخواست بطلان است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشود، دادگاه حکم مقتضی صادر می‌کند.
ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظائف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.	ماده ۶۸۵ - شرایط لازم برای تصدی سمت بازرسی در شرکت‌های تجاری فقط از جهت سوابق علمی، تخصصی و تجربی به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
تبصره - در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف بازرسی شرکت‌ها را در شرکت‌های سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکت‌ها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکت‌های سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیت‌دار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئین‌نامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیون‌های اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود. - آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۱	
ماده ۲۷۴ ل.ا.ق.ت. - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌نماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به‌عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند. ماده ۲۷۵ ل.ا.ق.ت. - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین شده‌اند حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می‌نماید. تبصره - تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین می‌شود به عهده دادگاه است.	ماده ۶۸۷ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌کند باید در رأی خود یک یا چند شخص را به‌عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا به‌موجب این قانون عمل کنند. تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که به‌وسیله دادگاه تعیین می‌شود برعهده دادگاه است.
ماده ۲۸۴ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون به‌صورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند و الا منحل محسوب	ماده ۶۸۸ - شرکت‌های تجاری موجود باید حداکثر ظرف دو سال وضع خود را با این قانون تطبیق دهند. پس از انقضای این مهلت، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. دادگاهی که تقاضای انحلال نزد آن مطرح می‌شود، می‌تواند به درخواست خوانده مهلتی که نباید از سه ماه بیشتر باشد برای تطبیق وضع شرکت با قانون جدید تعیین کند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود. تا هنگامی که شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف سه سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده‌اند تابع مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود. تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق می‌شود که مرجع ثبت شرکت‌ها پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به‌استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچ‌گونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می‌شود. ماده ۲۸۵ ل.ا.ق.ت. - تغییر اساسنامه هر یک از شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به‌منظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائاً ممکن است به‌موجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به‌تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حد نصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق‌العاده به‌منظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکت‌های سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکت‌های موجود در تاریخ تصویب این قانون می‌باشد	موجبات انحلال برطرف نشده باشد، دادگاه حکم انحلال صادر می‌کند.
	ماده ۶۸۹ - پس از انقضای مهلت مذکور در ماده (۶۸۸) این قانون، ثبت صورت‌جلسات شرکت‌های موضوع ماده مذکور در مرجع ثبت شرکت‌ها منوط به تطبیق وضع با این قانون است. انجام هرگونه معامله با شرکت‌های تجاری از سوی کلیه دستگاه‌های اجرائی پیش از تطبیق وضع ممنوع است.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۶۹۰ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌هایی که به‌منظور تطبیق وضع با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت می‌کنند از پرداخت مالیات معاف است.
ماده ۳۰۰ ل.ا.ق.ت. - شرکت‌های دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند. - ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری - ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱	ماده ۶۹۱ - شرکت‌های دولتی که به‌موجب قانون خاص تشکیل می‌شوند، تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و تنها در باره موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها به‌صراحت تعیین تکلیف نشده است، تابع این قانون محسوب می‌شوند. این حکم مانع شمول قوانین و مقررات مالی و محاسباتی در مورد این شرکت‌ها نیست.
ماده ۲۱۹ ق.ت. - مدت مرور زمان در دعای اشخاص ثالث بر علیه شرکا یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکا یا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنج سال است. مبدأ مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد. در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می‌شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده. تبصره - دعوایی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه‌تری بوده یا به‌موجب این قانون مرور زمان طولانی‌تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.	ماده ۶۹۲ - دعای اشخاص ثالث علیه شرکا یا وراث آنها که مربوط به معاملات شرکت است، در مواردی که قانون شرکا یا وراث آنها را مسئول می‌داند، باید تا پنج سال تمام از تاریخی که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسد و در روزنامه رسمی آگهی می‌گردد اقامه شود. در صورتی که طلب پس از ثبت و آگهی قابل مطالبه باشد، مدت مذکور از روزی شروع می‌شود که بستانکار حق مطالبه پیدا می‌کند. تبصره - دعوایی که به‌موجب این قانون مدت زمان کوتاه‌تر یا طولانی‌تری برای اقامه آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.
	ماده ۶۹۳ - شرکت‌هایی که بیش از ده عضو دارند و شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند. اساسنامه نیز می‌تواند شرکت را به داشتن روزنامه مکلف کند. تبصره - شرکت‌های تعاونی غیرسهامی و شرکت‌های تعاونی سهامی خاص مشروط بر اینکه کل اعضاء آنها در یک منطقه محدود فعالیت کنند و کمتر از پنجاه شخص باشند از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. در این نوع

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	شرکت‌ها آگهی‌های شرکت علاوه بر طریقی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است از طریق نصب در معابر حوزه عمل تعاونی به اطلاع شرکا و یا سهامداران می‌رسد
	ماده ۶۹۴ - سازمان بورس و اوراق بهادار برای پیگیری کلیه تخلفات و جرائم موضوع این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در حکم ذی‌نفع است.
ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت. - شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند. ماده ۲۴۸ ل.ا.ق.ت. - هرکس اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۹ ل.ا.ق.ت. - (اصلاحی ۱۳۴۸/۰۲/۰۹) هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار - اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی را به سازمان و یا بورس ارائه نمایند یا تصدیق کنند و یا اطلاعات، اسناد و یا مدارک جعلی را در تهیه گزارش‌های موضوع این قانون مورد	ماده ۶۹۵ - هیچ شرکتی جز شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نمی‌تواند سهام یا سهم‌الشرکه خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بازار بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس عرضه کند یا با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیره‌نویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد، مگر اینکه سهام یا سهم‌الشرکه طبق مقررات مربوط در بازار خارج از بورس ارائه شود. همچنین هیچ شرکتی نمی‌تواند بدون رعایت مقررات مربوط با انتشار آگهی، اطلاعیه یا به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند.

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
استفاده قرار دهند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهند شد	
	ماده ۶۹۶ - کلیه شرکت‌های تجاری که به موجب قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند باید پایگاه الکترونیک اختصاصی دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (IR) ایجاد نمایند و تمامی آگهی‌هایی را که به موجب قانون مکلف به انتشار آن در روزنامه شرکت می‌باشند در پایگاه الکترونیک مذکور نیز درج و نسخه‌ای از آن را برای درج در پایگاه الکترونیک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سازمان ارسال کنند. شرکت‌های موضوع این ماده مکلفند کلیه سوابق الکترونیک مربوط به آگهی‌های مذکور را حداقل تا بیست سال پس از درج در پایگاه الکترونیک خود، در سامانه‌ای که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها را تأمین می‌کند نگهداری کنند. همچنین شرکت‌های موضوع این ماده باید آخرین اساسنامه، خلاصه آخرین صورتهای مالی و کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آن الزامی است پس از ثبت در پایگاه الکترونیک خود قرار دهند.
	ماده ۶۹۷ - در مواردی که سهامدار و یا شریک شرکت تجاری نشانی پست الکترونیک یا شماره تلفن همراه خود را برای اطلاع‌رسانی به شرکت ارائه کند، مدیر یا مدیران شرکت باید خلاصه‌ای از مواردی را که اطلاع‌رسانی آنها لازم است به نشانی پست الکترونیک و شماره تلفن همراه ارائه شده نیز ارسال کنند
	ماده ۶۹۸ - هرگاه شرکت یا مؤسسه غیر تجاری بدون داشتن مجوز یا پس از لغو مجوز یا از دست دادن شرایط اخذ مجوز به فعالیتی که به موجب قانون داشتن مجوز برای آن الزامی است اقدام کند، دستگاه مربوط باید ضمن اعمال مقررات انضباطی مطابق مقررات مربوط و ابطال مجوز، توقف فعالیت شرکت را در آن موضوع از دادگاه درخواست نماید و در هر حال مراتب را به مرجع ثبت

اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

قانون تجارت	لایحه تجارت
	شرکت‌ها اعلام کند. در این صورت مرجع ثبت شرکت‌ها از شرکت مربوط می‌خواهد که به تغییر موضوع فعالیت شرکت در اساسنامه اقدام کند
	ماده ۶۹۹ - در صورتی که اشخاص حقوقی موضوع این قانون مرتکب جرائمی غیر از جرائم مندرج در این قانون گردند مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی اعمال می‌شود.
	ماده ۷۰۰ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین‌نامه‌های اجرائی این قانون نیز به تناسب نرخ مذکور حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب سوم
اسناد تجاری

کتاب سوم - اسناد تجاری

قانون فعلی	لایحه تجارت
	کتاب سوم - اسناد تجاری ماده ۷۰۱ - سند تجاری سندی است که شکل آن مطابق قانون تنظیم می‌شود و به موجب آن تعهد مستقل پولی یا غیر پولی برعهده صادرکننده و یا دیگری ایجاد می‌گردد
ماده ۲۴۱ - برات ممکن است به رؤیت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت برات یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات - ممکن است پرداخت بروز معینی موکول شده باشد. ماده ۲۲۴ - برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات‌دهنده.	باب اول - برات فصل اول - شرایط شکلی برات ماده ۷۰۲ - برات سندی است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور بی‌قید و شرط می‌دهد تا مبلغی را در موعد معین یا به رؤیت یا به وعده از رؤیت در وجه شخص ثالث یا دستوردهنده و یا به حواله کرد آنها پرداخت کند. به دستوردهنده «برات‌دهنده»، به شخصی که دستور را دریافت می‌کند «برات‌گیر» و به شخصی که سند در وجه و یا به حواله کرد او صادر می‌گردد یا مطابق این قانون آن را به انتقال می‌گیرد یا قائم‌مقام آنان «دارنده برات» اطلاق می‌شود.
ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات‌دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد: (۱) قید کلمه (برات) در روی ورقه. (۲) تاریخ تحریر (روز و ماه و سال) (۳) اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند. (۴) تعیین مبلغ برات. (۵) تاریخ تأدیه وجه برات. (۶) مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر. (۷) اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می‌شود. (۸) تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.	ماده ۷۰۳ - برات علاوه بر امضای برات‌دهنده باید متضمن موارد زیر باشد: ۱ - قید کلمه «برات» بر روی آن ۲ - تاریخ صدور به روز و ماه و سال ۳ - هویت «برات‌دهنده» ۴ - هویت «برات‌گیر» ۵ - مبلغ برات ۶ - تاریخ پرداخت وجه برات ۷ - نشانی کامل مکان پرداخت وجه برات ۸ - هویت گیرنده وجه
ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود. اگر مبلغ بیش از یک‌دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر منطاب اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است	ماده ۷۰۴ - اگر مبلغ برات یا تاریخ پرداخت وجه آن بیش از یک بار با تمام حروف یا رقم نوشته شود، حسب مورد، مبلغ کمتر یا تاریخ مؤخر معتبر است

قانون فعلی	لایحه تجارت
	ماده ۷۰۵ - چنانچه نشانی برات دهنده، برات گیر یا دیگر مسئولان سند در برات ذکر شود، هر ابلاغی به نشانی‌های مذکور ابلاغ قانونی محسوب می‌شود و اخطار به وسیله نشر آگهی لازم نیست.
ماده ۲۲۶ - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود.	ماده ۷۰۶ - چنانچه برات مطابق شرایط مقرر در ماده (۷۰۳) این قانون تنظیم نشود، مشمول مقررات مربوط به برات نیست مگر در موارد زیر: ۱ - عدم درج تاریخ پرداخت وجه برات که در این صورت برات به رؤیت تلقی می‌شود. ۲ - عدم درج مکان پرداخت وجه برات که در این صورت نشانی برات گیر مکان پرداخت تلقی می‌شود.
	ماده ۷۰۷ - اگر برات به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۰۳) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده برات تکمیل شود، اعتبار برات را دارد. در این صورت هیچ یک از مسئولان برات نمی‌توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطائی استناد کنند.
ماده ۲۲۷ - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.	ماده ۷۰۸ - چنانچه برات به نمایندگی از طرف شخص دیگری صادر، ظهرنویسی، ضمانت یا قبول شود، امضاء کننده مسئول پرداخت وجه سند نیست مگر اینکه به وکالت خود در متن سند تصریح نکند یا خارج از حدود اختیارات خود یا بدون اختیار عمل نماید که در این صورت، حسب مورد، امضاء کننده با رعایت این قانون مسئول پرداخت کل وجه سند یا میزانی است که از اختیارات خود تجاوز کرده است.
ماده ۲۳۵ - برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.	فصل دوم - در قبول و نکول ماده ۷۰۹ - برات باید به محض ارائه یا حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.
ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می‌شود. در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد - اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب می‌شود.	ماده ۷۱۰ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته و امضاء می‌شود. اگر قبولی بدون قید تاریخ نوشته شود، تاریخ صدور برات تاریخ رؤیت محسوب می‌شود.

لایحه تجارت	قانون فعلی
ماده ۷۱۱ - هر عبارتی که برات گیر در برات بنویسد و امضاء کند قبول محسوب است، مگر اینکه عبارت به صراحت دال بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط دال بر عدم قبول یک جزء از برات باشد، بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. چنانچه برات گیر بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء کند برات قبول شده محسوب می شود.	ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود. در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد - اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب می شود. ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.
ماده ۷۱۲ - ممکن است قبول منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد. در این صورت دارنده برات می تواند فقط برای بقیه واخواست کند.	ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.
ماده ۷۱۳ - اگر قبول برات مشروط به شرط نوشته شود، برات نکول شده محسوب می شود. با این حال، قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.	ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی معهدا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.
ماده ۷۱۴ - قبول کننده حق نکول ندارد و ملزم است وجه آن را در وعده تأدیه کند.	ماده ۲۳۰ - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید. ماده ۲۳۱ - قبول کننده حق نکول ندارد.
ماده ۷۱۵ - نکول برات به وسیله اظهارنامه ای که مطابق این قانون و تا پیش از سررسید آن به طور رسمی تنظیم می شود محقق می گردد. اظهارنامه مذکور واخواست نامه نکول نامیده می شود	ماده ۲۳۶ - نکول برات باید به موجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد - تصدیق نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.
ماده ۷۱۶ - پس از واخواست نکول هر یک از ظهرنویسان، برات دهنده و ضامنان آنها به تقاضای دارنده برات باید تأدیه وجه در سررسید را تضمین کنند و در غیر این صورت وجه برات را با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت به انضمام هزینه های واخواست و متفرعات طلب، اگر باشد، به فوریت تأدیه نمایند. هر یک از اشخاص مذکور می تواند با تصریح در متن سند، خود را از مسؤولیت مقرر در این ماده معاف کند.	ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهرنویس ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۲۳۹ - هر گاه براتی نکول شود و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می تواند آن را بنام برات دهنده یا یکی از ظهرنویس ها قبول کند - قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده به امضاء او برسد.	فصل سوم - در قبول شخص ثالث ماده ۷۱۷ - هرگاه براتی نکول شود و واخواست به عمل آید، در صورت موافقت دارنده برات، هر شخص ثالثی می تواند آن را به نام یکی از ظهرنویسان یا برات دهنده یا ضامن یا ضامنان آنها قبول کند. قبول شخص ثالث باید بر روی برات قید شود و به امضای او برسد.
ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویس ها حاصل می شود محفوظ خواهد بود.	ماده ۷۱۸ - پس از قبول شخص ثالث تا زمانی که وجه برات تأدیه نشود، کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل مسئولان سند حاصل می شود در مقابل ایادی مقابل شخصی که برات به نام او قبول شده است، محفوظ است.
ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد - ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده می شود قید گردد.	فصل چهارم - ظهرنویسی ماده ۷۱۹ - ظهرنویسی با درج هویت و امضای ظهرنویس و هویت شخصی که برات به نام او ظهرنویسی می شود محقق می شود. ممکن است تاریخ ظهرنویسی و نشانی ظهرنویس نیز در برات درج گردد.
	ماده ۷۲۰ - چنانچه امضاء با شرایط مقرر در ماده (۷۱۹) این قانون در ظهر سند صورت گیرد ظهرنویسی محسوب است، مگر اینکه امضاء کننده عبارت صریحی دال بر ضمانت بودن آن درج کرده باشد.
ماده ۲۴۷ - ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول و لدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.	ماده ۷۲۱ - ظهرنویسی سبب انتقال برات است، مگر اینکه ظهرنویس عبارت صریحی حاکی از وکالت در وصول یا ظهرنویسی به عنوان وثیقه را در سند قید کند.
ماده ۲۴۷ - ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول و لدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.	ماده ۷۲۲ - هرگاه ظهرنویسی به عنوان وکالت در وصول باشد، انتقال واقع نمی شود، لکن وکیل حق وصول وجه برات، ظهرنویسی مجدد آن به عنوان وکالت و در صورت اقتضاء واخواست و اقامه دعوی برای وصول وجه سند را دارد، مگر اینکه خلاف آن در برات تصریح شده باشد. مسئولان برات در مقابل وکیل در وصول فقط می توانند به ایراداتی استناد کنند

قانون فعلی	لایحه تجارت
	که در مقابل ظهرنویس مذکور قابل طرح باشد. وکیل در وصول برات می تواند پس از فوت یا حجر ظهرنویس، حسب مورد، به وصول وجه برات یا انجام واخواست یا اقامه دعوی اقدام کند، مگر اینکه خلاف آن در برات تصریح شود که در این صورت باید به فوریت برات را به قائم مقام متوفی یا محجور تسلیم کند.
	ماده ۷۲۳ - هرگاه انتقال برات با درج عباراتی مانند «غیرقابل انتقال» یا «فقط قابل پرداخت در وجه شخص معین» به صراحت منع شود، در صورتی که مشروط علیه سند را به عنوان انتقال ظهرنویسی کند، شخصی که انتقال را منع کرده است می تواند در مقابل منتقل الیه و ایادی مابعد وی به ایرادات ناشی از رابطه مبنایی خود با مشروط علیه استناد کند.
	ماده ۷۲۴ - هرگاه برات به عنوان وثیقه ظهرنویسی شود، شخصی که برات به نفع او ظهرنویسی شده است تمام حقوق دارنده سند را دارد، لکن نمی تواند سند را به عنوان انتقال ظهرنویسی کند. در صورت ظهرنویسی مجدد به عنوان انتقال، دارندگان بعدی در حکم وکیل ظهرنویس در وصول محسوب می شوند.
	ماده ۷۲۵ - اگر ظهرنویسی معلق یا مشروط به شرطی شود، آن شرط در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست.
	ماده ۷۲۶ - ظهرنویسی جزئی از مبلغ برات، باطل است.
ماده ۲۴۸ - هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می شود.	ماده ۷۲۷ - چنانچه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی را قید کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.
ماده ۲۴۹ - برات دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست - اقامه کننده	فصل پنجم - ضمانت ماده ۷۲۸ - پرداخت مبلغ برات می تواند از طرف هر یک از مسئولان برات ضمانت شود.

قانون فعلی	لایحه تجارت
دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است	
	ماده ۷۲۹ - ضمانت با درج هویت و امضاء ضامن و تعیین هویت مضمون‌عنه محقق می‌شود. جز در مورد امضای برات‌دهنده و برات‌گیر، صرف درج امضاء روی برات ضمانت محسوب می‌شود، مگر اینکه عبارت صریحی دال بر ظهرنویسی بودن آن درج شده باشد. در صورت عدم تعیین مضمون‌عنه در برات، ضمانت از طرف برات‌گیر محسوب می‌شود، مگر اینکه برات قبول نشده باشد که در این صورت ضمانت از طرف برات‌دهنده محسوب است.
ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست - اقامه‌کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.	فصل ششم - مسئولیت ماده ۷۳۰ - برات‌دهنده، قبول‌کننده برات، ظهرنویسان و شخصی که پرداخت مبلغ برات را از طرف هریک از اشخاص مذکور ضمانت می‌کند در مقابل دارنده برات مسئولیت دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و عندالاقضاء پس از انجام وخواست می‌تواند برای وصول کل وجه سند به هر کدام از آنها برای وصول تمام یا بخشی از وجه سند رجوع کند. اقامه دعوی علیه برخی از مسئولان برات موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولان نیست. اقامه‌کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.
ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید.	ماده ۷۳۱ - هر یک از ظهرنویسان که به‌موجب این قانون وجه برات را بپردازد، در مقابل هر یک از ظهرنویسان ماقبل خود، برات‌دهنده، قبول‌کننده و ضامنان آنان، کلیه حقوق ناشی از برات را دارد. با این حال، پرداخت‌کننده نمی‌تواند برات را به‌عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

قانون فعلی	لایحه تجارت
همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست - اقامه‌کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.	
ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست - اقامه‌کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.	ماده ۷۳۲ - ضامن در حدود مسئولیت مضمون‌عنه مسئول است. مسئولیت ضامن جز در مورد ایرادات مربوط به شرایط شکلی برات و بطلان ضمانت همواره اعتبار دارد.
	ماده ۷۳۳ - هر یک از ضامنان که به موجب این قانون وجه برات را بپردازد، از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل مضمون‌عنه و نیز اشخاصی که مضمون‌عنه در صورت پرداخت حق رجوع به آنها را دارد برخوردار است، لکن نمی‌تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.
	ماده ۷۳۴ - هرگاه برات‌دهنده به موجب این قانون وجه برات را بپردازد از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل قبول‌کننده برات و ضامنان او برخوردار است، لکن نمی‌تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

قانون فعلی	لایحه تجارت
	ماده ۷۳۵ - هیچ یک از مسئولان برات در برابر شخصی که حق رجوع به او را دارد نمی تواند جز به ایرادات مربوط به شرایط شکلی و بطلان تعهد براتی به ایراد دیگری استناد کند.
	ماده ۷۳۶ - هر کدام از ظهرنویسان می توانند با تصریح به عدم مسؤولیت در متن سند، خود را از مسؤولیت مقرر در ماده (۷۳۰) این قانون معاف کنند.
ماده ۲۵۰ - هر یک از مسئولین تأدیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و صورت حساب مخارج قانونی و متفرعاتی که باید بپردازد موکول کند. برات دهنده ای که برات او قبول می شود، ظهرنویسان و ضامنان آنها می توانند پرداخت وجه برات را علاوه بر موارد مذکور به تسلیم و اخواست نامه نیز موکول کنند.	ماده ۷۳۷ - هر یک از مسئولان تأدیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و صورت حساب مخارج قانونی و متفرعاتی که باید بپردازد موکول کند. برات دهنده ای که برات او قبول می شود، ظهرنویسان و ضامنان آنها می توانند پرداخت وجه برات را علاوه بر موارد مذکور به تسلیم و اخواست نامه نیز موکول کنند.
ماده ۲۵۱ - هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید - مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجوهی که از دارائی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند - جزء دارائی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند.	ماده ۷۳۸ - هر گاه چند شخص از مسئولان برات ورشکسته شوند، دارنده برات می تواند در هر یک از هیأت های بستانکاران یا در تمام آنها برای وصول تمام طلب خود شامل وجه برات، متفرعات و مخارج قانونی داخل شود تا طلب خود را به طور کامل وصول کند. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به دارنده مذکور پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگری که دارنده بابت آن سند در هیأت بستانکاران وی وارد شده است رجوع کند، مگر اینکه مجموع مبالغی که از اموال همه ورشکستگان به دارنده تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد. در این صورت مبالغ تخصیص یافته مازاد به ترتیب، جزء دارایی آخرین شخصی محسوب می گردد که بابت این سند به ورشکسته مذکور حق رجوع دارد.
ماده ۲۵۲ - پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می آید	فصل هفتم - پرداخت ماده ۷۳۹ - برات با نوع پولی که در آن معین شده است پرداخت می شود.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۲۵۶ - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است. ماده ۲۵۸ - شخصی که در سر وعده وجه برات را می‌پردازد بری‌الذمه محسوب می‌شود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.	ماده ۷۴۰ - هریک از مسئولان برات که وجه آن را به دارندۀ بپردازد بری‌الذمه محسوب می‌شود. چنانچه پرداخت در زمانی صورت گرفته باشد که دارندۀ حق رجوع به مسئول مذکور را ندارد یا وجه برات به‌موجب رأی دادگاه نزد او توقیف شده باشد، پرداخت کننده در مقابل شخصی که نسبت به وجه برات حقی دارد مسئول است.
ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.	ماده ۷۴۱ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود مسئولان برات به همان میزان بری‌الذمه می‌شوند و دارندۀ فقط می‌تواند نسبت به بقیه واخواست کند. در صورتی که دارندۀ از قبول بخشی از مبلغ برات امتناع کند نمی‌تواند برای آن بخش به برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است، ظهروپسان و ضامنان آنها رجوع کند.
ماده ۲۵۷ - اگر دارندۀ برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهروپس‌های ماقبل خود و برات‌دهنده‌ای که به مهلت مذکور رضایت نداده‌اند و ضامنان آنها حق رجوع ندارد	ماده ۷۴۲ - اگر دارندۀ برات به شخصی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهروپس‌های ماقبل خود و برات‌دهنده‌ای که به مهلت مذکور رضایت نداده‌اند و ضامنان آنها حق رجوع ندارد
ماده ۲۶۹ - محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.	ماده ۷۴۳ - دادگاه رسیدگی کننده به دعوی مطالبه وجه برات نمی‌تواند بدون رضایت دارندۀ برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهد و یا پرداخت آن را تقسیط کند. این ماده مانع رسیدگی به دعوی اعسار غیر تاجر نیست.
ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می‌تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند. ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخه‌ای باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه‌های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به‌عمل می‌آید. ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده - اعم از اینکه قبولی نوشته شده یا نشده باشد می‌تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می‌تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به‌موجب امر محکمه مطالبه کند.	فصل هشتم - مفقود شدن برات ماده ۷۴۴ - در صورت مفقود شدن یا سرقت برات، دارندۀ آن می‌تواند به‌موجب اظهارنامه رسمی به هر یک از مسئولان سند دستور عدم پرداخت و در صورتی که برات قبول نشده باشد به برات‌گیر دستور عدم قبول دهد، مشروط بر اینکه حداکثر ظرف یک هفته در مرجع قضائی محل پرداخت وجه سند، طرح شکایت کند و رسید آن را به هریک از دستور گیرندگان ارائه کند. این اظهارنامه علاوه بر موارد مذکور در ماده (۷۰۳) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد. در صورت تقاضای دارندۀ، هر یک از مسئولان سند باید وی را برای ابلاغ دستور عدم پرداخت به مسئول ماقبل خود راهنمایی کند تا به برات‌گیر برسد.

لایحه تجارت	قانون فعلی
هریک از مسئولان سند در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است. حکم این ماده در مواردی نیز که برات از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت و یا جرائم دیگر تحصیل شده باشد مجری است.	ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضایی که در مورد مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ به عمل آمده است از تأدیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراض نامه محفوظ بدارد. ماده ۲۶۵ - اعتراض نامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و به ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراض نامه معین شده است به برات دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد.
ماده ۷۴۵ - تا زمانی که سررسید برات مفقود فرا نرسیده باشد، دارنده می تواند با اثبات اینکه برات مفقود، متعلق به او بوده است و با دادن تضمین مناسب به موجب حکم دادگاه از صادر کننده، نسخه جایگزین مطالبه کند. صادر کننده سند جایگزین باید بر روی آن عبارت «نسخه جایگزین» را درج کند	ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده - اعم از اینکه قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند.
ماده ۷۴۶ - دارنده برات مفقود برای تحصیل نسخه جایگزین می تواند به ظهرنویسی که به فوریت قبل از او بوده است رجوع کند. هر یک از ظهرنویسان نیز ملزم است صاحب برات را برای مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود راهنمایی کند تا به برات دهنده برسد. مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود است. ظهرنویس در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که به صاحب برات مفقود وارد شده است.	ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید - ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد - مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود. ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.
ماده ۷۴۷ - در صورتی که سررسید برات مفقود شده فرارسیده باشد، دارنده فقط می تواند با اثبات اینکه برات مفقود متعلق به او است و با دادن تضمین مناسب تأدیه وجه برات را به موجب حکم دادگاه از برات گیر مطالبه کند. در صورتی که به هر علت وصول وجه برات از برات گیر ممکن نشود، دارنده برات می تواند با رعایت مفاد این ماده وجه سند را از سایر مسئولان سند مطالبه کند. چنانچه مسئول مذکور بخواهد به ایادی ماقبل خود رجوع کند، شخص مرجوع الیه می تواند تأدیه وجه را به اعطاء تضمیناتی موکول کند که شخص مراجعه کننده به موجب حکم دادگاه	

قانون فعلی	لایحه تجارت
	دریافت کرده است. در صورتی که دارنده برات مفقود به یکی از مسئولان سند دستور عدم پرداخت ندهد و آن مسئول به موجب این قانون وجه سند را پس از ارائه سند بپردازد بری‌الذمه می‌شود و کلیه حقوق ناشی از سند را به دست می‌آورد و می‌تواند به سایر مسئولان ماقبل خود رجوع کند، حتی اگر به آنها دستور عدم پرداخت داده شده باشد.
	ماده ۷۴۸ - مسئولان سند ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی می‌باشند که در مورد مالکیت شخص مدعی فقدان سند در اختیار دارند، و در صورت عدم ارائه اطلاعات و مدارک مذکور، ضامن خسارت وارد شده می‌باشند.
	ماده ۷۴۹ - در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد و پیش از رؤیت مفقود گردد، سررسید آن از تاریخ ابلاغ اظهارنامه در مورد درخواست قبول برات مفقود به برات‌گیر محاسبه می‌شود.
	ماده ۷۵۰ - اگر دارنده‌ای که برات او مفقود شده است تضمین موضوع مواد (۷۴۵) یا (۷۴۷) این قانون را تسلیم نکند با اثبات اینکه برات مفقود متعلق به او بوده است و بدون دادن تضمین می‌تواند تأدیه وجه برات را سه سال پس از سررسید آن به موجب حکم دادگاه از قبول‌کننده یا برات‌دهنده‌ای که برات او قبول نشده است مطالبه کند. در هر حال دارنده مذکور می‌تواند از دادگاه تقاضا کند که مدیون، وجه سند را در صورتی که حال باشد به فوریت و در صورت مؤجل بودن، پس از انقضای اجل به صندوق دادگستری بسپارد. در این صورت پرداخت وجه به خواهان منوط به سپردن وثیقه یا گذشتن سه سال از تاریخ سررسید سند است.
ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمانت سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.	ماده ۷۵۱ - هرگاه پس از گذشت سه سال از تاریخ سررسید برات درمورد آن به طور رسمی مطالبه یا اقامه دعوی نشود دارنده نمی‌تواند از حیث تعهد براتی به مسئولان سند رجوع کند. پس از گذشت مهلت مذکور از تضمین موضوع

قانون فعلی	لایحه تجارت
	مواد (۷۴۵) یا (۷۴۷) این قانون به درخواست تضمین دهنده رفع اثر می‌شود.
	ماده ۷۵۲ - اگر قبل از ابطال سند به موجب ماده (۷۵۱) این قانون سند ابراز شود، متعهد سند باید ارائه‌کننده سند را به دادگاهی که دستور عدم پرداخت داده است دلالت کند. در صورتی که ارائه‌کننده سند به دادگاه مراجعه کند، دادگاه به مدعی فقدان سند یا تحویل آن از طریق جرم اخطار می‌کند که دعوی یا شکایت خود را علیه ارائه‌کننده سند تعقیب و گواهی آن را ظرف ده روز ارائه کند. در غیر این صورت دعوای او رد می‌شود.
	ماده ۷۵۳ - هرگاه دعوای شخصی که به موجب ماده (۷۴۴) این قانون دستور عدم پرداخت داده است رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، هریک از متعهدان سند مکلف به پرداخت وجه آن است و شخصی که دستور عدم پرداخت داده است مکلف به جبران خسارات وارد شده به دارنده است و در صورت علم به بلا وجه بودن دستور عدم پرداخت به حبس تعزیری درجه هفت و یا جزای نقدی معادل نصف مبلغ مندرج در سند محکوم می‌شود.
	ماده ۷۵۴ - در صورت دستور دادگاه به عدم پرداخت اگر ابراز کننده سند به تشخیص دادگاه تضمین کافی به متعهد آن بدهد او باید وجه سند را به ابراز کننده بپردازد مشروط بر اینکه از قبل وجه سند به موجب سند یا حکم دادگاه به دارنده پرداخت نشده باشد. هرگاه دعوای شخصی که به موجب ماده (۷۴۴) این قانون دستور عدم پرداخت داده است رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود از تضمین مذکور رفع اثر می‌شود.
	ماده ۷۵۵ - مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دارنده سند مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید- دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود.	فصل نهم - تأدیه وجه برات به وسیله شخص ثالث ماده ۷۵۶ - هر شخص ثالثی می تواند وجه برات را پرداخت کند. پرداخت وجه به وسیله شخص ثالث باید در برات قید شود و به امضای دارنده سند برسد. اصل برات و واخواست نامه، در صورت انجام واخواست، باید به شخصی که وجه برات را پرداخته است تسلیم شود.
ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.	ماده ۷۵۷ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته در مقابل مسئولان سند، کلیه حقوق و تکالیف ناشی از برات را دارد، مشروط بر اینکه در زمان پرداخت، دارنده حق رجوع به مسئولان برات را داشته باشد؛ با این حال، پرداخت کننده مذکور نمی تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند. ماده ۷۵۸ - دارنده ای که پرداخت به وسیله شخص ثالث را رد می کند دیگر حق رجوع به برات دهنده ای که برات او قبول شده است، ظهرنویسان و ضامنان آنها را ندارد.
ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و إلا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.	فصل دهم - حقوق و وظایف دارنده برات ماده ۷۵۹ - دارنده برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت باید حسب مورد پرداخت یا قبول آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مطالبه کند در غیر این صورت حق رجوع به برات دهنده ای که وجه برات را به برات گیر رسانده است ظهرنویسان و ضامنان آنان را ندارد.
ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و إلا حق رجوع به ظهرنویسها و برات دهنده ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.	ماده ۷۶۰ - اگر در برات برای تقاضای قبولی یا پرداخت، مدتی بیشتر یا کمتر از مدت مذکور در ماده (۷۵۹) این قانون مقرر شود دارنده برات باید در همان مدت، قبولی یا پرداخت برات را تقاضا کند در غیر این صورت حق رجوع به برات دهنده ای که وجه برات را به برات گیر رسانده است، ظهرنویسان و ضامنان آنان ندارد.
ماده ۲۷۶ - اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای	ماده ۷۶۱ - اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کند دارنده برات باید در مدت مذکور تقاضای قبولی نماید

قانون فعلی	لایحه تجارت
قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.	و اگر پس از مدت مذکور مراجعه کند، حق رجوع به آن ظهرویس و ضامن او را ندارد.
ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.	ماده ۷۶۲ - دارنده برات باید در روز وعده وجه برات را مطالبه کند.
ماده ۲۸۰ - امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده می شود معلوم گردد.	ماده ۷۶۳ - امتناع از تأدیه وجه برات به وسیله اظهارنامه ای که ظرف ده روز از تاریخ سررسید، مطابق این قانون به طور رسمی تنظیم می شود محقق می گردد. اظهارنامه مذکور وخواست نامه عدم تأدیه نامیده می شود.
ماده ۲۸۲ - نه فوت محال علیه نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.	ماده ۷۶۴ - فوت و ورشکستگی برات گیر، دارنده را از وخواست نکول و عدم تأدیه بی نیاز می کند.
	ماده ۷۶۵ - در صورتی که به علت بروز حادثه خارجی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل دفع، ارائه برات برای قبولی یا پرداخت یا وخواست عدم تأدیه میسر نشود، مهلت های مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان حادثه مذکور افزایش می یابد. دارنده باید به فوریت پس از برطرف شدن حادثه به ارائه برات برای قبول یا پرداخت و در صورت لزوم، وخواست عدم تأدیه اقدام کند.
ماده ۲۸۴ - دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.	ماده ۷۶۶ - دارنده براتی که به علت عدم تأدیه وخواست می شود باید ظرف ده روز از تاریخ وخواست، عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی به ظهرویس ماقبل خود و ضامن او اطلاع دهد. در صورتی که نشانی ظهرویس مذکور و یا ضامن او برای دارنده مشخص نباشد مراتب باید در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.
ماده ۲۸۵ - هر یک از ظهرویس ها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آن را به همان وسیله به ظهرویس سابق خود اطلاع دهد.	ماده ۷۶۷ - ظهرویس مذکور در ماده (۷۶۶) این قانون باید، حسب مورد، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا اطلاع از مفاد آگهی، مراتب را به وسیله اظهارنامه رسمی به ظهرویس سابق خود و ضامن او اطلاع دهد. در صورتی که نشانی ظهرویس سابق و یا ضامن او برای ظهرویس مذکور

لایحه تجارت	قانون فعلی
مشخص نباشد مراتب باید در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.	
ماده ۷۶۸ - در صورت عدم انجام تکلیف مندرج در مواد (۷۶۶) و (۷۶۷) این قانون، دارنده برات و هریک از ظهرنویسان مسئول خساراتی است که در نتیجه عدم اطلاع به ایادی ماقبل وارد شده است.	
ماده ۷۶۹ - در مورد برات‌هایی که باید در ایران تأدیه شوند دعوا علیه برات‌دهنده، ظهرنویسان و یا ضامنان آنها باید ظرف سه ماه از تاریخ واخواست اقامه شود.	ماده ۲۸۶ - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. تبصره - هر گاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.
ماده ۷۷۰ - در مورد برات‌هایی که باید در خارج از کشور تأدیه شوند دعوا علیه برات‌دهنده و یا ظهرنویسان باید ظرف شش ماه از تاریخ واخواست اقامه شود.	ماده ۲۸۷ - در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات‌دهنده و یا ظهرنویس‌های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.
ماده ۷۷۱ - اگر هریک از ظهرنویسان یا ضامنان آنها بخواهد از حقی که به موجب مقررات این قانون به آنها داده شده استفاده کنند باید در مواعیدی که به موجب مواد (۷۶۹) و (۷۷۰) این قانون مقرر است اقامه دعوی کنند. در مورد اشخاص مذکور موعد از فردای ابلاغ دادخواست محاسبه می‌شود و اگر وجه برات را بدون اینکه علیه آنها اقامه دعوی شده باشد تأدیه نمایند از فردای روز تأدیه محاسبه می‌گردد.	ماده ۲۸۸ - هر یک از ظهرنویس‌ها بخواهد از حقی که در ماده ۲۴۹ به او داده شده استفاده نماید باید در مواعیدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه نماید از فردای روز تأدیه محسوب خواهد شد.
ماده ۷۷۲ - پس از انقضای مواعد مقرر در مواد (۷۶۹)، (۷۷۰) و (۷۷۱) این قانون دعوای دارنده برات علیه ظهرنویسان، برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است و ضامنان آنها و همچنین دعوای هریک از ظهرنویسان علیه ایادی سابق خود، برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است و ضامنان آنها در دادگاه مسموع نیست.	ماده ۲۸۹ - پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویس‌ها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویس‌ها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد. ماده ۲۹۰ - پس از انقضای مواعد فوق دعوی دارنده و ظهرنویس‌های برات بر علیه برات‌دهنده نیز پذیرفته نمی‌شود

قانون فعلی	لایحه تجارت
مشروط بر اینکه برات‌دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال‌علیه رسانیده و در این‌صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال‌علیه خواهد داشت ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضای موعده که برای اعتراض و ابلاغ اعتراض‌نامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات‌دهنده یا هر یک از ظهرنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تأدیه برات به محال‌علیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت‌کننده وجه اقامه دعوی نماید.	
ماده ۲۹۲ - پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است به‌مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعی‌علیه به‌عنوان تأمین توقیف نماید.	ماده ۷۷۳ - دادگاه باید به‌صرف تقاضای دارنده، معادل وجه برات را از اموال شخصی که دارنده به‌موجب مقررات این قانون حق رجوع به او را دارد به‌عنوان تأمین، توقیف کند. تبصره - در اجرای قرارهای تأمین خواسته و احکام مربوط به اسناد تجاری، مرجع قضائی باید به درخواست دارنده سند تجارتی به‌فوریت به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حسابهای هریک از مسئولان سند در بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری را، فارغ از نوع آن، برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین مرجع قضائی باید به درخواست دارنده سند تجارتی به‌فوریت به مراجع ذی‌ربط از قبیل ثبت محل و شهرداری دستور دهد که بر اساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملک را که احتمال تعلق آن به هر یک از مسئولان سند وجود دارد برای توقیف به مرجع مذکور اعلام کند. مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته و احکام مربوط به همه مطالبات مجری است.
	ماده ۷۷۴ - هر یک از برات‌دهنده، ظهرنویسان یا ضامنان آنها می‌توانند با درج در برات، دارنده برات را از انجام واخواست نکول و یا عدم تأدیه و یا اقامه دعوی ظرف مهلت مقرر معاف کنند. آثار این شرط فقط در مورد شرط‌کننده جاری است. اگر علی‌رغم تحریر شرط مذکور دارنده برات واخواست یا اقامه دعوی کند، بابت هزینه واخواست یا هزینه‌های دادرسی حق رجوع به شرط‌کننده را ندارد. این شرط دارنده را از وظیفه

قانون فعلی	لایحه تجارت
	ارائه برات ظرف مهلت مقرر یا ارسال اظهارنامه موضوع ماده (۷۶۶) این قانون معاف نمی‌کند.
ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل به عمل می‌آید: (۱) در مورد نکول. (۲) در مورد امتناع از قبول یا نکول. (۳) در مورد عدم تأدیه. اعتراض‌نامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به توسط مأمور اجرا به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود: (۱) محال علیه. (۲) اشخاصی که در برات برای تأدیه وجه عندالاقضاء معین شده‌اند. (۳) شخص ثالثی که برات را قبول کرده است. اگر در محلی که اعتراض به عمل می‌آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.	فصل یازدهم - واخواست ماده ۷۷۵ - واخواست در موارد زیر انجام می‌شود: ۱ - نکول ۲ - عدم تأدیه
ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل به عمل می‌آید: (۱) در مورد نکول. (۲) در مورد امتناع از قبول یا نکول. (۳) در مورد عدم تأدیه. اعتراض‌نامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به توسط مأمور اجرا به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود: (۱) محال علیه. (۲) اشخاصی که در برات برای تأدیه وجه عندالاقضاء معین شده‌اند. (۳) شخص ثالثی که برات را قبول کرده است. اگر در محلی که اعتراض به عمل می‌آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.	ماده ۷۷۶ - واخواست‌نامه به اشخاص زیر ابلاغ می‌شود: ۱ - برات‌گیر ۲ - اشخاص تعیین‌شده در برات برای تأدیه وجه در صورت اقتضاء ۳ - شخص ثالث قبول‌کننده برات ۴ - برات‌دهنده

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۲۹۴ - اعتراض نامه باید مراتب ذیل را دارا باشد: (۱) سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره. (۲) امر به تأدیه وجه برات. مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراض نامه قید و امضاء کند.	ماده ۷۷۷ - اظهارنامه‌ای که برای انجام واخواست تنظیم می‌شود باید متضمن واژه «واخواست نامه» و امر به تأدیه وجه برات باشد و رونوشت یا تصویر کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و سایر موارد به اظهارنامه ضمیمه شود.
ماده ۲۹۵ - هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جای‌گیر اعتراض نامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات.	ماده ۷۷۸ - هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جای‌گزین واخواست نامه شود مگر اینکه به موجب این قانون تعیین گردد.
ماده ۲۹۶ - مأمور اجرا باید سواد صحیح اعتراض نامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد. ماده ۲۹۷ - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می‌دهند باید مفاد اعتراض نامه را روز بروز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند - در صورتی که محل اقامت برات‌دهنده یا ظهرنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.	ماده ۷۷۹ - واخواست نامه طبق قانون آیین دادرسی مدنی ابلاغ می‌شود.
ماده ۳۰۵ - در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است. هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی - ضمانت - قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.	فصل دوازدهم - قوانین خارجی ماده ۷۸۰ - در مورد برات‌هایی که در خارج ایران صادر می‌شود شرایط اساسی برات تابع قانون کشور محل صدور است. هر قسمت از سایر تعهدات براتی شامل تعهدات ناشی از صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت نیز که در خارج از کشور به وجود می‌آید تابع قانون کشوری است که تعهد در آنجا به وجود آمده است. اگر شرایط شکلی برات یا تعهدات براتی مطابق قانون ایران صحیح باشد اشخاصی که در ایران تعهد براتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارند که شرایط شکلی برات یا تعهد براتی مطابق با قانون حاکم خارجی نیست.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۳۰۶ - اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در کشور خارجی باید به عمل آید تابع قانون کشوری است که اقدام مذکور باید در آنجا انجام شود.	ماده ۷۸۱ - واخواست و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در کشور خارجی باید به عمل آید تابع قانون کشوری است که اقدام مذکور باید در آنجا انجام شود.
ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که به موجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.	باب دوم - سفته ماده ۷۸۲ - سفته سندی است که به موجب آن امضاء کننده بدون قید و شرط تعهد می کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه و یا به حواله کرد شخص معین پرداخت کند.
ماده ۳۰۸ - فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد: (۱) مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف. (۲) گیرنده وجه. (۳) تاریخ پرداخت.	ماده ۷۸۳ - سفته علاوه بر امضای صادرکننده باید متضمن موارد زیر باشد: ۱ - قید کلمه «سفته» روی آن ۲ - تاریخ صدور، به روز و ماه و سال ۳ - هویت صادرکننده ۴ - مبلغ سفته ۵ - تاریخ پرداخت وجه سفته، به روز و ماه و سال ۶ - نشانی کامل مکان تأدیه وجه سفته ۷ - هویت گیرنده وجه
	ماده ۷۸۴ - در صورتی که سفته مطابق ماده (۷۸۳) این قانون تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات راجع به سفته نیست مگر در موارد زیر: ۱ - عدم تعیین تاریخ تأدیه وجه سفته که در این صورت سفته عندالمطالبه تلقی می شود. ۲ - عدم تعیین مکان تأدیه وجه سفته که در این صورت اقامتگاه صادرکننده مکان پرداخت تلقی می شود.
	ماده ۷۸۵ - اگر سفته به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۳) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده تکمیل شود، اعتبار سفته را دارد. در این صورت هیچ یک از مسئولان سند نمی توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطائی استناد کنند.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است.	ماده ۷۸۶ - مفاد مواد (۷۰۴)، (۷۰۵)، (۷۰۸) این قانون و کلیه مواد فصل چهارم تا پایان فصل دوازدهم باب اول کتاب سوم «اسناد تجاری» در مورد سفته نیز مجری است.
ماده ۳۱۰ - چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید.	باب سوم - چک ماده ۷۸۷ - چک سندی است که به موجب آن صادرکننده به بانک دستور بی قید و شرط می دهد تا تمام یا بخشی از وجوهی را که نزد بانک دارد به وی رد یا به دیگری پرداخت کند.
ماده ۳۱۱ - در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد - پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد. ماده ۳۱۲ - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد - ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود. ماده ۶ ق. صدور چک - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) بانکها مکلفند در روی هر برگ چک نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند.	ماده ۷۸۸ - صادرکننده چک علاوه بر امضاء باید موارد زیر را در آن درج کند: ۱ - تاریخ چک، به روز و ماه و سال ۲ - مبلغ چک ۳ - هویت گیرنده وجه تبصره - بانک اعطاءکننده دسته چک باید بر روی هر برگ چک کلمه چک، نام بانک، نام، شناسه و نشانی شعبه بانک اعطاءکننده و هویت صاحب حساب را درج کند و همچنین باید شماره حسابی را که مبلغ چک باید از محل آن پرداخت شود قید کند.
	ماده ۷۸۹ - در صورتی که چک مطابق مفاد متن ماده (۷۸۸) این قانون تنظیم نشود، مشمول مقررات راجع به چک نیست.
	ماده ۷۹۰ - اگر چک به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۸) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را دارد. در این صورت، صادرکننده چک نمی تواند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطائی استناد کند.
ماده ۳۱۳ ق.ت. - وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود. ماده ۳ مکرر ق. صدور چک - (الحاقی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.	ماده ۷۹۱ - چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل مطالبه است.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۳۱۴ - صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجاری محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.	ماده ۷۹۲ - رعایت مفاد مواد (۷۰۴)، (۷۰۵)، (۷۰۸) این قانون و مواد فصل چهارم تا پایان فصل دوازدهم از باب اول کتاب سوم «اسناد تجاری»، در مورد چک نیز الزامی است.
ماده ۳۱۵ - اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود. ماده ۳۱۷ - مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.	ماده ۷۹۳ - مهلت و اخواست چک سی روز از تاریخ چک است. اگر دارنده چک ظرف مهلت مذکور و اخواست نکند، حق رجوع به ظهرنویسان و ضامنان آنها را ندارد. چنانچه دارنده چک پس از مهلت مذکور مراجعه کند و چک به سببی از قبیل ورشکستگی که مربوط به بانک است با عدم پرداخت مواجه گردد، حق مراجعه به صاحب حسابی که حداقل معادل وجه چک، وجوه نقد نزد بانک داشته است را ندارد و فقط می‌تواند به بانک رجوع کند.
ماده ۳۱۶ - کسی که وجه چک را دریافت می‌کند باید ظهر آن را امضاء یا مهر نماید اگر چه چک در وجه حامل باشد.	ماده ۷۹۴ - شخصی که وجه چک را دریافت می‌کند باید در ظهر آن هویت خود را ذکر و امضاء کند. بانک باید هویت ارائه دهنده چک را در حدود عرف بانکداری احراز کند.
	ماده ۷۹۵ - تمام بانک‌های کشور باید دسته چک‌های مختلف، متناسب با شرایط اشخاصی که مجاز به دریافت این نوع دسته چک‌ها می‌باشند را تهیه کنند و بر روی هر یک از برگ‌های چک، سقف مبلغ قابل پرداخت و مدت اعتبار آن را درج نمایند. مدت اعتبار چک نمی‌تواند از دو سال بیشتر باشد. بانک محال علیه مجاز نیست چک‌هایی را که تاریخ مندرج در آنها پس از پایان مدت اعتبار موضوع این ماده است، پرداخت کند. اگر مبلغ درج شده در چک بیشتر از سقف مبلغ قابل

لایحه تجارت	قانون فعلی
پرداخت باشد، بانک فقط به میزان سقف مندرج در سند وجه آن را پرداخت می‌کند.	
ماده ۷۹۶ - آیین‌نامه اجرائی ماده (۷۹۵) این قانون و نیز نحوه اعتبار سنجی و شرایط اعطای دسته چک به وسیله بانک مرکزی با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	
ماده ۷۹۷ - بانک اعطاءکننده دسته چک باید هنگام افتتاح حساب، حسب مورد، هویت، نشانی کامل و کد پستی اشخاص حقیقی و هویت، سمت و حدود اختیارات و مدت مدیریت مدیران، مشخصات دارندگان حق امضاء، هویت نشانی کامل و کد پستی اشخاص حقوقی را ثبت و از صحت مشخصات اعلام‌شده اطمینان حاصل کند.	
ماده ۷۹۸ - هرگاه چک طبق قوانین ایران بر عهده بانک‌های داخل کشور و یا شعب آنها در خارج صادر شود، در حکم سند رسمی لازم‌الاجرا است و در صورتی که عدم وصول تمام یا قسمتی از وجه آن فقط به علت نبودن یا کسر موجودی باشد، دارنده می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط، وجه چک یا باقیمانده آن را از طریق اجرای ثبت از صاحب حساب وصول کند. برای صدور اجرائیه دارنده چک باید حسب مورد عین چک و گواهی‌نامه مذکور در ماده (۸۰۲) این قانون یا گواهی‌نامه موضوع تبصره (۱) ماده مذکور را به واحد اجرای ثبت اسناد محل تسلیم کند. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرای سند را صادر می‌کند که مطابقت امضاء مندرج در چک با نمونه امضای موجود در بانک به وسیله بانک گواهی شده باشد.	ماده ۲ ق. صدور چک - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) چک‌های صادر عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجرائیه دارنده چک باید عین چک و گواهی‌نامه مذکور در ماده ۳ و یا گواهی‌نامه مندرج در ماده ۴ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجرا ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد. دارنده چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان. تبصره - (الحاقی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و

قانون فعلی	لایحه تجارت
هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به‌طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند - باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم - تقدیم نماید. تاریخ تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۷۶.۳.۱۰	
ماده ۳ - (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج کند یا به‌صورتی تنظیم کند که بانک به‌عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات یا ناخوانا بودن یا اصلاح مندرجات آن از پرداخت وجه سند خودداری کند. همچنین صادرکننده نباید از حسابی که آن را بسته است چک صادر کند یا حسابی را که از آن چک صادر کرده است ببندد. بانک به تقاضای دارنده، در صورت فقدان موانع مذکور وجه چک را در تاریخ مندرج در سند یا پس از آن به وی می‌پردازد. هرگاه در چک شرطی برای پرداخت ذکر شود، بانک به آن شرط ترتیب اثر نمی‌دهد.	ماده ۷۹۹ - صادرکننده چک باید در تاریخ چک معادل مبلغ چک در بانک وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده است، به‌صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به‌صورتی تنظیم کند که بانک به‌عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات یا ناخوانا بودن یا اصلاح مندرجات آن از پرداخت وجه سند خودداری کند. همچنین صادرکننده نباید از حسابی که آن را بسته است چک صادر کند یا حسابی را که از آن چک صادر کرده است ببندد. بانک به تقاضای دارنده، در صورت فقدان موانع مذکور وجه چک را در تاریخ مندرج در سند یا پس از آن به وی می‌پردازد. هرگاه در چک شرطی برای پرداخت ذکر شود، بانک به آن شرط ترتیب اثر نمی‌دهد.
	ماده ۸۰۰ - در صورت درج شماره حساب گیرنده وجه در چک به هنگام صدور یا ظهرو نویسی و درج عبارت صریحی حاکی از واریز وجه به آن شماره حساب، فقط صاحب حساب مذکور، دارنده آن محسوب می‌شود و مبلغ چک فقط قابل واریز به آن حساب است.
	ماده ۸۰۱ - هرگاه مبلغ چک به‌موجب حکم قضائی نزد بانک توقیف شود بانک نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسئول است.
ماده ۴ ق. صدور چک - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۲ پرداخت نگردد بانک	ماده ۸۰۲ - هرگاه وجه چک به یکی از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون پرداخت نشود بانک باید ضمن درج عبارتی

قانون فعلی	لایحه تجارت
مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم نماید. در برگ مزبور باید مطابقت امضاء صادرکننده با نمونه امضاء موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد. ماده ۵ ق. صدور چک - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک گواهی نامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شد از بانک دریافت می نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.	حاکمی از عدم پرداخت وجه چک بر روی آن، در برگ مخصوصی که گواهینامه عدم پرداخت نامیده می شود موارد زیر را همراه با نام بانک و نام و شناسه شعبه و تاریخ، درج نماید و پس از مهر و امضاء کردن آن، به دارنده تسلیم کند: ۱ - مبلغ چک ۲ - تاریخ چک ۳ - هویت و نشانی کامل دارنده یا دارندگان حق امضاء ۴ - هویت و نشانی کامل صاحب حساب ۵ - نام بانک و شناسه شعبه اعطاءکننده دسته چک به صادرکننده ۶ - میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت یا تصریح به کفایت موجودی ۷ - گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضای مندرج در چک با نمونه امضای موجود در بانک ۸ - هویت و نشانی کامل دارنده چک ۹ - علت یا علل عدم پرداخت به طور صریح تبصره ۱ - هرگاه موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد بانک باید به تقاضای دارنده چک، مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت چک پرداخت و گواهینامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کند. گواهی نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک است. تبصره ۲ - صدور گواهینامه موضوع این ماده در مهلت مقرر در ماده (۷۹۳) این قانون دارنده چک را از انجام واخواست معاف می کند؛ لکن مواد (۷۶۶) تا (۷۶۸) نیز در این مورد مجری است.
	ماده ۸۰۳ - بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا صدور نادرست یا ناقص آن است.
ماده ۵ ق. صدور چک - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده چک	ماده ۸۰۴ - در صورت صدور گواهینامه عدم پرداخت بانک باید تصویر یا رونوشت گواهینامه مذکور را به هزینه دارنده برای صاحب حساب ارسال کند. در غیر این صورت، بانک

لایحه تجارت	قانون فعلی
ضامن خسارات ناشی از عدم ارسال اطلاعیه به صاحب حساب است.	با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک گواهی نامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شد از بانک دریافت می نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.
ماده ۸۰۵ - هرگاه چک به هریک از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون پرداخت نگردد، دارنده چک می تواند محکومیت هریک از مسئولان سند را به پرداخت وجه آن و متفرعات طلب از دادگاه تقاضا نماید.	
ماده ۸۰۶ - در صورتی که دارنده چک برای حفظ حقوق خود در مقابل مسئولان سند و اخواست کند، و اخواست نامه به بانک ابلاغ می شود و بانک باید تصویر یا رونوشت و اخواست مذکور را به هزینه دارنده چک برای صاحب حساب ارسال کند. در غیر این صورت بانک ضامن خسارات ناشی از عدم ارسال اطلاعیه به صاحب حساب است.	
ماده ۸۰۷ - صادرکننده یا دارنده چک با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده است، می تواند به طور کتبی دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری و در صورت ارائه چک، گواهی عدم پرداخت را به ارائه دهنده تسلیم می کند. دستور دهنده مکلف است شکایت خود را در مراجع قضائی طرح و حداکثر ظرف یک هفته پس از اعلام به بانک، گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم کند در غیر این صورت، پس از انقضای مدت مذکور بانک به تقاضای دارنده چک از محل موجودی حساب وجه آن را پرداخت می کند.	ماده ۱۴ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید. دارنده چک می تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هر گاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.
تبصره - پرداخت چک هایی را که هر بانک بر عهده خود صادر می کند، به استثنای چک های صادر شده در وجه شخص	

قانون فعلی	لایحه تجارت
	معین، نمی توان به استناد این ماده متوقف کرد، مگر آنکه بانک صادرکننده در مورد آن ادعای جعل کند.
	ماده ۸۰۹ - در مورد کلیه ابلاغ های مربوط به چک، ابلاغ به آخرین نشانی صادرکننده در بانک ابلاغ قانونی محسوب می شود و احضار به وسیله نشر آگهی لازم نیست.
	ماده ۸۱۰ - هر برگ چک باید دارای یک نسخه ضمیمه باشد. مفاد هر برگ چک به هنگام صدور باید به نحوی تنظیم شود که عین آن در برگ ضمیمه نیز منعکس گردد و دریافت کننده در نسخه مذکور یکسان بودن دو نسخه و نیز دریافت برگ چک را گواهی کند. صدور و تسلیم دسته چک بعدی برای صاحب حساب منوط به ارائه نسخ ضمیمه چک های صادر شده و انطباق مفاد آنها با نسخه اصلی چک های ارائه شده به بانک است.
	ماده ۸۱۱ - پس از صدور گواهی عدم پرداخت، بانک ها باید تا پیش از رفع سوء اثر از چک از ارائه خدمات زیر به صاحب حساب خودداری کنند: ۱ - افتتاح اعتبار اسنادی ارزی و ریالی ۲ - دریافت ضمانت نامه های ارزی و ریالی ۳ - اعطای دسته چک جدید ۴ - صدور و اعطاء کارت اعتباری تبصره ۱ - مؤسسات مالی و اعتباری نیز باید از ارائه خدمات مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۴) به اشخاص موضوع این ماده خودداری کنند. تبصره ۲ - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده در مورد نماینده نیز اعمال می گردد. مگر آنکه نماینده عدم مسؤولیت خود را به موجب این قانون اثبات کند
	ماده ۸۱۲ - در موارد زیر از چک برگشتی رفع سوء اثر می شود:

قانون فعلی	لایحه تجارت
	۱ - هرگاه مبلغ مندرج در متن چک برگشتی به حسابی که چک از آن صادر شده است واریز شود و دارنده چک وجه آن را دریافت کند. ۲ - هرگاه مبلغ مندرج در متن چک برگشتی به حسابی که چک از آن صادر شده است واریز شود و صاحب حساب درخواست مسدودشدن وجه مذکور برای پرداخت وجه چک برگشتی را برای مدت یک سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت به بانک ارائه کند. ۳ - هرگاه برگه چک برگشتی به بانک صادرکننده دسته چک مسترد شود. ۴ - هرگاه شخصی که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده است سندی رسمی دال بر استیفاء وجه چک ارائه کند. ۵ - هرگاه دادگاه دستور رفع سوء اثر از چک را صادر کند. دادگاه در صورتی به بانک دستور رفع سوء اثر از چک را می‌دهد که ادعای شاکی مبنی بر مفقود بودن چک یا تحصیل آن از طرق مجرمانه از قبیل سرقت، جعل، کلاهبرداری یا خیانت در امانت را مقرون به صحت تشخیص دهد. تبصره - چنانچه صدور گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت به وسیله دارنده چک باشد برای صاحب حساب سوء اثر محسوب نمی‌شود.
	ماده ۸۱۳ - هرگاه چک ارائه شده به بانک فقط به علت فقدان یا کسر موجودی قابل پرداخت نباشد، بانک محال علیه باید به فوریت به صادرکننده اخطار کند تمام دسته چک های تسلیمی را اعم از اینکه از ناحیه بانک محال علیه و یا بانک های دیگر صادر شده باشد، مسترد کند.
	ماده ۸۱۴ - هرگاه تمام یا بخشی از مبلغ چک به علت فقدان یا کسر موجودی پرداخت نگردد بانک صادرکننده دسته چک مکلف به پرداخت ده درصد (۱۰٪) وجه پرداخت نشده از میزان سقف مندرج در چک است. چنانچه حساب مذکور دارای موجودی باشد، بانک مکلف به پرداخت مابه التفاوت است.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۲۱ ق. صدور چک - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند. مسئولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل ننمایند حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأت رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد. تبصره ۱ - (الحاقی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده اند به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد. تبصره ۲ - (الحاقی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیأت دولت می رسد.	ماده ۸۱۵ - بانکها باید از اعطای دسته چک به کلیه اشخاصی که حکم محکومیت قطعی به پرداخت وجه چک و یا محکومیت قطعی به ارتکاب جرائم موضوع مواد (۸۲۰) و (۸۲۳) این قانون علیه آنان صادر شده و در سوابق بانک مرکزی ثبت گردیده است، تا دو سال از تاریخ قطعیت حکم خودداری کنند. دادگاه صادرکننده رأی قطعی رونوشتی از رأی صادر شده را به بانک مرکزی ارسال می کند. مسئول شعبه هر بانکی که به تکالیف مقرر در این ماده و ماده (۸۱۱) عمل نکند، به محرومیت درجه شش از اشتغال به خدمات عمومی و دولتی و اشتغال در کلیه بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و جزای نقدی درجه چهار محکوم می شود. تبصره - آیین نامه اجرائی این ماده به وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه می شود و حداکثر سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.
	ماده ۸۱۶ - شخصی که مشمول ممنوعیت های مندرج در مواد (۸۱۱) و (۸۱۵) این قانون است نمی تواند به عنوان مدیر یا نماینده اشخاص حقوقی یا حقیقی نیز اقدامات موضوع مواد مذکور را انجام دهد.
	ماده ۸۱۷ - بانک در صورت اعطای دسته چک بر خلاف مواد (۸۱۱) و تبصره (۲) آن، (۸۱۵) و (۸۱۶) این قانون، در برابر دارندگان چک های مذکور، مسئول پرداخت وجه چک است.
	ماده ۸۱۸ - هرگاه چک ارائه شده به بانک به یکی از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون قابل پرداخت نباشد، بانک مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پس از صدور گواهی نامه موضوع ماده (۸۰۲) رونوشتی از گواهی نامه مذکور

قانون فعلی	لایحه تجارت
	را به بانک مرکزی یا مراکزی که از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود، ارسال کند.
	ماده ۸۱۹ - بانک مرکزی به‌عنوان مرجع تمرکز اطلاعات بانکی مکلف است شرایط لازم را برای دسترسی آنی و الکترونیک به اطلاعات مربوط به افتتاح و انسداد حساب جاری، دریافت دسته‌چک، صدور گواهی عدم پرداخت، آرای قطعی محاکم درباره چک‌ها، محرومیت اشخاص از دریافت دسته‌چک، اصالت چک، صحت امضاء، سوابق صدور چک پرداخت‌نشده و سایر اطلاعات مورد نیاز در مورد دارندگان حساب جاری فراهم کند. نحوه جمع‌آوری، نوع اطلاعات و چگونگی حفاظت و دسترسی دستگاه‌های ذی‌ربط به شبکه اطلاع‌رسانی موضوع این ماده به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که به‌وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان ثبت احوال کشور تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌تصویب هیأت وزیران می‌رسد. تبصره - اطلاعات مربوط به صاحبان حساب و صادرکنندگان چک‌های برگشتی که ظرف پانزده روز به رفع سوء اثر از آن چک‌ها اقدام نکرده‌اند و همچنین اطلاعات مربوط به اشخاص موضوع ماده (۸۱۵) این قانون نیز باید در دسترس عموم قرار گیرد. آیین‌نامه مشتمل بر اطلاعات لازم و چگونگی دسترسی عموم به‌وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان ثبت احوال کشور تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
ماده ۷ ق. صدور چک - (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد: الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.	ماده ۸۲۰ - هرگاه تمام یا بخشی از مبلغ چک فقط به علت فقدان یا کسر موجودی پرداخت نگردد، صادرکننده برای بار اول به جزای نقدی معادل یک‌چهارم تا یک‌دوم مبلغ چک محکوم می‌گردد. چنانچه پس از صدور حکم محکومیت قطعی دوباره گواهی عدم پرداخت صادر گردد صادرکننده به شرح زیر محکوم می‌گردد:

قانون فعلی	لایحه تجارت
ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به اصدار چک‌های بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود. تبصره - (الحاقی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد	۱ - چنانچه مبلغ پرداخت‌نشده چک کمتر از یکصد میلیون ریال باشد به حبس تعزیری درجه هفت ۲ - چنانچه مبلغ پرداخت‌نشده چک یکصد میلیون ریال یا بیشتر باشد به حبس تعزیری درجه شش تبصره ۱ - چنانچه پس از گذشت سه سال از تاریخ صدور آخرین حکم محکومیت به مجازات مندرج در این ماده، چک دیگری با عدم پرداخت مواجه نشود مجازات راجع به صدور مجدد گواهی عدم پرداخت اجرا نمی‌شود. تبصره ۲ - چنانچه محکوم‌علیه به دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی بازداشت شود مدت حبس آن نباید از درجه هفت بیشتر باشد.
ماده ۱۳ - (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست: الف - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد. ب - هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ج - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ه - در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.	ماده ۸۲۱ - در موارد زیر صادرکننده چک پرداخت نشدنی مجازات نمی‌شود: ۱ - هرگاه صادرکننده در تاریخ مطالبه وجه چک از تصرف در اموال خود ممنوع باشد. ۲ - هرگاه عدم پرداخت چک در تاریخ مطالبه مستند به حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل دفع باشد. ۳ - هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ۴ - هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ۵ - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن به تحقق شرطی منوط است یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. تبصره - احراز ممنوعیت از تصرف موضوع بند (۱) این ماده منوط به حکم دادگاه صالح است لکن به موارد مذکور در

لایحه تجارت	قانون فعلی
بندهای دیگر در دادگاه رسیدگی کننده به جرم صدور چک پرداخت نشدنی رسیدگی می شود.	
ماده ۸۲۲ - در صورتی که صادرکننده چک، چکهای متعدد صادر کند که به علت فقدان یا کسر موجودی یا توقیف بودن حساب پرداخت نگردد، مجموع مبالغ پرداخت نشده چکها ملاک تعیین مجازات مقرر در ماده (۸۲۰) این قانون است.	
ماده ۸۲۳ - هر شخصی که با علم به بسته بودن حسابی که از آن چک صادر می کند مبادرت به صدور چک نماید یا بعد از صدور چک اقدام به بستن آن حساب کند یا امضای خود را به نحوی تغییر دهد که چک با عدم پرداخت مواجه گردد، حسب مورد، به حداکثر مجازات مقرر برای صدور چک پرداخت نشدنی محکوم می شود.	ماده ۱۰ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق است.
ماده ۸۲۴ - دارنده چک می تواند با تقدیم دادخواست و با رعایت قانون آیین دادرسی مدنی وجه چک و متفرعات آن را از صادرکننده در دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم صدور چک پرداخت نشدنی مطالبه کند. صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه در مورد مطالبه وجه چک و متفرعات آن از صادرکننده، رسیدگی و حکم صادر کند.	
ماده ۸۲۵ - به کلیه شکایات و دعاوی حقوقی و جزائی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه در کلیه مراحل تا خاتمه دادرسی، خارج از نوبت و فوری رسیدگی می شود.	ماده ۱۶ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.
ماده ۸۲۶ - چنانچه صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و متفرعات آن را به طور نقدی به دارنده چک پرداخت کند یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا موجبات پرداخت آن را در بانک صادرکننده دسته چک فراهم کند قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.	ماده ۹ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محل علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را به پردازد.

قانون فعلی	لایحه تجارت
ماده ۱۲ - (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرا ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند. هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. تبصره - (الحاقی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک - مصوب ۱۳۷۶.۳.۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام - خواهد بود.	ماده ۸۲۷ - هرگاه شاکی قبل از صدور حکم قطعی گذشت کند یا متهم وجه چک و متفرعات آن را به دارنده چک پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و متفرعات مذکور را فراهم آورد یا در صندوق دادگستری تودیع کند قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.
ماده ۱۲ - (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرا ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند. هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک	ماده ۸۲۸ - هرگاه شاکی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند یا محکوم علیه به ترتیب مذکور در ماده (۸۲۷) این قانون موجبات پرداخت وجه چک و متفرعات آن را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف و در صورتی که مجازات به استناد بند (۱) ماده (۸۲۰) باشد صادرکننده به جزای نقدی درجه هشت و اگر صدور حکم به استناد بند (۲) ماده (۸۲۰) باشد به جزای نقدی درجه هفت محکوم می شود.

قانون فعلی	لایحه تجارت
و خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. تبصره - (الحاقی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک - مصوب ۱۳۷۶.۳.۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام - خواهد بود.	
ماده ۱۱ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت. منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد. در صورتی که دارنده چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۳ و ۴ را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود.	ماده ۸۲۹ - جرائم مذکور در مواد (۸۲۰) و (۸۲۳) این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست؛ در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ چک برای اخذ گواهی عدم پرداخت یا انجام و اخذ است اقدام نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری ندارد
ماده ۱۱ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای	ماده ۸۳۰ - شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت، چک به وی منتقل گردیده است حق شکایت کیفری ندارد مگر آنکه انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری

قانون فعلی	لایحه تجارت
وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت. منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانک‌ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد. در صورتی که دارنده چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۳ و ۴ را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود.	شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود در باره چک را به هر نحو به دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف می‌شود. در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت عدم پرداخت وجه چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح به نمایندگی آن شخص، در ظهر چک قید کند. در این صورت بانک گواهینامه عدم پرداخت را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ می‌ماند
ماده ۱۴ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هر گاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.	ماده ۸۳۱ - در مواردی که به موجب ماده (۸۰۷) این قانون دستور عدم پرداخت چک صادر شود هرگاه دستوردهنده در مهلت مقرر به طرح شکایت اقدام نکند یا شکایت وی حسب مورد به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، دستوردهنده در صورت علم به بلا وجه بودن دستور عدم پرداخت حسب مورد به مجازات‌های مقرر برای صدور چک پرداخت نشدنی محکوم می‌شود
ماده ۱۷ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر اینکه خلاف این امر ثابت گردد.	ماده ۸۳۲ - وجود چک در دست صادرکننده اماره پرداخت وجه آن است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود

لایحه تجارت	قانون فعلی
ماده ۸۳۳ - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، امضاء کننده چک مطابق این قانون مسئولیت کیفری دارد مگر اینکه ثابت کند به موجب این قانون مسئولیتی در قبال پرداخت وجه چک ندارد که در این صورت حسب مورد اصریل و یا نماینده بعدی که عدم پرداخت مستند به او است مطابق این قانون مسئولیت کیفری دارد	ماده ۱۹ - (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخصی حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می شود به علاوه امضاء کننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود
ماده ۸۳۴ - هر شخص که با توسل به شیوه های متقلبانه مبادرت به افتتاح حساب یا دریافت دسته چک کند به حبس تعزیری درجه شش و در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می شود	
ماده ۸۳۵ - تحویل دسته چک به دارندگان حسابهای جاری قبلی منوط به احراز شرایط مقرر در این قانون است	
باب چهارم - ضمانت نامه مستقل ماده ۸۳۶ - ضمانت نامه مستقل سندی است که به موجب آن صادرکننده (ضامن) به درخواست متقاضی (مضمون عنه) پرداخت مبلغ معینی به ذی نفع (مضمون له) را با رعایت شرایط مقرر در ضمانت نامه برعهده می گیرد	
ماده ۸۳۷ - تعهدات ناشی از ضمانت نامه موضوع این باب، مستقل از تعهدات متقابل ذی نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است و سقوط، فسخ یا بطلان تعهد اصلی موجب براءت صادرکننده نمی گردد. تنها بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری مجاز به صدور چنین ضمانت نامه هایی می باشند.	

قانون فعلی	لایحه تجارت
	ماده ۸۳۸ - ضمانت نامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد: ۱ - درج عبارت «ضمانت نامه مستقل» بر روی سند ۲ - هویت و نشانی کامل متقاضی (مضمون عنه) ۳ - هویت و نشانی کامل صادرکننده (ضامن) ۴ - هویت و نشانی کامل ذی نفع (مضمون له) ۵ - تاریخ صدور به روز و ماه و سال ۶ - مبلغ ضمانت نامه ۷ - تاریخ اعتبار ضمانت نامه ۸ - تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ ۹ - شرایط اصلاح ضمانت نامه
	ماده ۸۳۹ - عدم درج هریک از موارد (۱) تا (۶) ماده (۸۳۸) این قانون موجب بطلان ضمانت نامه مستقل است
	ماده ۸۴۰ - اگر تاریخ اعتبار ضمانت نامه مستقل در آن ذکر نشود تا پنج سال از تاریخ صدور اعتبار دارد
	ماده ۸۴۱ - هر شرطی که استقلال ضمانت نامه را تغییر دهد بی اثر است
	ماده ۸۴۲ - ضمانت نامه مستقل به محض صدور غیرقابل برگشت است، مگر خلاف آن در ضمانت نامه تصریح شود
	ماده ۸۴۳ - به محض اینکه ضمانت نامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادر شده محسوب می شود، مگر آنکه در ضمانت نامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانت نامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است
	ماده ۸۴۴ - ذی نفع می تواند با ارائه ضمانت نامه مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانت نامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود
	ماده ۸۴۵ - اگر مفاد ضمانت نامه اصلاح شود، در صورت موافقت کتبی ذی نفع، از لحظه صدور اصلاحیه، ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آنکه در متن موافقت نامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذی نفع در گذشته و

قانون فعلی	لایحه تجارت
	به صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه ای که صادرکننده ضمانت نامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به وسیله ذی نفع را دریافت می کند، ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود
	ماده ۸۴۶ - اصلاح ضمانت نامه مستقل تأثیری به زیان تأییدکننده ضمانت نامه ندارد، مگر اینکه وی به طور کتبی موافقت کرده باشد. تأییدکننده ضمانت نامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانت نامه به وسیله ضامن را تعهد می کند
	ماده ۸۴۷ - انتقال قراردادی ضمانت نامه مستقل در صورتی ممکن است که در متن سند بر قابل انتقال بودن آن تصریح شود. در این صورت، انتقال ضمانت نامه با درج هویت و امضای انتقال دهنده، هویت و نشانی کامل انتقال گیرنده و عبارت صریحی حاکی از انتقال سند در آن محقق می گردد
	ماده ۸۴۸ - انتقال قراردادی ضمانت نامه مستقل پیش از تحقق شرایط مطالبه مندرج در ضمانت نامه باطل است.
	ماده ۸۴۹ - هرگونه انتقال ضمانت نامه مستقل باید به طور کتبی به وسیله انتقال دهنده به اطلاع صادرکننده برسد. قبل از وصول مراتب انتقال به صادرکننده، انتقال گیرنده حق مطالبه مبلغ ضمانت نامه را ندارد.
	ماده ۸۵۰ - هر یک از اطراف ضمانت نامه مستقل می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرف های ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به طور رسمی وکالت دهد
	ماده ۸۵۱ - در صورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانت نامه را پرداخت کند، از سوی ذی نفع اطلاعیه ای مبنی بر انتقال ضمانت نامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانت نامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانت نامه بری می شود
	ماده ۸۵۲ - تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت نامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانت نامه و این قانون انجام شود. تقاضای

قانون فعلی	لایحه تجارت
	پرداخت مبلغ ضمانت نامه به منزله اقرار ذی نفع به موارد زیر است: ۱ - کلیه اسناد ارائه شده منطبق با مقررات است و هیچ یک از آنها مجعول نیست؛ ۲ - هیچ پرداختی درباره اسناد ارائه شده انجام نشده است.
	ماده ۸۵۳ - پرداخت مبلغ ضمانت نامه و ارائه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانت نامه و در محل اقامت صادرکننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانت نامه به نحو دیگری مقرر گردد
	ماده ۸۵۴ - انقضای اعتبار ضمانت نامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موکول شود
	ماده ۸۵۵ - تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانت نامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانت نامه پیش بینی شود.
	ماده ۸۵۶ - صادرکننده باید تقاضای ذی نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانت نامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین المللی حداکثر تا یک ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفای کند. ایفای تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانت نامه محقق می شود و ممکن است، حسب دستور ذی نفع، به طور نقدی یا از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد
	ماده ۸۵۷ - چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارائه شده را با اسناد ذکر شده در ضمانت نامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف دو روز مراتب را به اطلاع ذی نفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذی نفع اصل اسناد را مسترد کند و دلیل رد را ظرف ده روز به صورت کتبی به وی اطلاع دهد

قانون فعلی	لایحه تجارت
	ماده ۸۵۸ - قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانت نامه یا امضای شخص ثالث منوط شود
	ماده ۸۵۹ - در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف و مراتب به مراجع ذی صلاح قضائی اعلام می شود.
	ماده ۸۶۰ - در صورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات وارد شده به ذی نفع و متقاضی است
	ماده ۸۶۱ - در صورتی که صادرکننده، مبلغ ضمانت نامه مستقل را مطابق شرایط ضمانت نامه پرداخت کند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد: ۱ - مبلغ مندرج در ضمانت نامه تا سقفی که به ذی نفع پرداخت شده است. ۲ - کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شود. ۳ - هزینه ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانت نامه متحمل شده است. طرفین می توانند بر مبلغ مقطوعی به عنوان خسارت توافق کنند
	ماده ۸۶۲ - در صورت مفقود شدن، سرقت یا از بین رفتن ضمانت نامه مستقل، هرگاه ضمانت نامه غیر قابل انتقال باشد ذی نفع می تواند ضمن دستور کتبی عدم پرداخت نسخه مفقود، حسب مورد، صدور نسخه جایگزین یا پرداخت مبلغ ضمانت نامه را مطابق شرایط مندرج در آن از صادرکننده تقاضا کند. هرگاه ضمانت نامه قابل انتقال باشد، ذی نفع می تواند به طور کتبی دستور عدم پرداخت نسخه مفقود را به صادرکننده بدهد. صادرکننده پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری می کند. دستور دهنده باید شکایت خود را در مراجع قضائی طرح و حداکثر ظرف یک هفته پس از دستور عدم پرداخت، گواهی تقدیم شکایت خود را به صادرکننده تسلیم کند. در

قانون فعلی	لایحه تجارت
	غیراین صورت، پس از انقضای مدت مذکور، صادرکننده به تقاضای ارائه دهنده و با احراز شرایط لازم مطابق مواد این باب وجه آن را پرداخت می کند. در هر حال، ذی نفع می تواند با دستور دادگاه و با دادن وثیقه کافی صدور نسخه جایگزین یا پرداخت مبلغ ضمانت نامه را مطابق شرایط مندرج در آن از صادرکننده تقاضا کند. با انقضای اعتبار ضمانت نامه وثیقه مذکور فک می شود. تبصره - عبارت «نسخه جایگزین» باید در ضمانت نامه جایگزین درج شود.
	ماده ۸۶۳ - ذی نفع در موارد زیر حق تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت نامه را ندارد: ۱ - صادرکننده را به طور کتبی ابراء کند. ۲ - بین ذی نفع و صادرکننده تهاتر صورت گیرد. ۳ - مبلغ ضمانت نامه پرداخت شود. ۴ - اعتبار ضمانت نامه منقضی شود.
	ماده ۸۶۴ - وجود ضمانت نامه نزد صادرکننده به منزله براءة وی است، مگر اینکه ثابت شود اسناد به منظور مطالبه و وصول وجه آن در اختیار صادرکننده قرار گرفته است
	ماده ۸۶۵ - در صورتی که ذی نفع به طور کتبی صادرکننده را ابراء کند، صادرکننده مذکور می تواند در مقابل او به این امر استناد کند. در این صورت، اگر ضمانت نامه قابل انتقال باشد ذی نفع حق انتقال آن را ندارد و در صورت انتقال به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.
ماده ۳۲۰ ق.ت. - دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می شود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذک اگر مقامات صلاحیت دار قضائی یا پلیس تأدیه وجه آن سند را منع کند تأدیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد	ماده ۸۶۶ - ضمانت نامه مستقل در صورتی مشمول مواد این باب است که در متن ضمانت نامه به طور صریح تابع مقررات این قانون قرار داده شود.
	باب پنجم - اسناد در وجه حامل

قانون فعلی	لایحه تجارت
	ماده ۸۶۷ - متصرف هر سند در وجه حامل، دارنده آن محسوب می‌گردد، مگر خلاف آن ثابت شود
ماده ۳۲۰ - دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می‌شود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذک اگر مقامات صلاحیت‌دار قضائی یا پلیس تأدیه وجه آن سند را منع کند تأدیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد	ماده ۸۶۸ - دادگاه می‌تواند به تقاضای خواهان مبنی بر صدور دستور عدم پرداخت وجه سند در وجه حامل، بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی، مدیون را از پرداخت وجه سند به دارنده آن منع کند. در این صورت، تأدیه وجه سند به حامل، مسئول سند را در مقابل شخصی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نمی‌کند
ماده ۳۲۲ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه‌های کوپن یا دارای ضمیمه‌ای برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق می‌دهد ربح یا منفعتی را مرتباً دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق ذیل عمل خواهد شد. ماده ۳۲۳ - مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است. اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافی است.	ماده ۸۶۹ - در صورت مفقود شدن سند در وجه حاملی که به دارنده آن حق می‌دهد به‌طور مرتب سودی را دریافت کند، مانند سهام بی‌نام و اوراق مشارکت، یا تحصیل آن از طریق مجرمانه، دارنده آن باید با اثبات اینکه سند در تصرف او بوده و مفقود یا از طریق مجرمانه تحصیل شده است از دادگاه ابطال آن را مطابق مواد این باب تقاضا کند. اگر سند دارای ضمیمه‌ای برای دریافت سود باشد و ضمیمه مذکور مفقود شود، ابراز خود سند به دادگاه برای اثبات تصرف کافی است
ماده ۳۲۴ - اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید به‌وسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار کند - هر گاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را ابراز ننمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد - محکمه می‌تواند لدی‌الاقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین کند ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود محکمه می‌تواند بعلاوه اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد. ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً به‌وسیله درج در مجله رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.	ماده ۸۷۰ - در مورد ماده (۸۶۹) این قانون اگر دادگاه ادعای خواهان را مقرون به صحت تشخیص دهد، باید سه بار هریک به فاصله یک ماه از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به هزینه خواهان مراتب را اعلان و به دارنده مجهول سند اخطار کند. هر گاه از تاریخ انتشار آگهی تا سه سال سند ابراز نشود، حکم ابطال آن صادر می‌شود. ابطال سند باید به هزینه خواهان به‌وسیله نشر آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلان گردد. در صورتی که سند مفقود مانند اوراق مشارکت دارای سررسید باشد، مبدأ سه سال مذکور، سررسید سند است

لایحه تجارت	قانون فعلی
ماده ۸۷۱ - اگر قبل از ابطال سند به موجب ماده (۸۷۰) این قانون سند ابراز شود، متعهد سند باید ارائه دهنده سند را به دادگاهی که پرداخت وجه یا سود متعلق به آن را منع کرده است دلالت کند. در صورت مراجعه ارائه کننده سند به دادگاه، دادگاه اسناد ارائه شده را توقیف و به مدعی فقدان سند یا تحصیل آن از طریق مجرمانه، مهلت مناسبی می دهد و اخطار می کند که هرگاه تا انقضای مهلت، دعوی یا شکایت خود را علیه ابراز کننده سند تعقیب و دلایل خود را اظهار نکند، دعوای او رد و اسناد توقیف شده به ارائه دهنده آن مسترد می شود	ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هر گاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلایل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گردید.
ماده ۸۷۲ - هرگاه دعوای شخص متقاضی دستور عدم پرداخت، رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود متعهد سند مکلف به پرداخت وجه سند یا سود ناشی از آن است و متقاضی دستور عدم پرداخت، مکلف به جبران خسارات وارد بر دارنده سند است و در صورت علم به بلا وجه بودن دستور عدم پرداخت، به حبس تعزیری درجه هفت و یا جزای نقدی معادل نصف قیمت سند محکوم می شود.	
ماده ۸۷۳ - در صورت دستور دادگاه به عدم پرداخت اگر ابراز کننده سند به تشخیص دادگاه تضمین کافی را، به متعهد آن بدهد متعهد باید وجه سند را به ابراز کننده بپردازد مشروط بر اینکه در گذشته وجه سند به دارنده پرداخت نشده باشد. وثیقه مذکور در صورت رد دعوای خواهان فک می شود	ماده ۳۲۵ - به تقاضای مدعی محکمه می تواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تأمینی که محکمه تصویب نماید
ماده ۸۷۴ - خواهان می تواند پس از شش ماه از انتشار اولین آگهی موضوع ماده (۸۷۰) این قانون، با اثبات اینکه سند مفقود متعلق به او بوده و با سپردن وثیقه کافی برای اصل سند و سود ناشی از آن، از دادگاه الزام مدیون را به صدور سند جایگزین تقاضا نماید؛ مشروط بر اینکه در گذشته وجه سند به ارائه دهنده پرداخت نشده باشد. وثیقه مذکور پس از ابطال سند مفقود فک می شود. در صورتی که مطابق ماده (۸۷۱) دعوای خواهان رد یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا	

قانون فعلی	لایحه تجارت
	حکم برائت منتهی شود، مکلف به استرداد اسناد جایگزین است
ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود. ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار و إلا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می‌شود.	ماده ۸۷۵ - هرگاه سند مفقود از اسناد مذکور در ماده (۸۶۹) این قانون نباشد دادگاه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند یا تحصیل آن از طرق مجرمانه را مقرون به صحت تشخیص دهد دستور می‌دهد که مدیون، وجه سند را به‌فوریت در صورتی که حال باشد و در صورت مؤجل بودن سند پس از انقضای اجل به صندوق دادگستری بسپارد. اگر تا سه سال از تاریخ سررسید و در صورتی که سند عندالمطالبه باشد قبل از انقضای مهلت مندرج در ماده (۸۷۰) سند ابراز شود مطابق مواد (۸۷۱) و (۸۷۲) رفتار می‌گردد و در غیر این صورت ابطال سند مفقود اعلام و وجهی که به صندوق دادگستری سپرده شده است به مدعی مسترد می‌شود
ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست	ماده ۸۷۶ - مواد این باب شامل برات، سفته، چک، چک‌پول و اسکناس نیست.
	باب ششم - مقررات متفرقه ماده ۸۷۷ - مراد از هویت در این کتاب نام، نام خانوادگی شخص حقیقی و نام و نوع شخص حقوقی است
	ماده ۸۷۸ - دعاوی راجع به برات، سفته و چک پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور واخوست‌نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نیست. در صورت عدم اعتراض مبدأ مهلت مذکور از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود
	ماده ۸۷۹ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می‌شود مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش

قانون فعلی	لایحه تجارت
	می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.
	ماده ۸۸۰ - اسناد تجاری را می‌توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد. هرگاه سند تجاری به صورت الکترونیک تنظیم شود، قبول، ظهرنویسی و ضمانت آن نیز به صورت الکترونیک انجام می‌شود.
	ماده ۸۸۱ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه‌های اجرایی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است
	ماده ۸۸۲ - بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری باید هویت کلیه دریافت‌کنندگان از حساب و واریزکنندگان به حساب را در حدود عرف بانکداری احراز و در دفاتر خود ثبت نمایند

کتاب چهارم

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
کتاب چهارم - ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه ماده ۸۸۳ - حکم ورشکستگی تاجر در صورت توقف وی از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست صادر می‌شود، مگر اینکه مطابق این قانون کفایت اموال وی نسبت به دیون او احراز شود یا علی‌رغم عدم احراز کفایت اموال نسبت به دیون تاجر، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه منعقد گردد و پس از انعقاد، این قرارداد فسخ یا ابطال نشده باشد.	ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حالت وقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود
ماده ۸۸۴ - حکم ماده (۸۸۳) این قانون در مورد اشخاصی نیز که از تجارت کناره‌گیری کرده‌اند جاری است، مشروط بر اینکه اشخاص مذکور در زمان کناره‌گیری از تجارت در حالت توقف باشند و بیش از یک سال از تاریخ کناره‌گیری آنان سپری نشده باشد. حذف نام تاجر از دفتر ثبت تجاری، اماره کناره‌گیری از تجارت محسوب می‌شود	
ماده ۸۸۵ - ورشکستگی تاجری را که به هنگام فوت در حال توقف بوده است تا یک سال پس از مرگ او نیز می‌توان تقاضا کرد	ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجری شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.
ماده ۸۸۶ - هیچ اثری بر صرف توقف از تأدیه دیون مترتب نیست، مگر اینکه در قانون بر آن تصریح شود	
باب اول - تقاضای ورشکستگی ماده ۸۸۷ - هریک از بستانکاران تاجر می‌تواند در دادگاه محل اقامت وی علیه او دعوی ورشکستگی اقامه کند مشروط بر اینکه طلب حال و منجز وی در سررسید تأدیه نشده و بستانکار در قبال طلب مذکور وثیقه‌ای نداشته باشد که پس از فروش و وضع مخارج قانونی طلب مذکور را تکافو کند	ماده ۴۱۵ - ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود: الف) بر حسب اظهار خود تاجر. ب) به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها. ج) بر حسب تقاضای مدعی العموم بدایت
ماده ۸۸۸ - تقاضای ورشکستگی تاجر در صورت توقف از تأدیه جرائم و مجازات‌های نقدی، مالیات، مطالبات تأمین اجتماعی و عوارض شهرداری‌ها مجاز نیست.	
ماده ۸۸۹ - اشخاص زیر می‌توانند، مطابق مواد این قانون، رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر را از دادگاه محل اقامت وی تقاضا کنند: ۱ - شخص تاجر	ماده ۴۱۵ - ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود: الف) بر حسب اظهار خود تاجر.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
(ب) به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها. (ج) بر حسب تقاضای مدعی العموم بدایت	۲ - دارندگان طلبهای مؤجل ۳ - دادستان محل اقامت تاجر تبصره - شروع رسیدگی در مورد این ماده منوط به تقدیم دادخواست نیست.
ماده ۴۱۳ - تاجر باید در ظرف سه روز از تاریخ وقفه که در تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر محکمه مزبوره تسلیم نماید.	ماده ۸۹۰ - تاجر باید ظرف حداکثر یک ماه از تاریخ حصول اولین وقفه در پرداختهای حال خود مراتب را به دادگاه صالح اعلام و ضمن تسلیم صورت دارایی و کلیه دفاتر تجاری خود به دفتر دادگاه مذکور رسیدگی به امر ورشکستگی خود را تقاضا کند. در صورتی که تقدیم دفاتر یا تنظیم دقیق صورت دارایی در مهلت مذکور متعسر یا متعذر باشد، تاجر باید ضمن درخواست علل آن را توضیح دهد
ماده ۴۱۴ - صورت حساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد: (۱) تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر متوقف به طور مشروح. (۲) صورت کلیه قروض و مطالبات. (۳) صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی. در صورت توقف شرکت های تضامنی - مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.	ماده ۸۹۱ - صورت دارایی مندرج در ماده (۸۹۰) این قانون باید با قید تاریخ روز به امضای تاجر برسد و متضمن موارد زیر باشد: ۱ - تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که تاجر به هر عنوان نزد بانک ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور ۲ - کلیه مطالبات، دیون و تضمینات آنها به همراه اسامی و اقامتگاه کلیه بدهکاران و بستانکاران ۳ - کلیه دیون اشخاص ثالث که تاجر آنها را ضمانت یا تضمین کرده است و میزان آنها، به همراه اسامی و اقامتگاه اشخاص مذکور ۴ - کلیه اموال اشخاص ثالث که تاجر به هر عنوان در تصرف خود دارد و نیز کلیه اموالی که تاجر به هر عنوان نزد اشخاص ثالث دارد ۵ - کلیه دعاوی له و علیه تاجر که در جریان رسیدگی است یا حکم صادر شده در مورد آن نهایی و یا اجرا نشده ۶ - اجمالی نفع و ضرر و مخارج شخصی در دو سال آخر منتهی به تقدیم دادخواست به اختصار و در صورتی که مدت اشتغال به تجارت کمتر از دو سال باشد، در طول مدت مذکور
	ماده ۸۹۲ - در مورد اشخاص حقوقی تاجر آخرین صورتهای مالی نیز که به تصویب مجمع عمومی مربوط رسیده است

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	باید به صورت دارایی ضمیمه شود. در این مورد درج صورت اجمالی نفع و ضرر و مخارج شخصی موضوع بند (۶) ماده (۸۹۱) این قانون در صورت دارایی ضروری نیست
	ماده ۸۹۳ - دارندگان طلبهای مؤجل در موارد زیر می توانند رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر بدهکار را از دادگاه صالح تقاضا کنند، مشروط بر اینکه در قبال طلب مذکور وثیقه ای نداشته باشند که پس از فروش و وضع مخارج قانونی طلب مذکور را تکافو کند و ثابت شود تاجر از تأدیه وجوه حال و منجز خود متوقف شده است: ۱ - در صورتی که تاجر اقامتگاه مشخصی در ایران نداشته باشد. ۲ - در صورتی که تاجر تجارتخانه خود را بسته یا مخفی شده یا فرار کرده باشد. ۳ - در صورتی که تاجر در حال انجام اقداماتی به ضرر بستانکاران خود باشد. تبصره - این حکم در مواردی نیز جاری است که تاجر شخص حقوقی باشد و در اقامتگاه مندرج در اساسنامه خود شناخته نشود و یا مدیر یا مدیران و یا مدیر عامل آن اقدامات مذکور در بندهای (۲) و (۳) را مرتکب شده باشند
	ماده ۸۹۴ - رسیدگی به دعوای ورشکستگی یا امر ورشکستگی در تمام مراحل به صورت خارج از نوبت انجام می شود.
	باب دوم - توقف فصل اول - اعلام توقف ماده ۸۹۵ - در مورد ماده (۸۸۷) این قانون دادگاه باید پس از وصول دادخواست ورشکستگی به ادعای خواهان در مورد توقف تاجر رسیدگی کند. در صورت احراز توقف، دادگاه قبل از هرگونه اقدام ده روز به تاجر مهلت می دهد که طلب خواهان را تأدیه یا برای وصول آن مال معرفی کند. اگر تاجر ظرف مهلت مذکور و مطابق یکی از بندهای زیر دستور دادگاه را انجام دهد، دادخواست خواهان رد می شود: ۱ - تقدیم مدرکی که بر ایفای طلب و متفرعات آن ظرف مهلت مذکور دلالت کند. ۲ - معرفی مال به همراه نظریه کارشناس رسمی دادگستری دال بر ارزش آن و اینکه ثمن ناشی از فروش

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مال معرفی شده پس از کسر هزینه های اجرائی تکافوی طلب خواهان و متفرعات آن را می کند
	ماده ۸۹۶ - اگر تاجر متوقف مطابق مفاد ماده (۸۹۵) این قانون مال معرفی کند، دادگاه در صورت درخواست خواهان قراری دایر بر توقیف مال معرفی شده صادر می کند. قرار مذکور در حکم قرار تأمین خواسته ای است که قبل از تقدیم دادخواست صادر گردیده است.
	ماده ۸۹۷ - اگر طلب بستانکار خواهان ورشکستگی مطابق مقررات ماده (۸۹۵) این قانون تأدیه نشود، دادگاه با صدور رأی، توقف تاجر را اعلام می کند. همچنین اگر اشخاص موضوع ماده (۸۸۹) رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر را از دادگاه تقاضا کند و دادگاه به طریق مقتضی توقف وی را احراز نماید رأی توقف تاجر صادر می شود. در مورد اخیر رأی حتی المقدور پس از استماع اظهارات تاجر صادر می شود.
ماده ۴۱۶ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است.	ماده ۸۹۸ - دادگاه باید در رأی اعلام توقف تاریخی را به عنوان تاریخ توقف تعیین و شخصی را مطابق مقررات این قانون به عنوان امین منصوب و مراتب را به اداره تصفیه امور ورشکستگی برای تعیین قاضی ناظر اعلام و تصویر یا رونوشتی از رأی را فوراً به دادستان محل ارسال و امین را نیز فوراً به وسیله اخطار کتبی مطلع کند.
ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند	ماده ۸۹۹ - اگر دادگاه در رأی خود تاریخ توقف را تعیین نکرده باشد، تاریخ صدور رأی، تاریخ توقف محسوب می شود. در صورتی که دادگاه توقف تاجری را پس از کناره گیری از تجارت، فوت یا انحلال شخص حقوقی اعلام کند و تاریخ توقف را تعیین ننماید، حسب مورد، تاریخ کناره گیری، فوت یا انحلال، تاریخ توقف محسوب می گردد.
ماده ۴۱۶ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است.	ماده ۹۰۰ - در صورتی که تاجر به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کند، امین تعیین نمی شود و خود تاجر تکالیف و مسؤولیت هایی را که در این قانون برای امین مقرر شده است، برعهده دارد مگر اینکه به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفر خواست صادر شود.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۳۸ - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضائی از طرف طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که به موجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد - همین که مهلت‌های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیرقابل تغییر خواهد بود.	ماده ۹۰۱ - دادگاه می‌تواند رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع تاریخ توقف را با ذکر دلیل تغییر دهد
	ماده ۹۰۲ - دادگاه به هیچ وجه نمی‌تواند تاریخ توقف را بیش از شش ماه قبل از تاریخ رأی تعیین کند
	ماده ۹۰۳ - دادستان به فوریت توقف تاجر متوقف را به مراجع مربوط از جمله اداره ثبت اسناد و املاک کشور و ممنوع‌الخروج بودن وی را به مراجع ذی‌ربط ابلاغ می‌کند
	ماده ۹۰۴ - رونوشت یا تصویر آرای صادرشده در خصوص رد دادخواست ورشکستگی، تصدیق قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، فسخ یا ابطال آن و نیز اعلام و ختم ورشکستگی به دادستان و اداره تصفیه امور ورشکستگی ارسال می‌شود. دادستان باید پس از اطلاع از مفاد رأی، حسب مورد، رفع یا برقراری موارد مندرج در ماده (۹۰۳) این قانون را با رعایت مواد این قانون به مراجع ذی‌ربط اعلام کند.
ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده ۴۱۳ - ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد. ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد به واسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می‌خواهد جلوگیری کند	ماده ۹۰۵ - در صورتی که تاجر به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل نکرده باشد، یا آزادی تاجر متوقف محل جریان رسیدگی به دعوا و یا اجرای رأی باشد، دادگاه باید ضمن رأی اعلام توقف با ذکر دلایل، دستور بازداشت وی را برای مدت یک ماه صادر کند. تمدید مدت دستور مذکور منوط به بقاء علت صدور دستور است. در هر حال، این قرار ظرف ده روز پس از ابلاغ در دادگاه تجدید نظر استان قابل تجدیدنظرخواهی است. این امر مانع اجرای دستور نیست
ماده ۴۱۷ - حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود.	ماده ۹۰۶ - دادگاه می‌تواند ضمن رأی اعلام توقف یا پس از آن رأساً یا به درخواست هر ذی‌نفع دستور اتخاذ اقدامات احتیاطی در مورد اموال تاجر را صادر کند. اقدامات احتیاطی می‌تواند شامل موارد زیر باشد: ۱ - توقف شروع دعاوی له یا علیه تاجر متوقف یا ادامه آنها یا هرگونه عملیات اجرائی علیه اموال وی

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۲ - قرار توقیف تمام یا بخشی از اموال تاجر متوقف ۳ - تفویض اداره تمام یا بخشی از اموال بدهکار به امین ۴ - تفویض فروش اموال سریع الفساد یا مستعد کاهش ارزش یا اموالی که نگهداری آنها دارای هزینه زیاد است به امین
ماده ۴۱۷ - حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می شود	ماده ۹۰۷ - رأی دادگاه در مورد اتخاذ اقدامات احتیاطی و بازداشت متوقف به فوریت اجرا می شود
ماده ۴۳۷ - در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارائی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد	ماده ۹۰۸ - در صورتی که تاجر بدهکار فرار و یا تمام و یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کند، دادگاه می تواند به تقاضای هر یک از بستانکاران به فوریت و بدون تقدیم دادخواست ورشکستگی به اتخاذ اقدامات احتیاطی موضوع ماده (۹۰۶) این قانون دستور دهد. بستانکار مکلف است ظرف ده روز ورشکستگی تاجر را از دادگاه صالح تقاضا کند در غیر این صورت به تقاضای تاجر از دستور صادر شده رفع اثر می شود
ماده ۵۳۶ - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است. ماده ۵۳۷ - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیم اند در ظرف یک ماه و از طرف آن هایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه به عمل آید ابتدای مدت های مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می شود. ماده بیست و چهارم قانون اداره تصفیه - اداره تصفیه آگهی منتشر نموده و نکات زیر را در آن قید می نماید: ۱ - تعیین ورشکسته و محل اقامت او و تاریخ توقف (در صورتی که در حکم دادگاه تعیین شده باشد). ۲ - اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعایی دارند به اینکه ادعای خود را در ظرف دو ماه به اداره اعلام نمایند و مدارک خود را (اصل با رونوشت گواهی شده) به اداره تسلیم دارند. اداره می تواند این مدت را برای کسانی که در خارجه اقامت دارند تمدید نماید.	فصل دوم - اقدامات اولیه پس از اعلام توقف مبحث اول - نشر آگهی ماده ۹۰۹ - امین باید به دستور قاضی ناظر خلاصه ای از رأی صادر شده در مورد اعلام توقف را در روزنامه رسمی و یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری که به وسیله قاضی ناظر تعیین می شود منتشر کند. این امر باید حداکثر تا ده روز پس از دریافت اخطاریه از جانب امین انجام شود.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
۳ - اخطاریه بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل صدی بیست و پنج دین به نفع صندوق (ب) مذکور در ماده ۵۴ محکوم خواهند شد - دادگاه می تواند علاوه بر جریمه نقدی به حبس تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نماید. ۴ - اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال ورشکسته در دست آنها است که آن اموال را در ظرف مدت نامبرده در اختیار اداره بگذارند و گرنه هر حقی که نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند. ۵ - دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتها در ظرف ۲۰ روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد ضمناً قید شود کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی داشته و یا ضامن او هستند می توانند در جلسه حضور بهم رسانند. ماده بیست و پنجم قانون اداره تصفیه - آگهی در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار دو بار به فاصله ده روز منتشر خواهد شد - نسخه از این آگهی برای هر یک از بستانکارانی که شناخته شده است فرستاده می شود	
ماده بیست و چهارم قانون اداره تصفیه - اداره تصفیه آگهی منتشر نموده و نکات زیر را در آن قید می نماید: ۱ - تعیین ورشکسته و محل اقامت او و تاریخ توقف (در صورتی که در حکم دادگاه تعیین شده باشد). ۲ - اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعایی دارند به اینکه ادعای خود را در ظرف دو ماه به اداره اعلام نمایند و مدارک خود را (اصل با رونوشت گواهی شده) به اداره تسلیم دارند. اداره می تواند این مدت را برای کسانی که در خارجه اقامت دارند تمدید نماید. ۳ - اخطاریه بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند متخلفین از این اخطار به جریمه	ماده ۹۱۰ - آگهی مذکور در ماده (۹۰۹) این قانون باید شامل موارد زیر باشد: ۱ - هویت تاجر متوقف و نشانی کامل وی ۲ - مشخصات دادگاه صادرکننده رأی، تاریخ صدور رأی و تاریخ توقف ۳ - دعوت از بستانکاران تاجر متوقف و اشخاصی که ادعایی نسبت به او دارند به منظور تقدیم اسناد طلب یا ادعای خود به همراه تصویر یا رونوشت مصدق آنها ظرف مهلت مقرر در این باب به امین در قبال دریافت رسید ۴ - دعوت از بدهکاران تاجر متوقف برای معرفی خود ظرف مدت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
نقدی معادل صدی بیست و پنج دین به نفع صندوق (ب) مذکور در ماده ۵۴ محکوم خواهند شد - دادگاه می تواند علاوه بر جریمه نقدی به حبس تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نماید. ۴ - اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال ورشکسته در دست آنها است که آن اموال را در ظرف مدت نامبرده در اختیار اداره بگذارند و گرنه هر حقی که نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند. ۵ - دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتها در ظرف ۲۰ روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد ضمناً قید شود کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی داشته و یا ضامن او هستند می توانند در جلسه حضور بهم رسانند.	۵ - دعوت از اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر متوقف را در تصرف دارند برای در اختیار گذاشتن آن اموال با رعایت مواد این باب ظرف مهلت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
	ماده ۹۱۱ - در صورت تغییر تاریخ توقف نیز امین باید حداکثر تا ده روز پس از صدور رأی مراتب را با رعایت مفاد ماده (۹۱۰) این قانون در روزنامه رسمی و یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری که به وسیله قاضی ناظر تعیین می شود منتشر کند.
ماده ۴۳۸ - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر موم شود	مبحث دوم - مهر و موم و صورت برداری ماده ۹۱۲ - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر متوقف باید به فوریت پس از اعلام توقف، مهر و موم شود
ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود	ماده ۹۱۳ - مهر و موم باید به وسیله قاضی ناظر یا نماینده او انجام شود. در صورتی که اموال تاجر متوقف در حوزه دادگاه دیگری باشد، قاضی ناظر مهر و موم اموال مذکور را در قالب نیابت قضائی به موجب قانون آیین دادرسی مدنی از دادگاه صلاحیت دار محل درخواست می کند
ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود	ماده ۹۱۴ - در صورتی که به عقیده قاضی ناظر برداشتن صورت دارایی تاجر متوقف در یک روز ممکن باشد، باید به فوریت و بدون مهر و موم صورت برداری آغاز شود
ماده چهاردهم قانون اداره تصفیه - ورشکسته مکلف است اموال و دفاتر خود را به اداره تصفیه معرفی نموده	ماده ۹۱۵ - تاجر متوقف مکلف است اموال و دفاتر خود را به قاضی ناظر یا نماینده او معرفی کند و تحت اختیار آنان

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
و در تحت اختیار آن بگذارد وگرنه به مجازات از سه ماه تا شش ماه زندان تأدیبی محکوم خواهد شد.	بگذارد در غیر این صورت به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.
اگر ورشکسته فوت نموده یا فراری باشد ورثه و شرکا و خدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند این تکلیف را خواهند داشت وگرنه به همین مجازات خواهند رسید.	اگر تاجر متوقف فراری باشد شرکا و مستخدمان او و نیز کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال تاجر متوقف تصرف و دخالت دارند، این تکلیف را برعهده دارند و در صورت تخلف از این تکلیف به مجازات مذکور محکوم می‌شوند. قاضی ناظر یا نماینده او اشخاص نامبرده را از این تکلیف آگاه می‌کند و مجازاتی را که برای خودداری از انجام آن معین شده است، تذکر می‌دهد.
ماده بیست و یکم قانون اداره تصفیه - متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر اینکه صریحاً از این تکلیف معاف شده باشد - در صورت اقتضاء اداره تصفیه می‌تواند اقدام به جلب او نماید و چنانچه توقیف او لازم شود قرار توقیف را از دادگاه می‌خواهد.	ماده ۹۱۶ - تاجر متوقف مکلف است در مدت صورت‌برداری از دارایی در دسترس باشد مگر اینکه قاضی ناظر به‌طور صریح وی را معاف کند. امین می‌تواند جلب تاجر متوقف را از قاضی ناظر تقاضا کند
رفع توقیف به دستور اداره تصفیه به‌عمل می‌آید - ورشکسته می‌تواند از دوام توقیف خود در هر ماه یک‌بار به دادگاه صادرکننده قرار توقیف شکایت نموده رفع آن را بخواهد.	
اداره تصفیه می‌تواند نفقه عادلانه ورشکسته و واجب‌النفقه او را مخصوصاً در موردی که متوقف را تحت اختیار خود قرار می‌دهد به او بدهند و نیز تعیین خواهد نمود که تا چه مدت متوقف و خانواده‌اش می‌توانند در خانه که بوده‌اند سکنی نمایند	ماده ۹۱۷ - پس از مهر و موم یا صورت‌برداری مطابق ماده (۹۱۴) این قانون باید مراتب در صورت‌مجلسی قید شود و به تأیید قاضی ناظر برسد
ماده ۴۴۳ - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به‌عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود	ماده ۹۱۸ - اگر قبل از تعیین امین مهر و موم به‌عمل نیامده باشد، وی باید انجام آن را تقاضا کند.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۴۴ - عضو ناظر به تقاضای مدیر تصفیه به او اجازه می‌دهد که اشیاء ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید: ۱ - البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است. ۲ - اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید. ۳ - اشیائی که برای بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.	ماده ۹۱۹ - قاضی ناظر رأساً یا به تقاضای امین به عدم توقیف یا رفع توقیف از اشیاء زیر دستور می‌دهد: ۱ - البسه، اثاثیه، اسباب و آذوقه‌ای که برای حوائج ضروری تاجر متوقف و خانواده او لازم است. ۲ - وجوه نقدی که صرف آن در جهت هزینه‌های فوری و ضروری لازم است. ۳ - اشیائی که ممکن است به سرعت ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید و یا نگهداری آن مستلزم صرف هزینه‌های سنگین است. ۴ - اشیائی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر متوقف و استفاده از آن لازم است. ۵ - اموالی که به تشخیص دادگاه متعلق حق اشخاص ثالث است مشروط به اینکه تضمین مناسب اخذ شود. تبصره - اشیاء موضوع بند (۱) به تعیین قاضی ناظر به تاجر متوقف تسلیم و در قبال آن رسید دریافت می‌شود. این رسید باید متضمن مشخصات و ارزش اموال تسلیم شده باشد. اشیاء مذکور در بندهای (۲) تا (۴) نیز باید به فوریت تقویم و صورت آن برداشته شود و در قبال اخذ رسید به امین تسلیم گردد
ماده بیست و یکم ق. اداره تصفیه - متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر اینکه صریحاً از این تکلیف معاف شده باشد - در صورت اقتضاء اداره تصفیه می‌تواند اقدام به جلب او نماید و چنانچه توقیف او لازم شود قرار توقیف را از دادگاه می‌خواهد. رفع توقیف به دستور اداره تصفیه به عمل می‌آید - ورشکسته می‌تواند از دوام توقیف خود در هر ماه یکبار به دادگاه صادرکننده قرار توقیف شکایت نموده رفع آن را بخواهد. اداره تصفیه می‌تواند نفقه عادلانه ورشکسته و واجب‌النفقه او را مخصوصاً در موردی که متوقف را تحت اختیار خود قرار می‌دهد به او بدهند و نیز تعیین خواهد نمود که تا چه مدت متوقف و خانواده‌اش می‌توانند در خانه که بوده‌اند سکنی نمایند	ماده ۹۲۰ - در صورتی که به تشخیص قاضی ناظر یا نماینده او تاجر و خانواده او جز مسکن فعلی محلی برای سکنی نداشته باشند، منزل وی مهر و موم نمی‌شود، مگر اینکه مسکن فعلی وی بیش از حد متعارف باشد، که در این صورت تعیین تکلیف با دادگاه است

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۴۶ - دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آنکه ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می نماید. دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را به طور خلاصه قید کند - اوراق تجارتی هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه به عمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحویل می شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه گرفته می شود به عضو ناظر تسلیم می گردد - سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضی که می دهد وصول می نماید مراسلاتی که به اسم تاجر ورشکسته می رسد به مدیر تصفیه تسلیم و به توسط او باز می شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می تواند شرکت کند	ماده ۹۲۱ - امین به اتفاق قاضی ناظر دفاتر تاجر متوقف را از توقیف خارج می کند و پس از آنکه ذیل دفاتر را بست، آنها را نزد خود نگاه می دارد. وی باید در صورت مجلس، کیفیت دفاتر را به طور خلاصه درج کند. اسناد تجارتی که وعده آن نزدیک است یا باید قبول شود و یا ضروری است در مورد آن اقدامات تأمینیه به عمل آید، از توقیف خارج و در صورت مجلس ذکر و به امین تحویل می شود تا او اقدامات قانونی را برای وصول وجه آن انجام دهد
ماده ۴۴۸ - مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده می شود در صورتی که تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام به عمل خواهد آمد - تاجر ورشکسته می تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد	ماده ۹۲۲ - امین، تاجر متوقف را برای بستن دفاتر به هر طریق ممکن احضار می نماید و برای حضور او حداکثر تا چهل و هشت ساعت مهلت می دهد. در صورتی که تاجر ظرف مهلت مقرر حاضر نشود یا به تشخیص قاضی ناظر ضرورت اقتضا نماید، دفاتر با حضور قاضی ناظر بسته می شود.
ماده ۴۴۹ - در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فوراً به وسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل می نماید تنظیم می کند. ماده ۴۵۰ - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارائی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد. ماده ۴۵۳ - مدیر تصفیه می تواند برای تهیه صورت دارائی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند صورت اشیائی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف	ماده ۹۲۳ - قاضی ناظر حسب درخواست امین، دستور رفع مهر و موم از اموال را برای صورت برداری صادر می کند. امین مکلف است پس از رفع مهر و موم به فوریت با استفاده از دفاتر و اسناد تاجر متوقف و سایر اطلاعاتی که تحصیل می نماید صورت دارایی تاجر را مطابق مفاد ماده (۸۹۱) این قانون تنظیم کند. برای تنظیم صورت مذکور، امین می تواند از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند و با کسب اجازه از قاضی ناظر از تاجر متوقف و مستخدمان او و همچنین اشخاص دیگر توضیح بخواهد. در این صورت او باید از تحقیقات مذکور صورت مجلس تهیه کند. صورت اشیائی که به موجب مواد (۹۱۹) تا (۹۲۱) توقیف نشده و یا از توقیف خارج شده است، به صورت دارایی ضمیمه می شود. حضور

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
قاضی ناظر یا نماینده وی به هنگام برداشتن صورت دارایی ضروری است	نیمده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارایی خواهد شد.
ماده ۹۲۴ - اشیائی که نزد تاجر متوقف وجود دارد و اشخاص ثالث نسبت به آنها ادعا دارند با ذکر ادعا در صورت دارایی قید می گردد	ماده هفدهم - اشیائی که متعلق به اشخاص ثالث بوده و یا اشخاص ثالث نسبت به آنها اظهار حقی می نمایند در صورت اموال قید شده مراتب ضمن صورت ذکر خواهد شد. ماده هیجدهم - اداره تصفیه مکلف است حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیرمنقول ورشکسته که مستند به اسناد رسمی است معلوم کرده ضمن صورت اموال قید نماید.
ماده ۹۲۵ - کلیه اشیائی که در صورت دارایی قید شده اند باید تقویم شوند	ماده نوزدهم - کلیه اشیائی که در صورت قید شده باید ارزیابی شود.
ماده ۹۲۶ - صورت دارایی که به ترتیب مذکور در مواد قبل تنظیم شده است به تاجر متوقف ارائه می شود و پاسخ وی مبنی بر صحیح و کامل بودن یا نبودن آن صورت در صورت مجلس قید می شود و به امضای او می رسد	ماده بیستم - صورتی که به این ترتیب تنظیم شده به ورشکسته ارائه و از او سؤال می شود که آن را صحیح و کامل می داند یا خیر - پاسخ ورشکسته در صورت قید شده و به امضای او می رسد
ماده ۹۲۷ - تاجر متوقف می تواند در موقع انجام مهر و موم و صورت برداری از اموال حضور داشته باشد	ماده ۴۴۸ - مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده می شود در صورتی که تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام به عمل خواهد آمد - تاجر ورشکسته می تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد
ماده ۹۲۸ - دادستان و یا نماینده او نیز می توانند فقط به عنوان ناظر بر حسن انجام امور به منزل و تجارتخانه تاجر متوقف بروند و حین برداشتن صورت دارایی حاضر باشند. اشخاص مذکور حق دارند به دفاتر، اسناد و نوشتجات مربوط مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امور شود	ماده ۴۵۵ - صاحب منصبان پار که می توانند فقط به عنوان نظارت به منزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارایی حضور بهم رسانند. مأمورین پار که در هر موقع حق دارند به دفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه به ورشکستگی مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد
ماده ۹۲۹ - امین، صورت دارایی تاجر متوقف را در سه نسخه تهیه می کند و یکی را نزد خود نگاه می دارد و دو نسخه دیگر را به قاضی ناظر و دفتر دادگاه تقدیم می کند	ماده ۴۵۲ - مدیر تصفیه به تدریجی که رفع توقیف می شود صورت دارایی را در دو نسخه تهیه می نماید. یکی از نسختهای به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او می ماند
ماده ۹۳۰ - پس از تهیه صورت دارایی، تمام اموال تاجر متوقف به غیر از آنچه که در بند (۱) ماده (۹۱۹) و	ماده ۴۵۶ - پس از تهیه شدن صورت دارایی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
و اثاثیه (به غیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجر ورشکسته به مدیر تصفیه تسلیم می شود	ماده (۹۲۰) این قانون آمده، در قبال اخذ رسید به امین تسلیم می شود
	ماده ۹۳۱ - مواد این مبحث در مورد تاجری که به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کرده است مجری نیست مشروط بر این که به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار نگیرد و علیه او کیفرخواست صادر نشود
ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند.	فصل سوم - اداره کنندگان امور متوقف مبحث اول - امین ماده ۹۳۲ - امین از بین مدیران تصفیه که به موجب این قانون انتخاب می گردند تعیین می شود. در خصوص بانکها، شرکت های بیمه، و سایر شرکت های سهامی عام، تعاونی سهامی عام، مختلط سهامی عام و مواردی که به موجب آیین نامه اجرائی مشخص می شود هیأتی مرکب از سه یا پنج شخص که از میان اشخاص حقوقی واجد صلاحیت انتخاب می شوند وظایف امین را بر عهده دارند. ترتیب تشکیل، اداره جلسه و تصمیم گیری امضاء متعدد تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد شرکت های تجاری است. حق الزحمه امین را قاضی ناظر در حدود آیین نامه اجرائی تعیین می کند
ماده ۴۴۱ - اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و به طور کلی وظایف مدیر تصفیه علاوه بر آن قسمتی که به موجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه ای که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد.	ماده ۹۳۳ - موارد رد امین همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی در مورد رد دادرسان مقرر شده است.
ماده ۴۴۲ - میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد	ماده ۹۳۴ - در صورتی که دادگاه مطابق ماده (۹۰۶) این قانون، دستور اتخاذ اقدامات احتیاطی را صادر کند، امین در حدود مقرر در دستور، قائم مقام قانونی متوقف محسوب می شود
ماده ۴۱۸ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند	ماده ۹۳۵ - امین مکلف است از روز شروع مأموریت برای حفظ حقوق تاجر متوقف اقدامات لازم را انجام دهد
ماده ۴۶۱ - مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به مأموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او به عمل آورد	ماده ۹۳۶ - امین باید گزارش روزانه اعمال خود درباره امور راجع به اداره اموال تاجر متوقف را در دفتری که صفحات

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	آن دارای شماره ترتیبی است، بنویسد و به صورت ماهانه به رؤیت قاضی ناظر برساند مگر اینکه قاضی ناظر مهلت کمتری را مقرر کند. قاضی مذکور پس از هر رؤیت، دفتر را امضاء و پس از تمام شدن برگه‌های آن در زیر امضاء خود بر این نکته تصریح می‌کند. دادگاه صادرکننده رأی و نیز هر ذی‌نفع با اجازه قاضی ناظر می‌توانند از مفاد این دفتر اطلاع حاصل کنند
ماده چهارم قانون اداره تصفیه - هرگاه کارکنان اداره تصفیه یا کسانشان تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت به دارائی ورشکسته به نفع خود طرف معامله واقع شوند آن معامله باطل است و متخلف تعقیب انتظامی خواهد شد	ماده ۹۳۷ - هرگاه امین یا بستگان سببی یا نسبی او تا درجه سوم از طبقه سوم به طور مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به دارایی تاجر متوقف بر خلاف غبطه بستانکاران طرف معامله واقع شوند، آن معامله باطل است و متخلف به مجازات خیانت در امانت محکوم می‌شود
	ماده ۹۳۸ - امین مطابق مقررات مسؤولیت مدنی مسئول کلیه خسارت‌های ناشی از اعمال خود است
	ماده ۹۳۹ - کلیه اعمال جاری امین از جانب هر ذی‌نفع نزد قاضی ناظر قابل شکایت است. در این صورت، اگر قاضی ناظر ضروری بداند، عمل مورد شکایت متوقف می‌شود و نامبرده باید ظرف پنج روز به این شکایت رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کند. رأی قاضی ناظر در این باره به فوریت اجرا می‌شود
	ماده ۹۴۰ - دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست قاضی ناظر و یا هر ذی‌نفع دیگر به طور مستدل امین را عزل و دیگری را به جای او منصوب بکند. در صورت فوت، انحلال یا معذوریت امین یا ممنوعیت وی از تصدی این سمت نیز دادگاه شخص دیگری را به جای وی منصوب می‌کند.
ماده ۴۲۷ - در حکمی که به موجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می‌شود محکمه یک نفر را به سمت عضو ناظر معین خواهد کرد.	مبحث دوم - قاضی ناظر ماده ۹۴۱ - پس از صدور رأی توقف و اعلام مراتب به اداره تصفیه امور ورشکستگی به موجب ماده (۸۹۸) این قانون، رئیس اداره یک نفر از قضات ناظر را با موافقت دادگاه

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۲۸ - عضو ناظر مکلف است به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آن است	صادرکننده رأی به عنوان قاضی ناظر تعیین می کند. قاضی ناظر تحت نظارت دادگاه صادرکننده رأی فعالیت می کند. قاضی ناظر علاوه بر اختیارات و وظایفی که به موجب مواد قانونی دیگر دارد نظارت بر جریان اقدامات احتیاطی و اداره امور متوقف و سرعت جریان آن و سایر امور اجرائی را عهده دار است علاوه بر این، در کلیه مواردی که آگهی آراء یا تصمیمات مربوط و یا تشکیل جلسه به موجب مواد این باب ضروری است، دستور نشر آگهی و یا دعوت برای جلسات و ریاست آنها، بر عهده قاضی ناظر می باشد
ماده ۴۵۰ - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارائی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد	ماده ۹۴۲ - قاضی ناظر در هر زمان می تواند از تاجر متوقف، مستخدمان او و هر شخص دیگری که لازم بداند در مورد امور تاجر متوقف توضیح بخواهد و در صورت لزوم از تحقیقات مذکور صورت مجلس تهیه کند
ماده ۴۲۹ - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر به محکمه راپرت خواهد داد.	ماده ۹۴۳ - قاضی ناظر باید هر ماه یکبار گزارشی از وضعیت امور تاجر متوقف و شکایات و اختلافاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت اوست، تهیه و به دادگاه تقدیم کند مگر اینکه دادگاه مدت کمتری را مقرر کند
	ماده ۹۴۴ - در مورد شکایات و اختلافاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت قاضی ناظر است، او باید رأی صادر شده را ظرف بیست و چهار ساعت پس از صدور به دفتر دادگاه تقدیم کند. دادگاه در صورت لزوم می تواند به ابلاغ رأی مذکور به افراد ذی نفع به هر طریقی که مقتضی می داند، دستور دهد
ماده ۴۳۰ - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین کرده است. ماده ۴۳۱ - مرجع شکایت محکمه ای است که عضو ناظر را معین کرده	ماده ۹۴۵ - اعتراض به تصمیمات قاضی ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین کرده است و مرجع اعتراض دادگاهی است که رأی توقف را صادر کرده است. اعتراض به هیچ وجه جریان کار را موقوف نمی کند، مگر در موارد مهم که عمل مورد اعتراض جبران ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد، که در این موارد دادگاه می تواند دستور جلوگیری بدهد. در این صورت دادگاه فوری و خارج از نوبت و در جلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم خود را اعلام

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	می‌کند. در سایر موارد دادگاه، در صورت موجه تشخیص دادن اعتراض، دستور لازم را به قاضی ناظر می‌دهد و به اقتضای مورد می‌تواند عمل قاضی ناظر را باطل کند
ماده ۴۳۲ - محکمه همیشه می‌تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.	ماده ۹۴۶ - اداره تصفیه در هر زمان می‌تواند با موافقت دادگاه قاضی ناظر را تغییر دهد و فرد دیگری را به جای او منصوب کند. در صورت غیبت موقت قاضی ناظر، اداره تصفیه با جلب نظر دادگاه قاضی دیگری را به طور موقت جایگزین او می‌کند
	فصل سوم - آثار اعلام توقف ماده ۹۴۷ - هیچ اثری بر رأی اعلام توقف مترتب نیست مگر اینکه قانون بر آن تصریح کند.
	ماده ۹۴۸ - تاجر متوقف نمی‌تواند جز با اعلام کتبی قبلی به امین اقامتگاه خود را ترک کند. همچنین او نمی‌تواند اقامتگاه خود را جز با اجازه قاضی ناظر تغییر دهد
ماده ۴۱۸ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند	ماده ۹۴۹ - اگر تاجر به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل نکرده و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفرخواست صادر شود، دادگاه باید قرار توقیف اموال وی مطابق بند (۲) ماده (۹۰۶) را صادر کند. اموالی که توقیف آنها طبق قانون مجاز نیست و نیز نفقه‌ای که برای تاجر و افراد واجب‌النفقه وی مقرر شده است، توقیف نمی‌شود
	ماده ۹۵۰ - تاجری که توقف او اعلام می‌شود به هیچ وجه نمی‌تواند به عنوان متصدی اداره اموال غیر منصوب شود. اعلام توقف تاجر مانع اعمال ولایت تاجر در مورد اموال اولاد محجور وی نیست، مگر اینکه این امر متضمن ضرر مولی علیه باشد که در این صورت دادگاه باید شخصی را به عنوان امین به تاجر ضم کند
ماده ۴۱۹ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند - کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.	ماده ۹۵۱ - اگر دادگاه دستور عدم شروع یا توقف ادامه دعاوی له یا علیه تاجر را صادر کند، کلیه دعاوی مذکور باید علیه امین اقامه یا به طرفیت او تعقیب شود. تاجر متوقف می‌تواند با اجازه دادگاه در دعاوی مذکور وارد شود. در مورد آن دسته از دعاوی که پیش از اعلام توقف به وسیله تاجر یا

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۲۰ - محکمه هر وقت صلاح بداند می تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.	علیه او اقامه شده است، دادرسی متوقف و مطابق قانون آیین دادرسی مدنی به طرفیت امین تعقیب می شود ماده ۹۵۲ - دستور عدم شروع یا توقف ادامه دعاوی و یا عملیات اجرائی علیه تاجر متوقف موارد زیر را شامل نمی شود: ۱ - دعاوی و اقدامات اجرائی مرتبط با غیر اموال مشمول منع مداخله ۲ - دعاوی و اقدامات اجرائی مرتبط با حقوق شخصیت و یا احوال شخصیه تاجر متوقف ۳ - دعاوی و اقدامات اجرائی کیفری ۴ - دعاوی و اقدامات اجرائی مربوط به طلب های با وثیقه تبصره - در صورتی که دعاوی موضوع بند (۲) متضمن مطالبات مالی باشد، هریک از طرفین دعوی می توانند مطابق قانون آیین دادرسی مدنی امین را به دادرسی جلب کنند. همچنین در این موارد امین می تواند به عنوان ثالث وارد دعوی شود. در خصوص دعاوی موضوع بند سه نیز اگر دعوی متضمن آثار مالی باشد، امین می تواند در جلسه رسیدگی حاضر شود
ماده ۴۴۷ - تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می تواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائی خود درخواست کند - در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می نماید	ماده ۹۵۳ - تاجر متوقف می تواند نفقه خود و افراد واجب النفقه اش را از دارایی خویش درخواست کند. در این صورت امین نفقه و مقدار آن را با تصویب قاضی ناظر معین می کند
	ماده ۹۵۴ - قاضی ناظر می تواند رأساً یا به تقاضای امین و یا تاجر متوقف میزان نفقه را تعدیل کند
	ماده ۹۵۵ - افراد واجب النفقه تاجر رأساً می توانند نفقه یا تعدیل آن را درخواست کنند
	ماده ۹۵۶ - قرارهای مربوط به میزان نفقه و نیز تعدیل آن، بدون آنکه در پرداخت نفقه خللی ایجاد کند، از جانب هر ذی نفع نزد قاضی ناظر قابل شکایت است

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۲۳ - هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود: (۱) هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیرمنقول باشد. (۲) تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد. (۳) هر معامله‌ای که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود. ماده ۴۲۴ - هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر این که طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود. ماده ۴۲۵ - هر گاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارایی تاجر به غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد	ماده ۹۵۷ - هر گونه نقل و انتقال بلاعوض یا محاباتی یا هر عمل حقوقی دیگر که تاجر انجام داده و در زمان انجام معامله به ضرر بستانکاران آن زمان باشد، در مقابل بستانکاران مذکور باطل و بلا اثر است. هریک از این بستانکاران یا امین می توانند در صورت عدم اجرا معامله، تعلیق اجرا آن و در صورت اجرا آن، توقیف مورد معامله را تا تعیین تکلیف نهائی از دادگاه تقاضا کنند. هرگاه اموال متوقف پس از صدور حکم ورشکستگی تکافوی کلیه مطالبات بستانکاران را نکند معامله باطل می شود و منتقل الیه در صورتی که عوض داده باشد بدون ورود در صف غرما عوض خود را دریافت می کند. در صورتی که مال، تلف شود یا به دیگری منتقل گردد منتقل الیه باید بدل آن را تأدیه و عوض خود را دریافت کند
ماده ۴۲۶ - اگر در محکمه ثابت شود که معامله به طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود به خود باطل - عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه‌ای خواهد بود.	ماده ۹۵۸ - اگر در دادگاه ثابت شود که تاجر متوقف در هر زمان معامله‌ای را به طور صوری یا مسبوق به تبانی انجام داده است، آن معامله باطل است و عین و منافع مالی که موضوع چنین معامله‌ای است باید مسترد گردد

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۷۴ - اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و بموقع اجرا گذارند	ماده ۹۵۹ - اشخاصی که نسبت به اموال تحت تصرف تاجر متوقف دعوای خیراتی دارند، در هر زمان می توانند آن را ثابت کنند و به اجرا گذارند
ماده ۵۱۵ - مدیر تصفیه می تواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جزو دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد	ماده ۹۶۰ - امین در هر زمان می تواند با اجازه قاضی ناظر طلب حال شده بستانکاران با وثیقه را تأدیه و رهنه را فک و جزو دارایی تاجر متوقف منظور کند، مشروط بر اینکه ارزش وثیقه بیش از مقدار طلب باشد
	ماده ۹۶۱ - تأدیه طلب بستانکاران با وثیقه ای که طلب آنها، مؤجل است، قبل از سر رسید، به وسیله امین مجاز است مشروط بر اینکه ارزش وثیقه بیش از مقدار طلب باشد و بستانکار ذمه تاجر را نسبت به بخشی از طلب ابراء و یا آن را به میزان کمتر واگذار کند
ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی العموم آن را بفروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکار باشد مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتهن برای بقیه طلب خود در جزو طلبکارهای عادی در غرما منظور خواهد شد	ماده ۹۶۲ - در مورد ماده (۹۶۰) این قانون اگر وثیقه فک نشود، امین باید آن را بفروشد. اگر ثمن پس از وضع مخارج بیش از اصل طلب و خسارت ناشی از کاهش ارزش پول باشد، مازاد به امین تسلیم می شود و اگر کمتر باشد مرتهن برای بقیه طلب خود جزو بستانکاران عادی محسوب می گردد. برای فروش رهنه باید از مرتهن نیز دعوت بعمل آید. نحوه فروش این اموال تابع احکام مواد (۱۰۹۷) تا (۱۱۰۷) این قانون است. بستانکاران با وثیقه در مورد خسارت ناشی از تأخیر تأدیه و خسارات دادرسی بستانکار با وثیقه محسوب نمی شوند، مگر اینکه وثیقه حسب قرارداد شامل موارد مذکور نیز باشد
	ماده ۹۶۳ - در مواردی که مالی از اموال تاجر متوقف موضوع وثیقه های متعدد باشد، در تقسیم وجوه حاصل از فروش، بستانکاری مقدم می شود که تاریخ وثیقه وی مقدم است
ماده ۵۲۱ - اگر به واسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزو غرما محسوب و بدین سمت هر معامله ای که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می شود با آنها نیز به عمل خواهد آمد	ماده ۹۶۴ - اگر به علت مقدم بودن برخی بستانکاران، دیگر بستانکاران با وثیقه وجهی دریافت نکنند، جزء بستانکاران عادی محسوب می شوند

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۲۱ - اگر به واسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزو غرما محسوب و بدین سمت هر معامله‌ای که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می‌شود با آنها نیز به عمل خواهد آمد.	ماده ۹۶۵ - با بستانکاران موضوع مواد (۹۶۲) و (۹۶۴) این قانون نیز مانند بستانکاران عادی رفتار می‌شود
	ماده ۹۶۶ - عین هر مال متعلق به دیگری که به هر عنوان نزد تاجر متوقف است، قابل استرداد است مگر اینکه در اجرای عقد لازمی به او تسلیم شده باشد. امین می‌تواند با اجازه قاضی ناظر، مالی را که تقاضای استرداد آن شده است به مالک یا نماینده قانونی او رد کند. در صورت بروز اختلاف متقاضی می‌تواند ظرف مهلت ده روز نزد دادگاه صادرکننده رأی از این تصمیم قاضی ناظر شکایت کند. تبصره - در صورتی که تاجر متوقف برای نگهداری اموال موضوع این ماده هزینه‌هایی کند و یا در مواردی که اموال مذکور در راستای مأموریتی که تاجر از جانب صاحب مال داشته به وی تسلیم نماید، رد مال منوط به تأدیه هزینه‌ها و یا حسب مورد اجرت المسمی یا اجرت المثل اعمالی است که تاجر در عمل به مأموریت محول انجام داده است
	ماده ۹۶۷ - ممنوعیت‌های احصاء شده در این فصل، جز آنچه در مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) این قانون آمده است، شامل حال تاجری که به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کرده است، نمی‌شود مگر اینکه به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم شود
	فصل چهارم - اداره امور متوقف و تشخیص مطالبات مبحث اول - اداره اموال متوقف ماده ۹۶۸ - قاضی ناظر می‌تواند در صورت اقتضای مصالح بستانکاران و یا مصالح عمومی و حسب درخواست هر ذی‌نفع یا امین اجازه دهد که کار تجارتخانه تاجر ادامه یابد. در این صورت هرگاه اداره تجارتخانه به وسیله امین ممکن نباشد، امین با موافقت قاضی ناظر شخصی را برای اداره امور تجارتخانه تاجر تعیین می‌کند و اجرتی برای وی معین می‌نماید. انتخاب تاجر متوقف برای اداره تجارتخانه مجاز است مشروط بر اینکه به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تقلب تحت تعقیب نباشد. در صورت انتخاب تاجر متوقف برای اداره تجارتخانه نفقه شخص تاجر بدل از اجرت تلقی می‌شود. قرار صادرشده دائر بر قبول یا رد درخواست ادامه کار تجارتخانه نزد دادگاه اعلام‌کننده توقف قابل شکایت است. تبصره - تصمیم‌گیری در مورد نحوه ادامه کار بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و موارد مهم دیگر به‌موجب آیین‌نامه اجرائی مشخص می‌شود
	ماده ۹۶۹ - شخصی یا اشخاصی که مطابق ماده (۹۶۸) این قانون یا تبصره آن متولی اداره تجارتخانه تاجر متوقف شده است، مشمول احکام راجع به امین در قانون مدنی است اموال تاجر ورشکسته در حضور قاضی ناظر به او تحویل داده می‌شود. شخص مذکور تحت نظارت امین انجام وظیفه می‌کند و در حدود وظیفه محول با امین متضامناً مسئول است
	ماده ۹۷۰ - امین باید ماهانه گزارشی از فعالیت‌های تجارتخانه تهیه و به قاضی ناظر تقدیم کند
ماده ۴۶۰ - وجوهی که به‌توسط مدیر تصفیه دریافت می‌شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج باز می‌کند وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی‌گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه	ماده ۹۷۱ - وجوهی که امین وصول می‌کند باید به‌فوری در حساب مخصوصی که برای امور ورشکسته باز می‌کند واریز نماید. برداشت این وجوه از حساب مذکور فقط با امضای امین و موافقت قاضی ناظر انجام می‌شود
ماده ۴۵۵ - صاحب‌منصبان پارکه می‌توانند فقط به‌عنوان نظارت به منزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور بهم‌رسانند. مأمورین پارکه در هر موقع حق دارند به دفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه به ورشکستگی مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد	ماده ۹۷۲ - امین باید ظرف پانزده روز از تاریخ مأموریت خود گزارشی از وضع تاجر متوقف و همچنین علل و اوضاعی که موجب توقف شده است، تهیه کند و به قاضی ناظر ارائه نماید

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۴۶ - دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آن که ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می نماید. دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را به طور خلاصه قید کند - اوراق تجاری هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه به عمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحویل می شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه گرفته می شود به عضو ناظر تسلیم می گردد - سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضی که می دهد وصول می نماید مراسلاتی که به اسم تاجر ورشکسته می رسد به مدیر تصفیه تسلیم و به توسط او باز می شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می تواند شرکت کند. ماده دهم قانون اداره تصفیه - اداره تصفیه می تواند از اداره پست و تلگراف و گمرک بخواهد که در مدت تصفیه کلیه برگها و بسته هایی که به عنوان متوقف فرستاده می شود یا از طرف متوقف ارسال گردیده برای آن اداره بفرستد - متوقف می تواند در موقع باز کردن برگها و پاکتها و بسته ها حضور داشته باشد	ماده ۹۷۳ - مراسلاتی که به اسم تاجر متوقف واصل می شوند به امین تسلیم و به وسیله او باز می شوند و اگر تاجر متوقف حاضر باشد می تواند در باز کردن مراسلات شرکت کند. امین می تواند از اداره پست و گمرک بخواهد که در مدت رسیدگی به وضع تاجر متوقف کلیه برگها و بسته هایی که به عنوان تاجر متوقف ارسال می شود یا از طرف او فرستاده می شود، برای وی ارسال گردد
ماده ۴۵۷ - مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر بفروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا لا اقل مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند - ترتیب فروش به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد	ماده ۹۷۴ - امین به وصول مطالبات تاجر متوقف مداومت می نماید و گزارش آن را ماهیانه به قاضی ناظر می دهد. قاضی ناظر می تواند از امین بخواهد با تأیید یا اطلاع او اقدام کند. امین مطالبات تاجر متوقف را در مقابل اعطاء رسید وصول می کند
ماده ۴۴۵ - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجر	ماده ۹۷۵ - فروش اشیائی که به سرعت فاسد می شود یا کسر قیمت پیدا می کند و اشیائی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و یا مستلزم صرف هزینه های سنگین است و همچنین اداره اموال و به کار انداختن سرمایه تاجر متوقف با اجازه قاضی

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیر تصفیه به عمل می آید. ماده ۴۵۷ - مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر بفروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا لااقل مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند - ترتیب فروش به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.	ناظر به وسیله امین انجام می گیرد. نحوه فروش این اموال مطابق آیین نامه اجرائی است. فروش سایر اموال تاجر متوقف مجاز نیست مگر اینکه متضمن نفع بسیار برای بستانکاران باشد. در این موارد اموال وی پس از استماع اظهارات تاجر متوقف و توضیحات وی فروخته می شود
	ماده ۹۷۶ - قرار صادر شده از جانب قاضی ناظر در مورد فروش هریک از اموال تاجر متوقف از جانب هر ذی نفع نزد دادگاه قابل شکایت است
ماده ۴۵۸ - نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذینفع می باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.	ماده ۹۷۷ - در تمام دعاوی که هیأت بستانکاران در آن ذی نفع می باشند، امین می تواند با اجازه قاضی ناظر، دعوی را به صلح خاتمه دهد یا با ارجاع آن به داوری موافقت نماید، هر چند دعاوی مذکور به اموال غیر منقول مربوط باشد. در مورد اخیر صلح دعوی یا ارجاع آن به داوری پس از استماع اظهارات تاجر متوقف انجام می شود.
ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند - اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید	ماده ۹۷۸ - اگر خواسته قابل تقویم نباشد یا میزان آن بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد، صلح یا موافقت نامه داوری نافذ نیست مگر اینکه دادگاه قرارداد را تنفیذ نماید. به هنگام تنفیذ صلح نامه یا موافقت نامه داوری تاجر متوقف احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که از صلح یا موافقت نامه داوری شکایت کند
	ماده ۹۷۹ - در مورد ماده (۹۷۷) این قانون اجرای صلح و یا رأی داوری تا تعیین تکلیف تاجر متوقف موقوف می ماند. در هر حال طلب بستانکاران ناشی از اجرای مواد (۹۷۷) و (۹۷۸) در حکم طلب تشخیص شده است
	ماده ۹۸۰ - اعلام توقف، باعث تعلیق قراردادهای در حال اجرا نیست

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۹۸۱ - انجام اعمال حقوقی مندرج در ماده (۹۵۷) این قانون تا تعیین تکلیف تاجر متوقف به وسیله هیچ کس مجاز نیست
	ماده ۹۸۲ - اگر تاجر با رعایت مفاد مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون ورشکستگی خود را تقاضا کرده باشد در فرض احراز توقف، مشمول مقررات مواد (۹۶۸) تا (۹۸۱) این فصل نمی شود. در این صورت تاجر متوقف با لحاظ ممنوعیت های مندرج در مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) و تحت نظارت قاضی ناظر اموال خود را اداره می کند. در این مورد رعایت مواد (۹۷۰) و (۹۷۱) الزامی است
	ماده ۹۸۳ - تاجری که مطابق ماده (۹۸۲) این قانون اداره اموال خود را بر عهده می گیرد به لحاظ مسؤولیت های ناشی از اداره اموال در حکم امین است و اجرت اعمال خود را در حدودی که برای امین مقرر است، دریافت می کند
	ماده ۹۸۴ - حکم مندرج در ماده (۹۸۲) این قانون تا زمانی است که تخطی تاجر از مسؤولیت های مندرج در ماده (۹۸۳) به اثبات نرسد و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب علیه او کیفرخواست صادر نشود
ماده بیست و دوم - هرگاه ورشکسته اموالی جزء مستثنیات دین نداشته باشد مراتب آگهی و قید می شود که اگر بستانکاران بعضاً یا کلاً درخواست اجراء اصول ورشکستگی را در ظرف مدت ده روز ننموده و هزینه آن را نپردازند جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت	ماده ۹۸۵ - هرگاه پس از تهیه صورت دارایی معلوم شود تاجر متوقف مالی جز اموال موضوع بند یک ماده (۹۱۹) این قانون ندارد، مراتب از طریق قاضی ناظر به دادگاه اعلام و حکم ورشکستگی صادر و امر تصفیه مختومه اعلام می گردد.
	ماده ۹۸۶ - هرگاه پس از تهیه صورت دارایی معلوم شود حاصل فروش اموالی که صورت آنها برداشته شده است برای پرداخت مخارج اداره امور ورشکسته کافی نیست، امین به دستور قاضی ناظر اقدام به تصفیه اختصاری می نماید مگر اینکه تمام یا برخی از بستانکاران درخواست کنند که کار بر طبق اصول تصفیه عادی جریان پیدا کند و هزینه آن را از قبل بپردازند
	ماده ۹۸۷ - در مورد تصفیه اختصاری، امین به دستور قاضی ناظر آگهی می کند که هر کس هر گونه ادعائی دارد ظرف

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	چهل روز مطرح نماید. پس از انقضای مهلت و رسیدگی فوری به ادعاهای احتمالی، امین به هر ترتیب که منافع بستانکاران اقتضاء می‌کند و بدون رعایت تشریفات به فروش اموال و تقسیم حاصل آن بین بستانکاران اقدام می‌نماید و ختم عملیات تصفیه را اعلام می‌کند. نحوه اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه اجرائی است
ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند - در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده - اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را بانضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند	مبحث دوم - تشخیص مطالبات ماده ۹۸۸ - کلیه بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعائی درباره او دارند مکلفند ظرف حداکثر یک‌ماه پس از انتشار رأی اعلام توقف در روزنامه، اسناد طلب یا ادعای خود را به همراه تصویر یا رونوشت مصدق آن به امین تقدیم و رسید دریافت نمایند و یا از طریق پست سفارشی دو قبضه برای وی ارسال کنند. اصل اسناد اعطائی پس از تقدیم صورت مطالبات تشخیص شده به دادگاه به صاحبان آنها برگردانده می‌شود
	ماده ۹۸۹ - بدهکاران تاجر متوقف و نیز کسانی که مالی از اموال او را به نحوی از انحاء در تصرف دارند مکلفند ظرف مهلت مقرر در ماده (۹۸۸) این قانون خود را معرفی و با رعایت ماده (۹۹۲) اموال مذکور را به امین تسلیم نمایند
	ماده ۹۹۰ - اگر کلیه بستانکاران مذکور در صورت دارایی ظرف مهلت مقرر به تکلیف مندرج در ماده (۹۸۸) این قانون عمل ننمایند، و یا کلیه بدهکاران متوقف و متصرفان اموال او که اسامی آنها در صورت دارایی ذکر شده است، ظرف مهلت مقرر به تکلیف مندرج در ماده (۹۸۹) عمل نکنند امین مکلف است با نشر آگهی در روزنامه از کلیه بستانکاران، بدهکاران، متصرفان اموال تاجر متوقف و نیز کسانی که ادعائی درباره او دارند دوباره دعوت به عمل آورد تا ظرف پانزده روز از انتشار آگهی تکالیف مذکور را اجرا کنند. آگهی دعوت باید شامل موارد مذکور در ماده (۹۱۰) باشد
ماده بیست و چهارم - اداره تصفیه آگهی منتشر نموده و نکات زیر را در آن قید می‌نماید: ۱ - تعیین ورشکسته و محل اقامت او و تاریخ توقف (در صورتی که در حکم دادگاه تعیین شده باشد).	ماده ۹۹۱ - در صورتی که بدهکاران تاجر متوقف پس از انتشار آگهی دوم بدون عذر موجه از معرفی خود استنکاف نمایند، به جزای نقدی معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) بدهی محکوم می‌شوند. همچنین دادگاه می‌تواند متخلف را

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
۲ - اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعائی دارند به اینکه ادعای خود را در ظرف دو ماه به اداره اعلام نمایند و مدارک خود را (اصل با رونوشت گواهی شده) به اداره تسلیم دارند. اداره می‌تواند این مدت را برای کسانی که در خارج اقامت دارند تمدید نماید. ۳ - اخطاریه بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل صدی بیست و پنج دین به نفع صندوق (ب) مذکور در ماده ۵۴ محکوم خواهند شد - دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه نقدی به حبس تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نماید. ۴ - اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال ورشکسته در دست آنها است که آن اموال را در ظرف مدت نامبرده در اختیار اداره بگذارند وگرنه هر حقی که نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند. ۵ - دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتها در ظرف ۲۰ روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد ضمناً قید شود کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی داشته و یا ضامن او هستند می‌توانند در جلسه حضور بهم‌رسانند	علاوه بر جزای نقدی به حبس تعزیری درجه هفت محکوم نماید
	ماده ۹۹۲ - اگر اموال مذکور در ماده (۹۸۹) این قانون در اجرای عقد لازمی به متصرف تسلیم شده باشد، تسلیم آن به امین لازم نیست؛ در غیر این صورت عمل مستنکف از تسلیم در حکم خیانت در امانت است. اگر در این باره اختلافی بروز کند، قاضی ناظر اظهار نظر می‌نماید. رأی قاضی مذکور در این باره نزد دادگاه قابل اعتراض است
ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین می‌گردد - به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد - تعقیب می‌شود.	ماده ۹۹۳ - قاضی ناظر در حضور امین و تاجر متوقف یا پس از اخطار به آنها به مطالبات رسیدگی و آنها را تصدیق یا رد می‌نماید. در صورتی که اصل طلب یا مقدار آن و یا تضمینات مربوط به آن از جانب امین و یا تاجر متوقف انکار شود، مراتب به فوریت به بستانکار اخطار و از او توضیح اخذ می‌شود. بستانکار مذکور مکلف است ظرف حداکثر پنج روز

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده سی‌ام ق. اداره تصفیه - پس از انقضای موعد مقرر برای ارائه اسناد اداره به مطالبات رسیدگی نموده تصدیق یا رد می‌نماید و جلب نظر متوقف را در صورتی که در دسترس او باشد خواهد کرد و اداره مکلف نیست به اظهارات او ترتیب اثر دهد	پس از دریافت اخطار در این باره توضیح دهد. عملیات تشخیص شامل متفرعات طلب نیز می‌شود
	ماده ۹۹۴ - مواد این مبحث در مورد دیون موضوع ماده (۸۸۸) این قانون مجری نیست
ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می‌شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین‌السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع‌فیه است	ماده ۹۹۵ - نام و اقامتگاه بستانکاران یا وکلای آنها به همراه شرح مختصری از سند ارائه شده در صورت مجلس تشخیص مطالبات درج می‌گردد. آثار قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین‌السطور در سند نیز باید در صورت مجلس قید شود
ماده سی و سوم ق. اداره تصفیه - پس از انقضای موعد ابراز اسناد منتهی در ظرف بیست روز اداره صورتی با در نظر گرفتن طلب‌هایی که حق رهن و یا رجحان دارند تهیه خواهند نمود	ماده ۹۹۶ - پس از انقضای مواعد ابراز اسناد، قاضی ناظر ظرف سی روز صورتی از مطالبات را با در نظر گرفتن طلب‌های با وثیقه یا حق رجحان و میزان پوشش وثیقه نسبت به اصل طلب و متفرعات آن، تهیه و به دادگاه تقدیم می‌کند. دادگاه می‌تواند مهلت مذکور در این ماده را در صورت کثرت بستانکاران تمدید کند
ماده سی و چهارم ق. اداره تصفیه - بستانکارانی که مردود شده‌اند با ذکر دلیل در ضمن این صورت قید می‌شوند	ماده ۹۹۷ - بستانکارانی که طلب آنها رد شده است، با ذکر دلیل رد، در صورت مطالبات موضوع ماده (۹۹۶) این قانون قید می‌شوند
ماده سی و پنجم ق. اداره تصفیه - این صورت از طریق آگهی به اطلاع بستانکاران خواهد رسید. و در اختیار کسانی که ادعای حقی نسبت به متوقف می‌نمایند گذاشته می‌شود. به بستانکاران مردود و همچنین به بستانکارانی که حق رجحان برای خود قائل بوده و اداره به ادعای آنها ترتیب اثر نداده است مستقیماً مراتب اعلام خواهد شد	ماده ۹۹۸ - صورت مذکور در ماده (۹۹۶) این قانون حداکثر تا یک هفته پس از تقدیم به دادگاه از طریق آگهی در روزنامه به وسیله امین به اطلاع بستانکاران می‌رسد و در اختیار هر ذی‌نفع گذاشته می‌شود. مراتب به طور مستقیم به بستانکاران مردود و نیز بستانکارانی که وثیقه عینی یا حق رجحان برای خود قائل می‌باشند ولی به ادعای آنها ترتیب اثر داده نشده است، اعلام می‌شود
ماده سی و ششم ق. اداره تصفیه - هر کس نسبت به این صورت اعتراض داشته باشد در ظرف ۲۰ روز از انتشار	ماده ۹۹۹ - هریک از بستانکاران و یا خود تاجر که به صورت مذکور در ماده (۹۹۶) این قانون اعتراضی دارند، ظرف بیست روز از انتشار آگهی می‌توانند در دادگاه صادرکننده رأی از

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
آگهی حق دارد در دادگاه صادرکننده حکم توقف اقامه دعوی کند. اگر معترض ادعا کند که طلب او بی مورد رد شده یا کسر گردیده و یا حق رهن و یا رجحان او منظور نشده دعوی بر علیه اداره اقامه می شود و اگر طلب یا حق رجحان کسی که قبول شده مورد اعتراض باشد دعوی بر علیه بستانکار اقامه خواهد شد. در صورتی که دعوای اخیر به نتیجه رسیده و حکم برد طلبی صادر شود سهمی که تخصیص به آن داده شده در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی به او اختصاص پیدا خواهد کرد و مازاد بین سایر بستانکاران تقسیم خواهد شد. در مورد این ماده دادرسی به طریق اختصاری و فوری به عمل خواهد آمد	قرار قاضی ناظر در باره رد مطالبات شکایت کنند. اگر طلب یا وثیقه عینی یا حق رجحان شخصی که طلب یا ادعای او قبول شده مورد اعتراض باشد، علیه بستانکار مذکور اقامه دعوی می شود. به موضوع این ماده فوری و خارج از نوبت رسیدگی می شود
ماده ۴۶۹ - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تأخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود. ماده ۴۷۰ - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می کند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.	ماده ۱۰۰۰ - در مواقعی که دادگاه نتواند ظرف سی روز از تاریخ ثبت شکایت در مورد دعوای موضوع ماده (۹۹۹) این قانون حکم صادر نماید، حسب قرائن مبلغی را معین و مقرر می کند. صاحب طلب مورد نزاع معادل مبلغ مذکور به طور موقت بستانکار شناخته می شود و در مذاکرات هیأت بستانکاران برای همان مبلغ شرکت می کند
	ماده ۱۰۰۱ - در صورتی که وثیقه عینی یا حق رجحان یکی از طلب های تشخیص شده مورد اعتراض باشد و دادگاه نتواند ظرف مهلت مقرر در ماده (۱۰۰۰) این قانون در این باره حکم مقتضی را صادر نماید، صاحب طلب مورد نزاع به عنوان بستانکار عادی در جلسه مجمع عمومی بستانکاران شرکت می نماید
ماده سی و هفتم ق. اداره تصفیه - اسنادی که در ارائه آنها تأخیر شده در صورتی که عذر موجهی در بین باشد	ماده ۱۰۰۳ - اسنادی که در ارائه آنها تأخیر شود در صورتی که عذر موجهی در بین باشد تا بیست روز پس از انتشار

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
در مورد این ماده تا ختم ورشکستگی قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تأخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است. اگر اداره سندی را که ابراز شده قبول کرد اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌نماید و سایر بستانکاران را نیز به وسیله آگهی مطلع می‌سازد	آگهی موضوع ماده (۹۹۸) این قانون قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تأخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است. اگر سند ابراز شده مورد قبول واقع شود، قاضی ناظر اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌نماید و امین سایر بستانکاران را به وسیله آگهی در روزنامه از این امر مطلع می‌کند
ماده ۴۷۳ - طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچ گونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است به عمل آید جزء غرما حساب می‌شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه‌ای را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند. ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند - در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده - اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را بانضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند	ماده ۱۰۰۴ - بستانکارانی که در مواعد معین حاضر نشده‌اند، در مورد عملیات مربوط به تشخیص مطالبات حق هیچ گونه اعتراضی ندارند
ماده شصتم ق. اداره تصفیه - وزارت دادگستری آئین نامه مربوط به این قانون را تهیه می‌نماید	ماده ۱۰۰۵ - نحوه اجرای مبحث دوم این فصل مطابق آیین نامه اجرائی خواهد بود. تا زمان تصویب آیین نامه مذکور، آیین نامه موضوع ماده (۶۰) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در حدود عدم مغایرت با این قانون ملاک عمل است
	ماده ۱۰۰۶ - اگر تاجر با رعایت مفاد مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون ورشکستگی خود را تقاضا کند، تمام وظایف مصرح برای امین در مبحث دوم از این فصل را خود انجام می‌دهد و در این باره مسئولیت‌های امین را برعهده دارد
ماده ۴۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که به موجب نظامنامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین	باب سوم - دعوت از بستانکاران برای تعیین تکلیف تاجر متوقف

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
شده به توسط دفتر دار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می نماید - موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعہ های دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود	ماده ۱۰۰۷ - قاضی ناظر به وسیله مدیر دفتر دادگاه کلیه صاحبان طلبهای حال و کسانی که طلبشان تا روز تشکیل جلسه حال می شود را برای تعیین تکلیف تاجر متوقف دعوت می نماید مشروط بر اینکه طلب آنها تشخیص و یا به طور موقت قبول شده باشد. دعوت از بستانکاران مذکور باید به وسیله امین در روزنامه نیز آگهی شود. موضوع دعوت مجمع عمومی بستانکاران در اختاریه های دعوت و آگهی مندرج در روزنامه باید تصریح شود. در صورتی که تاجر متوقف با رعایت مفاد ماده (۱۰۳۱) این قانون انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را درخواست نماید، درج این امر نیز در اختاریه ها و آگهی دعوت ضروری است
	ماده ۱۰۰۸ - در صورت عدم شکایت اشخاص ذی نفع از صورت نهائی مطالبات، ظرف مهلت مقرر در ماده (۹۹۹) این قانون، دعوت مذکور باید به فوریت پس از انقضای مهلت شکایت به عمل آید. در غیر این صورت، دعوت به فوریت پس از رسیدگی به کلیه اعتراضات یا با انقضای مدت مندرج در ماده (۱۰۰۰) و پس از دستور دادگاه انجام می گیرد
ماده ۴۷۷ - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می شود - طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می شود مشارالیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد	ماده ۱۰۰۹ - مجمع عمومی بستانکاران در محل، روز و ساعتی که در آگهی و برگه های اختاریه دعوت از طرف قاضی ناظر معین شده است تحت ریاست مشارالیه منعقد می شود. جلسه مجمع عمومی بستانکاران حداقل ده روز و حداکثر سی روز پس از انقضای آخرین مهلت مندرج در ماده (۱۰۰۸) این قانون برگزار می شود
ماده ۴۷۷ - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می شود - طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین	ماده ۱۰۱۰ - حضور وکلای بستانکارانی که طلب آنها تشخیص و یا به طور موقت قبول گردیده است، در صورت ارائه وکالت نامه معتبر در جلسه مجمع عمومی بستانکاران بلامانع است لکن تاجر متوقف باید خود در جلسه مذکور

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت‌الوکاله آنها حاضر می‌شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می‌شود مشارالیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.	حاضر گردد. وی تنها در صورتی می‌تواند وکیل اعزام نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق قاضی ناظر برسد. کسانی که با متوقف مسؤولیت تضامنی دارند و یا ضامن او می‌باشند می‌توانند در جلسه حضور یابند
ماده ۴۷۸ - مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به‌عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد راپورت مزبور به امضاء مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می‌شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلسی ترتیب دهد	ماده ۱۰۱۱ - امین در ابتدا گزارشی از وضعیت مالی تاجر متوقف و اقدامات انجام‌شده به مجمع عمومی بستانکاران ارائه و نسخه مکتوب و امضاء شده آن را به قاضی ناظر تقدیم می‌نماید. این گزارش باید شامل نظر امین در مورد کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی باشد. صورت تفصیلی اموال، قیمت آنها و نیز کلیه دیون تاجر متوقف ضمیمه گزارش فوق می‌شود
	ماده ۱۰۱۲ - برای اظهار نظر در خصوص کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی، امین معیارهای زیر را مبنای محاسبه ارزش اموال قرار می‌دهد: ۱ - میانگین قیمت مال در فاصله ده تا سه روز منتهی به تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران برای اموالی که قیمت بررسی یا بازاری دارند. ۲ - قیمتی که برای سایر اموال در صورت دارایی درج شده است. تبصره - در صورتی که قیمت کالاهای موضوع بند (۲) این ماده ظرف پنج روز منتهی به تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران با بیش از بیست و پنج درصد (۲۵٪) نوسان قیمت مواجه شود، قیمت اخیر مبنای محاسبه قرار می‌گیرد
	ماده ۱۰۱۳ - در محاسبه دیون تنها دیون حال و دیونی که تا روز تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران حال می‌شود، لحاظ می‌گردد
	ماده ۱۰۱۴ - هرگونه تصمیم‌گیری در مجمع عمومی بستانکاران منوط به قرائت گزارش موضوع ماده (۱۰۱۱) این قانون از جانب امین است.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۰۱۵ - گزارش مذکور و ضمیمه آن باید از اول وقت اداری روز پیش از تشکیل جلسه در محلی که قاضی ناظر معین نموده و در آگهی و اخطاریه‌های دعوت درج شده است، در دسترس تمام بستانکاران و یا وکلای آنان قرار گیرد. افراد مذکور می‌توانند به هزینه خود از این گزارش و ضمیمه آن رونوشت یا تصویر تهیه نمایند
	ماده ۱۰۱۶ - مجمع عمومی بستانکاران در دو مورد تصمیم می‌گیرد: ۱ - کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی ۲ - قبول یا رد تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مشروط به درخواست تاجر متوقف با رعایت مفاد ماده (۱۰۳۱) این قانون
	ماده ۱۰۱۷ - امین باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی بستانکاران صورتجلسه‌ای تهیه نماید و به تأیید قاضی ناظر برساند
	ماده ۱۰۱۸ - قاضی ناظر باید حسب مورد در اولین فرصت پس از تشکیل جلسه اول یا دوم مجمع عمومی بستانکاران صورتجلسه مذکور را به دادگاه تقدیم و نسخه‌ای از آن را به وسیله امین در روزنامه منتشر نماید
	ماده ۱۰۱۹ - مفاد صورتجلسه حداکثر تا ده روز پس از انتشار نزد دادگاه قابل شکایت است
	ماده ۱۰۲۰ - در صورتی که از مفاد صورتجلسه شکایتی نشود، دادگاه در اولین فرصت بر اساس مفاد صورتجلسه و موافق مواد آتی وضع تاجر را معین می‌کند. در غیراین صورت، دادگاه مکلف است ظرف ده روز به شکایت واصل شده رسیدگی و سپس وضعیت تاجر را معین نماید
	ماده ۱۰۲۱ - هرگاه در مجمع عمومی بستانکاران حداقل بیش از نصف بستانکاران که بیش از دوسوم طلب‌های تشخیص شده و یا به‌طور موقت قبول شده را به خود

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	اختصاص داده‌اند اموال تاجر متوقف را برای وصول مطالبات خود کافی بدانند و صورتجلسه مجمع مذکور به تأیید دادگاه برسد، دادخواست ورشکستگی رد می‌شود. طلب‌های با وثیقه و صاحبان آنها، در حدود مقرر در انتهای ماده (۸۸۷) این قانون در رأی‌گیری لحاظ نمی‌شود
	ماده ۱۰۲۲ - رد دادخواست ورشکستگی در فرض ماده (۱۰۲۱) این قانون باعث زوال آثار اعلام توقف نیست تاجر متوف می‌تواند پس از سه ماه از تاریخ رد دادخواست ورشکستگی، اعلام زوال آثار را از دادگاه تقاضا نماید. اثر رأی دادگاه در این صورت ناظر به آتیه است
	ماده ۱۰۲۳ - پس از رد دادخواست ورشکستگی هیچ یک از اشخاصی که مطالبات آنها مربوط به قبل از تاریخ رد ورشکستگی است نمی‌توانند دوباره تقاضای ورشکستگی کنند
ماده ۴۸۱ - هر گاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عدداً حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می‌شود.	ماده ۱۰۲۴ - هرگاه در جلسه اول مجمع عمومی اکثریت عددی بستانکاران حاصل شود ولی حاضران از حیث مبلغ دارای بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از مطالبات نباشند و یا آنکه حاضران، دارای بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از مطالبات باشند ولی حائز اکثریت عددی مذکور نباشند، نتیجه حاصل از آن جلسه معلق می‌شود و قرار انعقاد جلسه دوم برای دو هفته بعد گذاشته می‌شود. در این صورت امین باید مراتب دعوت مجدد از بستانکاران را در روزنامه آگهی کند
ماده ۴۸۲ - طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت‌الوکاله آنها حاضر بوده و صورت‌مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است - اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود	ماده ۱۰۲۵ - بستانکارانی که خود و یا وکلای آنان در جلسه اول حاضر بوده‌اند و صورت‌مجلس را امضاء نموده‌اند، مکلف به حضور در جلسه دوم نیستند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند. در صورت عدم حضور افراد فوق تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است. اگر در جلسه دوم اکثریت عددی و مبلغی مندرج در ماده (۱۰۲۱) این قانون کامل شود دادخواست ورشکستگی رد می‌گردد
	ماده ۱۰۲۶ - در صورت رد دادخواست ورشکستگی با استناد مواد (۱۰۲۱) یا (۱۰۲۵) این قانون، قاضی ناظر به وسیله امین

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مراتب را در روزنامه‌ای که رأی اعلام توقف در آن اعلان شده بود آگهی می‌کند
	ماده ۱۰۲۷ - کلیه بستانکارانی که حق شرکت در مجمع عمومی بستانکاران را داشته‌اند می‌توانند راجع به تصمیم مجمع شکایت کنند. شکایت باید ظرف یک هفته از تاریخ تصمیم مجمع انجام گیرد و به‌فوریت به امین و خود تاجر متوقف ابلاغ شود. امین و تاجر متوقف در اولین فرصت برای رسیدگی به موضوع شکایت به دادگاه احضار می‌شوند.
	ماده ۱۰۲۸ - دادگاه نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت شکایت، راجع به تصدیق صورتجلسه مجمع اتخاذ تصمیم نماید. هرگاه ظرف این مدت از طرف بستانکارانی که حق شکایت دارند، اعتراضی به‌عمل آید دادگاه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق صورتجلسه مجمع رأی واحد صادر کند. اگر اعتراضات تأیید شود، حکم ورشکستگی صادر می‌شود
	ماده ۱۰۲۹ - هرگاه اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون حاصل نشود حکم ورشکستگی تاجر متوقف صادر می‌شود مگر اینکه تاجر طبق ماده (۱۰۳۱) انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را تقاضا نماید و حداقل بیش از نصف بستانکارانی که بیش از دوسوم کلیه مطالبات تشخیص شده و یا به‌طور موقت قبول شده را به خود اختصاص داده‌اند با این تقاضا موافقت نمایند
	ماده ۱۰۳۰ - در صورت عدم حصول اکثریت مذکور در قسمت اخیر ماده (۱۰۲۹) این قانون در جلسه اول، مطابق مواد (۱۰۲۴) و (۱۰۲۵) عمل می‌شود
	باب چهارم - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه فصل اول - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و ترتیب آن ماده ۱۰۳۱ - هر تاجر متوقف می‌تواند ضمن دادخواست تقاضای ورشکستگی یا حداکثر تا بیست روز انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را به‌طور کتبی از دادگاه درخواست نماید مشروط بر اینکه در دو سال منتهی به صدور رأی اعلام توقف به تجارت اشتغال داشته و به تکالیف قانونی تاجر در مورد نگهداری دفاتر تجاری و ثبت در دفتر ثبت نام تجاری عمل نموده باشد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۰۳۲ - متقاضی انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه باید حسب مورد مدارک زیر را به دادخواست یا درخواست خود ضمیمه نماید: ۱ - پیش نویس قرارداد ارفاقی پیشگیرانه ۲ - گواهی ثبت نام در دفتر ثبت نام تجاری ۳ - گواهی اشتغال به تجارت از سوی صنف مربوط ظرف مدت مذکور
	ماده ۱۰۳۳ - پیش نویس قرارداد ارفاقی پیشگیرانه باید متضمن موارد زیر باشد: ۱ - نحوه ادامه فعالیت تجاری ۲ - میزان و نوع فعالیت ها شامل افزایش، حذف و نوسازی آنها ۳ - نحوه پرداخت دیون بستانکاران ۴ - چگونگی ایفای تعهدات غیرنقدی ۵ - نحوه وصول مطالبات ۶ - دارایی های مازاد قابل واگذاری و تعیین موارد مصرف وجوه حاصل از آن ۷ - میزان منابع مالی لازم و نحوه تأمین آن ۸ - تعیین تکلیف کارکنان ۹ - مدت زمان اجرای قرارداد
	ماده ۱۰۳۴ - اگر اخراج برخی از کارکنان به جهات اقتصادی در پیش نویس قرارداد ارفاقی پیش بینی شده باشد، در صورت تصویب قرارداد، کارکنان اخراجی حقوق مترتب بر اخراج را به طور کامل و مقدم بر سایر غرماء دریافت می کنند ولی درباره سایر حقوق معوق احتمالی جزء بستانکاران عادی منظور می شوند و می توانند در آن بخش از مطالبات خود وارد قرارداد ارفاقی شوند و یا طبق ماده (۱۰۴۵) این قانون سهم غرمایی دریافت کنند
	ماده ۱۰۳۵ - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در موارد زیر قابل طرح در جلسه مجمع عمومی بستانکاران نیست: ۱ - عدم تقدیم ضmann موضوع ماده (۱۰۳۲) این قانون ۲ - محکومیت قطعی تاجر به ورشکستگی به تقلب ۳ - محکومیت قطعی تاجر به جعل، خیانت در امانت و صدور چک پرداخت نشدنی در دو سال آخر منتهی به تقدیم دادخواست یا درخواست

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
۴ - گذشت بیش از یک سال از کناره‌گیری تاجر از تجارت تا روز تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران	
ماده ۱۰۳۶ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه میان تاجر متوقف و بستانکاران او منعقد نمی‌شود مگر پس از تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران و اتخاذ تصمیم مطابق مواد (۱۰۲۹) و (۱۰۳۰) این قانون. بستانکاران می‌توانند ضمن تصمیم خود شخصی یا اشخاصی را برای نظارت بر اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه با هزینه خود انتخاب کنند. حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های ناظر بر اساس حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های بازرس در شرکت‌های تجاری است. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه حکم ماده (۱۰۲۳) این قانون مجری است.	ماده ۴۷۹ - قرارداد ارفاقی تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی‌شود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است.
ماده ۱۰۳۷ - اصلاح و تغییر قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در حین اجرا با رعایت این قانون، به پیشنهاد تاجر متوقف و موافقت کلیه بستانکاران طرف قرارداد و تصدیق دادگاه امکان دارد	
ماده ۱۰۳۸ - هرگاه تاجر به‌عنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شود، لازم است بستانکاران دعوت شوند و معلوم کنند که آیا تصمیم خود در امر انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را به زمان حصول نتیجه رسیدگی به اتهام موکول می‌کنند و یا تصمیم فوری اتخاذ می‌نمایند. بستانکاران می‌توانند با اکثریت تعداد و مبلغ مندرج در ذیل ماده (۱۰۲۹) این قانون تصمیم‌گیری را به زمان بعد موکول یا به انعقاد قرارداد ارفاقی اقدام کنند. تبصره - چنانچه پس از تبریئه تاجر متوقف انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مورد تقاضا باشد، احکام مواد این فصل باید اجرا گردد	ماده ۴۸۳ - اگر تاجر به‌عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود - در موقعی که تاجر به‌عنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می‌شود لازم است طلب کارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه بزمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول بزمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.
ماده ۱۰۳۹ - اگر تاجر متوقف به ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه ممکن است، لکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد بستانکاران می‌توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات	ماده ۴۸۴ - اگر تاجر به‌عنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
می‌توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را تأخیر بیندازند	ماده (۱۰۳۸) این قانون تصمیم‌گیری در مورد انعقاد قرارداد را به تأخیر اندازند
ماده ۴۸۵ - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته‌اند می‌توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند - اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که به عمل ورشکستگی رسیدگی می‌کنند احضار می‌شوند	ماده ۱۰۴۰ - کلیه بستانکارانی که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را دارند می‌توانند در مورد قرارداد شکایت کنند. شکایت باید ظرف یک هفته از تاریخ تصمیم مجمع انجام گیرد و به‌فوریت به امین و خود تاجر ابلاغ شود. امین و تاجر متوقف در اولین فرصت برای رسیدگی به موضوع شکایت به دادگاه احضار می‌شوند
ماده ۴۸۶ - قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند. محکمه نمی‌تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید - هر گاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی به عمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند - اگر اعتراضات تصدیق شود قرارداد نسبت به تمام اشخاص ذینفع بلااثر می‌شود	ماده ۱۰۴۱ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه باید به تصدیق دادگاه برسد و هر یک از اطراف قرارداد می‌توانند تأیید آن را تقاضا نمایند. دادگاه نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت شکایت درباره تأیید قرارداد تصمیم بگیرد. هرگاه ظرف این مدت از طرف بستانکارانی که حق شکایت دارند، اعتراضی به عمل آید دادگاه باید در موضوع اعتراضات و تأیید قرارداد ارفاقی پیشگیرانه رأی واحد صادر کند. اگر اعتراضات تأیید شود، قرارداد در مورد تمام اشخاص ذی‌نفع بلااثر می‌شود
ماده ۴۸۷ - قبل از آن که محکمه در باب تصدیق قرارداد رأی دهد عضو ناظر باید گزارشی که متضمن کیفیت امور تاجر متوقف و امکان قبول قرارداد باشد به دادگاه تقدیم نماید	ماده ۱۰۴۲ - پیش از آنکه دادگاه در باب تأیید قرارداد رأی دهد، قاضی ناظر باید گزارشی که متضمن کیفیت امور تاجر متوقف و امکان قبول قرارداد باشد به دادگاه تقدیم نماید
ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود	ماده ۱۰۴۳ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر، دادگاه قرارداد ارفاقی را تصدیق نمی‌کند
	ماده ۱۰۴۴ - قاضی ناظر به‌وسیله امین، رأی صادر شده در خصوص تصدیق قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را در روزنامه آگهی می‌کند

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۴۸۹ - همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده اند می توانند سهم خود را موافق آنچه از دارائی تاجر به طلبکارها می رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارائی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضاء نموده اند.	فصل دوم - آثار قرارداد ارفاقی پیشگیرانه ماده ۱۰۴۵ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه نسبت به بستانکارانی که در اکثریت می باشند و یا کسانی که ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده اند لازم است. بستانکارانی که جزء اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده اند می توانند سهم خود را موافق آنچه که در صورت صدور حکم ورشکستگی و تصفیه اموال از دارایی تاجر به آنها می رسد دریافت نمایند، لکن حق ندارند بقیه طلب خود را در آتیه از دارایی تاجر مطالبه کنند مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته و یا آن را ظرف ده روز مذکور امضاء نمایند.
ماده ۴۹۰ - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی شود مگر اینکه پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارایی یا مقدار قروض حیلۀ بکار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است	ماده ۱۰۴۶ - پس از تصدیق قرارداد ارفاقی، دعوی بطلان درباره آن قبول نمی شود مگر اینکه کشف شود در میزان دارایی یا مقدار دیون، تقلب به کار رفته و به مقدار واقعی قلمداد نشده است
ماده ۴۹۱ - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می شود - مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارائی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می گیرد و پس از آنکه قرار تأدیه سهم طلبکاران مذکور را داد مأموریت مدیر تصفیه ختم می شود - از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلسی تهیه می نماید و مأموریتش ختمه می یابد - در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.	ماده ۱۰۴۷ - زمانی که رأی دادگاه درباره تصدیق قرارداد قطعی شود، امین در حضور قاضی ناظر صورت حساب کاملی به تاجر می دهد و کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی تاجر متوقف را به استثنای آنچه که باید به بستانکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده اند داده شود به مشارالیه تسلیم می کند و رسید می گیرد. پس از آنکه تأدیه سهم بستانکاران مذکور انجام شد، مأموریت امین خاتمه می یابد. قاضی ناظر نیز از تمام این مراتب صورت مجلسی تهیه می کند و به مأموریت خود خاتمه می دهد. در صورت بروز اختلاف در مورد صورت حساب و یا صورت مجلس دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می نماید
	ماده ۱۰۴۸ - پس از ختم مأموریت مدیر تصفیه موقت، ممنوعیت تاجر متوقف از مداخله در امور مالی خود مرتفع و نفقه ای که برای او مقرر شده است قطع می گردد
	ماده ۱۰۴۹ - در طول دوره اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه هیچ یک از بستانکاران دعوت شده به جلسه مجمع عمومی

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	بستانکاران در مورد دیون موضوع قرارداد و یا دیونی که از بابت آن سهم غرمایی دریافت کرده‌اند، حق اقامه دعوی، ادامه دعوی توقیف‌شده، شروع و یا ادامه عملیات اجرایی را علیه تاجر متوقف ندارند
	ماده ۱۰۵۰ - تاجر متوقف در حال اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مکلف است در سربرگها و مکاتبات خود، عنوان «در حال اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» را درج کند
ماده ۴۹۲ - در مورد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است: ۱ - در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب. ۲ - در مورد ماده ۴۹۰.	فصل سوم - فسخ یا بطلان قرارداد ارفاقی پیشگیرانه ماده ۱۰۵۱ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در موارد زیر باطل است: ۱ - محکومیت قطعی تاجر به ورشکستگی به تقلب پس از تصویب قرارداد در مجمع عمومی بستانکاران ۲ - کشف تقلب در میزان دارایی یا مقدار دیون موضوع ماده (۱۰۴۶) این قانون
ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکرد ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود	ماده ۱۰۵۲ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکند، می‌توان برای فسخ قرارداد علیه او اقامه دعوی نمود
ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد به‌عنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه می‌تواند هر قسم وسایل تأمینیه را که مقتضی بداند اتخاذ کند ولی به‌محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع می‌شود	ماده ۱۰۵۳ - اگر تاجر پس از تصدیق قرارداد ارفاقی از بابت ورشکستگی به تقلب، تعقیب، توقیف یا حبس شود، دادگاه می‌تواند هر قسم اقدامات تأمینی را که مقتضی می‌داند اتخاذ نماید ولی به‌محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه اقدامات مذکور مرتفع می‌شود
ماده ۴۹۷ - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می‌کند.	ماده ۱۰۵۴ - پس از محکومیت کیفری قطعی تاجر به مجازات ورشکستگی به تقلب یا صدور حکم بطلان موضوع بند (۲) ماده (۱۰۵۱) این قانون یا فسخ قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، دادگاه دوباره یک امین معین و مراتب را برای تعیین قاضی ناظر به اداره تصفیه مربوط ابلاغ می‌کند
ماده ۴۹۸ - مدیر تصفیه می‌تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید مدیر تصفیه فوراً از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشته‌ها نموده و اگر لازم باشد ممتمی برای صورت دارایی ترتیب می‌دهد مدیر تصفیه باید فوراً به‌وسیله اعلان در روزنامه وجود بستانکاران یا بدهکاران جدید امین باید به‌فوریت	ماده ۱۰۵۵ - قاضی ناظر می‌تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید. امین به‌فوریت از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی به اسناد و نوشته‌ها می‌نماید و اگر لازم باشد ممتمی برای صورت دارایی ترتیب می‌دهد. در صورت وجود بستانکاران یا بدهکاران جدید امین باید به‌فوریت

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یک ماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند - در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که به موجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود.	به وسیله اعلان در روزنامه، آنان را دعوت نماید که ظرف مهلت های مقرر در ماده (۹۸۸) این قانون اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی مطابق تشریفات قانونی تشخیص مطالبات، ابراز کنند. در اعلان مذکور مفاد قرار دادگاه که به موجب آن امین معین شده است باید درج شود
ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می شود - نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید به عمل نمی آید - مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می شود	ماده ۱۰۵۶ - بدون فوت وقت و با رعایت مقررات مواد (۹۹۳) تا (۹۹۸) این قانون به اسنادی که مطابق ماده (۱۰۵۵) ابراز شده است، رسیدگی می شود، ولی در مورد مطالباتی که در گذشته تشخیص شده است رسیدگی جدید به عمل نمی آید. مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق قرارداد ارفاقی پرداخته شده است کنار گذاشته می شود
ماده ۵۰۰ - معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد	ماده ۱۰۵۷ - معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم مربوط به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مذکور انجام داده است، باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود معامله به ضرر بستانکاران بوده است که در این صورت قرارداد منعقدشده در مقابل بستانکاران قابل استناد نیست
ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده اند به غرما تقسیم می شود	ماده ۱۰۵۸ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی، ورشکستگی تاجر اعلام و دارایی او میان بستانکاران سابق و اشخاصی که بعد از قرارداد بستانکار شده اند حسب اصول تصفیه اموال ورشکسته تقسیم می شود
ماده ۵۰۲ - اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته اند مأخوذی آنها از وجهی که به ترتیب غرما به آنها می رسد کسر خواهد شد	ماده ۱۰۵۹ - اگر بستانکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال قرارداد مالی دریافت کنند، دریافتی آنها از سهم غرمایی کسر می شود
ماده ۵۰۳ - هرگاه تاجری ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم الاجرا است	ماده ۱۰۶۰ - هرگاه بدون اعلام بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، دوباره توقف تاجری که تحت چنین قراردادی مشغول فعالیت است اعلام شود، اجرای مواد (۱۰۵۸) و (۱۰۵۹) این قانون در مورد او الزامی است
ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می شود.	باب پنجم - اعلام ورشکستگی فصل اول - شرایط اعلام ورشکستگی و اداره کنندگان امور ورشکسته

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می توان صادر نمود	ماده ۱۰۶۱ - در موارد زیر می توان تاجر را ورشکسته اعلام نمود: ۱ - در صورت عدم احراز کفایت اموال تاجر مطابق ماده (۱۰۲۹) این قانون و عدم موافقت بستانکاران با انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه ۲ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی پیشگیرانه
ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند. ماده هشتم ق. اداره تصفیه - همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد رونوشت حکم به اداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده می شود. ماده نهم ق. اداره تصفیه - در صورتی که اموال تاجر ورشکسته واقع در حوزه دادگاه دیگری باشد اداره می تواند اقداماتی را که لازم است از اداره تصفیه محل چنانچه در محل موجود باشد و گرنه از دادگاه آن محل یا مأمور دیگری که تعیین می کند بخواهد	ماده ۱۰۶۲ - بستانکاران تاجر ورشکسته می توانند حداکثر تا پنج روز پس از صدور حکم ورشکستگی، شخصی را به عنوان مدیر تصفیه انتخاب نمایند. مدیر تصفیه باید از بین اشخاصی که به این منظور طبق این قانون انتخاب می گردند تعیین شود. برای انتخاب مدیر تصفیه موافقت اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون لازم است. در صورت عدم حصول موافقت، دادگاه، حداکثر تا پنج روز پس از انقضای مهلت بستانکاران برای انتخاب مدیر تصفیه، شخصی را بدین عنوان منصوب می کند
	ماده ۱۰۶۳ - در مورد بانکها، شرکت های بیمه، شرکت های سهامی عام، تعاونی سهامی عام، مختلط سهامی عام و مواردی که به موجب آیین نامه اجرائی مشخص می شود هیأتی مرکب از سه یا پنج مدیر تصفیه که از میان اشخاص حقوقی واجد صلاحیت انتخاب می شوند وظایف مدیر تصفیه را بر عهده می گیرند. ترتیب تشکیل، اداره جلسه و تصمیم گیری مدیران تصفیه متعدد و انتخاب آنان تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد شرکت های تجاری است. بستانکاران می توانند حق الزحمه مدیر تصفیه را بپردازند و مقدم بر سایر مطالبات از اموال ورشکسته وصول نمایند. همچنین بستانکاران می توانند به هزینه خود، یک یا چند شخص را برای نظارت بر مدیر تصفیه انتخاب کنند. حقوق، تکالیف و مسؤولیت های ناظر بر اساس حقوق، تکالیف و مسؤولیت های بازرس در شرکت های تجاری است.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تبصره ۱ - در مواردی که دادگاه مطابق بند (۲) ماده (۱۲۲۲) این قانون امر تصفیه را به اداره تصفیه ارجاع دهد رعایت مفاد این ماده الزامی نیست. تبصره ۲ - انتخاب یا نصب امین به عنوان مدیر تصفیه بلامانع است
	ماده ۱۰۶۴ - دادگاه باید با اخطار کتبی مدیر تصفیه را مطلع کند و انجام وظایف مربوط را از او بخواهد.
	ماده ۱۰۶۵ - در صورتی که ورشکستگی تاجر مطابق بند (۱) ماده (۱۰۶۱) این قانون اعلام شود، امین مکلف است به فوریت پس از انتخاب مدیر تصفیه در حضور قاضی ناظر صورتحساب کاملی به مدیر تصفیه جدید بدهد و کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به مدیر تسلیم و رسید دریافت و مأموریت خود را ختم کند. قاضی ناظر باید از تمام این مراتب صورت مجلسی تهیه کند. در صورت بروز اختلاف در مورد صورتحساب و یا صورت مجلس، دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می نماید. تبصره - رعایت مفاد این ماده در مورد تبصره ماده (۱۰۶۳) الزامی نیست
	ماده ۱۰۶۶ - مدیر تصفیه مکلف است خلاصه ای از رأی صادر شده در مورد اعلام ورشکستگی را در روزنامه منتشر کند. این امر باید حداکثر تا ده روز پس از دریافت اخطاریه موضوع ماده (۱۰۶۴) این قانون از جانب مدیر تصفیه انجام شود. آگهی مذکور باید شامل نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شماره تجارتي تاجر ورشکسته، مشخصات دادگاه صادر کننده رأی، تاریخ صدور رأی، تاریخ توقف و نام، نام خانوادگی و عنوان مدیر تصفیه باشد.
	ماده ۱۰۶۷ - وظایف، اختیارات و مسؤولیت های مدیر تصفیه، با رعایت تفاوت های اعلام توقف و اعلام ورشکستگی، همانی است که در مواد (۹۳۴) تا (۹۳۸) این قانون مقرر شده است. علاوه بر این تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	موافق مقررات فصل سوم این باب از وظایف مدیر تصفیه محسوب می‌شود. قاضی ناظر میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را در حدود آیین‌نامه اجرائی معین می‌کند
	ماده ۱۰۶۸ - از تصمیمات مدیر تصفیه می‌توان در چهارچوب ماده (۹۳۹) این قانون شکایت کرد
	ماده ۱۰۶۹ - عزل مدیر تصفیه انتخابی با تصمیم اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون و عزل مدیر تصفیه انتصابی موافق ماده (۹۴۰) انجام خواهد گرفت که در این صورت انتخاب مدیر تصفیه جدید مطابق ماده (۱۰۶۲) و در مهلت مقرر در آن انجام می‌گیرد. در صورت فوت، انحلال یا معذورت مدیر تصفیه یا ممنوعیت وی از تصدی این سمت نیز مدیر تصفیه مطابق ماده (۱۰۶۲) انتخاب می‌شود
	ماده ۱۰۷۰ - پس از صدور حکم ورشکستگی، قاضی ناظر کماکان به انجام وظیفه ادامه می‌دهد مگر اینکه دادگاه تغییر او را از اداره تصفیه امور ورشکستگی بخواهد
	ماده ۱۰۷۱ - وظایف و اختیارات قاضی ناظر، با رعایت تفاوت‌های اعلام توقف و اعلام ورشکستگی، همان است که در مواد (۹۴۱) تا (۹۴۴) مقرر شده است. از تصمیمات قاضی ناظر می‌توان در چهارچوب ماده (۹۴۵) این قانون شکایت کرد
	فصل دوم - آثار اعلام ورشکستگی مبحث اول - آثار ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته و بستانکاران او ماده ۱۰۷۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی، آثار اعلام توقف مندرج در مواد (۹۴۸)، (۹۵۰)، (۹۵۳) تا (۹۵۶) و (۹۵۸) تا (۹۶۶) این قانون به قوت خود باقی می‌ماند و اگر زایل شده است دوباره برقرار می‌شود حتی در مورد تاجری که به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) عمل کرده است
ماده ۴۱۹ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب	ماده ۱۰۷۳ - از تاریخ اعلام ورشکستگی هر شخص که با تاجر ورشکسته دعوایی داشته باشد، باید علیه مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. دادگاه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را در دعاوی مطروح

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
کند - کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. ماده ۴۲۰ - محکمه هر وقت صلاح بداند می تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.	اجازه دهد. در خصوص آن دسته از دعاوی که پیش از اعلام ورشکستگی، از جانب تاجر یا علیه او اقامه شده است، دادرسی متوقف و تابع قانون آیین دادرسی مدنی است. رعایت ماده (۹۵۲) این قانون در این مورد نیز الزامی است.
ماده ۴۱۸ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند	ماده ۱۰۷۴ - در کلیه اختیارات، حقوق و دعاوی مالی که استفاده از آن در اداره اموال یا تأدیه دیون تاجر متوقف مؤثر باشد، مدیر تصفیه قائم مقام قانونی وی محسوب است
	ماده ۱۰۷۵ - تاجر ورشکسته، مدیر یا مدیران و مدیر عامل شخص حقوقی ورشکسته از کلیه حقوق اجتماعی موضوع مجازات های تبعی در قانون مجازات اسلامی محروم می شود. همچنین اشخاص مذکور نمی توانند به امور زیر بپردازند: ۱ - تأسیس شرکت تجاری ۲ - عضویت در هیأت مدیره شرکت های تجاری ۳ - تصدی مدیر عاملی در شرکت های تجاری ۴ - کسب اعتبار و دریافت تسهیلات به هر عنوان از بانک ها و مؤسسات اعتباری عمومی و دولتی به جز وام های ضروری از قبیل وام مسکن و ازدواج ۵ - انجام هرگونه معامله با دستگاه های اجرائی تبصره ۱ - محرومیت های مذکور با اعاده اعتبار تاجر ورشکسته رفع می شود. تبصره ۲ - ورشکسته به تقلب و تقصیر علاوه بر موارد مذکور از اشتغال به اعمال تجاری و ورود به عنوان شریک یا سهامدار جز در شرکت های شرکت تعاونی غیرسهامی محروم است
ماده ۴۱۸ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر	ماده ۱۰۷۶ - هیچ یک از اعمال حقوقی و نیز اقرار تاجر ورشکسته از زمان صدور حکم ورشکستگی نسبت به اموال وی، به ضرر بستانکاران قابل استناد نیست. اموالی که پس

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند. ماده ۵۵۷ - کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت بهر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است - طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذی حق مسترد دارد	از صدور حکم ورشکستگی عاید ورشکسته می گردد مشمول منع مداخله نیست
ماده ۴۲۱ - همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود	ماده ۱۰۷۷ - با صدور حکم ورشکستگی دیون مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت، به دیون حال مبدل می شود.
	ماده ۱۰۷۸ - از تاریخ توقف، خسارت تأخیر در انجام تعهد به تاجر تعلق نمی گیرد. باوجود این، اعلام ورشکستگی سبب توقف تعلق خسارت ناشی از کاهش ارزش پول به بستانکار نمی شود لکن مطالبه آن منوط به ختم عملیات تصفیه و ملائت تاجر است
	ماده ۱۰۷۹ - پس از صدور حکم ورشکستگی، دیون ورشکسته و مطالبات وی، حتی در صورت وجود شرایط، تهاتر نمی شود
	ماده ۱۰۸۰ - نفقه تاجر و افراد واجب النفقه او که مطابق مواد (۹۵۳) تا (۹۵۶) این قانون برقرار می شود، تا ختم عملیات تصفیه، قطع نمی شود
	ماده ۱۰۸۱ - تاجر می تواند با رعایت ماده (۱۰۷۵) این قانون هر گونه تصرفی در اموالی که پس از صدور حکم ورشکستگی عاید او می گردد انجام دهد. کلیه بستانکاران ورشکسته نیز برای حفظ حقوق خود حق هر گونه اقدام قانونی شخصی درباره این اموال را دارند
	ماده ۱۰۸۲ - اعلام ورشکستگی سبب انفساخ عقود لازمی که سابق بر اعلام آن و به موجب قانون منعقد گردیده است نیست مگر در مواردی که قانون معین می کند

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۱۲ - هر گاه اموالی در اجاره تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقاء اجاره به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم می‌کند - اگر تصمیم بر فسخ اجاره شده صاحبان اموال مستأجره از بابت مال الاجاره که تا آن تاریخ مستحق شده‌اند جزو غرما منظور می‌شوند اگر تصمیم بر ابقاء اجاره بوده و تأمیناتی هم سابقاً به موجب اجاره‌نامه به موجر داده شده باشد آن تأمینات ابقاء خواهد شد والا تأمیناتی که پس از ورشکستگی داده می‌شود باید کافی باشد - در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجاره موجر راضی به فسخ نشود حق مطالبه تأمین را نخواهد داشت	ماده ۱۰۸۳ - هرگاه مال یا شخصی در اجاره تاجر ورشکسته باشد، موجر یا اجیر حق فسخ اجاره را دارد و از بابت مال الاجاره‌ای که تا تاریخ فسخ مستحق شده و دریافت نکرده است، در ردیف غرماء منظور می‌شود. اگر مدیر تصفیه ابقاء اجاره را موافق منافع بستانکاران تشخیص دهد، می‌تواند در صورت موافقت موجر یا اجیر و در صورت لزوم با اعطای تأمین کافی مانع فسخ قرارداد گردد
	ماده ۱۰۸۴ - در صورت عدم فسخ اجاره از جانب موجر یا اجیر وی باید از بابت مال الاجاره‌هایی که دریافت نکرده است و یا حسب شرایط قرارداد در آتیه مستحق می‌شود، در صف غرماء داخل گردد
ماده ۵۱۳ - مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر اجاره را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط بر اینکه به موجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تأمین پرداخت مال الاجاره را بنماید به مالک اموال مستأجره داده و کلیه شرایط و مقررات اجاره‌نامه را به موقع خود اجرا کند	ماده ۱۰۸۵ - مدیر تصفیه در صورت بقای اجاره می‌تواند با اجازه قاضی ناظر عین مستأجره را برای بقیه مدت به دیگری اجاره دهد، مشروط بر اینکه این امر به موجب قرارداد ممنوع نشود. در این صورت، کلیه شرایط و مقررات اجاره‌نامه و نیز توافقات بعدی، در صورت وجود، باید به موقع اجرا شود
	ماده ۱۰۸۶ - انجام هیچ معامله‌ای با اموال تاجر ورشکسته از جانب مدیر تصفیه جز در موارد زیر مجاز نیست: ۱ - موارد مندرج در ماده (۹۷۵) این قانون ۲ - سپرده‌گذاری وجوه نقد نزد بانک‌ها یا مؤسسات مالی و اعتباری برای حفظ ارزش پول با تأیید قاضی ناظر
	ماده ۱۰۸۷ - به محض صدور حکم ورشکستگی در صورتی که امکان واگذاری اموال تاجر مطابق ماده (۱۰۹۵) این قانون به صورت یکجا وجود نداشته باشد کلیه مستخدمان تاجر، فارغ از اینکه قرارداد آنها تابع چه قانونی است، اخراج می‌شوند

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۲۸ - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاهدارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تأدیه نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند. ماده ۵۲۹ - مال التجاره‌هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره بفروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزءً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور بامانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است	مبحث دوم - دعوای استرداد ماده ۱۰۸۸ - عین کالاها، اسناد، اوراق بهادار، و وجوه نقدی متعلق به غیر که نزد تاجر ورشکسته موجود است به درخواست مالک قابل استرداد است
ماده ۳۸۰ قانون مدنی - در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد می‌تواند از تسلیم آن امتناع کند.	ماده ۱۰۸۹ - در بیع حال مبیع مشخص، چنانچه مشتری قبل از پرداخت ثمن ورشکسته شود و عین مبیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد.
ماده ۵۳۴ - در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.	ماده ۱۰۹۰ - مدیر تصفیه می‌تواند در اجرای ماده (۱۰۸۹) این قانون، در صورت رضایت بایع، با اجازه قاضی ناظر عدم استرداد کالا یا تسلیم آن را تقاضا کند ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد
ماده ۵۳۲ - اگر مال التجاره‌ای که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه‌ای که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی‌شود و الاً موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استردادکننده باید وجوهی را که به طور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تأدیه شده یا از این بابت‌ها باید تأدیه بشود به طلبکارها بپردازند	ماده ۱۰۹۱ - اگر کالایی که به عنوان مبیع برای تاجر ورشکسته حمل شده است، قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه‌ای که دارای امضای ارسال کننده است فروخته شده باشد و فروش نیز صوری نباشد، دعوای استرداد پذیرفته نمی‌شود
ماده ۵۳۰ - مال التجاره‌هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الاً	ماده ۱۰۹۲ - اموالی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری به صورت حال خریداری کرده و عین آن نزد ورشکسته موجود است اگر قیمت آن به بایع پرداخت نشده باشد

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
به وسیله وی و در غیر این صورت به وسیله شخصی که آن مال به حساب او خریداری شده است، قابل استرداد است	از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است
ماده ۱۰۹۳ - هرگاه تمام یا قسمتی از اموالی که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده است معامله شود و وجه آن به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد، از طرف خریدار قابل استرداد است	ماده ۵۳۱ - هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و به طور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است
فصل سوم - تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی ماده ۱۰۹۴ - مدیر تصفیه به فوریت پس از صدور حکم ورشکستگی، عملیات تصفیه و تفریغ حساب ورشکسته را شروع می کند. مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را بفروشد و مطالبات و دیون او را حسب مورد به داوری ارجاع دهد، صلح و یا وصول نماید و حساب تاجر را تصفیه کند. تمام این مراتب تحت نظر قاضی ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می آید. اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نماید، اطلاع دادستان کافی است	ماده ۵۰۴ - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد. ماده ۵۱۰ - در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را بفروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می آید. اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی العموم کافی است - فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدلیه به عمل خواهد آمد
ماده ۱۰۹۵ - اموال تاجر در موارد مذکور در تبصره ماده (۹۶۸) این قانون در صورت امکان باید به صورت یکجا واگذار شود. مدیر تصفیه به موجب مواد این باب و آیین نامه اجرائی تبصره ماده (۹۶۸) که نحوه واگذاری اموال به صورت یکجا را نیز دربر می گیرد، تحت نظارت قاضی ناظر و با تصدیق وی نسبت به واگذاری اموال تاجر به صورت یکجا اقدام می کند. در غیر این صورت، اموال تاجر مطابق مقررات این باب واگذار می شود	
ماده ۱۰۹۶ - اگر به هر علت وثیقه ای فک نشود، مطابق مواد (۹۶۰) تا (۹۶۵) این قانون به فروش و فک آن اقدام می شود	

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده چهارم قانون اداره تصفیه - اموال متوقف به ترتیب مزایده فروخته می شود. در موارد زیر ممکن است به طریق غیر مزایده اقدام بفروش اموال کرد. ۱ - اگر هیئتی از بستان کاران که دارای شرایط مذکور در ماده «۴۸۰» قانون تجارت باشند به این ترتیب رضایت بدهند. ۲ - وقتی که مال در (بورس) و یا در بازار قیمت معینی دارد. اشیاء مورد وثیقه را نمی توان به طریق غیر مزایده فروخت مگر اینکه رضایت بستان کارانی که نسبت به آنها حق وثیقه دارند جلب شود.	ماده ۱۰۹۷ - اموال منقول ورشکسته حسب مورد از طریق مزایده فروخته می شود.
ماده چهارم ق. اداره تصفیه - اموال متوقف به ترتیب مزایده فروخته می شود. در موارد زیر ممکن است به طریق غیر مزایده اقدام بفروش اموال کرد. ۱ - اگر هیئتی از بستان کاران که دارای شرایط مذکور در ماده «۴۸۰» قانون تجارت باشند به این ترتیب رضایت بدهند. ۲ - وقتی که مال در (بورس) و یا در بازار قیمت معینی دارد. اشیاء مورد وثیقه را نمی توان به طریق غیر مزایده فروخت مگر اینکه رضایت بستان کارانی که نسبت به آنها حق وثیقه دارند جلب شود	ماده ۱۰۹۸ - در صورتی که مال منقول در بورس و یا بازار قیمت معینی داشته باشد، فروش آن به طریق غیرمزایده جایز است.
ماده چهارم و یکم ق. اداره تصفیه - شرایط فروش لااقل ده روز قبل از مزایده در دفتر اداره در دسترس عموم گذارده خواهد شد و هر کس می تواند اطلاعات لازمه را کسب نماید. آگهی فروش شامل مکان - روز - ساعت مزایده خواهد بود و در مورد اموال غیر منقوله این آگهی یک ماه قبل از اقدام بفروش به عمل می آید.	ماده ۱۰۹۹ - شرایط فروش حداقل ده روز قبل از مزایده در محلی که قاضی ناظر معین می کند، در دسترس عموم قرار می گیرد و هر کس می تواند اطلاعات لازم در این مورد را کسب نماید. آگهی فروش شامل مشخصات مال، شرایط فروش مال و نحوه پرداخت که نباید موعد آن بیشتر از سه ماه از تاریخ فروش باشد، مکان، روز و ساعت مزایده می شود

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
	برای بستانکارانی که حق وثیقه غیرمنقول دارند نسخه از آگهی فرستاده شده و ارزیابی که به عمل آمده به آنها اعلام خواهد گردید
ماده ۱۱۰۰ - مدیر تصفیه مکلف است شرایط فروش را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین کند و به تأیید قاضی ناظر برساند	ماده چهل و چهارم - اداره تصفیه مکلف است شرایط فروشی را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید. اداره می تواند پرداخت بها را نقد یا به موعده قرار بدهد - موعده هیچ گاه از سه ماه نباید تجاوز کند. تسلیم در مورد مال منقول و انتقال قطعی در مورد مال غیرمنقول نباید قبل از پرداخت بها صورت بگیرد. در مورد پرداخت نقدی یک روز مهلت جایز است. اگر پرداخت در موعده مقرر انجام نگیرد مزایده جدید به عمل آمده در هر حال پیشنهاد دهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارده خواهد بود
ماده ۱۱۰۱ - اشیای ساخته شده از فلزات گرانبها مانند طلا و نقره نباید به بهایی کمتر از بهای فلزی آنها فروخته شود.	ماده چهل و سوم - اشیاء سیم و زر نباید به بهای کمتر از بهای فلزی آنها بفروش برسد.
ماده ۱۱۰۲ - شرایط فروش از جانب هر ذی نفع نزد دادگاه قابل شکایت است. این امر باعث تعویق اجرای مزایده است مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری مقرر کند	
ماده ۱۱۰۳ - مال منقولی که از طریق حراج حضوری فروخته می شود پس از سه مرتبه با صدای بلند مأمور حراج به کسی که قیمت حداکثر را پیشنهاد کرده است واگذار می شود	ماده چهل و دوم ق. اداره تصفیه - اموال منقول پس از سه مرتبه به صدای بلند حراجچی به کسی که حداکثر را پیشنهاد کرده است واگذار می شود. همین ترتیب نسبت به اموال غیرمنقول رعایت می گردد مشروط بر اینکه پیشنهاد به بهای ارزیابی شده برسد و در صورت نبودن پیشنهاد مکفی فروش متوقف می ماند و وقت دیگری برای مزایده معین می شود. در مرتبه دوم که باید لااقل دو ماه پس از مزایده اول به عمل آید اموال غیرمنقول به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد می نماید واگذار خواهد شد
ماده ۱۱۰۴ - در صورتی که نحوه پرداخت در مزایده حال باشد اعطای مهلت یکروزه مجاز است لکن در هر حال تسلیم مال نباید پیش از پرداخت بها صورت گیرد	ماده چهل و چهارم - اداره تصفیه مکلف است شرایط فروشی را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
	اداره می‌تواند پرداخت بها را نقد یا به موعده قرار بدهد - موعده هیچ‌گاه از سه ماه نباید تجاوز کند. تسلیم در مورد مال منقول و انتقال قطعی در مورد مال غیرمنقول نباید قبل از پرداخت بها صورت بگیرد. در مورد پرداخت نقدی یک روز مهلت جایز است. اگر پرداخت در موعده مقرر انجام نگیرد مزایده جدید به عمل آمده در هر حال پیشنهاد دهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارده خواهد بود
ماده ۱۱۰۵ - اگر پرداخت در موعده مقرر انجام نگیرد، معامله باطل محسوب می‌شود و مزایده جدید انجام می‌گیرد و پیشنهاد دهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارده است	ماده چهارم و چهارم - اداره تصفیه مکلف است شرایط فروشی را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید. اداره می‌تواند پرداخت بها را نقد یا به موعده قرار بدهد - موعده هیچ‌گاه از سه ماه نباید تجاوز کند. تسلیم در مورد مال منقول و انتقال قطعی در مورد مال غیرمنقول نباید قبل از پرداخت بها صورت بگیرد. در مورد پرداخت نقدی یک روز مهلت جایز است. اگر پرداخت در موعده مقرر انجام نگیرد مزایده جدید به عمل آمده در هر حال پیشنهاد دهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارده خواهد بود
ماده ۱۱۰۶ - فروش اموال غیرمنقول تابع مقررات فروش این اموال در قانون اجرای احکام مدنی است	ماده چهارم و دوم - اموال منقول پس از سه مرتبه به صدای بلند حراج‌چی به کسی که حداکثر را پیشنهاد کرده است واگذار می‌شود. همین ترتیب نسبت به اموال غیرمنقول رعایت می‌گردد مشروط بر اینکه پیشنهاد بهای ارزیابی شده برسد و در صورت نبودن پیشنهاد مکفی فروش متوقف می‌ماند و وقت دیگری برای مزایده معین می‌شود. در مرتبه دوم که باید لااقل دو ماه پس از مزایده اول به عمل آید اموال غیرمنقول به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌نماید واگذار خواهد شد
ماده ۱۱۰۷ - در مورد فروش اموال غیرمنقول به اموری که انجام آن در دفتر املاک و یا سایر مراجع قانونی لازم است از طرف مدیر تصفیه اقدام می‌شود	ماده چهارم و هفتم - پس از انقضای مدت نام برده اداره مبادرت به پرداخت سهام هر یک می‌نماید - بستانکاری که کاملاً به حق خود می‌رسد باید سند مربوطه را به اداره تسلیم کند.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
	در موردی که قسمتی از طلب پرداخته می شود مراتب در سند قید می گردد. در مورد فروش غیرمنقول اقداماتی که در دفتر املاک لازم است از طرف اداره به عمل می آید. اگر طلبی معلق باشد و یا به اقساط می بایست تأدیه گردد سهمیه مربوط به آن در صندوق دادگستری گذاشته خواهد شد پس از پرداخت سهمیه اداره به هر یک از بستانکارانی که حقوق آنها کاملاً تأدیه نشده است سند عدم کفایت دارایی می دهد بستانکار فقط در مورد ملاتت ورشکسته می تواند به موجب سند بقیه طلب خود را ادعا نماید.
ماده ۱۱۰۸ - رعایت مواد (۱۰۹۷) تا (۱۱۰۷) این قانون در مورد فروش اموالی که متضمن نفع بسیار برای بستانکاران است نیز الزامی است.	
ماده ۱۱۰۹ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکسته و نفقه ای که ممکن است به تاجر ورشکسته یا افراد واجب النفقه او پرداخت شود و وجوهی که باید مطابق ماده (۱۱۱۶) این قانون به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد، مجموع دارایی بین بستانکاران به نسبت طلب آنها که از قبل تشخیص شده است تقسیم می شود.	ماده ۵۲۲ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانه ای که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلاً تشخیص و تصدیق شده است خواهد شد
ماده ۱۱۱۰ - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده (۱۱۰۹) این قانون همراه یک مرتبه گزارش تصفیه ورشکسته را با تعیین وجوه موجود به قاضی ناظر ارائه می کند. قاضی مذکور در صورت لزوم به تقسیم وجوه مذکور بین کلیه بستانکاران دستور می دهد و مبلغ آن را معین و مواظبت می نماید که به تمام بستانکاران اطلاع داده شود	ماده ۵۲۳ - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را با تعیین وجوه موجود به عضو ناظر می دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آن را معین و مواظبت می نماید که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود
ماده ۱۱۱۱ - تقسیم موقت سهم گرمایی فقط پس از انقضای مدت مذکور در ماده (۹۹۹) این قانون امکان دارد	ماده چهل و هشتم ق. اداره تصفیه - تقسیم موقت سهام فقط پس از انقضاء مدت مذکور در ماده ۳۶ ممکن است به عمل آید. به بستانکارانی که جزو صورت نیامده اند سند عدم کفایت دارایی داده خواهد شد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۲۴ - در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارائی و قروض منظور شده است موضوع می گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارائی و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر می تواند حصه موضوعی را زیاد کند. برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع کرد.	ماده ۱۱۱۲ - برای مطالبات معلق و مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی معادل سهم غرمایی صاحبان این گونه طلبها منظور گردد
ماده ۵۲۵ - وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده به طور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد - اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می گردد. وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می شود	ماده ۱۱۱۳ - وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده منظور گردیده است، به طور امانت به صندوق امانات دادگستری سپرده خواهد شد و در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین بستانکارانی که طلب آنها تأیید شده است، تقسیم می شود.
ماده ۵۲۷ - ممکن است هیئت طلبکارها با استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده به طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را به عمل خواهد آورد - در این خصوص هر طلبکاری می تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را عودت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ بنمایند.	ماده ۱۱۱۴ - ممکن است هیأت بستانکاران با اطلاع تاجر ورشکسته از دادگاه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده است، به طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود، قبول کنند و مورد معامله قرار دهند. در این صورت، مدیر تصفیه اقدامات مقتضی را انجام می دهد. در این مورد هر بستانکار می تواند به قاضی ناظر مراجعه و تقاضا نماید که بستانکاران دیگر را برای اتخاذ تصمیم در این باره دعوت کند
ماده چهل و ششم ق. اداره تصفیه - وقتی که پول حاصله از فروش در دسترس اداره قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی گردید اداره صورتی از حاصل دارائی و حساب نهایی آن تنظیم خواهد نمود. هزینه توقف که به موجب آئین نامه تعیین می شود و هزینه تصفیه قبلاً موضوع می شود صورت تقسیم و حساب نهایی در مدت ده روز در دسترس بستانکاران	ماده ۱۱۱۵ - پس از مشخص شدن و تجمیع وجوه حاصل از فروش و قطعی شدن فهرست بستانکاران، مدیر تصفیه صورتی از حاصل دارایی و حساب نهائی آن تنظیم می کند و به تأیید قاضی ناظر می رساند. صورت تقسیم و حساب نهائی در مدت ده روز از طریق نشر آگهی در روزنامه به اطلاع بستانکاران می رسد. به علاوه خلاصه ای از صورت مربوط به سهم هر یک از بستانکاران برای آنها فرستاده می شود

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
قرار گرفته و مراتب به اطلاع آنها خواهد رسید بعلاوه خلاصه از صورت مربوط به سهم هر یک برای آنها فرستاده خواهد شد.	
ماده پنجاه و هشتم ق. اداره تصفیه - بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شود. طلب‌هایی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقیمانده طلب‌هایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌شود. طبقه اول الف - حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف. ب - حقوق خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف. ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف. طبقه دوم طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال از انقضای آن اعلام شده باشد. طبقه سوم طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده است. طبقه چهارم الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی.	ماده ۱۱۱۶ - در برگ تقسیم حاصل فروش، بستانکاران با وثیقه نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه، مقدم بر سایر بستانکاران قرار می‌گیرند. طلب‌های فاقد وثیقه و همچنین باقیمانده طلب‌هایی که وثیقه داشته ولی تمام آنها از فروش مال مورد وثیقه پرداخت نشده‌اند، به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدم‌اند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال ورشکسته این تقدم رعایت و قید می‌شود: طبقه اول: نفقه زوجه طبقه دوم: سپرده‌های نقدی اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و کارگزاران بورس و بیمه و سایر حق‌العمل‌کاران تا سقف یکصد میلیون ریال طبقه سوم: حقوق کلیه مستخدمان تاجر ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از ورشکستگی و بیست و پنج درصد (۲۵٪) حقوق مترتب بر اخراج آنان طبقه چهارم: طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده است به نسبت میزانی که وی برای ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی حق تقدم دارد که توقف تاجر در دوره قیمومت یا ولایت و یا تا یک سال پس از انقضای آن اعلام شود. طبقه پنجم: مهریه زن تا میزان یکصد میلیون ریال به شرط آنکه ازدواج حداقل پنج سال قبل از توقف تاجر واقع شده باشد. مازاد بر این مقدار از مهریه جزء سایر دیون محسوب می‌شود. طبقه ششم: سایر بستانکاران

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
	ب - مهریه زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقلأ پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می شود. طبقه پنجم سایر بستانکاران.
ماده ۱۱۱۷ - پس از انقضای مدت مذکور در ماده (۱۱۱۵) این قانون مدیر تصفیه به دستور قاضی ناظر سهم هر یک از بستانکاران را پرداخت می نماید.	ماده چهل و هفتم قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی - پس از انقضای مدت نام برده اداره مبادرت به پرداخت سهام هر یک می نماید - بستانکاری که کاملاً به حق خود می رسد باید سند مربوطه را به اداره تسلیم کند. در موردی که قسمتی از طلب پرداخته می شود مراتب در سند قید می گردد. در مورد فروش غیرمنقول اقداماتی که در دفتر املاک لازم است از طرف اداره به عمل می آید. اگر طلبی معلق باشد و یا به اقساط می بایست تأدیه گردد سهمیه مربوط به آن در صندوق دادگستری گذاشته خواهد شد پس از پرداخت سهمیه اداره به هر یک از بستانکارانی که حقوق آنها کاملاً تأدیه نشده است سند عدم کفایت دارائی می دهد بستانکار فقط در مورد ملائت ورشکسته می تواند به موجب سند بقیه طلب خود را ادعا نماید
ماده ۱۱۱۸ - مدیر تصفیه هیچ طلبی را نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را از قبل ملاحظه کرده باشد. مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته است در روی سند قید می کند. قاضی ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می تواند اجازه دهد که به موجب صورت مجلسی که طلب در آن تصدیق شده، وجه پرداخت شود. در هر حال بستانکاران باید دریافت وجه را در زیر صورت تقسیم رسید کنند	ماده ۵۲۶ - هیچ طلبی را مدیر تصفیه نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را قبلاً ملاحظه کرده باشد مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته است در روی سند قید می کند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می تواند اجازه دهد که به موجب صورت مجلسی که طلب در آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود در هر حال باید طلبکارها رسید وجه را در ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.
ماده ۱۱۱۹ - مدیر تصفیه به هر یک از بستانکارانی که حقوق آنها به طور کامل تأدیه نشده است و نیز به بستانکارانی که جزء صورت نیامده اند سند عدم کفایت دارایی می دهد. سند مذکور در حکم سند رسمی لازم الاجرا است.	ماده چهل و هفتم قانون اداره تصفیه - پس از انقضای مدت نام برده اداره مبادرت به پرداخت سهام هر یک می نماید - بستانکاری که کاملاً به حق خود می رسد باید سند مربوطه را به اداره تسلیم کند.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
در موردی که قسمتی از طلب پرداخته می‌شود مراتب در سند قید می‌گردد. در مورد فروش غیرمنقول اقداماتی که در دفتر املاک لازم است از طرف اداره به عمل می‌آید. اگر طلبی معلق باشد و یا به اقساط می‌بایست تأدیه گردد سهمیه مربوط به آن در صندوق دادگستری گذاشته خواهد شد پس از پرداخت سهمیه اداره به هریک از بستانکارانی که حقوق آنها کاملاً تأدیه نشده است سند عدم کفایت دارائی می‌دهد بستانکار فقط در مورد ملات و ورشکسته می‌تواند به موجب سند بقیه طلب خود را ادعا نماید	
	ماده ۱۱۲۰ - مطالبه از شخصی که حکم ورشکستگی او صادر شده است منوط به اثبات ملات وی است.
ماده ۵۱۱ - همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت می‌نماید. در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد	ماده ۱۱۲۱ - به محض اینکه تفریغ و تصفیه حساب تاجر به اتمام برسد، قاضی ناظر بستانکاران و تاجر ورشکسته را دعوت می‌نماید. در این جلسه مدیر تصفیه در حضور قاضی ناظر صورت حساب خود را خواهد داد و مأموریت خود را خاتمه می‌دهد. قاضی ناظر باید از تمام این مراتب صورت مجلسی تهیه کند. مفاد صورت مجلس و نیز خلاصه‌ای از صورت حساب باید حداکثر تا پنج روز پس از جلسه در روزنامه آگهی شود. بستانکاران معترض می‌توانند ظرف ده روز پس از نشر آگهی در مورد صورت حساب و یا صورت مجلس نزد دادگاه صادرکننده رأی شکایت کنند. دادگاه مکلف است خارج از نوبت و حداکثر تا بیست روز پس از وصول آخرین شکایت به مسأله رسیدگی و حکم مقتضی را صادر نماید
ماده چهل و نهم ق. اداره تصفیه - پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد - هر گاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق به متوقف کشف شود اداره آنها را به تصرف خود درآورده و حاصل فروش آن را بدون هیچ گونه تشریفات بین بستانکاران تقسیم می‌کند.	ماده ۱۱۲۲ - پس از تقدیم صورت حساب و صورت مجلس موضوع ماده (۱۱۲۱) این قانون به مجمع عمومی بستانکاران، در صورت عدم وصول شکایت در مورد آنها و یا رسیدگی به کلیه شکایات واصل شده دادگاه ختم عملیات ورشکستگی را اعلام می‌کند. قاضی ناظر مراتب را در روزنامه آگهی می‌کند و به مأموریت خود خاتمه می‌دهد. پس از این اعلام کلیه آثار ورشکستگی به جز آنچه که در ماده (۱۰۷۵) آمده است مرتفع می‌گردد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
	نسبت به سهمیه‌هایی که به مناسبت مشکوک بودن طلب به ودیعه گذاشته شده و بعداً تصرف در آنها مجاز خواهد شد به همین ترتیب اقدام می‌گردد
ماده ۱۱۲۳ - هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق به ورشکسته کشف شود، به درخواست هریک از بستانکارانی که طلب‌شان تشخیص شده است و به دستور دادگاه صادرکننده حکم، توقیف و حاصل فروش آن بدون هیچ‌گونه تشریفات بین بستانکاران تقسیم می‌شود. در مورد سهامی که به مناسبت مشکوک یا معلق بودن طلب به ودیعه گذاشته شده است و بعد از این تصرف در آنها مجاز می‌شود نیز به همین ترتیب اقدام می‌گردد	ماده چهل و نهم ق. اداره تصفیه - پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد - هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق به متوقف کشف شود اداره آنها را به تصرف خود درآورده و حاصل فروش آن را بدون هیچ‌گونه تشریفات بین بستانکاران تقسیم می‌کند. نسبت به سهمیه‌هایی که به مناسبت مشکوک بودن طلب به ودیعه گذاشته شده و بعداً تصرف در آنها مجاز خواهد شد به همین ترتیب اقدام می‌گردد.
ماده ۱۱۲۴ - تفریغ و تصفیه حساب ورشکسته باید حداکثر تا نه ماه پس از صدور حکم ورشکستگی انجام شود. این مهلت تنها برای یک‌بار و به مدت سه ماه با حکم دادگاه قابل تمدید است. در صورتی که به هر علت تصفیه حساب ورشکسته در مهلت‌های مذکور ممکن نگردد، از بستانکاران برای تعیین تکلیف دعوت می‌شود.	
باب ششم - مقررات خاص شرکت‌های تجاری ماده ۱۱۲۵ - در صورت وجود شرایط مقرر در این باب، ورشکستگی شرکت تجاری را از زمان تشکیل تا ختم تصفیه می‌توان از دادگاه صالح تقاضا کرد حتی اگر شرکت منحل شده و در حال تصفیه باشد	
ماده ۱۱۲۶ - تقاضای اعلام ورشکستگی شرکت تجاری به وسیله خود شرکت فقط با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده و به وسیله مدیر عامل مجاز است.	
ماده ۱۱۲۷ - در صورت احتمال بهبود وضع مالی شرکت یا اقتضای مصالح ملی، دادگاه می‌تواند رأساً یا به تقاضای شرکت رسیدگی به دعوی را حداکثر به مدت سه ماه به تأخیر اندازد. در این موارد دادگاه باید به اتخاذ اقدامات احتیاطی لازم برای حفظ اموال شرکت دستور دهد.	
ماده ۱۱۲۸ - در صورت اعلام توقف شرکت، دادگاه صادرکننده رأی برای رسیدگی به تقاضای ورشکستگی	

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	شخصی که در اموال شرکت مانند اموال شخصی خود تصرف می کرده و یا به نام شرکت و به حساب خود، معاملاتی انجام داده، صالح است حتی در صورتی که به خودی خود صالح برای رسیدگی به تقاضای ورشکستگی شخص مذکور نباشد.
	ماده ۱۱۲۹ - در کلیه مواردی که حسب مواد این باب حضور یا اخذ نظر تاجر و یا ادای توضیح از جانب وی لازم است، مدیرعامل شرکت جایگزین او می شود
	ماده ۱۱۳۰ - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و پیش نویس آن در شرکت تجاری متوقف باید، به تصویب مجمع عمومی عادی سالانه یا عادی به طور فوق العاده برسد و سپس از جانب مدیرعامل شرکت تقدیم گردد
ماده ۱۲۸ ق.ت. - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکا ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد	ماده ۱۱۳۱ - ورشکستگی شرکا و یا سهامداران ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت و ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و یا سهامداران آن ندارد.
	ماده ۱۱۳۲ - ورشکستگی شرکت تجاری را پس از انحلال نیز می توان تقاضا کرد، مشروط بر اینکه اموال شرکت تقسیم نشده باشد.
ماده ۲۰۰ - (الحاقی ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.	ماده ۱۱۳۳ - هرگاه شرکت منحل شده قبل از انحلال از تأدیه وجوهی که بر عهده داشته متوقف باشد یا پس از انحلال از تأدیه وجوه مذکور متوقف شود، مدیر یا مدیران تصفیه باید ورشکستگی شرکت را مطابق مقررات مربوط از مراجع ذی صلاح قضائی تقاضا کنند
	باب هفتم - طرق شکایت از آراء صادرشده در دعوای ورشکستگی ماده ۱۱۳۴ - شکایت از آرای صادر شده در رسیدگی به دعوای ورشکستگی تابع قانون آیین دادرسی مدنی است مگر در مواردی که در این باب پیش بینی شده است
ماده ۵۳۶ - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.	ماده ۱۱۳۵ - رأی دادگاه رسیدگی کننده به دادخواست ورشکستگی فقط در موارد زیر و با رعایت قانون آیین دادرسی مدنی، قابل واخواهی یا اعتراض ثالث یا تجدید نظرخواهی است:

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
ماده ۵۴۰ - قراردادهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست: (۱) قراردادهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه. (۲) قراردادهای راجعه به تقاضای اعانه بجهت تاجر ورشکسته یا خانواده او. (۳) قراردادهای فروش اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است. (۴) قراردادهایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع‌فیه را مقرر می‌دارد. (۵) قراردادهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.	۱ - رأی دائر بر رد دادخواست ورشکستگی ۲ - رأی اعلام توقف ۳ - رأی متضمن تاریخ توقف تاجر ۴ - رأی اعلام ورشکستگی ۵ - قرار بازداشت تاجر متوقف
ماده ۵۳۷ - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیم‌اند در ظرف یک ماه و از طرف آن‌هایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه به عمل آید ابتدای مدت‌های مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می‌شود. ماده ۵۳۹ - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است - به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یک روز اضافه می‌شود.	ماده ۱۱۳۶ - مهلت واخواهی، اعتراض ثالث و تجدید نظرخواهی بیست روز از تاریخ اعلان رأی است.
ماده ۵۳۸ - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که به موجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد - همین که مهلت‌های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیرقابل تغییر خواهد بود.	ماده ۱۱۳۷ - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص مطالبات بستانکاران معین می‌شود، دیگر هیچ تقاضایی از طرف آنان راجع به تغییر تاریخ توقف قبول نمی‌شود
ماده ۵۴۰ - قراردادهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست:	ماده ۱۱۳۸ - فقط آراء موضوع بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۱۱۳۵) این قانون در چهارچوب مقررات قانون آیین

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
(۱) قراردادهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه. (۲) قراردادهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او. (۳) قراردادهای فروش اسباب یا مال التجاره‌ای که متعلق به ورشکسته است. (۴) قراردادهایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع‌فیه را مقرر می‌دارد. (۵) قراردادهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.	دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قابل فرجام‌خواهی می‌باشند
	باب هشتم - اعاده اعتبار ماده ۱۱۳۹ - محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های مندرج در ماده (۱۰۷۵) این قانون سه سال پس از اعلام ختم عملیات ورشکستگی رفع و به حکم قانون از تاجر اعاده اعتبار می‌شود. اعاده اعتبار موضوع این ماده منوط به تقدیم دادخواست نیست
	ماده ۱۱۴۰ - از ورشکسته به تقصیر اعاده اعتبار نمی‌شود مگر مجازات مربوط را تحمل کند یا عفو شود و از اعلام ختم عملیات ورشکستگی چهار سال بگذرد و کلیه دیون و متفرعات آن و مخارج تصفیه را پرداخت کند
ماده ۵۷۵ - ورشکستگان به تقلب و همچنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده‌اند مادامی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده‌اند نمی‌توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند	ماده ۱۱۴۱ - از ورشکسته به تقلب اعاده اعتبار نمی‌شود مگر مجازات مربوط را تحمل کند یا عفو شود و از اعلام ختم عملیات ورشکستگی پنج سال بگذرد و کلیه دیون و متفرعات آن و مخارج تصفیه را پرداخت کند
ماده ۵۶۱ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می‌نماید. ماده ۵۶۵ - تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌توانند اعتبار خود را اعاده نمایند:	ماده ۱۱۴۲ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود و متفرعات آن و مخارج تصفیه را ظرف کمتر از دو سال پس از اعلام ختم عملیات ورشکستگی بپردازد، می‌تواند تقاضای اعاده اعتبار کند مشروط بر اینکه به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب محکوم نشده باشد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
	(۱) تاجر ورشکسته‌ای که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته‌ای که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود. (۲) تاجر ورشکسته‌ای که کلیه طلبکاران ذمه او را بر یک رده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند.
ماده ۱۱۴۳ - در صورتی که ورشکستگی شریک ضامن، در یک شرکت ورشکسته اعلام گردد، از وی جز با اثبات تأدیه تمام دیون شرکت به ترتیب مقرر در ماده (۱۱۴۲) این قانون اعاده اعتبار نمی‌گردد.	ماده ۵۶۳ - برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است ولو اینکه نسبت به شخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.
ماده ۱۱۴۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از بستانکاران غائب باشند و یا از دریافت مطالبات خود امتناع نمایند، تاجر ورشکسته برای اعاده اعتبار باید وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع دادستان در صندوق امانات دادگستری تودیع نماید. رسید دال بر تودیع وجوه مذکور دلیل برائت ذمه تاجر محسوب است.	ماده ۵۶۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقودالاثَر یا غائب بوده یا اینکه از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع مدعی‌العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همین‌که تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است بری‌الذمه محسوب است
ماده ۱۱۴۵ - دادخواست اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبت آن به دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی تقدیم گردد. دادگاه باید به فوریت رونوشت یا تصویری از دادخواست را برای دادستان ارسال نماید	ماده ۵۶۶ - عرض حال اعاده اعتبار باید بانضمام اسناد مثبت آن به مدعی‌العموم حوزه ابتدائی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است
ماده ۱۱۴۶ - مدیر دفتر دادگاه باید به هزینه خواهان مفاد دادخواست مذکور را به کلیه بستانکارانی که سند عدم کفایت دارایی دریافت نموده‌اند، ابلاغ نماید.	ماده ۵۶۷ - سواد این عرض حال در مدت یک ماه در اتاق جلسه محکمه ابتدایی و همچنین در اداره مدعی‌العموم بدایت الصاق و اعلان می‌شود بعلاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرض حال مزبور را به کلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کاملاً دریافت نکرده‌اند به وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۱۴۷ - دادستان باید حداکثر تا سی روز پس از دریافت رونوشت یا تصویر دادخواست اعاده اعتبار گزارشی از آرای کیفری صادر شده در مورد ورشکسته را به دادگاه تقدیم نماید.
	ماده ۱۱۴۸ - در صورتی که پرونده تاجر از بابت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب در دادسرا یا دادگاه مطرح باشد، دادستان مکلف است به فوریت مراتب را به دادگاه رسیدگی کننده به اعاده اعتبار اعلام نماید. در این صورت دادگاه مذکور با صدور قرار اناطه رسیدگی به دعوی را به تبرئه قطعی تاجر ورشکسته منوط می کند
ماده ۵۷۲ - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهای معترض می توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند - محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر می کند. ماده ۵۶۸ - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کاملاً دریافت نکرده می تواند در مدت یک ماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرض حال اعاده اعتبار اعتراض کند.	ماده ۱۱۴۹ - خواهان اعاده اعتبار و همچنین هر بستانکاری که سند عدم کفایت دارایی دریافت نموده و طلب خود را به طور کامل دریافت نکرده است، می تواند از حکم صادر شده تجدیدنظرخواهی کند
	ماده ۱۱۵۰ - در صورتی که پس از حکم به اعاده اعتبار، تاجر به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم شود حکم اعاده اعتبار لغو و اعاده اعتبار حسب مورد به تحقق شرایط مندرج در مواد (۱۱۴۰) و (۱۱۴۱) این قانون موکول می شود
	باب نهم - ورشکستگی بین المللی فصل اول - کلیات ماده ۱۱۵۱ - احکام این باب به شرط عمل متقابل یا وجود معاهدات دو یا چندجانبه در موارد زیر اعمال می شود: ۱ - دادگاه خارجی یا نماینده وی از دادگاه صالح ایرانی در مورد رسیدگی خارجی درخواست همکاری کند. ۲ - دادگاه صالح ایرانی از مرجع صلاحیت دار کشور خارجی در مورد دعاوی موضوع این قانون درخواست همکاری کند.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۳ - رسیدگی‌های هم‌زمان که، به‌صورت توأمان، در ایران و حداقل یک کشور دیگر در جریان باشد. ۴ - مواردی که بستانکاران یا دیگر اشخاص ذی‌نفع در کشور خارجی، در مورد دادخواست شروع یا شرکت در دعوی ورشکستگی داخلی ذی‌نفع باشند.
	ماده ۱۱۵۲ - در غیر موارد مذکور در ماده (۱۱۵۱) این قانون، قانون اجرای احکام مدنی در مورد شناسایی رسیدگی‌های خارجی موضوع این باب مجری است و آثار شناسایی آنها تابع احکام این باب است. مواد این باب در مورد رسیدگی‌های خارجی مربوط به عجز از پرداخت بانک‌ها و شرکت‌های بیمه اعمال نمی‌گردد
	ماده ۱۱۵۳ - اصطلاحات زیر در معانی مشروح به کار می‌رود: ۱ - «رسیدگی خارجی» عبارت است از رسیدگی جمعی قضائی یا اداری در یک کشور خارجی طبق قانون مربوط، از جمله رسیدگی‌های موقت، که در آن اموال و امور بدهکار، با هدف بازسازی یا تصفیه، در اختیار یا تحت نظارت دادگاه خارجی قرار می‌گیرد. ۲ - «رسیدگی خارجی اصلی» عبارت است از رسیدگی خارجی که در کشور مرکز منافع اصلی بدهکار، صورت می‌گیرد. ۳ - «رسیدگی خارجی فرعی» عبارت است از رسیدگی خارجی، غیر از رسیدگی خارجی اصلی، که در کشور محل وقوع «بنگاه تجاری» بدهکار، موضوع بند (۶) این ماده، صورت می‌گیرد. ۴ - «نماینده خارجی» عبارت است از شخصی که در رسیدگی خارجی، بازسازی، اداره یا تصفیه اموال یا امور بدهکار را به‌موجب قانون بر عهده دارد یا مانند اشخاص منصوب‌شده در رسیدگی‌های موقت به‌عنوان نماینده رسیدگی مذکور اقدام می‌کند. ۵ - «دادگاه خارجی» عبارت است از مرجع قضائی یا اداری که برای انجام رسیدگی خارجی یا نظارت بر آن صالح است.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۶ - «بنگاه تجارتي» عبارت است از هر محل فعالیتی که بدهکار در آنجا با نیروی انسانی و کالا یا خدمات به فعالیت اقتصادی غیرموقت می‌پردازد.
	ماده ۱۱۵۴ - در صورت تعارض احکام این باب با مفاد معاهدات بین‌المللی که ایران عضو آن است، تعهدات مذکور حاکم
	ماده ۱۱۵۵ - صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به دعوای ورشکستگی بین‌المللی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است
	ماده ۱۱۵۶ - مرجع تقاضای شناسایی رسیدگی‌های خارجی و همکاری با دادگاه‌های خارجی در چهارچوب احکام این باب دادگاه عمومی محل اقامت بدهکار و اگر محل اقامت وی در ایران معلوم نباشد، دادگاه عمومی تهران است
	ماده ۱۱۵۷ - در مورد دعوای ورشکستگی مطرح‌شده در دادگاه‌های ایران، مدیر تصفیه با نظارت قاضی ناظر ایرانی در کشور خارجی به‌عنوان نماینده رسیدگی داخلی اقدام می‌کند
	ماده ۱۱۵۸ - چنانچه اجرای احکام این باب مخالف نظم عمومی باشد، دادگاه، حسب مورد، به‌طور کلی یا جزئی از اجرای احکام این باب امتناع می‌کند
	ماده ۱۱۵۹ - مقررات این باب، مانع همکاری بیشتر مراجع داخلی با دادگاه یا نماینده خارجی در حدود قوانین و مقررات نیست.
	ماده ۱۱۶۰ - در تفسیر مواد این باب باید به خصوصیت بین‌المللی و ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در اعمال آنها توجه گردد.
	فصل دوم - دسترسی بستانکاران و نمایندگان خارجی به دادگاه‌های داخلی ماده ۱۱۶۱ - نماینده خارجی می‌تواند به‌طور مستقیم به دادگاه داخلی صالح مراجعه کند.
	ماده ۱۱۶۲ - نماینده خارجی می‌تواند مطابق قوانین داخلی در ایران دعوای ورشکستگی اقامه کند.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۱۶۳ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی می‌تواند در دعوای ورشکستگی بدهکار مربوط که به موجب احکام این باب در دادگاه داخلی در حال رسیدگی است شرکت کند.
	ماده ۱۱۶۴ - بستانکاران خارجی در مورد شروع یا شرکت در دعوای ورشکستگی به موجب احکام این باب همان حقوقی را دارند که بستانکاران داخلی از آنها برخوردارند. طبقه‌بندی مطالبات بستانکاران خارجی در دعوای داخلی با رعایت ماده (۱۱۱۶) این قانون انجام می‌گیرد
	ماده ۱۱۶۵ - هرگاه به موجب احکام این باب ابلاغ امری به بستانکاران مقیم داخل، الزامی باشد این امر باید به بستانکاران شناخته‌شده‌ای نیز که در ایران نشانی ندارند، ابلاغ شود. دادگاه می‌تواند برای ابلاغ به بستانکارانی که هنوز نشانی آنها معلوم نیست دستور مقتضی را صادر کند. ابلاغ به بستانکاران خارجی باید به صورت انفرادی صورت گیرد، مگر اینکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال شکل دیگری از ابلاغ را مناسب‌تر تشخیص دهد
	فصل سوم - شناسایی رسیدگی خارجی ماده ۱۱۶۶ - نماینده خارجی می‌تواند به موجب دادخواست از دادگاه ایران شناسایی رسیدگی خارجی متبوع را تقاضا کند
	ماده ۱۱۶۷ - با رعایت ماده (۱۱۵۸) این قانون، رسیدگی خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل شناسایی است: ۱ - در کشوری در حال انجام باشد که به موجب قوانین خود یا معاهداتی که عضو آن است رسیدگی‌های ایرانی در آن کشور قابل شناسایی است یا در این مورد معامله متقابل می‌کند. ۲ - در کشوری که در حال انجام است واجد اثر قانونی باشد و به علل قانونی فاقد اعتبار نباشد. ۳ - مشمول تعریف مندرج در بند (۱) ماده (۱۱۵۳) این قانون باشد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۴ - درخواست کننده شناسایی دارای شرایط مقرر در بند(۴) ماده (۱۱۵۳) این قانون باشد. ۵ - دادخواست و پیوست های آن مطابق شرایط مقرر در ماده (۱۱۶۸) این قانون تنظیم شده باشند. ۶ - دادخواست به دادگاه مورد اشاره در ماده (۱۱۵۶) این قانون تسلیم شده باشد.
	ماده ۱۱۶۸ - مدارک زیر باید به دادخواست شناسایی ضمیمه شوند: ۱ - تصویر تصمیم نامه یا گواهی دادگاه خارجی مبنی بر شروع رسیدگی و نصب نماینده خارجی تبصره - صحت مطابقت تصویر مذکور با اصل باید به وسیله نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که رسیدگی خارجی در آن جریان دارد یا مأمور سیاسی یا کنسولی دولت متبوع دادگاه خارجی در ایران گواهی شود. ۲ - گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که رسیدگی خارجی در آن جریان دارد یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور مذکور در ایران مبنی بر صلاحیت دار بودن دادگاه خارجی برای شروع رسیدگی و نصب نماینده خارجی ۳ - گواهی امضای نماینده سیاسی یا کنسولی خارجی مذکور در بندهای (۱) و (۲) به وسیله وزارت امور خارجه ۴ - اعلامیه ای حاکی از تمام رسیدگی های خارجی مربوط به بدهکار در حدود اطلاع نماینده خارجی ۵ - ترجمه رسمی مدارک مذکور در بندهای پیشین به درخواست دادگاه
	ماده ۱۱۶۹ - مدیر دفتر دادگاه عین دادخواست و پیوست های آن را به دادگاه می فرستد و دادگاه، به فوریت، در جلسه اداری فوق العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن، قرار شناسایی رسیدگی خارجی را، مطابق مواد آتی، صادر یا با ذکر علل و جهات، تقاضا را رد می کند
	ماده ۱۱۷۰ - قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می تواند ظرف ده روز از آن تجدیدنظر خواهی کند. مرجع تجدیدنظر در جلسه اداری فوق العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	تجدیدنظر خواسته قرار قبول تقاضا را، مطابق مواد آتی، صادر و در غیر این صورت آن را تأیید می‌کند. رأی دادگاه قابل فرجام نیست.
	ماده ۱۱۷۱ - چنانچه مدرک مذکور در بند (۱) ماده (۱۶۸) این قانون حاکی از آن باشد که رسیدگی خارجی از رسیدگی‌های مذکور در بند (۱) ماده (۱۵۳) و نماینده خارجی شخصی دارای شرایط مقرر در بند (۴) همان ماده است، دادگاه می‌تواند رسیدگی را مشمول بند (۱) ماده (۱۵۳) و نماینده خارجی را دارای شرایط مقرر در بند (۴) همان ماده فرض کند. در هر حال، اصل بر اعتبار مدارک ارائه شده است، مگر خلاف آن ثابت شود.
	ماده ۱۱۷۲ - چنانچه رسیدگی خارجی در کشوری در جریان باشد که مرکز اصلی منافع بدهکار در آن است، رسیدگی خارجی به‌عنوان اصلی و اگر در کشوری در جریان باشد که بدهکار در آن بنگاه تجارتي دارد، رسیدگی خارجی به‌عنوان غیر اصلی شناسایی می‌شود.
	ماده ۱۱۷۳ - اقامتگاه شخص حقیقی بدهکار مرکز منافع اصلی آن محسوب می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی بدهکار محل ثبت مرکز اصلی منافع وی محسوب می‌شود، مگر خلاف آن ثابت شود.
	ماده ۱۱۷۴ - چنانچه ثابت شود که مبانی شناسایی رسیدگی خارجی، به‌طور کلی یا جزئی، وجود نداشته‌اند یا دیگر وجود ندارند، دادگاه صادرکننده قرار شناسایی می‌تواند قرار مذکور را، حسب مورد، لغو یا اصلاح کند.
	ماده ۱۱۷۵ - پس از ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی باید به‌فوریت دادگاه را از موارد زیر مطلع کند: ۱ - هر تغییر اساسی که در وضعیت رسیدگی خارجی شناسایی شده یا وضع نصب نماینده خارجی به وجود آید. ۲ - هر رسیدگی خارجی دیگر که در مورد همان بدهکار که نماینده خارجی از آن مطلع می‌گردد انجام شود.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۱۷۶ - پس از ثبت دادخواست شناسایی تا زمان اتخاذ تصمیم در مورد آن، دادگاه می‌تواند به درخواست نماینده خارجی برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران دستور موقت صادر کند. دستور مذکور می‌تواند دربر دارنده همه موارد زیر باشد: ۱- هرگونه عملیات اجرایی علیه اموال بدهکار را متوقف کند. ۲- اداره یا فروش تمام یا بخشی از اموال بدهکار را که در ایران قرار دارند، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه برای حفظ ارزش اموالی که به‌حسب ذات یا به علل دیگر، فاسد شدنی، مستعد کاهش ارزش، یا به هر طریق دیگری در معرض خطر می‌باشند تفویض کند. ۳ - هر دستور دیگر مورد اشاره در بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۱۸۳) این قانون را دربر بگیرد.
	ماده ۱۱۷۷ - دستور مذکور در ماده (۱۱۷۶) با رعایت مقررات ماده (۱۱۶۵) این قانون ابلاغ می‌شود.
	ماده ۱۱۷۸ - پس از اتخاذ تصمیم در مورد دادخواست شناسایی، دستور صادر شده به‌موجب ماده (۱۱۷۶) این قانون، لغو می‌شود، مگر آنکه به‌موجب بند (۳) ماده (۱۱۸۳) اعتبار دستور مذکور تمدید شود.
	فصل چهارم - آثار شناسایی رسیدگی خارجی ماده ۱۱۷۹ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، مقررات مواد (۹۵۱)، (۹۵۲)، (۹۵۷)، (۹۵۸)، (۹۵۹) و (۱۰۷۸) این قانون در مورد بدهکار مجری است. در این صورت شخصی که نسبت به تاجر متوقف دعوایی دارد باید علیه نماینده خارجی اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند
	ماده ۱۱۸۰ - آثار مذکور در ماده (۱۱۷۹) این قانون در موارد زیر مرتفع می‌شود: ۱ - هرگاه آثار رسیدگی خارجی شناسایی شده در کشور متبوع دادگاه خارجی مرتفع شود. ۲ - هرگاه اموال بدهکار مطابق ماده (۱۱۸۴) این قانون تقسیم شود.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۳ - هرگاه رسیدگی داخلی به هر دادخواست ورشکستگی، انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه یا ختم تصفیه منجر شود. ۴ - هرگاه تا دو سال از شناسایی رسیدگی خارجی، آثار آن در کشور متبوع دادگاه خارجی مرتفع نشده و هیچ اقدامی برای تقسیم اموال مطابق ماده (۱۱۸۴) این قانون یا شروع رسیدگی داخلی صورت نگرفته باشد.
	ماده ۱۱۸۱ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی فرعی، هرگاه برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران ضرورت داشته باشد، دادگاه می تواند با درخواست نماینده خارجی و با رعایت احکام این بابت آثار شناسایی خارجی اصلی را در مورد شناسایی خارجی غیر اصلی مقرر کند.
	ماده ۱۱۸۲ - ماده (۱۱۷۹) - این قانون مانع از اقامه دعوای ورشکستگی داخلی به موجب احکام این باب یا طرح ادعا در دعوای مذکور نیست.
	ماده ۱۱۸۳ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، اعم از اصلی و غیر اصلی، هرگاه برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران ضرورت داشته باشد، دادگاه می تواند، با درخواست نماینده خارجی، قرار مناسب صادر کند که دربر دارنده موارد زیر باشد: ۱ - تحقیق از گواهان و مطلعان، اخذ دلیل یا ارائه اطلاعات مربوط به اموال و امور بدهکار. ۲ - تفویض اداره یا فروش تمامی یا بخشی از اموال بدهکار که در ایران قرار دارد، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه. تبصره - قرار دادگاه می تواند دربر دارنده تجویز انجام هر کار دیگری باشد که به موجب قوانین اثران مدیر تصفیه داخلی می تواند آن را درخواست کند.
	ماده ۱۱۸۴ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، اعم از اصلی و غیر اصلی، دادگاه می تواند به درخواست نماینده خارجی تقسیم تمام یا بخشی از اموال بدهکار را که در ایران قرار دارند، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه تفویض کند، مشروط بر آنکه دادگاه احراز کند که از منافع

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	بستانکاران داخلی به قدر کفایت محافظت می شود. تقسیم باید مطابق احکام این باب صورت گیرد.
	ماده ۱۱۸۵ - صدور قرار به موجب ماده (۱۱۸۳) این قانون به درخواست نماینده رسیدگی خارجی فرعی در صورتی ممکن است که قرار، مربوط به اموالی باشد که به موجب قانون ایران تحت شمول قانون کشور رسیدگی خارجی فرعی است یا مربوط به اطلاعاتی باشد که در این رسیدگی مورد نیاز است.
	ماده ۱۱۸۶ - در صدور یا امتناع از صدور دستور یا قرار به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون یا در اصلاح یا لغو قرار به موجب ماده (۱۱۸۸)، دادگاه باید کفایت محافظت از منافع بستانکاران و دیگر اشخاص ذی نفع داخلی، از جمله بدهکار، را احراز نماید
	ماده ۱۱۸۷ - دادگاه می تواند قرار صادر شده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون را به شرایطی که مناسب می داند، منوط کند
	ماده ۱۱۸۸ - دادگاه می تواند رأساً به درخواست نماینده خارجی یا سایر اشخاص ذی نفع دستور صادر شده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون را اصلاح یا لغو کند
	ماده ۱۱۸۹ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی اهلیت طرح دعاوی موضوع مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) این باب را دارد
	ماده ۱۱۹۰ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی می تواند با رعایت قوانین ایران در هر رسیدگی که شخص بدهکار طرف آن است، وارد شود
	ماده ۱۱۹۱ - رسیدگی خارجی غیر اصلی زمانی در دادگاه داخلی تعقیب می شود که رسیدگی مذکور مربوط به اموالی باشد که مطابق قانون ایران باید در همان رسیدگی خارجی اداره شوند
	فصل پنجم - همکاری های قضائی ماده ۱۱۹۲ - دادگاه داخلی مطابق احکام این فصل و در مورد مسائل مربوط به رسیدگی خارجی، موضوع این باب، به طور

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مستقیم با دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان آنان همکاری می‌کند
	ماده ۱۱۹۳ - در مسائل مربوط به هر دعوی ورشکستگی اقامه‌شده در ایران، دادگاه داخلی می‌تواند به‌طور مستقیم با دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان آنان ارتباط برقرار کند یا از آنها به‌طور مستقیم درخواست اطلاعات یا کمک کند
	ماده ۱۱۹۴ - همکاری مورد اشاره در مواد (۱۱۹۲) و (۱۱۹۳) این قانون به هر طریق مناسب و بدون نیاز به تشریفات نیابت قضائی به اجرا درمی‌آید، از جمله: ۱ - نصب شخص یا اشخاص معین برای اقدام بر طبق دستور دادگاه ۲ - تبادل اسناد، مدارک و اطلاعات به هر وسیله مناسب به تشخیص دادگاه ۳ - هماهنگ کردن اداره و نظارت بر اموال و امور بدهکار ۴ - تأیید یا اجرای توافقات مربوط به هماهنگ کردن رسیدگی‌های از سوی دادگاه‌ها ۵ - هماهنگ کردن رسیدگی‌های هم‌زمان مربوط به یک بدهکار ۶ - تحقیقات از مطلعان و گواهان و معاینه محلی
	فصل ششم - رسیدگی‌های هم‌زمان ماده ۱۱۹۵ - پس از شناسایی رسیدگی خارجی اصلی در صورت شروع رسیدگی به‌موجب احکام این باب، آثار رسیدگی داخلی به اموال بدهکار در ایران محدود است و در مورد سایر اموال بدهکار، آثار رسیدگی داخلی محدود به اموالی است که به‌موجب قانون داخلی باید مطابق قانون ایران اداره شوند
	ماده ۱۱۹۶ - چنانچه رسیدگی خارجی و داخلی به‌طور هم‌زمان در مورد یک بدهکار در حال انجام باشد، همکاری قضائی مطابق مواد (۱۱۹۲) و (۱۱۹۳) این قانون انجام می‌گیرد. در این صورت رعایت موارد زیر الزامی است: ۱ - چنانچه در زمان ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی در ایران در حال انجام باشد: ۱ - ۱ - هر قرار صادرشده به‌موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید متناسب با رسیدگی در ایران باشد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۱ - ۲ - اگر رسیدگی خارجی به عنوان رسیدگی خارجی اصلی شناسایی شود، مقررات مواد (۱۱۷۹) تا (۱۱۸۲) این قانون اعمال نمی گردند. ۲ - چنانچه رسیدگی در ایران، پس از شناسایی یا ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی شروع شود: ۲ - ۱ - هر قرار معتبر به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید از سوی دادگاه بازنگری شود و در صورتی که متناسب با رسیدگی در ایران نباشد، اصلاح یا لغو گردد. ۲ - ۲ - اگر رسیدگی خارجی اصلی باشد، توقیف و تعلیق مورد اشاره در ماده (۱۱۷۹) این قانون، در صورتی که متناسب با رسیدگی در ایران نباشد، باید اصلاح یا لغو گردد. ۳ - در صدور، تمدید یا اصلاح قرار صادر شده به درخواست نماینده رسیدگی خارجی فرعی، دادگاه باید احراز کند که آن قرار مربوط به اموالی است که به موجب قانون ایران باید در رسیدگی خارجی فرعی اداره شود یا با اطلاعات مورد نیاز در آن رسیدگی مرتبط است.
	ماده ۱۱۹۷ - در صورتی که بیش از یک دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی مطرح باشد، دادگاه باید در صدد همکاری و هماهنگی به موجب مواد (۱۱۹۲)، (۱۱۹۳) و (۱۱۹۴) این قانون برآید و موارد ذیل باید اعمال شوند: ۱ - پس از شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، هر قرار صادر شده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون به درخواست نماینده رسیدگی خارجی فرعی، باید متناسب با آن رسیدگی خارجی اصلی باشد. ۲ - اگر رسیدگی خارجی اصلی، پس از شناسایی یا پس از ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی فرعی، مورد شناسایی قرار گیرد، هر قرار معتبر به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید از سوی دادگاه بازنگری شود و در صورتی که متناسب با رسیدگی خارجی اصلی نباشد، باید اصلاح یا لغو شود. ۳ - چنانچه پس از شناسایی رسیدگی خارجی فرعی، رسیدگی خارجی فرعی دیگری مورد شناسایی قرار گیرد، دادگاه باید به منظور تسهیل هماهنگی آن رسیدگی های، قرار صادر کند یا قرار صادر شده را اصلاح یا لغو کند.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۱۹۸ - در موارد رسیدگی داخلی به موجب احکام این باب، شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، دلیل آن است که آن بدهکار ورشکسته است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود
	ماده ۱۱۹۹ - جز در مورد مطالبات دارای وثیقه یا حقوق عینی، بستانکاری که در جریان رسیدگی خارجی، بخشی از طلب خود را دریافت کرده است تا وقتی که پرداخت به دیگر بستانکاران از طبقه مشابه، به طور نسبی کمتر از وجهی باشد که آن بستانکار دریافت کرده است، نمی تواند برای همان ادعا در رسیدگی مربوط به همان بدهکار به موجب احکام این باب وجهی را دریافت کند
ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود: (۱) در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است. (۲) در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است. (۳) اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازل تر از مظنه روز کرده باشد یا اگر بهمان قصد وسایلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد. (۴) اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد	باب دهم - جرائم و مجازات ها فصل اول - ورشکستگی به تقصیر ماده ۱۲۰۰ - تاجر در موارد زیر ورشکسته به تقصیر اعلام می شود: ۱ - در صورتی که مخارج شخصی یا مخارج خانه او در ایام عادی نسبت به عایدی او فوق العاده باشد. ۲ - در صورتی که نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده ای را صرف معاملاتی کند که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است. ۳ - در صورتی که به قصد تأخیر انداختن اعلام توقف خود خریدی بالاتر یا فروشی نازل تر از مظنه روز کند و یا به همان قصد وسایل دور از صرفه ای به کار برد تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض، صدور برات و یا به طریق دیگر باشد
ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود: (۱) اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد. (۲) اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد.	ماده ۱۲۰۱ - تاجری که توقف او اعلام گردیده است در موارد زیر ورشکسته به تقصیر اعلام می شود: ۱ - در صورتی که از تأدیه دیون نقدی خود متوقف باشد و مطابق مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون رفتار نکند. ۲ - در صورتی که دفتر نداشته و یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب باشد و یا مندرجات صورت دارایی خود را به دقت

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

لایحه تجارت	قانون تجارت
تنظیم نکرده باشد مشروط بر اینکه مشمول ماده (۱۲۰۶) این قانون نباشد	۳) اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا به ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).
ماده ۱۲۰۲ - مجازات ورشکسته به تقصیر حبس تعزیری درجه شش است	ماده ۵۴۳ - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا سه سال حبس تأدیبی است. ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
ماده ۱۲۰۳ - به جرم تاجر ورشکسته به تقصیر بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هریک از طلبکاران یا تعقیب دادستان رسیدگی می شود	ماده ۵۴۴ - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا تعقیب مدعی العموم در محکمه جنحه به عمل می آید.
ماده ۱۲۰۴ - مدیر تصفیه نمی تواند به نام بستانکاران از تاجر به عنوان ورشکستگی به تقصیر شکایت کند مگر پس از تصویب اکثریت بستانکاران که طلبشان تصدیق شده است. این امر مانع از اعلام ورشکستگی به تقصیر به وسیله مدیر تصفیه به دادستان نیست	ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمی تواند تاجر ورشکسته را به عنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر
ماده ۱۲۰۵ - مخارج تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر در صورت محکومیت او به عهده دولت است لکن دولت حق دارد در صورتی که قرارداد ارفاقی امضاء شود پس از پایان دوره قرارداد و در صورت ورشکستگی پس از تصفیه حساب تاجر و ملاتت او از این بابت به وی رجوع نماید. در صورت برائت تاجر، مخارج تعقیبی که به شکایت مدیر تصفیه و به نام بستانکاران انجام می گیرد بر عهده هیأت بستانکاران، و مخارج تعقیبی که به شکایت هر یک از بستانکاران انجام می گیرد بر عهده آن بستانکار و در صورتی که دادستان رأساً اقدام به تعقیب کند بر عهده دولت است	ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها می شود در صورت برائت تاجر به عهده هیئت طلبکارها و در صورتی که محکوم شد به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید. ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها به عمل می آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برائت ذمه به عهده تعقیب کننده است.
فصل دوم - ورشکستگی به تقلب ماده ۱۲۰۶ - هر تاجر متوقف که دفاتر خود را از دسترس خارج کند یا از بین ببرد یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کند و یا به طریق مواضعه یا معاملات صوری یا به هر نحو	ماده ۵۴۹ - هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد و یا

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
به وسیله صورت دارائی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می شود. ماده ۶۷۰ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: کسانی که به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم می شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهند شد	دیگر از دسترس خارج نماید و همچنین هر تاجر متوقف که متقلبان خود را به وسیله اسناد و یا صورت دارایی به میزانی که در حقیقت مدیون نیست مدیون قلمداد کند و یا به طور متقلبان اموال خود را در صورت دارایی بیشتر از قیمت واقعی ارزیابی نماید، ورشکسته به تقلب اعلام می شود
	ماده ۱۲۰۷ - هرگاه تاجر متوقف بعد از تاریخ توقف با علم به توقف یکی از معاملات موضوع ماده (۹۵۷) این قانون را انجام دهد و یا یکی از بستانکاران را بر دیگر بستانکاران ترجیح دهد و طلب او را بپردازد در صورتی که حکم ورشکستگی او صادر شود به مجازات مقرر برای ورشکستگی به تقلب محکوم می شود مشروط بر اینکه بیش از شش ماه از تاریخ پرداخت دین نگذشته باشد. همچنین است در مورد تاجری که به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) عمل نکند و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفرخواست صادر شود و یا پس از تاریخ توقف در اموال خود تصرف نماید.
ماده ۶۷۰ و قانون مجازات اسلامی: کسانی که به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم می شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهند شد	ماده ۱۲۰۸ - کسانی که به ارتکاب جرم ورشکستگی به تقلب محکوم می شوند مجازات آنها حبس تعزیری درجه پنج است
ماده ۵۵۰ - راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم الرعایه است	ماده ۱۲۰۹ - تعقیب جرم ورشکستگی به تقلب با اعلام مدیر تصفیه یا هر یک از بستانکاران و یا رأساً از جانب دادستان شروع می شود. شروع تعقیب با اعلام مدیر تصفیه منوط به مراعات مفاد ماده (۱۲۰۴) این قانون از جانب اوست
ماده ۵۵۰ - راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم الرعایه است	ماده ۱۲۱۰ - مخارج تعقیب تاجر ورشکسته به تقلب در صورت محکومیت او به عهده دولت است لکن دولت حق دارد پس از تصفیه حساب تاجر و ملات او از این بابت به وی رجوع نماید. در صورت برائت تاجر، مخارج تعقیبی که به شکایت مدیر تصفیه و به نام بستانکاران انجام می گیرد بر عهده هیأت بستانکاران و مخارج تعقیبی که به شکایت

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	هریک از بستانکاران انجام می‌گیرد برعهده آن بستانکار و در صورتی که دادستان رأساً اقدام به تعقیب کند برعهده دولت است.
ماده ۵۵۱ - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد: (۱) اشخاصی که عالماً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارائی منقول یا غیرمنقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند. (۲) اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ التزام داده باشند.	فصل سوم - جرائمی که اشخاصی غیر از تاجر در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند ماده ۱۲۱۱ - اشخاص زیر مجرم محسوب و به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم می‌گردند: ۱ - اشخاصی که به نفع تاجر متوقف یا ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیرمنقول او را مخفی نمایند و یا پیش خود نگاه دارند و یا به هر نحو از دسترس خارج کنند. ۲ - اشخاصی که به طور متقلبانه به اسم خود و یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را واقعی قلمداد کنند
ماده ۵۵۳ - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاهدارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد	ماده ۱۲۱۲ - اگر اقوام شخص تاجر متوقف یا ورشکسته بدون شرکت وی اموال او را مخفی نمایند و یا پیش خود نگاه دارند و یا به هر نحو از دسترس خارج کنند، به حبس تعزیری درجه هفت و شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند.
ماده ۵۵۴ - در موارد معینه در مواد قبل محکمه‌ای که رسیدگی می‌کند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشد - حکم بدهد: (۱) راجع برد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طلبکارها - این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند. (۲) راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است.	ماده ۱۲۱۳ - در موارد معین در مواد قبل دادگاه رسیدگی کننده باید در مورد مسائل زیر نیز رأی بدهد حتی اگر متهم تبرئه شده باشد: ۱ - رد کلیه اموال و حقوق موضوع جرم به هیأت بستانکاران ۲ - ضرر و زیان ناشی از جرم
ماده ۵۵۵ ق.ت. - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵	ماده ۱۲۱۴ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی امور تاجر ورشکسته مالی را حیف و میل کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود
ماده ۵۵۶ - هر گاه مدیر تصفیه اعم از اینکه طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی با	ماده ۱۲۱۵ - هرگاه مدیر تصفیه، اعم از اینکه بستانکار باشد یا نباشد، در امر رسیدگی به توقف، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد به نفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.	و یا ورشکستگی مستقیم یا غیرمستقیم با شخص تاجر یا دیگری به نفع خود و به زیان تمام یا برخی از بستانکاران تبانی نماید و یا قرارداد خصوصی منعقد کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود
	ماده ۱۲۱۶ - شروع تعقیب کیفری به موجب احکام این باب مانع جریان رسیدگی به دادخواست تقاضای ورشکستگی در دادگاه صالح و اعمال مقررات مترتب بر آن نیست مگر اینکه قانون بر آن تصریح نماید
ماده ۵۵۹ - در تمام مواردی که کسی به واسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از موارد مذکور در ماده (۱۲۱۳) این قانون از صلاحیت دادگاهی که به این جرم رسیدگی می کند خارج می شود	ماده ۱۲۱۷ - در تمام مواردی که تاجری به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از موارد مذکور در ماده (۱۲۱۳) این قانون از صلاحیت دادگاهی که به این جرم رسیدگی می کند خارج می شود
ماده ۵۵۸ - هر حکم محکومیتی که به موجب این فصل یا به موجب فصول سابق صادر بشود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد	ماده ۱۲۱۸ - هر حکم محکومیتی که به موجب احکام این باب صادر شود باید به هزینه محکوم علیه آگهی گردد.
ماده ۵۶۰ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه را به او بدهد.	ماده ۱۲۱۹ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای دادستان یا قاضی رسیدگی کننده کلیه اسناد، نوشتجات، اوراق و اطلاعات لازم را به او بدهد. موارد محول حسب مورد تا پایان تحقیقات یا دادرسی نزد دادستان یا قاضی باقی می ماند
	ماده ۱۲۲۰ - در این باب مدیر تصفیه اعم از امین و مدیر تصفیه امور ورشکستگی است.
ماده اول ق. اداره تصفیه - در هر حوزه دادگاه شهرستان که وزارت دادگستری مقتضی بداند اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تأسیس می نماید و در این موارد عضو ناظر تعیین نخواهد شد. ماده دوم ق. اداره تصفیه - - رئیس و کارمندان اداره تصفیه ممکن است از بین خدمتگزاران قضائی یا اداری یا از غیر خدمتگزاران دولت انتخاب شود - اداره تصفیه به قدر لزوم کارمند خواهد داشت.	باب یازدهم - اداره امور ورشکستگی فصل اول - کلیات ماده ۱۲۲۱ - در مراکز کلیه استان ها و نیز شهرستان هایی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می دهد اداره تصفیه امور ورشکستگی که از این به بعد اداره نامیده می شود تشکیل می شود. اداره به تعداد کافی قاضی ناظر در اختیار دارد که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می شود. مدیران تصفیه تحت نظارت این اداره فعالیت می کنند. در موارد ضروری به

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	پیشنهاد رئیس حوزه قضائی و تأیید دادگاه، تصدی امر تصفیه نیز به اداره واگذار می‌شود.
	ماده ۱۲۲۲ - وظایف و اختیارات اداره عبارتند از: ۱ - نظارت بر امر تصفیه ۲ - تصدی امر تصفیه در موارد ضروری به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی و تأیید دادگاه ۳ - برگزاری دوره‌های کارآموزی و اعطای پروانه مدیریت تصفیه به داوطلبان واجد شرایط قانونی ۴ - نظارت بر فعالیت‌های کارآموزان و مدیران تصفیه از طریق دادسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه و درخواست تعقیب مرتکبان تخلفات مدیران تصفیه ۵ - برنامه ریزی برای ارتقای سطح علمی و عملی کارآموزان و مدیران تصفیه و برگزاری دوره‌های آموزشی ۶ - ارائه نظریه‌های مشورتی به مدیران تصفیه و مراجع مربوط در راستای ایجاد وحدت رویه در اجرای وظایف مربوط به مدیران تصفیه ۷ - پاسخ به استعلامات مربوط به توقف و ورشکستگی اشخاص حقیقی و حقوقی و مدیر یا مدیران و مدیر عامل آنها ۸ - نمایندگی کشور در مجامع بین‌المللی مربوط به ورشکستگی ۹ - نشر آگهی‌های موضوع این باب در پایگاه الکترونیک اداره به هزینه متقاضی ۱۰ - مستند سازی پرونده‌های در جریان و خاتمه یافته ورشکستگی تبصره - حداقل دوره‌های آموزشی که مدیران تصفیه برای اخذ پروانه باید طی کنند به‌موجب آیین‌نامه اجرائی مشخص خواهد شد.
	ماده ۱۲۲۳ - رئیس اداره به‌وسیله رئیس قوه قضائیه از بین حقوقدانان دارای پایه قضائی و متخصص در امر ورشکستگی و تصفیه و با حداقل ده سال سابقه کار قضائی انتخاب می‌شود و اداره آن را برعهده دارد
	ماده ۱۲۲۴ - برای اخذ پروانه مدیریت تصفیه علاوه بر شرایط استخدام مندرج در قانون مدیریت خدمات کشوری احراز شرایط زیر الزامی است: ۱ - داشتن حداقل سی سال سن

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۲ - دارا بودن مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های حقوق، اقتصاد، حسابداری، مدیریت یا یکی از رشته‌های مرتبط به تشخیص رئیس قوه قضائیه ۳ - داشتن حداقل پنج سال سابقه کار در رشته‌های مذکور در بند (۲) ۴ - نداشتن حجر ۵ - نداشتن محکومیت به انفصال دائم از اشتغال به مدیریت تصفیه به موجب رأی قطعی مراجع صالح مذکور در این قانون ۶ - نداشتن محکومیت به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی ۷ - موفقیت در آزمون ورودی و طی دوره کارآموزی و تأیید صلاحیت علمی به وسیله هیأت اختبار تبصره ۱ - کسی که به اتهام ارتکاب جرمی که مطابق این قانون عدم ارتکاب آن شرط تصدی مدیریت تصفیه است، تحت تعقیب قرار می‌گیرد و علیه او کیفرخواست صادر می‌شود، تا زمان صدور حکم قطعی برائت نمی‌تواند مدیر تصفیه شود. تبصره ۲ - کسانی که به دلیل ارتکاب جرم یا تخلف از خدمات عمومی یا دولتی، وکالت یا کارشناسی رسمی منفصل شوند، نمی‌توانند در دوره انفصال مدیر تصفیه گردند.
	ماده ۱۲۲۵ - آزمون ورودی مدیران تصفیه به صورت سراسری برگزار و نتایج آن بر اساس معدل کسب شده در آزمون در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌شود. نحوه برگزاری آزمون و سطح علمی آن، کیفیت طراحی سؤالات، حد نصاب لازم برای قبولی در آزمون ورودی، دوره‌های زمانی برگزاری آزمون و زمان برگزاری آن در هر دوره مطابق آیین‌نامه اجرائی است
	ماده ۱۲۲۶ - اشخاص حقوقی را نیز می‌توان به عنوان مدیر تصفیه انتخاب کرد مشروط بر اینکه دارای شرایط لازمی که به موجب آیین‌نامه اجرائی مشخص می‌شود باشند.
	فصل دوم - مقررات انتظامی مبحث اول - مجازات انتظامی

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۲۲۷ - مجازات‌های انتظامی به‌ترتیب زیر است: ۱ - توبیخ بدون درج در پرونده ۲ - توبیخ با درج در پرونده ۳ - توبیخ با درج در پرونده، خبرنامه و پایگاه الکترونیک اداره ۴ - تعلیق از مدیریت تصفیه از سه ماه تا یک سال ۵ - محرومیت موقت از تصدی سمت مدیریت تصفیه از یک تا سه سال ۶ - محرومیت دائم از تصدی سمت مدیریت تصفیه
	ماده ۱۲۲۸ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا سه محکوم می‌شوند: (۹۲۱)، (۹۲۳)، (۹۲۴)، (۹۲۹)، (۹۳۶)، (۹۷۰)، (۹۷۲)، (۱۰۰۳)، (۱۰۰۷)، (۱۰۱۱)، (۱۰۱۷)، (۱۰۲۴)، (۱۰۲۶)، (۱۰۴۷)، (۱۰۵۵)، (۱۰۶۵)، (۱۰۶۶)، (۱۰۹۴)، (۱۱۱۵) و (۱۱۱۹) این قانون
ماده پنجاه و نهم ق. اداره تصفیه - رئیس و کارمندان اداره تصفیه (اعم از مأمورین زیرپایه یا قراردادی یا دارای پایه) در صورتی که از مقررات این قانون تخلف کنند مطابق آئین‌نامه‌های وزارت دادگستری مورد تعقیب و مجازات انتظامی واقع خواهند شد.	ماده ۱۲۲۹ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار یا پنج محکوم می‌شوند: (۹۰۹)، (۹۷۴)، (۹۹۰)، (۹۹۸)، (۱۰۹۵)، (۱۱۱۰)، (۱۱۱۷)، (۱۱۱۸) و (۱۲۱۹) این قانون
ماده پنجاه و نهم ق. اداره تصفیه - رئیس و کارمندان اداره تصفیه (اعم از مأمورین زیرپایه یا قراردادی یا دارای پایه) در صورتی که از مقررات این قانون تخلف کنند مطابق آئین‌نامه‌های وزارت دادگستری مورد تعقیب و مجازات انتظامی واقع خواهند شد.	ماده ۱۲۳۰ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد (۹۳۷)، (۱۲۱۴) و (۱۲۱۵) این قانون به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه پنج یا شش محکوم می‌شوند.
	ماده ۱۲۳۱ - چنانچه مدیر تصفیه، بعد از شروع کارآموزی یا اخذ پروانه، فاقد یکی از شرایط لازم برای تصدی سمت مدیر تصفیه شود، مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ فقدان شرط مربوطه، مراتب را به اداره اعلام و اگر پروانه اخذ کرده است،

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	آن را تسلیم اداره کند. در غیر این صورت به مجازات انتظامی درجه شش محکوم می‌شود.
	ماده ۱۲۳۲ - صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت مدیر تصفیه به ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص نفس، اعدام، حبس ابد و جرائم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت غیر حدی، رشاء، ارتشاء، اختلاس و جرائم موضوع قانون بازار بورس و اوراق بهادار موجب مجازات انتظامی درجه شش است.
	ماده ۱۲۳۳ - ارتکاب تخلفات متعدد، مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است. چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می‌شود که شدیدتر است
	ماده ۱۲۳۴ - چنانچه مدیر تصفیه مرتکب تخلفی شود که در گذشته به سبب آن تخلف محکوم و مجازات شده است، به مجازات حداقل یک درجه و حداکثر دو درجه شدیدتر از مجازات تعیین شده قبلی، محکوم می‌شود.
	مبحث دوم - دادسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه ماده ۱۲۳۵ - به‌منظور رسیدگی به تخلفات مدیران تصفیه، دادگاه انتظامی به‌ترتیب مقرر در مواد آتی تشکیل می‌شود. دادگاه انتظامی می‌تواند بنا به تشخیص رئیس اداره، شعب متعدد داشته باشد. در صورت تعدد شعب ریاست شعب با رئیس شعبه اول خواهد بود.
	ماده ۱۲۳۶ - رئیس هر شعبه به‌وسیله رئیس اداره انتخاب می‌شود. همچنین رئیس اداره یک عضو علی‌البدل را نیز با شرایط مقرر در این باب برای هر شعبه دادگاه انتخاب می‌کند تا در موارد رد یا غیبت رئیس شعبه جایگزین او شود. این امر مانع از آن نیست که رئیس شعبه انجام بعضی امور غیر از دادرسی و صدور رأی را به دادرس علی‌البدل ارجاع کند. حسب مورد رئیس شعبه یا دادرس علی‌البدل موظفند در جلسات رسیدگی حضور یابند مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند. عذر موجه به تشخیص رئیس اداره است
	ماده ۱۲۳۷ - رئیس شعبه دادگاه انتظامی و دادرس علی‌البدل باید علاوه بر شرایط استخدام در قانون مدیریت

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	خدمات کشوری و بندهای (۵) و (۶) ماده (۱۲۲۴) این قانون، دارای شرایط زیر باشند: ۱ - داشتن حداقل چهل سال سن ۲ - دارا بودن مدرک کارشناسی در رشته حقوق ۳ - داشتن حداقل ده سال سابقه کار حقوقی ۴ - نداشتن هرگونه محکومیت انتظامی
	ماده ۱۲۳۸ - مدت تصدی رئیس شعبه یا دادرس علی‌البدل دادگاه انتظامی دو سال است. انتخاب مجدد آنها برای یک دوره دیگر بلامانع است.
	ماده ۱۲۳۹ - دادرسرای انتظامی در کنار هر دادگاه انتظامی تشکیل می‌شود. ریاست دادرس با دادستان است و می‌تواند به تشخیص رئیس اداره تعداد لازم معاون و دادیار داشته باشد. معاونان و دادیاران در امر تعقیب و رسیدگی تحت نظارت و تعلیمات دادستان اقدام می‌کنند.
	ماده ۱۲۴۰ - دادستان انتظامی به‌وسیله رئیس اداره برای مدت دو سال انتخاب می‌شود. انتخاب مجدد دادستان بلامانع است. دادستان انتظامی باید واجد شرایط مقرر در ماده (۱۲۳۷) این ماده ۱۲۴۱ - معاونان دادستان و دادیاران به پیشنهاد دادستان و تأیید رئیس اداره از بین اشخاصی که علاوه بر شرایط استخدام در قانون مدیریت خدمات کشوری و بندهای (۱)، (۵) و (۶) ماده (۱۲۲۴) این قانون، دارای شرایط زیر باشند انتخاب می‌شود: ۱ - دارا بودن مدرک کارشناسی در رشته حقوق ۲ - داشتن حداقل پنج سال سابقه اشتغال به کار حقوقی ۳ - نداشتن محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر تبصره - در صورت تعدد معاونان، یک نفر از آنان به پیشنهاد دادستان و تأیید رئیس اداره به‌عنوان جانشین دادستان تعیین می‌شود. قانون باشد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۲۴۲ - رئیس شعبه، دادرس علی‌البدل و دادستان، معاونان دادستان و دادیاران به شرط داشتن شرایط مقرر در مواد (۱۲۳۷) و (۱۲۴۱) این قانون می‌توانند از میان کارکنان اداره یا خارج انتخاب شوند.
	ماده ۱۲۴۳ - مرجع تجدید نظر آراء دادگاه انتظامی مدیران تصفیه، دادگاه انتظامی قضاات است.
	ماده ۱۲۴۴ - به تخلفات دادرسان شعب دادگاه انتظامی و دادستان انتظامی مدیران تصفیه در دادگاه انتظامی قضاات رسیدگی می‌شود
	ماده ۱۲۴۵ - نحوه رسیدگی به تخلفات انتظامی مدیران تصفیه در دادرس و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه به موجب مقررات آیین‌نامه اجرائی خواهد بود.
	باب دوازدهم - سایر مقررات ماده ۱۲۴۶ - در کلیه مواردی که آگهی آراء یا تصمیمات مربوط حسب احکام این باب ضروری باشد، آگهی در روزنامه‌هایی منتشر می‌شود که رأی اعلام توقف برای اولین بار در آن منتشر شده است
	ماده ۱۲۴۷ - کلیه آگهی‌های موضوع این باب در پایگاه الکترونیک اداره امور ورشکستگی نیز منتشر می‌شود
	ماده ۱۲۴۸ - در کلیه مواردی که رأی صادر شده نزد دادگاه صادر کننده رأی توقف، قابل شکایت است، مهلت شکایت تا قطعی شدن فهرست نهائی بستانکاران است.
	ماده ۱۲۴۹ - تاجری که حکم توقف او صادر می‌شود را نمی‌توان به سبب نپرداختن دین حبس نمود
	ماده ۱۲۵۰ - مدیر تصفیه نمی‌تواند هم‌زمان بیش از یک پرونده را رسیدگی کند
	ماده ۱۲۵۱ - دعاوی ورشکستگی در شعب ویژه‌ای که به وسیله رئیس دادگستری هر شهرستان مشخص می‌شود مورد رسیدگی قرار می‌گیرد

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	ماده ۱۲۵۲ - ورشکستگی بانکها و شرکت‌های بیمه، تابع احکام این باب است مگر اینکه در سایر قوانین و مقررات احکام دیگری پیش بینی شده باشد
ماده پنجاه و یکم ق. اداره تصفیه - اداره تصفیه دارای دو صندوق است - صندوق (الف) و صندوق (ب) ماده پنجاه و دوم ق. اداره تصفیه - درآمد صندوق (الف) عبارت از وجوهی است که به عنوان هزینه امور ورشکستگی دریافت می شود این درآمد به موجب آئین نامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد. ماده پنجاه و سوم ق. اداره تصفیه - درآمد صندوق (الف) به مصرف سازمان و برداشت هر گونه هزینه که اداره تصفیه برای تصفیه امور ورشکستگی لازم داشته باشد خواهد رسید. ماده پنجاه و چهارم ق. اداره تصفیه - درآمد صندوق (ب): ۱ - ۱۰۰٪ به حقوقی که به موجب قانون ثبت شرکتها مصوب ۲ خرداد ماه ۳۱۰ و ماده ۱۱ قانون تجارت برای امضاء دفاتر تجاری تعلق می گیرد اضافه شده و فقط نصف از کل وجوه دریافتی جزو درآمد صندوق (ب) اداره تصفیه امور ورشکستگی می باشد. ۲ - از مبلغ موضوع اعتراض نامه که به موجب ماده ۲۹۳ قانون تجارت تنظیم می شود از قرار هر ۱۰ ریالی بیست دینار گرفته شده که نصف آن جزو درآمد عمومی کشور منظور و فقط یک ربع از کل وجوه دریافتی جزو درآمد صندوق ب اداره تصفیه امور ورشکستگی می باشد. ماده پنجاه و پنجم ق. اداره تصفیه - هر یک از دو صندوق نامبرده دارای شخصیت حقوقی بوده و صندوق (الف) می تواند از صندوق (ب) در صورت اقتضا وام بگیرد - وزارت دادگستری نسبت به آن دو نظارت تام خواهد داشت. ماده پنجاه و ششم ق. اداره تصفیه - درآمدهای دو صندوق جزء درآمد بودجه عمومی کشور منظور نخواهد شد.	ماده ۱۲۵۳ - در هر مورد که تصفیه اموال ورشکسته صورت می گیرد معادل کل هزینه هایی که برای امر تصفیه صرف می شود قبل از پرداخت هر گونه وجهی به بستانکاران از اموال ورشکسته کسر و به حساب صندوق ورشکستگی واریز می گردد. به منظور تأمین وجوه لازم برای صرف هزینه های ورشکستگی، مبالغ مشروح زیر دریافت و به صورت وجوه امانی و تنخواه به حساب درآمد اختصاصی صندوق ورشکستگی نزد خزانه واریز می شود: ۱ - نیم درصد (۰/۵٪) در آمد حاصل از واخواست اسناد تجارتي ۲ - دو درصد (۰/۲٪) از محل پلمپ دفاتر تجارتي تبصره ۱ - چنانچه موجودی صندوق مزبور در پایان سال مالی بیش از دو برابر تنخواه هزینه شده باشد، مازاد آن به عنوان درآمدهای عمومی به خزانه دولت واریز می شود. تبصره ۲ - صرف هزینه های ورشکستگی شامل موارد زیر می گردد: ۱ - هزینه های مربوط آگهی های موضوع این باب ۲ - حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه ۳ - هزینه های مربوط به اداره موقت، حفظ و نگهداری تجارتخانه و فروش یکجای آن ۴ - هزینه های قانونی مربوط به اجرای وظایف مدیر تصفیه مانند هزینه های اقامه دعوی، ارزیابی و حسابرسی تبصره ۳ - چگونگی اداره صندوق و مصرف وجوه آن و نظارت بر عملکرد صندوق به موجب آیین نامه اجرائی خواهد بود که به وسیله وزیر دادگستری و با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
وصول و مصرف آن مشمول هیچیک از مقررات مالی اعم از قوانین و غیر آن نخواهد بود. ماده پنجاه و هفتم ق. اداره تصفیه - ترتیب وصول درآمد و نظارت هزینه این دو صندوق به موجب آئین نامه که وزارت دادگستری تعیین می کند معین خواهد شد. ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ جزء ۲ و ۳ بند "ه" ماده ۱ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۸	
	ماده ۱۲۵۴ - آیین نامه اجرائی مواد (۹۳۲)، (۹۶۸)، (۹۷۵)، (۱۰۶۳) و (۱۰۶۷) به وسیله وزارت دادگستری و با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.
	ماده ۱۲۵۵ - آیین نامه اجرائی مواد (۹۸۷)، (۱۰۰۵)، (۱۲۲۲)، (۱۲۲۵)، (۱۲۲۶) و (۱۲۴۵) به وسیله وزارت دادگستری و با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.
	ماده ۱۲۵۶ - این قانون در مورد مؤسسات غیر تجاری، موقوفات و شرکت های تجاری اعم از اینکه شرکا و یا سهامداران آنها دولت، مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و اشخاص خصوصی باشند نیز مجری است.
	ماده ۱۲۵۷ - مجازات های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می شود. همچنین مجازات های نقدی مذکور در این قانون برای اشخاص حقیقی در باره اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر است.

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد شد.
	ماده ۱۲۵۸ - در هر مورد که شخصی متعهد به ایفای دینی است باید متفرعات طلب را نیز مطابق مقررات قانونی ایفای کند. متفرعات طلب شامل خسارت تأخیر در انجام تعهد و خسارات دادرسی است. در تعهدات پولی، خسارت ناشی از کاهش ارزش پول نیز، در ردیف متفرعات طلب، بر اساس تغییر شاخص سالانه اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از زمان مطالبه دین اصلی تا هنگام تأدیه آن تعیین می شود و در صورت مطالبه دین اصلی و امتناع مدیون از پرداخت قابل مطالبه است، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.
	ماده ۱۲۵۹ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه های اجرایی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.
	کتاب پنجم - مقررات نهائی ماده ۱۲۶۰ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون که در ذیل احصاء شده است و اصلاحیه ها، الحاقیه ها و آیین نامه های اجرایی آنها نسخ می گردد: ۱ - قانون راجع به ثبت شرکت ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ ۲ - قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ ۳ - قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ ۴ - قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه های کشور مصوب ۱۳۴۳/۳/۱۹ ۵ - قانون طرز استفاده از درآمد صندوق های (الف) و (ب) اداره کل تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۴۴/۲/۲ ۶ - لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴

ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

قانون تجارت	لایحه تجارت
	۷ - مقررات راجع به تشکیل، اداره، انحلال و تصفیه، تغییرات در سرمایه، ادغام، تجزیه و حسابهای شرکت تعاونی در قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ ۸ - قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ ۹ - مقررات راجع به تشکیل، اداره، انحلال و تصفیه، تغییرات در سرمایه، ادغام، تجزیه و حسابهای شرکت تعاونی در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ ۱۰ - قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶/۸/۲۱ ۱۱ - بندهای (۲۲)، (۲۸)، (۲۹)، (۳۰) و (۳۱) ماده (۱)، بند (۴) ماده (۲۷)، بند (۴) ماده (۴۶) و مواد (۲۰)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۴)، (۲۵) و تبصره‌های مواد (۲۲) و (۲۳) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ در مورد انتشار اوراق سهام در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهام عام در مرحله تشکیل و افزایش سرمایه